



# درس‌های مقاومت

(یادداشت‌های کوتاه اعضای هیئت علمی  
دانشگاه فرهنگیان در جنگ رمضان)

جلد اول

گردآورنده:

معاونت پژوهش و فناوری



دانشگاه فرهنگیان

انتشارات دانشگاه فرهنگیان

بهار ۱۴۰۵



دانشگاه فرهنگیان

انتشارات دانشگاه فرهنگیان

درس‌های مقاومت (یادداشت‌های کوتاه اعضای هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان در جنگ رمضان)

گردآورنده: معاونت پژوهش و فناوری

ویراستار ادبی و زبانی: راضیه مردی

طراح و صفحه‌آرا: راضیه مردی

چاپ اول: بهار ۱۴۰۵

صحافی و چاپ: انتشارات دانشگاه فرهنگیان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۸۰۷-۶۲-۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

تمامی حقوق مربوط به انتشار این اثر برای ناشر محفوظ و نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

نشانی: تهران، شهرک قدس، بلوار شهید محمد فرحزادی، خیابان تربیت معلّم سازمان مرکزی دانشگاه فرهنگیان، کدپستی ۱۹۳۹۶۱۴۴۶۴

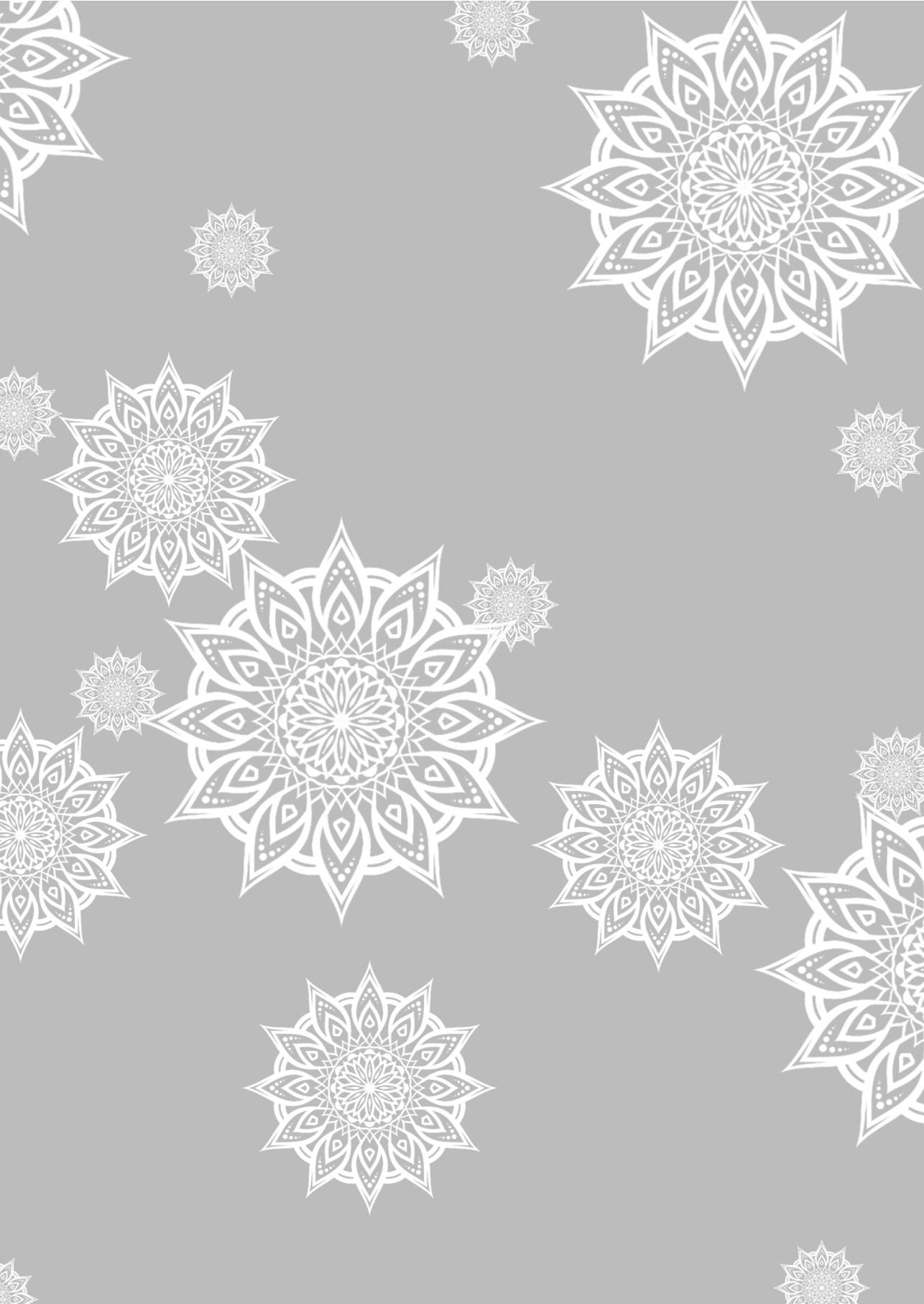
سامانه فروش الکترونیکی کتاب دانشگاه فرهنگیان: [bookshop.cfu.ac.ir](http://bookshop.cfu.ac.ir)

تلفن: ۸۷۷۵۱۷۰۰-۸۷۷۵۱۷۱۰





صالح بن صالح  
رئيس اللجنة الدينية بـمجلس  
العلماء





## فهرست مطالب

|    |   |
|----|---|
| ۵۸ | سخن رئیس دانشگاه فرهنگیان.....<br>دکتر رجبعلی برزوئی  |
| ۶۰ | یادداشت یک.....<br>استقامت و هدایت؛ به نام «الله» و به یاد «الْقَائِم»<br>شهرام نظری                      |
| ۶۱ | یادداشت دو.....<br>فرهنگ شهادت؛ ریشه‌های قرآنی و حدیثی، سازنده هویت و سرمایه اجتماعی<br>دلاور وارسته تفتی |
| ۶۳ | یادداشت سه.....<br>هم‌آوایی ایرانیت و اسلام در گهواره تربیت<br>سارا عابدی کوشکی                           |
| ۶۴ | یادداشت چهار.....<br>کلاه گشاد «تربیت لیبرال»<br>سید نقی موسوی  |
| ۶۵ | یادداشت پنج.....<br>بازطراحی کارورزی دانشگاه فرهنگیان معطوف به تربیت در ساحت عملی جنگ<br>حیدر همتی        |
| ۶۶ | یادداشت شش.....<br>ضرورت اقدام و عمل در جهاد تبیین<br>صادق رشیدی  |





یادداشت هفت..... ۶۷

تربیت خیابانی  
حسن نجفی

یادداشت هشت..... ۶۸

جنگ و آموزش مجازی  
سمانه شفیعی

یادداشت نه..... ۶۹

علوم انسانی غربی و میزان تعهد به انسانیت  
پرستو مصباحی جمشید

یادداشت ده..... ۷۰

تحول در دانشگاه فرهنگیان؛ ضرورت آموزش فنون رزمی در پرتو آموزه‌های امام خمینی (ره)  
حیدر همتی

یادداشت یازده..... ۷۱

نقش دانشگاه فرهنگیان در تقویت وحدت ملی و انسجام اجتماعی  
معصومه محمدآبادی

یادداشت دوازده..... ۷۲

وطن‌دوستی و تربیت صحیح  
سعیده بیرجندی

یادداشت سیزده..... ۷۳

تأملی در معنای «تربیت انقلابی» در منظومه فکری امام شهید خامنه‌ای  
محمد شهریار

یادداشت چهارده..... ۷۴

دانشگاه فرهنگیان؛ بستری برای تمدن‌سازی  
فریبا جلیلیان

یادداشت پانزده..... ۷۵

حماسه‌ی مقاومت، به استعانتِ اسماءِ الهی  
شهرام نظری





یادداشت شانزده..... ۷۶

اومانیزم، «چاه تربیت» یا «بام تربیت»؟  
سید نقی موسوی

یادداشت هفده..... ۷۷

فرصتی بزرگ برای درس میهن‌دوستی  
فاطمه رضایی

یادداشت هجده..... ۷۸

یاد رهبر شهید و فرهنگ جاودانه شهادت  
محمدرضا طوسی نصرآبادی

یادداشت نوزده..... ۷۹

اجتماع قلوب دستاورد بزرگ جنگ رمضان  
سید صدرالدین محمودی

یادداشت بیست..... ۸۰

زبان مقاومت  
پوران رضائی

یادداشت بیست و یک..... ۸۱

خداباوری و جنگ رمضان  
مرتضی یعقوبخانی

یادداشت بیست و دو..... ۸۲

دشمن‌شناسی با پرورش ذهن و عقلانیت در کلاس  
آرزو احمدآبادی

یادداشت بیست و سه..... ۸۳

احمدرضا بسیج

یادداشت بیست و چهار..... ۸۴

رمضان ۴۰۴، هنگامه‌ی «نه» گفتن‌های غرورانگیز؛ (نه به نفس، نه به نفاق، نه به استکبار)  
محمدصادق ضرونی





- یادداشت بیست و پنج..... ۸۵  
تحلیل جامعه‌شناختی نقش مؤلفه‌های فرهنگی در تکوین هویت ملی و بازنمایی آن در ادبیات  
ایستادگی  
رحمت‌الله محمودی
- یادداشت بیست و شش..... ۸۶  
جذبۀ میهن در پرتو تربیت معلم: بالندگی نسل آینده  
مهدی نامداری پژمان
- یادداشت بیست و هفت..... ۸۷  
تربیت و الگوی مقاومت در مکتب امام خامنه‌ای شهید  
علیرضا ولی پوربابلی
- یادداشت بیست و هشت..... ۸۸  
تربیت زینب گونه  
راحله میرآخورلی
- یادداشت بیست و نه..... ۸۹  
میراث مکتوب کهن و پرافتخار تمدن ایرانی اسلامی و ضرورت محافظت از آن در برابر تهاجم  
بیگانگان  
ابوالفضل مرادی (رستا)
- یادداشت سی..... ۹۰  
تبیین ابعاد برنامه درسی با تأکید بر برنامه درسی انقلابی  
حمزه آبار
- یادداشت سی و یک..... ۹۱  
تربیت و مقاومت در پرتو قرآن کریم  
مهدی شعبانی
- یادداشت سی و دو..... ۹۲  
برنامه درسی انقلابی؛ بذر بیداری در خاک کلاس  
فتح اله کوشکی





- ۹۳ ..... یادداشت سی و سه.....  
مکتب تربیتی امام خامنه‌ای  
سعید رسالتی
- ۹۴ ..... یادداشت سی و چهار.....  
رهایی از چنگال تربیت استعماری  
مسلم شجاعی
- ۹۵ ..... یادداشت سی و پنج.....  
دانشگاه فرهنگیان: بستری برای تمدن سازی در ایران دانشگاه فرهنگیان  
محمد محمدی صدر
- ۹۶ ..... یادداشت سی و شش.....  
خیابان؛ دانشگاه زنده‌ی انسان انقلابی  
حیدر همتی
- ۹۷ ..... یادداشت سی و هفت.....  
انواع مواجهه‌های پسااستعماری و مسئله شناسی در حوزه تعلیم و تربیت  
پرستو مصباحی جمشید
- ۹۸ ..... یادداشت سی و هشت.....  
خیابان  
سعید باجووند
- ۹۹..... یادداشت سی و نه.....  
تعلیم و تربیت و میهن پرستی؛ با تأکید بر دستاوردهای دانشگاه فرهنگیان  
مینا خراسانی
- ۱۰۰..... یادداشت چهل.....  
معیارهای جهاد حق در پرتو آیات الهی و عقلانیت  
مهدی یزدانی
- ۱۰۱..... یادداشت چهل و یک.....  
در سایه سار ایستادگی  
حمیرا شجاعی





یادداشت چهل و دو..... ۱۰۲

روایت خیانت و فریب (فتنه داخلی در زمان جنگ)  
دلاور وارسته تفتی

یادداشت چهل و سه..... ۱۰۳

ایرانیت و اسلامیت در تربیت رسمی  
زهره سعیدی تبار

یادداشت چهل و چهار..... ۱۰۴

دانشگاه فرهنگیان و لزوم جهاد تبیین در دفاع رمضان  
محمودرضا توکلی محمدی

یادداشت چهل و پنج..... ۱۰۵

مدرسه زدایی و مرگ مدرسه  
سید نقی موسوی

یادداشت چهل و شش..... ۱۰۶

تربیت پژوهشی و فرهنگ تأملات «درک جنگ رمضان از منظر آموزش و پرورش»  
سمیرا حبیبی

یادداشت چهل و هفت..... ۱۰۷

نقش تربیتی حضور مردم در خیابان، در حمایت از نظام جمهوری اسلامی ایران  
راضیه علی اکبری

یادداشت چهل و هشت..... ۱۰۸

حاکم مردم دار و مردم ولایتمدار  
سید علی عدالتی نسب

یادداشت چهل و نه..... ۱۰۹

جنگ رمضان؛ رویارویی با پروژه هویت زدایی از منظر تعلیم و تربیت  
بهروز زینلی

یادداشت پنجاه..... ۱۱۰

مکتب تربیتی شهید خامنه ای رضوان الله علیه  
امیر پورشاهرودی







- یادداشت پنجاه و یک..... ۱۱۱  
تحلیل فضیلت‌مندی ساختاری نظام جمهوری اسلامی ایران در پرتو اتهام فساد سیستمی؛ مطالعه  
موردی جنگ رمضان  
محمد مهدی منادی
- یادداشت پنجاه و دو..... ۱۱۲  
Farhangian University as a Civilization-Building University  
Mostafa Ghaffari
- یادداشت پنجاه و سه..... ۱۱۳  
تحلیل ریشه‌های جنگ تحمیلی رمضان  
سید مجید مقیمی
- یادداشت پنجاه و چهار..... ۱۱۴  
حفظ نظام جمهوری اسلامی، مسئولیت اجتماعی دانشجومعلمان  
احمد امدادی
- یادداشت پنجاه و پنج..... ۱۱۵  
تربیت هنری در بحران (زمان جنگ)  
سید صاحب موسوی
- یادداشت پنجاه و شش..... ۱۱۶  
تربیت سیاسی در میدان  
فرهاد احمدی اصل
- یادداشت پنجاه و هفت..... ۱۱۷  
مکتب تربیتی شهید (با نگاهی به دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله شهید سید علی خامنه‌ای): تربیت  
انسان تمدن ساز  
مصطفی غفاری
- یادداشت پنجاه و هشت..... ۱۱۸  
تجلی نصرت الهی در پرتو استقامت  
علی تردست





- یادداشت پنجاه و نه..... ۱۱۹  
نقش ولایت و حاکمیت اسلامی در تعلیم و تربیت  
محمد شهریاری
- یادداشت شصت..... ۱۲۰  
تربیت و استعمار فرانسه  
آرزو حسینی
- یادداشت شصت و یک..... ۱۲۱  
ظرفیت‌های روان‌شناختی ایران در مواجهه با بحران‌ها  
امین تقی‌پور
- یادداشت شصت و دو..... ۱۲۲  
نقش دانشگاه فرهنگیان در روزهای آتش و اضطراب  
محمد شفیعی
- یادداشت شصت و سه..... ۱۲۳  
مبعوثان الهی در میدان؛ تحلیل راهبردی حضور مردم و شکست پروژه دشمن  
محمد پاک‌سرشت و بهروز زینلی
- یادداشت شصت و چهار..... ۱۲۴  
مدرسه، قربانی ابزارهای قدرت: نگاهی انتقادی حمله به مدرسه میناب و پارادایم‌های تربیتی غرب  
علی صحبت‌لو
- یادداشت شصت و پنج..... ۱۲۵  
مقاومت روانی در جنگ در شرایط بحرانی جنگ  
صمد رحمتی
- یادداشت شصت و شش..... ۱۲۶  
جنگ منطق دارد  
ایمان بلوایی
- یادداشت شصت و هفت..... ۱۲۷  
رسالت دشمن‌شناسی در پناه کلاس درس  
زهرا حسینی





یادداشت شصت و هشت..... ۱۲۸

برنامه درسی پنهان و تربیت معلم انقلابی  
هادی کریمی عقدا

یادداشت شصت و نه..... ۱۲۹

جنگ نرم و جایگاه دشمن شناسی در تعلیم و تربیت  
امیر پوراحمدعلی

یادداشت هفتاد..... ۱۳۰

تجسم عینی فلسفه‌ی الحادی و آرمان غرب مدرن  
حیدر همتی

یادداشت هفتاد و یک..... ۱۳۱

رفراندوم حقیقی در خیابان‌های ایران  
سید محمدحسینی نیک

یادداشت هفتاد و دو..... ۱۳۲

ایران نستوه  
زبیده سورتیجی

یادداشت هفتاد و سه..... ۱۳۳

مکتب تربیتی شهید آیت‌الله امام خامنه‌ای (ره)  
مسلم شجاعی

یادداشت هفتاد و چهار..... ۱۳۴

جنگ تمدن‌ها  
حسین رضائی

یادداشت هفتاد و پنج..... ۱۳۵

میهن‌دوستی ناآگاهانه، مدیریت هیجان و حل مسئله در جنگ رمضان  
مریم شمسی فر

یادداشت هفتاد و شش..... ۱۳۶

از سکه سزار تا وعده‌ی خدا  
یزدان جعفری





یادداشت هفتاد و هفت..... ۱۳۷

تربیت آگاهانه و جهان‌بینی پنهان  
مهران معماری

یادداشت هفتاد و هشت..... ۱۳۸

نقش اساتید دانشگاه فرهنگیان در عصر جدید انقلاب اسلامی ایران  
مرزبان ادیب منش

یادداشت هفتاد و نه..... ۱۳۹

تربیت‌معلم در میانه جنگ: لزوم نوزایی و بازپرورش حاکمیتی  
سجاد عسکری متین

یادداشت هشتاد..... ۱۴۰

ضرورت پایمردی و تداوم حضور مردمی در میدان  
کبری مرادی

یادداشت هشتاد و یک..... ۱۴۱

تبیین «اقتدار عقلانی» در سیره تربیتی شهید خامنه‌ای رضوان‌الله‌علیه  
امیر پورشاهرودی

یادداشت هشتاد و دو..... ۱۴۲

تربیت در میانه‌ی جبهه رمضان  
زهرا سادات هاشمی

یادداشت هشتاد و سه..... ۱۴۳

علل تاب‌آوری و شکست‌ناپذیری ایران .....  
سید مجید مقیمی

یادداشت هشتاد و چهار..... ۱۴۴

جنگ تحمیلی سوم و ضرورت مدیریت رفتار سازمانی نوآورانه؛ پیشران تمدن‌سازی در دانشگاه  
فرهنگیان  
ارشاد استعدادی





یادداشت هشتاد و پنج..... ۱۴۵

مشارکت و اعتماد رمز موفقیت ایران  
علی محمد سهراب نژاد

یادداشت هشتاد و شش..... ۱۴۶

تربیت و میهن‌دوستی؛ پیوند هویت ملی و مسئولیت تربیتی  
معصومه خورشیدی مهر

یادداشت هشتاد و هفت..... ۱۴۷

مقاومت ایران اسلامی در امتداد آرمان فلسطین  
بهزاد دانشفر

یادداشت هشتاد و هشت..... ۱۴۸

تربیت و مقاومت  
الهه کمری

یادداشت هشتاد و نه..... ۱۴۹

جهاد، فراتر از نبرد: مسئولیت امروز  
حمید مریدیان

یادداشت نود..... ۱۵۰

تربیت و مقاومت، معماران آگاهی و تحول اجتماعی  
علی محمدی

یادداشت نود و یک..... ۱۵۱

دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان دانشگاه تمدن ساز  
نوید ثنائی

یادداشت نود و دو..... ۱۵۲

راهپیمایی روز قدس: سه پله تا اوج آرامش الهی  
یزدان جعفری

یادداشت نود و سه..... ۱۵۳

میهن‌دوستی، آموزه‌های اسلامی و روش‌های آموزشی آن  
حمید عمونیا





یادداشت نود و چهار..... ۱۵۴

تربیت و میهن پرستی  
ابوالفضل احسانی

یادداشت نود و پنج..... ۱۵۵

نثولیبرالیسم و نیمکت های خونی  
حمداله محمدی

یادداشت نود و شش..... ۱۵۶

میهن دوستی و سرمایه اجتماعی  
مرتضی همایون نیافیروزجاه

یادداشت نود و هفت..... ۱۵۷

خطاب به آمریکا و اسرائیل  
شهریار شادی گو

یادداشت نود و هشت..... ۱۵۸

رسالت تربیت معلم در جنگ رمضان و تنش های بین آمریکا و جمهوری اسلامی ایران  
مهرداد امیری

یادداشت نود و نه..... ۱۵۹

دانشگاه فرهنگیان: پرورش معماران تمدن نوین  
فرحناز وحیدنیا

یادداشت صد..... ۱۶۰

بلاغت سیاست و ضرورت توجه به آن در ایجاد همدلی و اتحاد در بحران های ملی  
ابوالفضل مرادی (رستا)

یادداشت صد و یک..... ۱۶۱

روشنگری در کلاس درس؛ مقابله با فریب رسانه ها و تحریف جهاد  
حمیده عبداللهی لاشکی

یادداشت صد و دو..... ۱۶۲

سند ۲۰۳۰: راهی به سوی تحول و توسعه جهانی  
آرزو قبادی





- یادداشت صد و سه..... ۱۶۳  
2030 Document: A Path to Future World Transformation and  
Development To UNICEF  
Arezoo Ghobadi
- یادداشت صد و چهار..... ۱۶۴  
دوران پساجنگ و نقش برنامه درسی در تعلیم و تربیت  
حسین لطفی
- یادداشت صد و پنج..... ۱۶۵  
ضرورت تربیت دفاعی  
غلامرضا محمدی
- یادداشت صد و شش..... ۱۶۶  
دانشگاه فرهنگیان؛ پایگاه جهاد تمدن ساز و تربیت معلمانی مؤمن و بصیر  
شهرام نظری
- یادداشت صد و هفت..... ۱۶۷  
تربیت و مقاومت در سایه جنگ رمضان  
مهدی اسدی
- یادداشت صد و هشت..... ۱۶۸  
حلقه‌های میانی تربیت  
سید نقی موسوی
- یادداشت صد و نه..... ۱۶۹  
دوگانه «حق و باطل»، آموزه است یا گفتمان؛ مسئله این است  
پرستو مصباحی جمشید
- یادداشت صد و ده..... ۱۷۱  
تربیت و مقاومت: استوار در برابر تهاجمات فرهنگی و فکری  
مصطفی غفاری





یادداشت صد و یازده..... ۱۷۲

همبستگی ملی و اقتدار ایران اسلامی در جنگ اخیر (رمضان ۱۴۰۴)  
امیر پورشاهرودی

یادداشت صد و دوازده..... ۱۷۳

منطق خون و بقا: بقای انقلاب در شهادت انتخابی رهبر  
سید محمدحسینی نیک

یادداشت صد و سیزده..... ۱۷۴

تربیت، با نگاه تمدن اسلامی در اندیشه «بعثت»  
سعید فخاری

یادداشت صد و چهارده..... ۱۷۵

حکمرانی اسلامی یا نظم نوین جهانی آمریکایی؟  
محمد کلاشی

یادداشت صد و پانزده..... ۱۷۶

راهبرد ایران برای پایان جنگ با امریکا و اسرائیل  
محمدباقر سعیدی‌روشن و ابراهیم صفی‌خانی

یادداشت صد و شانزده..... ۱۷۷

جهان سلطه از چه می‌ترسد؟  
حمداله محمدی

یادداشت صد و هفده..... ۱۷۸

«رمز حضور»  
سید مجید مقیمی

یادداشت صد و هجده..... ۱۷۹

مردم خیابان‌ها را رها نکنید! از خانه‌نشینی تا خیابان نشینی: عبرت‌های تاریخی  
حمید مریدیان

یادداشت صد و نوزده..... ۱۸۰

اثر تعلیم المبادئ الإسلامية علی مستقبل المجتمع  
حسن نجفی







یادداشت صد و بیست ..... ۱۸۱

هنرمندی در کلاس درس: ترسیم زیبایی از دل جنگ  
فاطمه زهرا رضایی

یادداشت صد و بیست و یک ..... ۱۸۲

العدوان الأمريكي الصهيوني على الاسلاميه؟ أم على الوطنية القومية؟  
جمال طالبی قره قشلاقی

یادداشت صد و بیست و دو ..... ۱۸۳

عشق و مسئولیت‌پذیری؛ پیش‌نیاز تربیت نسل آینده  
مطهره حمزه رباطی

یادداشت صد و بیست و سه ..... ۱۸۴

دشمن‌شناسی در برنامه درسی: الزامی برای تربیت در دنیای امروز  
مصطفی غفاری

یادداشت صد و بیست و چهار ..... ۱۸۵

عندما يكون لديك معلم محترف ...  
پوران رضائی

یادداشت صد و بیست و پنج ..... ۱۸۶

از مدرسه سوخته تا روایت روزمره در شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان  
سارا عابدی کوشکی

یادداشت صد و بیست و شش ..... ۱۸۷

جنگ رمضان .....  
فریبا پروانه

یادداشت صد و بیست و هفت ..... ۱۸۸

نقش معلمان در ایجاد و تقویت روحیه مقاومت در دانش‌آموزان در ایام جنگ  
سیده رقیه سیدی جربندی

یادداشت صد و بیست و هشت ..... ۱۸۹

از جنگ تا مسئولیت تربیت  
پرستو مصباحی جمشید





- یادداشت صد و بیست و نه..... ۱۹۰  
بازآفرینی معنای زندگی در طوفان‌ها  
علی محمد صالحی
- یادداشت صد و سی..... ۱۹۱  
دانشگاه فرهنگیان: سنگر تمدن ساز با الهام از حماسه‌ی جنگ رمضان  
شهرام نظری
- یادداشت صد و سی و یک..... ۱۹۲  
مکتب تربیتی شهید امام خامنه‌ای  
محمد بیرانوند
- یادداشت صد و سی و دو..... ۱۹۳  
تحلیل جایگاه «تربیت متوازن» در اندیشه شهید خامنه‌ای؛ راهکارهای عملیاتی در نظام آموزشی  
امیر پورشاهرودی
- یادداشت صد و سی و سه..... ۱۹۴  
نقش دانشگاه فرهنگیان در تحقق مکتب تمدن ساز امام خامنه‌ای شهید  
حسن مدرس زاده
- یادداشت صد و سی و چهار..... ۱۹۵  
اتحاد و انسجام ملی و «دشمن‌شناسی»: دو کلیدواژهٔ بنیادین در سخنان امام شهید انقلاب  
سهیل یاری گل‌دره
- یادداشت صد و سی و پنج..... ۱۹۶  
بصیرت عمارگونه در شناخت دشمن (خصوصاً یهود)  
جواد نصیری وطن
- یادداشت صد و سی و شش..... ۱۹۷  
يَا كَاسِرُ يَا جَابِرُ  
اسدالله اسدی گرمارودی
- یادداشت صد و سی و هفت..... ۱۹۹  
«تربیه الصمت الواعی» فی الحرب: حین تَکُونُ کُلُّ استِجَابَةٍ علامَةُ جهاد  
عاطی عبیات





- یادداشت صد و سی و هشت..... ۲۰۰  
تحلیل تطبیقی الگوهای رفتاری در نهادهای دینی و اداری با رویکرد تربیت جهادی  
محمدحسین ناظمی اشنی
- یادداشت صد و سی و نه..... ۲۰۱  
تربیت سیاسی در جنگ ۲۰۱  
فاطمه سوری
- یادداشت صد و چهل..... ۲۰۲  
بررسی جامعه‌شناختی و تربیتی «شهادت‌طلبی» به‌عنوان مدلی در برابر نگاه‌های ماتریالیستی  
امیر پورشاهرودی
- یادداشت صد و چهل و یک..... ۲۰۳  
چرا حضور پررنگ در خیابان، کمتر از بستن تنگه هرمز نیست؟ و چرا این حضور، بزرگ‌ترین  
تهدید برای دشمن و کلیدترین پیروزی برای ماست؟  
حمید مریدیان
- یادداشت صد و چهل و دو..... ۲۰۴  
چالش‌های تربیتی در مواجهه با ارزش‌های دموکراسی وارداتی  
سمیه حقی
- یادداشت صد و چهل و سه..... ۲۰۵  
دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان دانشگاه تمدن ساز جنگ رمضان  
رؤیا قوانلو
- یادداشت صد و چهل و چهار..... ۲۰۶  
تربیت و میهن‌دوستی: آمیختگی عشق به وطن با جوهر تربیت در آینه ادبیات فارسی  
معصومه شصتی
- یادداشت صد و چهل و پنج..... ۲۰۷  
تربیت و مقاومت: بررسی روان‌شناختی سازوکارهای مقابله‌ای و تاب‌آوری در کودکان و نوجوانان  
در جنگ  
محمد باردل ۲۰۷





- ۲۰۸ ..... یادداشت صد و چهل و شش  
دانشگاه فرهنگیان؛ خاستگاه تمدن ساز و مأمّن پرورش مجاهدان علمی و فرهنگی  
زهرا یارمرادی
- ۲۰۹ ..... یادداشت صد و چهل و هفت  
دانشگاه فرهنگیان به عنوان دانشگاه تمدن ساز  
زهرا شارقى
- ۲۱۰ ..... یادداشت صد و چهل و هشت  
پیمان کامکار
- ۲۱۱ ..... یادداشت صد و چهل و نه  
حکمرانی تربیتی و مدیریت پرورش سیاسی در شرایط جنگ  
سارا عابدی کوشکی
- ۲۱۲ ..... یادداشت صد و پنجاه  
دیگر انگیزه‌ای برای تدریس دروس حقوق بین‌الملل ندارم  
بهنام صحرانورد
- ۲۱۳ ..... یادداشت صد و پنجاه و یک  
تربیت و میهن‌دوستی  
ناهید حیدری
- ۲۱۴ ..... یادداشت صد و پنجاه و دو  
برنامه درسی و مقاومت  
قهرمان مددلو
- ۲۱۵ ..... یادداشت صد و پنجاه و سه  
جنگ رمضان بازآفرینی معنا در میدان تعلیم و تربیت  
زهرا سادات هاشمی
- ۲۱۶ ..... یادداشت صد و پنجاه و چهار  
برنامه درسی انقلابی  
احسان ططری





یادداشت صد و پنجاه و پنج..... ۲۱۷

برنامه درسی در میدان: تلفیق از درون  
اکبر هدایتی

یادداشت صد و پنجاه و شش..... ۲۱۸

هویت ملی-مذهبی و ارتقای تاب‌آوری فرهنگی نسل آینده: رویکردی قرآنی و روایی  
عصمت مطهرنژاد

یادداشت صد و پنجاه و هفت..... ۲۱۹

هر قدمی که دشمن را به «غیظ» می‌رساند، عبادت است!  
حمید مریدیان

یادداشت صد و پنجاه و هشت..... ۲۲۰

ایرانیت و اسلامیت در دامن تربیت و پرورش رسمی  
مهران معماری

یادداشت صد و پنجاه و نه..... ۲۲۱

مقاومت به‌مثابه الگوی برنامه درسی برای نسل آینده  
جواد جهان

یادداشت صد و شصت..... ۲۲۲

مقاومت تربیتی در برابر استعمار فرانو فناورانه  
حمید احمدی هدایت

یادداشت صد و شصت و یک..... ۲۲۳

ضرورت اتحاد و انسجام در کشور  
کریم دهقانی

یادداشت صد و شصت و دو..... ۲۲۴

بررسی ابعاد تربیت استکبارستیز در اندیشه اسلامی و تحلیل راهبردهای مقابله با ظلم  
محمدحسین ناظمی اشنی

یادداشت صد و شصت و سه..... ۲۲۵

دانشجوی آگاه، پشتیبان جبهه نظامی  
امیر مثنوی





یادداشت صد و شصت و چهار..... ۲۲۷

چراپی لزوم مطالعات میان‌رشته‌ای (تربیتی و روان‌شناختی) بر وقایع جنگ رمضان  
حسین تربتی‌نژاد

یادداشت صد و شصت و پنج..... ۲۲۸

تربیت و مقاومت؛ رسالت استادان دانشگاه فرهنگیان  
زینب صادقی

یادداشت صد و شصت و شش..... ۲۲۹

سبک زندگی شهید امام خامنه‌ای (ره)  
صادق فرهنگداین

یادداشت صد و شصت و هفت..... ۲۳۰

برنامه درسی انقلابی  
شهرام اسکندری پور

یادداشت صد و شصت و هشت..... ۲۳۱

پارادوکس خامنه‌ای  
مهرداد فولادی

یادداشت صد و شصت و نه..... ۲۳۲

سرنوشت جنگ چه می‌شود؟  
حسن باقری یزدی

یادداشت صد و هفتاد..... ۲۳۳

پنج راهبرد معنایی - عملکردی انسجام ملی  
ماریا پاشایی

یادداشت صد و هفتاد و یک..... ۲۳۴

جنگ به این معنا و دفاع به آن معنا  
بیژن بابائی

یادداشت صد و هفتاد و دو..... ۲۳۵

«دشمن‌شناسی» ضرورت مغفول مانده در کلاس‌های درس  
فاطمه رضایی





یادداشت صد و هفتاد و سه..... ۲۳۶

الگوی تربیتی رهبری در سیره نبوی  
امیر پورشاهرودی

یادداشت صد و هفتاد و چهار..... ۲۳۷

دشمن شناسی امام خامنه‌ای شهید و نقش برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان و ضرورت  
دشمن شناسی  
حسن مدرس زاده

یادداشت صد و هفتاد و پنج..... ۲۳۸

فرش ایرانی، معماری صبر و هوش در نبرد  
مهدی یزدانی

یادداشت صد و هفتاد و شش..... ۲۳۹

: موشکی به اسم سلول‌های بنیادی  
حامد نوروزی طاهری

یادداشت صد و هفتاد و هفت..... ۲۴۰

مکتب تربیتی شهید امام خامنه‌ای  
اعظم السادات میرزاصفی

یادداشت صد و هفتاد و هشت..... ۲۴۱

جنگ رمضان و برنامه درسی پنهان  
فهمیه گندمی حسنارودی

یادداشت صد و هفتاد و نه..... ۲۴۲

دفاع مقدس جنگ رمضان: عمل متعهدانه در مسیر ارزش‌ها  
نرگس پورطالب

یادداشت صد و هشتاد..... ۲۴۳

دانشگاه فرهنگیان: بستری برای تمدن سازی از طریق برنامه درسی انقلابی  
نرگس یحیائی





یادداشت صد و هشتاد و یک..... ۲۴۴

مکتب تربیتی قائد شهید سید علی خامنه‌ای: سبک تربیتی فطرت  
فاطمه ساعتی معصومی

یادداشت صد و هشتاد و دو..... ۲۴۵

جاودان نامه‌ای دیگر  
مهدی احمدی خواه

یادداشت صد و هشتاد و سه..... ۲۴۶

تدریس اثربخش، تدریس مبتنی بر ایستادگی، استقامت و شهادت  
احمد رضا فاضلی

یادداشت صد و هشتاد و چهار..... ۲۴۷

: استراتژی مقاومت اسلامی در برابر دشمن و نقش معنویت ملت در تقویت بنیه‌ی امنیتی ملی  
زهره حمزه لو

یادداشت صد و هشتاد و پنج..... ۲۴۸

به پا خیزید  
معصومه شصتی

یادداشت صد و هشتاد و شش..... ۲۴۹

بازخوانی روان شناختی پایداری در جنگ رمضان؛ از خود تا ما و تمدن سازی  
محمد باردل

یادداشت صد و هشتاد و هفت..... ۲۵۰

ضرورت ماندن در میدان  
محمد اسماعیلی

یادداشت صد و هشتاد و هشت..... ۲۵۱

فرهنگ دانشگاهی به مثابه زیرساخت توسعه علمی در منظومه فکری شهید آیت‌الله العظمی  
خامنه‌ای (رحمت‌الله علیه)  
محمد مجتبی‌زاده







یادداشت صد و هشتاد و نه..... ۲۵۲

مکتب تربیتی رهبر شهید حضرت آیت الله خامنه‌ای: رویشی در بستر ایمان و عقل  
یاسر عروجی

یادداشت صد و نود..... ۲۵۳

ایران؛ مدرسه‌ای برای آموختن ایستادگی  
سید محمد حسینی نیک

یادداشت صد و نود و یک..... ۲۵۴

مبعوث شدن مردم؛ راز تداوم انقلاب اسلامی ایران و شکست دشمن صهیونیستی - آمریکایی  
کریم شاطری

یادداشت صد و نود و دو..... ۲۵۶

دور جامعه فرهنگیان فی تربیة الجيل الواعی بالهویة الإیرانیة المقاومة  
حسن نجفی

یادداشت صد و نود و سه..... ۲۵۷

Lost Humanity  
Mohammad Hossein Dehnavi

یادداشت صد و نود و چهار..... ۲۵۸

تأملی بر جنگ اخیر  
احمد بیات

یادداشت صد و نود و پنج..... ۲۵۹

از رستم تا امروز؛ تأملی تربیتی بر مفهوم نبرد در ادبیات ایرانی  
رسول بهنام

یادداشت صد و نود و شش..... ۲۶۰

چرا حضور مردم در خیابان، بزرگ‌ترین سپر دفاعی و کلید پیروزی در برابر تهدیدات است؟  
حمید مریدیان

یادداشت صد و نود و هفت..... ۲۶۱

ذکر «یا حی یا قیوم»  
اسداله اسدی گرمارودی





یادداشت صد و نود و هشت..... ۲۶۲

چه باید کرد؟

بهنام صحرانورد

یادداشت صد و نود و نه..... ۲۶۳

اخلاق مقاومت در عصر شبکه‌های شناختی

حسین شمس

یادداشت دویست..... ۲۶۴

اقوام ایرانی مؤلفه قدرت ملی و ضرورت آموزش چند فرهنگی دانشجو معلمان

اسماعیل نصرآبادی

یادداشت دویست و یک..... ۲۶۵

تربیت استعمارستیز؛ بنیان مقاومت در اندیشه امام خامنه‌ای

آرزو دلفان بیرانوند

یادداشت دویست و دو..... ۲۶۶

دفاع از سرزمین: مسیری به‌سوی کرامت نفس در برابر تهدیدات خارجی در فلسفه و اخلاق —

در چارچوب تعلیم و تربیت اسلامی

زهره حمزه‌لو

یادداشت دویست و سه..... ۲۶۷

تأملی معرفت‌شناختی: بازاندیشی ادراک حقیقت در جنگ روایت‌ها

رحمت الله محمودی

یادداشت دویست و چهار..... ۲۶۸

آموزش فرا دانشگاهی مبتنی بر رویکرد سازنده‌گرایی: الگوبرداری از وحدت اجتماعی در تربیت

دانشجو معلمان

معصومه محمدآبادی

یادداشت دویست و پنج..... ۲۶۹

خلیج فارس، خون شهدا و پرچم ایران: نمادهای هویت و رسالت دانشجو-معلمان

زهراسادات هاشمی





یادداشت دویست و شش ..... ۲۷۰

ضرورت‌های بازخوانی ابعاد تربیتی و روان‌شناختی در جنگ رمضان  
امیر پورشاهرودی

یادداشت دویست و هفت ..... ۲۷۱

ایران عزیز: آیین‌های تربیت و هویت در مواجهه با دشمن  
معصومه شصتی

یادداشت دویست و هشت ..... ۲۷۲

تنگه هرمز؛ درس بزرگ شناخت فرصت‌ها برای تعلیم و تربیت ملی  
سید محمدحسینی نیک

یادداشت دویست و نه ..... ۲۷۳

تربیت و میهن پرستی  
سینا اسمعیلی

یادداشت دویست و ده ..... ۲۷۴

رهبری آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای امتداد ولایت معصومان  
داریوش بابائیان

یادداشت دویست و یازده ..... ۲۷۵

بازخوانی تربیتی در افق تربیت سیاسی و برنامه درسی  
رسول بهنام

یادداشت دویست و دوازده ..... ۲۷۶

The Role of Family and Education in Times of War and Crisis in :  
English Poetry  
Mehran Memari

یادداشت دویست و سیزده ..... ۲۷۷

التَّربِیَّةُ الْمِیدَانِیَّةُ: تجسیدٌ حِیَّ لِدَوْرِ الْمُعَلِّمِ فِی أَیَّامِ حَرْبِ رَمَضَانَ  
محمد علی کاظمی





یادداشت دویست و چهارده..... ۲۷۸

مدرسه تمدن ساز  
محمود صباحی زاده

یادداشت دویست و پانزده..... ۲۷۹

از شوق تا وصال؛ بازتاب آرزوی شهادت در تربیت انسان مؤمن در اندیشه امام شهید انقلاب،  
حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (رحمت الله علیه)  
محمد مجتبی زاده

یادداشت دویست و شانزده..... ۲۸۰

واکاوی جنگ رمضان از منظر تربیتی: بازآفرینی امید، میهن پرستی و مقاومت  
شهرام نظری

یادداشت دویست و هفده..... ۲۸۱

دانشگاه فرهنگیان، به عنوان دانشگاه تمدن ساز  
محمد راهسار

یادداشت دویست و هجده..... ۲۸۲

نگاه بین المللی به برنامه درسی و آموزش: حوزه مغفول دانشگاه فرهنگیان  
زهرا کرمی

یادداشت دویست و نوزده..... ۲۸۳

شور حماسی و شعور حماسی: نقش استاد دانشگاه در تربیت نسلی مصمم، وطن دوست و بالیمان  
— در چارچوب تعلیم و تربیت اسلامی  
زهرا حمزه لو

یادداشت دویست و بیست..... ۲۸۴

رمضان مقاومت؛ تربیت انسان مسئول در مکتب وطن  
حجت مردانه طالشمکائیل

یادداشت دویست و بیست و یک..... ۲۸۵

تربیت سیاسی در میدان جنگ  
سارا خداویسی





یادداشت دویست و بیست و دو..... ۲۸۶

تربیت معناگرا؛ رویکردی برای تقویت تاب‌آوری نسل آینده  
محمد شفیعی

یادداشت دویست و بیست و سه..... ۲۸۷

نقش دانشگاه فرهنگیان در تمدن‌سازی  
حسن جوادی نیا

یادداشت دویست و بیست و چهار..... ۲۸۸

از پیوندهای شیمیایی تا پیوندهای اجتماعی؛ بازخوانی ظرفیت‌های تربیتی آموزش شیمی  
سمانه وحید

یادداشت دویست و بیست و پنج..... ۲۸۹

سوگواری و پاسداری از حقیقت  
منا تکاورنژاد

یادداشت دویست و بیست و شش..... ۲۹۰

از تربیت‌معلم تا ساخت آینده کشور؛ جایگاه دانشگاه فرهنگیان در بیانات امام شهید انقلاب،  
حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (رحمت‌الله علیه)  
محمد مجتبی‌زاده

یادداشت دویست و بیست و هفت..... ۲۹۱

اگر دین ندارید لااقل آزاده باشید  
اسداله عربخانی

یادداشت دویست و بیست و هشت..... ۲۹۲

دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان دانشگاه تمدن‌ساز  
آرزو موسوی

یادداشت دویست و بیست و نه..... ۲۹۳

پژوهشگران و اساتید در پسا‌جنگ؛ ایده پردازی پژوهشی بازسازی ایران عزیز در جنگ و  
پسا‌جنگ  
رامین نجفی





یادداشت دویست و سی..... ۲۹۴

عزت‌بخشی به تمدن نوین اسلامی؛ از شعار «شهادت آری، حقارت هرگز» تا عمل تربیتی  
امیر پورشاهرودی

یادداشت دویست و سی و یک..... ۲۹۵

: نقش اساتید دانشگاه فرهنگیان در تربیت سیاسی دانشجومعلم و ایجاد حس تعلق خاطر  
نسبت به ارزش‌های انقلاب  
حسن مدرسی زاده

یادداشت دویست و سی و دو..... ۲۹۶

دانشگاه فرهنگیان؛ قطب‌سازی تمدنی در آینه جنگ رمضان  
طاهره نوروزی وند

یادداشت دویست و سی و سه..... ۲۹۷

منظرهای قرآنی، تاریخی، ادبی، فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به مباحث تربیتی جنگ  
رمضان  
مصطفی غفاری

یادداشت دویست و سی و چهار..... ۲۹۸

از فلسطین تا ایران؛ با امید به پیروزی  
علی خالقی

یادداشت دویست و سی و پنج..... ۲۹۹

ظرفیت تعالی و امکان سقوط انسان در منظومه تربیتی قرآن کریم  
معصومه حافظی

یادداشت دویست و سی و شش..... ۳۰۰

منطق مقاومت  
نصیه تاری

یادداشت دویست و سی و هفت..... ۳۰۱

مردم؛ دانشگاه؛ دانشجو: تداوم انقلاب اسلامی ایران  
احسان ططری





یادداشت دویست و سی و هشت..... ۳۰۲

تربیت و میهن پرستی

فروغ مرادیان

یادداشت دویست و سی و نه..... ۳۰۳

نقش تربیتی مدرسه و دانشگاه در عرصه جنگ نرم و جنگ موشکی: دو وجه یک تهدید

استراتژیک در نظام امنیت معاصر

زهره حمزه لو

یادداشت دویست و چهل..... ۳۰۴

زیبایی‌شناسی مقاومت: جنگ رمضان و بیداری امروز ایران

سید صاحب موسوی

یادداشت دویست و چهل و یک..... ۳۰۵

یاد خدا؛ پناهگاه امن آرامش

راحله محمدباقر

یادداشت دویست و چهل و دو..... ۳۰۶

درس مقاومت در سایه بصیرت: دانشگاه فرهنگیان؛ هدایتگر نسل آینده

یاسر بخشیان

یادداشت دویست و چهل و سه..... ۳۰۷

جنگ روایت‌ها؛ ضرورت تربیت رسانه‌ای در عصر مقاومت

حجت مردانه طالشمکائیل

یادداشت دویست و چهل و چهار..... ۳۰۸

جنگ رمضان؛ آینه توانمندی و تربیت انقلابی

عین‌اله سکینه‌پور

یادداشت دویست و چهل و پنج..... ۳۰۹

از خون تا آگاهی: جاودانگی اندیشه‌ها در آینهٔ تعلیم و تربیت

کریم شاطری





- ۳۱۰.....یادداشت دویست و چهل و شش.....  
توانمندی ایران از منظر تعلیم و تربیت  
امیر صوفی نیا
- ۳۱۱.....یادداشت دویست و چهل و هفت.....  
همبستگی، نیروی پنهان عبور از بحران  
حسین سلیمی
- ۳۱۲.....یادداشت دویست و چهل و هشت.....  
تلخی‌های امروز، خیرهای فردا؛ درسی برای تربیت  
رسول بهنام
- ۳۱۳.....یادداشت دویست و چهل و نه.....  
یادداشت تحلیلی از مصاحبه‌های ۲۴ و ۲۵ مارس ۲۰۲۶ ترامپ و متحدانش و دیدگاه سیاستمداران  
آمریکایی و بررسی وضعیت داخلی ایران  
بهروز زینلی
- ۳۱۴.....یادداشت دویست و پنجاه:.....  
بررسی کارکرد اجتماعی حضور اساتید و دانشجویان در فضای خیابان  
مرضیه شم آبادی
- ۳۱۵.....یادداشت دویست و پنجاه و یک.....  
دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان دانشگاه تمدن ساز  
الناز شکری
- ۳۱۶.....یادداشت دویست و پنجاه و دو.....  
تربیت و میهن‌دوستی به‌مثابه مقاومت  
حمید احمدی هدایت
- ۳۱۷.....یادداشت دویست و پنجاه و سه.....  
نقش امید اجتماعی در تربیت نسل مقاوم  
حجت مردانه طالشمکائیل







یادداشت دویست و پنجاه و چهار..... ۳۱۸

سواد رسانه‌ای و پدافند شناختی: سپری در برابر استعمار فرانو  
رابعه هراتی

یادداشت دویست و پنجاه و پنج..... ۳۱۹

رابطه دیالکتیکی بعثت و تربیت  
نرگس موحدی

یادداشت دویست و پنجاه و شش..... ۳۲۱

برنامه درسی فراتر از کلاس درس  
زهرا کرمی

یادداشت دویست و پنجاه و هفت..... ۳۲۲

اسلام؛ آیین آزادی، تربیت و مقاومت اخلاقی  
راضیه سیروسی القار

یادداشت دویست و پنجاه و هشت..... ۳۲۳

مقاومت ستیزی در تربیت سیاسی مدرن  
سید نقی موسوی

یادداشت دویست و پنجاه و نه..... ۳۲۴

جنگ رمضان در نبرد تمدنی با سه جبهه‌ی سلطه  
حیدر همتی

یادداشت دویست و شصت..... ۳۲۵

شهرالرمضان و حرب الرمضان کمدرسه تربویه  
مهران غلامعلی زاده

یادداشت دویست و شصت و یک..... ۳۲۶

نقش دانشگاه فرهنگیان در تحقق اندیشه متعالی امام خامنه‌ای بر خصوص آینده نظام اسلامی  
حسن مدرس زاده

یادداشت دویست و شصت و دو..... ۳۲۷

نظام تعلیم و تربیت وام دار خون شهداست  
محمدرضا پاشایی





یادداشت دویست و شصت و سه ..... ۳۲۸

Patriotism in the Mirror of Teacher Education

Mojtaba Maghsoudi

یادداشت دویست و شصت و چهار ..... ۳۲۹

آینده‌سازی جوانان: از تحمل به تربیت، از مقاومت به برنامه‌ریزی درسی هوشمند  
زهره حمزه لو

یادداشت دویست و شصت و پنج ..... ۳۳۰

تغییر از درون؛ الهامی تربیتی برای معلم فردا در پرتو جنگ رمضان  
رسول بهنام

یادداشت دویست و شصت و شش ..... ۳۳۱

نقش دانشگاه فرهنگیان در جهاد تبیین در جنگ رمضان  
فروزان یوسف جمال

یادداشت دویست و شصت و هفت ..... ۳۳۲

فلسفه مقاومت در تعلیم و تربیت: تقویت هویت و آگاهی  
سارا عابدی کوشکی

یادداشت دویست و شصت و هشت ..... ۳۳۳

جنگ ترکیبی امروز؛ ضرورت دشمن‌شناسی و بصیرت اجتماعی پیشران رسالت تربیتی دانشگاه  
تمدن ساز  
امیر پورشاهرودی

یادداشت دویست و شصت و نه ..... ۳۳۴

دگردیسی «تاب‌آوری» در تعلیم و تربیت؛ از «تحمل منفعلانه» به «طراحی هوشمندانه آینده»  
احمد امدادی

یادداشت دویست و هفتاد ..... ۳۳۵

مسئولیت اجتماعی نظام دانشگاهی در جنگ تحمیلی رمضان  
محبوبه شکرالهی





یادداشت دویست و هفتاد و یک..... ۳۳۶

تعلیم و تربیت، گهوارهٔ غیرت ملی و سنگر سازندگی در برابر تجاوز  
علی بازوند

یادداشت دویست و هفتاد و دو..... ۳۳۷

جامعهٔ فرهنگیان کأرضیهٔ حضاریهٔ للنهضة الإسلامية وبناء الإنسان المقاوم  
فائزه پسندی

یادداشت دویست و هفتاد و سه..... ۳۳۸

برنامه درسی و هویت ملی در دانشگاه فرهنگیان  
حسین عباسی

یادداشت دویست و هفتاد و چهار..... ۳۳۹

جنگ رمضان و مکتب تربیتی رهبر شهید انقلاب از منظر نظریه یادگیری شناختی-اجتماعی  
سعید محمدی مولود

یادداشت دویست و هفتاد و پنج..... ۳۴۰

روان‌شناسی مقاومت: تحلیل علمی تقابل با استکبار و پدیده قلدری  
مریم شمسی فر

یادداشت دویست و هفتاد و شش..... ۳۴۱

دور جامعهٔ اعداد المعلمین (فرهنگیان) فی تعزیز ثقافة المقاومة: «معركة رمضان ۱۴۰۴» أنموذجا  
هدایت‌الله تقی‌زاده

یادداشت دویست و هفتاد و هفت..... ۳۴۲

«نَحْنُ مُنْتَقِمُونَ» تأملی تربیتی در پرتو جنگ رمضان  
محمد مجیدپورخوئی

یادداشت دویست و هفتاد و هشت..... ۳۴۳

درباره تربیت سیاسی در میدان جنگ  
محسن امیری

یادداشت دویست و هفتاد و نه..... ۳۴۴

تربیت در عصر سلطه و تجاوز: آموزه‌هایی از کتاب «دریغ است ایران که ویران شود»  
رحمت‌الله محمودی





یادداشت دویست و هشتاد..... ۳۴۵

ایران حسین (ع) باتریت حسینی تا ابد پاینده و پیروز است  
زهراسعدی تبار

یادداشت دویست و هشتاد و یک..... ۳۴۶

Post Invasion Mission  
Mohammad Reza Khodadust

یادداشت دویست و هشتاد و دو..... ۳۴۷

از اسطوره‌های شمشیر تا اوج تکنولوژی\_ درس‌هایی در سایه ایمان و تربیت  
یزدان جعفری

یادداشت دویست و هشتاد و سه..... ۳۴۸

بیداری خودی؛ درسی از اقبال برای تربیت معلم  
رسول بهنام

یادداشت دویست و هشتاد و چهار..... ۳۴۹

گفت‌وگو با کودکان درباره مرگ  
مرتضی براتی

یادداشت دویست و هشتاد و پنج..... ۳۵۰

پژواک خون، رویش بصیرت، پیمان دوباره با آرمان‌ها: پاسداشت شهدا و تجدید بیعت با رهبری  
حمید مرتضوی

یادداشت دویست و هشتاد و شش..... ۳۵۲

ارزیابی مؤلفه‌های ایرانیّت و اسلامیت در دامن تربیت رسمی با رویکرد مدیریتی  
امید ربانی

یادداشت دویست و هشتاد و هفت..... ۳۵۳

آموزه‌ها و عبرت‌های تاریخی؛ جاهلیت مدرن، فراتر از جاهلیت باستان  
مهدی نظری

یادداشت دویست و هشتاد و هشت..... ۳۵۴

تقارن دو عید؛ درسی به زبان طبیعت  
سید محمدحسینی نیک





- ۳۵۵ ..... یادداشت دویست و هشتاد و نه.....  
واکاوی پدیدارشناختی نوروز ۱۴۰۵؛ تلاقی «تعلیم و تربیت حماسی» با پایداری ملی در نظام  
دانایی ایران  
زینب دهقان
- ۳۵۶ ..... یادداشت دویست و نود.....  
مسئولیت معطوف به دیگری و تقویت میهن‌دوستی  
مجید اعتمادی مهر
- ۳۵۷ ..... یادداشت دویست و نود و یک.....  
بهار ایستادگی و تربیت میهن‌دوستی  
فتح اله کوشکی
- ۳۵۸ ..... یادداشت دویست و نود و دو.....  
تحلیل و نقد سیاسی  
احمد رضا بسیج
- ۳۵۹ ..... یادداشت دویست و نود و سه.....  
۲۹ اسفند؛ درس‌های ماندگار از نعمت نفت تا اقتدار انرژی ایران  
سید محمدحسینی نیک
- ۳۶۰ ..... یادداشت دویست و نود و چهار.....  
از نو شدن دل‌ها تا تربیت فردا  
رسول بهنام
- ۳۶۱ ..... یادداشت دویست و نود و پنج.....  
تربیت حماسی بر مبنای (من موهوم) یا (من واقعی) مسئله این است  
حسین مولودی
- ۳۶۲ ..... یادداشت دویست و نود و شش.....  
تحلیل روان‌شناختی-اجتماعی استمرار نظام در ایران: رهبری، هویت و انسجام جمعی  
صمد رحمتی





یادداشت دویست و نود و هفت..... ۳۶۳

«باد بی نیازی خداوند» (درسی که از تاریخ می‌توان گرفت)

سعید باجووند

یادداشت دویست و نود و هشت..... ۳۶۵

امید، همدلی و وحدت: پایه‌های آموزشی آینده‌سازی جوانان ایران

زهره حمزه‌لو

یادداشت دویست و نود و نه..... ۳۶۶

The power of Epic songs in Strengthening patriotism

Fatemeh Fazlali

یادداشت سیصد..... ۳۶۷

بذرهای آگاهی، طوفان‌های اقتدار؛ از تعلیم و تربیت تا تحمیل اراده یک ملت بر قدرت‌های جهان

کریم شاطری

یادداشت سیصد و یک..... ۳۶۸

وقتی ملت ایران معلم می‌شود؛ بازخوانی تربیتی همبستگی ملی در پرتو نظریه کارل یونگ در

روزهای جنگ

محمد شفیعی

یادداشت سیصد و دو..... ۳۶۹

مؤلفه‌های راهبردی در پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی

عبدالرسول الهائی

یادداشت سیصد و سه..... ۳۷۰

دکترین مقاومت در ساحت تعلیم و تربیت؛ خوانشی حماسی از جهاد رمضان در تراز تمدن نوین

اسلامی

شرعیات

یادداشت سیصد و چهار..... ۳۷۱

بررسی تطبیقی کارکردهای آیینی تکبیرهای جمعی در جوامع مسلمان: از فرمان پیامبر (ص)

برای تکبیرهای شبانه در جنگ احزاب تا جلوه‌های معاصر همبستگی اجتماعی در جنگ رمضان

حسین شمس





یادداشت سیصد و پنج..... ۳۷۲

اصل عدم قطعیت؛ از کوانتوم تا تربیت انسان  
علی محمودلو

یادداشت سیصد و شش..... ۳۷۳

پیوند مردم و سیاست؛ نظام تربیتی سومین رهبر انقلاب اسلامی  
بهنام لطفی

یادداشت سیصد و هفت..... ۳۷۴

نقش تربیت در مواجهه با بحران‌های جهانی - با تأکید بر شعر سعدی در موقعیت جنگ تحمیلی  
علیه ایران  
زهره حمزه‌لو

یادداشت سیصد و هشت..... ۳۷۵

خودباوری و خودتحقیری؛ تحلیلی تربیتی بر پایه هویت، عاملیت و بازخوانی تجربه جنگ رمضان  
رسول بهنام

یادداشت سیصد و نه..... ۳۷۶

چرایی تأثیر بی نظیر تربیتی و اجتماعی شهادت رهبر عزیز حضرت آیت‌الله خامنه‌ای  
علیرضا حیدری سه‌ده

یادداشت سیصد و ده..... ۳۷۷

از خانه و خانواده شروع کنیم  
معصومه سمائی دستجردی

یادداشت سیصد و یازده..... ۳۷۸

درس‌های اثباتی و سلبی از تقارن دو عید ملی و اسلامی  
سید محمدحسینی نیک

یادداشت سیصد و دوازده..... ۳۷۹

نقش تربیت‌بدنی در پرورش نسل مقاوم و توانمند  
اعظم طلایی مزرعه‌نو





**یادداشت سیصد و سیزده..... ۳۸۰**

ضرورت بهره‌گیری از ابراز رسانه برای پیشگیری از نسل‌کشی فرهنگی توسط دشمن  
علی عباسپور

**یادداشت سیصد و چهارده..... ۳۸۱**

تربیت در دل بحران: روش انسان‌ساز انبیاء و راه ادامه‌دهندگان ایشان  
حمید مریدیان

**یادداشت سیصد و پانزده..... ۳۸۲**

آموزش اخلاقی و فضیلت‌های انسانی در جنگ رمضان  
ولی بهرامی

**یادداشت سیصد و شانزده..... ۳۸۳**

نیروگاه‌های برق و تهدیدات ترامپ  
ایمان بلواسی

**یادداشت سیصد و هفده..... ۳۸۴**

شهادت و تربیت اجتماعی  
حسی سلیمی

**یادداشت سیصد و هجده..... ۳۸۵**

اکو سیستم پیروز و ورشکسته‌های روانی-اجتماعی  
سعید فرمانی

**یادداشت سیصد و نوزده..... ۳۸۷**

تربیت ملی و هویت اجتماعی در شرایط بحران - با تأکید بر نقش رهبری و حضور شهدا در  
فضای فرهنگی-اجتماعی ایران (بر اساس ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش)  
زهره حمزه‌لو

**یادداشت سیصد و بیست..... ۳۸۸**

هوش هیجانی در شرایط جنگ و بحران؛ بنیانی برای تربیت نسل پایدار  
حجت مردانه طالشمکائیل







- یادداشت سیصد و بیست و یک..... ۳۸۹  
«چشم در برابر چشم»؛ درسی تربیتی درباره عدالت و بازدارندگی  
رسول بهنام
- یادداشت سیصد و بیست و دو..... ۳۹۰  
محمودرضا توکلی محمدی، مهران غلامعلی زاده و عاطی عبیات
- یادداشت سیصد و بیست و سه..... ۳۹۳  
جنگ رمضان: آیینهای برای تربیت و میهن دوستی  
سجاد خلفی
- یادداشت سیصد و بیست و چهار..... ۳۹۴  
تقویت هویت ایرانی و اسلامی مبتنی بر آگاهی تاریخی  
اعظم رحیمی جابری
- یادداشت سیصد و بیست و پنج..... ۳۹۵  
از رنگ تا بهینه پیرنگ  
احمد کنجوری
- یادداشت سیصد و بیست و شش..... ۳۹۶  
هنر نه تنها پژواک درد و رنج است، بلکه صدای امید و مقاومت نیز است.  
فاطمه وحدتی آراسته
- یادداشت سیصد و بیست و هفت..... ۳۹۷  
درسهای تربیتی از احد تا هرمز  
حسین شمس
- یادداشت سیصد و بیست و هشت..... ۳۹۹  
تربیت و استعمار فرانو: مقابله با نفوذ فرهنگی  
مصطفی غفاری
- یادداشت سیصد و بیست و نه..... ۴۰۰  
خودپیشواپنداری سلبریتیها، سندرم ترس و الزامات بازسازی مرجعیت افکار عمومی با محوریت  
نقش دانشگاهیان  
حسن مدرس زاده





یادداشت سیصد و سی ..... ۴۰۱

تاب‌آوری اجتماعی: سپر روانی جامعه در مقابل تهدیدهای خارجی  
مهتاب چنگایی

یادداشت سیصد و سی و یک ..... ۴۰۳

مروری گذرا و مختصر از اوضاع سرزمینی، تاریخی، جغرافیایی و سیاسی در ایران گذشته و ایران کنونی «ایران جان»  
غلامرضا محمدی

یادداشت سیصد و سی و دو ..... ۴۰۵

حبّ الوطن من الإیمان؛ تأملی تربیتی در پیوند هویت ملی و تربیت معلم  
رسول بهنام عضوی

یادداشت سیصد و سی و سه ..... ۴۰۶

اثر تربیتی اجتماعات شبانه در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی  
زهرا اسمعیلی

یادداشت سیصد و سی و چهار ..... ۴۰۷

از برآیند بردارها تا انسجام ملی؛ بازخوانی ظرفیت‌های تربیتی آموزش ریاضی  
زکویه خلیلی

یادداشت سیصد و سی و پنج ..... ۴۰۸

تربیت‌بدنی، تمرین مقاومت و تاب‌آوری  
مرتضی همایون نیا و فرحناز قاسمیان

یادداشت سیصد و سی و شش ..... ۴۰۹

صدیقه حسینی

یادداشت سیصد و سی و هفت ..... ۴۱۰

ایران به‌مثابه برنامه درسی تمدنی  
فتح اله کوشکی

یادداشت سیصد و سی و هشت ..... ۴۱۱

وحدت و یکپارچگی  
فرانک فرشادی‌فر





یادداشت سیصد و سی و نه..... ۴۱۲

اثرات تربیتی «کمیت و کیفیت» حضور مردم در خیابان‌ها و میدان‌های سطح شهر در جنگ  
تحمیلی حاضر

علیرضا حیدری سه ده

یادداشت سیصد و چهل..... ۴۱۳

ورزش و مقاومت؛ هم‌نوازی جسم و اراده در میدان دفاع از میهن  
خلیل اله منیخ

یادداشت سیصد و چهل و یک..... ۴۱۵

شهید امام خامنه‌ای، احیاگر هویت ایرانی-اسلامی  
تقی میرزائی شیخ‌آبادی

یادداشت سیصد و چهل و دو..... ۴۱۶

قدرت رسانه و فضای مجازی  
کریم دهقانی

یادداشت سیصد و چهل و سه..... ۴۱۷

نقش امید در افزایش میهن‌دوستی  
مجید اعتمادی مهر

یادداشت سیصد و چهل و چهار..... ۴۱۸

نقش فعالیت بدنی در تقویت تاب‌آوری دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در شرایط بحران  
حجت‌مردانه طالشمکائیل

یادداشت سیصد و چهل و پنج..... ۴۱۹

«ما ملت امام حسینیم»  
علیه رضاداد

یادداشت سیصد و چهل و شش..... ۴۲۰

The Immortality of Ideas in Light of Education  
Parvaneh ShayesteFar





یادداشت سیصد و چهل و هفت..... ۴۲۱

رسالت مدرّس در جهت تقویت روحیه دانشجو در آموزش مجازی  
رؤیا ایزددوست

یادداشت سیصد و چهل و هشت..... ۴۲۲

ملت در حال واکنش: روایت صبر و پایداری ملت ایران  
سمانه وحید

یادداشت سیصد و چهل و نه..... ۴۲۳

تاب‌آوری و قدرت ایرانی: نبض و الگوی ثبات در خاورمیانه  
مصطفی غفاری

یادداشت سیصد و پنجاه..... ۴۲۴

جنگ رمضان؛ چرایی تقابل ایالات متحده آمریکا با ایران  
فریدون سلیمانی

یادداشت سیصد و پنجاه و یک..... ۴۲۵

نقش بی‌بدیل دانشگاه فرهنگیان در تضمین آینده کشور، به‌ویژه در شرایط جنگی  
حسن طرلانی علی آبادی

یادداشت سیصد و پنجاه و دو..... ۴۲۶

تربیت و مقاومت در مطالعهٔ آموزش‌پژوهانهٔ تجربهٔ جنگ رمضان  
زهرا علیلو

یادداشت سیصد و پنجاه و سه..... ۴۲۷

کلاس درس؛ سرزمین ساخت هویت فردی و اجتماعی در چرخه‌ی تربیتی دانش  
زهرا حمزه‌لو

یادداشت سیصد و پنجاه و چهار..... ۴۲۸

آرامش در طوفان: توکل به خدا در شرایط حساس  
محمدحسین صادقی

یادداشت سیصد و پنجاه و پنج..... ۴۳۰

از تیر آرش تا گام‌های امروز؛ تربیت پایداری در حافظه یک ملت  
رسول بهنام





- یادداشت سیصد و پنجاه و شش..... ۴۳۱  
مسئولیت اخلاقی نهاد علم و بیداری وجدان در برابر رنج انسان جنگ زده  
رحمت الله محمودی
- یادداشت سیصد و پنجاه و هفت..... ۴۳۲  
مفهوم شهادت اجزای فرهنگی برنامه درسی  
سعید رومانی
- یادداشت سیصد و پنجاه و هشت..... ۴۳۳  
عوامل حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران و راه برون رفت از این پیچ تاریخی  
احمد یوسفوند
- یادداشت سیصد و پنجاه و نه..... ۴۳۴  
دانشگاه فرهنگیان؛ هسته مرکزی بازتولید تمدن در پرتو جنگ رمضان  
مجید داداش زاده
- یادداشت سیصد و شصت..... ۴۳۵  
امید به آینده، سازنده تمدن نوین اسلامی  
علیه رضاداد
- یادداشت سیصد و شصت و یک..... ۴۳۶  
مرور سه جنگ تحمیلی (نظامی و امنیتی) سال ۱۴۰۴ و تجلیل از مقاومت ملی مردم با تأکید بر  
هوشیاری مردم، رشادت‌ها و ایجاد «خط دفاعی گسترده» که موجب شکست محاسبات دشمن  
شد  
اسفندیار باقری
- یادداشت سیصد و شصت و دو..... ۴۳۸  
تربیت سیاسی دختران  
سید نقی موسوی
- یادداشت سیصد و شصت و سه..... ۴۳۹  
از جنگ شناختی تا خطاهای شناختی  
حسن مخلص





یادداشت سیصد و شصت و چهار..... ۴۴۰

دل نوشته

یوسف مقدسی

یادداشت سیصد و شصت و پنج..... ۴۴۱

شناخت امام شهید از ترامپ و نظام آمریکا

مرتضی یعقوبخانی

یادداشت سیصد و شصت و شش..... ۴۴۲

شاخص‌های تربیتی در جهت معرفی دشمن با نگاهی به آیات و روایات عبرت آموز از قرآن و

نهج البلاغه

علیرضا حیدری

یادداشت سیصد و شصت و هفت..... ۴۴۳

از اضطراب جمعی تا امید اجتماعی؛ کارکرد خودکارآمدی جمعی در روزهای دشوار

محمد شفیعی

یادداشت سیصد و نود و هفت..... ۴۴۴

از توهم تا واقعیت

علی بیگدلی

یادداشت سیصد و نود و هشت..... ۴۴۵

قصاص مرحب و کلاه گشاد «ایدئولوژی زدایی از تربیت»

سید نقی موسوی

یادداشت سیصد و نود و نه..... ۴۴۶

«جنگ رمضان» تجلی عقلانیت دینی و تربیت نسلی مقاوم در برابر استکبار

فریبا پروانه

یادداشت چهارصد..... ۴۴۷

تحلیلی بر رویکردهای تربیت: مقایسه تطبیقی تربیت سعودی و تربیت اسلامی - قرآنی

علی بیگدلی





- یادداشت چهارصد و یک..... ۴۵۱  
نقش دانشگاه فرهنگیان در پرورش بلوغ سیاسی و تقویت مصونیت اجتماعی  
زهره سرچهانی
- یادداشت چهارصد و دو..... ۴۵۲  
خیانت از حافظه ایرانی‌ها پاک نمی‌شود  
اسفندیار باقری
- یادداشت چهارصد و سه..... ۴۵۳  
پرهیز از شایعات؛ درس بزرگ قرآن درباره جنگ شناختی  
محمدحسین صادقی
- یادداشت چهارصد و چهار..... ۴۵۵  
از طوفان شن تا موج‌های هرمز؛ روایت پیوستگی ایمان، دانش و هویت ملی  
فتح اله کوشکی
- یادداشت چهارصد و پنج..... ۴۵۶  
جمهوری اسلامی دوم و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی سیاست احیا شده در خیابان چگونه می  
تواند در پساجنگ ادامه یابد  
سعیده زاهدی
- یادداشت چهارصد و شش..... ۴۵۷  
واکاوی ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی در آینه «نبرد رمضان»  
محمد ابراهیم قادری مقدم
- یادداشت چهارصد و هفت..... ۴۵۸  
زیست‌شناخت پایداری؛ از واکوئل‌های مقاومت تا اکوسیستم اقتدار در بهارن ۱۴۰۵  
زینب دهقان
- یادداشت چهارصد و هشت..... ۴۵۹  
امکان بازاندیشی در مبانی فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاهی با تکیه بر تجربه جنگ رمضان  
معصومه افشار





یادداشت چهارصد و نه..... ۴۶۰

من صف اللغة العربية الى مدرسة التربية  
پوران رضائی

یادداشت چهارصد و ده..... ۴۶۱

نقش محتوای کتاب‌های درسی و معلم در ترویج میهن‌پرستی در نظام آموزشی: یک رویکرد  
تربیتی در برنامه‌ریزی درسی  
زهره حمزه لو

یادداشت چهارصد و یازده..... ۴۶۲

نه به فریکار  
فاطمه مرادی

یادداشت چهارصد و دوازده..... ۴۶۳

رابطه تربیتی «نماز» با «جهاد» و «مقاومت» در مقابل ظلم و استکبار  
علیرضا حیدری سه ده

یادداشت چهارصد و سیزده..... ۴۶۴

«امر جامع، و شرطِ مؤمنیت» وقتی ایمان، عملِ جمعی می‌شود  
حمید مریدیان

یادداشت چهارصد و چهارده..... ۴۶۵

لزوم نقش‌آفرینی اساتید دانشگاه مأموریت‌گرای فرهنگیان به‌عنوان زیرساخت اساسی تربیت تمام  
ساحتی نظام آموزشی در بزنگاه‌های موجودیتی  
عباس عرب

یادداشت چهارصد و پانزده..... ۴۶۶

معلم فکور در لبه مرز اندیشه: رسالتی در پرتو دفاع مقدس  
محسن کردلو

یادداشت چهارصد و شانزده..... ۴۶۸

گسترش روشنائی  
علی محمودلو







یادداشت چهارصد و هفده:..... ۴۶۹

به ایرانی بودن خود افتخار کنید  
محسن منوچهری نژاد

یادداشت چهارصد و هجده..... ۴۷۰

تربیت و میهن‌دوستی «جنگ رمضان و پی بردن به داشته‌هایمان (شناخت هویت ایرانی اسلامی و پاسداری از آن)»  
محمد پاک نهاد

یادداشت چهارصد و نوزده..... ۴۷۱

زهره علیلو

یادداشت چهارصد و بیست..... ۴۷۲

جهاد در راه حق و پاسداشت میهن در برابر متجاوزان  
طواق گلدی گلشاهی

یادداشت چهارصد و بیست و یک..... ۴۷۳

حق بر هدایت یا حق بر ضلالت؟  
سید نقی موسوی

یادداشت چهارصد و بیست و دو..... ۴۷۵

رژیم اسرائیل؛ یاغی‌ترین یکان (واحد) سیاسی نظام بین الملل  
فریدون سلیمانی

یادداشت چهارصد و بیست و سه..... ۴۷۶

سرچشمه حقیقی نصرت  
رسول بهنام

یادداشت چهارصد و بیست و چهار..... ۴۷۷

ارتباط میزان مواضع و عملکرد افراد در این روزها به وزن ایمان آن‌ها،  
احمد یوسف‌وند

یادداشت چهارصد و بیست و پنج..... ۴۷۸

مسئولیتِ «بودن» در دانشگاه؛ درسی از جان برای استاد و دانشجو  
معصومه شصتی





- یادداشت چهارصد و بیست و شش..... ۴۸۰  
نقش جامعه دانشگاهی در حفظ امید، آموزش و بازسازی اجتماعی در دوران بحران جنگی  
نوید دهنوی
- یادداشت چهارصد و بیست و هفت..... ۴۸۱  
فیزیولوژی پایداری؛ از بازپذیری عصبی تا همودینامیکِ اقتدار  
شیرین لطفی پناه
- یادداشت چهارصد و بیست و هشت..... ۴۸۲  
تبیین مؤلفه‌های تربیت سیاسی در میدان نبرد  
مصطفی غفاری
- یادداشت چهارصد و بیست و نه..... ۴۸۳  
باز نگاه سیاسی به مفهومی فلسفی، تربیتی در منازعه تمدنی غرب با ایران  
بهنام صحرانورد
- یادداشت چهارصد و سی..... ۴۸۴  
شهرت بدون مسئولیت: پیامدهای رفتار سلبریتی‌ها  
حسین سلیمی
- یادداشت چهارصد و سی و یک..... ۴۸۵  
زبان عربی به مثابه ابزار تربیتی  
پوران رضائی
- یادداشت چهارصد و سی و دو..... ۴۸۶  
رهبری آموزشی و حکمرانی ادراک: بازاندیشی نقش نهادهای آموزشی در مواجهه با جنگ  
شناختی  
کریم شاطری
- یادداشت چهارصد و سی و سه..... ۴۸۸  
تحقیر بن سلمان توسط ترامپ  
معصومه شصتی





یادداشت چهارصد و سی و چهار..... ۴۸۹

وطن‌فرشی در نظام آموزشی: چالش و راهکارهای برنامه‌ریزی درسی  
زهره حمزه لو

یادداشت چهارصد و سی و پنج..... ۴۹۰

ایران در آینه تاریخ؛ روایتی زنده در حافظه یک ملت  
اکرم ناصری

یادداشت چهارصد و سی و شش..... ۴۹۱

جنگ رمضان: صحنه‌ای برای آزمون ایمان و عمل  
مصطفی ایمان فر

یادداشت چهارصد و سی و هفت..... ۴۹۲

وظایف یک معلم در جنگ رمضان  
فاطمه مرادی

یادداشت چهارصد و سی و هشت..... ۴۹۳

بیانات تربیتی امام علی (ع) با مجاهدان میدان جنگ نظامی  
علیرضا حیدری سه ده

یادداشت چهارصد و سی و نه..... ۴۹۴

امنیت روانی کودکان در سایه توجه تربیتی در روزهای بحران  
حجت‌مردانه طالش‌مکائیل

یادداشت چهارصد و چهل..... ۴۹۵

استقامت مردم ایران در طول جنگ رمضان و درسی که به جهانیان آموخت:  
محسن امیری بیدشکی

یادداشت چهارصد و چهل و یک..... ۴۹۶

حریت: «مسئولیت خطیر نخبگان در بزنگاه مقام حریت عزیز است».  
مرتضی براتی

یادداشت چهارصد و چهل و دو..... ۴۹۸

تربیت پاسداری از میهن  
رسول بهنام





یادداشت چهارصد و چهل و سه..... ۴۹۹

برنامه چهار ماده آیی (ایمان، عمل صالح، تواصی به حق و صبر) با توجه به آیات سوره مبارکه  
عصر

ابراهیم صفی خانی

یادداشت چهارصد و چهل و چهار

اختلال شخصیت خودشیفتگی ترامپ

حامد عبدی

یادداشت چهارصد و چهل و پنج..... ۵۰۳

نگاهی متفاوت به نقش مردم ایران در جنگ رمضان

اسفندیارباقری

یادداشت چهارصد و چهل و شش..... ۵۰۵

دیپلماسی مقاومت: استراتژی پایداری ایران در برابر چالش‌های جهانی

مصطفی غفاری

یادداشت چهارصد و چهل و هفت..... ۵۰۶

آموزه‌های قرآنی، چراغ راه ایران اسلامی در برابر زور مداران جنگ رمضان

مهدی نظری

یادداشت چهارصد و چهل و هشت..... ۵۰۸

ایران مقتدر پساجنگ با مردمانی عزتمند و دلاور در موقعیت سرزمینی تا ابد آزاد و آباد

ابراهیم تقوی

یادداشت چهارصد و چهل و نه..... ۵۰۹

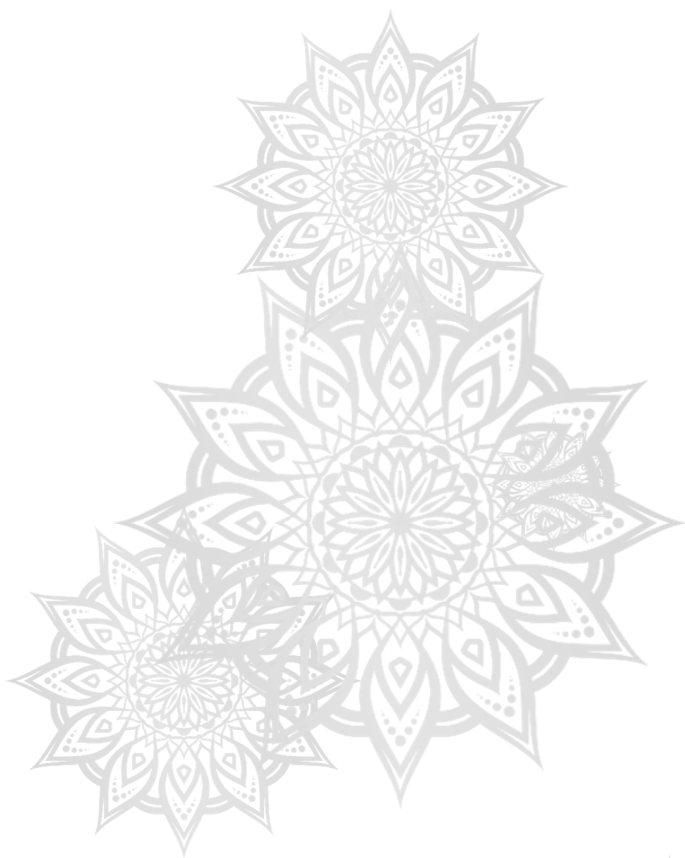
حیدر امیری

یادداشت چهارصد و پنجاه..... ۵۱۰

ژئوپلیتیکی و اقتصادی تنگه هرمز

حمید عمونیا





## سخن رئیس دانشگاه فرهنگیان

### باسمه تعالی

حضور در گردنه‌های تاریخی، همیشه مایهٔ تشخیص سره از ناسره بوده است. جنگ رمضان، بی‌گمان یکی از آن گردنه‌های دشوار و در عین حال روشنگر در تاریخ پرافتخار ایران اسلامی است. آنچه در این ایام بر ما گذشت، نه فقط یک رخداد نظامی، بلکه تمام‌عیارترین صحنهٔ آزمون «هویت ایرانی - اسلامی»، «کارآمدی نظام تربیتی» و «مردم‌داری ولایی» بود. در این میان دانشگاه فرهنگیان، به‌مثابه رکن راهبردی نظام تعلیم و تربیت کشور، خود را مکلف می‌داند که از این تجربهٔ عظیم، درس‌ها بیاموزد و با استفاده از ظرفیت همهٔ اساتید و متخصصان خود، این درس‌ها را به زبان علم و اندیشهٔ تربیتی، در کانون تربیت معلم بازخوانی کند.

مجموعه‌ای که پیش روی شماست، حاصل تلاش جمعی از استادان دغدغه‌مند این دانشگاه است، آنان در روزهای آتش و حماسه، قلم به دست گرفتند و یادداشت‌هایی نگاشتند که نه از سر هیجان زودگذر، بلکه برآمده از عمق مسئولیت حرفه‌ای و تعهد انقلابی‌شان بود. این یادداشت‌ها، در واقع، روایتی از «جهاد تبیین» در میدان عمل است؛ تبیینی که بر مستندات علمی، آیات نورانی قرآن، سیرهٔ اهل‌بیت (ع) و بیانات حکیمانهٔ معمار کبیر انقلاب و رهبر شهیدمان استوار است.

مأموریت دانشگاه فرهنگیان، «تأمین، تربیت و توانمندسازی منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش» بر پایهٔ «معیارهای نظام اسلامی» است، اما این مأموریت در شرایط عادی معنا نمی‌شود؛ بلکه اوج آن در لحظات بحرانی خود را نشان می‌دهد. در جنگ رمضان، دانشجومعلم‌ان و استادان ما ثابت کردند که دانشگاه فرهنگیان، تنها یک مرکز آموزشی نیست، بلکه سنگر زنده و پویای «تمدن‌سازی اسلامی - ایرانی» است. آنان با حضور در خیابان‌ها، روشنگری در فضای مجازی، تدوین برنامه‌های درسی مقاومت‌محور و پاسداری از سرمایه‌های هویتی، تجسم عینی بندها و اصول سند تحول بنیادین را از «مدرسه صالح» تا «تربیت تمام‌ساحتی» و «حیات طیبه» به نمایش گذاشتند.

رهبر شهیدمان (رضوان الله تعالی علیه) در بیانیهٔ گام دوم انقلاب که آن را چراغ راه آینده قرار داد، بر سه رکن اساسی تأکید دارد: «علم و پژوهش»، «معنویت و اخلاق» و «عدالت و مبارزه با فساد». یادداشت‌های این مجموعه، نشان می‌دهد که اساتید ما چگونه در دل جنگ، پیوند علم و معنویت را بازتعریف کردند، از «تربیت استعماری» و «نئولیبرالیسم آموزشی» پرده برداشتند و

الگوی بومی از «مقاومت تربیتی» ارائه دادند. آنان ثابت کردند که «برنامه درسی انقلابی» یک شعار نیست؛ بلکه ضرورتی شناختی برای مصون‌سازی نسل جاری و آینده، از شبیخون‌های فرهنگی و جنگ روایت‌هاست.

در این کتاب، از یک سو مفاهیم نظری «تربیت، مقاومت و هویت» و از سوی، تجارب زیسته، راهکارهای عملیاتی و بازطراحی مأموریت‌های تربیتی دانشگاه فرهنگیان در مواجهه با پدیده‌هایی چون «جنگ رمضان» مورد واکاوی قرار می‌گیرد. آنچه این یادداشت‌ها را متمایز می‌سازد، پرهیز از کلی‌گویی و تکرار مکررات است. استادان ما با تکیه بر مسئولیت حرفه‌ای خود، نه فقط به تحلیل، که به «اقدام و عمل» اندیشیده‌اند. آنان از «کارورزی در میدان جنگ»، «تربیت خیابانی»، «زبان مقاومت»، «هنر در بحران» و «نقش خیابان به مثابه دانشگاه زنده» سخن گفته‌اند؛ مفاهیمی که در کتب درسی متعارف نمی‌گنجد، اما در بستر آموزه‌های دینی و انقلابی، جان می‌گیرد.

اینجانب به نمایندگی از خانواده بزرگ دانشگاه فرهنگیان، از تک‌تک اساتید و همکارانی که در تهیه این یادداشت‌ها کوشیده‌اند، صمیمانه سپاسگزارم. همچنین یاد و نام همه شهدای این مسیر، به‌ویژه رهبر شهیدمان، فرماندهان غیور و دانش‌آموزان بی‌گناه مدرسه میناب را گرامی می‌داریم. خون پاک آنان، درخت تناور انقلاب را آبیاری کرد و نشان داد که «مکتب تربیتی امام خامنه‌ای»، مکتبی زنده، پویا و جهانی است.

از خداوند متعال می‌خواهیم که این اثر، زینت‌بخش کتابخانه‌های تربیتی کشور باشد و چراغ راه نسل آینده معلمان و دانشجویانی گردد که قرار است تمدن نوین اسلامی را با تکیه بر «علم، ایمان، مقاومت و وطن‌دوستی» بنا کنند. بدانیم که «هر قدمی که دشمن را به خشم می‌رساند، عبادت است» و نگارش چنین آثاری، مصداق بارز این عبادتِ عالمانه است.

**دکتر رجبعلی برزوئی**

رئیس دانشگاه فرهنگیان

## یادداشت یک

### استقامت و هدایت؛ به نام «الله» و به یاد «القائم»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ  
ترجمه: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در  
زمین جانشین گرداند؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آن‌ها بودند، جانشین قرار داد  
(سوره مبارکه نور / آیه ۵۵)

حمد و سپاس خداوند رحمان و رحیم را می‌گوییم که وعده «الْخِلْفَةُ» (جانشین برحق در زمین) را به مؤمنان صالح عطا فرموده است. امروز، در آستانه فصلی نو و با قلبی آکنده از تسلیم در برابر اراده الهی و اندوه فقدان رهبر بزرگوار، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (قدس سره)، با ایمان راسخ به وعده‌های الهی، انتخاب حکیمانه حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای (حفظه الله) را به‌عنوان سومین رهبر این کشتی انقلاب صمیمانه تبریک عرض می‌نماییم. این انتخاب، پس از دوران رهبری داهیانۀ امام راحل و هدایت‌های بی‌بدیل رهبر فقیدمان، قطعاً آغازگر فصلی پرافتخار و «نُورٌ عَلَى نُورٍ» (نوری بر فراز نوری دیگر) در تاریخ این سرزمین خواهد بود. جایگاه رفیع علمی و شخصیت معنوی و فرهنگی ایشان، در کنار جوانی و پویایی، گواهی بر ادامه راه روشن انقلاب تحت عنایات «الْهَادِي» و «الرَّشِيد» است. زهد، اخلاص و تقوای الهی ایشان همچون چراغی راه پیشرفت و تعالی کشور را روشن‌تر خواهد ساخت. ملت سرافراز ایران، در این برهه حساس، با اتکا به «حُبْلِ اللَّهِ الْأَمْتَيْنِ» (رشته استوار الهی) و با الهام از سیره نبوی و پیروی از ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، با حمایت قاطع از معظم‌له نمادی از وحدت «كَالْبُنْيَانِ الْمَرْصُوصِ» (همچون بنایی استوار) و بصیرتی «كَالصَّحِيحِ الْمَحْفُوظِ» خواهند بود و برگ زرینی دیگر بر صحیفه پرافتخار انقلاب اسلامی خواهند نگاشت. از «رَبِّ الْعَالَمِينَ» توفیق روزافزون معظم‌له را در سایه عنایات ویژه حضرت ولی‌عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، «الْقَائِمُ» آل محمد (ص)، خواهیم خواست.

### شهرام نظری

گروه آموزش تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید چمران



## یادداشت دو

### فرهنگ شهادت؛ ریشه‌های قرآنی و حدیثی، سازنده هویت و سرمایه اجتماعی

فرهنگ شهادت، که در تاروپود هویت ملی و دینی جامعه ایران جایگاهی ممتاز دارد، در عمیق‌ترین لایه‌های خود، ریشه در آموزه‌های قرآنی و سیره پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) دارد. این فرهنگ، صرفاً یادآور فداکاری‌های قهرمانانه در میدان نبرد نیست، بلکه نظامی ارزشی و جهان‌بینی است که معنای زندگی، مقاومت و تعالی را بازتعریف می‌کند. ریشه‌های قرآنی و حدیثی: قرآن کریم، جایگاهی رفیع برای کسانی که در راه خدا جان می‌سپارند، قائل شده است. آیه شریفه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ» (آل عمران، ۱۶۹) به‌صراحت بیان می‌دارد که شهدا زنده‌اند و نزد پروردگارشان متنعم. این حیات طیبه، بالاترین پاداش و تضمین‌کننده جاودانگی و اثرگذاری خون آنان است. همچنین، آیه «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» (توبه، ۱۱۱) نشان‌دهنده معامله‌ای الهی است که در آن، مؤمنان جان و مال خود را در برابر بهشت و رضایت الهی می‌فروشند، که اوج این معامله، شهادت است. در روایات و احادیث نیز، فضیلت شهادت به‌کرات مورد تأکید قرار گرفته است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «فَوْقَ كُلِّ بَرٍّ بَرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ شَهِيدًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (صحیح مسلم)، یعنی «بالاتر از هر نیکی، نیکی دیگری است تا زمانی که مرد در راه خدا شهید شود». ایشان همچنین آرزوی شهادت را بالاترین آرزوی مؤمن دانسته و فرمودند: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَوَدِدْتُ أَنِّي أَقْتُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ أَحْيَا، ثُمَّ أَقْتُلُ ثُمَّ أَحْيَا، ثُمَّ أَقْتُلُ ثُمَّ أَحْيَا، ثُمَّ أَقْتُلُ» (صحیح بخاری)، که این خود نشان‌دهنده اوج جایگاه شهادت است. امام علی (ع) نیز جهاد در راه خدا و شهادت را اوج افتخار و افتخار اولیای الهی می‌دانند. تأثیر فرهنگی و اجتماعی: این مبانی دینی، فرهنگ شهادت را به‌عنوان یک «الگوی فداکارانه» (Sacrificial Paradigm) در جامعه نهادینه کرده است. شهادت، نماد غلبه اراده معنوی بر ضعف‌های مادی، تجسم شجاعت در مقابل ظلم و ایثارگری در راه آرمان‌های الهی و انسانی است. این فرهنگ، با تبدیل خون شهید به «عامل پویایی و تداوم» (Dynamizing and Sustaining Agent)، انگیزه‌ای قدرتمند برای مقاومت در برابر انحرافات، حفظ استقلال و پاسداری از ارزش‌های انقلابی و دینی ایجاد می‌کند. در بُعد روان‌شناختی، فرهنگ شهادت، با ارائه «الگوی ایثار والا» (Supreme Altruism Model)، به افراد کمک می‌کند تا معنایی عمیق‌تر برای زندگی خود بیابند و از «حسرت فانی» (Ephemeral Regret) در زندگی رهایی یابند. این امر، سرمایه اجتماعی را از طریق تقویت

«همبستگی نمادین» (Symbolic Solidarity) و ایجاد «حافظه جمعی پایدار» (Resilient Collective Memory) ارتقاء می‌بخشد. تجلیل از شهدا، صرفاً یادآوری گذشته نیست، بلکه سرمایه‌گذاری بر روی ارزش‌های بنیادین جامعه و تضمین‌کننده حرکت رو به جلوی آن در مسیر تعالی و مقاومت در برابر چالش‌هاست. شهادت، در این معنا، «درس زندگی جاودانه» (Lesson of Eternal Life) است که پیوسته نسل‌ها را به‌سوی خیر و کمال هدایت می‌کند.

### دلاور وارسته تفتی

مأمور آموزشی دانشگاه فرهنگیان تهران مرکز بهشتی

## یادداشت سه

### هم‌آوایی ایرانیّت و اسلام در گهواره تربیت

حملات اخیر دشمن آمریکایی و صهیونیستی تلاشی برای خدشه‌دار کردن آینه هویت ملی و مذهبی ایران است. در این شرایط، تربیت رسمی همچون نگهبانی بیدار، وظیفه پاسداری از این هویت را بر دوش دارد. ایرانیّت و اسلام، دو گوهر گران‌بها در صندوقچه فرهنگ ما هستند، نه دو نوری متضاد، بلکه دو شعله‌ی هم‌افزا که در تاریکی شب، راه را روشن می‌کنند. در این آزمون دشوار، تربیت باید با تکیه بر اصالت ایرانی و محورهای استقلال‌طلبی، مقاومت، عزت‌نفس و دفاع از ستمدیدگان، در پرتو آموزه‌های نورانی اسلام با تأکید بر جهاد، صبر، توکل و ایستادگی در برابر ظلم، به پرورش انسان‌هایی متعهد و آگاه بپردازد. این پیوند، نه التقاطی بی‌معنا، که هم‌نشینی دل‌انگیز دو زیبایی است. می‌توان از شاهنامه فردوسی، شور و حماسه را به جان‌ها دمید و از آیات قرآن و روایات پیامبر، دل‌ها را با ایمان و اخلاق بیاراست. تربیت رسمی در این برهه، فرصتی است برای بازتعریف هویت ملی و مذهبی و تقویت روحیه مقاومت در برابر تهاجم دشمن. با تأکید بر این هم‌آوایی، می‌توان نسلی را پروراند که هم به گذشته پرفروغ خود ببالد و هم با عزمی راسخ، در دفاع از استقلال و عزت کشور، حماسه‌ای نو بیافریند... این آینه ایران و اسلام، باید همواره صیقل بخورد تا در برابر طوفان‌های بلا، استوار بماند ان‌شاءالله... در خاک ایران‌زمین، سربلند به خون پاک شهیدان، چون دماوند استواریم و به نام حق، و به نام ایران، همچنان ایستاده‌ایم...

سارا عابدی کوشکی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان گلستان

## یادداشت چهار کلاه گشاد «تربیت لیبرال»

«لیبرالیسم فرهنگی و تربیتی» کلاه گشادی بر سر انسان معاصر گذاشت. شعار کاذب «برتری انسان بر عقیده‌اش» یکی از این کلاه‌هاست. بنام انسان‌محوری (اومانیزم = انسان‌خداانگاری) نفسانیت و آنانیت انسان را محور قرار داد و عقیده را امری شخصی و خصوصی و نسبی قلمداد کرد تا هرگونه مقاومت را در مقابل لیبرالیسم (به‌مثابه دین مدرن) خفه نماید؛ چراکه وقتی جان انسان بر عقیده‌اش برتر باشد، دیگر دلیلی ندارد انسان خود را فدای عقیده‌اش نماید؛ یعنی لازم نیست شما برای استقلال، آزادی، میهن، ناموس، معنویت، آموزه‌های اخلاقی و دینی و خدا، خود را فدا کنی!! یادتان هست در چند سال اخیر شبکه‌های اجتماعی معاند روایتگر آموزه‌های «من بی‌ناموسم» و گذار از پرچم و میهن و در نتیجه شهادت‌طلبی بودند؟ و «تجزیه ایران» زیر چکمه‌های استعمار را «عقلانیت» می‌دانستند. این یعنی، نسبی بودن خودِ نسبتِ تربیت لیبرال و اومانیزستی از یک سو فردگرایی دانش‌آموز را کادوپیچ می‌کند و از سوی دیگر به‌صورت برنامه درسی پنهان، پروژه «تربیت سیاسی» خود را پیش می‌برد. در مقابل در نظریه تربیت اسلامی و در «مکتب تربیتی شهید امام خامنه‌ای»، انسان فدای مکارم اخلاقی و انسانی می‌شود و (عنداللزوم) خود را فدای میهن، خاک، ناموس، شرف و دین خود می‌کند. این اندیشه، باطل‌السحر پروژه «مقاومت‌گشی» علم/ تربیت لیبرال است. طُرفه آنکه لیبرالیسم وقتی لباس «دین مدرن» و «عقاید علمی» به تن می‌کند، به نحوی لگالیزستی و توتالیتیر عمل می‌کند. اگر شهادت‌طلبی و جان‌فدایی برای دین و وطن، بد است و دانش‌آموزان ایرانی در جنگ رمضان باید تن به «تجزیه ایران» بدهد، چرا جبهه صهیونی-آمریکایی از سودای «نیل تا فرات» و دیگر عقاید آخرالزمانی و ایدئولوژیک سیاسی، اقتصادی و مذهبی خود دست نمی‌کشند؟ و جان سربازان خود را فدا می‌کند؟

### سید نقی موسوی

گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان استان قم

## یادداشت پنج

### بازطراحی کارورزی دانشگاه فرهنگیان معطوف به تربیت در ساحت عملی جنگ

دانشگاه فرهنگیان، به‌عنوان نهاد تربیت‌محور نظام جمهوری اسلامی، وظیفه‌ای فراتر از انتقال دانش دارد؛ رسالت آن تربیت معلمانی است که در میدان اندیشه، ایمان و عمل تربیتی، حاملان ارزش‌های انقلاب باشند. در شرایطی که کشور درگیر نبردهای ترکیبی و جنگ نرم و سخت با قدرت‌های متخاصم، به‌ویژه آمریکا، است، ضرورت بازتعریف مأموریت تربیتی این دانشگاه بیش از هر زمان احساس می‌شود. در این چارچوب، کارورزی — قلب تپنده‌ی برنامه‌ی تربیت‌معلم — باید بازطراحی شود تا پاسخگوی اقتضائات تاریخی و فرهنگی امروز باشد. کارورزی معلم آینده نمی‌تواند صرفاً مشاهده‌ی کلاس درس باشد، بلکه باید در بطن جامعه و میدان خدمت معنا یابد؛ میدانی که ممکن است موبک‌های مردمی، پایگاه‌های فرهنگی، یا پروژه‌های تولید محتوای تربیتی را دربرگیرد. چنین تجربه‌هایی، ظرفیت‌های بی‌نظیری برای تقویت روحیه‌ی جهادی، ارتقای بینش سیاسی و شکل‌دهی به هویت ملی در دانشجومعلمان ایجاد می‌کند. در این الگو، دانشجومعلم نه‌تنها به آموزش و پرورش نسل آینده می‌اندیشد، بلکه به تبیین فلسفه‌ی جنگ و جهاد، ترویج دشمن‌شناسی، و بازنمایی معنای مقاومت برای کودکان و نوجوانان می‌پردازد. طراحی برنامه‌های آموزشی در قالب هنر، رسانه و فعالیت‌های میدانی، می‌تواند این مأموریت را عملی سازد. درنهایت، بازطراحی کارورزی در دانشگاه فرهنگیان، گامی استراتژیک در جهت پیوند تربیت با میدان‌های واقعی جامعه و استمرار رسالت انقلاب اسلامی در عرصه آگاهی‌بخشی و مقاومت فرهنگی؛ مأموریتی که از مدرسه آغاز می‌شود و تا عمق میدان جهاد تمدنی امتداد می‌یابد.

#### حیدر همتی

هیئت علمی گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان

## یادداشت شش

### ضرورت اقدام و عمل در جهاد تبیین

از کلی‌گویی و تکرار مکررات بپرهیزیم، از تبیین جهاد تبیین بگذریم و قدم در میدان اقدام و عمل بگذاریم. جهاد تبیین در علم، به معنای تحقیق و جست‌وجو و کسب اطلاعات دقیق از دستاوردهای علمی کشور و معرفی موضوعی و تخصصی دستاوردها به جامعه است. به‌ویژه برای عموم مردم. معرفی نقاط قوت و مثبت و افتخارات علمی کشور. شرایط فعلی، شرایط بیان و بازنمایی احساس و عواطف جوشان درونی نیست، که آن هم جای خودش را دارد؛ اما رسالت استاد دانشگاه در شرایط فعلی، داشتن بیان و قلم حماسی و مقتدر در جهت گفتمان‌سازی در ارجاع به قدرت علمی ایران است. از کلی‌گویی‌ها و خروجی‌های هوش مصنوعی برای تولید گفتمان‌های اقماعی و تجویزی که صدها بار تکرار شده‌اند و صرفاً در قالب تئوری‌های توصیه محور هستند بپرهیزیم و در میدان اقدام و عمل به معرفی دستاوردهای علمی دانشمندان کشور بپردازیم. هر استاد در رشته تخصصی خود می‌تواند نقش یک راوی و کنشگر را ایفا کند و دستاوردهای مهم و مؤثر علمی مرتبط با رشته خود را با صورت‌بندی موضوعی به جامعه معرفی کند. دستاوردهای نظری و کاربردی در علوم مختلف. زمان برای توصیه و نصایح صرفاً تربیتی و تجویزی و اقماعی همیشه هست، اما برای جهاد تبیین زمان گذشته و هنوز جامعه از دستاوردهای سترگ کشور آن چنانکه باید مطلع نیست. جهاد تبیین یعنی تبیین و معرفی مجموعه دستاوردهای مختلف کشور

### صادق رشیدی

هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان، تهران

## یادداشت هفت

### تربیت خیابانی

در این روزها و شب‌های ایران انقلابی می‌توان نوع جدیدی از تربیت را شناخت که «تربیت خیابانی» نام دارد. کودکان و نوجوانان در حال شناخت، تجربه زنده و مشق «ایمان، بصیرت، شجاعت، وطن‌دوستی، مقاومت، ولایت مداری و ایثار» هستند. «تربیت گلخانه‌ای» ارائه شده در «دروس جزیره‌ای» حتی نمی‌تواند صدمی از این آموزه‌ها را یاد دهد. بین تربیت خیابانی و تربیت گلخانه‌ای فرق بسیار است: - صحبت از نگرش واقعی و معرفت توهمی است. - بحث از قوت حرکت و جهاد و ضعف سکون و ایزولگی است. - نکته در برد سازمان‌دهی درهم‌تنیده و شکست سازمان‌دهی مجزاست. - تفاوت در عاملیت برای ساختن و خواندن برای حفظ کردن است. - فاصله بین تعالی در بحران یعنی زیر موشک و رشد در رفاه یعنی زیر جلبک است. - اختلاف در خیابان‌های به وسعت ایران و اتاق فکر یک سازمان است. آری خیابان پر از نمادهای تربیتی است، «فریادهایش، مشت‌های گره‌کرده‌اش، نام کوچ‌هایش، تابوت‌های شهدا، فرق نداشتن بین فقیر و غنی، وظیفه مداری کودک در کالسکه و پیر عصا به دستش، نوحه‌ها و روضه‌هایش» همه مربی و تعالی‌بخش هستند. خیابان امروز ایران «فطرت» را زنده نگه داشته و با هشدارهایی که می‌دهد منجر به سالم ماندن دین الهی از شر شیطان اکبر شده است.

### حسن نجفی

استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان قم

## یادداشت هشت

### جنگ و آموزش مجازی

جنگ هیچ‌وقت چیز خوبی نبوده! اهمیتی به صدای بازی و قهقهه بچه‌ها نمی‌دهد! اهمیتی به زجه مادر از فراغ فرزند نمی‌دهد! جنگ کور است! اما جنگ اینجاست و بر ما تحمیل شده! از خود باید پرسید حالا چه؟ وظیفه من چیست؟ شاید بهترین و مؤثرترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم انجام مسئولیت‌مان به بهترین شکل ممکن است. من معلم و مسئولیت‌م برافراشته نگه‌داشتن پرچم علم است. مسئولیت‌م توجه به وضعیت روحی و روانی دانش‌آموزانم است. مسئولیت‌م تزریق امید، توسعه فرهنگ دوستی، پایداری و حفظ وحدت است. کلاس‌ها مجازی شده و باید از این فرصت برای ارتباط با دانش‌آموزان استفاده کرد: فردا کلاس را با فرصت دادن به هر دانش‌آموز شروع می‌کنم. هر کودک باید حرف بزند. از احساسش بگوید و احساسش تأیید شود. «خانم من خیلی ترسیدم! -حق‌داری دخترم.» او حق دارد در این شرایط بترسد یا نگران باشد اما باید بلد شود چه طور خود را آرام کند. کودک دعا کردن به معنی حرف زدن با خدا را بلد باشد نه صرفاً گفتن چند جمله‌ی کلیشه‌ای. «خدا صدای تو را می‌شنود. چشم‌هایت را ببند و با او حرف بزن.» آهنگ و شعر حماسی انرژی مضاعف می‌بخشد. صدای گرم و اطمینان‌بخش معلم امید را در دل کودک روشن می‌کند. این دو ساعت آموزش مجازی باید فضایی باشد برای آرامش کودک نه استرس و ناتوانی او. «بچه‌ها این روزها تکالیف کم و آسون خواهد بود، مطمئنم دوست خواهید داشت «!فعالیت متفاوت هم حال و هوای کلاس را عوض می‌کند. «-امروز می‌توانی با یک مهمان سر کلاس باشی. -خانم خواهر من امروز مهمون منه تو کلاس «!می‌دانم شاید اینترنت ناپایدار باشد یا بچه‌ها مثل همیشه دسترسی نداشته باشند. پس خوب است محتوا را از قبل بارگذاری کنم و البته فرصت خوبی است برای داشتن کلاس معکوس؛ کلاسی که بچه‌ها قبلاً محتوا را می‌بینند و با اطلاعاتی که کسب کرده‌اند برای انجام فعالیت‌های سطح بالاتری مثل تحلیل، ترکیب، ارزشیابی و نقد وارد کلاس می‌شوند. من معلم، هدفم این است که در این شرایط حساس، کلاس درس تنها به انتقال دانش محدود نشود، بلکه به پناهگاهی برای رشد معنوی و عاطفی کودک تبدیل شود. باید به آن‌ها یادآوری کنم که حتی در دل سختی‌ها مدرسه هوایشان را دارد.

### سمانه شفیعی

مدرس مدعو دانشگاه فرهنگیان، استان زنجان دانشجوی دکتری تکنولوژی آموزشی، دانشگاه تربیت مدرس



## یادداشت نه

### علوم انسانی غربی و میزان تعهد به انسانیت

گاهی تناقض جدی میان ایده پردازی و رفتارهای صریح برخی از نظریه‌پردازان علوم انسانی وجود دارد که آدمی را به حیرت می‌اندازد. به‌عنوان مثال، هابرماس، از مبدعان ایده «کنش ارتباطی»، معتقد است علوم انسانی نباید تنها به تحلیل داده‌ها بپردازد، بلکه باید ابزار انتقادی برای دستیابی به عقلانیت ارتباطی باشد. او علوم انسانی را به‌مثابه ابزاری برای ایجاد اوضاع بهتر در گفت‌وگوهای اجتماعی می‌بیند و به نقد تکنیک‌گرایی در این علوم می‌پردازد؛ اما در پی حمله «طوفان الأقصا» بیانیه‌ای صادر و طی آن، ضمن تروریستی خواندن اقدام حماس در هفت اکتبر، از تولد دوباره یهودستیزی در اروپا اظهار نگرانی می‌کند که البته این بیانیه با واکنش اعتراضی بسیاری از متفکران و پژوهشگران مواجه می‌شود. این مواضع که در ساحت نظر و عمل متناقض گونه می‌نمایند، بیش از آن که نگران‌کننده باشند، بر دو امر دلالت دارند: 1. ناکارآمدی پارادایم‌های غیرتوحیدی در مواجهه با مسئله‌های عینی بشر مانند توجیه جنگ. 2. پیوند معیوب نظریه و عمل در مواجهه با رویدادهای سیاسی- اجتماعی. البته هر دوی این امور، امیدوارکننده هستند؛ امیدوارکننده از این جهت که تک‌تک این رویه‌ها از درون به استحاله می‌روند و پوسیدگی ذاتی شان برای عقول بشر برملا می‌شود. این امر فارغ از تلاش دین‌داران صورت می‌گیرد و ما را به یاد مفهوم بیوت عنکبوتی در قرآن کریم می‌اندازد.

### پرستو مصباحی جمشید

استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان قم

## یادداشت ده

### تحول در دانشگاه فرهنگیان؛ ضرورت آموزش فنون رزمی در پرتو آموزه‌های امام خمینی (ره)

دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان نهادی تربیت‌بخش معلمان آینده کشور، نقشی حیاتی در شکل‌دهی به نسل‌های آتی ایفا می‌کند. در عصری که تهدیدات همه‌جانبه علیه انقلاب اسلامی وجود دارد، بازنگری در سرفصل‌های آموزشی این دانشگاه، به‌ویژه در راستای تقویت روحیه دفاعی و آمادگی رزمی، امری ضروری به نظر می‌رسد. این یادداشت تحلیلی، با استناد به کلام نورانی امام خمینی (ره) و با نگاهی نو به رسالت دانشگاه فرهنگیان، به بررسی ابعاد این تحول می‌پردازد. تحلیل: امام خمینی (ره) در آذرماه ۱۳۶۷، با درک عمیق از شرایط جهان و منطقه، ضرورت آمادگی دفاعی را برای ملت ایران چنین تبیین فرمودند: «ملت‌ی که در خط اسلام ناب محمدی (ص) و مخالف با استکبار و پول‌پرستی و تحجرگرایی و مقدس‌نمایی است \* باید همهٔ افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند، \* چراکه در هنگامه خطر ملت‌ی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشد.» این کلام، یک اصل بنیادین را در حفظ استقلال و اقتدار ملی معرفی می‌کند؛ اصلی که از مرزهای جغرافیایی فراتر رفته و به یک گفتمان فرهنگی و اجتماعی تبدیل می‌شود. دانشگاه فرهنگیان، به‌عنوان سنگر تعلیم و تربیت، رسالتی مضاعف در این زمینه دارد. معلمان، نه‌تنها پرورش‌دهندگان نسل آینده، بلکه مروجان فرهنگ، ارزش‌ها و آمادگی‌های لازم برای مواجهه با چالش‌ها نیز هستند. گنجاندن آموزش فنون رزمی و دفاعی در برنامه درسی این دانشگاه، نه‌تنها به تقویت بنیه دفاعی فردی دانشجویان کمک می‌کند، بلکه روحیه خودباوری، انضباط، شجاعت و مسئولیت‌پذیری را در آنان تقویت خواهد کرد. این مهارت‌ها، در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی، از جمله در مواجهه با ناملایمات و حفظ اقتدار در محیط کار و جامعه، کارایی بالایی خواهند داشت. آموزش این فنون، فراتر از آمادگی نظامی، به معنای پرورش نسلی آگاه، مقاوم و آماده برای دفاع از ارزش‌های اسلامی و انقلابی است. نتیجه‌گیری: آموزش فنون رزمی در دانشگاه فرهنگیان، نه یک اقدام تشریفاتی، بلکه یک ضرورت راهبردی در راستای تحقق منویات امام خمینی (ره) و تقویت بنیه دفاعی و فرهنگی کشور است. این تحول، در گام نخست، نیازمند بازنگری در سرفصل‌های آموزشی، تدوین برنامه‌های عملیاتی و فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم است. با اجرای این مهم، دانشگاه فرهنگیان می‌تواند نقش خود را در تربیت نسلی «بسیجی» و آماده برای پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی میهن، به شایسته‌ترین نحو ایفا نماید.

حیدر همتی

هیئت علمی گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان

## یادداشت یازده

### نقش دانشگاه فرهنگیان در تقویت وحدت ملی و انسجام اجتماعی

نظام تعلیم و تربیت و به‌طور خاص دانشگاه فرهنگیان به‌مثابه نهاد تربیت‌کننده معلمان، نقشی راهبردی در بازتولید سرمایه اجتماعی، تقویت هویت ایرانی-اسلامی و وحدت اجتماعی ایفا می‌کند. دانشگاه فرهنگیان می‌تواند از طریق ارتقای کیفیت علمی، تعهد حرفه‌ای و هویت فرهنگی دانشجو معلمان، به بازتولید سرمایه اجتماعی کمک کند. معلم متعهد و برخوردار از صلاحیت حرفه‌ای، نقش الگویی داشته و زمینه انتقال ارزش‌های ملی و دینی را فراهم می‌سازد. توجه به این ظرفیت‌ها می‌تواند زمینه‌ساز تقویت وحدت (تأکید رهبر شهید) و تحقق اهداف مقدس نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. در فضای رسانه‌ای معاند که با تحریف و کم‌رنگ جلوه دادن دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، ذهن نسل نوجوان و جوان را در جنگ روایت‌ها هدف قرار داده است، ضرورت «جهاد تبیین» بیش از هر زمان دیگری آشکار می‌شود؛ جهادی فراگیر و هوشمندانه که بر روشنگری صادقانه، امیدآفرینی واقع‌بینانه و بازنمایی منصفانه پیشرفت‌های کشور تأکید دارد. در این میان، دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان نهاد تربیت‌کننده معلمان آینده، می‌تواند در خط مقدم جهاد تبیین قرار گیرد. با تولید محتوای صحیح و اقناع‌آفرین درباره دستاوردهای کشور و تقویت سواد رسانه‌ای دانشجومعلمان، زمینه تشخیص روایت درست و مواجهه نقادانه با جریان‌های تحریف را فراهم آورده و با برنامه‌ریزی نظام‌مند و تبیین هنرمندانه پیشرفت‌ها، می‌تواند دانش‌آموزان را به «سفیران جهاد تبیین» بدل سازد؛ سفیرانی آگاه و امیدوار که با زبان نسل خود، روایتگر صادق دستاوردها بوده و در برابر سیاه‌نمایی و تحریف، فعالانه و مسئولانه ایستادگی و مقاومت می‌کنند. اگر معلم در کلاس درس با انگیزه تخصص و تعهد فعالیت کند، فرایند جامعه‌پذیری دینی، سیاسی و فرهنگی به‌صورت مؤثر و پایدار شکل می‌گیرد. نتیجه این فرایند، افزایش اعتماد اجتماعی، تقویت همبستگی و وحدت ملی خواهد بود. در چنین شرایطی، ظرفیت و توان کشور برای تمرکز بر پیشرفت و مواجهه با چالش‌های بیرونی (جنگ رمضان) افزایش می‌یابد. ارتقای کیفیت علمی، گسترش گفتمان انتقادی، تقویت سواد رسانه‌ای و مطالبه‌گری سیاسی، از مهم‌ترین کارکردهای این نهاد در شرایط جنگ شناختی است.

#### معصومه محمدآبادی

عضو هیئت علمی گروه مدیریت آموزشی دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی

## یادداشت دوازده وطن‌دوستی و تربیت صحیح

تربیت، فرآیندی پیچیده و چندوجهی است که فراتر از انتقال دانش و مهارت، به کاشت بذرهایی ارزش و معنا در روح انسان می‌پردازد. از منظر علمی، روانشناسی رشد نشان می‌دهد که شخصیت انسان در سال‌های ابتدایی زندگی، همچون خاکی حاصلخیز، آماده پذیرش هر نوع بذری است. در این مرحله حساس، نهادینه‌سازی مفاهیمی همچون میهن‌دوستی، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت زیستی و اجتماعی برای تعادل فردی و جمعی محسوب می‌شود. مغز انسان به‌گونه‌ای تکامل یافته که نیاز به تعلق و دل‌بستگی به یک گروه بزرگ‌تر را در خود دارد؛ این نیاز بیولوژیک، زمانی که در مسیر درست هدایت شود، به میهن‌دوستی تعالی‌یافته تبدیل می‌گردد. درک این نکته که فرد، عضوی جدایی‌ناپذیر از یک کل بزرگ‌تر به نام «وطن» است، نیازمند بستری امن و پرورشی اصولی است. وطن‌دوستی، در جامعه‌شناسی، به معنای حس مسئولیت‌پذیری جمعی و مشارکت فعال در حفظ و ارتقای زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی یک سرزمین است. این مفهوم، ریشه در همبستگی اجتماعی دارد و بدون آن، هیچ جامعه‌ای قادر به پایداری و پیشرفت نخواهد بود. تربیت صحیح باید به کودک بیاموزد که وطن، تنها یک قطعه جغرافیایی نیست، بلکه زنده‌ترین تبارنامه تاریخی و فرهنگی اوست که هویت فردی را به هویت ملی گره می‌زند. اشعاری مانند

چو ایران نباشد تن من مباد (فردوسی)      ای خطه ایران مهین ای وطن من  
ملک‌الشعرا بهار

تنها آثار ادبی نیستند، بلکه بیانگر عمق پیوند عاطفی و تاریخی است که تربیت صحیح می‌تواند آن را در نسل‌ها تداعی کند. دیدگاه‌های علمی بر اهمیت «دل‌بستگی ایمن» به محیط و جامعه تأکید دارند. وقتی فرد احساس امنیت و تعلق خاطر در محیط زندگی‌اش داشته باشد، نسبت به آن حس مسئولیت و عشق پیدا می‌کند.

### سعیده بیرجندی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان، استان سمنان، گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی

## یادداشت سیزده

### تأملی در معنای «تربیت انقلابی» در منظومه فکری امام شهید خامنه‌ای

تربیت فرآیند تدریجی رشد و نمو متربی برای تحصیل کمال همه‌جانبه یا به عبارت دیگر فرآیند تکوین هویت مطلوب در متربی است (مصاحبه در ۱۳۶۵، ۷، ۲۱). نتیجه یا خروجی فرآیند تربیت انسان در نظام تعلیم و تربیت «تربیت انسان شایسته اسلامی» است (بیانات در ۱۳۹۹ / ۶ / ۱۱). یکی از ابعاد انسان شایسته اسلامی (یا یکی از ابعاد هویت مطلوب اسلامی) برخوردار بودن از هویت ملی و اسلامی در ساحت تربیت سیاسی اجتماعی است. (بیانات در ۱۳۹۵ / ۰۲ / ۱۳). از ارکان هویت ملی و اسلامی موضوع انقلابی‌گری و انقلابی بودن است (بیانات در ۲۲/۰۳/۱۳۹۶)؛ بنابراین «انقلابی بودن» یکی از اهداف یا شایستگی‌های عرصه تربیت سیاسی اجتماعی یا به تعبیر دیگر انقلابی بودن یکی از ابعاد انسان شایسته اسلامی به عنوان خروجی یا غایت نظام تعلیم و تربیت تلقی شده است. «انقلابی بودن» به عنوان یک هدف در ساحت تربیت سیاسی اجتماعی (از ابعاد انسان شایسته انقلاب اسلامی) دارای مختصات و شاخصه‌هایی است که در طراحی و برنامه‌ریزی آموزشی و پرورشی برای تحقق این هدف باید مورد توجه قرار گیرد و برآیند آن‌ها متضمن تحقق این هدف است. بر این اساس با عنایت به مختصات و شاخصه‌های انقلابی بودن، «تربیت انقلابی» به معنای تکوین و پرورش مجموعه‌ای از خصلت‌ها در متربیان است. این خصلت‌ها یا شایستگی‌های جزئی شامل پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب؛ هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آن‌ها، پایبندی به استقلال همه‌جانبه‌ی کشور، حساسیت در برابر دشمن یا جهاد کبیر، تقوای دینی و سیاسی (بیانات در ۱۳۹۵/۰۳/۱۴) است که برآیند آن‌ها زمینه‌ساز تکوین خصلت انقلابی بودن - به عنوان یکی از شایستگی‌های اصلی انسان طراز انقلاب اسلامی در ساحت تربیت سیاسی اجتماعی - خواهد شد.

محمد شهریار

استادیار گروه آموزشی امور تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، قم

## یادداشت چهارده

### دانشگاه فرهنگیان؛ بستری برای تمدن سازی

دانشگاه فرهنگیان فراتر از یک مرکز تربیت‌معلم، نقشی حیاتی و راهبردی در تمدن سازی ایرانی-اسلامی ایفا می‌کند. این نهاد مقدس، بستری اصیل برای تقویت هویت ملی، ترویج ارزش‌های بنیادین و پایداری در برابر چالش‌های فرهنگی و فکری معاصر است. برای استحکام‌بخشی به بنیان‌های این تمدن، بازخوانی و بازآفرینی اندیشه‌های حکیمان و متفکران مسلمان و تلفیق هوشمندانه آن‌ها با علوم نوین ضرورتی انکارناپذیر است. در این مسیر، صیانت از زبان و ادبیات فارسی به‌عنوان رکن اصلی هویت‌ساز و ادغام عمیق تاریخ و فرهنگ ایران در نظام آموزشی، به دانش‌آموزان یاری می‌رساند تا با افتخار به دستاوردهای علمی و هنری کشورشان، ریشه‌های تمدنی خود را بازشناسند. رکن اساسی این تحول، پرورش معلمان بصیر، توحیدگرا و آگاهی‌است که توانایی تشخیص توطئه‌های دشمن و مقابله با پروپاگاندا و اخبار جعلی را داشته باشند. توسعه مهارت‌های تحلیل انتقادی و ارزیابی دقیق اطلاعات در معلمان، سرمایه‌ای ارزشمند برای آینده تمدن ماست که به آن‌ها اجازه می‌دهد فرهنگ مقاومت در برابر ظلم را با بهره‌گیری از الگوهای تاریخی ایران در میان نسل نو ترویج کنند. این معلمان مسئولیت‌پذیر، با هم‌سوسازی آموزش‌ها با نیازهای تمدن نوین اسلامی و به‌کارگیری مهارت‌های قرن بیست و یکم با رویکردی بومی، دانش‌آموزان را برای موفقیت در دنیای مدرن و مشارکت فعال در جامعه آماده می‌سازند. درنهایت، دانشگاه فرهنگیان باید به‌عنوان یک سنگر پیشرو در جبهه‌ی فرهنگی، در تولید محتوای ارزشی متناسب با آرمان‌های ایرانی-اسلامی پیشگام باشد. تقویت روحیه خوداتکایی و نوآوری با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی، نه تنها به ایجاد فرصت‌های جدید شغلی می‌انجامد، بلکه پیوند میان مدرسه و خانواده را نیز مستحکم‌تر می‌کند. ایجاد این شبکه منسجم آموزشی و تربیتی، با جلب مشارکت فعال خانواده‌ها، تضمین‌کننده‌ی تثبیت ارزش‌های فرهنگی و اعتلای همه‌جانبه‌ی جامعه در مسیر تمدن سازی خواهد بود.

### فریبا جلیلیان

عضو هیئت‌علمی گروه علوم تجربی دانشگاه فرهنگیان تهران

## یادداشت پانزده

### حماسه‌ی مقاومت، به استعانت اسماء الهی

ای «سَيِّدَ السَّادَاتِ»! ای سرورِ سروران! در این برهه‌ی حساس، که ایران ما نیازمند رهبری هدایتگر است، تو را به بزرگی‌ات سوگند می‌دهیم که کشتی این ملت را به ساحل امن برسانی. ای «مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ»! ای اجابت‌کننده‌ی دعاها! دعای خالصانه‌ی ملت ما را در شب‌های قدر، و در تمام ایام، مستجاب فرما. صدای حق‌طلبانه‌ی ما را بشنو و در اجابت خواسته‌های برحق این سرزمین، تعجیل فرما. ای «رَافِعَ الدَّرَجَاتِ»! ای بالابرنده‌ی درجات! جایگاه ملت ایران را در میان ملل جهان، به برکت ایمان و مقاومتشان، ارتقا بخش. درجات معنوی و مادی بندگان صالح تو را، در دنیا و آخرت، بالا ببر. ای «وَلِيَّ الْحَسَنَاتِ»! ای سرپرست نیکی‌ها! همه‌ی نیکی‌های ما، از توست و به‌سوی تو بازمی‌گردد. خیروبرکت را بر این سرزمین جاری ساز و توفیق انجامِ حسنات بیشتری را به ما عطا فرما. ای «غَافِرَ الْخَطِيئَاتِ»! ای آمرزنده‌ی لغزش‌ها! ما را در پناه رحمت خویش، از گناهان و خطاهایمان پاک فرما. اشتباهات گذشته‌ی ملت ما را ببخشای و راه بازگشت به‌سوی خود را بر ما هموار ساز. ای «مُعْطِي الْمَسْئَلَاتِ»! ای بخشنده‌ی خواسته‌ها! خواسته‌های برحق ملت ایران را، خصوصاً در جهت عزت، سربلندی و استقلال این مرزوبوم، برآورده ساز. ای «قَابِلَ التَّوْبَاتِ»! ای پذیرنده‌ی توبه‌ها! توبه‌ی صادقانه‌ی ما را بپذیر و ما را از گمراهی و ضلالت نجات ده. ای «سَامِعَ الْأَصْوَاتِ»! ای شنوندگان همه‌ی صداها! صدای خاموشان، فریادِ مظلومان، و نجاهای پنهان دل ملت ما را بشنو و در حق ما، گشایش و عدالت را مقرر فرما. ای «عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ»! ای دانایِ پنهان‌ها! تو از اسرارِ درون ما و از نقشه‌های پنهان دشمنان این ملت، آگاهی. ما را در برابر فتنه‌ها و دسیسه‌ها، هوشیار و بصیر گردان. ای «دَافِعَ الْبَلِيَّاتِ»! ای دورکننده‌ی بلاها! بلاهای نازل‌شده و نازل‌شدنی بر سر این ملت را، به حق اسماءِ حسنایت، از ما دور فرما. ایران ما را از شر دشمنان و آفاتِ طبیعی و غیرطبیعی، در پناه خویش حفظ کن. ملت ایران! در این شبِ قدر، با تکیه بر این اسماءِ نورانی، ندا سر دهیم که ما ملتی هستیم استوار، مقاوم، و متوکل بر «الله». «یا سَيِّدَ السَّادَاتِ»، هدایتمان کن. «یا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ»، اجابتمان فرما. «یا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ»، ما را سربلند ساز. «یا غَافِرَ الْخَطِيئَاتِ»، عفو فرما. «یا دَافِعَ الْبَلِيَّاتِ»، محافظت فرما. با اتکا به قدرتِ «الله»، «القادر»، «العظیم»، و با امید به رحمتِ «الرحمن»، «الرحیم»، «الغفور»، و با استغاثه به «الغوث»، مسیرِ خیر را یافته و از هر شری، به یاری تو، در امان خواهیم ماند.

### شهرام نظری

گروه آموزش تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان تهران پردیس شهید چمران

## یادداشت شانزده

### اومانیسم، «چاه تربیت» یا «بام تربیت»؟

انسان محوری، خودپرستی، لذت‌گرایی و تأکید بر نیازها و طبیعت کودک در «تربیت لیبرال» چرا شامل نیاز انسان به نیازهای عالی و انسانی و معنویت توحیدی الزاماً نمی‌شود و با لبه‌های قیچی سکولاریزم تربیتی بریده می‌شود؟ چرا شامل حق بر دفاع از خود و خانواده و وطن و دین و عقیده و منافع ملی نمی‌شود؟ و چرا «آموزش صلح و رواداری» در اسناد بین‌المللی آموزشی در کشورهای اصطلاحاً توسعه‌نیافته (مستعمرات) به معانی نفی مقاومت و «من حق دارم بزنم تو حق نداری بزنی؟! است؟ اینجا دُم خروس «لیبرالیزم آموزشی» آشکار می‌شود. انسان محوری اومانیستی در تربیت سر از خودخواهی و خودگرایی (در مقابل دگرخواهی و ایثار) و چاهِ اُنانیّت و نفسانیت و فردگرایی ایندیویژوالیستی درمی‌آورد. آن‌هم فردگرایی‌ای که هیچ خطری برای لیبرالیسم و شبکه امپریالیزم ندارد. اگر هم از «تعادل جویی در نظام روانی و دستگاه شناختی» در «روانشناسی مدرن» سخن به میان می‌آید بازهم تعادل «نیاز به دفاع و مقاومت» و «حق بر دفاع از خود و دین و وطن» در لیست حقوق تربیتی نیست و یا در عمل ضریبی ندارد. در مقابل، در نظریه تربیت اسلامی و «مکتب تربیتی شهید امام خامنه‌ای» توحید و خداخواهی، دگرگرایی، مقاومت و دفاع در مقابل ظلم درونی و برونی، بر انسان محوری در تربیت (نه به معنای اومانیستی مدرن) تأکید می‌شود و «انسان پایه بودن تربیت» نه «چاه تربیت»، بلکه «بام تربیت» برای فعال‌سازی راقی‌ترین نیازها و خواسته‌های فطری انسانی در ابعاد اجتماعی و سیاسی است. توحید در مکتب خامنه‌ای شهید، توحیدی اجتماعی است و «تربیت توحیدی»، تربیتی ذاتاً اجتماعی-سیاسی و «تربیتی مقاومتی» است.

### سید نقی موسوی

هیئت علمی گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان استان قم



## یادداشت هفده

### فرصتی بزرگ برای درس میهن‌دوستی

در کلاس‌های درس این روزها که سرزمینمان، مام وطن، ایرانمان مورد حمله‌ی کسانی قرار گرفته که ماهیت وجودی‌شان برای همه آشکار شده و اگر کسی اسیر جهل مرکب نشده باشد، ذات پلید آن‌ها را می‌شناسد، فرصت مغتنمی است که ما معلمان و استادان دانشگاه به‌عنوان افسران سپاه پیشرفت کشور، اولویت‌هایمان را در کلاس درس کمی تغییر دهیم. این روزها کلاس درس ما بهترین بستر برای پرورش و یا تقویت حس وطن‌دوستی و زنده کردن هویت ملی در شاگردانمان است. به قول امام شهیدمان «ما معلمان باید بخشی از زمینی را که خشک به نظر می‌رسد، بکاویم تا از آنجا چشمه‌ای جاری شود یا بذری را که خیلی ناچیز به نظر می‌رسد، در زمین مستعدی بکاریم تا نهال سرسبزی از آن متولد شود و چه بستری مهیاتر از این زمان، که درس وطن‌دوستی را به شاگردانمان بیاموزیم. باید در کلاس‌های درس‌مان هویت ملی، پیشینه‌ی فرهنگی، مفاخر سرزمینی و عزت تاریخی را برای شاگردانمان بازگو کنیم تا در آن‌ها احساس عزت و غیرت به وجود آید. ما معلمان و استادان در این برهه از تاریخ سرزمینمان، باید از فکر مخاطبانمان که شاگردانمان هستند، به‌خوبی صیانت و مراقبت کنیم. نباید اجازه دهیم، های و هوی رسانه‌ای آن‌ها را مقهور خود کند، نباید بگذاریم هویت ملی و پیشینه‌ی درخشان سرزمینشان، در بوق و کرنای دشمنان و معاندان کمرنگ و یا فراموش شود. آری، ما معلمان و استادان باید در این موقعیت خطیر در کلاس‌های درس‌مان، کمی اولویت‌هایمان را جابجا کنیم».

### فاطمه رضایی

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران.

## یادداشت هجده

### یاد رهبر شهید و فرهنگ جاودانه شهادت

شهادت برای ملت ایران همیشه نشانه‌ای از پاکی، ایثار و بازگشت به حقیقت بوده است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر شهید انقلاب اسلامی، در بیاناتش بارها از شهادت به‌عنوان گوهری الهی یاد کرد؛ حقیقتی که نه پایان، بلکه آغاز راهی روشن است. او شهادت را نه تنها مرگی در راه خدا، بلکه عروجی از محدودیت‌های دنیوی به افق‌های نورانی معنا می‌داند. در بیاناتش، «شهادت» با استعاره‌هایی چون عطر، نور، شعله و رنگ مفهوم‌سازی می‌شود؛ نشانه‌هایی از حضوری دل‌انگیز و همیشگی. گاه شهادت را راهی بی‌پایان معرفی می‌کند که هر مؤمن باید در آن گام نهد، گاه خانه‌ای امن که درهایش همیشه به روی اهل ایمان گشوده است. در نگاه او، شهادت، میدانی از نبرد و مجاهدت است، جایی که انسان در اوج عشق، با خدا پیوند می‌خورد. رهبر شهید ما حتی از شهادت به‌عنوان جرعه‌ای گوارا یاد می‌کند که تنها برگزیدگان از آن می‌نوشند. این نگرش، ریشه در ایمان عمیق و فرهنگ ایرانی-اسلامی دارد؛ فرهنگی که از عاشورا جان گرفته و در انسان‌ها روحیه‌ی فداکاری می‌دمد. رهبر شهید ما با زبان استعاره، شهادت را از مفهومی خشک و فقهی به حقیقتی زنده و جاری بدل ساخت؛ نوری که در دل جامعه تابید و نسل‌ها را به حرکت و امید فراخواند. امروز که او خود به خیل شهیدان پیوسته است، یادش همچون همان «شعله‌ی جاویدان شهادت» در جان این ملت می‌تابد. رهبر شهید ما، با اندیشه و خون خویش، مسیر حقیقت را روشن کرد؛ مسیری که از عطر معرفت آغاز می‌شود و تا قله‌ی جاودانگی ادامه دارد. روحش شاد و راهش پر رهرو باد ...

محمدرضا طوسی نصرآبادی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان زنجان

## یادداشت نوزده

### اجتماع قلوب دستاورد بزرگ جنگ رمضان

جنگی که امروزه توسط امپریالیسم آغاز گردیده دستاوردهای بزرگی داشته یکی از دستاوردهای آن که محاسبات دشمن را به هم ریخته است اجتماع قلوب و اتحاد مقدس است. امریکای جنایتکار و اسرائیل غاصب با ترور رهبر و فرماندهان جنگ را آغاز کردند و برنامه بعدی دامن زدن به خنگ داخلی و ناامنی و اغتشاشات را داشتند تا به اهداف شوم خود که تجزیه ایران بود برسند ولی غافل از اینکه ملت ایران متحدتر و هم دل تر از قبل شده و با حضور پرشور خود در صحنه تمام محاسبات دشمن را به هم ریخته این رشد معرفتی و ایمانی از دستاوردهای این جنگ بود این ایام مردم با حضور در میدان با همه تهدیدات و بمباران‌ها انسجامی مثال‌زدنی بین تمام اقشار جامعه داشتند صحنه‌ای که تمام لایه‌های فرهنگی دوشادوش یکدیگر در میدان حاضر شدند چنین اتحادی که تاریخ انقلاب اسلامی کمتر به خود دیده است شاخصه اصلی پیروزی و فتح در جنگ را خداوند در قرآن کریم زیادی افراد یا تجهیزات نمی‌داند بلکه پیروز واقعی از آن کسی هست که در میدان جنگ قلوب و افکار را با خود همراه کند پیامبران الهی نیز تلاش می‌کردند چهره واقعی فرعون‌های زمان را به امت خود معرفی کنند و انزجار و نفرت عمومی را ایجاد نمایند و اتحاد و انسجام در مسیر حق را در امت ایجاد نمایند وقتی پیام تبریک فتح خرمشهر را خدمت امام راحل فرستادند امام خمینی فرمود: فتح الفتوح انقلاب اسلامی تربیت جوانان است نه صرفاً فتح خاک و ایشان فرمودند آنچه برای این‌جانب غرور انگیز و افتخار آفرین است روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت‌طلبی این عزیزان است و این است فتح الفتوح (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۹۵).

#### سید صدرالدین محمودی

عضو هیئت علمی گروه آموزشی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان همدان

## یادداشت بیست

### زبان مقاومت

زبان ظرف تربیت است، علوم مختلف می‌توانند جولانگاه مباحث تربیتی باشند، به‌عنوان نمونه دانش شیمی می‌تواند بستری فراهم کند تا فراگیر کاشف دارو باشد یا بمب اتم، اما زبان داستان دیگری دارد، مخصوصاً زبان وحی، عربی زبانی است که مواد اولیه آموزش آن را می‌توان از نامیراترین متن فرابشری استخراج کرد، زبانی که نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه را می‌تواند راحت‌تر خوراک کلاس درس نماید، دبیران و مدرسانی که تا دیروز از کنار این گنجینه‌ها راحت عبور کردند از امروز خیمه بزنند روی هر واژه‌ای که دشمن و یهود را رسوا می‌کند، آموزشگران در کلاس‌ها «و اذ اخذنا میثق بنی اسرائیل لاتعبدون الا الله ... ثم تولیتهم الا قلیلاً منکم و انتم معرضون» را مواد خام آموزش سرفصل‌های درس‌هایتان نمایید به فرزندان بیاموزیم که یهودی با دسیسه به بهانه آتش‌بس پیمان می‌بندد اما به روایت خدا، عهد می‌بندد و نمی‌پاید. تحلیل تک‌تک واژگان آیه «والذین اتخذوا مسجداً ضراباً و کفراً و تفریقاً بین المومنین» را در کلاس‌های صرف و نحو ترجمه به فراگیرانتان بیاموزد تا نسل نو بدانند که تفرقه‌افکنی بین مسلمانان در ذات یهودی‌ها رخنه کرده است و بی‌شمار آیه و روایتی که کمک می‌کنند نسلی پایدار و مقاوم تربیت کنیم.

### پوران رضائی

عضو هیئت‌علمی گروه آموزش زبان عربی، دانشگاه فرهنگیان

## یادداشت بیست و یک خداباوری و جنگ رمضان

در شرایط جنگی که کشور عزیزمان با آن مواجه است؛ بسیاری از نوشته‌ها تلاش دارند در جهت مدیریت و آرامش روان جامعه روش‌هایی را که مبتنی بر تجربه بشری است را آموزش دهند. روش‌های همچون گفتاردرمانی، منحرف کردن ذهن از حوادث و خودآگاهی ذهنی را می‌توان نام برد که در این راستا وجود دارند. ویژگی مهم در این روش‌ها، موقتی بودن آن‌ها و تأثیر نسبی آن‌ها در واکنش طبیعی و غریزی انسان نسبت به شنیدن انفجار است؛ اما نسبت به احساس یاس و ناامیدی نقش قابل توجهی را آن‌ها نمی‌توان انتظار داشت؛ اما در مقابل باورمندی به خداوند و معنویت‌گرایی به افراد این توانمندی روحی را ایجاد می‌کند در مقابل دشمن نه‌راسند. او را بزرگ شمارند و به وعده یاری خداوند امیدوار باشند. همچنین در اتفاقات ناگوار مربوط به خود و زندگی توصیه به صبر را تأکید می‌کند. بدیهی است صبر تنها زمانی می‌تواند نقش‌آفرین باشد که خداباوری در آن وجود داشته باشد. این نگاه و رویکرد، واکنش طبیعی و غریزی انسان نسبت به شنیدن انفجار را انکار نمی‌کند بلکه آن را مدیریت و از بروز نشانه‌های ناامیدی جلوگیری می‌کند. روش‌های یادشده در مدیریت واکنش‌ها غریزی نسبت به حوادث جنگ نقش ایفا می‌کنند اما نسبت به ابعاد شناختی (کوتاه‌مدت و بلندمدت) نقش قابل توجهی را ایفا نمی‌کنند. از این‌روی این روش‌ها در کنار نقش خداباوری می‌توانند در بهبود شرایط نقش‌آفرین باشند. از این‌روی خداباوری در جنگ، علاوه بر رشد انسان به ابعاد شناختی او توجه دارد.

### مرتضی یعقوبخانی

استادیار گروه امور تربیتی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان زنجان

## یادداشت بیست و دو

### دشمن‌شناسی با پرورش ذهن و عقلانیت در کلاس

درس عامل مهم و اصلی در هر کشوری فرهنگ و ایدئولوژی ارزشی آن است؛ این عامل اساسی، ارزش‌های اخلاقی را در دل خود جای داده است که پایه‌ای‌ترین رکن انسجام هر جامعه محسوب می‌شود؛ پایبندی به اصول اخلاقی مقدمه‌ای ضروری و اجتناب‌ناپذیر برای امنیت، نگهداشت فرهنگ اصیل، ثبات و پیشرفت یک جامعه به حساب می‌آید؛ بنابراین از دیرباز شاهد این هستیم که کشورهای غربی سعی دارند با سست کردن و از بین بردن مؤلفه‌های مهم ارزشی و انسجام در کشورهایی که همچنان بر ایدئولوژی خود پایبند هستند؛ اختلال ایجاد کنند تا بتوانند سرمایه‌های آن را در دست بگیرند. در جنگ روانی دشمن اذهان را هدف قرار گرفته و سعی دارد تا با نفوذ فکری و در مدت‌زمانی مشخصی عقاید، وحدت ملی و ارزش‌های بنیادی را بر اساس قدرت‌های نرم که امروزه شاهد آن هستیم از جمله فیلترینگ حسابی و ... را بی‌اعتبار کند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که علت بحران و نفوذ دشمن در اذهان نوجوان ما از کجا نشأت می‌گیرد؟ شاید بتوان گفت رها کردن کودک و نوجوان به حال خودش و نبود انسجام فکری و هدایت‌گر مناسب برای رشد و پرورش ذهنی و رفتاری آن‌ها، باعث عدم شناخت نسبت به فرایند عقلانی و کنترل خود شده است و این امر زمینه‌ساز بروز مشکلات گردیده؛ همچون مشکلات یادگیری؛ عدم کنترل بر خود، عدم آگاهی از ظرفیت‌های ذهنی و درونی، عدم عقلانیت، خشم و پرخاشگری، استرس، افسردگی، عدم اعتمادبه‌نفس، عدم کنترل بر هیجانات، مشکلات شناختی و عدم مطالبه‌گری و ارتباط صحیح؛ در نتیجه ساختار ذهنی‌اش اجازه داده که دشمن بتواند در او نفوذ پیدا کند. اما راهکار کجاست؟ بعد از خانواده؛ معلمان به‌عنوان عنصر اجرایی در فرایند تربیت، تقویت فرهنگ و خنثی کردن جنگ شناختی نقش اساسی دارند. معلم باید فرصت‌هایی برای دانش‌آموزان فراهم آورد که بتوانند تجربیات اولیه اساسی را بازآفرینی و با حمایت از بزرگ‌سال همدل (معلم) در یک محیط امن، یادگیری را احساس کند و سواد شناختی و عقلانیت خود را رشد و پرورش دهند. استفاده از رویکرد پرورش ذهن در کلاس درس توسط معلم؛ دانش‌آموزان را دارای قدرت تفکر انتقادی، تشخیص درست از غلط، بالا بردن قدرت استنباط شخصی، رسیدن به سطحی از درک حربه‌های سیاسی، امنیتی و فرهنگی می‌کند و از آسیب‌پذیری شناختی آنان پیشگیری خواهد کرد. معلم در ابتدا پرورش را در خودش باید نهادینه کند و سپس وارد فرایند اجرایی پرورش ذهن در دانش‌آموزان شود. خویشتن‌پرورشی معلم، باید به‌گونه‌ای باشد که بتواند؛ علاوه بر افزایش درک، دانش و توانمندی‌های خودش، دانش‌آموز را نیز به سطح بالایی از کمال و توسعه‌یافتگی در ابعاد مختلف پرورش بکشانند. برای این امر لازم است تا معلم بر روی عوامل اخلاقی، رفتاری، مهارتی و دانشی کار کند و سپس وارد رویکرد پرورش ذهن دانش‌آموزان با مؤلفه‌های توسعه شناختی، توسعه فراشناختی، عادات سالم ذهنی و خودآگاهی شود.

آرزو احمدآبادی

عضو هیئت علمی گروه مدیریت آموزشی دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی

## یادداشت بیست و سه

امام علی علیه السلام در نامه ۱۷ نهج البلاغه در پاسخ به نامه‌ای از معاویه تفاوت جبهه حق و باطل را در ۴ مورد بیان می‌فرماید که حکایت امروز ما و صهیونیسم جهانی است: 1. تسلیم شدن که امام قاطعانه رد می‌کند. 2. جایگاه اخروی لشکریان حق و باطل «آگاه باش، آن کس که بر حق بود، جایگاهش بهشت، و آن که بر راه باطل بود در آتش است» 3. «عدم تساوی دو جبهه در برخورداری از عوامل معنوی و جنود الهی» «اما اینکه ادعای تساوی در جنگ و نفرات جهادگر را کرده‌ای، بدان که رشد تو در شک به درجه کمال من در یقین نرسیده است» «دشمن در طلب دنیا می‌جنگد و اهل حق در طلب آخرت. «اهل شام بر دنیا حریص‌تر از اهل عراق به آخرت نیستند» 4. «عدم تساوی در حلال‌زادگی و حرام‌زادگی و نتایج مترتب بر آن» «و اینکه ادعا کردی ما همه فرزندان «عبد مناف» هستیم، آری چنین است، اما جدّ شما «امیه» چونان جدّ ما «هاشم» و «حرب» همانند «عبدالمطلب»، و «ابوسفیان» مانند «ابوطالب» نخواهند بود. هرگز ارزش مهاجران چون اسیران آزاد شده نیست و حلال‌زاده همانند حرام‌زاده نیست و آن که بر حق است با آن که بر باطل است را نمی‌توان مقایسه کرد و مؤمن چون مفسد نخواهد بود. L

احمد رضا بسیج

هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان

## یادداشت بیست و چهار

رمضان ۴۰۴، هنگامه‌ی «نه» گفتن‌های غرورانگیز؛ (نه به نفس، نه به نفاق، نه به استکبار)

رمضان ۴۰۴، فصلِ آزمون و اثباتِ حق و حقانیت است و روزه‌ی آن، فراتر از پرهیز لب و دست و چشم و گوش از آب‌ونان و نگاه و گناه، آیین‌ی پرهیز دل‌وجان است از همراهی و هم‌نوایی با شیاطینِ فریب و استکبار. در گوشه‌ای از گستره‌ی گیتی، در رمضان ۴۰۴، مردمان ایران‌زمین چونان نگهبانان نور و ایمان، قد برافراشته و استوار ایستاده‌اند. هر خانه، سنگری است برای استقامت؛ هر مادر، پیام‌آوری برای امید؛ و هر کودک، تجسمِ معصومیتِ زخمیِ بشریت در برابر ابرقدرت‌های پوشالی که هیولای تکنولوژی و زر را به جنگِ انسانیت گسیل داشته‌اند و دست در دست هم قاطعانه و با آوایی برخاسته از عمقِ تاریخِ پرفرازونشیب و البته پرفروغشان، فریاد «نه» سر داده‌اند: «نه به استکبار، نه به سازش، نه به تسلیم، نه به ترس، نه به خاموشی، سکوت و انفعال». آری رمضان ۴۰۴، شبِ قدرِ زمین است؛ آنجا که ملائکه بر گردِ جسم و جان سرو قامتانِ مقاومت و ایرانِ اسلامی در گردش‌اند و لوحِ افتخارِ تاریخِ بشریت را با خونِ شهیدانش امضا می‌کنند. همانان که در سایه‌سار این ماه مبارک و اقتدا به مولای شهیدشان، نه‌تنها به نفس و نان، که به وعده‌های پوشالی دشمنان و سفاکانِ زمانه نیز، به‌صراحت و از عمقِ جان «نه» گفته‌اند. رمضان ۴۰۴، هر سحرش بانگِ بیداری در جان‌ها و هر افطارش، جشنِ پیروزیِ عدالت بر استکبار است. رضانی است که پایانِ استعمار و استکبار و ظلم و ستم را نوید می‌دهد؛ رضانی برای مقاومت، برای قیام، برای استیلای نور بر ظلمت. بی‌گمان، رمضان ۴۰۴ برای ایرانِ اسلامی زنده‌تر، پویاتر و ماندگارتر از هر سالِ دیگری است؛ چراکه هر نسیمِ سحرگاهی‌اش، عطرِ استجابِ آنیِ دعای مردم را به دنبال دارد و هر وجب از خاکش، از شمال تا جنوب، از شرق تا غرب، نه‌تنها از خونِ رزمندگان و شیر مردان، که از خونِ شیرزنان، شیر کودکان و شیر دختران دبستانی آکنده است.

محمدصادق ضرونی

عضو هیئت علمی گروه آموزشی زبان و ادبیات عرب، دانشگاه فرهنگیان فارس



## یادداشت بیست و پنج

### تحلیل جامعه‌شناختی نقش مؤلفه‌های فرهنگی در تکوین هویت ملی و بازنمایی آن در ادبیات ایستادگی

ادبیات ایستادگی در ایران نه صرفاً روایتی از جنگ و نبرد، بلکه بستری برای بازنمایی لایه‌های عمیق هویت ملی است. این متون، در مواجهه با بحران‌ها و تهدیدها، مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی شکل‌دهنده هویت ایرانی را برجسته می‌کنند تا با ایجاد حس تعلق و همبستگی، مخاطب را به استمرار مقاومت ترغیب کنند. نویسندگان این حوزه توانسته‌اند مفاهیم پیچیده‌ای چون ایثار و شهادت را به شکلی هنرمندانه منتقل کنند. مذهب، به‌ویژه آموزه‌های شیعی، به شکل پررنگی در ادبیات پایداری بازتاب یافته است. ارجاع به واقعه عاشورا، در بسیاری از اشعار و داستان‌ها، الگویی از پایداری در برابر ظلم و بی‌عدالتی را ارائه می‌دهد. این بازتاب نه تنها رنگ و بوی قدسی به متن می‌دهد، بلکه مقاومت را به یک وظیفه اخلاقی-دینی ارتقا می‌بخشد. خاطره جمعی ملت ایران از حوادث تاریخی، در متون ایستادگی به عنوان یک منبع الهام و هشدار هم‌زمان به کار می‌رود. نویسندگان با یادآوری شکست‌ها و پیروزی‌های پیشین، پیام‌های امید و عبرت را به مخاطب منتقل می‌کنند. برای مثال، ارجاع به مقاومت تبریز در مشروطه یا نبرد خرمشهر در دفاع مقدس نشان می‌دهد که گذشته، چراغ راه امروز است. نمادهای فرهنگی در متون ایستادگی به شکلی فراگیر استفاده می‌شوند. خاک وطن، کوه‌های استوار، درختان کهن‌سال و رودهای خروشان، نه فقط عناصر طبیعی یا بصری، بلکه نشانه‌هایی از ماندگاری، ریشه‌داری و صلابت هستند. این نمادپردازی، مخاطب را از تجربه فردی نویسنده به تجربه‌ای جمعی و ملی پیوند می‌دهد. ارزش‌ها و باورهای مشترک، مانند آزادی‌خواهی، عزت‌طلبی و عدالت‌جویی را در خاطره جمعی پاس می‌دارند.

#### رحمت‌الله محمودی

عضو هیئت علمی گروه فلسفه و منطق، دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی

## یادداشت بیست و شش

### جذبِ میهن در پرتو تربیتِ معلم: بالندگی نسلِ آینده

مسئله میهن‌دوستی ریشه در فرهنگ و تاریخ یک ملت دارد که نشانه‌های آن را به‌طور نمونه در حدیث حضرت رسول (ص) «حُبِّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ» و اشعار شاعرانی چون فردوسی [مانند چو ایران نباشد، تن من مباد] می‌توان مشاهده کرد. اگر نیک و با دیدی پدیدارشناسانه بنگریم، در برهه‌هایی این موضوع مورد غفلت قرار گرفته است و حاصل چنین کمبودی، تربیت افرادی است که با دیدن ویرانی‌های ناشی از حمله دشمن، حس خوشحالی و شادمانی دارند. در راستای اعتلای روحیه میهن‌دوستی و تعمیق آن در تاروپود نظام آموزشی، تدوین برنامه‌های درسی مدون و پژوهش‌های بنیادین، امری بس ضروری است. این مهم، با تکیه بر اسناد فرادستِ راهبردی نظام تعلیم و تربیت و بهره‌گیری از خرد جمعی حاصل از پژوهش‌های پیشین در حوزه علوم تربیتی و علوم اجتماعی، میسر می‌گردد. برنامه‌های درسی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که مفاهیم بنیادین میهن‌دوستی، از درک هویت ملی و تاریخی گرفته تا مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تلاش برای پیشرفت و آبادانی وطن، به شکلی پویا و خلاقانه به مخاطب منتقل گردد. پژوهش‌ها نیز باید در جهت شناسایی مؤثرترین رویکردها، روش‌ها و محتواهای آموزشی گام بردارند تا بتوانند نسلی آگاه، علاقه‌مند و متعهد به سرافرازی ایران اسلامی تربیت کنند. این رویکرد، تضمین‌کننده آینده‌ای روشن و استوار برای میهن عزیزمان خواهد بود. به نظر می‌رسد دانشگاه فرهنگیان، به‌عنوان مرکز ثقل نظام تعلیم و تربیت باید در این زمینه با سه رویکرد زیر اقدام به فرهنگ‌سازی «حُبِّ وطن» اقدام نماید: ۱. غنی‌سازی محتوای آموزشی و درسی با رویکرد ملی و در زمینه‌های تاریخ و فرهنگ ایران‌زمین ۲. ترویج و نهادینه‌سازی شهروندی مسئولانه ۳. فعالیت‌های فوق‌برنامه و فرهنگی ترویجی، برگزاری رویدادهای ملی و فرهنگی ۴. ترویج خدمات داوطلبانه و اجتماعی ۵. تقویت اخلاق حرفه‌ای و الگوسازی ۶. ایجاد فضای همدلی و همبستگی. این راهبردها می‌توانند به تربیت نسلی از معلمان و سپس دانش‌آموزان کمک کنند که عمیقاً به وطن خود عشق ورزیده و برای سرافرازی آن تلاش نمایند.

### مهدی نامداری پژمان

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان گیلان

## یادداشت بیست و هفت تربیت و الگوی مقاومت در مکتب امام خامنه‌ای شهید

در مکتب امام خامنه‌ای، تربیت و مقاومت دو ستون اساسی برای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی‌اند. این مکتب با الهام از اندیشه‌های ناب امام خمینی (ره)، بر پایه ایمان، معنویت، خودسازی و مسئولیت‌پذیری بنا شده است. در نگاه ایشان، تربیت اسلامی تنها آموزش مفاهیم دینی نیست، بلکه پرورش انسان مؤمن، بصیر و مقاومی است که توان ایستادگی در برابر طاغوت و دشمنان اسلام را دارد. در دوران دفاع مقدس، این تربیت الهی به‌روشنی خود را نشان داد. رزمندگان اسلام، با روحیه‌ای برخاسته از ایمان و ولایت‌پذیری، در برابر دشمنی که از حمایت قدرت‌های جهانی برخوردار بود ایستادند. آنان نه صرفاً برای خاک، بلکه برای حفظ ارزش‌های اسلامی و عزت ملت مسلمان ایران جنگیدند. امام خامنه‌ای در بیانات خویش همواره تأکید کرده‌اند که دفاع مقدس، مدرسه‌ای بزرگ برای تربیت انسان‌ها و مجاهدان فی سبیل‌الله بود؛ مدرسه‌ای که از دل جهاد، عرفان و ولایت شکل گرفت. در همین راستا، نگاه مکتب مقاومت در برابر دشمنان امت اسلامی، به‌ویژه در جنگ‌های منطقه مانند جنگ رمضان، بیانگر استمرار همان روحیه ایثار و جهاد است. این مکتب جهانی اسلام را در برابر ظلم، اشغال و سلطه غربی‌ها به مقاومت فرامی‌خواند. تربیت در مکتب امام خامنه‌ای یعنی تربیت نسلی که نه تنها در میدان جنگ، بلکه در عرصه علم، فرهنگ و سیاست نیز اهل ایستادگی و بصیرت باشد.

### علیرضا ولی پوربابلی

مدرس ریاضیات دانشگاه فرهنگیان استان مازندران

## یادداشت بیست و هشت

### تربیت زینب گونه

در این روزهای پرتلاطم که اهریمنان خصم خود را نشان سرزمینم می‌دهند، به هر جای رو می‌کنم نشانی از رهبر شهیدم را می‌بینم. دل‌سوختگان میهنم، با صلابت پای کار ایران اسلامی، با اقتدا به مولایشان ایستاده‌اند. سرمای سوزناکی در کوچه‌های شهرم پیچیده است و ایرانیان نظیر دفاع مقدس با عزت، بدرقه‌کننده فرزندان خود هستند. امروز که پیکر پاسداران رشید شهرم را تشییع می‌کردیم، نگاهم به حضور زینب گونه بانوان جلب شد. رخسار هر کدام برافروخته از خشمی بود که آن را حواله بدخواهان می‌کردند. سخنانی از رهبر شهیدم را به یاد آوردم که همیشه به نقش زنان ایران در حوزه اجتماع و سیاست تأکید داشتند که هم خود آیند و هم خانواده را آورند. امروز غیور بانوان ایرانم با نگاه به رهبر شهید، دست در دست فرزندانمان در خیابان‌ها گام نهاده بودند تا آب حیات را به شریان‌های سرزمینم جاری کنند. بانوان صبور کهن دیارم با ایستادگی خود رنگی از همدلی، همراهی، عاطفه و وفاق را بر اجتماع می‌زنند و با تأثیر بر خرد جمعی، آفریننده تربیت سیاسی بین فرزندان و خانواده خود هستند. به قطع این شور و القای اندیشه‌های ایرانی اسلامی است که عزم فرزندان ایران را برای حضور در میدان خطر و پنجه در انداختن با دیوان کودک کش پررنگ می‌سازد. امید است که بانوان ایران‌زمین با آگاهی و تلاش، سرمایه‌های اجتماعی این کشور را برای ایران اسلامی حفظ و با تربیت و تزکیه مناسب برای ایفای نقش در تمدن نوین اسلامی که یادگار رهبر شهیدمان است برسانند.

### راحله میرآخوری

عضو هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان، استان سمنان، گروه معارف اسلامی

## یادداشت بیست و نه

### میراث مکتوب کهن و پرافتخار تمدن ایرانی اسلامی و ضرورت محافظت از آن در برابر تهاجم بیگانگان

نسخه‌های خطی را می‌توان حافظه زنده و مکتوب تمدن ایران اسلامی دانست؛ گنجینه‌ای که در آن دانش، تجربه تاریخی، جهان‌بینی، باورهای دینی، ادبیات و دستاوردهای علمی نسل‌های گذشته ثبت شده است. قرآن‌های کهن و تفاسیر، آثار فلسفی اندیشمندانی چون فارابی، ابن‌سینا و سهروردی، متون علمی در حوزه‌هایی مانند ریاضیات، نجوم و پزشکی، آثار عرفانی، ادبی، تاریخی و جغرافیایی، بخش مهمی از این میراث ارزشمند را تشکیل می‌دهند. این مجموعه شالوده حافظه تمدنی جامعه ایرانی است؛ زیرا از طریق آن انتقال دانش میان نسل‌ها، حفظ هویت فرهنگی و دینی و تداوم سنت‌های فکری و علمی ممکن شده است. از این‌رو، نابودی یا آسیب دیدن این منابع می‌تواند به گسست در حافظه تاریخی و فرهنگی یک ملت بینجامد. تاریخ ایران عزیز نشان می‌دهد که این سرزمین بارها در معرض تهاجم‌ها و بحران‌های بزرگ قرار گرفته است؛ از حمله اسکندر تا یورش مغولان، حملات تیموری و فشارهای استعماری در دوره‌های متأخر. در بسیاری از این دوره‌ها شهرها، مراکز علمی و کتابخانه‌ها آسیب دیدند یا نابود شدند؛ اما بقای سنت مکتوب و پراکندگی نسخه‌های خطی در مدارس و کتابخانه‌ها امکان تداوم حیات علمی و فرهنگی را فراهم کرد. از این منظر، نسخه‌های خطی را می‌توان بذره‌های تمدن دانست که در دل بحران‌ها زمینه بازسازی فرهنگی و علمی را فراهم می‌کنند. میراث مکتوب همچنین حامل ترکیب منحصر به فرد تمدن ایران اسلامی است؛ آمیزه‌ای از فرهنگ ایرانی، اندیشه اسلامی، زبان فارسی و سنت علمی جهان اسلام که در تقویت هویت فرهنگی و مقاومت معنوی جامعه نقش داشته‌اند. از این‌رو، حفاظت از نسخه‌های خطی ضرورتی تمدنی و راهبردی است و مراقبت‌های تخصصی از آن‌ها انتقال این میراث گران‌بها و تداوم تاریخی تمدن ایران اسلامی را تضمین می‌کند.

#### ابوالفضل مرادی (رستا)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان، استان قم

## یادداشت سی

### تبیین ابعاد برنامه درسی با تأکید بر برنامه درسی انقلابی

برنامه درسی انقلابی در نظام آموزشی ما، فراتر از یک سرفصل درسی مرسوم، درواقع یک راهبرد دفاعی-شناختی برای صیانت از استقلال ملی در برابر جنگ‌های چندبعدی و همه‌جانبه است. اگر این ساختار را در سه لایه تحلیل کنیم، ابتدا با «برنامه درسی صریح» مواجه می‌شویم که وظیفه‌اش تولید سواد راهبردی است. گنجاندن مفاهیم عملیاتی مثل پدافند غیرعامل، آمادگی دفاعی و تحلیل تاریخ مقاومت در کتب درسی، دانش‌آموز را با زیرساخت‌های قدرت و بازدارندگی کشور آشنا می‌کند. هدف اصلی در این سطح، تجهیز نسل جوان به دانش سیاسی است تا در شرایط تهاجم یا تحریم، با تکیه بر آگاهی مستند، در برابر روایت‌های تحریف‌شده دشمن دچار تردید نشود. به عقیده نگارنده در لایه‌ای عمیق‌تر، این «برنامه درسی پنهان» است که فرهنگ حاکم بر فضای آموزشی را شکل می‌دهد. این رویکرد که ریشه در ارزش‌های اصیل انقلابی دارد، نه از طریق متون رسمی، بلکه با درونی‌سازی مفاهیمی مثل ایثار، شهادت‌طلبی و عزت ملی در جان دانش‌آموز رسوخ می‌کند. درواقع در زمان تهدیدات خارجی، همین لایه نانوشته است که اراده مقاومت را نهادینه کرده و حس تعلق به خاک را به یک باور قلبی تبدیل می‌کند. این زیست‌بوم تربیتی با تقویت انسجام اجتماعی، مدرسه را به سنگری در برابر جنگ روانی و فروپاشی ذهنی جامعه مبدل می‌سازد. در کنار همه این‌ها، برنامه درسی انقلابی با جسارت به قلمرو «برنامه درسی پوچ» (مغفول) نیز ورود می‌کند. این بخش به بازنمایی حقایقی می‌پردازد که نظام سلطه و رسانه‌های استکباری عمداً از چرخه آگاهی جهانی حذف کرده‌اند. افشای ماهیت استکباری آمریکا، جنایات رژیم صهیونیستی و استانداردهای دوگانه مدعیان حقوق بشر، بخش‌هایی از آگاهی هستند که معمولاً در نظام‌های آموزشی سکولار بایکوت می‌شوند. برنامه انقلابی با پر کردن این خلأها، بصیرتی ایجاد می‌کند که مانع از فریب خوردن نسل جدید در برابر شعارهای فریبنده متجاوزان می‌شود. درنهایت پیام این نوشتار، تربیت انسانی است که با درک مظلومیت مقتدرانه میهن، خود را پاسدار آگاه مرزهای فکری و جغرافیایی ایران می‌داند.

### حمزه آبار

مأمور آموزشی، گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان مازندران

## یادداشت سی و یک تربیت و مقاومت در پرتو قرآن کریم

مقاومت، جلوه‌ای کلیدی از تربیت قرآنی، در حفظ ارزش‌ها و هویت دینی نقشی حیاتی ایفا می‌کند. قرآن کریم با دستور «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» (هود/۱۱۲)، بر پایداری در برابر انحرافات و فشارهای بیرونی تأکید می‌ورزد. این مفهوم در آیات و تفاسیر، عمدتاً ذیل عناوینی چون «صبر»، «استقامت» و «ثبات قدم» مطرح شده است که ارکان تربیت فردی و اجتماعی و کلید مقاومت در برابر مشکلات، دشمنان و وسوسه‌های درونی محسوب می‌شوند. این مقاومت، ریشه در ایمان عمیق و اعتماد به وعده‌های الهی دارد و نتیجهٔ تربیتی است که فرد را در برابر سختی‌ها مقاوم می‌سازد. رابطهٔ عمیقی میان تربیت و مقاومت در قرآن وجود دارد. آیات متعددی به این موضوع پرداخته‌اند، از جمله: آیه ۱۵۳ بقره: مؤمنان را به «صبر و نماز» برای استعانت فرامی‌خواند و یادآور می‌شود که «خدا با صابران است». صبر در اینجا به معنای پایداری فعال در برابر مشکلات است. آیه ۲۰۰ آل عمران: برنامه‌ای جامع برای رستگاری ارائه می‌دهد: «صَبِرُوا» (استقامت درونی)، «صَابِرُوا» (استقامت در برابر دشمن)، «رَابِطُوا» (مرزبانی) و «اتَّقُوا اللَّهَ». این آیه استقامت درونی را مقدمهٔ پیروزی بر دشمن بیرونی می‌داند. آیه ۳۵ احقاف: پیامبر (ص) را به صبری همچون صبوری پیامبران اولوالعزم فرمان می‌دهد که الگویی برای رهبران و مؤمنان است. آیات ۱۴۶-۱۴۷ آل عمران: استقامت یاران پیامبران گذشته را الگو قرار داده و دعای آنان برای ثبات قدم و نصرت بر کافران را نقل می‌کند. آیه ۲۵۰ بقره: دعای همراهان طالوت «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» را بیانگر درخواست استقامت درونی، ثبات بیرونی و پیروزی معرفی می‌کند. آیات ۳۰-۳۲ فصلت: پاداش استقامت‌ورزان را برشمردند که شامل نزول فرشتگان، نبود ترس و اندوه، و ورود به بهشت است. نتیجه‌گیری: آیات قرآن، موضوع تربیت و مقاومت را بر محور «صبر و استقامت» سامان داده‌اند. این صبر، مفهومی فعال و چندبُعدی است که شامل صبر بر اطاعت، معصیت و مصیبت می‌شود. تربیت انسان‌های مقاوم در گرو اتکای به خدا (نماز) و اتکای به نفس (صبر) است. الگوهای عملی این مقاومت در زندگی پیامبران و یاران آنان تبلور یافته و پاداش نهایی آن، بهشت است.

مهدی شعبانی

عضو هیئت علمی گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان قزوین

## یادداشت سی و دو برنامه درسی انقلابی؛ بذر بیداری در خاک کلاس

درس در روزهایی که سرزمینمان آماج روایت‌های تحریف‌شده و هجمه‌های فرهنگی است، میدان نبرد دیگر فقط جغرافیایی نیست؛ ذهن‌ها و جان‌های کودکان ایران در معرض تهاجمی نرم‌اند. در این هنگامه، برنامه درسی باید به جای سند اداری، پرچم بیداری یک ملت باشد؛ طرحی برای تربیت نسلی که حقیقت را بشناسد، عزت ملی را پاس دارد و روح مقاومت را در جان جامعه بدمد. برنامه درسی انقلابی یعنی بازگشت آموزش به اصل رسالتش؛ یعنی ساختن انسان مؤمن، مسئول و آگاه در برابر جنگ شناختی. این برنامه درسی نه به دنبال بی‌طرفی علمی، بلکه به دنبال نورافشانی در تاریکی جهالت است. در آن، تاریخ روایت عبرت‌ها و بیداری‌ها، ادبیات آیینی غیرت و امید ایرانی و علوم ابزار آبادانی وطن در مسیر تمدن اسلامی است. دانشجومعلم عزیز، تو افسر این میدان هستی. کلاس درس تو می‌تواند خاک سرد بی‌تفاوتی را به مزرعه آگاهی بدل کند. از کتاب‌های درسی، سپری برای ذهن کودکان سرزمینت بساز؛ از گفتگوی درسی، پلی به فهم مسئولیت اجتماعی؛ و از هر تجربه تربیتی، جرعه‌ای ایمان و امید در جان شاگردانت جاری کن. جنگ رمضان نشانمان داد که دشمن، گاه با موشک می‌تازد و گاه با روایت. اگر ما روایت تربیت انقلابی را نسازیم، دیگران در ذهن فرزندانمان می‌نویسند. پس بیاییم برنامه درسی را سنگر اول انقلاب فرهنگی بدانیم؛ متنی زنده که جان می‌بخشد و روح هویت ایرانی-اسلامی را زنده نگه می‌دارد. برنامه درسی انقلابی همان بذر بیداری است که در کلاس امروز کاشته می‌شود تا فردا در قامت نسلی بالنده، مؤمن و خلاق جوانه زند؛ نسلی که با آگاهی و شجاعت، راه امام و شهیدان را در میدان قلم و فکر ادامه خواهد داد.

### فتح اله کوشکی

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان لرستان



## یادداشت سی و سه مکتب تربیتی امام خامنه‌ای

مکتب تربیتی امام خامنه‌ای بر پایه رویکردی جامع و انسان‌محور استوار است که هدف نهایی آن، تربیت انسان‌های کامل، خودساخته، و آگاه به مسئولیت‌های فردی و اجتماعی است. این مکتب، فراتر از آموزش صرف دانش و مهارت، بر پرورش اخلاق، معنویت، و بصیرت تأکید دارد. امام خامنه‌ای معتقدند که تربیت باید با در نظر گرفتن ظرفیت‌ها و استعدادها بالقوه هر فرد صورت گیرد و به او کمک کند تا به کمال انسانی دست یابد. در این مکتب، نقش الگوهای اخلاقی و معنوی، به‌ویژه شهدا، در هدایت و تربیت نسل جوان بسیار مهم تلقی می‌شود. عناصر کلیدی مکتب تربیتی امام خامنه‌ای شامل خودسازی، بصیرت، امید، استقامت، و عدالت‌طلبی است. ایشان بر اهمیت تقویت ایمان، تقوا، و اخلاق در جامعه تأکید دارند و معتقدند که تربیت باید در راستای تحقق اهداف عالیه انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی باشد. این مکتب، با تأکید بر نقش خانواده، مدرسه، و جامعه در فرآیند تربیت، سعی در ایجاد یک نظام تربیتی هماهنگ و پویا دارد که بتواند پاسخگوی نیازهای نسل جوان در دنیای امروز باشد. مکتب تربیتی امام خامنه‌ای، با تأکید بر اهمیت «تربیت نیروهای متخصص و متعهد»، به نقش علم و فناوری در پیشرفت و توسعه کشور اشاره دارد. ایشان معتقدند که علم باید در خدمت آرمان‌های انقلاب و ارزش‌های اسلامی باشد و دانشمندان و پژوهشگران باید با انگیزه ایمان و تعهد، در جهت حل مشکلات کشور و ارتقای سطح زندگی مردم گام بردارند. در این راستا، امام خامنه‌ای بر لزوم تقویت مراکز علمی و پژوهشی، حمایت از نخبگان، و ایجاد بستر مناسب برای شکوفایی استعدادهای علمی تأکید فراوان داشته‌اند.

### سعید رسالتی

عضو هیئت علمی گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان قزوین

## یادداشت سی و چهارم رهایی از چنگال تربیت استعماری

هر تمدنی، بر پایه انسان‌سازی استوار است. نقطه آغازین حرکت تمدنی، خلق انسانِ ترازِ خود است. پرسش اساسی این است: ما که هستیم؟ و غرب، به‌عنوان دیگری تأثیرگذار در چند قرن اخیر، چه نسبتی با هویت و موجودیت ما دارد؟ پاسخ به این پرسش، کلید فهم بسیاری از تحولات گذشته، حال و آینده این ملت است. تربیت استعماری، صرفاً آموزش یک سری دانش نیست. بلکه یک مهندسی فرهنگی و هویتی هدفمند است. حضرت امام خامنه‌ای (ره) فرمودند: استعمار، یک کار اصلی کرد و آن، ایجاد یک تربیت استعماری در کشورهای تحت سلطه بود. آن‌ها کسانی را تربیت کردند که فکر، ذهن، سلیقه و خواستشان، همان چیزی باشد که استعمارگر می‌خواهد (۱۳۸۵). ویژگی‌های این پدیده شوم از دیدگاه مقام معظم رهبری عبارت است از: 1. تولید غرب‌زدگی فکری 2. تخریب اعتماد به نفس ملی 3. جایگزینی خودِ دروغین به جای خودِ حقیقی 4. علم جدا شده از ایمان و اخلاق مکانیسم‌ها و ابزارهای تحقق تربیت استعماری این پروژه عظیم که رهبری عزیز به چند ابزار کلیدی اشاره کردند: 1. از طریق سیستم آموزشی 2. از طریق رسانه و ابزارهای فرهنگی 3. از طریق نخبه‌سازی وابسته (پروژه نفوذ) 4. از طریق تحریف تاریخ راه‌حل: نه انزوا و تاجر، بلکه عبور از غرب‌زدگی و رسیدن به تعادل و خودباوری است؛ که: بازگشت به خویشتن - تولید علم بومی و جهادی اصلاح نظام آموزشی و پرورشی - بیداری بخشی و روشننگری - تربیت نسل جدید مبارزه با تربیت استعماری، پیش‌نیاز هرگونه حرکت بالنده و مستقل در عرصه‌های علم، اقتصاد، سیاست و فرهنگ است. تا زمانی که ذهن و روح ما در اسارت الگوهای تحمیلی باشد، دستیابی به تمدن نوین اسلامی ممکن نخواهد شد.

### مسلم شجاعی

استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان کهگیلویه و بویراحمد

## یادداشت سی و پنج

### دانشگاه فرهنگیان: بستری برای تمدن سازی در ایران دانشگاه فرهنگیان

با نگاهی دقیق به تجربیات دوران جنگ رمضان نقش خود را در تمدن سازی کشور بازتعریف می‌کند. این رویکرد، نه تنها به عنوان یک ضرورت دفاعی، بلکه به مثابه فرصتی برای بازنگری در مبانی و روش‌های تربیتی و آموزشی تلقی می‌شود. در این چارچوب، دانشگاه فرهنگیان متعهد است تا معلمان را به عنوان پژوهشگرانی آگاه و متفکر تربیت کند؛ معلمانی که قادر باشند با تحلیل دقیق وقایع تاریخی و سیاسی، به ویژه حوادثی چون جنگ رمضان، پیامدهای آن را بر فرآیند آموزش و پرورش درک کنند و راهکارهای مناسبی برای مقابله با چالش‌های ناشی از آن ارائه دهند. استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، در این مسیر، ابزاری ضروری برای دسترسی به منابع علمی و تبادل نظر با متخصصان است. تأکید بر ارزش‌ها و معنویت، در این رویکرد، نقشی اساسی ایفا می‌کند. دانشگاه فرهنگیان با تکیه بر پیشینه درخشان اسلامی-ایرانی، سعی دارد نسلی را پرورش دهد که در برابر تهدیدات خارجی، با استقامت و ایمان، از ارزش‌های ملی و مذهبی خود دفاع کند. این نسل، با بهره‌گیری از دانش و عقلانیت، قادر خواهد بود تا در مسیر تحقق تمدنی اصیل و پیشرو گام بردارد. در دوران جنگ، نظام آموزشی کشور با چالش‌های متعددی مواجه شد؛ از کمبود منابع و امکانات گرفته تا تهدیدات امنیتی و تبلیغاتی دشمن. دانشگاه فرهنگیان، با درک این چالش‌ها، تلاش می‌کند تا با تربیت معلمان توانمند و آگاه، بستری مناسب برای تداوم آموزش و پرورش در شرایط بحرانی فراهم آورد. در نهایت، دانشگاه فرهنگیان با رویکردی جامع و مبتنی بر ارزش‌ها، به عنوان یک مرکز تربیت پژوهشی و آموزش پژوهانه، در مسیر تحقق اهداف تمدنی کشور گام برمی‌دارد و بستری مناسب برای تربیت معلمان و پژوهشگران آینده‌ساز فراهم می‌آورد.

محمد محمدی صدر

استادیار و عضو هیئت‌علمی گروه امور تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان اصفهان

## یادداشت سی و شش خیابان؛ دانشگاه زنده‌ی انسان انقلابی

در دنیای پیچیده امروز، فهم حقیقت انقلاب اسلامی تنها در کتاب و کلاس ممکن نیست؛ باید به خیابان رفت، جایی که «زندگی» جاری است و انسان انقلابی در میدان عمل ساخته می‌شود. خیابان، جایی است که «خدا» در خدمت به مردم معنا می‌یابد، «اخلاق» در رفتار روزمره تجلی پیدا می‌کند، و «بصیرت» از دلِ گفت‌وگو و همراهی با مردم زاده می‌شود. وقتی در کنار مردم نفس می‌کشیم و درد و امیدشان را لمس می‌کنیم، «مسئولیت» از واژه‌ای در ذهن به واقعیتی در قلب بدل می‌شود. در کوچه‌هایی که کودکان و نوجوانان در میان سختی‌ها رشد می‌کنند، «تربیت انقلابی» را با تمام وجود احساس می‌کنیم. مردمی که در برابر فشارها می‌ایستند، کلاس زنده‌ی شجاعت و عزت را برپا کرده‌اند و بی‌کلام، «انسان تراز انقلاب اسلامی» را می‌آفرینند. بازگشت به متن جامعه، دعوتی است به زیستنِ آرمان‌ها، نه صرفاً دانستنِ آن‌ها. هر قدم در خیابان، درسی است از ایمان، ایثار و اقدام. بیایید به میدان بیاییم، حضور پیدا کنیم، بیاموزیم و بسازیم؛ زیرا خیابان، دانشگاه حقیقی انسان مؤمن، آگاه و مسئول است؛ جایی که علم به عمل پیوند می‌خورد و آینده روشن انقلاب از دل مردم زاده می‌شود.

### حیدر همتی

هیئت علمی گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

## یادداشت سی و هفت

### انواع مواجهه‌های پسااستعماری و مسئله شناسی در حوزه تعلیم و تربیت

پسااستعمار به معنای گذر از شرایط ناعادلانه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، تربیتی و نفی الگوی جهان‌شمول غربی و به رسمیت شناختن تفاوت‌ها است. مباحث پسااستعماری در سه دسته جای می‌گیرند: ۱. مطالعات پسااستعماری به‌منزله رهیافت‌هایی نظری بر ماهیت و پیامدهای استعمار. (متمرکز بر آگاهی‌افزایی فرهنگی، بازاندیشی، بازنمایی و تحلیل انتقادی تاریخ استعمار (۲). اقدامات علمی، فناورانه در راستای تحقق جهان پسااستعماری. (مانند برخی جریان‌های تکنوساینسی آینده‌گرا که مخالف رفتارهایی چون به‌استخدام گرفتن بردگان، تصرف در جسم زندانیان، آزمایش بر روی افراد بی‌پناه و فاقد هویت اجتماعی، اتانازی، انواع حملات بیوتکنولوژیکی و مانند آن است (۳). استعمارستیزی؛ صریح‌ترین موضع اجتماعی دین. (تربیت انسان‌های منتظر در سطوح فردی، اجتماعی و تاریخی، منجر به تحقق شرایط پسااستعماری در عصر ظهور می‌گردد. در عصر غیبت نیز، نظام حکومت دینی مصداق شرایطی است که استقلال‌طلبی، حریت و نهایتاً عبور از شرایط استعماری را دنبال می‌کند (از آنجاکه مفهوم سلطه با تفکر مدرنیستی گره خورده است، تمام رویکردهای ضد مدرنیستی که در فضای تربیتی اشراب شده‌اند، زمینه‌هایی را برای مواجهه‌های پسااستعماری فراهم می‌کنند. برخی از مسئله‌های تربیتی مستنبط از مباحث فوق عبارت‌اند از: تربیت پست‌مدرنی هیمنه تربیت استعماری مدرنیسم را شکست (عدو شود سبب خیر) اما روند تربیتی که برای برنامه درسی، نقش معلم و دانش‌آموز ارائه داد، در عمل با تناقضات جدی مواجه شد. حال باید دید تربیت دینی چگونه می‌تواند از این وضعیت به نفع خود بهره‌بردارد؟ اگر بخواهیم نفوذ استعمار سیاسی- اجتماعی بر نظام‌های تربیتی ملل را رفع کنیم آیا نیاز به حرکت‌های بنیان‌فکن داریم یا اینکه باید از اجزای کوچک‌تر نظام تربیتی شروع به ایجاد تغییر کرد؟ در جامعه اسلامی ایران، در کدام لایه‌های تربیت توانسته‌ایم مداخله استعمار تربیتی را به حداقل برسانیم و در چه سطوحی هنوز مستعمره محسوب می‌شویم؟ آیا سند تحول در این زمینه کفایت کرده است؟ هویت دوگانه «تربیت غربی» و «تربیت‌های دیگر»، در چه زمانی، توسط چه کسانی و به چه شکل باید اصلاح شود؟ نقش نظام آموزشی در انتقال زبان و فرهنگ بومی چیست؟ و ...

پرستو مصباحی جمشید

استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان

## یادداشت سی و هشت خیابان

بعضی کلمات از بس رایج هستند؛ کمتر کسی به فکر تعریف و بازتعریف آن‌ها می‌افتد. به قول معروف آنقدر دم‌دستی‌اند که هیچ‌کس به معنای آن‌ها حتی فکر هم نمی‌کند. یکی از این کلمات «خیابان» است. خیابان در فرهنگ تغییر و تحولات اجتماعی ایران در پنجاه سال اخیر مفهومی عمیق‌تر به خود گرفته است. راه‌پیمایی‌های قبل و بعد از انقلاب ۵۷، نقش خیابان را در ایجاد تحولات اجتماعی، دگرگون کرد. مردم شعارها و آرزوهای خود را در خیابان فریاد می‌زدند. خیابان در طول سال‌های پس از انقلاب گستره عظیمی از همگرایی و همبستگی اجتماعی را در ایران بزرگ، رقم زد. نقش خیابان به عنوان نقطه ثقل تحولات اجتماعی در ایران، همواره مطرح بوده و هست اما شاید هیچ‌وقت این گونه مفهوم خیابان موجب ایجاد همدلی و وحدت و انسجام در رفتار اجتماعی مردم ایران نشده بود. امروز پس از حملات وحشیانه آمریکا و اسرائیل، آنچه موجب ایجاد آرامش اجتماعی شده، «خیابان» است. مردم ایران هر شب فارغ از تمام تهدیدها، در خیابان‌ها جمع می‌شوند و به تمام معنا زندگی می‌کنند. خیابان در این روزها و شب‌های هول‌انگیز، آرامش‌بخش‌ترین نقطه شده است. مردم جمع می‌شوند، شعار می‌دهند، عزاداری می‌کنند. دعا می‌خوانند و به زیباترین شکل، حضور خود را فریاد می‌زنند. مردم یک پیام را با حضور خود به رزمندگان خط مقدم جبهه منتقل می‌کنند: «میدان با شما، خیابان با ما». حتماً تاریخ، این میزان از درک و شعور اجتماعی مردم فهیم ایران را در خود ثبت خواهد کرد. حتماً بعد از این در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان این مرزوبوم خواهند نوشت که پس از حملات بی‌رحمانه آمریکا و اسرائیل، چگونه مردم ایران با حضور مؤثر خود در خیابان‌ها، انقلاب خود را پاسداری نمودند. آفرین بر مردمی که با احساس مسئولیت اجتماعی و انقلابی خود مجال توطئه را از دشمنان گرفتند و صحنه بازی را عوض کردند. دشمنان تا کنون فقط نیروهای مسلح ایران را می‌دیدند و از نقش ارتش و سپاه اصلی ایران یعنی مردم غافل بودند. امروز خیابان برای ایرانیان مفهومی دیگر دارد. خیابان‌های امروز ایران، سرای امید ایرانیان است به گونه‌ای که پس از انتخاب رهبر عزیز انقلاب توسط مجلس خبرگان، مردم ایران «بیعت» خود را با رهبری در خیابان‌ها، فریاد زدند. درود بر ملتی که تاریخ را خوب می‌داند، از اشغال بیگانگان بیزار است، پاسداری از خون شهیدانش را از همه چیز واجب‌تر می‌شمارد و از دل و جان دلباخته حفظ انقلاب خود است.

سعید باجووند

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان خوزستان

## یادداشت سی و نه

### تعلیم و تربیت و میهن پرستی؛ با تأکید بر دستاوردهای دانشگاه فرهنگیان

ساحت‌های تربیت شامل: تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱) است. دانشگاه فرهنگیان، با تأکید بر ساحت‌های مختلف تربیت و با رویکرد میهن پرستی، تلاش دارد تا اهمیت منابع ملی را با رویکردی نوین به دانشجو معلمان، که سهم بسزایی در تربیت وارثان آینده ایران زمین دارند، آموزش دهد. در این راستا، دو نمایشگاه با مشارکت دانشجویان رشته زیست‌شناسی و علوم تجربی، و با همکاری اساتید گروه‌های زیست‌شناسی، علوم تجربی و هنر برگزار شد: نخستین نمایشگاه با عنوان «بوم‌شناسی و زمین‌شناسی با رویکرد حفاظت از منابع ملی»، در دهه فجر ۱۴۰۳ با نمایش بیش از ۴۰ دست‌سازه از منابع طبیعی کشور، با هدف تقویت حس ملی‌گرایی و آموزش دروس مرتبط برگزار شد. دومین رویداد، «نخستین موزه علوم گیاهی (هرباریوم) با رویکرد حفظ تنوع زیستی کشور» بود که در هفته پژوهش ۱۴۰۴ با جمع‌آوری و شناسایی بیش از ۳۰۰ نمونه گیاهی بومی بر اهمیت حفظ تنوع زیستی تأکید کرد. دستاوردی برجسته در این میان؛ پذیرش اولین گونه گیاهی جدید و بومی کشور با آدرس هرباریوم مرکزی دانشگاه فرهنگیان، تهران (با کد HFU# 20) برای چاپ در مجله معتبر بین‌المللی در زمینه گیاهان جدید؛ Phytotaxa نیوزلند است.

بر این باوریم که

«منابع طبیعی، ثروت‌های ملی هستند؛ مال این دولت و آن دولت نیستند؛ این‌ها مال ملت‌هاست؛ آن هم نه ملت‌ها در یک نسل؛ ثروتی است متعلق به ملت‌ها در طول تاریخشان؛ پس باید از آن‌ها محافظت شود»  
(مقام معظم رهبری)

### مینا خراسانی

عضو هیئت علمی گروه آموزش زیست‌شناسی، دانشکده علوم پایه، دانشگاه فرهنگیان تهران

## یادداشت چهل

### معیارهای جهاد حق در پرتو آیات الهی و عقلانیت

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَتَضَرَّعُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَكِيلٍ ۚ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا ۚ وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ ۚ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (انفال، آیه ۷۲)

قرآن کریم، در آیه ۷۲ سوره انفال، معیارهایی کلیدی برای تشخیص حقانیت جهاد، به‌ویژه در موارد پیچیده که پای روابط و پیمان‌ها در میان است، ارائه می‌دهد. این معیارها بر سه محور عدالت، حکمت و نظارت الهی استوارند. ۱. معیار عدالت در یاری: آیه شریفه، یاری‌خواهان در دین را مستحق یاری می‌داند، اما این وظیفه را با شرط «عدم ضرر به دارندگان پیمان» مقید می‌کند. این بدان معناست که جهاد باید عادلانه باشد و منجر به شکستن پیمان‌های مشروع و ایجاد ظلم جدید نگردد. در تعیین حقانیت نبرد، باید سنجید که آیا این اقدام، حقوق دیگران را پایمال نمی‌کند. ۲. معیار حکمت در تصمیم‌گیری: ذکر «پیمان» در آیه، تجلی حکمت است و ما را به تفکر و تدبیر در روابط انسانی، پیمان‌های اجتماعی و ملاحظات سیاسی دعوت می‌کند. باید سنجید که آیا اقدام موردنظر، راه‌حلی حکیمانه است و پیامدهای آن، فراتر از منافع کوتاه‌مدت، به صلاح دین و جامعه خواهد بود. حکیم بودن به معنای بصیرت در فهم موقعیت و انتخاب بهترین مسیر است. ۳. ناظر بودن خداوند؛ تضمین حقانیت: آیه پایانی، «وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»، بر اهمیت دو معیار پیشین تأکید دارد. خداوند ناظر بر تمام اعمال و نیت است و این نظارت، تضمین می‌کند که حق و عدالت در نهایت سنجیده خواهد شد. جهادی که با نیت برقراری حق، دفع ظلم، و بر اساس عدالت و حکمت صورت گیرد، مورد رضایت الهی است؛ در غیر این صورت، از دایره حق خارج است. در نتیجه، تشخیص حقانیت جهاد، نیازمند رجوع به این سه معیار قرآنی است: آیا نبرد، عادلانه است؟ آیا حکیمانه و مبتنی بر تدبیر است؟ و آیا در چارچوب پیمان‌های مشروع و با علم به نظارت خداوند صورت می‌گیرد؟ پاسخ درست به این پرسش‌ها، حق را از باطل متمایز می‌سازد.

### مهدی یزدانی

استادیار، گروه تربیت‌بدنی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران



## یادداشت چهل و یک در سایه سار ایستادگی

تربیت، هنر کاشتن دانه ایست در اعماق روح کودک، تا سیلاب حوادث روزگار نه تنها او را با خود نبرد، بلکه به درختی تنومند بدلش سازد. تربیت، واژه‌ای نیست که بشود در لغت‌نامه‌ها جا گیرد؛ تربیت، «معماری جان» است، بنا کردن بنایی از ایمان و اخلاق که سقفش به آسمان عشق و ستون‌هایش به استوار حق‌گویی متصل است؛ و مقاومت؟ مقاومت، رقص شعله در تندباد است؛ آن نغمه‌ی باشکوهی که از گلوئ کوهی بلند می‌شود که طوفان‌ها را به بازی گرفته است. مقاومت، ثمره‌ی شیرین درختی است که در مکتب تربیت صحیح رویده است. وقتی تو، جانِ فرزندت را با آبِ پاکی معرفت آبیاری می‌کنی، او دیگر از «خود» نمی‌ترسد؛ او می‌آموزد که برای «ایمان»، هر سنگی را می‌توان به پیشانی زد و هر تاریکی را می‌توان با مشعل امید شکست. تربیت درست، به انسان قدرت می‌دهد تا در میان طوفان‌های زروزیور و دنیای فریبنده، همچون صخره‌ای پابرجا بماند. مقاومت، یعنی اینکه حتی اگر تمام دنیا در برابر تو صف‌کشی کنند، تو در صف خدا بمانی؛ یعنی اینکه «راحت» را به «راست» نفروشی. پس بیایید با قلمی از نور، در دل‌هایمان بنویسیم که تربیت، تنها راه نجات است و مقاومت، تنها زیبایی انسان آزاده. زیبایی آن کسی که نه از باد لطیف می‌لرزد و نه از باد سخت؛ چون ریشه‌اش در اعماق فرهنگ پاک و خاک مقدس این سرزمین، جاودانه شده است.

### حمیرا شجاعی

عضو هیئت علمی گروه آموزش تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان مشهد

## یادداشت چهل و دو روایت خیانت و فریب (فتنه داخلی در زمان جنگ)

جنگ، عرصه‌ای است که فراتر از توان نظامی، بنیان‌های فکری و انسجام درونی یک ملت را به بوته آزمایش می‌گذارد. در این میان، «فتنه داخلی» و «فریب»، ابزارهای مخربی هستند که دشمن برای تضعیف اراده مقاومت و فروپاشی از درون به کار می‌گیرد. این پدیده، انواع گوناگونی دارد که هوشیاری در برابر آن‌ها، حیاتی است: ۱. نفوذ اطلاعاتی و ایدئولوژی کم شامل انتشار اخبار کذب، شایعات، و پروپاگاندای فریبنده برای تضعیف روحیه، ایجاد بدبینی نسبت به رهبری و اهداف جنگ، و القای ایدئولوژی‌های انحرافی که باورهای ملی و دینی را هدف قرار می‌دهند. ۲. نفوذ تشکیلاتی و فردی: حضور عوامل دشمن در قالب جاسوس، خبرچین، یا عناصری که در ظاهر همسو هستند اما در عمل، اطلاعات حیاتی را منتقل کرده یا دست به خرابکاری‌های سازمان‌یافته می‌زنند. ۳. ایجاد تفرقه و شکاف: دامن زدن به اختلافات قومی، مذهبی، سیاسی، یا جناحی در جامعه و میان نیروهای خودی، با هدف تضعیف انسجام ملی و جلوگیری از وحدت کلمه در برابر دشمن. ۴. استفاده ابزاری از بحران: بهره‌برداری فرصت‌طلبانه از شرایط جنگی برای کسب منافع شخصی یا گروهی، طرح خواسته‌های نامتعارف، یا ایجاد اغتشاش و ناآرامی داخلی، که تمرکز جبهه خودی را مختل می‌سازد. در برابر این فتنه چندوجهی، «تعلیم و تربیت» نقشی اساسی و پیشگیرانه ایفا می‌کند. نظام آموزشی کارآمد، با تقویت قدرت تحلیل، بصیرت‌افزایی، و نهادینه کردن ارزش‌های اصیل، مخاطب را در برابر فریب مقاوم می‌سازد. آموزش تاریخ عبرت‌آموز، شناخت شیوه‌های نفوذ، و تقویت هویت ملی، سپری در برابر شکاف‌های اجتماعی و تضعیف اراده مقاومت ایجاد می‌کند؛ بنابراین، سرمایه‌گذاری بر تعلیم و تربیت، دفاعی مؤثر در برابر جنگ نرم و پیچیده دشمن در دوران بحران است. منابع تخصصی: - کتاب «نفوذ؛ شگردها و شیوه‌ها» اثر سعید غفاری: تحلیلی بر روش‌های نفوذ دشمن و لزوم هوشیاری در برابر آن. - کتاب «جنگ روانی و تبلیغات» اثر گونتر مولر: بررسی ابزارها و تکنیک‌های جنگ روانی که فتنه‌گران در زمان بحران به کار می‌گیرند. مقاله «انواع فتنه‌ها در نگاه قرآن و روایات» در نشریات علمی پژوهشی علوم قرآنی: مقالاتی که به دسته‌بندی و تحلیل مفهوم فتنه از منظر دینی می‌پردازند. - کتاب «جامعه‌شناسی مقاومت» اثر هیلاری چاو: بررسی چگونگی شکل‌گیری و حفظ مقاومت جمعی در برابر فشارهای خارجی و داخلی.

### دلاور وارسته تفتی

استاد مأمور آموزشی دانشگاه فرهنگیان تهران، مرکز شهید بهشتی

## یادداشت چهل و سه ایرانیت و اسلامیت در تربیت رسمی

در نظام آموزشی رسمی ایران، هویت ملی (ایرانیت) و دینی (اسلامیت) نقشی بنیادین در شکل‌دهی به نسلی آگاه، منسجم و مستقل ایفا می‌کنند. هدف، تلفیق متعادل و هم‌افزای این دو بعد برای تقویت هویت «ایرانی-اسلامی» است. ایرانیت، با تکیه بر تاریخ، فرهنگ، هنر، ادبیات و زبان فارسی، حس تعلق ملی، افتخار به پیشینه و حفظ میراث فرهنگی را در دانش‌آموزان پرورش می‌دهد و به درک جایگاه ایران در جهان کمک می‌کند. اسلامیت، به‌عنوان دین رسمی، چارچوبی ارزشی، اخلاقی و جهان‌بینی ارائه می‌دهد. تربیت اسلامی بر آموزش مبانی دین، پرورش معنویت، خودسازی و تربیت اجتماعی مبتنی بر ارزش‌هایی چون عدالت و ظلم‌ستیزی و احسان تمرکز دارد. هم‌افزایی ایرانیت و اسلامیت، که در تمدن اسلامی-ایرانی تجلی یافته، هویت یکپارچه‌ای می‌سازد. تربیت رسمی تلاش می‌کند نسلی را تربیت کند که هم از تاریخ و فرهنگ خود سرافراز باشد و هم در چارچوب ارزش‌های اسلامی زندگی کند؛ نسلی با تفکر انتقادی، استقلال فکری و تعهد به پیشرفت کشور. درنهایت، این تلفیق هوشمندانه، هویتی جامع و متعالی می‌سازد که ریشه در اصالت‌ها داشته و به‌سوی آینده‌ای روشن و بالنده در حرکت است، که پویایی و استمرار این حرکت تضمین‌کننده موفقیت در مسیر استقلال فرهنگی، استحکام اجتماعی و خودباوری ملی است.

زهره سعیدی تبار

مدرس دانشگاه فرهنگیان تهران مرکز باهنر.

## یادداشت چهل و چهار

### دانشگاه فرهنگیان و لزوم جهاد تبیین در دفاع رمضان

ایران عزیزمان در طول تاریخ و در برهه‌های گوناگون آماج حمله‌های ددمنشانه و کینه‌توزانه‌ی فراوانی قرار گرفته که در رأس آن‌ها می‌توان از حمله‌ی اسکندر مقدونی، حمله‌ی مغول و اشغال مستقیم و غیرمستقیم ایران به دست روس و انگلیس و آمریکا در جنگ‌های جهانی اول و دوم یاد کرد. آنچه بیش از این حمله‌ها کشور ایران را در دوره‌هایی به زانو درآورده و باعث اشغال و شکست ایرانیان گردیده، عدم انسجام ملی و عدم آگاهی از شرایط روز جامعه‌ی جهانی و فریادهای تسلیم و سازش بوده است. این مهم حتی بعد از ورود اسلام به ایران و با روی کار آمدن حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس نیز آشکارا قابل‌مشاهده است. اکنون ایران عزیزمان بار دیگر دستخوش حمله‌ی نوادگان اسکندر مقدونی و وحشیان مغول صفتی قرار گرفته که جز به نابودی ایران اسلامی به چیزی راضی نیستند. آنچه می‌تواند و باید شرایط کشور عزیزمان را با گذشته تغییر دهد، حضور آگاهانه و مسئولانه‌ی مردم در میدان همراه با درک کامل شرایط روز جامعه و بین‌الملل است. آنچه رهبر شهیدمان از آن به‌عنوان بصیرت و جهاد تبیین یاد می‌نمودند در برهه‌ی حاضر به‌شدت نمود یافته و لزوم آن احساس می‌شود. دانشگاه بزرگ فرهنگیان با پتانسیل بالای نیروی انسانی متعهد و کاردان خود (اعم از اعضای هیئت علمی، کارکنان بخش‌های مختلف و دانشجومعلم‌ان) در این عرصه نقشی بی‌بدیل و اهمیتی ویژه دارد. حضور در میدان، آگاهی بخشی، تبیین مسائل، القای حس اعتماد به نفس و پیروزی و پاسخ به شبهات و شایعات از جمله فعالیت‌های ارزشمند میدانی است که در این راستا باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. البته نقش مسئولان دانشگاه و به‌ویژه مسئولان فرهنگی در جهت‌دهی و هدافند نمودن این فعالیت‌ها بر هیچ‌کس پوشیده نیست و همین مسئله است که به یقین نتیجه‌ی دفاع مقدس حاضر را با حمله‌های پیشین به ایران اسلامی عزیزمان به‌صورت معناداری متفاوت خواهد نمود. در پایان به یاد داشته باشیم که آیندگان ما را قضاوت خواهند نمود همان‌گونه که ما گذشتگان را قضاوت می‌کنیم.

محمودرضا توکلی محمدی

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان عربی، دانشگاه فرهنگیان قم

## یادداشت چهل و پنج مدرسه زدایی و مرگ مدرسه

یاد «ایوان ایلچ» به خیر که اصطلاح مدرسه زدایی (deschooling) را به فلسفه ورزی درباره تربیت رسمی و «جامعه‌شناسی آموزش و پرورش» اضافه کرد. وی از کج‌تابی و کج کارکردی مدرسه در عصر مدرن انتقاد می‌کرد و می‌گفت مدرسه نه به یادگیری کمک می‌کند و نه به عدالت (ایلچ، ص ۳۸) و مدرسه بازوی بسط فرهنگ مصرف‌گرایی شده است (ایلچ، ص ۹۰). یا در ادامه انتقادهای جریبان «پست‌مدرن در تعلیم و تربیت» به عدم کارآمدی مدرسه مدرن در عصر حاضر و در مواجهه با تحولات فرهنگی، اجتماعی و فناورانه از واژه «مرگ مدرسه» سخن گفتند. یادش به خیر این مباحث فنی؛ اما از اساتید و متخصصان تربیتی دعوت می‌کنم به بحثی نوظهوری بنام «مدرسه ستیزی» و «مدرسه کُشی» جبهه صهیونی-آمریکایی بپردازیم. اگر در دو سال اخیر بمباران مدرسه در غزه مورد توجه رسانه‌ها و اندیشمندان نبوده، فاجعه «مدرسه میناب» و البته بمباران چند مدرسه دیگر و شهادت نزدیک به ۲۰۰ دانش‌آموز و معلم فصلی جدید در این باره است. تبیین و تنقیح مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی و حقوقی «مدرسه کُشی» و «مدرسه ستیزی» و پرداختن ابعاد روان‌شناختی و تربیتی و نیز مطالعه این پدیده از منظر جامعه‌شناسی آموزشی و مردم‌شناسی و مردم‌نگاری آن و نیز توجه به ابعاد تجربه نوردی و تجربه نگاری آن مورد تأکید است.

منبع: ایلچ ایوان (۱۳۸۷). مدرسه زدایی از جامعه، ترجمه الهه ضرغام. تهران: رشد، اول.

سید نقی موسوی

عضو هیئت علمی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان استان قم

## یادداشت چهل و شش

### تربیت پژوهشی و فرهنگ تأملات «درک جنگ رمضان از منظر آموزش و پرورش»

جنگ رمضان، به عنوان یکی از رویدادهای تاریخی کلیدی، فرصتی ارزشمند برای تلفیق آموزش پژوهشی و فرهنگ تأملات در نظام آموزشی ایران فراهم می‌کند. بررسی این جنگ از منظر علمی، معلمان را تشویق می‌کند تا دانش‌آموزان را به تحلیل رویدادهای تاریخی، زمینه‌های سیاسی- اجتماعی و پیامدهای آن برای هویت ملی سوق دهند. این رویکرد از حفظ و تکرار ساده فراتر رفته و تفکر انتقادی را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند. ادغام این رویداد در برنامه‌های درسی نیازمند تغییر در روش‌های آموزشی به سمت یادگیری مبتنی بر پژوهش است. معلمان می‌توانند دانش‌آموزان را به بررسی منابع اولیه (مانند استراتژی‌های نظامی، اسناد دیپلماتیک و روایت‌های شهروندی) هدایت کنند تا مهارت‌های تحلیلی و تأملی را تقویت کنند. این فرآیند نه تنها درک تاریخی را عمیق‌تر می‌کند، بلکه ارتباط بین گذشته و مسئولیت‌های امروز را برقرار می‌سازد. تأکید بر روح قربانی‌گری و استقامت در جنگ رمضان، احساس میهن‌دوستی و وظیفه‌شناسی را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند. مؤسسات آموزشی باید فضایی برای گفت‌وگوی آزاد و بدون تبعیض ایدئولوژیک ایجاد کنند تا دانش‌آموزان بتوانند با تاریخ به صورت بی‌طرفانه برخورد کنند. این تعادل بین دقت علمی و احساس ملی، پایه‌ای برای تربیت شهروندان آگاه و تأمل‌گر است. در نهایت، ادغام این روایت‌های تاریخی در آموزش، کلاس‌های درس را به میدانی برای رشد فکری و همبستگی ملی تبدیل می‌کند. با تأکید بر پژوهش و تأمل، آموزشگران می‌توانند نسلی را شکل دهند که میراث ملی را احترام می‌گذارند و به ساختن آینده‌ای پایدار مشارکت فعال دارند. این هم‌افزایی، تنها یک تمرین آکادمیک نیست، بلکه گامی ضروری به سوی جامعه‌ای روشن‌فکر و یکپارچه است.

سمیرا حبیبی

هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان گیلان

## یادداشت چهل و هفت

### نقش تربیتی حضور مردم در خیابان، در حمایت از نظام جمهوری اسلامی ایران

در روانشناسی اجتماعی، مفهوم «هویت اجتماعی» و «تاب‌آوری جمعی» در شرایط تهدید به اوج خود می‌رسد. جنگ اخیر، یک آزمایشگاه طبیعی برای مشاهده این پدیده بود. برخلاف تحلیل‌های سطحی که به دنبال شکاف بودند، حضور مردم در خیابان‌ها را باید به مثابه یک «واکنش هوشمندانه» به یک محرک تهدیدکننده تحلیل کرد. این حضور، صرفاً یک حمایت شعاری نیست، بلکه بازتولید یک «خاطره جمعی» از تاب‌آوری در برابر فشار حداکثری است. از منظر تربیتی، این کنش اجتماعی کارکردی دوگانه دارد: اول، بازدارندگی روانی در برابر دشمن که محاسبه گران را وادار به بازبینی در مفهوم «اراده ملی» می‌کند. دوم، درونی سازی یک هنجار رفتاری برای نسل‌های آینده است. نوجوانی که مادرش با وجود مشکلات اقتصادی، در راهپیمایی ۲۲ بهمن شرکت می‌کند، درس «عاملیت» و «تعلق» را فرامی‌گیرد. این رفتار جمعی، نشان‌دهنده تمایز قائل شدن مردم میان «کارآمدی» و «مشروعیت» است. مردم با وجود گلایه‌های معیشتی، به درستی دریافته‌اند که در جنگ روایت‌ها، هر قدم در خیابان، یک «وتوی اجتماعی» در برابر پروژه‌های تجزیه و تفرقه افکنانه است. این خیابان‌ها به کلاس درس بزرگ «مقاومت هوشمندانه» تبدیل شده‌اند؛ جایی که مردم به جهانیان نشان می‌دهند که برخلاف تصور رسانه‌های معاند، «پیچیدگی» جامعه ایران را نمی‌توان با دوگانه‌های ساده‌انگارانه «موافق یا مخالف» تقلیل داد. این انسجام، یک سرمایه اجتماعی پایدار است که از دل تهدیدها، برای ایران قوی‌تر، متولد می‌شود.

راضیه علی‌اکبری

عضو هیئت علمی گروه الهیات دانشگاه فرهنگیان قم

## یادداشت چهل و هشت حاکم مردم‌دار و مردم ولایتمدار

واژه جنگ همواره در بطن خود ترس، وحشت، گوشه‌گیری، اختفا، فرار و مسائلی از این دست را به همراه داشته و دارد. ولی جنس مردمان و ما و جنگ‌های تحمیلی به اما انگار شکل و رنگ دیگری دارد. در جنگ تحمیلی، در جنگ ۱۲ روزه و در جنگ رمضان، حضور و ظهور پر معنای مردم در صحنه انگار تمامی معادلات را بر هم زده است. بسیار کم اتفاق افتاده موشک بالا سرت باشه و خودت در میدان شهر باشی! مگر چی شده چطور شده چه سری پشت این حضور است و چه رازی در آن نهان! هم تجربه سایر کشورها و هم مشاهده عینی شرایط کشورهای جنگ‌زده دیگر بر ما عیان است که در هنگامه جنگ آنچه بیش از همه رخ می‌نماید، ترجیح دادن فرار بر قرار است ولی اینجا راز این دل‌بستگی، سر این حضور و رمز این ظهور چیست! اول اینکه\*الناس علی دین ملوکهم\*؛ حاکم ما در میانه میدان است و تا پای جان در کنار مردمانش ایستاده و برای آن‌ها جان داده پس بی‌انصافی است که وی را رها کرده و بر کنج دیگری دل بست. دوم ما مردم میدان و شهادت و مقاومتیم. ما ملت شهادتیم ما ملت امام حسینیم. اسوه و مقتدا و الگوهای حسینی و سلیمانی داریم؛ ما اهل باج و سازش و شانه خالی کردن و رها کردن نیستیم. سوم اینکه ما مردمان کهن این مرزوبومیم، تاریخ داریم تمدن داریم؛ خاک خاک خودمونه! مقدسه برامون. ما یه ملت متمدن هستیم تاریخمون به درازای تاریخ بشریته! ما دولت و کشور نوپا و نوخاسته و دیگر خواسته و تحمیلی نیستیم ما جای دیگری را در این خاک نگرفتیم که بخواهیم آن را برای دگری جا بزاریم پس جان می‌دهیم ولی خاک نمی‌دهیم فحب الوطن من الایمان. تا پای جان برای ایران

### سید علی عدالتی نسب

هیئت علمی گروه زبان و ادبیات دانشگاه فرهنگیان کهگیلویه و بویراحمد



## یادداشت چهل و نه

### جنگ رمضان؛ رویارویی با پروژه هویت‌زدایی از منظر تعلیم و تربیت

جنگ رمضان ۲۰۲۶ تنها یک درگیری نظامی نیست، بلکه تمام‌عیارترین جنگ ترکیبی علیه هویت ایرانی-اسلامی است. رژیم صهیونیستی و آمریکا با عبور از خط قرمزهای بین‌المللی، علاوه بر اهداف نظامی، مدرسه «شجره طیبه» میناب را هدف قرار دادند. این اقدام، پیامی شفاف برای نظام تعلیم و تربیت ایران داشت: «مدرسه به‌مثابه سنگر» مورد هجوم است. ادامه این حملات به کاخ گلستان و میراث فرهنگی اصفهان، ماهیت پروژه دشمن را آشکار می‌کند؛ پروژه‌ای که در پی پاک‌سازی نشانه‌های هویتی و قطع ریشه‌های تمدنی ایران است. تناقض فاحش نتانیاهو که از یک سو مدعی احترام به تمامیت ارضی و فرهنگ ایران است و از سوی دیگر به داشته‌های ارزشی و تاریخی ما حمله می‌کند، نمونه‌ای از استعمار فرانو و جنگ شناختی است. هدف، ایجاد گسست در هویت دوگانه «ایرانیت و اسلامیت» و القای ناکارآمدی نظام رسمی تعلیم و تربیت در حفظ این هویت است. رهبر فرزانه انقلاب در دو سال اخیر بارها بر نقش محوری معلمان در انتقال «غیرت ملی» و «هویت خودآگاه» تأکید کرده‌اند. امروز، در میانه جنگ، رسالت دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان دانشگاه تمدن ساز، تبیین این مسئله است که دفاع از ایران، تنها در میدان نبرد نیست، بلکه در کلاس درس و در مصون‌سازی ذهن دانشجومعلمان و دانش‌آموزان از پروژه هویت‌زدایی دشمن معنا می‌یابد. برنامه درسی انقلابی باید بتواند «دشمن‌شناسی» را به دانشجومعلمان بیاموزد تا دروغ بزرگ «ما برای کمک به مردم آمادیم» را در رسانه‌های معارض تشخیص دهند. تربیت در تراز مقاومت، نسلی را پرورش می‌دهد که چونان پدران معنوی این ملت، پاسدار هویت و میراث فکری ایران اسلامی باشد.

### بهروز زینلی

استادیار، گروه آموزشی علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان استان تهران

## یادداشت پنجاه

### مکتب تربیتی شهید خامنه‌ای رضوان الله علیه

مکتب تربیتی شهید خامنه‌ای، الگویی جامع برای تعالی انسان در ابعاد فردی و اجتماعی است که با تکیه بر خودسازی معنوی و مسئولیت‌پذیری، مسیر تحقق حیات طیبه را هموار می‌سازد. نگاه تمدنی و آینده‌نگر این مکتب تربیتی، افق‌های روشنی را برای تربیت نسل آینده ترسیم می‌کند. ساحت فردی و خودسازی معنوی در مکتب شهید خامنه‌ای، تربیت از «خود» آغاز می‌شود. ایشان مصداق بارز انسانی بودند که پیش از مدیریت میدان، به مدیریت نفس پرداختند. مراقبت دائمی از دل، محاسبه نفس و خلوص نیت، بنیان شخصیت فردی آن حضرت را شکل می‌داد. ایشان در اوج مسئولیت، همچنان «عبد» باقی ماندند و این عبودیت، سرچشمه آرامش و ثبات شخصیت والای او بود. بینش اجتماعی و مسئولیت‌پذیری در نگاه تربیتی توحیدی شهید خامنه‌ای، جامعه اسلامی امانتی الهی است. خدمت به مردم، دفاع از مظلومان و حفظ وحدت از ارکان کنش اجتماعی ایشان به شمار می‌آید. در این مکتب تربیتی، مرز میان دین‌داری فردی و مسئولیت اجتماعی را از میان برداشته‌شده و نشان می‌دهد که ایمان حقیقی، در خدمت به خلق خدا معنا می‌یابد. نگاه تمدنی و آینده‌نگر مکتب تربیتی شهید خامنه‌ای محدود به یک مقطع یا جغرافیا نیست؛ این مکتب، افقی تمدنی دارد. ایشان با باور به وعده الهی، حرکت جامعه اسلامی را در مسیر خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی سامان می‌دادند. این نگاه، ناظر به ساختن انسان‌هایی است که توان حمل بار تمدن نوین اسلامی را دارند. تصویری جامع از حیات طیبه اساس مکتب تربیتی شهید خامنه‌ای، پیوند مستقیم «ایمان» و «عمل» است. برآیند این بینش تربیتی در مکتب شهید خامنه‌ای، تصویری جامع از حیات طیبه ارائه می‌دهد؛ حیاتی که در آن، فرد به تعالی می‌رسد، جامعه به عدالت نزدیک می‌شود و مسیر تاریخ به سوی معنا و حقیقت جهت می‌یابد.

### امیر پورشاهرودی

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان استان گلستان

## یادداشت پنجاه و یک

### تحلیل فضیلت‌مندی ساختاری نظام جمهوری اسلامی ایران در پرتو اتهام فساد سیستمی؛ مطالعه موردی جنگ رمضان

در دهه‌های اخیر، نظام جمهوری اسلامی ایران پیوسته در معرض اتهام «فساد سیستمی» بوده است. این اتهام، در بستر تنش‌های سیاسی و رسانه‌ای، یکی از محورهای اصلی گفتمان مخالفان محسوب می‌شود. با این حال، در تحلیل‌های درون‌ساختاری و طی بحران‌های ملی، پاسخی روشن و مستند ارائه شده است: نظام دچار فساد ساختارمند نیست. این نوشتار با تمرکز بر رویداد تاریخی جنگ رمضان به‌عنوان آزمونی میدانی، می‌کوشد تا ضمن بازخوانی این اتهام، به تبیین و اثبات فضیلت‌مندی ساختاری و پایبندی اخلاقی کارگزاران نظام در لحظات خطیر بپردازد؛ تلاشی برای گذر از تحلیل ظاهری به درکی عمیق‌تر از بنیان‌های هویتی و ایمانی این نظام است. تحلیل اتهام فساد ساختارمند، به معنای ریشه‌دار بودن فساد در تاروپود اداری کشور، سال‌ها از سوی مخالفان مطرح شده است؛ اما در برابر آن، رهبر بصیر و شهید امت تصریح کرده‌اند که «نظام دچار فساد سیستمی نیست». این سخن نه از سر انکار فساد فردی، بلکه بر پایه نفی نهادینگی آن است. نقطه‌ی عطف این حقیقت، در جنگ دوازده‌روزه و سپس جنگ رمضان پدیدار شد؛ آنگاه که دشمن با تمام توان تاخت و تمامیت کشور در خطر بود. در بامداد ۲۳ خرداد، طبق گزارش واشنگتن‌پست، هیچ مسئولی راه‌گریز را برگزید. آنان می‌توانستند بروند، اما ماندند؛ در منزل، ستاد، و خط مقدم. این انتخاب جمعی، نه از سر اجبار، که نشانه‌ی ایمان، ایثار و مردم‌باوری بود. این رخداد تاریخی، آزمون عینی سلامت ساختار و فضیلت‌مندی کارگزاران نظام بود. اگر نظام واقعاً فاسد می‌بود، در بحران، شاهد پراکندگی و گریز می‌شدیم؛ اما آنچه رخ داد، هماهنگی و مقاومت بود. «جنگ رمضان» نشان داد که جمهوری اسلامی سیستمی است متکی بر مسئولیت، ایمان و اراده‌ی جمعی؛ ساختاری که در برابر خطر، خود را از درون باز می‌سازد. نتیجه‌گیری تحلیل جنگ رمضان نشان می‌دهد که اتهام «فساد سیستمی» در برابر شواهد تاریخی، بی‌اعتبار است. رفتار مسئولان در اوج تهدید نشان داد که بنیان این نظام بر اخلاق، ایمان و تعهد ملی است، نه فساد نهادینه. چنین حاکمیتی در بحران‌ها نه فرومی‌پاشد، بلکه استحکام می‌یابد. جنگ رمضان اثبات کرد که این نظام، مقدس، زنده، مقاوم و برآمده از ایمان و وحدت مردم است؛ حقیقتی که آن را در برابر هر حمله و تحریفی پایدار نگه می‌دارد.

محمد مهدی منادی

هیئت علمی گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان استان قزوین

## یادداشت پنجاه و دو

### **Farhangian University as a Civilization-Building University**

Farhangian University, as a foundational institution within the country's educational system, plays a pivotal role in civilization-building. This university, by focusing on the professional training of teachers, strives to cultivate the future human capital of society – a generation that will bear the responsibility of transmitting the knowledge, culture, values, and skills essential for social progress. From a scientific standpoint, the role of a teacher extends beyond mere information transfer. Through the application of innovative teaching methodologies grounded in the latest findings from educational sciences, educational psychology, and sociology, teachers are equipped to foster critical thinking, creativity, problem-solving skills, and scientific literacy among students. These capabilities form the bedrock for the development of a dynamic society capable of addressing the challenges of the modern world and advancing on the path of sustainable development. By providing these essential resources, Farhangian University directly contributes to strengthening social capital, elevating public culture, preserving and enhancing Iran's rich cultural and civilizational heritage, and preparing future generations to play an effective role in the global community. Therefore, by training efficient and committed educators in the field of teaching, this university lays the cornerstone for the nation's scientific, cultural, and social advancements, making the title of "Civilization-Building University" both fitting and well-deserved.

**Mostafa Ghaffari**

Assistant Professor in Farhangian University

## یادداشت پنجاه و سه تحلیل ریشه‌های جنگ تحمیلی رمضان

اگر بخواهیم ریشه‌های جنگ تحمیلی رمضان را بکاویم باید به صورت جامع و از زوایای مختلف به منافع دشمن از راهاندازی این جنگ بنگریم. الف: دلایل آمریکا یکم تسلط و چیرگی مطلق در قبل از انقلاب اسلامی بر تمامی ارکان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران، به آمریکا این امکان را می‌داد که برای پیشبرد اهداف و منافع خود در سطح منطقه از آن استفاده نماید؛ دوم موقعیت ژئوپولیتیکی ایران در نگاه نظام سلطه به عنوان شاهراهی استراتژیک دیده می‌شود. ایران از شمال و از طریق دریای خزر با روسیه و از جانب دیگر در مسیر تاریخی راه ابریشم و دروازه ورود به شرق آسیا و چین نیز قلمداد می‌شود؛ سوم برخلاف کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس که عمدتاً از منابع نفتی بهره‌مندند، ایران علاوه بر ذخایر عظیم نفتی، دارای ذخایر گسترده‌ای از معادن ارزشمند و گران‌بهای غیرفسیلی است. ب: دلایل اسرائیل تنها کشوری که در نظم نوین بین‌المللی (مبتنی بر قانون جنگل) با اسرائیل در ستیز است و هدف نابودی اسرائیل را دنبال می‌کند ایران است. اسرائیل برای رسیدن به صلح ننگین مدنظر خود و برقراری روابط عادی با کشورهای غرب آسیا، نیاز به همراهی ایران دارد. تا زمانی که در ایران ساختار کنونی مستقر باشد اسرائیل روی آرامش را نخواهد دید و خواب خوش رسیدن به صلح پایدار تعبیر نخواهد شد. بمباران دبستان شجره طیبه میناب و به شهادت رساندن نزدیک به ۱۷۰ گل معصوم و بی‌گناه به خوبی به جهانیان نشان داد که هدف دشمن از حمله به ایران هرچه باشد قطعاً هیچ ربطی به ادعای واهی جنگ با هدف «آزادی مردم ایران» ندارد.

### سید مجید مقیمی

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان قم

## یادداشت پنجاه و چهار

### حفظ نظام جمهوری اسلامی، مسئولیت اجتماعی دانشجومعلم‌ان

در منظومه فکری تعلیم و تربیت اسلامی، «نظام» صرفاً یک ساختار اداری یا سیاسی نیست، بلکه برآیند ایمان جمعی، ارزش‌های اخلاقی و اراده اجتماعی یک ملت برای تحقق عدالت و معنویت در عرصه عمومی است. از این منظر، حفظ نظام اسلامی به معنای پاسداری از بستری است که در آن ارزش‌های دینی و انسانی امکان تحقق می‌یابد. قرآن کریم بر ضرورت انسجام جامعه ایمانی تأکید می‌کند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳). این آیه نشان می‌دهد که وحدت و همبستگی اجتماعی، شرط پایداری جامعه دینی است. دانشجومعلم‌ان، به‌عنوان کنشگران آینده نظام تعلیم و تربیت، در کانون این مسئولیت اجتماعی قرار دارند. آنان تنها دانشجوی یک رشته دانشگاهی نیستند، بلکه حاملان سرمایه انسانی و فرهنگی جامعه‌اند. هر نظام سیاسی و فرهنگی برای تداوم خود نیازمند «بازتولید هنجاری» است؛ فرآیندی که طی آن ارزش‌ها و باورها به نسل‌های بعد منتقل می‌شود. در جامعه اسلامی، این مهم بدون نقش‌آفرینی آگاهانه معلمان تحقق نمی‌یابد. قرآن کریم نیز به مسئولیت نخبگان در هدایت جامعه اشاره می‌کند: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ» (توبه: ۱۲۲). از منظر تربیتی، حفظ نظام جمهوری اسلامی به معنای نفی عقلانیت یا تعطیل نقد علمی نیست، بلکه مستلزم اصلاح‌گری مسئولانه و تعهد اجتماعی است. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ أَخَذَ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقَارُوا عَلَى كِظَّةٍ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳). این بیان، نقش آگاهان جامعه را در پاسداری از عدالت یادآور می‌شود. در عصر جنگ‌های شناختی و رسانه‌ای که هویت اجتماعی جوامع را هدف قرار می‌دهد، مسئولیت دانشجومعلم‌ان دوچندان است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ» (نساء: ۷۱). این هوشیاری در عرصه تعلیم و تربیت به معنای تقویت قدرت تحلیل، بصیرت اجتماعی و سواد رسانه‌ای نسل آینده است. از این رو، دانشجومعلم‌ان با خودسازی، افزایش آگاهی و تربیت نسل مسئول، نه‌تنها حافظ یک نظام سیاسی، بلکه پاسدار مسیری تمدنی مبتنی بر ایمان، عدالت و عقلانیت خواهند بود.

احمد امدادی

عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه فرهنگیان قم

## یادداشت پنجاه و پنج تربیت هنری در بحران (زمان جنگ)

در زمانه‌ای که جنگ ساختارهای اجتماعی و روانی جوامع را دستخوش آشوب می‌کند، تربیت هنری اهمیتی دوچندان می‌یابد. هنر در چنین شرایطی صرفاً امری زیباشناختی نیست، بلکه کارکردی وجودی و روان‌درمانی دارد. از منظر روان‌شناسی هنر، فرایند خلاقیت و بیان هنری می‌تواند به پالایش هیجانات جمعی، بازیابی معنا و بازسازی ذهن آسیب‌دیده از خشونت و ناامنی منجر شود. از سوی دیگر، در سطح فلسفی، تربیت هنری در شرایط بحرانی مانند جنگ، اراده‌ی انسان برای خلق معنا در بستر ویرانی را بازتاب می‌دهد. در چنین موقعیتی، آموزش هنر نه یک فعالیت لوکس، بلکه نوعی کنش مقاومت فرهنگی است؛ مقاومتی در برابر فراموشی، بی‌احساسی و فروپاشی ارزش‌های انسانی. هنر می‌آموزد که حتی در میان آوار، تصویر، صدا و حرکت می‌توانند حامل امید باشند. از دیدگاه تربیتی نیز، توجه به هنر در برنامه‌های آموزشی دوران بحران، امکانی برای حفظ انسجام روانی و اجتماعی کودکان و نوجوانان فراهم می‌آورد. تربیت هنری در جنگ، خلاقیت را به‌مثابه نیرو و پناهگاه روانی به کار می‌گیرد تا نسل آینده بتواند تجربه‌ی خشونت را به زبان زیبایی و معنا ترجمه کند، نه به چرخه‌ی انتقام و فرسایش. درنهایت، تربیت هنری در زمان جنگ، تلاشی است برای تثبیت انسانیت در برابر نیروهای ویرانگر. این فرایند از انسان موجودی منفعل نمی‌سازد، بلکه او را به فاعل فرهنگی و خالق امید بدل می‌کند؛ جایی که رنگ، صدا و فرم، به جای سکوت و انفعال، بیانی از زیستن آگاهانه در دل تاریکی می‌شوند.

سید صاحب موسوی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان کهگیلویه و بویراحمد

## یادداشت پنجاه و شش تربیت سیاسی در میدان

در دین مبین اسلام تربیت سیاسی، با تمرکز بر پرورش نگرش‌های مثبت نسبت به خویشتن، دیگران و واقعیت‌های اجتماعی، بر ارزش‌های بنیادین مانند اعتماد به نفس، احترام به خود و دیگران، و پذیرش تنوع دیدگاه‌ها تأکید دارد. در این چارچوب، ارزش‌های جامعه‌محور نظیر حقوق بشر، عدالت اجتماعی، و حاکمیت قانون نه تنها به عنوان پایه‌های اخلاقی، بلکه به مثابه ستون‌های تحقق کرامت انسانی برجسته می‌شوند. از منظر اسلامی، این اصول با عمق بیشتری ریشه می‌گیرند، زیرا دین اسلام حقوق شهروندی را در پرتو عدالت و برابری فراگیر تضمین می‌کند و شریعت آن، سیستمی منسجم و جهان‌شمول از حقوق بشر را تجویز نموده که فارغ از محدودیت‌های زمانی و مکانی، قابل اجرا و پایدار است؛ سیستمی که انسانیت را در برابر هرگونه تبعیض یا ستم پاس می‌دارد و مشارکت مسئولانه را به عنوان واجب الهی ترویج می‌نماید. در این بستر تربیت سیاسی در میدان مفهوم مقاومت، نفوذ و تهدیدات نرم، نیمه سخت و سخت دشمنان، دشمن‌شناسی، بیداری اسلامی، استکبارستیزی آموخته و در روح و دل و جان مخاطب نهادینه می‌کند.

### فرهاد احمدی اصل

استادیار گروه مدیریت آموزشی، استان آذربایجان شرقی



## یادداشت پنجاه و هفت

### مکتب تربیتی شهید (با نگاهی به دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله شهید سید علی خامنه‌ای): تربیت انسان تمدن ساز

مکتب تربیتی شهید به دنبال پرورش نسلی از انسان‌های خودساخته، مؤمن، و فداکار است که بتوانند در راستای اهداف متعالی جامعه گام بردارند. این رویکرد تربیتی، در بیانات و رهنمودهای حضرت آیت‌الله شهید سید علی خامنه‌ای (قدس سره)، بازتاب گسترده‌ای دارد. در این مکتب، تربیت صرفاً محدود به انتقال دانش یا مهارت‌های فنی نیست، بلکه به دنبال ارتقای ابعاد مختلف وجودی انسان، از جمله عقلانیت، معنویت، اخلاق، اراده و مسئولیت‌پذیری است. رهبر انقلاب، همواره بر نقش دانشگاه‌ها، به‌ویژه دانشگاه فرهنگیان، به‌عنوان کانون تربیت معلم و دانشگاه تمدن ساز تأکید کرده بودند. در این راستا، مکتب تربیتی شهید، با اولویت دادن به تربیت افرادی که بتوانند معلمان آینده و مربیان نسل‌های بعدی باشند، به دنبال ایجاد یک زنجیره قدرتمند تربیتی است. این تربیت، باید با نگاهی به منظرهای مختلف، از جمله قرآنی، حدیثی، تاریخی، ادبی، فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، به مباحث تربیتی بپردازد تا بتواند پاسخی جامع به نیازهای روز جامعه و چالش‌های پیش روی آن ارائه دهد. هدف نهایی، تربیت انسان‌هایی است که نه تنها در برابر انحرافات فکری و فرهنگی مقاوم‌اند، بلکه خود نیز در جهت بسط معارف الهی و ساختن تمدنی نوین، نقشی فعال ایفا کنند.

#### مصطفی غفاری

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان قزوین

## یادداشت پنجاه و هشت تجلی نصرت الهی در پرتو استقامت

در مواجهه با چالش‌ها و دشواری‌ها، گاهی تصور می‌شود که نیروهای مخالف، ابزار و توانایی‌های بیشتری در اختیار دارند؛ اما حقیقت آن است که مؤمنان به سرمایه‌ای معنوی مجهز هستند که دشمن از آن بی‌بهره است؛ و آن، نصرت الهی است. این حقیقت در قرآن به روشنی تبیین شده است: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج، ۴۱). این آیه به روشنی بیانگر سنتی الهی است که هر کس دین خدا را یاری کند، خداوند نیز او را یاری خواهد نمود. این همان خدایی است که پیامبران بزرگش، چون نوح (ع) را در طوفان نجات داد، ابراهیم خلیل (ع) را از آتش نمرود ایمن ساخت، موسی کلیم (ع) را از نیل عبور داد و عیسی روح‌الله (ع) را از چنگال دشمنان رهانید؛ و البته، پیامبر خاتم (ص) را نیز در غار ثور، از گزند مشرکان محفوظ داشت. چنین خدایی، همان خدایی است که امروز نیز جمهوری اسلامی ایران را یاری می‌کند. او قادر است که امور بزرگ و شگفت‌انگیز را رقم زند، و در طول تاریخ انقلاب، بارها این قدرت و امداد خود را به ما نشان داده است. البته، این امداد الهی، مشروط به تلاش و وفاداری ما به آرمان‌هایمان است. همان‌گونه که رهبر شهیدمان، در دیدار با دانش‌آموزان فرمودند: «حمزه سیدالشهدا در جنگ احد به شهادت رسید، اما مهم‌ترین پیروزی‌های پیامبر (ص) پس از آن اتفاق افتاد، به شرطی که تلاش کنیم و آرمانمان را فراموش نکنیم». این کلام، چراغ راه ماست تا بدانیم که سختی‌ها و حتی شهادت عزیزان، پایان راه نیست، بلکه سرآغاز فصل‌های درخشان‌تری از پیروزی خواهد بود، مادامی که روحیه تلاش و پایبندی به آرمان‌ها را در دل‌هایمان زنده نگاه داریم.

### علی تردست

عضو هیئت علمی گروه آموزش الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان ایلام

## یادداشت پنجاه و نه

### نقش ولایت و حاکمیت اسلامی در تعلیم و تربیت

تأملی در منظومه فکری امام شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (ره) در تربیت انسان و ادوار مختلف تربیت وی عوامل گوناگون از قبیل خانواده (والدین)، مدرسه (معلم)، مسجد، رسانه، حکومت و ... نقش‌آفرینی می‌کنند. سهم و میزان اثرگذاری هر یک از این عوامل در فرآیند تربیت انسان (تکوین هویت) متفاوت است. یکی از نقش‌آفرینان اصلی (بلکه عامل اصلی و در طول دیگر عوامل) در این فرآیند، حاکمیت و ولایت است هدف و فلسفه حاکمیت اسلامی تربیت انسان است (۱۳۷۷/۲/۲). حکومت در زمینه تربیت مردم وظیفه و مسئولیت دارد (۱۳۸۱/۱۱/۱۵). درواقع محیط زندگی و محیط جامعه یک مدرسه بزرگ است. اینکه این مدرسه، مدرسه سعادت باشد یا مدرسه بدبختی و شقاوت، به خواست و اراده دولت‌ها و حکومت‌ها وابسته است (۱۳۶۴/۰۳/۰۳). در نظام فاسد و جائر و در نظام طاغوتی، انسان‌ها بد تربیت‌شده و مادی و بی‌معنویت و بی‌حقیقت بار می‌آیند. انقلاب برای این است انسان‌ها به‌خوبی تربیت شوند. مسئله انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، تحول در اندرون انسان و سیورورت همه‌جانبه در کشور است (۱۳۹۱/۰۷/۲۰). هدف نبوت‌ها و بعثت‌ها تعلیم و تزکیه انسان برای رسیدن به نقطه آغاز زندگی سعادت‌مندانه (حیات حقیقی بشر در زمان ظهور حضرت ولی‌عصر (عج)) است. این هدف وقتی محقق می‌شود که یک تعلیم و تربیت مستمری از موضع حکومت اسلامی، مسیر تزکیه و تربیت بشر را پیش ببرد. استمرار در این تعلیم و تربیت الهی با موضوع ولایت و امامت تضمین می‌شود. در این مسیر امروز انقلاب اسلامی یک فرصت دوباره است که به بشریت داده شده است تا به آن حیات حقیقی بشر نزدیک شود. این بیداری اسلامی یک فرصت دوباره برای نجات ملت‌ها و زمینه‌سازی برای آغاز آن سعادت حقیقی انسان است (۱۳۷۹/۱۲/۲۴).

محمد شهریاری

استادیار گروه آموزشی امور تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، قم

## یادداشت شصت

### تربیت و استعمار فرانو

استعمار فرانو، شکلی نوین از استعمار است که در آن قدرت‌های غالب، بدون توسل به اشغال نظامی مستقیم، از طریق ابزارهای فرهنگی، اقتصادی، رسانه‌ای و ایدئولوژیک بر جوامع دیگر نفوذ کرده و آن‌ها را وابسته می‌سازند. این پدیده با هدف گسترش و تحکیم هژمونی، به تغییر ارزش‌ها، باورها، الگوهای مصرف و نظام‌های فکری در جوامع هدف می‌پردازد. استعمار فرانو، که اغلب به شکل پنهان و نامحسوس عمل می‌کند، بر تربیت و شکل‌دهی به افکار عمومی تأثیر عمیقی گذاشته است. این پدیده، که با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای، فرهنگی و آموزشی صورت می‌گیرد، سعی در ترویج یک جهان‌بینی خاص و غالب دارد که منافع قدرت‌های استعماری را تأمین کند. در این رویکرد، تربیت به‌جای آنکه ابزاری برای خودشکوفایی و استقلال فکری باشد، به میدانی برای تلقین ارزش‌ها، باورها و الگوهای رفتاری بیگانه تبدیل می‌شود (ساروخانی، ۱۳۹۸؛ فولادگر، ۱۴۰۰). یکی از پیامدهای استعمار فرانو در حوزه تربیت، «بیگانگی فرهنگی» است. در این فرآیند، هویت‌های بومی و محلی کمرنگ شده و افراد جامعه، به‌ویژه نسل جوان، با الگوهای فرهنگی غرب، که غالباً بر پایه مصرف‌گرایی و فردگرایی بنا شده‌اند، انس می‌گیرند. این امر منجر به گسست نسلی و از دست رفتن سرمایه‌های فرهنگی بومی می‌شود (کریمی، ۱۳۹۹). همچنین، نظام‌های آموزشی در جوامع تحت تأثیر استعمار فرانو، اغلب فاقد استقلال فکری بوده و محتوای درسی و رویکردهای آموزشی آن‌ها، منعکس‌کننده دیدگاه‌ها و منافع قدرت‌های سلطه‌گر است (فولادگر، ۱۴۰۰). این نظام‌ها، به‌جای پرورش روحیه پرسشگری و تفکر انتقادی، بر حفظ وضع موجود و پذیرش منفعلانه دانش تأکید دارند. برای مقابله با این پدیده، ضروری است که رویکردهای تربیتی بر پایه استقلال فکری، خودباوری فرهنگی و تقویت هویت ملی استوار شوند. تربیت باید به‌سوی توانمندسازی افراد برای درک انتقادی جهان و مقاومت در برابر فشارهای ایدئولوژیک و فرهنگی حرکت کند.

### آرزو حسینی

عضو هیئت علمی گروه آموزش ریاضی، دانشگاه فرهنگیان تهران

## یادداشت شصت و یک

### ظرفیت‌های روان‌شناختی ایران در مواجهه با بحران‌ها

تحولات اخیر کشور ما و جنگ رمضان، فرصتی است برای تأمل در ظرفیت‌های روان‌شناختی جامعه ما. در شرایطی که فشارهای متعدد تاریخی و اجتماعی بر ما وارد می‌شود، نیاز به تقویت مهارت‌های تاب‌آوری و مقاومت اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. تاب‌آوری به معنای توانایی فرد و جامعه در مواجهه با بحران‌هاست. این ویژگی به‌هیچ‌وجه یک واکنش منفعلانه نیست بلکه یک فرایند فعال است که شامل مهارت‌هایی چون خودتنظیمی هیجانی، معنا بخشی به تجربیات و ایجاد حمایت اجتماعی است. در این راستا، ارزش‌های فرهنگی نظیر همدلی و از خودگذشتگی در جامعه ما به‌عنوان عوامل مؤثر در افزایش تاب‌آوری قابل توجه هستند. دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان نهاد مؤثر در تربیت نیروی انسانی می‌تواند نقشی حیاتی در ترویج فرهنگ تربیت مقاوم ایفا کند. با گنجاندن مباحث مربوط به هویت‌یابی و تفکر انتقادی در برنامه‌های درسی، می‌توانیم دانشجویان را برای مواجهه با چالش‌های آینده مجهز کنیم. نقش روانشناسی در این راستا اساسی است و باید به دانشجویان آموخت که چگونه از تجربیات تلخ به‌عنوان فرصتی برای رشد شخصی و اجتماعی استفاده کنند. درنهایت، درک و تقویت این ظرفیت‌ها به همراهی و همیاری در برابر بحران‌ها کمک می‌کند و جامعه را در مسیر بالندگی قرار می‌دهد.

#### امین تقی‌پور

عضو هیئت‌علمی، گروه آموزش روانشناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی

## یادداشت شصت و دو

### نقش دانشگاه فرهنگیان در روزهای آتش و اضطراب

در روزهایی که سایه جنگ تنها بر میدان‌های نبرد نمی‌افتد و اضطراب آن در کوچه‌ها، خانه‌ها و ذهن مردم جریان دارد، برخی نقش‌ها بیش از همیشه معنا پیدا می‌کنند. این روزها با حال و هوای ماه مبارک رمضان نیز همراه شده است؛ ماهی که دل‌ها را به آرامش، همدلی و بازگشت به ارزش‌های انسانی فرامی‌خواند. در چنین زمانه‌ای، استاد و دانشجو معلم تنها عضو یک دانشگاه نیستند؛ آنان بخشی از شبکه آرامش و آگاهی جامعه‌اند. در شرایطی که شایعه، خبرهای نادرست و هیجان‌های لحظه‌ای می‌تواند ذهن‌ها را آشفته کند، فضای علمی دانشگاه می‌تواند به محلی برای گفت‌وگوی سنجیده و فهم دقیق واقعیت‌ها تبدیل شود. تقویت روحیه همدلی، شنیدن نگرانی‌های یکدیگر و کمک به شکل‌گیری نگاه عقلانی به رویدادها، خود نوعی مسئولیت اجتماعی است؛ مسئولیتی که در فضای معنوی رمضان می‌تواند با روحیه صبر، مدارا و امید بیشتر همراه شود. از سوی دیگر، حضور فعال در فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و داوطلبانه، حمایت از فضای امید در محله‌ها و کمک به حفظ آرامش روانی دانش‌آموزان و خانواده‌ها، بخشی از نقشی است که از دل هویت معلمی برمی‌آید. گاهی یک گفت‌وگوی آرام‌بخش، یک تحلیل روشن‌کننده یا یک فعالیت جمعی امیدبخش می‌تواند تأثیری فراتر از آنچه تصور می‌شود داشته باشد. در چنین روزهایی که جامعه بیش از همیشه به آرامش، همبستگی و عقلانیت نیاز دارد، دانشگاه فرهنگیان می‌تواند با تقویت روحیه مسئولیت اجتماعی، اخلاق حرفه‌ای و گفت‌وگوی آگاهانه، سهمی مهم در حفظ این سرمایه‌های اجتماعی داشته باشد. دانشگاه فرهنگیان در میانه التهاب‌ها یادآور این حقیقت است که معلم بودن تنها به آموزش درس‌ها محدود نمی‌شود. گاهی رسالت معلم در همین روزهای دشوار معنا پیدا می‌کند؛ زمانی که با کلامی سنجیده، نگاهی امیدوار و حضوری مسئولانه، چراغ عقلانیت، همدلی و آرامش را در جامعه روشن نگه می‌دارد.

محمد شفیعی

استادیار گروه راهنمایی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان لرستان

## بادداشت شصت و سه

### مبعوثان الهی در میدان؛ تحلیل راهبردی حضور مردم و شکست پروژه دشمن

بازخوانی بیانات رهبر شهید انقلاب در ۱۲ بهمن‌ماه، چراغ راه امروز در میان تحولات منطقه است. ایشان تأکید فرمودند: «اگر حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد برای مقابله با حوادث، و کار را مردم تمام خواهند کرد.» امروز که دشمنان انقلاب پس از ناکامی در جنگ میدانی، چشم به تحرکات خیابانی دوخته‌اند، حضور باشکوه مردم در میدانین، تجلی عینی این «بعثت الهی» است. واژه‌شناسی کلام رهبر شهید به سه مؤلفه رهنمون می‌کند: «مردم» در گفتمان انقلاب، صرفاً عنصر تزئینی نیستند، بلکه فاعل همه افعال مهم‌اند. «مبعوث شدن» بار معنایی عمیقی دارد؛ بعثت مختص پیامبران است، یعنی حرکت مردم در صحنه‌های حساس، پشتوانه اراده الهی دارد. «تمام کردن کار» وعده قطعی الهی است که در فتنه ۸۸ نیز تحقق یافت. راهبرد اصلی دشمن برای براندازی نرم، مبتنی بر سه مؤلفه «رعب، اختلاف و یأس» است. حضور حماسی مردم، این سه راهبرد را خنثی کرده: حضور آگاهانه مردم، مصداق آیه «فَلَا تَخَافُوهُمْ» و خنثی‌کننده هراس افکنی است. حضور همدلانه اقشار مختلف، پازل اختلاف‌افکنی دشمن را به هم ریخته و حماسه میدان‌ها، یأس‌آفرینی را ابطال و امید را در دل‌ها زنده نگه داشته است. شکست راهبردهای دشمن، آنان را دچار استیصال کرده است. امروز از نتانیاهو تا اینترنشنال، فریاد می‌زنند که مهم‌ترین ابزارشان از کار افتاده است. رهبر شهید وعده دادند که «کار را مردم تمام خواهند کرد». امروز مردم در میدانین هستند و کار طاغوت‌های زمان به دست آنان یکسره خواهد شد. حضور در میدانین، نه یک انتخاب، که یک «رسالت» است؛ رسالت اتمام حجت با دشمن و زمینه‌سازی برای ظهور.

محمد پاک‌سرشت و بهروز زینلی

اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان تهران

## یادداشت شصت و چهار

### مدرسه، قربانی ابزارهای قدرت: نگاهی انتقادی حمله به مدرسه میناب و پارادایم‌های تربیتی غرب

حمله به مدرسه میناب و شهادت دانش‌آموزان بی‌گناه، پرسشی بنیادین را در باب وضعیت «انسانیت» در جهان امروز مطرح می‌سازد. این حمله وحشیانه، ضرورت بازنگری در پارادایم حاکم بر نظام‌های تربیتی غرب را برجسته می‌کند. رویکرد «سودگرایی»، که ریشه در اندیشه‌های متفکرانی چون جان لاک، جرمی بنتام و جان استوارت میل دارد، با اولویت دادن به کسب «بیشترین منفعت برای بیشترین افراد» و غلبه بر طبیعت در راستای رفاه و سودآوری، دانش را در خدمت اهداف سیاسی و منافع بیرونی قرار می‌دهد. در چنین بستری، مدرسه بیش از آنکه مکانی برای رشد همه‌جانبه باشد، به ابزاری در دست سیاست‌گذاران و قدرتهای حاکم بدل می‌شود. حمله وحشیانه آمریکا و رژیم صهیونیستی به مدرسه میناب و شهادت مظلومانه دانش‌آموزان، بار دیگر اثبات کرد که قدرت‌های سلطه‌گر، علم و دانش را نه در جهت ارتقای بشریت، بلکه به‌عنوان «ابزاری» برای پیشبرد اهداف شوم خود به کار می‌گیرند. در منطق این رویکرد، جان انسان‌ها ارزش ذاتی خود را از دست داده و دشمن، با توهّم دستیابی به اهدافش از طریق حمله به اندیشه و مراکز علم، چنین اقداماتی را مرتکب می‌شود. این پرسش اساسی مطرح است که چنین حملاتی با کدامیک از قوانین و موازین بین‌المللی انطباق دارد؟ حمله به مدرسه میناب در عمل، مفهوم حقوق بشر را بی‌اعتبار ساخته و نشان می‌دهد که نظام سلطه و استعمار، نه تنها تعهدی به قوانین بین‌المللی ندارد، بلکه از آن‌ها صرفاً به‌عنوان ابزاری برای حفظ منافع و سودآوری استفاده می‌کند. حمله به مدرسه، به‌مثابه مکانی که سلاح فراگیران آن قلم و اندیشه است، نمود عینی مرگ ارزش‌ها در جهان غرب و ظهور پدیده‌ی «نیپیلیسم» (پوچ‌گرایی) در این فرهنگ تلقی می‌شود. این تهاجم، اوج رذالت فرهنگی و خطای محاسباتی فاحشی از سوی دشمن است که سنگر علم و اندیشه را هدف قرار داده است.

### علی صحبت‌لو

استادیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید بهشتی زنجان



## یادداشت شصت و پنج

### مقاومت روانی در جنگ در شرایط بحرانی جنگ

تاب‌آوری به‌عنوان توانایی بازگشت به حالت عادی و حتی شکوفایی در سختی‌ها برای بقا و انسجام فردی و اجتماعی نقشی حیاتی دارد. مقاومت روانی، زیربنای تاب‌آوری است که افراد و جوامع را قادر می‌سازد در برابر فشارها، تهدیدها و ضربات روانی جنگ مقاومت کرده و خود را بازیابی نمایند. ۱. مقاومت روانی مقاومت روانی سپری دفاعی در برابر آسیب‌های روانی ناشی از جنگ است که از فروپاشی روانی افراد و جامعه جلوگیری می‌نماید. این مقاومت، ریشه دارد در: • خودکارآمدی • خوش‌بینی و امید • شبکه‌های حمایتی اجتماعی • معناداری زندگی • انعطاف‌پذیری شناختی ۲. اتحاد: پیوند ناگسستنی جامعه در بحران «اتحاد» در بطن مقاومت روانی قرار دارد. حس تعلق را تقویت، بار روانی را توزیع، توان عملیاتی را افزایش و با نفی تفرقه، تلاش‌های دشمنان را خنثی می‌سازد. ۳. امید: چراغ راهنمای پیروزی «امید» نیروی محرکه مقاومت روانی و تاب‌آوری است. امید، باور به توانایی دستیابی به اهداف در دل تاریک‌ترین شرایط است که مانع ناامیدی و تسلیم‌طلبی شده، انرژی لازم برای مقاومت فراهم می‌آورد و باور به حقانیت را تقویت می‌کند. ۴. مقاومت روانی، اتحاد و امید در مسیر پیروزی در جنگ، تنها پیروزی نظامی نیست؛ بلکه پیروزی در حفظ هویت، ارزش‌ها، و کرامت انسانی است. مقاومت روانی، اتحاد و امید، مثلثی هستند که به پیروزی پایدار منجر می‌شوند. با تکیه بر اتحاد ناگسستنی، امید به آینده‌ای روشن، و باور به حقانیت مسیرمان، می‌توانیم بر هر چالشی فائق آمده و درنهایت، پیروزی را از آن خود سازیم. این نبرد، نبرد ارزش‌هاست و مقاومت روانی، سلاح کارآمد ما در این جهاد مقدس است. «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، آیه ۱۳۸).

#### صمد رحمتی

استادیار گروه آموزش روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان لرستان

## یادداشت شصت و شش جنگ منطق دارد

کمیت شلیک موشک مهم است، اما کیفیت موشک‌هایی که شلیک می‌شوند، بسیار مهم‌تر. هرچند تعداد موشک‌هایی که به دشمن متجاوز شلیک می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و دل‌خوشی می‌آورد، اما کیفیت موشک‌های شلیک‌شده به دشمن اهمیت بسیار بیشتری دارد. از شب سوم جنگ، شلیک موشک کیفی شد. شلیک موشک با سر جنگی ۷۵۰ کیلوگرم، داستان عملیات را تغییر داد. شب ششم جنگ به بعد موشک‌هایی که به اسرائیل شلیک می‌شد، بیشتر آن‌ها در خاک می‌نشست. اسرائیل حدود ۲۰ هزار کیلومترمربع مساحت دارد، سال‌های سال بیان می‌کردند که بزرگ‌ترین سیستم‌های فوق پیشرفته پدافندی این ۲۰ هزار کیلومترمربع را حفاظت می‌کند. فلاخن داود، پاتریود، تاد، پیکان و ... از پیشرفته‌ترین سیستم‌های پدافندی دنیا هستند. بر اساس قانون جنگ و سیستم ۲۲۰ ساله تکنولوژی آمریکا نباید حتی یک موشک در خاک اسرائیل می‌نشست؛ اما از روز ششم جنگ به بعد بیشتر موشک‌های ایران در خاک اسرائیل می‌نشیند. بدین خاطر تصمیم گیران جنگ در اسرائیل سیستم‌های پدافندی را جهت تأمین امنیت مراکز فوق امنیتی عقب بردند. شب هفتم، ایران موشک فتاح ۲ را در مدار قرار داد و آن را به یک منطقه فوق امنیتی شلیک کرد. فردای آن روز شبکه ۱۳ اسرائیل اعلام کرد که ایران تنها یک موشک شلیک کرد و آن موشک از تمام سیستم‌های پدافندی عبور کرد و در اسرائیل نشست. اسرائیل بشدت می‌ترسد، اما شبکه‌های عملیات روانی مانند اینترنشنال، بی‌بی‌سی فارسی و ... اعلام کردند که ایران تنها یک موشک توانست شلیک کند. آری جنگ منطق دارد، برخی بد می‌نویسند، بد تبیین می‌کنند؛ اما بدانند رزمندگان غیور وسط میدان و در حال جنگیدن تمام‌عیار هستند، عزیزی که پهلاد شلیک می‌کنند، می‌دانند که با احتمال زیاد ۲۰ دقیقه بعد شهید می‌شوند، ولی یک لحظه کوتاه نمی‌آیند. ساختار تربیتی و عقیدتی این رزمندگان غیور و باشرف از چنان استحکام و اعتقادی برخوردار است که هیچ ترس و تردیدی در وجودشان رخنه نمی‌کند و تنها به شکست دشمن و دفاع از وطن در مقابل متجاوزان غاصب می‌اندیشند. سلامتی، موفقیت و عاقبت به‌خیری همه این رزمندگان شجاع و میهن‌پرست را از حضرت حق استعدا دارم.

### ایمان بلوایی

گروه آموزشی جغرافیا و علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان لرستان.

## یادداشت شصت و هفت

### رسالت دشمن‌شناسی در پناه کلاس درس

در نگاه تعلیمی که صحیح‌ترین طرز برخورد با مقوله آموزش است؛ «آموزش» را نه یک صنعت، که یک «عبادت عقلانی» و «جهاد تبیینی» می‌دانند؛ جایی که گچ سفید، بر تخته‌ی سیاه زمان، سرنوشت تمدن‌ها را رقم می‌زند. در جغرافیای دانشگاه فرهنگیان که کانون تربیت «فرهنگ‌سازان» و «معماران آینده» است کلاس درس، تنها جایی تدریس اعداد و حروف نیست، بلکه تریبونی است برای شکل‌دهی به «هویت ملی»، «بصیرت دینی» و «دشمن‌شناسی» دشمن‌شناسی در برنامه درسی، به معنای القای خشونت نیست؛ بلکه به معنای «شناخت نقشه‌های دشمن» و «درک ترفندهای نرم قدرت» اوست. باید نگاه وسیع‌تری به آموزش داشته باشیم و درس‌هایمان را چون «سفری به سرزمین واقعیت» در جانِ کلاس جاری سازیم. در درس تاریخ، نباید فقط تاریخ جنگ‌ها را گفت، بلکه باید «فلسفه‌ی پایداری» و «شیوه‌های مقاومت» را آموزش داد تا دانش‌آموز بداند که چگونه اجدادش در برابر طوفانِ استکبار ایستادند. در درس ادبیات، باید با تحلیل اشعار حماسی فردوسی و خاقانی، روحیه‌ی «پهلوانی» و «ایستادگی» را در رگ‌های نسل نو دمید. در درس علوم، نباید تنها از فرمول‌های خشک و بی‌روح سخن گفت؛ بلکه باید به دانش‌آموزان آموخت که چگونه «علم» را به «قدرت» و «استقلال» تبدیل کنند. آنان باید بدانند که پیشرفت علمی، سلاحی است که می‌تواند زنجیرهای وابستگی را پاره کند و ایران را به اوج قله‌های دانش و فناوری برساند. معلم آگاه، در تبیین دستاوردهای هسته‌ای، پزشکی و دفاعی، این واقعیت را به رخ می‌کشد که توطئه‌های «تحریم علمی» نیز همچون سایر دسیسه‌های دشمن، به یاری ایمان و تلاش، بی‌اثر خواهد ماند. در کلاس هدیه‌های آسمانی، دشمن‌شناسی ابعادی عمیق‌تر می‌یابد. جایی که دانش‌آموز می‌آموزد دشمن، تنها دشمنِ تن نیست، بلکه دشمنِ «فکر» و «ارزش» است و باید بیاموزند که چگونه با «منطق قرآنی» و «برهان نورانی»، ابهامات را پاسخ گویند. تربیت نسلی که «ولایت‌مدار» و «مکتبی» است، ضامنِ خنثی‌سازیِ جنگِ ترکیبی و شناختی دشمن است. تلاش کنیم با گچِ دانش، بر سینه‌ی تخته‌سیاه، نام ایران را حک کنیم و با تربیت انسان‌هایی که در کلاس درس، درس دفاع از کیان کشور را آموخته‌اند، ثابت کنیم که این خاک، همواره «قبرستانِ متجاوزان» خواهد بود. سردارانِ هوافضا شما سنگر آسمان را حفظ کنید، سنگر مدارس با ما «محال است ایران که ویران شود کنام پلنگان و شیران شود»

زهرا حسینی

دانشگاه فرهنگیان استان همدان/پردیس باهنر

## یادداشت شصت و هشت

### برنامه درسی پنهان و تربیت معلم انقلابی

همواره بعد از وقوع تحولات و انقلاب‌های اجتماعی در کشورها شاهد تغییر در مؤلفه‌های نظام‌های آموزشی آن‌ها هستیم؛ اما موضوع مهمی که در این مختصر به آن می‌پردازیم توجه به این مهم است که اساساً تغییرات تربیتی در نظام‌های آموزشی هم می‌تواند زمینه‌ساز تحولات اجتماعی شود؛ موضوعی که «دیوید مناشری» در کتاب «نظام آموزشی و ساختن ایران مدرن» به آن پرداخته است؛ اما سؤال مهمی که مطرح می‌شود این است که کدام مؤلفه نظام آموزشی می‌تواند تأثیر بیشتری بر تحولات اجتماعی داشته باشد. یکی از تأثیرگذارترین این مؤلفه‌ها برنامه درسی است که به سه شکل برنامه درسی رسمی، برنامه درسی پوچ و برنامه درسی پنهان موردتوجه قرار می‌گیرد. هرچند در برنامه درسی رسمی مدارس کشور کتاب‌ها و دروس متنوعی وجود دارد که به مبانی دینی و اخلاق و ارزش‌های انقلابی پرداختند؛ اما نکته اساسی این است که این معلمان هستند که می‌توانند به برنامه درسی شکل دهند؛ شاهد مثال آن در مورد ایران را «لوتان کوی» در کتاب «آموزش و پرورش، فرهنگ‌ها و جوامع» ذکر می‌کند؛ ایشان عدم توجه و تدریس معلمان تاریخ به درس انقلاب سفید شاه و مردم در ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران را به‌عنوان نمونه‌ای از تبدیل برنامه درسی رسمی به برنامه درسی پوچ موردتوجه قرار می‌دهد. البته با توجه به نقش مهم و اساسی برنامه درسی پنهان در تأثیرگذاری معلمان بر مخاطبان خود؛ که بیشتر خود را در قالب زبان بدن، نوع تعامل و مواجهه معلمان با سؤالات دانش‌آموزان نشان می‌دهد. توجه به تربیت معلمانی متعهد به مبانی انقلاب اسلامی در سه بعد بینشی، گرایشی و کنشی با تأکید بیشتر بر بعد گرایشی می‌بایست بیشتر موردتوجه قرار گیرد، تا منجر به نهادینه شدن ارزش‌های موردنظر در آن‌ها شود تا زمینه هر آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند را در کلاس درس محقق سازند

### هادی کریمی عقدا

استادیار گروه آموزش امور تربیتی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان هرمزگان

## یادداشت شصت و نه

### جنگ نرم و جایگاه دشمن‌شناسی در تعلیم و تربیت

اگر بخواهیم نگاهی دقیق‌تر به معماری نظام تعلیم و تربیت رسمی بیندازیم، درمی‌یابیم که «دشمن‌شناسی» دیگر یک بحث صرفاً سیاسی یا ایدئولوژیک نیست؛ بلکه امروزه به یک ضرورت شناختی و کارکردی برای مواجهه با پدیده پیچیده‌ای به نام «جنگ نرم» تبدیل شده است. تجربه جنگ رمضان و تهدیدات نوین به ما آموخت که دشمن ابزارهای خود را عوض کرده و از جنگ نظامی کلاسیک فاصله گرفته است. او حالا با اهرم‌های جنگ ترکیبی و شناختی، به دنبال تغییر بنیادین هویت، باورها و سبک زندگی نسل آینده ماست. از زاویه دید علوم تربیتی و جامعه‌شناختی، برنامه درسی ما نباید فقط به انتقال خشک‌و‌خالی دانش بسنده کند؛ بلکه باید چشم به «توانمندسازی شناختی» و «تربیت سیاسی» دانش‌آموزان بدوزد. اگر در کتب درسی، مکانیسم‌های دقیق استعمار فرانو و نفوذ فرهنگی را تبیین نکنیم، قطعاً دچار یک خلأ امنیتی در لایه‌های عمیق شخصیت افراد خواهیم شد و احساس میهن‌دوستی تضعیف می‌گردد. پس، بازنگری اساسی در اهداف برنامه درسی و تمرکز بر ارتقای سواد رسانه‌ای، بصیرت‌افزایی و تحلیل عمیق توطئه‌های دشمن، وظیفه‌ای است که نمی‌توان از آن گذشت. در این مسیر، طراحی الگوهای آموزشی مبتنی بر تفکر انتقادی و فلسفه برای کودکان می‌تواند نقش کلیدی ایفا کند. این رویکردها ظرفیت‌های تحلیلی دانش‌آموزان را برای شناخت توطئه‌های پنهان و آشکار دشمن بالا می‌برند. وقتی مهارت‌های استدلال و سواد رسانه‌ای را از طریق رویکردهای شناختی در آن‌ها نهادینه کنیم، تاب‌آوری ذهنی‌شان در برابر ساختارهای استعمار فرانو تقویت می‌شود. این فرآیند با ارتقای کارکردهای اجرایی ذهن، لایه‌های عمیق شخصیت را در برابر تهاجمات شناختی مصون می‌کند و پایداری هویت ملی را تضمین می‌نماید. در همین راستا، دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان متولی تربیت معلم و یک دانشگاه تمدن ساز، باید با رویکرد «آموزش پژوهانه» و تولید علم بومی، الگوهای عملی و مدونی برای آموزش دشمن‌شناسی عقلانی و مستند به معلمان آینده ارائه دهد. این مهم نیازمند آن است که دروسی طراحی شوند که با زبان و ادبیات آموزش‌وپرورشی، واقعیت‌های میدان نبرد فرهنگی را برای دانش‌آموزان قابل فهم و قابل تحلیل کنند تا سدی محکم در برابر تهاجمات تربیتی دشمن شکل بگیرد.

امیر پوراحمدعلی

هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان مازندران

## یادداشت هفتاد

### تجسم عینی فلسفه‌ی الحادی و آرمان غرب مدرن

در مطالعه‌ی تاریخ اندیشه‌ی غرب، از رنسانس تا عصر پست‌مدرن، می‌توان خطی پیوسته را ردیابی کرد که از «انسان‌محوری» تا «قدرت‌محوری» پیش می‌رود. نقطه‌ی آغاز این مسیر، نفی امر قدسی و جدایی اخلاق از متافیزیک است؛ و نقطه‌ی اوج آن، ظهور سیاست‌مداری است که بی‌پرده، تجسم این درون‌مایه‌هاست: دونالد ترامپ. ترامپ صرفاً یک پدیده سیاسی نیست؛ او عینیت یافته‌ی فلسفه‌ای است که قرن‌ها در بنیان تفکر الحادی غرب رسوب کرده است. فلسفه‌ای که نیچه آن را با شعار «مرگ خدا» آغاز کرد و ماکیاولی آن را در قالب «غایت‌گرایی قدرت» سامان داد. در این منظومه، انسان نه خلیفه‌ی خدا، که خدای زمین است؛ و معیار حق و باطل نه اخلاق، بلکه منفعت است. در رفتار و گفتار ترامپ، مؤلفه‌های این جهان‌بینی آشکار است: قدرت‌طلبی مطلق، برتری‌جویی نژادی، تحقیر ملت‌ها، و اقتصادگرایی افراطی. او جهان را به بازار تبدیل می‌کند و انسان را به عددی در معادله سود و زیان. روابط بین‌الملل در نگاه او چیزی جز استمرار استعمار نیست؛ همان میل دیرین غرب به سلطه، اما در لباسی مدرن و رسانه‌ای. نسبیت‌گرایی اخلاقی، که در اندیشه پست‌مدرن مشروعیت یافته، در شخصیت ترامپ به رفتار سیاسی ترجمه می‌شود: دروغ ابزار است، جنگ، تجارت است، و حقیقت، وابسته به قدرت رسانه‌ای. به این معنا، ترامپ نه استثنا، که حاصل طبیعی روندی است که غرب طی پنج قرن پیموده: روندی از خداگریزی به خودپرستی، از عقلانیت فلسفی به پراگماتیسم خام. او چهره افسارگسیخته تمدنی است که به جای ایمان، منفعت را پرستش می‌کند؛ تمدنی که در او، چهره‌ی واقعی خود را بی‌نقاب آشکار ساخته است.

حیدر همتی

هیئت علمی گروه الهیات و معارف اسلامی فرهنگیان کرمانشاه

## یادداشت هفتاد و یک رفراندوم حقیقی در خیابان‌های ایران

حضور مردم پای آرمان شهدا در روزهایی که امتحان‌ها سخت است، مرد از نامرد شناخته می‌شود. حضور گسترده مردم با تنوع سلیقه‌ها در این روزها، خود یک رفراندوم حقیقی است. این روزها و شب‌ها در تجمعات مردمی زیر موشک‌باران مدعیان آزادی که آزاد از قیود اخلاقی و انسانی هستند، جلوه‌ای روشن از این حقیقت دیده می‌شود. مردمی که شب را در بیداری و عبادت سپری کرده‌اند، اما با طلوع صبح، سیل خروشان‌شان در خیابان‌ها جاری می‌شود و با کاروان حضور خود، پیکرهای مطهر شهدا را تا معراج‌الشهدا بدرقه می‌کنند. این در حالی است که دشمنان این ملت به هیچ قانون و آیینی پایبند نیستند و هر لحظه ممکن است با خشونت و وحشیانه، جسم این مردم را به آتش کشیده و روحشان را آسمانی کنند. با این همه، مردم در چنین شرایطی جان بر کف نهاده و در رفراندوم تثبیت آرمان‌های شهدا و انقلاب اسلامی شرکت می‌کنند؛ رفراندومی نه با رأی مخفیانه، بلکه با رأی آشکار در برابر دیدگان جهانیان. این حضور، پیامی روشن دارد: ما نه تنها به این مسیر باور داریم، بلکه به آن افتخار می‌کنیم. چنین رفراندوم حقیقی، پیش‌تر نیز در تشییع پیکر سردار دل‌ها، شهید حاج قاسم سلیمانی، جلوه‌گر شد و در این روزها بار دیگر خود را نمایان ساخته است؛ حضوری که در آیین‌های بدرقه پیکر مطهر امام و رهبر شهیدمان چنان تجلی خواهد یافت که جهانیان را شگفت‌زده خواهد کرد. در دنیایی که فضای مجازی گاه قدرت تفکر و تحلیل را از مخاطبان‌ش می‌گیرد، تجمعات عاشقانه مردمان دین‌دار و میهن‌دوست، انفجار بخشی از حقایق نورانی است.

سید محمدحسینی نیک

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان کهگیلویه و بویراحمد

## یادداشت هفتاد و دو ایران نستوه

به نام یزدان، به نام میهن، به نام پایداری، به نام تاریخ، سطوت، شوکت و مهابت ایران خانه بزرگ مشترک، دودمان پدران و مادران، کاشانه نیاکان و میهن ماست. گستره‌ای با تاریخ پرفرازونشیب در بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز. با پیشینه‌ای کهن، با گونه‌های مختلف فرهنگی و قومی که در چهارراه تلاقی تمدن‌های بزرگ و فرهنگ اسلامی جای گرفته و با درآمیختن این عناصر، فرهنگ و هویتی متمایز و بی‌مانند پدید آورده است. فرهنگ درخشان و پرفروغی که هیچ‌گاه سترون نبوده و پیوسته افتخارآفرین‌ترین فرزندان بشری را در عرصه‌های گوناگون علمی، ادبی، هنری، تاریخی و سیاسی پرورانده است. میهنمان اکنون با سخت‌ترین آزمون تاریخ خود روبه‌روست. دیو سیاه دشمن آمریکایی-صهیونی سایه شوم خود را بر آسمان این سرزمین گسترانیده است. لحظه‌های هولناکی که همه ما در تلاش برای پاسداری از ایران و عزیزانمان هستیم. در این روزهای پرشکوه و پراندوه بیش‌ازپیش به ارزش‌هایی چون همبستگی، همدلی، عشق، مسئولیت‌پذیری و احترام نیاز داریم تا خود و فرزندانمان را به شیوه‌های گوناگون به زندگی، پایداری و تاب‌آوری فراخوانیم. توجه به این موضوع حیاتی، وظیفه حساس و مهم برنامه‌ریزان درسی، به‌ویژه در قلمرو تعلیم و تربیت را گوشزد می‌کند که بار دیگر ناقوس حادثه را برای آگاهی مخاطبان به صدا درآوردند تا در ذهن نسل‌های آینده زنده بماند. باشد که با پرورش نسلی آگاه، اندیشه‌ورز و میهن‌دوست از گذرگاه‌های سخت به سلامت بگذریم. بی‌شک فصل خزان سپری خواهد شد و ایران عزیزمان نفسی تازه خواهد کرد؛ اما آنچه به یادگار خواهد ماند وصف فرهنگ آزادی و ستم‌ستیزی، وجدان بیدار قوم ایرانی، برازندگی، زیرکی، خردمندی، پایداری و از خودگذشتگی فرزندان برومند این کهن بوم و بر است. آنانی که در ژرفای این شب دیجور فانوس ایستادگی را برافروختند و با پایمردی نستوه و غیرت سرخ خویش تحسین و احترام آزادگان عالم را برانگیختند و برای رسیدن به آرمان‌های دیرین و شیرین خود جان‌فشانی‌ها کردند. روانشان مینوی و یادشان گرامی

اگر سربه‌سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم  
دریغ است ایران که ویران شود      کنام پلنگان و شیران شود

### زبیده سورتیجی

عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان استان گلستان



## یادداشت هفتاد و سه

### مکتب تربیتی شهید آیت‌الله امام خامنه‌ای (ره)

مکتب تربیتی شهید آیت‌الله امام خامنه‌ای را می‌توان در چارچوب یک منظومه فکری - تربیتی مبتنی بر قرآن، عقلانیت دینی و مسئولیت اجتماعی تحلیل کرد؛ منظومه‌ای که تربیت را صرفاً به حوزه اخلاق فردی محدود نمی‌کند، بلکه آن را فرآیندی برای شکل‌دهی «انسان مؤمن، آگاه و مسئول در قبال جامعه» می‌داند. در این نگاه، تربیت اسلامی زمانی معنا پیدا می‌کند که بتواند میان ایمان، معرفت و کنش اجتماعی پیوند برقرار کند. نخستین رکن این مکتب، تأکید بر کرامت و ظرفیت‌های وجودی انسان است. قرآن کریم با بیان «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰) جایگاه انسان را موجودی دارای استعداد رشد و تعالی معرفی می‌کند. بر این اساس، تربیت باید زمینه شکوفایی عقل، ایمان و اخلاق را به‌طور هم‌زمان فراهم آورد. رکن دوم، پیوند علم با تعهد و بصیرت اجتماعی است. در این منظومه فکری، علم زمانی ارزش حقیقی می‌یابد که به مسئولیت اخلاقی و اجتماعی منتهی شود. این نگاه با آموزه قرآنی «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸) هم‌سو است؛ یعنی علم راستین به خشیت الهی و التزام عملی می‌انجامد و از انسان عالمی مسئول می‌سازد. سومین مؤلفه این مکتب، تأکید بر تربیت اجتماعی و عدالت‌محور است. انسان تربیت‌یافته در این چارچوب تنها به کمال فردی نمی‌اندیشد، بلکه خود را در قبال اصلاح جامعه و تحقق عدالت مسئول می‌داند. قرآن نیز فلسفه بعثت پیامبران را چنین تبیین می‌کند: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). از این منظر، مکتب تربیتی شهید آیت‌الله امام علی خامنه‌ای الگویی از تربیت دینی ارائه می‌دهد که در آن ایمان، دانش و مسئولیت اجتماعی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند؛ الگویی که هدف نهایی آن پرورش انسان‌هایی دارای هویت دینی، بصیرت فکری و توانایی ایفای نقش فعال در پیشرفت و اصلاح جامعه است.

### مسلم شجاعی

عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه فرهنگیان کهگیلویه و بویراحمد

## یادداشت هفتاد و چهار جنگ تمدن‌ها

آیا «برخورد تمدن‌ها» ی هانتینگتون در حال محقق شدن است؟ نزدیک به سه دهه از طرح این نظریه توسط متخصص علوم سیاسی ساموئل هانتینگتون می‌گذرد؛ اما هرازگاهی که در خاورمیانه جنگی با درون‌مایه اسلامی غربی درمی‌گیرد، نظریه جنگ تمدن‌های هانتینگتون جانی تازه می‌گیرد. واقعیت این است که نظریه جنگ تمدن‌ها ترسیم‌کننده سیاست خارجی ایالات متحده در قبال خاورمیانه بوده است. چنین طرح می‌شود که کشمکش میان «غرب» و «اسلام» تاریخی، تغییرناپذیر و ذات‌گرایانه است. اخیراً یک جابه‌جایی بزرگ در قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی از غرب به سوی تمدن‌های دیگر جهان به وجود آمده است. در این میان، تمدن‌های «چالشگر» چینی و اسلامی مهم‌ترین «تمدن‌های نوسانی» به حساب می‌آیند. چرا تمدن‌ها با یکدیگر برخورد خواهند کرد؟ کاندیداشدن دونالد ترامپ برای ریاست‌جمهوری آمریکا نقطه عطف مهمی برای تحقق دیدگاه هانتینگتون بود. چراکه ترامپ کارزار انتخاباتی خود را بر اساس مخالفت با شرق و خصوصاً دنیای اسلام بنیان نهاد. برداشت‌های شرق‌شناسانه و غرب‌گرایانه از جهان، با حمایت نظریه هانتینگتون منجر به مشروعیت‌بخشیدن به جنگی است که اکنون در حال وقوع است، بار دیگر گسل تمدنی شکافته شده است و تمدن‌ها روبروی هم صف‌آرایی کرده‌اند. مسئله اصلی تغییر مدار ژئوپولیتیک ایران است و عدم توافق و پذیرش غرب بر سر یک نقش جدید در خاورمیانه در قرن بیست و یکم است.

### حسین رضائی

گروه علوم تربیتی. مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید رجایی استان آذربایجان غربی

## یادداشت هفتاد و پنج

### میهن‌دوستی ناآگاهانه، مدیریت هیجان و حل مسئله در جنگ رمضان

در عصر حاضر، با پدیده‌ی روان‌شناختی-اجتماعی نوظهوری روبرو هستیم: تقاضای حمله دشمنان به کشور با شعارهای میهن‌دوستانه! همان‌طور که در حوادث دی‌ماه سال جاری مشاهده شد معدودی از جوانان با انگیزه‌ای اصلاح‌طلبانه و با هدف بهبود شرایط اقتصادی، به گمانی واهی تصور کردند که با ورود دشمن، مشکلات کشور حل خواهد شد. این تصور، بدون درک واقعیت‌های ژئوپلیتیک و ماهیت دشمنان، ناخواسته بستر ساز سوءاستفاده اغتشاشگران و شکل‌گیری جنگی تاریخی گردید؛ جنگی که جنگ «رمضان» نامیده شد. این جنگ منجر به شهادت مقام معظم رهبری، فرماندهان و نیروهای نظامی، زنان، کودکان و شهروندان غیرنظامی شد. اگرچه ما همواره در نبرد با انگیزه‌های استکباری این دشمنان بودیم اما حوادث دی‌ماه در جسارت بخشی به دشمن برای حمله به کشورمان بی‌تأثیر نبود. تحلیل پدیده: این پدیده میهن‌دوستی ناخبردانه، ریشه در ضعف مهارت‌های شناختی-هیجانی در برخی از جوان دارد. بر اساس نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی، جوانان باید بیاموزند که انتقاد دوگانه است: سازنده یا ویرانگر. انتقاد سازنده، بر پایه نظریه‌های مدیریت هیجان و حل مسئله، به حل مشکلات کمک می‌کند؛ اما انتقاد ویرانگر، با مکانیزم تخلیه هیجانی و فاقد تحلیل عقلانی، منجر به ویرانی ملی و بهره‌برداری راهبردی دشمنان برای اهداف ژئوپلیتیک خود می‌شود. زمانی که ظرفیت‌های شناختی و مدیریت هیجان پرورش نیابد، اعتراضات از مسیر عقلانی خارج شده و به تحرکات هیجانی غیرمنطقی تبدیل می‌شود که امنیت ملی را تهدید می‌کند. راهکارهای پیشنهادی در سیستم آموزشی: ۱. گنجاندن واحدهای درسی مدیریت هیجان، حل مسئله و تحلیل انتقادی در برنامه رسمی آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها. ۲. آموزش تمایز انتقادی: آموزش نظریه‌های انتقاد سازنده در مقابل انتقاد ویرانگر در چارچوب دروس برنامه درسی. ۳. تقویت ظرفیت‌های شناختی: دروس تحلیل تاریخی، انتقادی رسانه‌ای و منطق کاربردی در برنامه درسی ملی. ۴. حل مسئله‌محوری: تمرین تصمیم‌گیری عقلانی در مواجهه با چالش‌های اقتصادی-اجتماعی به‌عنوان دروس کاربردی-پژوهشی. ۵. گفت‌وگوی علمی: ایجاد فضاهای آکادمیک برای بیان عقاید و نقد منصفانه در محیط آموزشی. سخن پایانی: میهن‌دوستی آگاهانه، انتخابی است بر پایه دانش تخصصی و مهارت‌های کاربردی. تنها با پرورش ظرفیت‌های شناختی، مدیریت هیجان و حل مسئله در جوانان است که انتقادات از مسیر عقلانی عبور خواهند کرد. در غیر این صورت، تخریب ملی و استثمار ژئوپلیتیک از سوی دشمنان، پیامد ناخواسته رشد پدیده‌ی میهن‌دوستی ناآگاهانه در نسل جوان خواهد بود.

مریم شمسی فر

استادیار گروه آموزش روانشناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان استان لرستان

## یادداشت هفتاد و شش از سکه سزار تا وعده‌ی خدا

در تاریخ روم باستان آمده است، «ژولیوس سزار» در یکی از جنگ‌های بزرگ، وقتی دید لشکریانش دچار تردید و ترس از شکست شده‌اند همه را فراخواند، سکه‌ای از جیب بیرون آورد فریاد زد «ای سربازان! ما سرنوشت جنگ را به بخت و اقبال می‌سپاریم؛ این سکه را به هوا می‌اندازم؛ اگر شیر آمد، یعنی خدایان با ما هستند و پیروز می‌شویم؛ اما اگر خط آمد، شکست خواهیم خورد.» سزار سکه را پرتاب کرد و بر زمین نشست شیر آمد! فریاد شادی برخاست، امید و شجاعت به لشکر بازگشت و پیروز شدند. نکته عجیب ماجرا اینجا بود که سال‌ها بعد معلوم شد آن سکه، سکه‌ی معمولی نبود، سزار با زیرکی سکه‌ای که هردو روی آن شیر بود ساخته بود! او با یک حقه و فریب به سربازانش امید داد و تا پای جان برای او جنگیدند. چه شده است برخی از ما را که به‌اندازه‌ی یک شیر و یا خط نیز به وعده‌های خدا اعتماد نداریم. خدا بدون هیچ پرده‌پوشی نتیجه نهایی نبرد حق و باطل را تضمین می‌کند. «وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ وَبِشَكِّ سَپَاهِيَانِ مَا يَبْرُزُونَ» (صافات: ۱۷۳) و شرط آن را پشت‌به‌پشت ولی خدا زدن و همراهی وی در پیکارهای نبرد بیان می‌دارد، در این میان است که تَلَاوُ پیروزی در همه عرصه‌ها نمایان می‌گردد. «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ وَكَسَانِيَّ كَ خدَا وَرَسُولِش وَ مُؤْمَنَانِيَّ [چون امامان و نائبان ایشان] را به سرپرستی و دوستی بپذیرند حزب خدایند، و یقیناً حزب خدا [در هر زمان و همه جا] پیروزند» (مائده: ۵۶)

### یزدان جعفری

عضو هیئت علمی گروه معارف، دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

## یادداشت هفتاد و هفت

### تربیت آگاهانه و جهان‌بینی پنهان

در روزگار کنونی، مفهوم «استعمار» دیگر تنها به اشغال سرزمین‌ها و سلطه نظامی محدود نیست، بلکه به مرحله‌ای رسیده‌ایم که سلطه نرم و فرهنگی، جایگزین سلطه سخت شده است. این مرحله را می‌توان «استعمار فرانو» نامید؛ استعمار ذهن‌ها، ارزش‌ها و سبک زندگی‌ها از طریق رسانه، فناوری، نظام آموزشی و حتی زبان و ادبیات. در چنین شرایطی، نظام تربیتی رسمی در خط مقدم تقابل آگاهانه با این نوع استعمار قرار دارد. استعمار فرانو تلاش می‌کند با نفوذ به نظام‌های آموزشی کشورها، جهت‌گیری ذهنی نسل جوان را تغییر دهد. اگر استعمار کلاسیک به دنبال تسلط بر منابع طبیعی بود، استعمار فرانو به دنبال تسلط بر منابع انسانی است؛ ذهن انسان را می‌خواهد، نه خاک کشور را. ابزار آن رسانه، شبکه‌های اجتماعی، زبان علمی جهانی و برنامه‌های آموزشی بی‌ریشه در هویت بومی است. در این میان، تربیت رسمی باید آگاهانه به‌سوی مقاومت‌سازی ذهن و هویت دانش‌آموزان و دانشجویان برود. معلم، به‌عنوان حافظ بصیرت فرهنگی جامعه، باید بتواند تشخیص دهد که در پس بسیاری از آموزه‌های مدرن، گاه نوعی «جهان‌بینی پنهان» وجود دارد که انسان را از هویت الهی و ملی خود دور می‌کند. تربیت آگاهانه یعنی شناخت این جریان‌ها و هدایت یادگیرندگان به‌سوی خودآگاهی فرهنگی، تفکر انتقادی و استقلال فکری؛ بنابراین، می‌توان گفت تربیت در عصر استعمار فرانو دیگر صرفاً به آموزش دانش محدود نیست، بلکه فرآیند مصون‌سازی فکری و فرهنگی انسان ایرانی است. هرگاه نظام آموزشی از تربیت غافل شود، دیگران تربیت را بر عهده خواهند گرفت؛ و آنگاه استعمار فرانو بی‌آنکه دیده شود، ذهن‌ها را تسخیر خواهد کرد.

### مهران معماری

استادیار گروه زبان و ادبیات دانشگاه فرهنگیان، استان خوزستان، اهواز

## یادداشت هفتاد و هشت

### نقش اساتید دانشگاه فرهنگیان در عصر جدید انقلاب اسلامی ایران

در شرایط کنونی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در مسیر توسعه و مقاومت، با چالش‌های رسانه‌ای، امنیتی و اجتماعی متعددی روبه‌رو است، نقش اساتید به‌عنوان سکان‌داران عرصه‌های معرفتی، بصیرتی و اجتماعی، در جهت تقویت انسجام ملی و تبیین راهبردهای نظام، نقشی بی‌بدیل و تعیین‌کننده خواهد بود و اهتمام اساتید برای ایفای مسئولیت‌های الهی و اجتماعی در قالب فعالیت‌های هدفمند و سازمان‌یافته مورد انتظار است. در ادامه به چند مورد از نقش‌های اساتید در شرایط کنونی اشاره می‌شود: اختصاص زمانی مناسب برای تبیین و ترویج گفتمان انقلاب و مقاومت و تزریق امید میان دانشجو معلمان در کلاس‌های درس. کنشگری فعال در رسانه‌ها و فضای مجازی جهت خنثی‌سازی جنگ ترکیبی دشمن و افشای نقشه‌های تجزیه‌طلبانه ... برگزاری نشست‌های بصیرتی در فضای مجازی و تبیین مبانی و آرمان‌های رهبر شهید انقلاب و تأکید بر نقش راهبردی ایشان در هدایت نظام اسلامی به‌ویژه در مقابله با تهاجم دشمن. حضور مؤثر اساتید در مساجد، تجمعات شهری و میدانی با هدف ارائه سخنرانی‌های کوتاه و تأثیرگذار. دعوت صمیمانه و قاطع اساتید از مردم به حضور فعال و هوشمندانه در عرصه‌های تعیین‌کننده سرنوشت کشور تولید محتوای کوتاه تأثیرگذار در قالب فایل صوتی یا تصویری در جهت حقانیت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و رسوا کردن آمریکا و اسرائیل جنایتکار. اعلام بیعت با رهبر جدید انقلاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای حفظه‌الله در قالب بیانیه‌های حمایتی. خلاصه اینکه، مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی اساتید ایجاب می‌کند که در شرایط کنونی نسبت به تحولات جامعه بی‌تفاوت نباشیم و به هر شکل ممکن نقش‌آفرینی خویش را در این برهه زمانی و به تعبیری در این پیچ تاریخی که کشور در آن قرار دارد به بهترین شکل ممکن ایفا کنیم.

نصر من الله و فتح قریب

### مرزبان ادیب منش

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

## یادداشت هفتاد و نه

### تربیت معلم در میانه جنگ: لزوم نوزایی و بازپرورش حاکمیتی

زیست امروز خانواده تربیت معلم در ایران به‌طور جدی از منازعات فرامنطقه‌ای، نظامی‌سازی و مداخلات ژئوپلیتیکی متأثر است. بدیهی است که نظام تربیت معلم نمی‌تواند و نباید نسبت به این زمینه‌های پیچیده و پرتنش بی‌اعتنا باشد. این نهاد، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی بازتولید سرمایه انسانی، ناگزیر است تحولات را در سیاست‌گذاری و عملکرد خود لحاظ کند. روشن است که هدف نیروهای متخاصم در «جنگ رمضان» صرفاً تخریب زیرساخت‌های نظامی و حاکمیتی نبوده، بلکه تزلزل بنیان‌های انسانی، فرسایش اجتماعی و تضعیف نهادهای دولتی را نیز دنبال می‌کند. در چنین شرایطی، تربیت معلم به‌عنوان زیربنای بازآفرینی سرمایه انسانی کشور، نیازمند نوزایی و بازپرورش در ابعاد حاکمیتی است. مقاومت در میانه جنگ و بازسازی پساجنگ بدون اصلاح راهبردی جریان تربیت معلم ممکن نخواهد بود؛ چراکه این نظام باید خود به موتور بازسازی اجتماعی تبدیل شود. در این راستا، چند محور اساسی قابل طرح است: نخست، «بازطراحی راهبردی سیاست‌های تربیت معلم» بر پایه مدیریت استراتژیک؛ با تأکید بر تحلیل محیط پساجنگ، تدوین چشم‌انداز پایدار و همسویی مأموریت دانشگاه با نیازهای نوپدید ملی و فراملی. دوم، تقویت جایگاه «رهبری و فرهنگ‌سازمانی» به‌منظور هدایت تغییر در شرایط بحرانی و بازسازی سرمایه اجتماعی-سازمانی. سوم، قرار دادن «عدالت مالی و باز توزیع منابع» در کانون سیاست‌گذاری برای مقابله با نابرابری‌ها و ارتقای معیشت نیروی انسانی مبتنی بر عدالت توزیعی. چهارم، بازتعریف «مسئولیت‌پذیری سازمانی و پاسخگویی حاکمیتی» از طریق شفافیت، سنجش اثربخشی و انطباق مأموریت‌ها با اهداف راهبردی. در مجموع، بازسازی نظام تربیت معلم در دوره پساجنگ مستلزم نگاهی راهبردی است که از دل بحران، فرصت نوزایی و بالندگی را فراهم سازد.

#### سجاد عسکری متین

عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه فرهنگیان استان تهران

## یادداشت هشتاد

### ضرورت پایدردی و تداوم حضور مردمی در میدان

تحلیل‌گر شبکه ۱۴ اسرائیل در یک میزگرد تلویزیونی، ضمن ارائه‌ی تحلیلی از وضعیت داخلی ایران، ادعا کرد روند حضور مردم در خیابان‌های تهران و دیگر شهرها، رو به کاهش است. او با اظهار مسرت از این ادعا، گفته است شلوغی خیابان‌ها ناشی از هیجان‌ها بود و هیجان هم زودگذر است. اگر صبوری کنیم، گذشت زمان، باعث کم‌رنگ شدن حضور مردم در خیابان‌ها خواهد شد و آن‌وقت است که زمان حرکت اصلی ما آغاز شده است. وقتی زمین خالی شد، لحظه‌ی طلایی جنگ شهری فرا رسیده است و باید نیروهای ما وارد میدان‌ها و خیابان‌ها شوند. این تحلیل به‌خوبی نشان می‌دهد که ایادی آمریکا و اسرائیل در داخل کشور، مترصد خالی شدن خیابان‌ها از حضور مردم انقلابی و معتقد به آرمان‌های نظام اسلامی هستند تا همچنان که شیوه‌ی آن‌ها در وقایع دی‌ماه و پیش از آن نیز بوده است، خفاش وار به خیابان‌ها بیایند و جنایت‌هایی نظیر آنچه را که در دی‌ماه بدان دست زدند، تکرار کنند و کشور را دچار تنش داخلی کرده، زمینه تحقق اهداف دشمن آمریکایی صهیونی را فراهم کنند. لذا ضرورت دارد این حرکت مردمی به‌عنوان بخشی ضروری از برنامه‌های روزانه ما با افق بلندمدت در دستور کار باشد و با جدیت تداوم یابد تا مانند همیشه، محاسبات دشمن را بر هم زند.

### کبری مرادی

عضو هیئت‌علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی



## یادداشت هشتاد و یک

### تبیین «اقتدار عقلانی» در سیره تربیتی شهید خامنه‌ای رضوان‌الله‌علیه

گزارش علمی پیش رو، با تمرکز بر شناخت سیره تربیتی رهبر شهید به‌عنوان چراغ نورانی، می‌کوشد به تبیین مفهوم «اقتدار عقلانی» بپردازد. مفهوم «اقتدار عقلانی» در سیره تربیتی شهید امام خامنه‌ای (رضوان‌الله‌علیه)، ترکیبی هوشمندانه از بهره‌گیری از عقلانیت نظری و عملی برای تحکیم بنیان‌های نظام متناسب با معیار اسلامی است. در این بینش تربیتی، اقتدار عقلانی مستلزم «شناخت دقیق شرایط زمان» و «بصیرت» معرفی شده است. شهید خامنه‌ای عزیز با تبیین راهبرد «اقتدار و عزت»، نشان داده‌اند که مذاکره و تعامل از موضع ضعف، مذموم است و غیرقابل اعتماد، اما دفاع از کیان مبتنی بر تدبیر عقلانی و قدرت، یک اصل راهبردی است. تربیت مبتنی بر اقتدار عقلانی، تولید «خودباوری ملی» را به دنبال دارد. شهید خامنه‌ای با استناد به آیات قرآن و سیره اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، ثابت کرده‌اند که می‌توان با تکیه بر عقل و توکل بر خداوند، در برابر قدرت‌های استکباری و نظام سلطه بایستد و تمدن نوین اسلامی را بنیان نهد.

#### امیر پورشاهرودی

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان استان گلستان

## یادداشت هشتاد و دو تربیت در میانه‌ی جبهه رمضان

جنگ رمضان، میدانی است که در آن حقیقت تربیت انقلابی رخ می‌نماید. در این میدان، آموزش دیگر تنها انتقال دانش نیست؛ بلکه پرورش روح مقاومت، تعهد و میهن‌دوستی است. هر کلاس امروز، سنگری از جهاد تبیین است و معلم، پاسدار اندیشه و ایمان. مکتب تربیتی امام خامنه‌ای شهید، بر خودسازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی استوار است؛ تربیتی که شاگرد را از سطح فردی تا افق جهانی ارتقا می‌دهد. چنین تربیتی دشمن را می‌شناسد؛ زیرا می‌فهمد استعمار فرانو تنها در خاک و مرز نیست، بلکه در ذهن‌ها و برنامه‌های درسی نفوذ می‌کند. برنامه‌ی درسی انقلابی، یعنی انتخاب آگاهانه‌ی مفاهیم، متون و نمادهایی که ریشه در قرآن، تاریخ، ادب و فرهنگ ایرانی اسلامی دارند. در چنین برنامه‌ای ایرانیّت و اسلامیّت نه در تقابل، بلکه در تکامل یکدیگرند. دانشگاه فرهنگیان باید خود را دانشگاهی تمدن‌ساز بداند؛ جایی که تربیت معلم، همان تربیت نسل آینده‌ی مقاومت است. این رسالت تنها یک مأموریت آموزشی نیست، بلکه جهادی علمی و ایمانی است برای ساختن «انسان مؤمن دانا»؛ انسانی که می‌داند چگونه علم را در خدمت ایمان و آموزش را در خدمت آرمان به کار گیرد.

### زهره سادات هاشمی

عضو هیئت علمی گروه آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان استان تهران

## یادداشت هشتاد و سه علل تاب‌آوری و شکست‌ناپذیری ایران

چرا آمریکا و اسرائیل با وجود داشتن توان نظامی برتر در رسیدن به اهداف خود در جنگ با ایران ناکام ماندند؟ یک: ریشه‌های تمدنی، تاریخی و فرهنگی ایران که در مقابل بیگانه سرتسلیم فرو نمی‌آورد و در هنگام تجاوز بیگانه مهم‌ترین هدف بیرون‌راندن متجاوز می‌شود، در گوشت و پوست تک‌تک ایرانیان رسوخ کرده است. دوم استقلال یکی از مهم‌ترین آرمان‌های انقلاب بود و خون پاک هزاران شهید برای ماندگاری و استواری این آرمان بر زمین جاری شده است و ایرانیان همچنان تا پای جان از آن دفاع خواهند کرد؛ سوم قدرت نیروهای مسلح را نباید از نظر دور داشت. توان تحسین برانگیز آفندی ایران در حالی که در محاصره سخت‌ترین و گسترده‌ترین تحریم‌های نظامی تاریخ قرار دارد مایه غرور و افتخار ملی است؛ اگر این قدرت نظامی وجود نداشت آمریکا و اسرائیل برای نابودی کامل ایران لحظه‌ای تردید به خود راه نمی‌دادند؛ چهارم سیاست، کیاست و تدبیر ستودنی امامین انقلاب نیز عامل مهم دیگری است که در رساندن ایران به این موقعیت ممتاز یاری بسزایی نموده است. ابتکار حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) در تأسیس سپاه و بسیج و گذاشتن تمرکز اصلی آفندی ایران بر گسترش توان موشکی و پهپادی توسط امام شهید انقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (رضوان الله تعالی علیه) ازجمله مهمترین اقدامات حکمیانه این دو رهبر فرزانه انقلاب بود که در شرایط کنونی اهمیت آن مشخص می‌شود.

### سید مجید مقیمی

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان قم

## یادداشت هشتاد و چهار

### جنگ تحمیلی سوم و ضرورت مدیریت رفتار سازمانی نوآورانه؛ پیشران تمدن سازی در دانشگاه فرهنگیان

در فضای تحول آفرینی کنونی و شرایط خاص «جنگ تحمیلی سوم» که پیامدهای روانی، شناختی و رسانه‌ای گسترده‌ای در جامعه ایجاد کرد، بار دیگر نشان داد که دانشگاه فرهنگیان باید از الگوی سنتی فاصله گرفته و رویکردی نوآورانه و انقلابی را در پیش گیرد. هدف غایی، نه صرفاً مدیریت کارآمد، بلکه «تمدن سازی» است؛ تمدنی که ریشه در تاریخ بلند ایران و ارزش‌های اسلامی دارد. در چنین فضایی، مأموریت دانشگاه تنها تربیت معلم نیست، بلکه هدایت سرمایه انسانی آموزش و پرورش برای تقویت تاب‌آوری فرهنگی و هویتی اسلامی\_ایرانی جامعه است. مدیریت رفتار سازمانی در این دانشگاه باید بر درک صحیح از واکنش‌های انسانی در شرایط مقاومت و اتحاد و از سویی تهدید و فشار تکیه کند؛ واکنش‌هایی مثل اضطراب جمعی، نیاز به معنا، جست‌وجوی امنیت روانی و تقویت انسجام ملی. دانشگاه فرهنگیان می‌تواند با ایجاد فرهنگ سازمانی فعال، مشارکتی و مبتنی بر ارزش‌های الهام‌بخش، این واکنش‌ها را به انرژی سازنده‌ای برای پیشرفت تبدیل کند. در چنین الگوی مدیریتی، «رهبری تحول آفرین» نقش اصلی را ایفا می‌کند؛ رهبری‌ای که قادر است امید، انگیزه و پویایی را در دانشجومعلم‌ان تقویت کرده و آنان را برای ایفای نقش «معلم تمدن ساز» در کلاس‌های درس آماده سازد. همچنین مدیریت تعارضات و مدیریت هیجان‌های سازمانی در دوره‌های بحران به‌عنوان یکی از الزامات علمی مدیریت رفتار سازمانی، باید با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین و رویکردی انقلابی موردتوجه باشد. دانشگاه فرهنگیان، با به‌کارگیری اصول مدیریت رفتار سازمانی در قالبی نوآورانه و انقلابی، می‌تواند به موتور محرکه تربیت نسلی توانمند، مؤمن و اثرگذار در ساخت تمدن نوین اسلامی تبدیل شود.

#### ارشاد استعدادی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان تهران

## یادداشت هشتاد و پنج مشارکت و اعتماد رمز موفقیت ایران

ترسیدن ما چون که هم از بیم بلا بود اکنون ز چه ترسیم که در عین بیاییم!

در فرهنگ و ادبیات ما ایلامیان مثلی هست که می‌گوید: «قضا نیا و بلا نیا وقتی آمدی، خوش آمدی!» دولتمردان ایران همواره به دنبال تدبیری برای حفاظت کشور از هجوم بیگانگان طماع بودند و علی‌رغم خواست بخشی از افکار عمومی به مذاکره با آمریکا تن دادند و با میانجیگری کشور همسایه، عمان، نمایندگان کشور ما به نتایج مثبتی هم رسیده بودند و تصور می‌شد که در آستانه امضای توافق هستیم و اما آنچه نباید می‌شد، اتفاق افتاد و با بدعهدی مکرر و بدقولی طرف آمریکایی به قول خودشان به عملیات پیش‌دستان روی آوردند و با شیوه‌ای ناجوانمردانه رهبر و جمعی از فرماندهان ارشد کشورمان را به شهادت رساندند و با تصور این‌که با رفتن سران نظامی و رهبر، کشور از هم می‌پاشد و زمینه برای هرج و مرج و شورش داخلی و سقوط نظام فراهم می‌گردد. این در حالی بود که ایرانیان بر اساس تجربه به بدعهدی دشمن مکار آگاه بودند و برای همه نمایش‌های آن‌ها برنامه داشتند و دیدیم که علی‌رغم خواست و نظر قطعی آنان که سقوط ایران بود به حول قوه الهی «عدو سبب خیر شد» و انسجام و همبستگی ایرانیان بیش از پیش ایجاد گردید و برای حفظ ایران با اتحادی مثال‌زدنی همه به میدان آمدند. ایران از هم نپاشید و در کمتر از دو ساعت پاسخ کوبنده نظامی به متجاوزان آغاز شد. غرش بمب و موشک و هواپیمای آمریکایی و صهیونی در اراده مردم در دفاع از ایران نتوانست خللی ایجاد کند. ایرانیان وقتی که دیدند بلا هجوم آورده، دیگر محلی برای ترس و پا پس کشیدن برایشان متصور نبود، دشمن پشت دروازه‌ها در تدارک هجوم بود و اگر درنگ می‌شد، بیگانه بر جای ما مایه ننگ ابدی می‌شد. این مردم ایران بودند که جان خود را آتش‌وار در تیر و کمان حضور در خیابان‌ها نهاده و با مشارکتی مثال‌زدنی با چنگ و دندان حافظ مرزهای کشور ایران شدند. امروز دفاع از مرزها را فقط رزمندگان مستقر در جبهه‌ها انجام نمی‌دهند بلکه حضور مردم در صحنه، مرزها را مستحکم داشته است و این اعتماد رزمندگان به پشتیبانی مردم است که به حراست از مرزهای ایران منجر می‌شود. مشارکت و اعتماد از بنیان‌های سرمایه اجتماعی است که به قوام و دوام جامعه می‌انجامد. این روزهای تلخ و عبرت‌آموز خواهند گذشت و آیندگان کارنامه ما را به قضاوت خواهند نشست. مراقب باشیم در دفاع از ایران کوتاهی نشود. مشارکت خود در دفاع از ایران را رونق ببخشیم و به رزمندگان مدافع مرزهای ایران اعتماد داشته باشیم. دریغ است ایران که ویران شود / کنام پلنگان و شیران شود با حضور در صحنه و دعای خیر برای سربلندی ایران و حافظان ایران بکوشیم.

علی محمد سهراب نژاد

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان ایلام

## یادداشت هشتاد و شش

### تربیت و میهن‌دوستی؛ پیوند هویت ملی و مسئولیت تربیتی

میهن‌دوستی در منظومه مفاهیم تربیتی، صرفاً یک احساس عاطفی نسبت به سرزمین نیست، بلکه نوعی آگاهی هویتی و تعهد اخلاقی نسبت به سرنوشت جمعی یک ملت به شمار می‌آید. از این منظر، تربیت میهن‌دوستانه فرآیندی است که طی آن فرد، در پرتو آموزش و تأمل، پیوند خود با تاریخ، فرهنگ، زبان و میراث تمدنی جامعه خویش را بازمی‌شناسد و نسبت به حفظ و تعالی آن احساس مسئولیت می‌کند. نظام تعلیم و تربیت رسمی یکی از مهم‌ترین بسترهای شکل‌گیری این آگاهی است. برنامه‌های درسی، روایت‌های تاریخی، ادبیات ملی و تجربه‌های جمعی می‌توانند زمینه‌ساز شکل‌گیری «احساس تعلق آگاهانه» در نسل‌های جدید باشند. در این چارچوب، میهن‌دوستی نه به معنای احساسات‌گرایی سطحی، بلکه به‌عنوان فضیلتی تربیتی فهم می‌شود که با آگاهی تاریخی، عقلانیت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری مدنی پیوند دارد. در جهان معاصر که جوامع با پیچیدگی‌های فرهنگی و رسانه‌ای گسترده مواجه‌اند، تقویت هویت ملی در بستر تربیت رسمی اهمیتی مضاعف یافته است. در این میان، معلم تنها انتقال‌دهنده دانش نیست، بلکه کنشگری فرهنگی است که می‌تواند از طریق گفت‌وگوهای تربیتی، تحلیل رخدادهای اجتماعی و تبیین میراث فرهنگی، دانش‌آموزان را به فهمی عمیق‌تر از مفهوم میهن و مسئولیت نسبت به آن رهنمون سازد. دانشگاه فرهنگیان، به‌عنوان نهاد راهبردی تربیت معلم، می‌تواند با تقویت رویکردهای هویت‌محور در آموزش معلمان، زمینه پرورش نسلی را فراهم سازد که میهن‌دوستی را نه صرفاً در سطح احساس، بلکه در قالب کنش آگاهانه برای پیشرفت و تعالی جامعه خود معنا می‌کند.

### معصومه خورشیدی مهر

عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان خوزستان

## یادداشت هشتاد و هفت

### مقاومت ایران اسلامی در امتداد آرمان فلسطین

آمریکا پس از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، بدون هیچ مجوز یا استناد حقوقی بین‌المللی؛ مجدد علیه کشور ایران اسلامی، جنگ به راه انداخت. آمریکای یاغی به همراه سگ‌ها منطقه رژیم اسرائیل، با حمله‌ی ناجوانمردانه انسانی عالم، مرجع عالی دینی، شخصیتی ذوابعد به لحاظ صفات و دغدغه مند و باغیرت نسبت به سرنوشت بشریت و عدالت را به شهادت رساندند. به یقین ملت ایران از خون رهبر انقلاب اسلامی شهید امام خامنه‌ای (قدس سره) و فرماندهان و یاران شهیدش، دانش‌آموزان شهید مینابی و سایر مردم بی‌گناه نمی‌گذرد؛ همان‌طور که پروردگار متعال از خون بی‌گناهان توسط این قاتلان نگذشته و این خون‌ها طبق وعده الهی، دامن آنان را خواهد گرفت. علاوه بر ملت ایران، دنیا می‌بایست نسبت به شهادت امام خامنه‌ای (قدس سره) و خواسته‌اش احساس مسئولیت کند، جهان اسلام نیز می‌بایست احساس مسئولیت مضاعف کند و این مسئله رها نشود که البته رها شدنی نیست. رهبر شهید انقلاب اسلامی خاک ایران را به بیرق سرخ کربلا گره زد تا همچنان ایران اسلامی افتخار جهان اسلام و مرکز ثقل مقاومت اسلامی باشد. عملیات آمریکایی - صهیونیستی که به فریب توسط همان دشمنان و تبلیغ جنود شیطان چون اینترنشنال به نام «حمایت از مردم ایران» اعلام و به بهانه‌ی انتقام حوادث دی‌ماه صورت گرفت؛ بیش‌ازپیش به کلام رهبر شهیدمان مهر تأیید و اثبات نمود که آمریکا مجرم قطعی و مسئول حوادث دی‌ماه بود و این پروژه نه اعتراض و حتی ظاهر اغتشاش، بلکه همه این اتفاقات، یک «تاکتیک» برای اجرای نقشه‌ی شوم و نفوذ در افکار عمومی داخل و خارج بود...؛ اما زهی خیال باطل از این تحریف تاریخی برای ملت ایران... از این رسوایی آحاد گوناگون کشور بیدارتر و متحدتر شده‌اند. برای یک ایرانی، اجنبی، اجنبی است؛ به واقع باید گفت تازه‌کار آغاز شده و محاسبه غلط دشمنان باعث شد از همان لحظه‌ی شهادت رهبر عزیزمان، قدرت نرمی از این سرزمین مقاومت بازتولید و پشتوانه‌ی عظیم جدیدی در مسیر انقلاب اسلامی باشد. بی‌شک همه می‌دانیم و غفلت نمی‌کنیم که آرمان فلسطین، کلید رمزآلود تحولات منطقه است و از اساس مقاومت کنونی ایران اسلامی در امتداد آرمان فلسطین قرار گرفته است. آرمانی که نه فقط آزادی فلسطین، بلکه آزادی بشریت و کوتاه نمودن دست استکبار جهانی است. مهندسی اجتماعی مقاومت فراتر از جغرافیای در ذهن دشمنان کنونی است که با نزدیک شدن به آخرین جمعه ماه مبارک رمضان، بیش‌ازپیش و حتی بعدازآن در تجمعات و اعتراض‌ها در کنار پرچم جمهوری اسلامی، «پرچم فلسطین» به دست گرفته و به‌عنوان الگوی نافذ در وحدت جهان اسلام بر علیه مستکبران قدم برمی‌داریم. انشاء الله.

بهزاد دانشفر

عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان تهران

## یادداشت هشتاد و هشت تربیت و مقاومت

در روزگار پر آشوبی که جنگ‌ها دیگر فقط در میدان نظامی نیستند، بلکه در ذهن‌ها و قلب‌ها جریان دارند، مفهوم مقاومت چهره‌ای تازه یافته است. امروز دشمن، پیش از آن که با سلاح ظاهر شود، با «تحریف» و «تبلیغ» وارد میدان می‌شود؛ با واژه‌هایی که حقیقت را وارونه جلوه می‌دهند و با وعده‌هایی که عزت را به وابستگی می‌فروشند. در چنین وضعی، نخستین وظیفه نسل دانشگاهی، حفظ هشیاری و استقامت فکری است. مقاومت فقط یک رفتار سیاسی نیست، بلکه شیوه‌ی زیستن یک انسان مؤمن و آزاده است؛ یعنی انسان آگاه، تا زمانی که حقیقت را بشناسد و به آن پایدار بماند، شکست‌پذیر نخواهد بود. دانشجو اگر بخواهد سازنده‌ی آینده‌ی کشور باشد، باید از دام بی‌اعتمادی، سرخوردگی و فریب روایت‌های دشمن در امان بماند. جنگ امروز، جنگ رسانه‌ها و ذهن‌هاست؛ و پیروزی در آن تنها با بصیرت ممکن است. دانشجوی مقاوم، کسی است که به جای تکرار حرف‌های بی‌ریشه، به دنبال فهم عمیق واقعیت می‌رود؛ که به جای هیجان، تحلیل دارد؛ و به جای تسلیم، اراده می‌ورزد. او می‌داند که دشمن‌ترین هجمه‌ها زمانی مؤثر می‌شود که انسان، ایمان و هدف خود را فراموش کند. از این‌رو مقاومت در دانشگاه، یعنی بیدار ماندن، پژوهیدن، و پاسداری از حقیقت در میان گردوغبار تبلیغات. امروز هر دانشجو مسئول است تا نه تنها خود گول نخورد، بلکه چراغی برای بیداری دیگران باشد. اگر ایمان ریشه‌دار باشد، هیچ فریب و تهاجمی توان برکندن آن را ندارد. آینده از آن نسلی است که با آگاهی و یقین، در برابر موج تحریف بایستد و نشان دهد که مقاومت، فقط دفاع از خاک نیست، بلکه دفاع از فکر، هویت و کرامت انسانی است.

### الهه کمری

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان ایلام



## یادداشت هشتاد و نه

### جهاد، فراتر از نبرد: مسئولیت امروز

در آموزه‌های نورانی قرآن، جهاد مفهومی فراتر از جنگ و نبرد مسلحانه را در برمی‌گیرد؛ هر تلاشی آگاهانه در مسیر تحقق اهداف الهی، مصداقی از این مفهوم والا است؛ اما در این میان، گروهی هستند که با وجود ایمان، در این عرصه‌ها غایب‌اند: قاعدون (خانه‌نشینان) به دلیل کم‌همتی، بی‌تفاوتی، یا اولویت دادن به منافع شخصی و عدم درک صحیح از مسئولیت‌های خود، در عرصه‌های مختلف جهاد حضور فعال ندارند و در نتیجه، از فیض الهی محروم می‌گردند. قرآن کریم با صراحت می‌فرماید: (لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ). «افراد با ایمانی که از شرکت در میدان جهاد خودداری می‌کنند، در حالی که بیماری خاصی که آن‌ها را از شرکت در این میدان مانع شود ندارند، هرگز با مجاهدانی که در راه خدا و اعلائی کلمه حق با مال و جان خود جهاد می‌کنند، یکسان نیستند» (نساء: ۹۵). این آیه، تفاوت فاحشی میان کسانی که در مسیر حق قدم برمی‌دارند و کسانی که در کنج خانه‌ها پناه می‌گیرند، و یا در سکوت و انزوا به سر می‌برند، ترسیم می‌کند. در شرایط بحرانی کنونی، جهاد می‌تواند به معنای حضور فعالانه و هوشیارانه در عرصه عمومی باشد. ترک خیابان‌ها و واگذاری صحنه به دشمن، به منزله عقب‌نشینی از جبهه نبرد است. حفظ امنیت، آزادی و استقلال، نیازمند حضور و مشارکت آگاهانه تک‌تک افراد جامعه است. بی‌تفاوتی و سکوت در برابر ظلم و ستم، به معنای همراهی با ظالم است. حضور در صحنه، نه فقط یک وظیفه دینی، بلکه یک ضرورت اجتماعی و ملی است.

حمید مریدیان

عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان استان سمنان

## یادداشت نود

### تربیت و مقاومت، معماران آگاهی و تحول اجتماعی

تربیت، فراتر از انتقال ساده‌ی دانش، فرآیندی بنیادین در شکل‌دهی به جهان‌بینی و نظام ارزشی انسان است. در پیوند با مفهوم «مقاومت»، تربیت نقشی دوگانه و حیاتی ایفا می‌کند؛ از یک سو، زیربنای فکری و اخلاقی لازم را برای مواجهه انتقادی با ساختارهای سلطه‌گر و نابرابری‌های اجتماعی فراهم می‌سازد، و از سوی دیگر، خودِ ساحتِ تربیت می‌تواند به میدانی برای ایستادگی در برابر رویکردهای آموزشی اقتدارگرا، یک‌جانبه‌نگر و تحمیلی تبدیل شود. تربیتِ رهایی‌بخش با تکیه بر عقلانیت انتقادی و خودآگاهی، نسلی را پرورش می‌دهد که قادر به شناسایی لایه‌های پنهان قدرت و تحلیل عمیق واقعیت‌ها باشد. این الگو، فضایی چون جسارت فکری، پایداری بر اصول اخلاقی و تعهد به عدالت را در وجود فرد نهادینه می‌کند؛ مؤلفه‌هایی که پیش‌شرط هرگونه مقاومتِ آگاهانه و مؤثر تلقی می‌شوند. در این بستر، مقاومت نه یک واکنش انفعالی، بلکه کنشی پویا و مستمر برای صیانت از کرامت انسانی، عدالت و حقیقت است. بر این اساس، رویکردهای تربیتی که روحیه ظلم‌ستیزی و استقلال‌طلبی را ارج می‌نهند، در پی حفظ اصالت‌های بشری و ایستادگی در برابر پروژه‌های یکسان‌سازی فکری و فرهنگی هستند. درنهایت، تربیت و مقاومت در پیوندی ناگسستنی، یکدیگر را تقویت کرده و جامعه را از پذیرش محض به‌سوی تحول‌خواهی سوق می‌دهند. این هم‌افزایی، مسیر رسیدن به جامعه‌ای آگاه‌تر، عادلانه‌تر و بالنده‌تر را هموار می‌سازد.

علی محمدی

عضو هیئت علمی گروه تربیت‌بدنی و رئیس دانشگاه فرهنگیان تهران

## یادداشت نود و یک

### دانشگاه فرهنگیان به عنوان دانشگاه تمدن ساز

با عنایت به منویات حکیمانه رهبر شهید انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب که بر نقش محوری علم و پژوهش در تمدن سازی نوین اسلامی تأکید دارد، دانشگاه فرهنگیان به عنوان قلب تپنده نظام تعلیم و تربیت کشور به عنوان دانشگاهی مأموریت گرا، رسالتی بی بدیل در تحقق این چشم انداز بر عهده دارد. از منظر این جانب به عنوان مدرس ریاضی، این دانشگاه نه صرفاً به دنبال تربیت معلم، بلکه به دنبال تربیت معلمی است که خود، یک عنصر تمدن ساز باشد. آموزش ریاضی در این دانشگاه باید از سطح محاسبات صرف فراتر رفته و به پرورش قدرت تحلیل، خلاقیت و تفکر منطقی در دانشجو-معلم منجر شود (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). این مهم، زیربنای تربیت نسلی است که بتواند در آینده، با درک عمیق از مسائل، در مسیر خودکفایی و اقتدار علمی ایران اسلامی گام بردارد و بنای تمدن نوین اسلامی را استوار سازد.

منابع: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (۱۳۹۷) و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)

#### نوید ثنائی

عضو هیئت علمی گروه آموزش ریاضی، دانشگاه فرهنگیان، استان گلستان

## یادداشت نود و دو راهپیمایی روز قدس: سه پله تا اوج آرامش الهی

انتخاب رهبر، آغاز پیروزی در راهپیمایی روز قدس

در هیاهوی جنگ رمضان و در آستانهٔ روز قدس، هنگامی که اضطراب‌ها اوج می‌گیرد، ندای قرآن را در دل‌ها طنین‌انداز کنیم: «فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (احقاف: ۱۳). نخستین پلهٔ این آرامش، انتخاب رب «رَبُّنَا اللَّهُ» و رهبری اولیایش است؛ همان‌که اتحاد را رقم می‌زند و سکان هدایت را به دست دارد. در روز قدس، پیوند ما با ولی امر مسلمین، تجلی این اتحاد است. با حضور حماسی خود در راهپیمایی، مهر تأییدی بر رهبری الهی می‌زنیم و ندای «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۵۹) را در جهان فریاد می‌زنیم. این حضور، نقطهٔ آغاز پیروزی و آرامش است. ۲. ایستادگی در روز قدس: هزینهٔ عشق، مزد مردانگی پلهٔ دوم، ایستادگی و هزینه دادن است؛ همان‌جا که مرد از نامرد جدا می‌شود. پس از اعلام ولایت‌پذیری، باید ایستاد و عقب‌نشینی نکرد» — ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت: ۳۰) امام صادق (ع) فرمود: استقامت یعنی پایداری بر مسیر ولایت. (البرهان، ج ۵، ص ۵۹۶) راهپیمایی روز قدس، آزمون بزرگی است برای اثبات این استقامت. دشمن، با عملیات روانی و تهدید، در پی سلب ارادهٔ ماست؛ اما ملت ما، با الگوگیری از رهبران، چون شیر در برابر ظلم می‌ایستد. حضور پرشور شما در این راهپیمایی، مشتی است محکم بر دهان یاهوگویان اسرائیل و نشانهٔ وفاداری به آرمان فلسطین. ترمز پیشرفت در این راه ممنوع؛ پدال مقاومت را باید فشرد! ۳. سکینه الهی در روز قدس: اقتدار ملت، شکست دشمن پلهٔ سوم، چتر نجات نامرئی خداست؛ نعمتی که خدا در میانهٔ میدان جهاد عطا می‌کند، نه در وعده‌های نسیه. اینجاست که فرشتگان پیام می‌آورند: «أَلَا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا» (فصلت: ۳۰)؛ یعنی نترس آینده دست خداست نه دست دشمن. در جنگ رمضان، وقتی رهبر را به خون کشیدند، سرداران را پرپر کردند و دختران مدرسهٔ میناب را قربانی کردند، ملت ما ایستاد. مردم در اوج سختی‌ها، در خیابان‌ها مشق اقتدار نوشتند و فریاد وفاداری سر دادند. در روز قدس، این سکینهٔ الهی را در اوج اقتدار ملت حس خواهیم کرد. هنگامی که فرزندان این امت، در صفوفی متحد، با مشتی گره‌کرده و حضوری حماسی، ندای آزادی قدس را سر می‌دهند، قلب دشمن را به لرزه درمی‌آورند. این فرمول پیروزی است: اتحاد در سایهٔ ولایت + حضور مقتدرانه در راهپیمایی روز قدس = شکست دشمن و فرود آرامش الهی. حضور امروز شما، تضمین‌کنندهٔ آزادی قدس فرداست. بیایید با هم، حماسه‌ای دیگر بیافرینیم!

یزدان جعفری

عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

## یادداشت نود و سه

### میهن‌دوستی، آموزه‌های اسلامی و روش‌های آموزشی آن

میهن‌دوستی در چارچوب علمی، پدیده‌ای روان‌شناختی هست که احساس تعلق به سرزمین، تاریخ و فرهنگ مشترک را تقویت می‌کند. پژوهش‌های جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که این حس، هنگامی که با ارزش‌های اخلاقی هم‌راستا باشد، موجب افزایش مشارکت شهروندی و کاهش رفتارهای مخرب می‌شود. در همین راستا، آموزه‌های اسلامی می‌توانند نقش راهنمایی مؤثر ایفا کنند؛ زیرا قرآن و سنت، بر حفظ کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و حمایت از هم‌وطنان تأکید دارند. از منظر تربیتی، ترکیب میهن‌دوستی و اصول اسلامی نیازمند برنامه‌ریزی منسجم است. ابتدا باید محتوای تاریخی کشور به شیوه‌ای تحلیلی و مستند ارائه شود؛ به‌طوری‌که دانش‌آموزان با رویدادهای کلیدی، قهرمانان ملی \_ اسلامی و دستاوردهای علمی آشنا شوند. سپس، مفاهیم دینی مانند اخوت، نیکوکاری و حفظ محیط‌زیست به‌صورت پروژه‌های عملی در کلاس‌های درس گنجانده شود. برای مثال، برگزاری کارگاه‌های پاک‌سازی پارک‌ها یا کمک به افراد نیازمند، هم‌زمان حس میهن‌دوستی و ارزش‌های اسلامی را تقویت می‌کند. ارزیابی اثرات این رویکرد می‌تواند از طریق ابزارهای کمی مانند پرسش‌نامه‌های رضایت‌مندی و ابزارهای کیفی مانند مصاحبه‌های نیمه‌ساختاری انجام گیرد. نتایج اولیه نشان می‌دهد که دانش‌آموزانی که در چنین برنامه‌ای شرکت می‌کنند، احساس مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه خود را بیشتر گزارش می‌دهند و تمایل به رفتارهای مثبت اجتماعی افزایش می‌یابد؛ بنابراین، ادغام میهن‌دوستی و آموزه‌های اسلامی، مسیر مؤثری برای شکل‌گیری شهروندان فعال و اخلاق‌مدار می‌سازد. مدارس می‌توانند با همکاری مؤسسات فرهنگی، برنامه‌های مشترک برگزار کنند؛ از جمله مسابقات مقاله‌نویسی درباره میهن‌دوستی در تاریخ اسلام و کارگاه‌های خدمت‌گذاری در محلات. این فعالیت‌ها دانش‌آموزان را به پژوهش ترغیب و حس تعلق را تقویت می‌کند. تدوین کتاب‌های درسی که به‌روزرسانی علمی و ارجاع به منابع دینی بپردازند، گامی اساسی برای پیوند مستدام این دو بعد هست.

حمید عمونیا

عضو هیئت علمی گروه آموزش جغرافیا دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی.

## یادداشت نود و چهار

### تربیت و میهن پرستی

جنگ رمضان، که به عنوان یکی از مقاطع مهم در تاریخ معاصر ایران اسلامی بر مفاهیم تربیت و میهن پرستی تأثیرگذار خواهد بود و فرصتی برای بازاندیشی در ارزش‌های تربیتی و میهن پرستی در میان نسل جوان محسوب می‌شود و همچنین در دوران جنگ، خانواده‌ها، مدارس، رسانه و شبکه‌های اجتماعی به عنوان نهادهای تربیتی، نقش کلیدی در شکل‌دهی به هویت ملی و روحیه انقلابی ایفا می‌کنند. با توجه به سند تحول آموزش و پرورش، این دوران فرصتی را فراهم نمود تا ارزش‌های میهن پرستی و ارتقاء احساس هویت ملی در دانش‌آموزان تقویت شود. برنامه‌های درسی و فعالیت‌های آموزشی و فوق برنامه به گونه‌ای طراحی شدند که دانش‌آموزان با تاریخ و فرهنگ غنی کشور خود آشنا شده و از اهمیت فداکاری برای میهن آگاه شوند. تربیت نسل‌های آینده در سایه آموزه‌های جنگ رمضان، نه تنها به تقویت روحیه ملی انجامید، بلکه نسل امروز را به سمت درک عمیق‌تری از مسؤولیت‌های اجتماعی و ملی هدایت کرد. در این راستا، آموزش در مدارس باید به گونه‌ای پیش رود که مهارت‌های زندگی و احساس تعلق به میهن را در دانش‌آموزان پرورش دهد. به همین دلیل، استفاده از برنامه درسی با محتوای تجربه زیسته از جنگ رمضان با محوریت مهین دوستی با روش‌های نوین آموزشی می‌تواند به تحقق این هدف کمک شایانی نماید. به طور خلاصه، جنگ رمضان با تأکید بر مقوله تربیت و میهن پرستی در نظام آموزشی، می‌تواند منبع الهام و انگیزه‌ای قوی برای نسل‌های آینده باشد.

### ابوالفضل احسانی

مأمور آموزشی، دانشگاه فرهنگیان استان همدان

## یادداشت نود و پنج نئولیبرالیسم و نیمکت‌های خونی

در مقاله‌های زیادی از نئولیبرالیسم نوشته و نقدش کردیم، که این «دموکراسی چکمه‌پوش» و «سرمایه‌داری قمارخانه‌ای» چگونه ارزش‌های اجتماعی و دموکراتیک را از درون تهی می‌کند ... امروز واضح‌ترین تصویر از سرمایه‌داری افسارگسیخته را به چشم خود می‌بینم: نیمکت‌های خونی ... دانش‌آموزان شهید نظامی که بعد از سال‌ها از لباس عوام‌پسند لیبرال دموکراسی درآمد و باطن سیاه و جنگ‌طلبانه خود را با خشونت عریان علیه نهادهای تربیتی و دانش‌آموزان مظلوم به تصویر می‌کشد ... خشونت و جنگ ذات این نظام ریاکار است که امروز از نقاب آزادی‌خواهی و دموکراسی طلبی بیرون زده و چنگال‌های خونی‌اش در جنایت علیه دانش‌آموزان مظلوم نمایان شده است ...

حمداله محمدی

استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان استان زنجان

## یادداشت نود و شش میهن‌دوستی و سرمایه اجتماعی

جنگ‌ها فقط در میدان نظامی رخ نمی‌دهند؛ لایه‌ای عمیق‌تر از آن در بافت جامعه شکل می‌گیرد. از منظر جامعه‌شناسی تربیت، رخدادهایی مانند جنگ رمضان می‌توانند به مثابه «موقعیت‌های تربیتی بزرگ» عمل کنند؛ موقعیت‌هایی که ارزش‌ها، هویت جمعی و الگوهای رفتاری یک جامعه را بازتعریف می‌کنند. جامعه در چنین لحظاتی به یک کلاس درس گسترده تبدیل می‌شود که در آن مفاهیمی مانند همبستگی، مسئولیت اجتماعی و ایثار نه در قالب متن درسی، بلکه در تجربه زیسته مردم آموزش داده می‌شود. در نگاه جامعه‌شناختی، تربیت تنها در مدرسه رخ نمی‌دهد؛ بلکه شبکه‌ای از نهادها و تجربه‌های اجتماعی در آن نقش دارند. خانواده، رسانه، مدرسه و حتی فضای عمومی جامعه در زمان بحران‌های ملی به حاملان پیام‌های تربیتی تبدیل می‌شوند. در این میان، بازنمایی مقاومت و پایداری می‌تواند به شکل‌گیری «سرمایه اجتماعی» کمک کند؛ سرمایه‌ای که اعتماد، مشارکت و احساس تعلق به جامعه را تقویت می‌کند. چنین سرمایه‌ای برای نظام تربیتی اهمیت حیاتی دارد، زیرا دانش‌آموزان و دانشجویان در فضایی رشد می‌کنند که در آن ارزش‌های جمعی به صورت ملموس مشاهده می‌شود. از سوی دیگر، جامعه‌شناسی تربیت به ما یادآوری می‌کند که روایت‌ها و نمادها در شکل‌دهی به ذهن نسل جدید نقش اساسی دارند. وقتی یک رویداد تاریخی در قالب داستان‌ها، خاطرات و تحلیل‌های آموزشی بازخوانی می‌شود، به منبعی برای شکل‌گیری هویت تبدیل می‌گردد. این فرایند در نظام آموزشی می‌تواند به تقویت حس مسئولیت نسبت به جامعه و تاریخ کمک کند؛ حسی که دانش‌آموز و دانشجو را از یک ناظر منفعل به یک شهروند آگاه و مشارکت‌جو تبدیل می‌کند. نکته مهم دیگر، نقش معلمان و اساتید دانشگاه در تبدیل تجربه‌های تاریخی به فرصت‌های یادگیری است. معلم می‌تواند با نگاهی تربیتی، رخدادهای اجتماعی را به بستری برای گفت‌وگو درباره ارزش‌هایی مانند عدالت، شجاعت و همدلی تبدیل کند. در چنین رویکردی، آموزش از انتقال صرف اطلاعات فراتر می‌رود و به فرآیندی برای پرورش تفکر، تحلیل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تبدیل می‌شود. در نهایت، از منظر جامعه‌شناسی تربیت، هر جامعه‌ای در مواجهه با بحران‌ها در حال بازسازی خود است. اگر این بازسازی با نگاه تربیتی همراه شود، می‌تواند به شکل‌گیری نسلی منجر شود که علاوه بر دانش، دارای هویت، تعهد اجتماعی و قدرت تحلیل تاریخی است؛ نسلی که آینده جامعه را نه صرفاً با مهارت، بلکه با آگاهی و مسئولیت شکل می‌دهد.

### مرتضی همایون نیافیروزجاء

عضو هیئت علمی گروه آموزش تربیت‌بدنی، دانشگاه فرهنگیان مازندران



## یادداشت نود و هفت خطاب به آمریکا و اسرائیل

ای مگس عرصه سیمرخ نه جولانگه توست/ عرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری. (حافظ)

دشمنان ایران اسلامی کاش می‌دانستند که مردمان این دیار، ادبیات مقاومت و ایستادگی را با هدفی مشترک در درازنای تاریخ چون کوهی استوار در شرایط سخت در برابر متجاوزان، به جهانیان نشان می‌دهند، در جنگ تحمیلی رمضان، حمایت مردم با حضور در خیابان‌ها و میدانی، از خردسال گرفته تا پیر پر سال چیزی جز حمایت از کیان ایران اسلامی نیست، این نوع حرکت و حمایت، گونه‌ای از ادبیات ضد استکبار است که دوشادوش نیروهای نظامی و انتظامی، متجاوزان را خسته و درمانده کرده، با شعارهای خویش و با صراحت و اعتقاد به طرح دیدگاه‌های مبارزاتی خود می‌پردازند، دشمن در دو جبهه در حال شکست است: جبهه اول عزیزان نیروهای مسلح که خواب را از چشمان متجاوزان ربوده‌اند و جبهه دوم حمایت‌های مردمی است که رسانه‌های بیگانه از این جنبش‌های واحد و حمایتگر در تعجب مانده‌اند، حمایت مردم از انقلاب اسلامی ایران با طرح مفاهیمی از قبیل جهاد، شهادت، قیام، لیل‌القدر، اندیشه‌های امام حسین (ع)، حضرت علی ابن ابیطالب (ع) و... عجین گشته و چون این مضامین را با تمام وجود قبول دارند، بنابراین پای اعتقادات خود و در جهت حمایت از کیان ایران اسلامی چون کوه دماوند استوارند. چه زیبا هستند دو جناح اجتماعی و نظامی که چون دو بال یک پرنده، در آسمان افتخار و سربلندی در حال پرواز هستند.

### شهریار شادی گو

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان استان ایلام

## یادداشت نود و هشت

### رسالت تربیت معلم در جنگ رمضان و تنش‌های بین آمریکا و جمهوری اسلامی ایران

دوران تنش و جنگ بین ایران و آمریکا، با چالش‌های عمیق و پیامدهای گسترده، تجربه‌ای تلخ برای هر کسی، از جمله معلمان، است. تربیت، معلم در دوران این بحران، به‌عنوان یک رهبر و سازنده فرصت‌ها، نقش مهمی در حفظ هویت فرهنگی و آموزشی کشور خود ایفا کرده است. تحلیل این موضوع نیازمند بررسی دقیق رسالت‌های این نهاد و تأثیرگذاری آن‌ها بر دانشجویان، دانش‌آموزان و جامعه آموزشی است. رسالت «تربیت معلم» در دوران جنگ، صرفاً به ارائه دانش و آموزش نیست، بلکه به حفظ ارزش‌های فرهنگی، تاریخی و دینی ایران اسلامی و همچنین ایجاد حس تعلق و امید به آینده است. با تأکید بر اهمیت حفظ هویت، باید به دانشجویان یادآوری کرد که «هر نهالی در خاک خود، باید به شکلی شاداب و با اراده‌ی قوی رشد کند». این ایده، به دانشجویان یاد می‌دهد که در برابر بحران‌ها، با شجاعت و هوشمندی به مقابله بپردازند. همچنین، تربیت سیاسی دانشجویان در کنار به تقویت حس تعلق و اتحاد در جامعه آموزشی نقش مهمی ایفا می‌کند. می‌توان با برگزاری جلسات آگاهی بخشی و روشنگری و انجام فعالیت‌های مشترک، به دانشجویان یادآوری کرد که با یکدیگر و با جامعه‌ی آموزشی که در برابر تهدیدات قرار دارند، مشارکت بیشتری داشته باشند. این فعالیت‌ها، به ایجاد حس همدلی و حمایت در بین ایشان کمک خواهد کرد و به آن‌ها انگیزه می‌دهد تا از ارزش‌های مشترک خود دفاع کنند. درنهایت، تربیت معلم به حفظ هویت و فرهنگ ایرانی-اسلامی در دوران جنگ، با تأکید بر اهمیت همدلی، به حفظ میراث فرهنگی و تاریخی کشور کمک شایانی می‌کند.

#### مهرداد امیری

عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه فرهنگیان تهران

## یادداشت نود و نه

### دانشگاه فرهنگیان: پرورش معماران تمدن نوین

تمدن، ثمره‌ی پرورش انسان‌هایی است که با قلبی روشن و اندیشه‌ای ژرف، راه زندگی را می‌یابند. قرآن کریم، ظرفیت شگرف انسان را یادآور می‌شود: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین: ۴). رسالت دانشگاه فرهنگیان، دمیدن روح این ظرفیت والا در کالبد معلمان آینده است؛ آنان که فراتر از انتقال دانش، سازنده‌ی انسان‌هایی مؤمن، عالم و پرتلاش خواهند بود. این دانشگاه، نه فقط محلی برای آموزش، بلکه کانونی برای تولید سرمایه‌های انسانی تمدن ساز است. در کلاس‌های درس، جایی که گفت‌وگوی سازنده میان نسل‌ها شکل می‌گیرد، علم به ابزاری برای خودشناسی و جهان‌شناسی بدل می‌شود، چنانکه قرآن می‌فرماید: «وَعَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق: ۵). هدف، تربیت معلمانی است که با تواضع علمی و مسئولیت‌پذیری، نسل بعدی را در مسیر انسانیت هدایت کنند. دانشگاه فرهنگیان، با تأکید بر پیوند فکر، اخلاق و تربیت، می‌تواند پناهگاهی امن برای پرورش این نسل معمار باشد. هر دانشجو، بذری است برای آینده‌ای روشن که از آگاهی، عشق به حقیقت و انسانیت آبیاری می‌شود. این مهم، نیازمند رویکردی جامع است؛ از بازنگری در سرفصل‌های درسی تا به‌کارگیری روش‌های نوین تدریس و پرورش مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله در دانشجویان. چالش اصلی، نه تنها انتقال معلومات، بلکه تزریق روحیه، امید و انگیزه برای ساختن فردایی بهتر است. دانشگاه فرهنگیان با ایفای این نقش خطیر، می‌تواند نسلی را تربیت کند که تمدنی مبتنی بر علم، ایمان و محبت را بنا نهد.

### فرحناز وحیدنیا

استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان ایلام.

## یادداشت صد

### بلاغت سیاست و ضرورت توجه به آن در ایجاد همدلی و اتحاد در بحران‌های ملی

بلاغت سیاست، دانشی است در تلاقی میان زبان، ادبیات، فلسفه و قدرت؛ دانشی که به ما می‌آموزد چگونه واژه‌ها می‌توانند هم ابزار مدیریت جامعه و هم سازنده همدلی جمعی باشند. این علم، بیش از آن که صرفاً دربارهٔ زیبا سخن گفتن باشد، دربارهٔ مهندسی باورها و احساسات از طریق نمادها و روایت‌هاست. در بستر بحران‌هایی چون جنگ، بلاغت سیاست نقشی تعیین‌کننده پیدا می‌کند؛ زیرا در چنین شرایطی، جامعه به گفتاری نیاز دارد که نه فقط اطلاع‌رسانی کند، بلکه اعتماد، همبستگی و امید بیافریند. می‌بایست گفتار سیاسی بتواند ترس را مهار، عقل را اقناع و احساسات را جهت‌دهی کند. در گفتمان سیاسی بحران جنگ، استعاره‌های بلاغی اهمیت ویژه‌ای دارند. وقتی جنگ به مثابه «دفاع از خانه» یا «نبرد برای زندگی» تصویر می‌شود، سیاستمدار از تجربه‌ای جمعی، ملموس و عاطفی استفاده می‌کند تا وحدت ملی را بازسازی کند. قاب‌بندی بحران و انتخاب واژگان امیدبخش مانند «ایستادگی»، «همدلی» و «بازسازی»، نوعی روایت مشترک می‌سازد که افراد را از پراکندگی به هم‌احساسی سوق می‌دهد. در این بستر، بلاغت سیاست به ابزاری اخلاقی تبدیل می‌شود؛ زیرا هدف آن نه تحریک خشونت، بلکه تقویت روحیهٔ انسانی و همدردی اجتماعی است. زبان بلاغی موفق در دوران جنگ، واقعیت را زیبا نمی‌کند بلکه معنا می‌بخشد؛ معناهایی که موجب پیوند روحی میان مردم، سربازان و رهبران می‌شود. بلاغت، سیستم عامل ادراک جمعی است که از دل واژگان، قدرت همدلانۀ جامعه را سازمان‌دهی می‌کند. از این رو، بلاغت سیاست در بستر بحران، نه صرفاً وسیلهٔ اقناع، بلکه وسیلهٔ حفظ انسانیت است؛ زیرا کسی که بتواند روایت مشترک و امیدآفرین بیافریند، در حقیقت توانسته است در میانهٔ ویرانی، پیوندی زبانی از همدلی و معنا خلق کند.

#### ابوالفضل مرادی (رستا)

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان قم

## یادداشت صد و یک

### روشنگری در کلاس درس؛ مقابله با فریب رسانه‌ها و تحریف جهاد

در شرایط کنونی که جامعه‌ی ما درگیر جنگ ترکیبی و رسانه‌ای است - جنگی که گلوله‌هایش نه تنها از جنس باروت، بلکه از جنس خبر، تصویر و القای ناامیدی‌اند. دشمنان با بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های بین‌المللی می‌کوشند ذهن‌ها را تسخیر و باورها را متزلزل کنند. نسل جوان و نوجوان به‌عنوان کاربران اصلی فضای مجازی و رسانه‌های نوین، بیش از هر گروه دیگری در معرض جریان‌های گوناگون خبری، تبلیغاتی و روانی قرار دارد. در چنین شرایطی، نقش اساتید دانشگاه و معلمان مدارس اهمیتی اساسی پیدا می‌کند؛ زیرا آنان می‌توانند ذهن جوانان را به‌سوی تحلیل واقع‌نگرانه و تشخیص حقیقت از تحریف سوق دهند. اساتید و معلمان باید با بهره‌گیری از دانش رسانه‌ای و تربیتی، جوانان را با مفاهیم پایه‌ای مانند سواد رسانه‌ای، منبع‌شناسی خبر، تحلیل پیام‌های پنهان و هدف‌های تبلیغاتی آشنا کنند. در فضای آشوب‌زده‌ی اطلاع‌رسانی، مهم‌ترین وظیفه‌ی نهاد آموزش این است که ذهن دانش‌آموز و دانشجو را مجهز به «چشم بینا و گوش آگاه» کند. کسی که می‌تواند پیام را تحلیل کند، فریب نمی‌خورد و در برابر تهاجم رسانه‌ای دشمن مقاوم می‌ماند. در دوران جنگ جهادگران جمهوری اسلامی ایران در میدان خدمت و دفاع با جان و ایمان خود از ارزش‌ها و امنیت کشور پاسداری کرده‌اند. وظیفه‌ی معلمان و اساتید در این مقطع، تبیین نقش واقعی جهادگران در حفظ استقلال کشور، نشان دادن چهره انسانی و فداکارانه آنان به نسل جدید، و جلوگیری از تحریف یا وارونه‌نمایی است. برای تقویت قدرت تشخیص اخبار سره و ناسره، لازم است در مدارس و دانشگاه‌ها آموزش‌های ویژه‌ی برگزار شود. کلاس‌های «خوانش انتقادی رسانه»، «تفسیر پیام‌های تصویری»، و «شناخت عملیات روانی در رسانه‌ها» از جمله راه‌هایی هستند که اساتید و معلمان می‌توانند از طریق آن‌ها شاگردان خود را توانمند کنند. وقتی فرد یاد بگیرد چگونه انگیزه‌های پنهان پشت خبر را تشخیص دهد، دیگر قربانی شایعه و ناامیدی نخواهد شد. این تربیت نه تنها از او فردی آگاه می‌سازد، بلکه در سطح جامعه هم موجی از حقیقت‌جویی و مقاومت فرهنگی ایجاد می‌کند.

حمیده عبداللہی لاشکی

مأمور آموزشی، گروه ریاضی، دانشگاه فرهنگیان استان مازندران

## یادداشت صد و دو

### سند ۲۰۳۰: راهی به سوی تحول و توسعه جهانی

نامه‌ای خطاب به یونیسف

ساده می‌گویم: هنگامی که صفحات مجازی را ورق می‌زنم و ویرانی‌های ناشی از جنگ در شهرهای مختلف می‌بینم؛ هنگامی که اجساد قطعه‌قطعه شده کودکان و دانش‌آموزان معصوم دبستان شجره طیبه را در میان آوارهای خانه‌ها و مدارس می‌بینم، هنگامی که کلیپ‌های بمباران شهر آبیک و دانش‌آموزانی را که وحشت‌زده به داخل ساختمان مدرسه می‌دویدند نگاه می‌کنم، تمام وجودم غرق سؤال می‌شود. ای سازمان جهانی! به من پاسخ بده: مگر نه این بود که در هدف یازدهم سند ۲۰۳۰ ندای تبدیل شهرها و سکونتگاه‌های انسانی به مکان‌های همه‌شمول و امن، مقاوم و پایدار سر می‌دادی؟ مگر نه این بود که در هدف چهارم سند ۲۰۳۰ ضمانت ارائه آموزش با کیفیت برابر فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر را برای همه جهان خواستار شده بودی؟ کجایند خیابان‌ها، جاده‌ها و آسمان امن شهرهای ایران که مردم من در نهایت امنیت در آن با شادمانی زندگی می‌کردند؟ کجایند مدارس شهرهای من که صدای بازی‌های کودکانه دانش‌آموزان ما در آن‌ها شنیده می‌شد؟ کودکان خردسال و دانش‌آموزان معصوم و بی‌گناه ایرانی در حال یادگیری کدام درس بودند که در زیر آوارهای بمباران رژیم سفاک صهیونیستی به شهادت رسیدند و تو ای یونیسف! تنها به محکوم کردن این حمله وحشیانه بسنده کردی و حتی به ظاهر هم برای احقاق اهداف تعیین‌شده از سوی خودت، برای احقاق خون این کودکان معصوم دم نزدی. آیا این اهداف فقط برای جوامع خاصی تعریف شده است؟ هدف از تشکیل سازمانی همچون تو چیست؟ بهتر نبود ذیل تمامی این اهداف با خط قرمز خون می‌نوشتی به‌استثنای مردم مسلمان و کودکان معصوم ایران، غزه، سوریه، عراق، بوسنی و هرزگوین و تمامی مردمان آزاداندیشی که به دنبال ارزش‌های اخلاقی، استقلال و حقوق انسانی هستند.

## آرزو قبادی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان قزوین، گروه زبان انگلیسی

## یادداشت صد و سه

### **2030 Document: A Path to Future World Transformation and Development To UNICEF**

I have simple questions, so I put them into simple words: As I scroll through the pages on my cellphone and I watch the demolished cities of my country; as I watch the slaughtered bodies of Iranian children and students of Shajareh Tayebbeh Primary School of Minab; as I watch the video-clips of terrified students of Abyek city running into the school building for their lives, deep down in my soul I keep wondering about two questions: Isn't there in the 11th goal of 2030 Education Document that all cities and human residents should be turned into a peaceful, secure and forever stable environments for all their civilians? Isn't there in the 4th goal of the 2030 Education Document that equal, quality educational opportunities should be guaranteed for all countries around the world? You! UNICEF! Answer me: Where are the secure cities, roads and beautiful sky of my country where my people lived in pure serenity and joyfulness? Where are the schools in which the jolly students laughed and played happily every day? What lesson(s) were Iranian innocent children and students studying that made the Zionist Regime so terrified to bombard them at school without committing any crimes? And all you did was to simply condemn them on their acts without even questioning them on the violation of the goals you had promised for all lands in the 2030 Education Document. And there are other questions left though: Are the goals only defined for specific countries? What is the purpose of YOU as a world organization?! Wasn't that better to add underneath all those goals just this one sentence, in blood: Except for Muslims and innocent children of Iran, Gaza, Syria, Iraq, Bosnia, and any people who fight for morality, integrity, and human rights.

**Arezoo Ghobadi**

Faculty member of Department of English Language Teaching, Farhangian University, Qazvin

## یادداشت صد و چهار

### دوران پساجنگ و نقش برنامه درسی در تعلیم و تربیت

آموزش و پرورش به عنوان یک عنصر اساسی و کلیدی و بی‌بدیل در کلیه ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... به شمار می‌رود؛ و برنامه درسی به عنوان موتور محرکه و قلب تپنده نظام تعلیم و تربیت قلمداد می‌شود. حضور مردم در دوران جنگ رمضان در کف خیابان ناشی از این مسئله است که، برنامه درسی پنهان برگرفته از لایه پنهان و جو روانی و اجتماعی حاکم بر جامعه، توانسته تأثیر بنیادین بر جامعه بگذارد؛ که روزبه‌روز از اوایل جنگ تا به امروز شاهد این مسئله بودیم که، مردم در کف خیابان در کنار نیروهای مسلح کشور بوده‌اند، به‌طوری‌که زبانزد تمام مردم جهان شده‌ایم. و جنگ اخیر به ما نشان داد که، دشمن صرفاً بر مبنای توان موشکی به کشور حمله نمی‌کند، بلکه با روایت‌های متناقض و متفاوت می‌تواند جنگ روانی بر علیه ملت ارائه نماید. و لذا خبرگان و متخصصان برنامه ریزان درسی در دوران پساجنگ به تأسی از جنگ رمضان به غنی‌سازی برنامه‌های درسی صریح اهتمام لازم را به عمل آورند؛ و با الگو گرفتن حضور پرشور و انقلابی مردم در خیابان‌ها، برنامه درسی به گونه‌ای تدوین شود که با گنجاندن آن در کتاب‌های درسی این زنجیره انقلابی را به روح دانش‌آموزان پیوند بزند و این خیمه آزاداندیشی واقعی و جمهوری‌خواهی و ایران‌دوستی را تا ابد در قلب‌های نسل‌های آینده زنده نگه دارد. به امید پیروزی ایران عزیز

حسین لطفی

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان گلستان



## یادداشت صد و پنج ضرورت تربیت دفاعی

تربیت و آموزش نیروهای مسلح و مقتدر و مردم وفادار، برگرفته از رهنمودهای فرماندهی کل قوا و مکتب تربیتی عاشورایی است که با رهبری امام خمینی (ره) برای حفظ کیان و انقلاب اسلامی از قبل شکل گرفته است. این جنگ، به وسیله آمریکا و رژیم صهیونیستی شروع شد. رهبر شجاع و فرمانده کل قوا و فرماندهان عالی‌رتبه و شهدای زیادی تقدیم نظام و کشور شد و خسارت‌های مادی و معنوی بر ملت رشید و غیور ایران اسلامی، تحمیل شد؛ اما در دل این ملت و نیروهای مسلح، تربیت دفاعی و پدافندی جوشید که برکات و ارزشش برای امروز و فردای این ملت از همه چیز بالاتر است و آن، احساس اتکا به نفس، احساس عزت، احساس استقلال، احساس خودباوری ملی و توان دفاعی بالا و احساس اعتقاد راسخ به آرمان‌های انقلاب و نظام بود. دشمنان حيله‌گر، غافل گیرانه به تمامیت ارضی کشورمان تاختند؛ اما دیر متوجه شدند که با چه ملت غیور و همیشه در صحنه‌ای درگیر شده‌اند!... این اشتباه محاسباتی و غرور حاکمان خون‌آشام آمریکا و رژیم صهیونی در طراحی این جنگ نقشه شومی که کشیده بودند و تصویری که کردند، با خیال و توطئه، چندروزه ایران تسلیم خواسته نامشروع آنان می‌شود! این محاسبات غلطی بود که آمریکا و اسرائیل دچار آن شدند. آن‌ها روی این چند مؤلفه برنامه‌ریزی زیادی داشتند: ۱- احساس می‌کردند با شهادت رهبر فرزانه انقلاب کشور دچار بحران سیاسی و مدیریتی خواهد شد. ۲- فکر کردند، عده‌ای در داخل از تجاوزات اجنبی به وطنشان استقبال می‌کنند، چنین موردی در اخلاق ملت بزرگ ایران به دور است. ۳- فکر کردند، با موشک و بمباران، باعث نارضایتی افکار عمومی تصور کردند، مردم در مقابل نظام قرار می‌گیرند. ۴- تصور کردند، نیروهای مسلح، توان رویارویی با دشمن ندارند که سخت‌ترین محاسبات آنان اشتباه بزرگی بود. مردم ایران که تربیت‌یافتگان مکتب حسینی (ع) هستند، با قدرت و همبستگی، برای همیشه متجاوزان و دشمنان را پشیمان خواهند کرد.

غلامرضا محمدی

استادیار دانشگاه فرهنگیان ایلام

## یادداشت صد و شش

### دانشگاه فرهنگیان؛ پایگاه جهاد تمدن ساز و تربیت معلمانی مؤمن و بصیر

دانشگاه فرهنگیان، به‌عنوان مرکز تربیت معلمان آینده، نقشی حیاتی در تحقق «تمدن نوین اسلامی-ایرانی» ایفا می‌کند. این دانشگاه، ورای یک نهاد آموزشی، پایگاهی برای «جهاد تمدن ساز» است؛ جایی که سازندگان کشور، با تکیه بر ایمان، دانش و تعهد، برای ساختن جامعه‌ای پیشرو پرورش می‌یابند. مأموریت اصلی دانشگاه، تجهیز معلمان فردا به بصیرت، تعهد و مهارت‌های لازم است تا بتوانند در عرصه تعلیم و تربیت، چراغ هدایت و آگاهی را در دل نسل آینده روشن کنند. این تلاش، در راستای اهداف «جهاد تمدن ساز» قرار دارد و در ایامی چون «جهاد رمضان»، با الهام از روحیه ایثار، جلوه‌ای پررنگ‌تر می‌یابد. هم‌افزایی میان تعهد به آرمان‌های الهی و تلاش برای تعالی جامعه، با رسالت تربیت معلم گره خورده و انگیزه‌ای مضاعف برای پیشبرد اهداف تربیتی فراهم می‌آورد. معلمان، به‌عنوان معماران اصلی بنای تمدن آینده، پرچم‌داران دانش، ارزش‌ها و هویت فرهنگی جامعه هستند. دانشگاه فرهنگیان با تمرکز بر پرورش معلمانی که هم از نظر علمی سرآمد باشند و هم از نظر ایمانی و تعهدی، بستری بی‌بدیل برای بالندگی فکری، فرهنگی و معنوی جامعه فراهم می‌آورد. این پیوند میان جهاد علمی، تعهد به مبانی اسلام و رسالت دانشگاه فرهنگیان، تصویری روشن از افق تمدنی مورد انتظار را ترسیم می‌نماید؛ افقی که در آن، تربیت نسلی از معلمان مؤمن و کارآمد، پیش‌شرطی حیاتی برای تحقق پیشرفت، تعالی و شکوفایی همه‌جانبه در کشور است.

### شهرام نظری

گروه آموزش تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان استان تهران، پردیس شهید چمران

## یادداشت صد و هفت تربیت و مقاومت در سایه جنگ رمضان

جنگ رمضان تنها یک رویداد نظامی نیست؛ بلکه میدانی از تربیت روحی، آزمون ایمان و تکوین شخصیت‌های مقاوم است. در این برهه حساس، دانشگاه فرهنگیان، به‌عنوان دانشگاه تمدن ساز، مسئولیتی جدی در تربیت نسلی مصمم، آگاه و میهن‌دوست دارد. این مسئولیت فراتر از انتقال دانش است و به سمت تبدیل آموزش به فضایی برای تقویت روحیه دفاع، ایمان به حق و ایستادگی در برابر ظلم می‌رود. تربیت و مقاومت در این جنگ، نه صرفاً توانایی تحمل فشارهای نظامی، بلکه فرهنگی، اخلاقی و روحی است. این تربیت باید از کلاس‌های درس، برنامه‌های آموزشی، و حتی تعاملات دانشجویی شروع شود. دانشجویان نباید فقط اطلاعات جنگ را بیاموزند، بلکه باید درک عمیقی از ارزش‌های دفاع از میهن، عدالت، و ایمان به اصول اسلامی پیدا کنند. در این مسیر، مکتب تربیتی شهید امام خامنه‌ای، با تأکید بر «تربیت انسانی-مقاوم»، الگویی اصیل و مبتنی بر اصول اسلامی و ایرانی است. این مکتب نه تنها عزت ملی را تقویت می‌کند، بلکه انسان را به سمت انسانیت، مسئولیت‌پذیری و ایمان به حق هدایت می‌کند؛ بنابراین، هر برنامه درسی، هر فعالیت آموزشی، و هر تعامل معلم-دانشجو باید به یک فرصت برای «تربیت مقاومتی» تبدیل شود. دانشگاه فرهنگیان، با تکیه بر اصول اسلامی، ایرانی، و انسانی، می‌تواند نقشی محوری در شکل‌دهی به نسلی پرقدرد، پراگاهی و پریادار ایفا کند. تربیت واقعی، در بحران آغاز می‌شود؛ و ما، مربیان، باید اولین نمونه‌های آن باشیم.

مهدی اسدی

عضو هیئت علمی گروه آموزش جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی

## یادداشت صد و هشت

### حلقه‌های میانی تربیت

شهید امام خامنه‌ای در سخنرانی ۱/۳/۱۳۹۸ کلیدواژه «حلقه‌های میانی» را به ادبیات سیاسی و اجتماعی اضافه کردند. اجمالاً منظور از «حلقه‌های میانی» گروه‌های مردمی نخبه و جوان است که واسطه مردم و حاکمیت است و حرکت عمومی انقلاب اسلامی به‌سوی تمدن نوین اسلامی را هدایت و پیگیری می‌کنند. اساساً در منظومه فکری ایشان، مردم، صاحب انقلاب‌اند هم ذی‌حق و هم مکلف بدان. در این مجال باید آموزه‌های «رهبر شهید انقلاب» درباره بیداری امت اسلامی را یادآور شد و از ضرورت تشکیل «حلقه‌های میانی بین‌المللی و جهان اسلام» سخن گفت. آنجا که مردم و مستضعفان عالم به‌سوی عدالت فطری خود در خروش خواهند بود. ایده «حلقه‌های میانی» از یک منظر، دیدگاهی فرازین درباره حیات و استمرار انقلاب اسلامی و وصول به تمدن نوین اسلامی است و از سوی دیگر بر مبنای راهبرد جمع‌سپاری، مردم‌محوری، مشارکت‌پذیری و مردمی‌سازی حرکت به‌سوی تمدن نوین اسلامی را پایه‌ریزی می‌کند. این ایده همه عرصه‌ها را شامل است و لفظاً یا منطاً شامل عرصه تربیت نیز می‌شود و به‌صورت یک نگاه سیاستی و کلان در جریان کلی تربیت، قابل‌تعمیم و «تنقیح مناسط» است. «انقلاب جهانی مهدوی (عج)» قطعاً از مسیر تعلیم و تربیت پی‌ریزی خواهد شد و «حلقه‌های میانی تربیت» در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی باید به‌مثابه میراث گران‌قدری از «مکتب تربیتی شهید امام خامنه‌ای» پاس داشته شود.

### سید نقی موسوی

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان استان قم

## یادداشت صد و نه

### دوگانه «حق و باطل»، آموزه است یا گفتمان؛ مسئله این است

بحث از دوگانه حق و باطل همواره در طول تاریخ بشر، از قوت و قدرت برخوردار بوده و انسان‌ها را به مباحثی طویل و ناتمام کشانده است. این دوگانه در کنار سایر ثنویت‌ها چون خیر و شر، حقیقت و خطا، حضور و غیاب و مانند آن، خودنمایی کرده است. در تمام مواقع، حق و باطل مواجهه‌ای از نوع «نبرد» داشته‌اند و صورت دیگری برای رویارویی آن‌ها قابل‌پذیرش نیست. اگر گفتگو، مذاکره، صلح، بده بستان و یا هر شکل دیگری برای مواجهه این دو اصطلاح به ذهن‌خاطر خطور کند، از دو حالت خارج نیست: ۱. آن دو امر، حقیقتاً حق و باطل نیستند بلکه ترکیبی از حق و باطل را در خود هضم و جذب کرده‌اند. ۲. آنچه تحت عنوان موافقت یا گفتگو میان آن‌ها واقع شده، ظاهری مسالمت‌آمیز و باطنی فریبکارانه دارد؛ اما زمانی هست که تمام حق در مقابل تمام باطل قرار می‌گیرد به گونه‌ای که عموم افراد مصداق حق و باطل را تشخیص می‌دهند. حتی در این شرایط هم ممکن است دو دسته از افراد، باطل بودن باطل را انکار کنند؛ یک دسته کسانی هستند که مصداق «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ» هستند، یعنی به قدری دروغ شنیده‌اند که قوه تشخیص آن‌ها آسیب دیده است. دسته دوم کسانی هستند که از باطل، منافع کثیری عایدشان می‌شود. در فضایی که امروز در آن نفس می‌کشیم، یعنی فضای جنگ، برای بسیاری از افراد مفهوم حق و باطل تداعی دوباره‌ای یافته است. این بار اجماع فراگیرتری نسبت به مقوله نبرد حق و باطل در بدنه عمومی جامعه حکم‌فرما شده است. پرداختن به علت این وضعیت، امری قابل‌توجه است. چه چیزی این اجماع را به وجود آورده است؟ پشتوانه نظری و عملی آن چیست؟ تأمل در این مسئله ما را به سمت بررسی واژه‌هایی که عهده‌دار معنابخشی به مقوله حق و باطل‌اند، می‌کشاند: نبرد حق و باطل «آموزه» است نه یک «گفتمان». دوگانه حق و باطل حتی در فضای فکری پسامدرنی که هر نوع دوآلیسمی را انکار می‌کند تا بیشتر بر مقوله کثرت دامن زند، به حیات خود ادامه می‌دهد؛ زیرا مبتنی بر جهان‌بینی وحدت‌گرا و متقن است نه نوعی «گفتمان» -ولو قدرتمند. هر قدر که گفتمان‌ها سیال و مبتنی بر اوضاع اجتماعی‌اند، آموزه‌ها اتکا به مرجعیتی استوار دارند. \* شناور شدن میان مفهوم حق و باطل به گونه‌ای که افراد را وادار به انفعال نماید، در مقام عمل، نظریه‌پردازان را غافلگیر کرد. برخاستن صدای یکدست از سمت مردمان اقصی نقاط جهان و محکوم کردن اقدامات غیرانسانی رژیم صهیونیستی دلالت بر این دارد که آن‌ها نتوانستند نسبت به فریادهای عدالت‌خواهانه فطرتشان بی‌تفاوت باشند. این واکنش عمومی به برحق بودن ایران در این جنگ تحمیل‌شده، تئوری‌های پلورالیستی را در عمل ناکارآمد کرد. \*آموزه نبرد حق و

باطل مانند گفتمان‌ها صرفاً نوعی سازه اجتماعی نیست که نسبت به بقا منفعل و تماماً تابع کارکردهای موقعیتی و بافت مسئله باشد بلکه همواره در طول تاریخ بشر، به‌عنوان رهیافتی زنده و پویا به حیات خود ادامه داده است و ظهور و بروز امروزی آن، مقدمه‌ای برای عالی‌ترین شکل این نبرد در آخرالزمان است. زمانی که آخرین حجت الهی پروژه جهانی خود را برای برپایی حق آغاز نماید. آن زمان است که وسعت و دامنه دفاع مقدس ۱ و ۲ و ۳ توسط ایران اسلامی، بیش‌ازپیش بر ملا خواهد شد. آنچه مسلم است این است که: «پیروزی حق نتیجه حتمی تمام نبردهایی است که در آن‌ها، این دوگانه به مقابله با هم برخاسته‌اند».

### پرستو مصباحی جمشید

عضو هیئت‌علمی گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان استان قم

## یادداشت صد و ده

### تربیت و مقاومت: استوار در برابر تهاجمات فرهنگی و فکری

مفهوم مقاومت، در ابعاد مختلف خود، از رویارویی فیزیکی در میدان نبرد گرفته تا ایستادگی در برابر تهاجمات فرهنگی، اقتصادی و ایدئولوژیک، معنا پیدا می‌کند. تربیت در چنین بستری، به معنای پرورش نسلی است که از استحکام درونی، خودباوری و پایبندی به اصول برخوردار باشد تا بتواند در برابر فشارهای گوناگون، مقاومت کند و درعین حال، به مسیر رشد و تعالی خود ادامه دهد. از منظر جامعه‌شناختی، مقاومت در برابر استعمار فرهنگی، امری حیاتی برای حفظ بقای یک جامعه و جلوگیری از بیگانگی فرهنگی است. تربیت در این راستا، باید با شناسایی و تحلیل ابزارهای تهاجم فرهنگی، از جمله رسانه‌ها، هنر و محصولات فرهنگی بیگانه، به افراد بیاموزد که چگونه با نگاهی نقادانه با آن‌ها برخورد کنند. این امر مستلزم آموزش سواد رسانه‌ای، تقویت قدرت تحلیل و ترغیب به تولید محتوای فرهنگی بومی و منطبق با ارزش‌های جامعه است. وقتی افراد، ریشه‌ها و هویت خود را بشناسند و به آن‌ها افتخار کنند، در برابر تلاش‌های بیگانگان برای تغییر نگرش و سبک زندگی‌شان، مقاوم‌تر خواهند بود. پرورش حس تعلق به وطن و تلاش برای آبادانی آن، از اصول کلیدی در این نوع تربیت است. این حس میهن‌دوستی، زمانی که با باورهای دینی و آرمان‌های انقلابی همراه شود، قدرتی مضاعف پیدا می‌کند و افراد را در برابر هرگونه تهدید، از جمله استعمار فرانو، مقاوم می‌سازد. درواقع، تربیت صحیح، تضمین‌کننده استقلال و پویایی جامعه در بلندمدت خواهد بود. این رویکرد، به دنبال تربیت افرادی است که با تکیه بر توانمندی‌های داخلی و با حفظ پیوندهای هویتی، بتوانند در برابر چالش‌های پیچیده امروزی، سربلند و پیروز باشند.

مصطفی غفاری

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان قزوین

## یادداشت صد و یازده

### همبستگی ملی و اقتدار ایران اسلامی در جنگ اخیر (رمضان ۱۴۰۴)

جنگ اخیر در ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۴، نقطه عطفی در تاریخ دفاعی ایران اسلامی است که در آن نظام سلطه با همراهی رژیم صهیونیستی با محاسبات غلط، به حریم امنیت ملی ایران تجاوز کردند. آنچه در این نبرد حائز اهمیت است، همبستگی ملی و اقتدار نظامی ایران با بهره‌گیری از پیشرفت‌های علمی و صنعتی است. در ذیل به چهار شاخصه مهم این جنگ ترکیبی، اشاراتی می‌شود: ۱. اتحاد و انسجام ملی زیر سایه ولایت: مهم‌ترین رکن مقاومت ملت ما در این جنگ، وحدت بی‌نظیر ملت ایران است. مردم با وجود تفاوت‌های سلاقی، مانند یک تن و با صلابت از تصمیم نظام دفاع کردند و حضور گسترده و میدانی خود را به نمایش گذاشتند. ۲. قدرت بازدارندگی و موشکی نقطه‌زن: نمایش اقتدار نظامی ایران از طریق شلیک صدها موشک دقیق و نقطه‌زن به پایگاه‌های استراتژیک دشمن، توانست معادلات نظامی منطقه را به هم بریزد. این قدرت سخت که حاصل تلاش‌های متخصصان داخلی بود، پیامی روشن از توانایی در هم کوبیدن زیرساخت‌های دشمن را مخابره کرد. ۳. مدیریت میدانی ملت توأم با مدیریت هوشمندانه قوای مسلح: ملت غیور ایران اسلامی با حضور و تجمع در میادین شهری و نیروهای مسلح ایران در میدان دفاع با بهره‌گیری از جنگ الکترونیک پیشرفته و شناسایی دقیق اهداف، توانستند میدان نبرد را با شجاعت و استواری مدیریت کنند. ۴. اقتصاد مقاومتی و خودکفایی دفاعی: تحریم‌های ظالمانه و فشارهای اقتصادی نتوانست اراده ملت ایران را در پیشرفت‌های دفاعی متوقف کند. در این جنگ، کارآیی تجهیزات و موشک‌های کاملاً بومی که در چارچوب اقتصاد مقاومتی و با تکیه بر دانش متخصصان داخلی ساخته شده بودند، به اثبات رسید و نشان داد که ایران اسلامی در مسیر خودکفایی و استقلال کامل، توقف‌ناپذیر است.

#### امیر پورشاهرودی

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، استان گلستان



## یادداشت صد و دوازده

### منطق خون و بقا: بقای انقلاب در شهادت انتخابی رهبر

۱. شهادت به‌مثابه رسالت نهایی رهبر مقتدر انقلاب، شهادت را انتخاب کرد تا به هر حقیقت‌طلبی، حقایقی را بفهماند که جز با شهادتش تفهیم نخواهد شد. وی، پس از سال‌ها جهاد، همچون مولایش در ماه مبارک رمضان، به دست شقی‌ترین مردمان زمان شربت شهادتی را نوشید که عاشقانه و آگاهانه منتظرش بود؛ تا به جهان بفهماند؛ بقای آرمان‌ها مستلزم بالاترین سطح ایثار است. از این‌رو، در مکتب سرخ او، از مرگ هراسی نیست. چراکه عظمت ایران و اسلام بهای سنگینی دارد و این عظمت هرگز قابل مصادره نیست. ۲. اصل عدم بیعت با مستکبران او در سخت‌ترین شرایط و زیر فشار دشمنان، همانند اربابش، تکرار فرمود: «مِثْلِي لَا يُبَايِعُ مِثْلَهُ»؛ یعنی هرگز با فاسدان دنیای استکبارند، همراهی نخواهد کرد تا در عمل بفهماند؛ مکتب خمینی همان مکتب حسینی است. ۳. شهادت به‌مثابه سوخت حیاتی و موتور متحرک جامعه رهبر شهید، یقین داشت که شهادت، رفتن و پایان کار نیست؛ بلکه زنده ماندن و موتور متحرک جامعه و همانند ریختن بنزین روی آتش مبارزه است. این خون بزرگ و خون‌های کودکان معصوم و جان‌فشانی فرماندهان مخلص به‌مثابه یک «سوخت حیاتی» عمل می‌کند تا انرژی لازم برای حرکت جمعی و بیداری جهان اسلام را فراهم آورد؛ زیرا آن‌ها در خواب سنگینی فرو رفته‌اند که جز با جوشش خون‌های کریمانه بیدار نخواهند شد. نتیجه‌گیری: شهادت؛ طلوعی برای تداوم ایستادگی این شهادت، تجلی نهایی ایستادگی و طلوعی است مبنی بر اینکه غروب غیرت این ملت هرگز رخ نخواهد داد، زیرا این ملت پیرو مردانی هستند که به‌جای تکیه بر جان خود، بر خدای قادر تکیه کرده و به فردایی بهتر باور داشتند.

سید محمدحسینی نیک

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان کهگیلویه و بویراحمد

## یادداشت صد و سیزده

### تربیت، با نگاه تمدن اسلامی در اندیشه «بعثت»

«بعثت» در فرهنگ قرآنی معنای گسترده‌ای دارد. بلندای معنای بعثت با افق‌های روشن «تمدن اسلامی» به هم آمیخته است. بعثت، فرآیندی تحولی و باطنی است، که به دنبال خود، تحول در جامعه را محقق می‌سازد، و جوامع را در مسیر «تمدن اسلامی» به حرکت وامی‌دارد. بعثت؛ آغاز تمدن اسلامی است. تمدن اسلامی، بستر و فضای زندگی زیبا و عزتمند، تا «همه» مردم و انسان‌ها به سعادت دنیوی و اخروی خود برسند؛ ونیز؛ چشم‌انداز و هدف غایی حرکت امت اسلامی است، تا همه به جایگاه تمدنی مطلوب قرآنی برسند. پایه‌ریزی تمدن اسلامی بر اساس، «دین و عقلانیت و علم و اخلاق» است. بر اساس آیات قرآن کریم، تحقق بعثت؛ مبتنی بر چهار مؤلفه است؛ «تلاوت آیات قرآن کریم. تزکیه؛ تعلیم کتاب و حکمت»؛ بنابراین، «تربیت» مبتنی بر تمدن اسلامی، ناظر بر تحقق مؤلفه‌های چهارگانه «بعثت» (تلاوت، تزکیه، تعلیم و حکمت) است. چنین جامعه‌ای «مبعوث» می‌شود. برای تحقق تمدن اسلامی، جوامع نیاز به «بعثت» ها دارند. «بعثتی» دائمی که از «تحول باطنی» شروع شود و به «تحول در سطح جامعه» امتداد می‌یابد. تربیت، امری درونی و بعثت، تحولی درونی است. در این اندیشه، هر کس در هر جایگاهی که هست، با توجه به امکانات و ظرفیت‌های خویش؛ خود را «مبعوث» می‌بیند، تا نقشی در تحقق «تمدن اسلامی» ایفا نماید. «بعثت» ها، برای تحقق «تمدن اسلامی» است. کلیدواژه‌ای که امام شهیدان به امت یادسپاری فرمودند: اگر حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال این «مردم» را «مبعوث» خواهد کرد (۱۴۰۴/۱۱/۱۲).

### سعید فخاری

عضو هیئت علمی گروه آموزش الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی

## یادداشت صد و چهارده حکمرانی اسلامی یا نظم نوین جهانی آمریکایی؟

در تئوری توطئه، اصطلاح نظم نوین جهانی به پیدایش حکومتی تمامیت خواه برای سلطه بر تمام دنیا اطلاق می‌گردد. در تئوری‌های توطئه درون مایه معمول نظم نوین جهانی پایگاه سری قدرتی از نخبگان بین‌المللی در نظر گرفته می‌شوند که لیست بلندبالایی از اقداماتی که باید در سطح جهان انجام دهند در دست دارند و در حال دسیسه‌چینی برای حاکمیت بر جهان از طریق یک حکومت جهانی اقتدارگرا و قدرت طلب هستند؛ حکومتی که جایگزین حاکمیت تمامی کشورهای مستقل جهان شود. نظم نوین جهانی به پروپاگاندایی که در راستای القای برقراری حکومت جهانی به عنوان نقطه عطف پیشرفت تاریخ و حد اعلای آن انجام می‌گیرد نیز اطلاق می‌شود. طرح‌ریزی رخدادهای مهمی در سیاست و اقتصاد جهان به گروه‌های تأثیرگذار کوچکی نسبت داده می‌شوند که از طریق سازمان‌های صوری متعددی انجام می‌گیرند. تلاش برای تسلط بر جهان از جانب گروه‌های سیاسی و سری کوچک طی حوادث تاریخی و کنونی متعدد، جزئی از نقشه دست‌یابی به سلطه جهانی در نظر گرفته شده است. پیروزی ایالات متحده در جنگ رمضان، بهترین فرصت را برایش فراهم می‌آورد تا از آن به صورت یک‌جانبه در جهت حفظ نفوذ خود در خاورمیانه و تحقق ایده نظم نوین جهانی بهره‌برداری کند. در برداشت آمریکایی‌ها، جهان مطیع قدرت آن‌هاست و چنین جهانی با تفکر مذکور هماهنگ و دارای نظم نوین خواهد بود. در مقابل این قدرت استعمارگر، حکمرانی اسلامی است که جمهوری اسلامی ایران در آن پرچم‌دار و دلسوز و مدافع حقوق جهان اسلام است و این باید با تبیینی همه‌جانبه، اذهان کودکان و نوجوانان و حتی بزرگسالان را روشن کند تا پلیدی افکار شیطان کبیر برایشان آشکار گردد. در این مسیر نقش معلمان و استادان دانشگاه به‌ویژه دانشگاه فرهنگیان بسیار حساس و کلیدی است که باید در کلاس‌های درس هدف شوم آمریکا و صهیون را از به راه انداختن جنگ فریبکارانه و بزدلانه رمضان، برای فراگیران روشن نمایند تا بی‌طرفان خاکستری فکر و حتی سیه فکران غرب‌گرا نیز تجدیدنظر نموده و مجذوب هدف الهی حکمرانی اسلامی گردند.

محمد کلاشی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان مازندران

## یادداشت صد و پانزده راهبرد ایران برای پایان جنگ با امریکا و اسرائیل

امروز تدوین یک بسته سیاستی دقیق و یک دستورالعمل راهبردی جهت ایجاد گفت‌وگو و واحد در همه سطوح تصمیم‌سازی و نظام اجرایی کشور نسبت به مقوله آتش‌بس یا پایان جنگ، بر پایه قواعد حقوقی و واقعیت تجاوز، مسئله‌ای بسیار حیاتی برای ایران اسلامی است. این چارچوب مانع از نگرش تقلیل گرایانه و توقف سیستم، در برزخ «مذاکره و جنگ» از یک سو، و دادن فرصت تنفس مجدد و بازآرایی نیرو و تجاوز مکرر به دشمن از سوی دیگر است. پیش از هر چیز درک مشترک این حقیقت که امریکا و اسرائیل، هدف خود را نابودی ایران تعریف کرده‌اند و به کمتر از این قانع نمی‌شوند و ما هم به کمتر از نابودی آن‌ها نیندیشیم، و طرح مسائل دیگر مانند آتش‌بس دوباره و یا واسطه قرار دادن، همه ترفند و فریب است، این مسئله ما را ناگزیر می‌سازد که ما نیز راهبرد خود را به‌درستی ترسیم کنیم؛ بنابراین شرایط کنونی ما را ناگزیر می‌سازد، اولاً طبق فرموده امام آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای در پیام اخیرشان وحدت و انسجام و انسجام و حضور همه‌جانبه در این روزها و شب‌ها که مصداق این آیه شریفه قرآن کریم، واعتصموا بحبل الله جميعاً و با تفرقوا، (همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید) است، که هدف نهایی را نابودی دشمن تعریف کنیم. البته روشن است این هدف الزامات گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و رسانه‌ای خاصی را می‌طلبد که برخی وجود دارد و برخی نیازمند بازتعریف و فعلیت‌سازی است. این کلام نورانی کتاب قانون، قرآن کریم هست که می‌فرماید و قاتلوهم حتی لا تكون فتنة، با این‌ها بجنگید تا هیچ‌گونه فتنه‌ای نباشد. شروط آتش‌بس یا پایان جنگ: (۱) معرفی و محاکمه تهدیدکنندگان به ترور، جنگ و تغییر نظام و تجزیه ایران از سوی سازمان ملل؛ همانند سلطنت طلبان در رأس آنها تفاله پهلوی، منافقین در رأس آنها رجوی ملعونه، سلبریتی‌ها در رأس آنها عبادی‌ها کریمی‌ها و امثالهم. (۲) معرفی و محاکمه تروریست‌های امریکایی صهیونی از سوی سازمان ملل، در رأس آن‌ها، ترامپ آگوستینی و قمارباز و نتانیاهو کثیف، با استناد به ترور دانشمندان هسته‌ای، حاج قاسم، فرماندهان نظامی و دانشمندان و مردم عادی در جنگ ۱۲ روزه، ترور بزرگ‌ترین رهبر معنوی و اجتماعی ایران و جهان حضور آیت‌الله امام خامنه‌ای، خانواده و فرزندان معظم له و اعتراف و افتخار به این اقدام؛ (۳) معرفی جنایتکاران جنگی از سوی سازمان ملل، نسبت به جنگ رمضان و شهید کردن رهبر عالی ایران و بیش از ۱۶۰ کودک مدرسه میناب و صدها شهید دیگر از مردم.

محمدباقر سعیدی‌روشن و ابراهیم صفی خانی

استاد علوم قرآنی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

هیئت علمی گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان قزوین

## یادداشت صد و شانزده جهان سلطه از چه می‌ترسد؟

جهان سلطه از کشور ثروتمند نمی‌ترسد به‌خصوص که کشورش مثل عربستان تابع بی‌چون‌وچرا باشد ... جهان سلطه از ظهور حکومت مستبد و تمامیت‌خواه و غیر دموکراتیک در کشورها نمی‌ترسد، بلکه چون الگوی کشورهای عربی آن را تشویق هم می‌کند ... آن‌ها از دین هم نمی‌ترسند به‌خصوص دینش مثل ترکیه و عربستان اهل کنار آمدن با جنایات سرمایه‌داری هم باشد ... جهان سلطه از اتحاد بی‌خطر کشورها مثل اتحادیه اروپا هم نمی‌ترسد چون هیچ آرمان مشترکی ندارند ... جهان سلطه حتی از بمب هسته‌ای و موشک بدون آرمان هم نمی‌ترسد و چون فرانسه و آلمان آن‌ها را زیردست خود نیز می‌کند ... جهان سلطه از الگوی تمدنی غیر سرمایه‌داری می‌ترسد، چون سال‌ها به جهان نظر و عمل القا کرده که نئولیبرالیسم و سرمایه‌داری نوین پایان تاریخ است و جایگزینی ندارد ... حال که سران خشونت‌طلب این جهان الگویی دینی از حکومت را می‌بینند که آرمان قوی دارد و آمیزه‌ای از تاریخ تمدنی قوی و ارزش‌های ناب دینی است، به لرزه می‌افتند ... آری این بزرگ‌ترین خطر برای دنیای سلطه است که نوید یک امپراتوری ضد سلطه را می‌دهد که با آرمان‌های سرخ، سر مقاومت جانانه دارد ... آن‌ها از آرمان بیشتر از همه می‌ترسند به‌خصوص آرمانی که با خون و شهادت، سترگ‌تر و زنده‌تر می‌شود ...

حمداله محمدی

استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان استان زنجان

## یادداشت صد و هفده

### «رمز حضور»

تجربه تاریخی جنگ‌ها نشان می‌دهد که هیچ‌گاه حملات هوایی منجر به فروپاشی سیاسی نشده است و برای تغییر ساختار سیاسی یک کشور باید از نیروی زمینی و تصرف سرزمینی سود جست. بهره‌مندی رزمندگان ما از روحیه سلحشوری و شهادت‌طلبی، حمله زمینی به ایران را برای دشمن از جهت تلفات بالای انسانی بسیار پرهزینه و پرریسک می‌کند؛ بنابراین علی‌رغم لفاظی‌های پوچ دشمن بسیار بعید است که چنین حماقتی کنند، زیرا از شرم شکست با تلفات بسیار سنگین نمی‌توانند سراسر است کنند؛ اما دشمن برای تغییر حکومت در ایران، روی طرح دیگری کار کرده بود که بتواند نقش نیروی زمینی‌اش را بازی کند که با آگاهی و بصیرت مردم تیرشان به سنگ خورد. دشمن بعد از ترور ناجوانمردانه فرمانده معظم کل قوا (رضوان‌الله تعالی علیه) و جمع کثیری از فرماندهان سطح یک نیروی‌های مسلح، در میانه مذاکرات که برخلاف اصول مسلم دیپلماتیک صورت گرفت، حساب ویژه‌ای روی آشوب و اغتشاش توسط عوامل فتنه‌گر و خودفروخته داخلی باز کرده بود که وقتی آسمان کشور به سبب حملات هوایی متشنج است، زمین نیز توسط این عوامل مزدور ناآرام و ملتهب شود که خدا را شکر با حضور حماسی مردم آگاه و بصیر همیشه در صحنه، این سناریو هم شکست خورد. مهم است بدانیم تا وقتی مردم این‌گونه از نظام حمایت می‌کنند، دشمن هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و دیر یا زود مفتضحانه فرار را بر قرار ترجیح خواهد داد.

### سید مجید مقیمی

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان قم

## یادداشت صد و هجدهم

### مردم خیابان‌ها را رها نکنید! از خانه‌نشینی تا خیابان نشینی: عبرت‌های تاریخی

در جنگ احد، پس از شکست مسلمانان، لشکر فاتح ابوسفیان تصمیم به بازگشت به مدینه و نابودی بازمانده مسلمانان گرفت. پیامبر (ص) بلافاصله دستور داد در منطقه‌ای به نام حمراء الاسد اردو بزنند و به خانه‌های خود بازنگردند. این اقدام، سپاهی عظیم و با روحیه را فراهم آورد که باعث وحشت و عقب‌نشینی دشمن شد. این نشان می‌دهد چگونه جمعیتی شکست‌خورده، با وجود مجروحان و کمبود نیرو، در مدت کوتاهی آمادگی یافت و با عزمی راسخ، آماده مقابله با دشمن شد. قرآن کریم به این ایستادگی اشاره می‌کند: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ». هنگامی که خبر اجتماع دشمن برای حمله به آن‌ها رسید، نه تنها نترسیدند، بلکه ایمان و استقامتشان افزایش یافت. در مقابل، در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، اعلام خانه‌نشینی به مردم از سوی دکتر مصدق، فرصتی برای کودتاگران فراهم کرد تا قدرت را به دست گیرند. این نشان می‌دهد که حضور و مشارکت مردم در خیابان‌ها و حمایت از رهبر و نیروهای لشکری، می‌تواند مانع از وقوع فجایع سیاسی شود. در شرایط بحرانی امروز، حضور فعالانه و هوشیارانه در عرصه عمومی و عدم ترک خیابان‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ امنیت، آزادی و استقلال دارد.

### حمید مریدیان

عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان سمنان

## یادداشت صد و نوزده

### اثر تعلیم المبادئ الإسلامية على مستقبل المجتمع

بالأمس تمّ إغتيال علی بن ابیطالب (ع) بمسجد الکوفة ألتی أدّى إلى استشهاده حيث اجتمع الأمة الإسلامية حول نجله الصالح من بنت الرسول الحسن المجتبى (ع) وفي النهاية أسفرت عن خیائنه بعض الخواص وجراحة الإمام والصلح مع بنی أمیه، هذا ماجرى بعراق العرب أمس. أما اليوم بعد قرون متمادیه لكن فی مكان آخر بایران، تمّ إغتيال المرشد الأعلى سید علی الحسینی الخامنه‌ای بید الصهائنه حيث اجتمع الشعب الإيراني علی نجله الشریف سید مجتبی الحسینی فی غضون الحرب الأمريكي الصهيونی ضد ایران. هناك بون شاسع بین اليوم والأمس. اليوم قال المرشد الجديد «أنّ الناس فی ایران أدارو المجتمع والحرب بقوة أمام العدو». هذا یعنی أن التریبه الدينيه قد اثرت فی قلب الشعوب یعنی أنّ قضیه الخیائنه والمفاوضه مع العدو لن يحدث مره أخرى. یعنی أن المجتمع الإيراني قد اعتبر من التاريخ الإسلامي أن لا یلذغ من جحر واحد مرتین یعنی لن یترکوا أمام هم وحیدا بین سیوف الأعداء وخناجر الخونه، یعنی أنّهم فسّروا شعارهم فی میدان الحضور بدماءهم (نحن لسن أبناء الکوفه کی یبقى علیّ وحیدا لأن الکوفی لایوفی) هذا یعنی أن الإيراني یوفی. یجدر بالبلاد الإسلامية خاصه فی منطقه الشرق الأوسط أن یقتدوا بهذه المبادئ القیمه التربویه الإسلامية لمکافحه العدو الصهيونی الغربی. البلاد ألتی أصبحت تزرّح تحت السیطره الأمیرکیه وتعانی من وطأه الوجود الأجنبی علی أرضها وسیادتها الوطنیه والإقتصادیه. وملاحم المقاومه تشير إلى أنّ الشعب الحر و الجیل المستقبل القادم سیثورون ویحرّرون المنطقه من سيطره الأجانب والمستبدین. الرجوع إلى الهویه الإسلامية العریقه لیست سوى طریقه یجب أن یتّخذها المسلمون کطریقه لتخلّص المجتمع والأمة الإسلامية من الأزمات. بید أنّ العرب اليوم تستطيع أن تستفید من ماضیها العریق والقیم الإسلامية کعنصر ذهبی و مفتاح یكون هویتهم الدينيه والقومیه لیسوقهم نحو الفرج.

### حسن نجفی

الأستاذ المساعد بقسم تعلیم اللغة العربیه و آدابها، جامعه فرهنگیان، قم



## یادداشت صد و بیست

### هنرمندی در کلاس درس: ترسیم زیبایی از دل جنگ

معلمان ما از این‌پس در پاسخ سؤال دانش‌آموزانشان که چگونه حضرت زینب (س) بعد از دیدن این همه مصیبت در صحرای کربلا فرمودند: «ما رایت الا جمیلاً» چقدر سهل‌تر می‌توانند پاسخ بگویند زیرا در این دوران پر از هیاهو و فریب و کار رسانه‌ای دشمن ما نیز چیزی جز زیبایی ندیدیم؛ زیبایی شهادت حسین گونه رهبر عزیزمان، زیبایی حضور پرشور مردم مقاوم در خیابان‌ها، زیبایی موکب‌های برخاسته از شور و نیت خالصانه، زیبایی شعارها، زیبایی شهادت عزیزانمان برای دفاع از وطن، زیبایی وطن‌دوستی، زیبایی کشف حقیقت و شناخت هویت. آن‌ها همین که لب به سخن بگشایند و از این حماسه حرف بزنند تماشای زیبایی می‌شود؛ تک‌به‌تک حرف‌هایشان را می‌شود تصویر کرد، رسانه‌ای کرد و به نمایش گذاشت؛ اما برای این امر خطیر و نشان دادن زیبایی‌های این حماسه هویت حرفه‌ای معلمانمان نیاز به بازسازی مجدد دارد. فهم ژرف‌تر معلمان است که می‌تواند سبب شود هنر و دیگر موضوع‌های زیبایی‌شناختی به‌درستی در برنامه‌ی درسی جای گیرند؛ معلمان می‌توانند از طریق هنر، با شوک‌های ویژه‌ای برای هوشیار شدن و آگاه شدن مواجه شوند که به‌واسطه آن از غرق شدن در روزمرگی خلاصی یافته و امور را با تردید نگریسته و به پرسش بگیرند. معلمی علاوه بر اینکه یک علم، فن و یک تخصص است، خود نوعی هنر است لذا جهت ارتقای کیفیت آموزش بایستی ابتدا نگاه معلم به آموزش را با بازبینی در برنامه‌های آموزشی آن‌ها و ایجاد یک برنامه درسی ترکیب‌شده با زیبایی‌شناختی تغییر داد. با این نگاه و تلاش برای تحقق این‌چنین برنامه درسی حتماً و قطعاً معلمان ما در این دوران و پس‌از آن یکایک هنرمند خواهند بود.

### فاطمه زهرا رضایی

مأمور آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان استان مازندران

## یادداشت صد و بیست و یک

### العدوان الأمريكي الصهيوني على الاسلاميه؟ أم على الوطنية القومية؟

قد خطط العدو ولا يزال يخطط منذ أكثر من سبعة وأربعين عاما لخلق ازدواجية خطيرة بين الشباب الإيرانيين، تلك الازدواجية التي تميّط اليوم اللثام عن سحتها القبيحة في مؤتمرات العدو ضد وطننا. وقد أثبت اعتداء العدو الغاشم على وطننا الحبيب في شهر رمضان واستشهاد المرشد الاعلى للثورة الاسلاميه وعدد غفير من قادة الجيش والحرس الثوري أن العدو لا يريد الا تجزئة الوطن الى دويلات ضعيفة، وهدم امكانياته بما في ذلك الأمكنة التاريخية التي تعتبر وثائق قيمة لتاريخنا وهويتنا الإيرانية. والواقع أنّ الوطنية القومية والاسلاميه توأمان لا يتعارضان، والمشهد الذي طلب فيه قائدنا الشهيد من أحد المادحين ابان الحرب الاثنى عشر يوما أن يتغنى بأنشودة الوطن، كان أدقّ وأجمل وثيقة تثبت أن الاسلاميه تحمي الوطنية، والاسلاميه هي نفس الوطنية. قال الرئيس الأمريكي المجرم ترامب و مثيله الصهيوني قبل اعتدائهما على وطننا أنهما صديقان للشعب الإيراني. أما الآن فيقصفان الأحياء السكنية والمستشفيات والاسعافات والشعب الأبرياء، وما أشبه الليلة بالبارحة. وهذا يذكرني بقول مختار الثقفي لأصحابه: الحيلة (تزوير) تمهلكم، لكنها دون شك تقصم رقابكم. اذن التماسك الاجتماعي والوحدة الوطنية سلاح بيد الشعب الإيراني وشبابه، و باللجوء إلى هذا السلاح سوف يتخطى هذا المنعطف التاريخي الخطير.

وما النصر الا من عند الله العزيز الحكيم

### جمال طالبی قره قشلاقی

أستاذ مشارك، قسم تعليم اللغة العربية، أرومية.

## یادداشت صد و بیست و دو

### عشق و مسئولیت‌پذیری؛ پیش‌نیاز تربیت نسل آینده

در شرایط سخت و پیچیده و درعین حال سرشار از حماسه و افتخار ملی، نقش و رسالت دانشگاه، به‌ویژه «دانشگاه فرهنگیان» در مسیر تحول و دگرگونی برای راه‌یابی به آینده‌ای روشن، بیش‌ازپیش احساس می‌شود. نقش مسئولانه این نهاد در پرورش نسل‌های آینده، در پاسخ به این پرسش بنیادین نهفته است که: چه نوع آموزشی می‌تواند زمینه‌ساز آزادی، آسایش، تعالی بشر و تحقق آینده‌ای نیکو برای همگان باشد؟ در پاسخ به این پرسش، شهدای مدرسه شجره طیبه به ما آموختند که عشق، جوهر یادگیری است؛ عشقی که نه تنها یک احساس گذرا، بلکه نیرویی محرک و بنیادین در مسیر تعلیم و تربیت است. ایثار و ازخودگذشتگی آنان، گواهی است که وقتی عشق به میهن در جانمان ریشه بدواند، هیچ چالشی نمی‌تواند سد راهمان بشود. به‌ویژه زمانی که معلم و دانش‌آموز هر دو دلشان برای میهن بتپد. در این بزنگاه تاریخی، نیاز است با اراده‌ای استوارتر از پیش، در فرایند جامعه‌پذیری و برای شکل‌دهی به هویت ملی فرزندانمان، مفاهیمی همانند حقیقت‌جویی، راست‌گویی، میهن‌دوستی، آزاداندیشی، مسئولیت‌پذیری، وفاداری، پایداری و درنهایت رسالت و وظیفه انسان بودن را در وجود آنان نهادینه سازیم. آنگاه دیگر نگران آینده نخواهیم بود؛ زیرا انسان عاشق، راهش را با اشتیاق، پرسشگری، آفرینش‌گری و شهادت‌طلبی می‌پیماید و از هیچ چیز نمی‌هراسد. تربیت چنین شهروندانی بر عهده معلمانی است که باید خود عاشق باشند تا بتوانند بذر عشق به میهن را در دل دانش‌آموزان بکارند و در سایه آن، نسلی را پرورش دهند که با عزت و غرور، پاسدار آرمان‌های والای کشور عزیزمان ایران باشند. چون ایران نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد

### مطهره حمزه رباطی

عضو هیئت علمی گروه امور تربیتی، دانشگاه فرهنگیان استان گلستان

## یادداشت صد و بیست و سه

### دشمن‌شناسی در برنامه درسی: الزامی برای تربیت در دنیای امروز

در دنیای پیچیده و پر چالش امروز، دشمن‌شناسی نه تنها یک ضرورت سیاسی، بلکه یک اصل کلیدی در برنامه‌های درسی تربیتی است. این موضوع، به معنای درک عمیق از روش‌ها و ابزارهایی است که دشمنان یک جامعه، برای رسیدن به مقاصد خود به کار می‌گیرند. در یک نگاه علمی، دشمن‌شناسی در برنامه درسی، باید با رویکردی تحلیلی و مبتنی بر واقعیت‌های موجود صورت گیرد تا دانش‌آموزان و دانشجویان را قادر سازد تا با بصیرت و آگاهی، در برابر تهدیدات احتمالی واکنش مناسب نشان دهند. آموزش دشمن‌شناسی در محیط‌های آموزشی، به معنای ایجاد ذهنیتی نقاد و تحلیل‌گر در میان فراگیران است. این امر شامل آشنایی با انواع جنگ‌ها، از جمله جنگ سخت (نظامی) و جنگ نرم (فرهنگی، رسانه‌ای، اقتصادی)، شناسایی منابع اطلاعاتی معتبر و غیرمعتبر، و توانایی تشخیص پروپاگاندا و اطلاعات گمراه‌کننده می‌شود. یک برنامه درسی مؤثر در زمینه دشمن‌شناسی، باید به گونه‌ای طراحی شود که نه تنها از ایجاد ترس یا بدبینی افراطی جلوگیری کند، بلکه با پرورش روحیه خودباوری، مقاومت و آمادگی، فراگیران را برای مواجهه با چالش‌ها توانمند سازد. این امر می‌تواند با گنجاندن مباحثی در حوزه‌های تاریخ معاصر، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، و حتی روانشناسی در برنامه‌های آموزشی صورت گیرد. هدف نهایی، تربیت افرادی است که بتوانند با دیدی واقع‌بینانه و تحلیلی، محیط پیرامون خود را درک کرده و در راستای حفظ منافع و ارزش‌های جامعه خود، گام بردارند.

مصطفی غفاری

استادیار دانشگاه فرهنگیان استان قزوین، گروه زبان انگلیسی

## یادداشت صد و بیست و چهار عندما يكون لديك معلم محترف ...

منذ عام ١٩٧٩، تلقى الإيرانيون تعليمهم على يد قادة حكما قاموا قبل كل شيء بتعليمهم الاستقلال والحرية، كلما كان المعلم أكثر تعليماً وكفاءة، كان تعلم الطالب أفضل. لقد استوعب الإيرانيون درس المقاومة جيداً وهذا أغضب العدو. لقد جعل العدو الجاهل، القائد يحقق رغبته، لكن التلاميذ تعلموا ما يجب فعله في غياب القائد! تم تقسيم المسؤولية، فأصبحت ساحة الحرب من اختصاص القوات العسكرية وأصبح الشارع من اختصاص الشعب. فأصبحوا أبطالاً في الجبهتين؛ ساحة الحرب و الشارع، لماذا؟ لأنهم كانوا طلاباً لمعلمين محترفين، حتى أنهم أصبحوا معلمين للدول المجاورة و علموهم ألا يعتمدوا على الأكاذيب أمريكا فحتى لو كان إليها فإن العزة لله جميعاً والشرف لا يزال في يد الله تعالى. خلال الحرب، أطلق كل إيراني، رجلاً كان أو امرأة أو حتى طفلاً، صاروخه الخاص. علمنا معلمنا المحترف، كيف نكون شوكة في خصر العدو أينما كنّا. المعلم الجيد هو كل شيء ...

پوران رضائی

أستاذة مساعدة في قسم تعليم اللغة العربية وآدابها بجامعة فرهنگیان

## یادداشت صد و بیست و پنج

### از مدرسه سوخته تا روایت روزمره در شکل‌گیری هویت دانش‌آموزان

در شرایط جنگی اخیر، گرچه مدرسه به‌عنوان فضای فیزیکی مورد هدف قرار گرفت اما هویت و هوشیاری اجتماعی دانش‌آموزان در آن تقویت یافت. تربیت در این دوره، نه از طریق محتوای درسی استاندارد، بلکه از طریق «روایت روزمره» و «تجربه عملی» شکل گرفت، روایت دانش‌آموزان مینایی که با کیف و کتاب به میدان رفتند، روایت دانش‌آموزانی که با فرم مدرسه و کوله‌پشتی در راهپیمایی روز قدس آمدند و نه به‌عنوان دانش‌آموز، بلکه به‌عنوان نهادهای هویت‌دار عمل کردند. این رویدادها، هویت ملی-مذهبی را به‌صورت تجربه جاری و زنده در رگ‌های فردی و جمعی تثبیت کرد. هویت نه یک مفهوم انتزاعی، بلکه یک پدیده تربیتی فعال است که در آتش مدرسه‌های سوخته، نسوخته، بلکه روشن شد. این رویکرد، تربیت را از چارچوب کلاس درس خارج کرده و به فضای اجتماعی، تاریخی و معنوی گسترش می‌دهد. در این مدل، معلم نه مجری برنامه درسی، بلکه راهنمای هویت، ایمان و امید است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تربیت مؤثر، هنگامی که به‌صورت روایتی، تجربه‌محور و ایمان‌گرا انجام شود، توانایی تثبیت هویت در شرایط سخت را دارد. این الگو، برای طراحی برنامه‌های تربیتی امروز، به‌ویژه در حوزه آموزش ارزش‌ها و هویت راهگشاست. اینجاست که تربیت واقعی آغاز می‌شود، نه صرفاً در کلاس‌های درس و با کتب درسی بلکه با القا ارزش‌های وطن‌پرستی، امید و با ایمان تک‌تک دانش‌آموزان به این حقیقت که: چو ایران میباشد، تن من مباد

سارا عابدی کوشکی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان گلستان

## یادداشت صد و بیست و شش جنگ رمضان

حماسه‌ای برای تعلیم و تربیت نسل‌های ایران اسلامی سرمایه عظیم «تمدن دیرین ایرانی» از رهگذر «تعلیم و تربیت» به نسل‌های پیاپی منتقل شده و زمینه‌ساز تکوین «فرهنگ ایرانی» و «هویت اسلامی» گردیده است. در چنین بستری، آموزش نه تنها ابزار انتقال دانش، بلکه میدان پرورش روحیه ایثار، مسئولیت‌پذیری و وفاداری به سرزمین بوده است. با ورود اسلام به ایران، هم‌افزایی عمیق میان سنت‌های ایرانی و تعالیم الهی، نظام «تعلیم و تربیت» را به مکتبی برای ساختن انسان‌های آگاه و مقاوم بدل کرد. در سایه همین تربیت تاریخی، نسل‌هایی پرورش یافتند که در بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز از استقلال و عزت کشور دفاع کردند. در عرصه جغرافیای سیاسی «موقعیت ژئوپلیتیکی ایران» به عنوان چهارراه تمدن‌ها، مسئولیت تربیت نسلی هوشیار را دوچندان می‌کند؛ نسلی که با شناخت ظرفیت‌های «انرژی و سایر منابع اقتصادی، انسانی و اجتماعی» بتواند قدرت ملی را تقویت کند. تلاش برای تحمیل «هژمونی آمریکا و اسرائیل» نیز بخشی از واقعیت‌های منطقه است. از همین رو «تعلیم و تربیت» باید روحیه مقاومت و بصیرت را تقویت کند تا جامعه با حمایت از رهبری «صالح بعد از صالح» و با همبستگی ملی، مسیر تحقق «ایران قوی» را دنبال نماید. در این میان، اعتراض به «سیاست‌های رژیم کودک‌کش اسرائیل و آمریکا» و حضور در «راهپیمایی روز قدس» جلوه‌ای از همین تربیت اجتماعی است. همچنین روشننگری درباره ضعف‌ها و ناتوانی «ترامپ کودک‌خوار» در میدان «جنگ روایت‌ها» نیازمند آگاهی‌بخشی مستمر است. در چنین افقی، «جنگ رمضان» تنها یک رخداد نظامی نیست؛ بلکه نمادی از ایمان، آگاهی و تربیت نسلی است که با روح حماسی خود از ایران پاسداری کرده است. این روح حماسی در پرتو «تعلیم و تربیت» زنده می‌ماند و نسل‌ها را به دفاع از عزت و استقلال ایران فرا می‌خواند.

### فریبا پروانه

استادیار دانشگاه فرهنگیان ایلام

## یادداشت صد و بیست و هفت

### نقش معلمان در ایجاد و تقویت روحیه مقاومت در دانش‌آموزان در ایام جنگ

تهدید و جنگ بشر علیه بشر، همواره در طول تاریخ وجود داشته است. در برابر، انسان‌ها نیز همواره برای حفظ دارایی‌های خود بخصوص وطنشان به فکر روش‌هایی برای مقابله و شکست دشمنان خود بوده‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله کشورهایی است که به دلایلی چون انقلاب سال ۱۳۵۷، موقعیت جغرافیایی و ذخایر زیرزمینی، استعمار و استثمارستیزی، دشمنان بسیاری داشته است که به مهم‌ترین آن‌ها یعنی آمریکا و اسرائیل می‌توان اشاره نمود که در طول ۴۷ سال بعد از انقلاب اسلامی همواره زمینه‌ساز مسائلی مانند جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تحریم‌های ظالمانه، ترور شخصیت‌های مهم و دانشمندان هسته‌ای و جنگ‌های ۱۲ روزه و در حال حاضر جنگ رمضان بوده‌اند. بر این اساس، ضرورت دارد همه دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت بخصوص معلمان بخش‌هایی از آموزش را چه قبل از جنگ و چه در حین آن، صرف دانش‌افزایی مخاطبان خود در زمینه دشمن‌شناسی و افزایش روحیه مقاومت آنان در برابر دشمنان نمایند. حساسیت این امر زمانی بیشتر می‌شود که مخاطبان ما نوجوانان و جوانانی هستند که شاید تاکنون از نزدیک جنگی را تجربه نکرده‌اند و یا تحت تأثیر فضاهای مجازی بیگانه و رسانه‌های خارجی مانند اینترنت‌نشال و بی‌بی‌سی باشند که مدام یا دروغ می‌گویند و یا آن‌ها را از کشورشان ناامید می‌کنند. معلمان می‌توانند از آموزه‌های دینی، متون مرتبط با شیوه‌های مقاومت پیامبران و امامان و پیروان آن‌ها را در برابر دشمنان استخراج کنند و همراه با شواهد و مثال‌ها و حکایات و داستان‌های قرآنی و تفاسیر موجود برای دانش‌آموزان خود روشنگری نمایند. نحوه مقاومت پیامبر گرامی اسلام در برابر کفار و سران قریش که مرتب جنگ‌هایی را بر پیامبر و پیروانش تحمیل می‌کردند؛ نحوه مقاومت حضرت موسی (ع) و قومش در برابر فرعون و فرعونیان که چگونه هر لحظه بر سختی‌های آنان می‌افزودند تا میزان طاقت و صبرشان را کمتر کنند، نمونه‌های عبرت‌آموزی از مقاومت مؤمنان و مسلمانان است که قرآن و روایات به نیکویی فرایند عملکردشان را برای پیروزی نهایی تشریح می‌کنند. محتواهای مشابه آن‌که در منابع دینی و تاریخی فراوان هستند، می‌تواند بسیار کارا و مؤثر باشند. افزون بر این‌ها برگزاری جلسات آموزش خانواده با موضوعاتی چون چگونگی برخورد والدین از نظر روانشناسی با فرزندان در ایام جنگ، دعوت از خانواده‌ها برای حضور شبانه در خیابان‌ها با فرزندان، کارگاه‌های دانش‌افزایی و جلسات پرسش و پاسخ مجازی برای دانش‌آموزان به‌منظور ایجاد و تقویت روحیه مبارزه و مقاومت و صبوری در ایام جنگ، اختصاص دادن بخشی از کتاب‌های درسی یا ساعاتی در برنامه هفتگی به آموزش رعایت آداب هنگام جنگ، راهکارهای دیگری برای آماده کردن بیشتر و روحیه بخشیدن نوجوانان و جوانان در مواجهه با جنگ و تبعات آن است. به‌راستی دانش‌آموزان بیشتر از هر کسی نیاز دارند مقاومت را بیاموزند؛ چراکه آنان آینده‌سازان مملکت ما هستند.

### سیده رقیه سیدی جربندی

مأمور آموزشی دانشگاه فرهنگیان استان مازندران



## یادداشت صد و بیست و هشت از جنگ تا مسئولیت تربیت

مسئولیت تربیت چه می‌تواند باشد؟!

نشستن واژه مسئولیت کنار واژه پرتکرار تربیت، چه سطوحی از تربیت را بر ملا خواهد کرد؟! پاسخ این پرسش‌ها چه ارتباطی به مقوله جنگ دارد؟! مسئولیت تربیت دست کم برای ما فعالان و دغدغه‌مندان حوزه تربیت که پس‌زمینه دینی- فلسفی داریم، چیزی نیست جز شکوفایی فطرت. درواقع مسئولیت تربیت، شناساندن انسان به خودش است تا از این مسیر، انسان اله خود و تمام کائنات را بشناسد و از تاریکی جهل به روشنایی علم حرکت کند. این امر بیش از هر چیز ما را به یاد «صلح درونی و بیرونی» در فرد تربیت‌شده می‌اندازد. منظور از صلح، آرام و قراری است که فرد تربیت‌شده در اثر ارتباط وجودی با مبدأ خود پیدا می‌کند. کارکرد صلح این است که انسان‌ها نسبت به هم رئوف شده و قلوب به استغنا می‌رسند؛ اما آیا انسان همواره می‌تواند در صلح زیست کند؟ چه اموری آرامش انسان را بر هم می‌زند و مفهوم جنگ را به وسط معرکه تربیت می‌کشاند؟ آیا جنگ- آن گونه که از ظاهر آن برمی‌آید- امری ضد صلح است؟ لازم است بازگردیم به دو امر: الف) فطرت آنچه در فطرت الهی بشر وجود دارد، سراسر عناصر صلح است مانند عدالت‌خواهی، زیبایی دوستی، کمال‌جویی، حقیقت‌طلبی؛ اما فطرت همواره یک فرجام مشخص ندارد؛ گاهی شکوفا می‌شود و گاهی فراموش می‌شود. حال باید دید فطرت فراموش‌شده، چه صورتی از انسان را به نمایش خواهد گذاشت؟ ب) شریعت در شریعت قواعدی بنام تولی و تبری وجود دارد که بدون آن‌ها پازل دین‌داری کامل نمی‌شود؛ اما آیا تبری به معنای پذیرش و مقبولیت جنگ است؟ جواب این سؤال بستگی دارد به اینکه جنگ صورت دفاعی داشته باشد یا حمله‌ای!

**پرستو مصباحی جمشید**

استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان قم

## یادداشت صد و بیست و نه بازآفرینی معنای زندگی در طوفان‌ها

قرآن، با زبانی ژرف و دقیق، از حقیقتی با نام «فطرت» یاد می‌کند. فطرت، یک صدای هیجانی و پرسروصدا نیست، بلکه صدایی است آرام، عمیق و حکیمانه؛ اما طوفان‌های زندگی، به‌ویژه طوفان جنگ، چنان غوغایی به پا می‌کنند که ما این صدای نرم و لطیف را گم می‌کنیم، گویی فطرت به خاموشی گراییده؛ اما قرآن به ما نوید می‌دهد: «فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (روم/۳۰)؛ اما این ساختار تغییرناپذیر است؛ یعنی حتی اگر صدایش را نشنویم، او هنوز هست. بحران و رنج، دشمنان آرامش ما هستند؛ اما گاهی همین بحران‌ها، فرصتی برای «تولد دوباره» هستند. وینیکات، روانکاو برجسته، معتقد بود برای رسیدن به «خود حقیقی» باید از پوسته‌های «خود کاذب» عبور کرد. جنگ، با خشونت تمام، این نقاب‌ها را پاره می‌کند. قرآن این حقیقت را در آیینه‌ای زیبا به ما نشان می‌دهد: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا \* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشراح/۵-۶). این یک بشارت مضاعف است. همانا با سختی، آسانی است. باز هم با سختی، آسانی است. انگار سختی، صدفی است که برای رسیدن به مروارید آسانی، باید شکافته شود. بحران، فرصتی است برای کنار رفتن حجاب‌ها و تماشای گوهر فطرت. رنج، معلمی است که به ما یادآوری می‌کند جز خدا هیچ پناهی نیست. «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ» (نمل/۶۲). کیست که دعای مضطر را اجابت کند؟ مضطر کسی است که تمام پناهگاه‌هایش فرو ریخته و تنها یک پناه برایش مانده است. بحران، ما را به مقام اضطرار می‌رساند. همان جایی که فطرت، بدون واسطه، با فطرت‌آفرین ارتباط برقرار می‌کند.

علی محمد صالحی

عضو هیئت علمی گروه آموزش الهیات دانشگاه فرهنگیان گلستان

## یادداشت صد و سی

### دانشگاه فرهنگیان: سنگر تمدن ساز با الهام از حماسه‌ی جنگ رمضان

دانشگاه فرهنگیان، در بطن خود یک «سنگر تمدن ساز» است؛ جایی که معلمان آینده، نه تنها دانش، بلکه روحیه‌ی ایثار، شهادت و وطن‌دوستی را در خود پرورش می‌دهند. در این مسیر، می‌توان از حماسه‌ی «جنگ رمضان» الهام گرفت؛ نبردی که نماد مقاومت، فداکاری و عشق بی‌بدیل به وطن بود. این واقعه‌ی تاریخی، درسی بزرگ برای نسل امروز و فردای معلمان ما دارد: چگونه می‌توان در سخت‌ترین شرایط، با اتکا به ایمان، انسجام و روحیه جهادی، از ارزش‌های خود دفاع کرد و تمدنی پویا بنا نهاد. «جنگ رمضان» الگویی از «ایثار» است؛ ایثار جان، مال و آسایش در راه آرمان. معلمان ما نیز با «ایثار» وقت و انرژی خود، نسلی آگاه و مسئولیت‌پذیر را تربیت می‌کنند. این نبرد، نماد «شهادت» است؛ شهادت بر حقانیت، ایستادگی در برابر ظلم و جان‌فشانی برای حفظ هویت ملی و استقلال کشور. معلمان نیز با «شهادت» کلامی و عملی خود، ارزش‌های اخلاقی و انقلابی را به نسل آینده منتقل می‌نمایند؛ و درنهایت، این جنگ، تجلی «وطن‌دوستی» است؛ عشقی عمیق به خاک، فرهنگ و مردم که منجر به دفاعی جانانه می‌شود. اساتید و دانشجویان دانشگاه فرهنگیان با سرمشق قرار دادن این روحیه، در سنگر علم و تربیت، به «وطن‌دوستی» خود جامه عمل می‌پوشانند. دانشگاه فرهنگیان با درک این روح حماسی، بستری فراهم می‌آورد تا دانشجویان با اقتدا به این الگوهای متعالی، با دانش روز و مهارت‌های تربیتی، آماده‌ی ایفای نقش خود در ساختن آینده‌ای روشن و تمدنی سرافراز شوند.

### شهرام نظری

گروه آموزش تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان استان تهران پردیس شهید چمران

## یادداشت صد و سی و یک مکتب تربیتی شهید امام خامنه‌ای

مکتب تربیتی شهید امام خامنه‌ای با تأکید بر ایمان، ایثار، علم، تربیت اخلاقی و همبستگی ملی، راهنمایی‌های ارزشمندی برای گذر از این برهه حساس ارائه می‌دهد. ایمان به هدف نهایی، حفظ کرامت و استقلال کشور، به‌عنوان سنگ بنای استقامت در برابر سختی‌ها عمل می‌کند. اکنون که یک جنگ تمام‌عیار بر کشور ما تحمیل شده و رزمندگان اسلام با تمام وجود در میدان در حال مبارزه با رژیم صهیونیستی و آمریکای جنایت‌کار هستند و مردم سرزمینمان از هر قشری در خیابان‌ها و مساجد آماده مبارزه در هر زمینه‌ای می‌باشند، بر همه ما واجب است که در هر زمینه‌ای که تخصصی داریم برای سربلندی ایران اسلامی تلاش کنیم. دانشگاه فرهنگیان یک دانشگاه گسترده در سطح کشور است و دارای رشته‌های تحصیلی زیادی است. در این رشته‌ها دانشجویان با ایمان، صالح و فداکار بسیاری در حال تحصیل هستند، به نظر می‌رسد که از این ظرفیت بزرگ به نفع آموزش فرزندان این مرزوبوم در این شرایط جنگی که آموزش مجازی شده به‌صورت جهادی می‌توان حداکثر استفاده را برد. به‌عنوان مثال از دانشجویهای رشته‌های: • آموزش ابتدایی و علوم پایه: برای تدریس کتب ابتدایی، متوسطه اول و دوم به‌صورت حضوری برای اقوام، خویشاوندان و هم‌محله‌ای‌ها استفاده کرد. دانشجویهای رشته‌های شیمی و زیست‌شناسی علاوه بر تدریس می‌توانند در زمینه‌های: • آموزش کمک‌های اولیه • آموزش نگهداری مواد غذایی در شرایط جنگی و... دانشجویان رشته روانشناسی، می‌توانند در آموزش موارد زیر نقش ایفا نمایند: • دستورالعمل‌های لازم جهت کاهش اضطراب ناشی از جنگ • دستورالعمل‌های نحوه برخورد با کودکان و سالمندان در زمان جنگ و... در همین راستا، سایر رشته‌ها می‌توانند در هر زمینه‌ای که تخصص دارند به هم‌وطنان عزیز کمک کنند.

**محمد بیرانوند**

گروه آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان علامه طباطبایی استان لرستان

## یادداشت صد و سی و دو

### تحلیل جایگاه «تربیت متوازن» در اندیشه شهید خامنه‌ای؛ راهکارهای عملیاتی در نظام آموزشی

نوشتار حاضر درصدد برآمده است تا با توجه به ضرورت کنشگری اندیشمندان و دانشگاهیان در این برهه حساس ایران اسلامی و همگامی با رزمندگان غیور در دفاع علمی و تربیتی، دیدگاه‌های تربیتی رهبر شهید امام خامنه‌ای حفظه‌الله را در موضوع تربیت متوازن، به بررسی و واکاوی بپردازد و راهکارهای عملیاتی برای نظام آموزشی کشور عزیزمان ایران ارائه دهد. تربیت فرآیندی فراتر از انتقال دانش صرف است و هدف نهایی آن، ساختن انسانی متعادل، خداگرا و کارآمد است. «تربیت متوازن» به معنای توجه هم‌زمان به تمام ابعاد وجودی انسان و پرهیز از افراط و تفریط است. تربیت متوازن در نگاه توحیدی رهبر شهید: ۱. هم‌افزایی علم و ایمان: امام شهید خامنه‌ای معتقدند که علم بدون ایمان می‌تواند به ابزاری برای نابودی تبدیل شود و ایمان بدون علم نیز کارآمدی لازم را ندارد. ۲. تربیت اجتماعی و سیاسی در چارچوب ولایت: تربیت متوازن منزوی نیست؛ بلکه دانشجو باید نسبت به مسائل جامعه و انقلاب، آگاه و مسئولیت‌پذیر باشد. ۳. پرورش مهارت‌های زندگی و اخلاق عملی: تربیت متوازن در این اندیشه تأکید بر اصول اخلاقی مانند امانت‌داری، همکاری و تواضع و همچنین آموزش مهارت‌های نرم، دانشجویانی را تربیت کند که علاوه بر تخصص علمی، دارای شخصیت اجتماعی سالم و رفتار کریمانه باشد. راهکارهای عملیاتی ۱. ادغام مبانی معرفتی و اخلاقی در کنار دروس تخصصی است تا دانشجو علم را در خدمت ارزش‌های الهی بیاموزد و از «تقوا» به عنوان ضامن صحت کاربرد علم بهره بگیرد. ۲. تقویت تفکر نقادانه در دانشگاه‌ها و برگزاری مناظرات علمی با محوریت مسائل روز است تا دانشجویان با بصیرت کامل در برابر جنگ‌های ترکیبی و توطئه‌های دشمن ایستادگی کنند. ۳. ادغام مهارت‌های زندگی در برنامه درسی و نظارت مستمر اساتید بر رفتار عملی دانشجویان در محیط واقعی.

#### امیر پورشاهرودی

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، استان گلستان

## یادداشت صد و سی و سه

### نقش دانشگاه فرهنگیان در تحقق مکتب تمدن ساز امام خامنهای شهید

دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان نهاد تربیت نیروی انسانی معلم، جایگاه ویژه‌ای در شکل‌دهی به نسل آینده انقلاب اسلامی دارد. بر اساس مبانی فکری و اندیشه تمدن ساز امام خامنهای شهید و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی از تربیت انسان آغاز می‌شود. انسانی مؤمن، متفکر، مسئول و کارآمد که بتواند جامعه را از وابستگی‌های فکری و فرهنگی به‌سوی خودباوری و پیشرفت اصیل اسلامی سوق دهد. این هدف والا، بی‌تردید در بستر آموزش و پرورش تحقق می‌یابد و دانشگاه فرهنگیان محور این جریان تربیتی است. معلم در مکتب امام خامنهای شهید، صرفاً انتقال‌دهنده دانش نیست، بلکه الگوی ایمان و اندیشه است. کسی که با رفتار و بینش خود، جامعه را به‌سوی ارزش‌های الهی رهنمون می‌سازد. دانشگاه فرهنگیان با مأموریت اصلی خود در تربیت چنین معلمانی، مسئولیت بنیادین در تحقق گام دوم انقلاب و شکل‌دهی تمدن اسلامی بر عهده دارد. این نقش، مستلزم برنامه‌ریزی آموزشی مبتنی بر مبانی فکری انقلاب، تقویت هویت معنوی و اجتماعی دانشجومعلم و ایجاد فضای پژوهش محور و اخلاقی در ساختار دانشگاه است. اگر دانشگاه فرهنگیان بتواند میان علم، ایمان و عمل پلی مستحکم ایجاد کند، نسلی از معلمان تمدن ساز را پرورش خواهد داد که هرکدام در کلاس درس خود، بنایی از فرهنگ اسلامی و ایرانی را بنا می‌نهند. در حقیقت، دانشگاه فرهنگیان نه فقط محل آموزش، بلکه مبدأ تحول فرهنگی و هویتی است و با تربیت دانشجومعلمان فکور و اندیشمند با محوریت توجه به هویت اخلاقی و تربیتی در کنار هویت تخصصی و حرفه‌ای آنان سنگ بنای تمدن نوین اسلامی که امام خامنهای شهید آن را آرمان والای امت اسلامی می‌داند را خواهد گذاشت.

#### حسن مدرس زاده

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان گلستان

## یادداشت صد و سی و چهار

### اتحاد و انسجام ملی و «دشمن‌شناسی»: دو کلیدواژهٔ بنیادین در سخنان امام شهید انقلاب

در سپهر اندیشهٔ امام شهید انقلاب، دو ستارهٔ درخشان همواره می‌تابد: اتحاد و انسجام ملی و دشمن‌شناسی. این دو گوهر، ریشه‌ای استوار و ژرف در باورهای دینی و بینش توحیدی ایشان داشت؛ و همچون دو بال، پرواز ملت به‌سوی قله‌های عزت را ممکن می‌کند. امام شهید انقلاب، با نگاهی هوشیارانه، همواره بر این حقیقت تأکید می‌کردند که هر ملتی، اگر بخواهد در میان طوفان حوادث و هجمه‌های دشمنان باقی بماند و مسیر عزت و استقلال خود را ادامه دهد، چاره‌ای جز حفظ وحدت درونی و هوشیاری در برابر دشمن ندارد. اتحاد، نه تنها پیوند میان اقوام، مذاهب و سلیقه‌های گوناگون را استوار می‌سازد، بلکه روح مشترک ملت را در مسیر هدفی گران سنگ — یعنی ایران اسلامی عزیز — جهت می‌دهد. دشمن‌شناسی نیز مکمل این پیوند است؛ زیرا ملتی که دشمن را نشناسد، ناخواسته عرصه را برای نفوذ، اختلاف‌افکنی و تحمیل ارادهٔ بیگانگان فراهم می‌کند. از همین رو، امام شهید انقلاب هشدار می‌دادند که غفلت از این دو اصل، مقدمهٔ آسیب‌پذیری از درون و تضعیف اقتدار ملی خواهد بود. امروز، در بحبوحهٔ جنگ تحمیلی صهیونیستی-آمریکایی که دو هفته از آغاز آن می‌گذرد، جلوهٔ عملی این دو مفهوم را آشکارا شاهدیم؛ از حضور گستردهٔ مردم در صحنهٔ حمایت از نیروهای نظامی و جهادی، تا هم‌دلی و یک‌صدایی مسئولان و رهبران کشور در تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز. این اتحاد، چونان سپری فولادین، توان و امید را در جبههٔ ملت افزون کرده و دشمنان بدعهد تبه‌کارِ زیاده‌خواه را از دستیابی به مقاصد شوم و پلشت خود مأیوس کرده است. برای درک بهتر این مبانی، پیشنهاد می‌شود مجموعهٔ فرمایش‌های امام شهید انقلاب دربارهٔ ضرورت هم‌دلی، وحدت و هوشیاری در برابر دشمنان را که در پایگاه اطلاع‌رسانی رسمی [khamenei.ir](http://khamenei.ir) گردآوری شده است، مطالعه شود. این سخنان، چراغی فرا راه امروز و فردای ملت ایران است؛ راهی که با هم‌دلی و انسجام ملی و دشمن‌شناسی، به‌سوی شکوه و پیشرفت ایران نازنینمان ادامه خواهد یافت.

### سهیل یاری گل‌دره

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان ایلام

## یادداشت صد و سی و پنج بصیرت عمارگونه در شناخت دشمن (خصوصاً یهود)

قرآن کریم کتابی است پندآموز و هدایت‌گر و در تکتک قسمت‌های زندگی جهت رسیدن به اهداف والا برنامه دارد. در این نوشتار کوتاه سعی بر این است ماهیت یهودیان را از منظر قرآن عظیم روشن نمایم. ماهیتی که اگر آن‌ها شناخته شوند، هرگز از این قوم عنود غافل نمی‌شویم و آن چیزی که مانع تمدن و تمدن‌سازی می‌شود دشمن و حملات و فعالیت‌های او است. خداوند در سوره مائده (آیه ۸۲) می‌فرماید: سخت‌ترین دشمنان شما یهودیان و مشرکان هستند. در جایی دیگر می‌فرماید: هرگز آن‌ها از شما راضی نمی‌شوند تا به دین و کیششان ملحق شوید. (بقره، ۱۲۰) بنابراین با توجه به این دو آیه تمام همت و تلاش یهودیان گرفتن آیین و مذهب ما مسلمانان است. گاه از طریق بدعت، تهمت، تفسیر به رأی (قرآن و حدیث)، جعل حدیث، ایجاد شبهه، رکود مساجد، کنار زدن اهل بیت رسول خدا علیهم‌السلام، نهی از معروف، بهانه‌تراشی، ایجاد سرگرمی‌های ناسالم، مطرح کردن مسائل فرعی، شخصیت تراشی، ترویج باطل، تحقیر مؤمنان، تحریم مباحات، تشویق نابجا، تبلیغ ناروا و بزرگ نشان دادن طاغوت‌ها آن را به منصفه ظهور می‌رسانند. در جای دیگر می‌فرماید: خود را نژاد برتر می‌دانند و می‌گویند فقط آن‌ها وارد بهشت می‌شوند (بقره، ۱۱۱) و محبوبان خداوند هستند (مائده، ۱۸) و دیگران بر چیزی نیستند (بقره، ۱۱۳) و می‌گویند اگر اموال غیر یهود را که به‌عنوان امانت نزد ما هستند برنگردانیم مانعی ندارد؛ برای این که رعایت کردن حقوق دیگران بر عهده ما نیست (آل عمران، ۷۵) از طرفی آن‌ها بر عمر خود حریص هستند و آرزو دارند که هزار سال عمر کنند. (بقره، ۹۶) رفاه‌طلب هستند و به شدت ترسو و فقط از آبادی‌های دارای حصار یا دیوار مبارزه می‌کنند و آن‌ها را جمع می‌پندارید منتهی پراکنده و دارای افکار گوناگون هستند. (حشر، ۱۴) و بسیار انسان بی‌ادبی و بهانه‌جو هستند حتی در قرآن یک‌بار با حضرت موسی با الفاظ مؤذبانه سخن نگفته‌اند. (داستان گاو بنی اسرائیل و مقابله با عمالقه) (نتیجه‌گیری: درس امروز و برنامه تحولی ما اساتید معارف برای دانشجو معلم دشمن‌شناسی (خصوصاً یهود) است؛ که اگر این دشمنان خبیث برای دانشجو معلم شناخته شوند، به طریق اولی آن معلم برای دانش‌آموز خود، تبیین و روشن‌سازی می‌کند و جامعه امروز بیش‌ازپیش با بصیرت و عمارگونه تربیت می‌شود.

قل هذه سبيلي ادعوا الي الله علي بصيره و من اتبعني

جواد نصیری وطن

عضو هیئت علمی گروه الهیات و معارف دانشگاه فرهنگیان استان گلستان



## یادداشت صد و سی و شش يَا كَاسِرُ يَا جَابِرُ

قرائت دعای جوشن کبیر در شب‌های رمضان المبارک حلاوت مضاعفی را در جان و روح آدمی تزریق می‌کند و تدبر و تعمیق در هر کلمه از آن، آدمی را مستغرق در دریای نامحدود صفتی از صفات حضرت حق می‌نماید. ای خوشا آن کس که توفیق یارش شود تا در این غواصی و غور به مرواریدی دست باید. در فراز چهلیم (۴۰) جوشن کبیر، دو صفت مترتب از صفات خداوند «يَا كَاسِرُ يَا جَابِرُ» ای شکننده، ای جبران‌کننده، ذکر شده است که خداوند را بدان صفات خطاب قرار داده و بدینسان اذعان می‌داریم که در منظومه حکمت الهی، هر چه آن خسرو کند، امری غایتمند است، مصداق بارز قرآنی این مطلب داستان همراهی حضرت موسی با حضرت خضر صلوات الله علیهما و امتحانات سه گانه است که نمونه‌ای از تجلی صفات «كَاسِرُ و جَابِرُ» خداوندی بشمار می‌آید زیرا با آغازی شکننده و فرجامی جبران‌کننده همراه بود. زمانه زمانه‌ی جنگ است و ماهیت جنگ‌ها، ماهیت خرابی و ویرانی است و نقص اموال و انفس ذاتی هر جنگ بشمار می‌رود، در منطق وحی چنانچه این «شکنندگی و کاسری» در راستای حکمت و غایتی متعالی و در راستای شریعت و فرمان الهی واقع شود در حقیقت در دایر مدار حکمت خدای «جابر و جبران‌کننده» واقع می‌گردد. این است که مومنان تحت آموزه‌های قرآن کریم یقین دارند که: «عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا». لذا امروزه بارزترین مصداق تجلی صفات «کاسر و جابر» خداوندی را می‌توان در رفتار و گفتار و کردار ملت سرافراز ایران اسلامی در جنگ با فرعون‌ها و قارون‌های زمانه دید که با همه آلام برآمده از جنگ و نبرد با دشمن زبون، باورمندانه پذیرفته‌اند، اگر خدای «کاسر و جابر» می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ ۖ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» از جنگ نهراسند و به گفته امام راحل آن را نعمت شمارند و کشتن و کشته شدن را پیروزی و ظفر بدانند. اینجاست که می‌توان این تعبیر را داشت که: در عمق معنای واژه «شهید» دو صفت «کاسری و جابری» در معیتی جداناپذیر در تجلی و تلاؤل هستند؛ که خدای کاسر و جابر خود فرمود: وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ ۚ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ (بقره: ۱۵۴) و به آن‌ها که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگوئید! بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما نمی‌فهمید. در مشرب عرفان ناب اسلامی نیز «مقام فناء فی الله» برآمده از تجلی صفت «کاسر» و مقام «بقاء بالله» تجلی صفت «جابری» خداوند است بدین معنا که تا دلی نشکند و صفت «کاسری» آن دل را صیقل ندهد، هرگز آن دل توفیق درک صفت «جابری» نخواهد یافت و حرم

رب‌العالمین نخواهد شد. مقام «صبر» در این آیه شریفه: **وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ** (بقره: ۱۵۵). در حقیقت تجلی صفت «کسر» خدا در صابرانی است که در منازل مصائب مذکور در آیه آزموده و آبدیده گشته‌اند. و اینجاست که بر مبنای آیه **«أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ»** صفت جابری خداوند در مصادیق «صلوات» و «رحمت» و «هدایت یافتگی» متجلی می‌شود. بار خدایا خود بصیر و آگاهی که این ملت فقط به تو تکیه و اعتماد داشته و برای تو و دین تو به جهاد برخاسته است پس بر محمد و آلش درود فرست و از درگاهت خاضعانه و خاشعانه با ندای «یا جابر» مسألت داریم تا خود جبران‌گر همه کاستی‌ها و کسری‌ها باش و آن‌گونه از حلاوت «جابر» ی ات آنان را بهره‌مند ساز تا درمانگر همه آلام گردد. همانا که تو بهترین جبران‌گری.

### اسدالله اسدی گرمارودی

عضو هیئت علمی دانشکده علوم انسانی دانشگاه فرهنگیان تهران

## یادداشت صد و سی و هفت

### «تربیه الصمت الواعی» فی الحرب: حین تكون كل استجابة علامة جهاد

فی الحرب، لا تتحقق التربية فی القاعات فقط، بل فی تلك اللحظة الّتی یصون فیها الطالب صمته أمام التحریف التاريخی ویقدم جواباً واعياً، أو حین یختار الأستاذ نصّاً تاریخياً دقیقاً بدلاً من رواية سطحية، فیوقف وعی الطالب التاريخی؛ عندها تتشکل التربية الجهادیة. هذا الجهاد لا یقوم بالتصریحات العلنیة، بل بالیقظة الیومیة، بالدقة فی اختیار المفردة، بالقدرة علی كشف الاختراق الثقافی فی البنية السلوكیة، وبالقدرة علی مواجهة تحریف المفاهیم فی المحاورات الیومیة. وفی رؤية المدرسة التربویة للشهید الإمام الخامنئی، فإن التربية الجهادیة هی عملية یصبح فیها الطالب لیس مجرد متلقٍ للتعلیم، بل حارساً للهویة—حارساً یحیی روح الإیمان العملی فی جسد الهویة الوطنیة بكل اختیار للمضمون، وبكل ردّ واعٍ علی التحریف، وبكل جهد صادق لفهم أعمق للتاریخ والثقافة. هذه التربية لا تُبنى علی الخوف من الحرب، بل علی الإیمان العملی بأن «الهویة لا تثبت إلا فی ظلّ التهديد»، فتقود الإنسان نحو العزة الأرضیة. فی جامعة المعلمین، تحول البرنامج الدراسي والسلوک التعلیمی إلى أداة لتعزيز الیقظة التربویة—یقظة تُعدّ الطالب ليقاوم كل نوع من الاختراق الثقافی، من داخل اللغة، من داخل المفردة، ومن داخل السلوک. وهذه المقاومة لا تكون بالصوت، بل بالصمت الواعی، وبالاختیار الدقیق للكلمة، وبالقدرة علی تمیز الاختراق الثقافی فی البنية الفکریة.

### عاطی عبیات

أستاذ مشارک فی قسم تعلیم اللغة العربیة وآدابها، جامعة فرهنگیان، طهران، ایران.

## یادداشت صد و سی و هشت

### تحلیل تطبیقی الگوهای رفتاری در نهادهای دینی و اداری با رویکرد تربیت جهادی

در شرایط کنونی که جامعه ایران اسلامی در مقطعی حساس و با تکیه بر حضور گسترده و آگاهانه مردم در صحنه‌های دفاع از تمامیت ارضی و امنیت ملی قرار دارد، می‌توان الگوهای رفتاری فعالان عرصه خدمت‌رسانی را در دو دسته اصلی طبقه‌بندی و واکاوی کرد. گروه نخست، فعالانی هستند که انگیزه‌های آن‌ها ریشه در باورهای عمیق اعتقادی و احساس مسئولیت تاریخی دارد. این دسته با رویکردی «جهادی» و فارغ از محدودیت‌های زمانی (ساعات اداری) و ملاحظات رفاهی و مصرفی، با اشتیاقی معنوی به فعالیت می‌پردازند و هدف اصلی خود را پاسداری از آرمان‌های انقلاب اسلامی و تداوم راه شهدا می‌دانند. در مقابل، گروه دوم وجود دارد که اگرچه ظاهر فعالیت‌هایی مشابه گروه اول دارند، اما انگیزه‌های آن‌ها بیشتر تحت تأثیر سازوکارهای «اداری» و مادی است. در این الگو، رعایت ساعات کاری، محاسبه دقیق منابع مصرفی و دریافت مزایای مالی (مانند اضافه‌کار و حق مسئولیت) اولویت یافته و تداوم فعالیت‌های آن‌ها وابستگی شدیدی به این مشوق‌های بیرونی دارد. این مسئله این پرسش بنیادین را مطرح می‌کند که در صورت حذف مشوق‌های مادی و اداری، پایداری موکب‌ها و نهادهای خدمت‌رسان تا چه میزان حفظ خواهد شد. علاوه بر این، نقدی متوجه خود و همکاران فرهنگی است که نشان می‌دهد بخشی از پایداری در حضور میدانی، متأثر از الزامات سازمانی و نیاز به مستندسازی (آرشیو اداری) است. این واقعیت بیانگر آن است که در نبود نظارت‌های رسمی و هویت‌بخشی‌های اداری، سطح انگیزه‌های درونی ممکن است دچار تزلزل شود. نتیجه‌گیری حاصل از این مشاهده آن است که «تربیت اسلامی» در پارادایم اهل بیت (ع)، ذاتاً تربیتی «جهادی» و مبتنی بر خودسازی و اخلاص است و نباید با سازوکارهای خشک و صرفاً «اداری» اشتباه گرفته شود یا تقلیل یابد.

محمدحسین ناظمی اشنی

هیئت علمی گروه معارف دانشگاه فرهنگیان استان قم

## یادداشت صد و سی و نه تربیت سیاسی در جنگ

قریب به دو هفته است که از شروع جنگ تحمیلی رمضان می‌گذرد. دشمنان خیال می‌کردند با به شهادت رساندن رهبر معظم انقلاب و حملات سنگین به نقاط کلیدی کشور، زمینه سرنگونی نظام جمهوری اسلامی را فراهم خواهند ساخت؛ قطعاً آنان درکی از معارف و درس‌هایی که این ملت از حماسه عاشورا دریافت کردند، نداشته و نخواهند داشت. سربازان مقتدر قائد شهید به‌خوبی توانستند پاسخی کوبنده به جنایتکاران بی‌آبرو و فاسد آمریکایی و صهیونیستی دهند و آن‌ها را دچار آشفتگی و درهم‌ریختگی تاکتیکی و استراتژیک سازند. دفاع مقتدرانه و مواجهه آگاهانه نیروهای مسلح و همدلی و یکپارچگی مردم غیور ایران در این برهه، ناظر به تربیت سیاسی بی‌بدیل این ملت است. در این‌بین، نقش نظام تربیتی، بسیار مورد تأکید قرار دارد. به گفته ارسطو: «در میان تمام چیزهایی که بیان کرده‌ام، آنچه بیشترین سهم را در دوام و قوام قوانین دارد، سازگاری آموزش و پرورش با نوع دولت است و این چیزی است که جهانیان از آن غافل هستند. بهترین قوانین نیز حتی اگر توسط تمام افراد جامعه هم معتبر و مشروع دانسته شود، در صورتی ارزش و اعتبار خواهند داشت که به‌وسیله‌ی آموزش و پرورش به نسل جوان آموخته شوند و آموزش و پرورش نیز با قوانین مزبور تطابق داشته باشند. از این‌رو، الگوی تربیت سیاسی در حکومت دینی، متفاوت از الگوهای دیگر است و برای ارائه یک الگوی صحیح تربیت سیاسی در آن به اصول معرفت‌شناختی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسانه برآمده از متون و منابع دینی مراجعه می‌گردد. تربیت سیاسی در حکومت دینی، نوعی تربیت دینی در بعد سیاسی آن محسوب می‌شود. این در حالی است که در دانش سیاسی غربی‌ها، تربیت سیاسی بدین معنا جایگاهی ندارد.

### فاطمه سوری

مأمور آموزشی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان همدان

## یادداشت صد و چهل

### بررسی جامعه‌شناختی و تربیتی «شهادت‌طلبی» به‌عنوان مدلی در برابر نگاه‌های ماتریالیستی

در ادبیات سیاسی و اجتماعی انقلاب اسلامی، مفاهیمی همچون «ایثار» و «شهادت» فراتر از مفاهیم صرفاً نظامی قرار دارند و به‌عنوان یک «پدیده تربیتی» و «هویت‌بخش» مطرح می‌شوند. متون ادبی و حماسی کهن ایران، همواره در پیوند با آموزه‌های قرآنی، الگویی از مقاومت را ارائه داده‌اند که در آن، حیات اجتماعی بر پایه‌ی «وفا» به آرمان‌ها و «ولایت» استوار است. این نوشتار به بررسی علمی رویکرد تربیتی جامعه‌ای می‌پردازد که هویت خود را در فداکاری به آرمان‌های تمدن اسلامی ایرانی‌اش می‌داند. چارچوب نظری و جامعه‌شناختی از منظر جامعه‌شناسی، هر جامعه‌ای برای بقا نیاز به «ارزش‌های مشترک» دارد. در جامعه ایرانی، با توجه به شرایط کنونی و تهاجمات فرهنگی، ارزش‌های مبتنی بر «لیبرالیسم» و «سکولاریسم» که مبنای آن‌ها لذت‌گرایی و مادی‌گرایی است، با خلأ معنوی مواجه شده‌اند. در مقابل، الگوی «جامعه‌ی ولایی» با محوریت ایثار، نوعی «سرمایه اجتماعی عاطفی» ایجاد می‌کند. پژوهش‌های فرهنگی نشان می‌دهد که جوامعی که در آن‌ها «خودگذشتگی» به‌عنوان یک ارزش تربیتی نهادینه شده باشد، در برابر بحران‌ها و طوفان‌ها تاب‌آوری بالاتری دارند. رویکرد تربیتی و نقش خانواده و آموزش تربیت در «الگوی حاکم تربیتی»، صرفاً انتقال دانش نیست، بلکه «شکل‌دهی به نگرش» نسبت به زندگی و مرگ است. شهادت‌طلبی در فرهنگ اسلامی-ایرانی، به معنای نابودی زندگی نیست، بلکه به معنای «تعالی» و «خدمت‌رسانی» به جامعه است. این رویکرد تربیتی مستلزم آن است که نهادهای آموزشی و خانواده، مفاهیم «افتخار» و «بتهاج» معنوی را که ناشی از ایثار است، جایگزین «شکوفایی فردگرایانه» کنند. این امر باعث می‌شود نسل جدید، در برابر موج‌های فرهنگی غربی که بنیان‌های سکولار را ترویج می‌دهند، ایمن بماند. نتیجه‌گیری تاریخی گواهی می‌دهد که ملت‌هایی که هویت خود را با خون و ایثار پیوند زده‌اند، دارای پایداری تاریخی هستند. در شرایط کنونی جامعه ایران، تقویت رویکرد تربیتی مبتنی بر «ولایت‌مداری» و «ایثار»، نه تنها یک ضرورت عقیدتی، بلکه یک راهکار علمی برای افزایش انسجام اجتماعی و مقابله با بحران‌های هویتی است. این الگو با چالش کردن بنیان‌های ماتریالیستی، راهی برای سعادت و تعالی جامعه ترسیم می‌کند.

امیر پورشاهرودی

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، استان گلستان

## یادداشت صد و چهل و یک

### چرا حضور پررنگ در خیابان، کمتر از بستن تنگه هرمز نیست؟ و چرا این حضور، بزرگ‌ترین تهدید برای دشمن و کلیدترین پیروزی برای ماست؟

۱. خیابان، خط مقدم واقعی جنگ در شرایط پیش آمده این بار نه سخن از آشوب و نه اغتشاش بلکه شروع جنگ شهری است: جنگی ترکیبی، هوشمند و هدفمند، که دشمن از راه دور آغازش کرده و حضور شهروندی در خیابان، امروز، نخستین خط دفاع از هویت و امنیت کشور است. در برابر یک جنگ تمام‌عیار حضور پررنگ در خیابان، یعنی نگهداری فضای عمومی، جلوگیری از شلیک‌های تروریستی، تقویت حضور امنیتی\_نظامی و اولین خط دفاع هویتی و امنیتی کشور.<sup>۲</sup> تأثیرات زنجیره‌ای خلوت‌سازی خیابان اگر خیابان خلوت شود، شش گزاره بحرانی به‌صورت هم‌زمان رخ می‌دهد: تمرکز حاکمیت از تقابل با دشمن خارجی (آمریکا و اسرائیل) به داخل کشور متوجه می‌شود یعنی منابع و تمرکز، به‌جای دفاع، به سمت کنترل داخلی می‌رود. بستر ترورهای هدفمند فراهم می‌شود: تروریست‌ها، ناتوان در دستیابی به اهداف با بمباران، «تک‌تک افراد» در خیابان را هدف می‌گیرند و ترور به راه می‌اندازند با کشته‌سازی بالا سازمان‌های حقوق‌بشری و بین‌المللی فعال می‌شوند، اجماع جهانی علیه ما شکل می‌گیرد، و تهاجم دشمن مشروعیت سیاسی و اخلاقی پیدا می‌کند. نیروهای خط مقدم (موشکی، پدافندی) مجبورند از موقعیت‌های دفاعی خود خارج شوند تا به خیابان‌ها رفته و با تروریست‌ها درگیر شوند — که این، ناهماهنگی دفاعی ایجاد می‌کند. هزینه‌های انسانی و اقتصادی به‌سرعت افزایش می‌یابد روحیه دشمن تقویت می‌شود وقتی خیابان پر است، دشمن می‌فهمد: «مقاومت واقعی شروع شده» اما اگر خیابان خلوت شود. به دشمن در حال شکست روحیه مضاعف می‌دهد و او احساس می‌کند «هیچ مقاومتی وجود ندارد» و اقدامات را برای رسیدن به اهداف ادامه می‌دهد.

### حمید مریدیان

عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان سمنان

## یادداشت صد و چهل و دو

### چالش‌های تربیتی در مواجهه با ارزش‌های دموکراسی وارداتی

دموکراسی وارداتی، یک الگویی تقلیدی از نظام‌های سیاسی غربی است که اغلب بدون درک عمیق از بستر فرهنگی و اجتماعی کشور میزبان اجرا می‌شود. از دیدگاه آنتونیو گرامشی، این نوع دموکراسی، بخشی از سازوکار هژمونی فرهنگی غرب و به‌ویژه آمریکا در جوامع پیرامونی است. قدرت مسلط، تنها از راه اجبار سیاسی عمل نمی‌کند، بلکه سلطه خود را از طریق نفوذ فرهنگی تثبیت می‌کند. در این چارچوب، دموکراسی وارداتی، به ظاهر انتقال ارزش‌های لیبرال است، اما در عمل به تقویت هژمونی آمریکا می‌انجامد؛ نهادهایی مانند آموزش و دانشگاه در چنین جوامعی، به محل بازتولید گفتمان غربی تبدیل می‌شوند و تربیت دانشجویان نه بر اساس هویت بومی، بلکه بر پایه معیارهای نظم جهانی آمریکامحور صورت می‌گیرد. دانشجوی به‌جای پرورش تفکر انتقادی و بومی، اغلب به پذیرنده منفعل ارزش‌های غربی بدل می‌شود. گرامشی تأکید می‌کند هرگاه میان وعده دموکراسی و واقعیت، شکاف ایجاد شود، بحران مشروعیت رخ می‌دهد. این روزها همه جهان، پی برده‌اند که دیگر آمریکا، قدرت مسلط جهان نیست، همه آزادگان جهان با اقتدا به امام زمان (عجل الله) این هژمونی را در هم شکسته‌اند. در این شرایط، رسالت اساتید و نظام آموزشی حیاتی است. اگر نظام آموزشی آگاهانه هدایت شود، می‌تواند روشنفکر ارگانیک پرورش دهد و به گذار از تقلید به خودآگاهی فرهنگی بینجامد. امید است ما بتوانیم با پیروی از آرمان‌های رهبر شهیدمان و بیعت با خلف صالح ایشان، دانشگاه را از ابزار بازتولید هژمونی جهانی به کانون زایش خودآگاهی فرهنگی و اجتماعی تبدیل نماییم.

#### سمیه حقی

عضو هیئت علمی گروه آموزش علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان استان لرستان



## یادداشت صد و چهل و سه

### دانشگاه فرهنگیان به عنوان دانشگاه تمدن ساز جنگ رمضان

جنگ بین دو تمدن است؛ تمدن غرب در مقابل تمدن ایرانی اسلامی. رهبر شهید و فرزانه ما آیت الله امام خامنه‌ای (رضوان الله علیه)، به تعریف تمدن با رویکرد اسلامی پرداخته بود و در تعریف تمدن اسلامی آن را تمدنی می‌دانست که با ویژگی‌های ایمان و علم و اخلاق، مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا همراه است. رهبر شهیدمان تأکید می‌کرد که راه دستیابی به تمدن تعلیم و تربیت است. دانشگاه باید راه اعتلای تمدن نوین اسلامی را فراهم کند، دانشگاهی که در آن به معنویت، ارزش‌ها و انسان‌سازی تأکید می‌شود. نقش و اهمیت دانشگاه فرهنگیان به عنوان مرکز تربیت‌کننده نیروی انسانی موردنیاز آموزش و پرورش و تربیت‌کننده نسل آینده جامعه بر هیچ‌کس پوشیده نیست چنانکه در اساسنامه دانشگاه فرهنگیان آمده است: دانشگاه فرهنگیان دانشگاهی برای تأمین، تربیت و توانمندسازی منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش؛ پیشرو در آموزش، پژوهش، تولید و ترویج علم، سرآمد در آموزش و شایستگی‌های حرفه‌ای و تخصصی تربیت محور، توانمند در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین آموزشی و تربیتی در انجام مأموریت‌ها، مبتنی بر معیارهای نظام اسلامی، توانمند در زمینه‌سازی برای شکوفایی فطرت، استعدادها و شکل‌گیری هویت یکپارچه اسلامی- ایرانی- انقلابی دانشجو معلمان است که وظیفه تربیت نسلی پویا و فکور را به عهده دارند. از این رو این دانشگاه می‌تواند تقویت‌کننده تمدن نوین اسلامی ایرانی باشد. برای تحقق این هدف بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب دانشگاه فرهنگیان می‌بایست با بهره‌گیری از علم و پژوهش، اهتمام جدی به تقویت تقوا، اخلاق‌مداری و معنویت، تزریق روحیه خودباوری و آرمان‌گرایی به دانشجو معلمان و تغییر سبک زندگی به سبک زندگی اسلامی پیشرو باشد.

### رؤیا قوانلو

مأمور آموزشی دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان استان گلستان

## یادداشت صد و چهل و چهار

### تربیت و میهن‌دوستی: آمیختگی عشق به وطن با جوهر تربیت در آینه ادبیات فارسی

میهن‌دوستی، نه صرفاً احساسی زودگذر، بلکه ریشه‌ای عمیق در هویت و تربیت انسان دارد. در مکتب غنی ادبیات فارسی، این عشق به وطن همواره ستایش شده و در تاروپود اشعار و آثار کهن تنیده است. حافظ شیرین‌سخن می‌سراید: «سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند؟ همدم گل نمی‌شود یاد سمن نمی‌کند» که در این بیت خاک وطن را ارجمند خوانده است؛ و فردوسی طوسی، حماسه‌سرای بزرگ ایران، وطن را چون گوهری بی‌همتا وصف می‌کند: «بسی رنج بردم بدین سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی چنین گفت کائن پهلوان با سپاه گرانمایه تر بود از گنج کاه» و شاعر عصر مشروطه فخر عظمی ارغون در مورد وطن چنین می‌سراید: «جان و تن من باد فدای وطن من آری به فدای وطنم جان و تن من جان چیست؟ ز جان بهتر و شیرین‌تر و خوشتر گر زانکه مرا هست، فدای وطن من» تربیت صحیح، این گوهر گران‌بهای میهن‌دوستی را در دل‌ها شکوفا می‌سازد. چنانکه در نهج‌البلاغه، مولای متقیان، علی (ع)، بر اهمیت پاسداشت وطن و جایگاه رفیع آن در تربیت انسان تأکید می‌ورزند: «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ» (دوستی وطن از ایمان است). این حدیث شریف، پیوند ناگسستنی میان عشق به وطن و ایمان را آشکار می‌سازد و بر مسئولیت ما در قبال آموزش این فضیلت به نسل‌های آینده صحه می‌گذارد. در دوران دفاع مقدس، شاهد تجلی باشکوه میهن‌دوستی در قامت رزمندگانی بودیم که با الهام از آموزه‌های دینی و فرهنگی، با دشمن جنگیدند. اینان، نه‌تنها فرزندان وطن بودند که تربیت‌یافتگان مکتب عشق به ایران اسلامی به شمار می‌آمدند. درک عمیق این رابطه، ضرورت بازنگری در رویکردهای آموزشی و تربیتی ما را ایجاب می‌کند تا بتوانیم نسلی مؤمن، وطن‌دوست و متعهد در فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی تربیت کنیم.

#### معصومه شصتی

عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجه پردیس شهید مفتاح تهران

## بادداشت صد و چهل و پنج

### تربیت و مقاومت: بررسی روان‌شناختی سازوکارهای مقابله‌ای و تاب‌آوری در کودکان و نوجوانان در جنگ

جنگ، آسیب‌های عمیقی بر روان کودکان و نوجوانان وارد می‌کند. کودکان و نوجوانان در مواجهه با استرس‌های ناشی از جنگ - از جمله ترس از دست دادن عزیزان، ناامنی و تغییرات ناگهانی در محیط زندگی - از راهبردهای مختلفی برای مقابله استفاده می‌کنند. برخی از این راهبردها سازگارانه هستند؛ مانند بازی، صحبت کردن با والدین یا افراد مورد اعتماد و فعالیت بدنی. در مقابل، راهبردهای ناسازگارانه شامل انزوا، پرخاشگری و انکار واقعیت می‌شوند که می‌توانند اثرات منفی بر سلامت روان داشته باشند. والدین و معلمان باید با درک احساسات کودکان و نوجوانان - که ممکن است به شکل‌های مختلفی مانند بی‌قراری، گریه یا خشم بروز کنند - فضایی امن و حمایتی فراهم کنند. آموزش مهارت‌های مقابله‌ای (مانند مدیریت استرس و حل مسئله)، تقویت عزت‌نفس (از طریق تشویق و قدردانی از تلاش‌ها) و ایجاد حس تعلق به جامعه (از طریق فعالیت‌های گروهی و مشارکت در امور اجتماعی) از جمله اقداماتی است که می‌تواند به افزایش تاب‌آوری آن‌ها کمک کند. تاب‌آوری، توانایی بازگشت به حالت تعادل پس از مواجهه با یک رویداد آسیب‌زا است. عوامل متعددی در شکل‌گیری تاب‌آوری نقش دارند، از جمله: حمایت اجتماعی قوی، داشتن یک سیستم ارزشی قوی، مهارت‌های حل مسئله و توانایی تنظیم هیجانات. در بستر فرهنگ ایرانی و اسلامی، ارزش‌هایی همچون مقاومت، ایثار و امید می‌توانند به‌عنوان منابع مهمی برای تاب‌آوری در کودکان و نوجوانان عمل کنند.

محمد باردل

عضو هیئت علمی گروه آموزش راهنمایی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان آذربایجان غربی

## یادداشت صد و چهل و شش

### دانشگاه فرهنگیان؛ خاستگاه تمدن ساز و مأمین پرورش مجاهدان علمی و فرهنگی

دانشگاه فرهنگیان به‌مثابه نهادی آموزشی و تربیتی، رسالتی بس خطیر در معماری آینده‌ای روشن و پایدار برای میهنمان ایران را بر عهده دارد. در مقطع حساس کنونی، این دانشگاه می‌تواند با تربیت نسلی آگاه، متعهد و بصیر، ستون‌های هویت ملی و اسلامی را استوارتر سازد. در این راستا، مکتب تربیتی شهید امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به‌عنوان الگویی جامع و پیشرو، بر ضرورت تربیت سیاسی و اجتماعی تأکید دارد؛ مکتبی که در میدان نبرد نرم، به‌عنوان ابزاری کارآمد در ارتقای روحیه مقاومت و میهن‌دوستی عمل می‌کند. باید توجه داشت که مفهوم مقاومت، تنها در ابعاد نظامی خلاصه نمی‌شود، بلکه در عرصه‌های علمی و فرهنگی نیز بایستی به‌عنوان یک اصل محوری موردتوجه قرار گیرد. تدوین و اجرای یک «برنامه درسی انقلابی» که بر مبنای هویت ایرانی و اسلامی طراحی شده، می‌تواند به دانشجویان و معلمان آینده کمک کند تا با بهره‌گیری از ابزار «دشمن‌شناسی» و شناخت دقیق تهدیدات فرانو، به‌عنوان مدافعان واقعی و هوشمند فرهنگ و ارزش‌های دینی در عرصه جامعه حضور یابند. درنهایت، دانشگاه فرهنگیان با بهره‌گیری از رویکردهای قرآنی، حدیثی، تاریخی و جامعه‌شناختی، می‌تواند به‌عنوان یک «دانشگاه تمدن ساز» نقشی بی‌بدیل در پرورش نسل آینده ایفا کند. این نهاد علمی باید با تکیه بر اصول پژوهش و تفکر انتقادی، فرهنگ پژوهش‌محوری را نهادینه کرده و در راستای تحقق اهداف عالیه و آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی ایران گام‌های استواری بردارد.

#### زهرایارمرادی

هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان لرستان

## یادداشت صد و چهل و هفت دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان دانشگاه تمدن ساز

دانشگاه فرهنگیان در مسیر «تمدن سازی»، رسالتی بسیار فراتر از آموزش صرف دارد؛ چراکه سنگ بنای هر تمدنی، انسان‌های آن جامعه و هویتی است که به آن تکیه می‌کنند. در این میان، وطن‌دوستی، همان نیروی محرکه‌ای است که به این سازندگی جهت و معنا می‌بخشد. تربیت مبتنی بر تمدن و وطن‌دوستی در این دانشگاه، نباید تنها به برانگیختن احساسات محدود شود، بلکه باید به یک شناخت عمیق از تاریخ، فرهنگ و ظرفیت‌های ایران‌زمین تبدیل گردد. اگر دانشجو معلم ما با چنین نگاه اصیل و خردمندانه‌ای به میهن خویش و بر پایه داشته‌های ارزشمند تمدن خود تربیت شود، این عشق و تعهد آگاهانه را به‌طور طبیعی به کلاس و در نتیجه به نسل‌های آینده انتقال می‌دهد. در واقع، دانشگاه تمدن ساز از همین نقطه شکل می‌گیرد؛ جایی که با نهادینه کردن هویت ملی در معلمان، بذر خودباوری، امید و مسئولیت‌پذیری برای آبادانی و شکوفایی همه‌جانبه کشور، در دل دانش‌آموزان ما نشانده می‌شود. در این مجال باید در جهت وصول به (نهادینه کردن) تمدن سازی در دانشگاه فرهنگیان به موارد مهم زیر اشاره کنیم: ۱- تبیین تاریخ، تمدن، فرهنگ و عزت غرورآفرین ایران و ایرانی در طول تاریخ ۲۵۰۰ ساله آن ۲- اصالت، نجابت، شجاعت و وطن‌دوستی ایرانیان در طول تاریخ با بیان کردن شواهد عینی مانند حماسه‌آفرینی‌های کوروش کبیر، نادرشاه افشار، کریم‌خان زند، و رهبران و سرداران فعلی کشور به‌خصوص در ایام ۸ سال دفاع مقدس و جنگ‌های اخیر ۳- تشریح پیشرفت‌های علمی کشور و مقایسه تطبیقی با سایر کشورها ۴- بیان ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها، ذخایر معدنی غنی نفت، گاز و... ۵- بیان ویژگی‌های فاخر ساکنان ایران‌زمین؛ مانند ساختار خانواده، جایگاه ارزشمند زنان، محبت و نوع‌دوستی، مهمان‌نوازی و... ۶- معرفی آثار باستانی و میراث ارزشمند در جای‌جای این کشور به‌عنوان نماد عظمت، شکوه و تمدن ایرانی-اسلامی ۸- تبیین خاستگاه علمی، ادبی، فرهنگی جهان از منشأ کشور ایران با وجود دانشمندان، علما و عرفایی همچون ابوعلی سینا، حافظ، سعدی، رازی، رودکی، مولوی، و دانشمندان نجوم، هسته‌ای، هوافضا و... ۹- معرفی موقعیت جغرافیایی فوق‌العاده استراتژیک ایران به‌عنوان شاهراه اتصال غرب و شرق با توجه به موارد بالا یکی از مهم‌ترین اهداف دانشگاه فرهنگیان توسعه و انتقال میراث فرهنگی و پیشینه کشورمان است. ایرانی که با داشتن تمدنی کهن پشوتانه‌ای بسیار ارزشمند برای ساختن هویتی پرارزش دارد. قطعاً ارائه آموزشی با تأکید بر وطن‌دوستی در راستای حفظ و تحکیم بخشی به هویت متمدن ایرانی به دانشجو معلمان و سپس انتقال آن به دانش‌آموزان بسیار کارآمد خواهد بود.

زهرا شارقى

مأمور آموزشی گروه آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان شهرکرد

## یادداشت صد و چهل و هشت

حضور گسترده ایرانیان در خیابان‌ها و حمایت قاطع آنان از تمامیت سرزمینی‌شان، موضوعی است که نیازمند واکاوی روان‌شناختی است. به‌عنوان یک اصل اولیه و زیربنایی می‌دانیم؛ هر رفتاری تابع عوامل متعدد است، که چه‌بسا نتوان همه آن‌ها را، شناسایی، توصیف و تحلیل نمود. ازجمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار میزان وجود سرمایه‌های روان‌شناختی در افراد شرکت‌کننده در این اجتماعات است که به آن‌ها کمک می‌کند در شرایط بحران، تصمیماتی مطابق با ارزش‌های خود بگیرند. اولین سرمایه، خودکارآمدی است؛ یعنی باور فرد به توانایی کنترل نتایج و غلبه بر چالش‌ها. ایرانیان نشان داده‌اند که معتقدند بر مشکلات سر راه آرمان‌های جمعی خود غلبه خواهند کرد. سرمایه دوم، خوش‌بینی است که انتظار تحقق نتایج مثبت را حتی در سخت‌ترین شرایط، مانند شهادت فرماندهان، به همراه دارد. این ویژگی در فرهنگ شیعه ریشه عمیق دارد و یادآور کلام تاریخی حضرت زینب (س) است که فرمود: ما رأیت الا جمیلاً سرمایه سوم، امید است؛ حالتی انگیزشی که حرکت به سمت اهداف را ممکن می‌سازد. این امید در شعارهای ملت مانند «ملت صاحب زمان، کی بشود ناامید؟» کاملاً مشهود است. درنهایت، سرمایه چهارم تاب‌آوری است. تاب‌آوری مقاومت منفعلانه در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدیدکننده نیست بلکه سازگاری مثبت در برابر شرایط ناگوار است. مردم با وجود تهدیدات مختلف، به‌عنوان عناصری فعال و سازنده به مسیر خود ادامه می‌دهند. عنصر اصلی که ترکیب این عوامل را به شکوهی ستودنی تبدیل می‌کند، «معنا» است. معنایی که ریشه عمیقی در اعتقاد به آیات نورانی قرآن کریم ازجمله آیه شریفه «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» دارد.

### پیمان کامکار

استادیار گروه امور تربیتی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مدرس ایلام

## یادداشت صد و چهل و نه

### حکمرانی تربیتی و مدیریت پرورش سیاسی در شرایط جنگ

تربیت سیاسی در ادبیات نوین تعلیم و تربیت به عنوان یکی از ابعاد اساسی تربیت شهروندی شناخته می‌شود و به فرایندی اشاره دارد که طی آن افراد به درکی آگاهانه از مسئولیت‌های اجتماعی، هویت ملی و نقش خود در حیات جمعی جامعه دست می‌یابند. در شرایط بحران‌های ملی و جنگ، این بعد از تربیت اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند؛ زیرا نظام آموزشی به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های شکل‌گیری آگاهی اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی تبدیل می‌شود. از منظر مدیریت آموزشی، تحقق تربیت سیاسی در چنین شرایطی مستلزم نوعی حکمرانی تربیتی هوشمند است. در این رویکرد، مدیران آموزشی و سیاست‌گذاران باید میان اهداف برنامه درسی، نیازهای اجتماعی و اقتضائات فرهنگی جامعه پیوندی معنادار برقرار کنند. پژوهش‌های حوزه رهبری آموزشی نشان می‌دهد که در شرایط بحرانی، الگوهای مدیریتی مبتنی بر رهبری تحول‌آفرین و مشارکتی می‌توانند نقش مؤثری در تقویت همبستگی سازمانی و به تبع ملی، افزایش اعتماد اجتماعی و هدایت فرآیندهای تربیتی ایفا کنند. در این چارچوب، مدرسه و دانشگاه نه تنها نهادهای انتقال دانش، بلکه فضاهایی برای پرورش انسان‌هایی مسئول و آگاه تلقی می‌شوند. مدیران آموزشی، اساتید و معلمان با طراحی فرصت‌های یادگیری مبتنی بر گفت‌وگو، تحلیل انتقادی رویدادهای اجتماعی و بهره‌گیری از منابع فرهنگی و تاریخی جامعه می‌توانند زمینه شکل‌گیری فهمی عمیق‌تر از مسئولیت مدنی و تعهد اجتماعی را در میان فراگیران فراهم سازند. بدین ترتیب، تربیت سیاسی در شرایط جنگ، زمانی اثربخش خواهد بود که در قالب مدیریت تربیتی آگاهانه، برنامه‌ریزی درسی هدفمند و رهبری آموزشی مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی و هویتی جامعه سامان یابد.

سارا عابدی کوشکی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان گلستان

## یادداشت صد و پنجاه

### دیگر انگیزه‌ای برای تدریس دروس حقوق بین‌الملل ندارم

قریب به چهل سال در نظام آموزشی ایران بی‌وقفه تدریس نموده‌ام و عمده دروس تدریس من هم مباحث علوم تربیتی، علوم اجتماعی و علوم سیاسی بوده است و البته این مسئله به خاطر تحصیلات متعدد و علاقه‌مندی به حوزه‌های مختلف بوده است. در سال‌های طولانی تدریسم، برای دانشجویان رشته‌های علوم سیاسی، مطالعات منطقه‌ای و حقوق، درس حقوق بین‌الملل را با تلمذ در کلاس‌های اساتید بنام ایران، تلاش کرده‌ام با خوش‌بینی برآمده از زایش حقوق بین‌الملل در سده گذشته و نهادگرایی جامعه جهانی در قالب ساختار سازی و تسری مبانی بنیادین حقوق بین‌الملل در حوزه‌های مختلف با انگیزه‌های مضاعف، فضایی از امید و اخلاق را در فضای جامعه جهانی در ذهن دانشجویانی ترسیم کنم. لیکن رفتارشناسی دولتمردان ایالات متحده و برخی استعمارگران دنیای امروز، نشانگانی تاریک از اعتقاد به حقوق بین‌الملل را به تصویر می‌کشد. آنچه در سه سال گذشته در غزه رخ داده عبور کشورها از قواعد اساسی جامعه جهانی است و سکوت مصلحت‌آمیز برخی دول مدعی حقوق بشر تأکیدی بر چشم‌پوشی جامعه جهانی از سنت‌های حقوق بین‌الملل است. تهاجم دوازده‌روزه رژیم غاصب اسرائیل بر خاک پاک ایران با حمایت دولتمردان ایالات متحده مصرحا به بازی گرفتن حقوق بین‌الملل در مقابل سیاست بین‌الملل بود. ربایش مادورو در ونزوئلا آغاز پایان حقوق بین‌الملل بود و حمله نهم اسفند ۱۴۰۴ به ایران و به شهادت رساندن رهبر قانونی کشوری به رسمیت شناختن عصر هژمونی و افول همه تلاش‌های دانشمندان حقوق بین‌الملل و ساختارهای آن است. اینک به‌عنوان استاد جامعه دانشگاهی رسماً پایان حقوق بین‌الملل را اعلام نموده و ابرام می‌دارم از این تاریخ هیچ انگیزه‌ای برای تدریس درس حقوق بین‌الملل ندارم؛ چراکه نمی‌توانم برای دانشجویانم از قواعدی صحبت کنم که نظام بین‌الملل هیچ اعتقادی به خاطر هژمونی ایالات متحده بر آن ندارد. شما چگونه می‌اندیشید؟

### بهنام صحرانورد

دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه طباطبائی اردبیل



## یادداشت صد و پنجاه و یک

### تربیت و میهن‌دوستی

تربیت و یا پرورش همان رشد همه‌جانبه‌م‌تری در جهت رسیدن به اهداف عالیه انسانی است. تربیت اسلامی گامی در جهت تکوین هویت م‌تری است؛ رشد هویت ملی و اسلامی. در این فرایند عوامل مختلفی همچون؛ خانواده، مدرسه حکومت تأثیرگذارند. بنابراین یکی از وظایف تعلیم و تربیت، ولایت‌پذیر بار آوردن م‌تریبیان در جامعه اسلامی است. مدرسه اسلامی همان‌طور که در سند تحول آماده است، مدرسه صالح است که سعادت حقیقی را از سعادت کاذب جدا می‌کند و حس میهن‌دوستی و پایداری و مقاومت را در م‌تریبیان متعالی می‌کند. نماد بارز میهن‌دوستی؛ انسجام و یکپارچگی اعضای جامعه در شرایط جنگی تحمیلی امروز است. لذا بر همه معلمان و اساتید دانشگاه به‌عنوان سکان‌داران عرصه تعلیم و تربیت، واجب است که جهاد تبیین را در کلاس‌های درس به بهترین شکل ممکن انجام دهند. استمرار در این مهم با موضوع ولایت و امامت تضمین می‌گردد. در سایه چنین تعلیم و تربیتی م‌تریبیان ولایت‌پذیر با اشتیاق به دفاع از منافع میهن خود می‌پردازند و آمادگی جهت هرگونه فداکاری و پاسداری از استقلال سیاسی و اقتصادی کشور و دفاع از هویت ملی را دارا می‌باشند. در پایان باید ذکر کنم که رژیم کودک کش و سفاک آمریکا و اسرائیل بیشتر از هرزمانی ملت ایران متحد کرده‌اند علی‌رغم میل وجودی‌شان.

### ناهید حیدری

عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان همدان

## یادداشت صد و پنجاه و دو

### برنامه درسی و مقاومت

یکی از انواع برنامه‌های درسی، برنامه درسی غیررسمی است که معمولاً از طریق تعاملات اجتماعی در فضای مجازی و محیط پیرامون و ... می‌آموزیم. امروز که وطن عزیزمان به وسیله دشمن آمریکایی - صهیونی با هزاران مکر و حيله هدف قرار گرفته است. ما آموزش را به کف خیابان‌ها آورده‌ایم و آموزش را نه تنها به فرزندان عزیزمان تعطیل نکرده‌ایم بلکه اولیا و کل جامعه را تحت پوشش قرار داده‌ایم. آموزش از طریق برنامه غیررسمی که یکی از رویکردهای مهم آموزش در دانشگاه‌ها و مدارس است به ما کمک می‌کند تا آموزش از طریق بعد زمانی و مکانی توسعه پیدا کند و به خیابان و اجتماع میلیونی شهرها برسد. با توجه به اهمیت این رویکرد مراکز آموزشی و در کنار آن استادان و معلمان و همه نیروهای صف و ستاد با تأسی از فرمایشات رهبر شهید و جانشین شجاع و خلفشان، باید درس پایداری و مقاومت و ایثار و حس وطن‌دوستی را در لابه‌لای مباحث خود در فضای ارتباطی و مجازی از طریق پیام‌های تصویری و صوتی و نوشتاری پررنگ‌تر نمایند و با دعوت به خیابان و حضور چشمگیر و فعال درس شهادت و ایثار و انسجام و یکدلی را در بین مردم تجربه نموده و یار و یاور میدان و رزمندگان دلیر و شجاع باشند دانش‌آموزان با حضور خود و شنیدن خاطرات سرداران و سربازان شهید در جبهه‌های هشت سال دفاع مقدس و جنگ دوازده‌روزه و مشاهده فیلم‌ها و کلیپ‌های مبارزه رزمندگان جان‌برکف به اهمیت دفاع پی برده و روحیه‌ی ستیز و جنگاوری با دشمن را تقویت کرده و نور امید در دل‌هایشان جلوه نماید و در نهایت خیابان کلاس درس استقامت و مقاومت است.

### قهرمان مددلو

عضو هیئت علمی گروه آموزش امور تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت صد و پنجاه و سه

### جنگ رمضان بازآفرینی معنا در میدان تعلیم و تربیت

رمضان امسال تنها فصل حماسه نبود، درس انسان‌سازی بود. در هنگامه‌ای که خاک می‌سوخت و ایمان می‌رویید، مأموریت معلم آغاز شد؛ نه در کلاس‌های معمول، بلکه در کلاس‌های تاریخ و زمان. آنجا که تربیت از کتاب جدا شد و به تجربه زیسته جهاد و مقاومت پیوست. جنگ رمضان نشان داد که آموزش اگر از تعهد تهی شود، علمش خالی خواهد بود. دفاع مقدس تعریف تازه‌ای از تربیت به دست داد: تربیتی که زیربنای امید است، ریشه در معرفت دینی دارد و جان را آماده خدمت و ایثار می‌کند. در این نگاه هر درس، تکه‌ای از میهن است و هر پژوهش، سنگری از ایمان. دانشگاه فرهنگیان باید این رویداد را به فرصت تأمل تبدیل کند: چگونه می‌توان از میدان جنگ، الگوی تربیتی برای زمان صلح استخراج کرد؟ چگونه می‌توان روح ایستادگی را در قالب برنامه درسی روایت ادبی و تحلیل روان‌شناختی وارد جریان آموزش کرد؟ پاسخ این پرسش‌ها آغاز تمدن‌سازی آموزشی است. در جنگ رمضان معلم تنها شاهد نبود؛ وارث یک بینش بود. بینشی که در آن شناخت دشمن، شناخت خویشتن است و تربیت نسل نو، ادامه همان خط جهاد فکری است که امام شهید پیش از همه آغاز کرد. این رسالت هنوز جاری است رسالت معلمی که می‌داند وطن را باید با دانش و عشق ساخت. جنگ رمضان نه یک خاطره دور، که یک آزمایشگاه عملی برای فهم عمیق‌تر تربیت و آموزش است. این نبرد به ما آموخت که چگونه در مواجهه با هجمه‌های فکری و عقیدتی، نسلی مقاوم آگاه و امیدوار بسازیم. برای دانشگاه فرهنگیان این رویداد، فرصتی بی‌بدیل برای بازنگری در برنامه‌های درسی و رویکردهای تربیتی است. وقتی از مکتب امام شهید در این میدان سخن می‌گوییم مقصود، تربیت معلمانی است که بتوانند مفاهیم «ایران‌دوستی» و «اسلام‌خواهی» را نه به صورت شعاری، بلکه در تاروپود مهارت‌های حرفه‌ای خود بگنجانند. این یعنی، تحلیل عمیق شناخت دشمن در قالب دروس جامعه‌شناسی آموزش و پرورش و تلفیق مقاومت با خلاقیت در پروژه‌های پژوهشی دانشجویان. کاربردی کردن جنگ رمضان در دانشگاه فرهنگیان یعنی: بازتعریف پرورش: چگونه می‌توانیم از تجربیات دوران دفاع، درس‌هایی برای تاب‌آوری روانی و اخلاقی دانش‌آموزان استخراج کنیم؟ جهاد فرهنگی در دانشگاه: چگونه می‌توان با تولید محتوای آموزشی جذاب، روح امید و خودباوری را در میان اساتید و دانشجویان زنده نگه داشت؟ دانشگاه تمدن‌ساز: فراتر از مرزهای ایران، چگونه می‌توان مفاهیم «عدالت»، «آزادی» و «پاسداری از حقیقت» را که در متن دفاع مقدس بودند، به الگویی جهانی در تربیت نسل‌های آینده تبدیل کرد؟ جنگ رمضان به ما نقشه راهی نشان می‌دهد: تربیت نسلی که نه تنها در برابر سختی‌ها مقاوم است بلکه چون چراغی، راه درست زیستن را به دیگران نیز می‌آموزد. این رسالت راستین معلم انقلابی و دانشگاه تمدن‌ساز فرهنگیان است.

### زهره سادات هاشمی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان گروه آموزش ابتدایی استان تهران

## یادداشت صد و پنجاه و چهار برنامه درسی انقلابی

در شرایط کنونی که جنگی تحمیلی از سوی آمریکای غاصب و رژیم کودک کش صهیونیستی بر کشور ایران تحمیل شده، موضوع برنامه درسی بایستی رویکردی انقلابی داشته باشد. گرچه رسالت یک معلم همواره فراتر از انتقال صرف دانش بوده است اما با عنایت به شرایط کنونی بایستی این رسالت به نوعی رهبری فرهنگی و تربیتی برای حفظ هویت ملی و دینی، تقویت امید اجتماعی و سامان بخشی به همبستگی جامعه تبدیل شود. در چنین فضایی که این روزها بر جامعه حاکم است، معلم نه تنها آموزش دهنده، بلکه هدایت گر فکری نسل جوان است؛ کسی که به دانش آموزان می آموزد ریشه داشتن در فرهنگ، تاریخ و ارزش های بومی، سرچشمه پایداری و مسئولیت پذیری در برابر بحران هاست. از این منظر، کلاس درس به عرصه ای برای پرورش روحیه ایستادگی، مسئولیت پذیری مدنی و مشارکت اجتماعی بدل می شود و تربیت را با دغدغه های واقعی جامعه پیوند می زند. در این میان، دانشگاه فرهنگیان به عنوان کانون تربیت معلمان آینده، نقشی اساسی در شکل دهی به نسلی آگاه، متعهد و دارای بصیرت فرهنگی ایفا می کند. چنین نسلی که معلمان آینده این کیان هستند، باید بتواند با تلفیق دانش، اخلاق و هویت فرهنگی، زمینه ساز شکل گیری جامعه ای پویا و تمدن ساز باشد. تحقق این هدف، مستلزم توجه جدی به مفهوم «برنامه درسی انقلابی» است؛ برنامه ای که صرفاً مجموعه ای از محتواهای آموزشی نیست، بلکه چارچوبی هویت بخش و مسئله محور برای تربیت انسان های مسئول، عدالت خواه و کنشگر اجتماعی به شمار می آید. از سوی دیگر، جنگ حاضر که با جنگ روایت ها، عملیات روانی و رسانه ای همراه است، ضرورت تقویت سواد رسانه ای و تفکر انتقادی را برجسته می سازد. برنامه درسی انقلابی باید دانش آموزان را به توانایی تحلیل پیام های رسانه ای، تشخیص اخبار درست از نادرست و فهم سازوکارهای تحریف واقعیت مجهز کند تا جامعه در برابر موج های ناامیدکننده و تحریف کننده مصون بماند. به طور خلاصه، برنامه درسی در چنین شرایطی باید با تقویت خودباوری ملی، روحیه مقاومت، مهارت های ارتباطی و مشارکت اجتماعی، نسل آینده را برای مواجهه آگاهانه با بحران ها و ساختن آینده ای امیدوارانه و پایدار آماده سازد؛ آینده ای که در آن آموزش، نه صرفاً انتقال دانش، بلکه زمینه ساز شکل گیری جامعه ای آگاه، مسئول و مقاوم خواهد بود.

احسان ططری

استادیار دانشگاه فرهنگیان علامه طباطبائی خرم آباد، لرستان.

## یادداشت صد و پنجاه و پنج برنامه درسی در میدان: تلفیق از درون

شاید وطن‌دوستی و ولایت‌مداری به عنوان دو هدف اساسی در تربیت نسل‌های آینده کشور، از منظر برنامه درسی، نیازمند حمایت محتوایی منسجم‌تر و سازمان‌دهی مؤثرتری باشد. تلفیق بیرونی در برنامه درسی با موضوع «وطن‌دوستی و ولایت‌مدارانه» می‌تواند دوگانگی ظاهری این دو مفهوم اساسی در برنامه درسی را کاهش دهد. موضوعی که شاخص‌های محتوایی آن را می‌توان در مکتب تربیتی شهید امام خامنه‌ای مشاهده کرد. خیزش مردم ایران در جنگ رمضان، پدیده ایست که توأمان مصادیق وطن‌دوستی و ولایت‌مداری را به شکل معجزه‌آسایی با یکدیگر تلفیق کرده است.

### اکبر هدایتی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان همدان.

## یادداشت صد و پنجاه و شش هویت ملی-مذهبی و ارتقای تاب‌آوری فرهنگی نسل آینده: رویکردی قرآنی و روایی

در دوران معاصر با رشد تکنولوژی‌های ارتباطی و افزایش بحران‌های اجتماعی، کودکان و نوجوانان با موجی از چالش‌های هویتی و تهدیدات فرهنگی مواجه هستند که می‌تواند ساختار شخصیتی و اجتماعی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. در این میان، مفهوم تاب‌آوری فرهنگی به‌عنوان توانایی فرد یا جامعه برای حفظ ارزش‌ها و هویت خویش در برابر فشارها و بحران‌ها، اهمیتی حیاتی می‌یابد. در این راستا رشد هم‌زمان هویت ملی و مذهبی، به‌عنوان یک سیستم ایمنی روانی-اجتماعی عمل کرده و زمینه لازم برای رشد تاب‌آوری را فراهم می‌کند. استفاده از آموزه‌های قرآن کریم و روایات معصومین (ع)، ضمن تبیین رابطه میان این دو متغیر و رشد تاب‌آوری در دوران کودکی و نوجوانی، مسیری برای تربیت نسل آینده با هویتی منسجم و تاب‌آور فراهم می‌نماید. شکل‌گیری هویت دینی به‌عنوان هسته مرکزی تاب‌آوری فرهنگی، اولین و بنیادی‌ترین لایه‌ای است که باید در تربیت کودک موردتوجه قرار گیرد. از منظر روانشناسی اسلامی، ایمان به خدا نقش «پایگاه امن» را برای کودک و نوجوان ایفا می‌کند. قرآن کریم در سوره منافقون، آیه ۸ می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ...». این آیه بیانگر آن است که منشأ اصلی عزت، اقتدار و تاب‌آوری، ایمان و پیوند با خداست؛ بنابراین با تکوین هویت دینی مبتنی بر باورهای عمیق و کسب اعتمادبه‌نفسی خداپاورانه، کودک و نوجوان در برابر بحران‌های فردی و فشارهای گروهی همسالان مصون خواهد ماند. همچنین امام صادق (ع) در حدیثی مشهور می‌فرماید: «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ»، این بیان نشان می‌دهد که تاب‌آوری (صبر) جزء جدایی‌ناپذیر ایمان است و رشد هویت دینی مستقیماً ظرفیت تحمل سختی‌ها را در کودکان افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، تاب‌آوری فرهنگی نیازمند نوعی همبستگی و انسجام اجتماعی (هویت ملی) است که کودک و نوجوان را در برابر احساس تنهایی و بی‌هویتی حفظ کند. قرآن کریم در سوره آل عمران، آیه ۱۰۳، با دستور به «اعتصام بحبل الله»، الگویی از هویت جمعی ارائه می‌دهد، این آیه به والدین و مربیان آموزش می‌دهد که باید به کودکان بیاموزند پیوند با خدا و دین، عامل اصلی وحدت و برادری است و این همان است که تحت عنوان هویت ملی شکل می‌گیرد؛ بنابراین، برای کودک و نوجوان ایرانی، احساس تعلق به امت اسلامی و هم‌زمان ملت ایران، یک شبکه حمایتی عظیم ایجاد می‌کند که در مواقع بحران، او را تنها نمی‌گذارد و تاب‌آوری او را چندین برابر می‌کند.

### عصمت مطهر نژاد

استادیار گروه آموزش روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. دانشگاه فرهنگیان استان فارس

## یادداشت صد و پنجاه و هفت

### هر قدمی که دشمن را به «غیظ» می‌رساند، عبادت است!

در این شب‌های مبارک که از آن می‌توان به «شب‌های قدر انقلاب» تعبیر کرد، هر قدمی که در سرما و سختی برمی‌دارید نه تنها نشانه‌ی استواری و ایستادگی است، بلکه ثوابی معادل بزرگ‌ترین نمازها و روزه‌ها دارد. عبادت با قدم‌های ایمان محور، ثبات در راه ایمان، تحمل مشقت در خدمت به ولایت، و صبر در برابر سختی‌های حوادث، ارزشی فراتر از اعمال ظاهری دارد که دشمن را به «غیظ» می‌رساند؛ چراکه خشم او ناشی از ناتوانی در شکستن اراده ایمانی است. بنا بر فرمایش قرآن مجید هر قدمی که برمی‌دارید (يَطْئُونَ مَوْطِئًا)، و هر کاری که دشمن را به «غیظ» می‌رساند (يَغِيظُ الْكُفَّارَ)، خداوند آن را به عنوان «عمل صالح» ثبت می‌کند (كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ). (توبه/۱۲۰) یعنی: هر قدمی که دشمن را به غیظ می‌رساند، هر حضوری که ایمان را در قلب‌ها تقویت می‌کند و هر صدایی که از ته دل شعار می‌دهد همه‌شان عبادت جاری است. در جنگ احد وقتی یکی از یاران پیامبر به نام «ابودجانه» برای حرص دادن و تحقیر لشکر دشمن، با غرور و صلابت تمام در میدان قدم می‌زد، پیامبر اکرم (ص) لبخندی زدند و فرمودند: «إِنَّهَا لَمِشْيَةٌ يُبْغِضُهَا اللَّهُ إِلَّا فِي هَذَا الْمَوْطِنِ» «خداوند این مدل راه رفتن (با تکبر) را در هیچ کجا دوست ندارد، مگر در اینجا و برای به خشم آوردن دشمن!» این یعنی حتی مدل قدم برداشتن ما، اگر دشمنان و بدخواهان را تا این حد به هم بریزد که به سرحد مرگ و غیظ برسند، نزد خدا عبادت است و به پاس تمام این سختی‌ها به ما اجر اخروی می‌دهد ... بنابراین به ازای هر سختی و هر خستگی در این راه، خداوند آن را به اندازه آن «غیظ» به ثواب تبدیل می‌کند.

### حمید مریدیان

عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان سمنان

## یادداشت صد و پنجاه و هشت ایرانیت و اسلامیت در دامن تربیت و پرورش رسمی

نظام تربیتی رسمی کشور، بستر شکل‌گیری معلمانی است که قرار است آینده فرهنگی و هویتی جامعه را بسازند. در این فرآیند، دو مؤلفه بنیادین یعنی ایرانیت و اسلامیت نه تنها باید در کنار هم دیده شوند، بلکه درهم تنیده‌اند و هویت ملی و دینی ما را شکل می‌دهند. از منظر ایرانیت، تربیت ملی دربردارنده مفهوم میراث تمدنی و فرهنگی ایران است؛ میراثی که شامل ادب، زبان فارسی، روحیه مردم‌داری، و احترام به خرد و دانایی است. معلم ایرانی باید پاسدار این سرمایه معنوی و فرهنگی باشد و شاگردان را با عمق تاریخی و فرهنگی این سرزمین آشنا سازد. ایرانیت در تربیت رسمی یعنی ایجاد احساس تعلق به میهن در نگرش و کنش روزمره. در کنار آن، اسلامیت به عنوان پایه اخلاق و معنویت در آموزش، مسئولیت هدایت روحی و ارزشی دانش‌آموزان را بر عهده دارد. تربیت اسلامی در نظام رسمی باید بر اخلاق قرآنی، کرامت انسانی و عقلانیت دینی تکیه کند. معلمی که در دانشگاه فرهنگیان تربیت می‌شود، وظیفه دارد اسلام را در قالب رفتار و منش خود جلوه‌گر سازد تا دانش‌آموز دین را زیسته و فهم‌شده تجربه کند. آنچه اهمیت دارد، همگرایی و توازن این دو مؤلفه در برنامه درسی، محیط تربیتی و تعاملات دانشگاهی است. به عبارت دیگر، دانشگاه فرهنگیان باید «کارخانه‌ی انسان‌سازی متفکر و مؤمن» باشد؛ جایی که معلم آینده با شناخت از ریشه‌های ایرانی و باورهای اسلامی خود، بتواند نسل‌های جدید را در مسیر تعهد و اخلاق پرورش دهد. در دامن چنین تربیتی است که ایرانیت و اسلامیت نه در تقابل، بلکه در تعامل وحدت‌آفرین جلوه می‌کنند.

### مهران معماری

استادیار گروه زبان و ادبیات، دانشگاه فرهنگیان، استان خوزستان، اهواز



## یادداشت صد و پنجاه و نه

### مقاومت به مثابه الگوی برنامه درسی برای نسل آینده

خداوند متعال در آیات بسیاری به مسئله مقاومت اشاره نموده است: «وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ، سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ، وَ يَدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَها لَهُمْ» (سوره ی محمد آیات ۴ تا ۶) در این آیه خداوند به هزینه‌های مقاومت می‌پردازد و می‌فرماید باید کسانی از شما در راه اسلام، هزینه‌ی مقاومت را بدهید و در این راه کشته بشوید، نه تنها این هزینه دادن‌ها شما را به شکست نزدیک‌تر نمی‌کند؛ بلکه همین هزینه‌ها باعث پیروزی شما می‌شود. نتیجه این شهادت‌ها از بین نمی‌رود. خداوند متعال در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أَقْدَامَكُمْ» (سوره محمد آیه ۷). نیز به نتیجه مقاومت اشاره می‌نماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید و برای خشنودی او با کافران بجنگید و از دینش حمایت کنید، او نیز با فراهم آوردن اسباب پیروزی، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را در میدان نبرد استوار می‌سازد. واژه مقاومت در اندیشه اسلامی بسیار پررنگ است؛ اما همین واژه در مقاطعی از تاریخ از مبانی نظری به عرصه عمل مبدل شده است. همه مسلمانان عرصه عملی مقاومت و ایثار و از خودگذشتگی را با قیام عاشورا و شهادت امام حسین (ع) و یاران ایشان می‌شناسند. در عصر حاضر نیز جهانیان مقاومت در عرصه عمل را با ایران و ایرانی و امام شهیدمان معنا می‌کنند. حال با این سرمایه گران، برنامه درسی در تربیت رسمی و عمومی نیازمند بازنگری در همه عناصر اعم از هدف‌گذاری، محتوا، راهبردهای تدریس، ارزشیابی و دیگر عناصر مکمل است. دانشگاه فرهنگیان باید به عنوان سمبل نظام تعلیم و تربیت ایران اسلامی در این مسیر قدم بردارد؛ و با استفاده از اندیشه و منظومه فکری امام شهیدمان به ترسیم و ارائه مدلی از برنامه درسی مبتنی بر مقاومت اهتمام ورزد و اقدام نماید که علاوه بر استفاده بومی قابلیت اشاعه به دیگر نظام‌های تربیتی را نیز داشته باشد.

### جواد جهان

عضو هیئت علمی گروه آموزش علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان ایلام.

## یادداشت صد و شصت

### مقاومت تربیتی در برابر استعمار فرانو فناوریانه

در ساحت فلسفه پساپدیدارشناسی، تمرکز از آگاهی محض به سوی وساطت فناوریانه معطوف می‌شود. ابزارها، پلتفرم‌ها و فناوری‌ها صرفاً اشیایی خنثی و بی‌طرف نیستند، بلکه نحوه ادراک ما از جهان و شیوه بودن ما در هستی را مفصل‌بندی و برساخت می‌کنند. اگر استعمار کهن در پی تسخیر خاک فیزیکی و استعمار نو در پی تسخیر اقتصاد بود، استعمار فرانو با بهره‌گیری از زیرساخت‌های دیجیتال، هوش مصنوعی و پلتفرم‌های شناختی، در پی تسخیر زیست‌جهان و وساطت تمام‌عیار در رابطه انسان با واقعیت است. در استعمار فرانو، سلطه دیگر از طریق زور عیان اعمال نمی‌شود، بلکه در دل رابطه‌های انسان با مصنوعات فناوریانه پنهان شده است. این فناوری‌های هرژمونیک، برخی واقعیت‌ها نظیر مقاومت، ایثار و هویت را در حاشیه قرار داده و ارزش‌های نظام سلطه را برجسته می‌سازند. در این چارچوب، جنگ رمضان تنها یک تقابل نظامی نیست، بلکه نبردی بر سر رهایی ادراک از قفس الگوریتم‌های استعمارگر است. با این خوانش، تربیت در مواجهه با استعمار فرانو دیگر نمی‌تواند به انتقال مفاهیم انتزاعی محدود بماند، بلکه باید به یک کنش واسازی بدل شود. معلم در اینجا نقش یک پدیدارشناس انتقادی را ایفا می‌کند که به دانش‌آموز می‌آموزد چگونه فناوری‌ها در حال شکل‌دهی به تمایلات و شناخت او از خودی و دشمن هستند. تربیت رهایی‌بخش در برابر استعمار فرانو، مستلزم توانمندسازی نسل آینده برای درک این مهم که چگونه مصنوعات تکنولوژیک، در حال جهت‌دهی به اخلاق و عاملیت انسانی آن‌هاست. کلاس درس در این پارادایم، خط مقدم بازپس‌گیری عاملیت انسانی از ماشین میانجی‌گر استعمار است. ما نیازمند طراحی برنامه درسی مقاومتی هستیم که بتواند با برهم‌زدن شفافیت فریبده رسانه‌ها و فناوری‌های نوین، اراده معطوف به حقیقت و آگاهی دانش‌آموزان را احیا کند.

حمید احمدی هدایت

عضو هیئت علمی، دانشگاه فرهنگیان استان البرز

## یادداشت صد و شصت و یک ضرورت اتحاد و انسجام در کشور

ما به‌عنوان جامعه دانشگاهی می‌دانیم که در مقابله بین مختار و مصعب بن زبیر، پیروزی مصعب ناشی از عوامل گوناگون بود. در ابتدا، اختلافاتی در سپاه مختار شکل گرفت که ناشی از تعصبات قبیله‌ای و قومی که در نهایت موجب شد وحدت آن‌ها را تضعیف کند. در مرحله دوم، سپاه مختار دچار ترس و تردید شد و فریب کمیت و نیروی دشمن را خوردند، درحالی که آیه شریفه «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» به آن‌ها یادآوری می‌کرد که با تکیه به خداوند منان، پیروزی قطعی است مشروط به اینکه ایمان داشته باشند. این غفلت، آن‌ها را در نهایت وادار به ترک یاری مختار کرد. ما به‌عنوان جامعه دانشگاهی امروزه بایستی آگاه باشیم که دشمن سعی می‌کند با ایجاد و تشدید اختلافات در تمام زمینه‌ها، نفاقی در جامعه ایرانی به وجود آورد. این نفاق می‌تواند در قالب تفاوت‌های مذهبی، دیدگاه‌های اجتماعی، یا حتی تفاوت‌های قومیتی بروز کند. لذا اختلاف‌افزایی از این نوع، باید زنگ هشدار باشد که نشان‌دهنده توطئه‌های دشمن ما و بخصوص رژیم آمریکایی و صهیونیسم باشد. لذا باید با هوشیاری کامل مراقب باشیم و اجازه ندهیم این اختلافات، وحدت و انسجام ما را از بین ببرد. نباید کف میدان را خالی کنیم؛ نباید اجازه دهیم دشمن با ترویج تفرقه، راه را برای رسیدن به اهداف شوم خود را هموار کند. در این شرایط، حفظ انسجام و اتحاد ملی از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا به یاد داشته باشیم وحدت و بصیرت ما دانشگاهیان و مخاطب ما نسل جوان دانشجو کلید پیروزی ماست.

کریم دهقانی

مدرس پردیس شهید رجایی شیراز (مرکز شهید مطهری) دانشگاه فرهنگیان استان فارس

## یادداشت صد و شصت و دو

### بررسی ابعاد تربیت استکبارستیز در اندیشه اسلامی و تحلیل راهبردهای مقابله با ظلم

مفهوم «تربیت استکبارستیز» یکی از ارکان اساسی در نظام تربیتی اسلام است که در مقابل رویکرد «استکبارگریز» قرار می‌گیرد. برای درک عمیق‌تر این مقوله، باید به بررسی سه نوع مواجهه انسان و جامعه با پدیده ظلم پرداخت که هر کدام مبانی اخلاقی و فقهی خاص خود را دارند: ۱. همراهی و پذیرش ظلم (همسویی با طاغوت): این رویکرد، پست‌ترین سطح مواجهه با ظلم است که از منظر تربیتی و عقیدتی کاملاً مردود شمرده می‌شود. همراهی با ظلم دو بُعد دارد: بُعد عملی: که شامل همکاری در اجرای طرح‌های ظالمانه است. در مکتب اهل بیت (ع)، این نوع همراهی شدیداً محکوم شده است، چنان‌که در زیارت عاشورا آمده است: «اللَّهُمَّ اَلْعَنُ اَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ». بُعد قلبی (رضایت): که حتی در صورت عدم همکاری عملی، رضایت باطنی با ظالم را شامل می‌شود. روایات اهل بیت (ع) به این مهم اشاره دارند که «الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّاحِلِ فِيهِ مَعَهُمْ» (کسی که از کار قومی ظالم راضی است، مانند کسی است که در آن کار با آن‌ها شریک شده است). ۲. ستیز فعال با ظلم (جهاد در راه الله): این رویکرد، اوج تربیت استکبارستیزانه است که در مکتب ولایت و شهادت نهادینه شده است. در زیارت امین‌الله به‌عنوان یک سند تربیتی، بیان می‌شود: «أَشْهَدُ أَنْكَ جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (شهادت می‌دهم که تو در راه خدا به حق آن جهاد کردی). این سبک زندگی، ایستادگی در برابر باطل را حتی به قیمت جان می‌پذیرد. ۳. فرار از ظلم (استکبارگریزی): سومین رویکرد، موضعی میان‌مایه است که در آن فرد تلاش می‌کند هم با ظالم همراهی نکند و هم از شر او در امان بماند. این روش که گاهی «استکبارگریزی» نامیده می‌شود، ادله و مصادیق تاریخی متعددی دارد: آیه قرآن کریم: «إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةً فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ» (همانا زمین من وسیع است، پس (در هر کجا هستید) تنها مرا پرستید). این آیه تبیین‌گر این اصل است که در صورت تضییق، مؤمنان می‌توانند برای حفظ دین خود به مکان دیگر مهاجرت کنند. قاعده فقهی: «دفع افسد به فاسد»؛ که بر اساس آن، تحمل برخی سختی‌ها یا عدم ورود به جنگ آشکار (جهاد ابتدایی) برای حفظ هستی شیعه و جلوگیری از نابودی کامل جامعه دینی مجاز شمرده شده است. تاریخچه ۱۴۰۰ ساله تشیع نشان می‌دهد که علمای بزرگ با بهره‌گیری از این روش، مکتب اهل بیت را از انقراض نجات دادند. شواهد تاریخی: سیره معصومین (ع) و مراجع تقلید گواه این مدعاست. از جمله، رویکرد حضرت امام رضا (ع) در قبال ولایت‌عهدی مأمون، یا سیاست‌های مرحوم آیت‌الله بروجردی در تعامل با

حکومت پهلوی که بر اساس حفظ ظرفیت‌های دینی و عدم درگیری مستقیم در عزل و نصب‌ها بود، مصادیقی از این مدیریت هوشمندانه شرایط هستند. نتیجه‌گیری و تحلیل وضعیت کنونی: آنچه در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شاهد وقوع آن بودیم، یک حرکت «معصوم‌گونه، انسانی و الهی» بود که به سمت استکبارستیزی فعال حرکت کرد. این انقلاب اسلامی اکنون ۴۷ سال است که با تکیه بر همین روحیه جهادی ادامه دارد. در حال حاضر، نظام استکبار جهانی با درک عمق این تهدید، تلاش دارد تا با طراحی توطئه‌های فرهنگی و سیاسی، علما و حاکمان شیعه را از فضای «استکبارستیزی» به سمت فضای «استکبارگریزی» سوق دهد.

### محمدحسین ناظمی اشنی

هیئت‌علمی گروه معارف دانشگاه فرهنگیان استان قم

## یادداشت صد و شصت و سه دانشجوی آگاه، پشتیبان جبهه نظامی

دانشجویان عزیز و امید آینده: ایران عزیزمان در جنگی ظالمانه وارد شده که منجر به شهادت رهبر عزیزمان و جمعی از هم‌وطنانمان شده است. در هر جنگی، جبهه‌های نبرد تنها به سلاح‌های سخت محدود نمی‌شوند؛ بلکه یک جبهه شناختی نیز شکل می‌گیرد که هدف آن تضعیف روحیه و انسجام نیروهاست. شما دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در این میدان به‌عنوان پرچم‌دار تعلیم و تربیت کشور در سال‌های آینده و مسئولیت مستقیم هدایت و رشد همه‌جانبه فرزندان ایران عزیزمان، نقش بسیار پررنگی دارید و باید با هوشیاری ویژه شرایط خاص عمل کنید تا توانایی تربیت نسلی انقلابی را داشته باشید. همان‌گونه که در رسانه‌ها می‌بینیم دشمن آمریکایی - صهیونیستی با انتشار اخبار جعلی، سانسور، پروپاگاندا و اطلاعات گمراه‌کننده، تلاش می‌کند تا ذهنیت شما را تحت تأثیر قرار دهد و در جنگ شناختی پیروز شود؛ بنابراین، کسب اطلاعات از منابع معتبر، امری حیاتی است. از شما دانشجوی آگاه به نیرنگ‌ها و ترفندهای دشمن که تاکنون به‌خوبی ثابت گشته است، انتظار می‌رود برای جلوگیری از غوطه‌ور شدن در فضای مبهم شایعات و رسانه‌های بی‌اعتبار و دروغ‌گو و یا رسانه‌هایی که فقط به دنبال جذب مخاطب (فالور) هستند، به دنبال منابعی باشید که سابقه خوبی در ارسال اخبار دقیق و مستند دارند، دیدگاه‌های مختلف را ارائه می‌دهند و مطالب آن‌ها از طریق فرآیندهای علمی و تحلیلی به دست آمده‌اند. دانشجویان عزیز حتماً می‌دانید که جبهه رسانه‌ای، مکمل و پشتیبان جبهه نظامی است که روز و شب با شجاعتی مثال‌زدنی در حال دفاع از میهن عزیزمان است. شما هم با آگاهی‌رسانی و ترویج ارزش‌های اصیل، می‌توانید نقش مهمی در تقویت روحیه و مقاومت نیروها و افراد جامعه ایفا کنید. به یاد داشته باشید: تولید، جستجو و انتشار اطلاعات درست، قدرتمندترین ابزار شما در این جنگ شناختی است.

### امیر مثنوی

عضو گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان لرستان

## یادداشت صد و شصت و چهار چرایی لزوم مطالعات میان‌رشته‌ای (تربیتی و روان‌شناختی) بر وقایع جنگ رمضان

در تحلیل وقایع اخیر و بازخوانی حماسه‌های ملت شریف ایران، به‌ویژه در جنگ رمضان، لزوم اتخاذ رویکرد میان‌رشته‌ای با تکیه بر دو محور تربیتی و روان‌شناختی، کلید درک عمیق‌تر پیروزی‌های ملت ایران خواهد بود. این رویکرد را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: ۱. تأکید بر نقش ایمان در وقایع اخیر: قرآن کریم در سوره مبارکه صف، آیه ۱۱ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ...»؛ یادآوری نعمت‌های الهی و توکل بر خدا، عامل اصلی موفقیت در میدان نبرد است. این دفاع مقدس نمونه‌ای بارز از این است که چگونه باورهای دینی - بعد تربیتی - در موانع سخت غالب می‌شود. ۲. الگوسازی برای نسل امروز: ترکیب این دو دیدگاه، الگوهایی را برای نسل جوان ارائه می‌دهد که در مدیریت بحران‌های اجتماعی و فردی کاربرد دارد. ۳. ضرورت انتقال فرهنگ ایثار: پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ»؛ تقویت بعد معنوی و روانی جامعه، تضمین‌کننده امنیت و اقتدار ملی است؛ بنابراین، ضرورتی در ابعاد تربیتی و روان‌شناختی جنگ رمضان، یک ضرورت علمی برای درک رازهای ماندگاری این حماسه است.

### حسین تربتی‌نژاد

استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، استان تهران

## یادداشت صد و شصت و پنج تربیت و مقاومت؛ رسالت استادان دانشگاه فرهنگیان

دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان نهاد اصلی تربیت معلم، نقشی تعیین‌کننده در آینده فرهنگی و اجتماعی کشور دارد. معلمانی که در این دانشگاه پرورش می‌یابند، در آینده الگوی فکری و اخلاقی نسل‌های بعد خواهند بود. از این رو، تربیت مبتنی بر مقاومت—به معنای پایداری عقلانی، اخلاقی و روانی در برابر چالش‌ها—از مأموریت‌های اساسی این دانشگاه است. در این میان، نقش استادان دانشگاه فرهنگیان نقشی محوری و بی‌بدیل است. استاد در این دانشگاه صرفاً انتقال‌دهنده دانش تخصصی نیست، بلکه مربیِ مربیان آینده و الگوی عملی رفتار حرفه‌ای، عقلانیت و اخلاق محسوب می‌شود. استادان می‌توانند با حفظ آرامش، تکیه بر استدلال علمی و پرهیز از واکنش‌های احساسی، الگوی عملی پایداری و تعادل فکری باشند. هدایت بحث‌های کلاسی به سمت تحلیل مستند، طرح پرسش‌های تأمل‌برانگیز و آموزش تفکر انتقادی، به دانشجومعلمانی می‌آموزد که مسائل پیچیده را آگاهانه و مسئولانه بررسی کنند. تقویت سواد رسانه‌ای نیز از وظایف مهم استادان است. آموزش تشخیص منبع معتبر، تفکیک واقعیت از تحلیل و پرهیز از بازنشر اطلاعات نادقیق، زیربنای تربیت معلمانی مسئول و آگاه را شکل می‌دهد. در کنار آن، پایبندی استاد به اخلاق حرفه‌ای، احترام متقابل، انصاف و امیدآفرینی، نقش مهمی در نهادینه‌سازی ارزش‌های اخلاقی در نظام آموزشی دارد. درنهایت، استاد دانشگاه فرهنگیان نه تنها آموزش‌دهنده، بلکه «راهب تربیت تمدنی» است؛ کسی که با منش و روش خود شاگردان را برای ایفای نقش معلمی آگاه، استوار و اخلاق‌مدار آماده می‌کند. دانشگاه فرهنگیان با چنین استادانی می‌تواند به معنای واقعی دانشگاه تمدن ساز باشد—دانشگاهی که مقاومت را نه صرفاً به معنای ایستادگی فیزیکی، بلکه به‌عنوان پایداری عقلانی، اخلاقی و فرهنگی در وجود معلمان آینده نهادینه می‌کند.

### زینب صادقی

هیئت علمی گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.



## یادداشت صد و شصت و شش سبک زندگی شهید امام خامنه‌ای (ره)

از طریق مطالعه‌ی تحلیلی، به شیوه‌ی کدگذاری، می‌توان به ویژگی‌های زیر در سبک زندگی شهید امام خامنه‌ای اشاره نمود: ۱- رهبری حکیم و فرزانه، خطیب و عالم، علاقه‌مند به همه‌ی حوزه‌های دین و دانش، روشنفکر دینی، زیبا و خوش قامت، صاحب اخلاق کریمانه، قرآن‌پژوه، صاحب‌ذوق در موسیقی، رمان و هنر، کتاب دوست و کتاب‌خوان حرفه‌ای، الگوی نیکو در گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی، مشوق تولید کتاب دفاع مقدس با نشر آثار ماندگار در این حیطه، خلاق و تمدن ساز، ترغیب‌کننده پژوهشگران و دانشمندان به فتح قله‌های علمی، رهبری ذوالفنون، تثبیت‌کننده‌ی فرهنگ ایرانی با تمام ویژگی‌های بومی و ملی، پاسدارنده زبان فارسی، تکریم‌کننده‌ی جایگاه زنان و بسترآفرین حضور مؤثر آنان در عرصه‌های علمی، سیاسی و مدیریتی، ارزش دهنده به خانواده و جامعه، با ترویج سبک زندگی سالم، عمل‌گرای مهارت محور با تأکید بر تعلیم و تربیت الهی، انسانی و مهارتی ۲- تحقق‌بخش «شعار ما می‌توانیم»، هویت‌ساز با تزریق خودباوری به دانشگاه‌های کشور با اهمیت دادن به ویژگی هوش بالا و غالب ایرانیان در مقایسه با میانگین هوش جهانی و تغییر نگرش و باور در اساتید و جوانان برای تولید علم، گسترنده‌ی ایده‌های دانش‌بنیان و مهندسی معکوس از طریق ارتباط دانشگاه و صنعت در راستای حرکت به ساخت کشوری با شاخص قدرت، عزت و پیشرفت، بنابراین امام خامنه‌ای بسترآفرین شکوفایی علمی ایران‌زمین با پرش جوانان نخبه از موانع و نشدها و حرکت در مرزهای علمی دنیا، بانی عصر شکوفایی در زیرساخت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، پیشرفت‌های شوق‌آفرین و کم‌نظیر در صنعت هوافضا، ماهواره، موشک، نانو، پلاسما، سلول‌های بنیادی، هوش مصنوعی، پزشکی و تمامی حوزه‌های فنی مهندسی بود. امام خامنه‌ای نظریه‌پرداز اقتصاد مقاومتی است. ایشان بانی غرور و شرف ملی است. ۳- ساده‌زیست، عارف شب‌زنده‌دار، سحرخیز سخت‌کوش، بانشاط و امیدآفرین، دارای خودآگاهی عمیق، هدفمند با برنامه، دارای زبان بدن عالی و ارتباط موثر در مراودات اجتماعی بود. نتیجه اینکه خامنه‌ای شناسنامه‌ی ایران است. شناسنامه‌ای با هویت ایرانی \_ اسلامی است. او موسی تمدن ایرانی \_ اسلامی به شیوه‌ی نوین است. او مبدع اعتمادبه‌نفس، عزت‌نفس و خودباوری ایرانیان است. او پدری دلسوز در تربیت فرزندان شایسته‌ی ایران‌زمین است. برای این همه زیبایی و شکوه، تاریخ به احترام وی تمام قد خواهد ایستاد.

### صادق فرهمندامین

دکترای روان‌شناسی تربیتی، مدرس دانشگاه فرهنگیان اردبیل

## یادداشت صد و شصت و هفت برنامه درسی انقلابی

با عنایت به اینکه برنامه‌های درسی به‌عنوان یکی از عناصر اصلی نظام‌های آموزشی و زیر نظام‌های وابسته به آن نقش اساسی در حفظ، انتقال و توسعه ارزش‌ها و هنجارهای اصیل و اخلاقی مثل میهن‌دوستی، مسئولیت‌پذیری، دشمن‌شناسی، نوع‌دوستی و... را بر عهده دارند؛ لذا هرازگاهی بایستی مورد آسیب‌شناسی دقیق و جدی از مناظر مختلف و متفاوت و یا حداقل، تحلیل محتوا قرار گیرند؛ و از طرفی یکی از هویت‌های برنامه‌های درسی هویت سیاسی آن است که به نظر می‌رسد هر دو نکته مذکور توسط سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مؤلفین کتب درسی در برهه‌هایی مورد غفلت واقع شده‌اند و همین موجب کج‌فهمی‌ها و اندیشه‌های نادرست در نسل جدید شده است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود برنامه‌های درسی و متعاقب آن محصولات این برنامه‌ها که در قالب کتب درسی در مدارس و دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند به نحوی طراحی، اجرا و ارزیابی شوند که سازه‌ها و مفاهیم بنیادینی مثل ایثار و فداکاری و گذشت، نوع‌دوستی، وطن‌پرستی، مسئولیت‌پذیری و هزاران صفات خوب دیگر در قالب برنامه‌های درسی آشکار و پنهان و به اشکال مستقیم و غیرمستقیم به دانش‌آموزان و دانشجویان منتقل گردد. قطعاً آماده‌سازی معلمین و برگزاری دوره‌های بازآموزی، کارآموزی و ضمن خدمت برای ایشان در این راستا امری ضروری است. پیشنهاد می‌گردد سیستم حکمرانی از پتانسیل دانشگاه فرهنگیان مخصوصاً اساتید به‌عنوان متخصصین موضوعی و روش‌شناختی نهایت استفاده علمی و عملی را در این جهت به عمل آورده و نسبت به غنی‌سازی برنامه‌های درسی در خصوص ارزش‌ها و هنجارهای ذکرشده اقدام گردد.

### شهرام اسکندری پور

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان زنجان

## بادداشت صد و شصت و هشت پارادوکس خامنه‌ای

شاید بارها از رسانه‌های معاند و ضدانقلاب شنیده باشید که (امام) خامنه‌ای برای حفظ جان خود به اعماق پناهگاه‌ها می‌رود و این در حالی است که افراد بی‌گناه در زیر ضرب مستقیم موشک‌های تاماهاوک آمریکا و اسرائیل پرپر می‌شوند. شاید پاسخ این سؤال برای نیروهای انقلاب و وجدان‌های آگاه بسیار سخت و پارادوکسی عجیب بود؛ و سخت‌تر از آن پاسخ به جوان‌های باهوش ایرانی که بلندگوی تبلیغی حتی یک لحظه فرصت اندیشیدن به آن‌ها را نمی‌داد. مرتب آدرس غلط به جاهای غلط‌تر مانند کتاب جورج اورل و مانند آن می‌دادند. بله خامنه‌ای (شهید) پارادوکس راسل و امثالهم را به چالش کشید زیرا «اصول» و «تعاریف» انسانیت را در عصر امروز بازنویسی کرد؛ و دقیقاً نکته همین‌جا است که غربی‌ها از نتایج این «دستگاه» جدید گیج و پریشان شده‌اند. (از خود می‌پرسن چرا با صدای انفجار مردم ایران به پناهگاه نمی‌روند!) بله. از خبرنگار خارجی در راهپیمایی روز قدس سؤال می‌پرسند که شما چرا نمی‌ترسید با اینکه در چند کیلومتری شما صدای انفجار شنیده شد! و او در جواب پاسخ می‌دهد من هم از شکوه این همه جمعیت که در هنگام انفجار فرار نمی‌کنند و محکم‌تر شعار می‌دهند، روحیه گرفته‌ام و نمی‌ترسم. بله‌ای سگ زرد! این رفتارها مربوط به زن نیست! دستگاه عوض شده. کافی است وارد دستگاه شوید تا نتایج عجیب را تجربه کنید. البته اصرار غلط گونه «اقلیدسی» شما (همچون شاگردان متعصب اقلیدس) هرگز نخواهد گذاشت، «منطق»، «اصول» و «تعاریف» دستگاه «حسینی» را درک کنید. نتایج «نور» دستگاه «حسینی» تو را خواهد سوزاند. در دستگاه «حسینی» بن‌بستی وجود ندارد!!

### مهرداد فولادی

مأمور آموزشی، گروه ریاضی، دانشگاه فرهنگیان شیراز

## یادداشت صد و شصت و نه

### سرنوشت جنگ چه می‌شود؟

فارغ از نگاه آخرالزمانی و سنت‌های الهی و آیات و روایات و مکاشفه و شهود و آرمان‌های انقلاب و امامین انقلاب، عوامل دیگری در سرنوشت جنگ مؤثرند که در ذیل ذکر می‌شود. در حوزه داخل: -تاب‌آوری و مقاومت مردم و حضور مستمر آن‌ها در صحنه‌های مختلف -روایت‌گری غالب در حوزه رسانه و اذهان عمومی در داخل و خارج -در صحنه بودن و اتحاد و وحدت گروه‌های مختلف اجتماعی حول محور رهبری نظام -پای کار بودن همه مسئولان در حفظ وحدت و تأمین حداقل‌های معیشت مردم -صدای واحد از همه ارکان نظام سیاسی، میدان و دیپلماسی، رسانه کنار گذاشتن و طرد جریان مرعوب و غرب‌زده و... از نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه جنگ و صلح و تصمیمات اساسی -اتخاذ رویکرد شجاعانه و مدبرانه و فرهنگ جهادی در حوزه سیاست و دفاع مقدس و اتکال به خداوند و پشتوانه‌های مردمی -استفاده حداکثری از موقعیت‌های جغرافیایی، تنگه هرمز و دریای عمان و ایجاد تنگناهای اقتصادی و هزینه‌سازی اقتصادی و سیاسی و روانی برای دشمنان و بازدارندگی همه‌جانبه -در حوزه نظامی، بازگذاشتن دست میدان در زدن ضربات مؤثر و زدن در سطح بالاتر از سطح ضربات دشمن و ایجاد بازدارندگی وحشت و ترس در سطح بالاتر. اگر این‌ها اتفاق بیفتد به احتمال زیاد دشمن مجبور به ترک مخاصمه و دادن امتیاز خواهد شد و ایران جایگاه ویژه‌ای در روابط و مناسبات جهانی پیدا خواهد کرد و به عنوان سوپرپاور منطقه و قدرت برتر تلقی خواهد شد و بعدش هزینه‌های رشد و پیشرفت و توسعه کاهش خواهد یافت و ایران بازیگر بزرگ منطقه‌ای و حتی جهانی خواهد شد و البته مهم‌تر اینکه افزایش قدرت بازدارندگی ایران باعث خواهد شد دشمنان فکر تجاوز به این سرزمین را تا چند دهه از سر خود بیرون کنند. ان شاءالله و به امید پیروزی جبهه حق علیه باطل.

حسن باقری یزدی

هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی

## یادداشت صد و هفتاد

### پنج راهبرد معنایی - عملکردی انسجام ملی

دستیابی به انسجام ملی یک فراگرد سیستماتیک است که از ترکیب معانی و مؤلفه‌های مرتبط به هم با یک چنینش خاص، مطابق فرمولی خاص، محقق می‌شود. معانی مرتبط با انسجام ملی عبارت‌اند از: ۱\_هماهنگی: اولین فاز انسجام ملی و یک مفهوم کلی است. جهت داشتن هماهنگی لازم هست راهبردهای عملیاتی زیر مهیا باشد شامل: وجود نظم، سازمان‌دهی، ادغام و همگام‌سازی منابع موجود. ۲\_همبستگی: فاز دوم انسجام اتخاذ تدابیر و برنامه‌ریزی برای تغییرات هست. با مؤلفه‌های علیت، همسویی تغییرات، (اگر همسویی نباشد تاروپود انسجام بافته نمی‌شود) پیوند اجزا و عناصر، مدیریت تغییرات و هم‌راستایی در تغییرات ۳-سازگاری: این عامل موجبات استحکام انسجام را فراهم می‌نماید با راهبردهای انطباق‌پذیری، شناخت و شناساندن مسیر، تفاسیر از هدف و هماهنگی در میدان عمل ۴\_اتحاد: عامل کلیت بخشی و وحدت عناصر و اجزای انسجام است. راهبردهای ایجاد اتحاد شامل: شناخت منافع مشترک، کنترل و مدیریت منابع، کاهش فاصله تفاوت عناصر، ایجاد همدستی در بهره‌برداری از منابع ۵\_یکپارچگی: تکمیل‌کننده و آخرین تکه پازل انسجام ملی است. راهبردهای عملیاتی یکپارچگی شامل: ترکیب متوازن و تناسب داده‌ها، تمرکز بر اهداف جمعی (در مواقع بحران اولویت با اهداف جمعی) و مهم‌ترین مؤلفه‌های سلامت ساختار است که بنیانی برای سایر مؤلفه‌هاست. سلامت ساختار خود مقوله‌ای چندوجهی و پیچیده است که پرداختن به آن مجال مفصلی را می‌طلبد.

### ماریا پشایی

مأمور آموزشی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی

## یادداشت صد و هفتاد و یک جنگ به این معنا و دفاع به آن معنا

این روزها واژه جنگ کلیدواژه ادبیات خبرگزاری‌های منطقه و جهان شده است. همه نیک می دانیم جنگ از جمله واژه‌هایی است که بیشتر با زدو خورد نظامی قرین ذهن‌هاست. واژه‌ای مذموم در ادبیات سیاسی که از سر استیصال و نبود راهکارهای دیپلماسی به‌عنوان آخرین ابزار بین دو گروه و کشور متخاصم ایجاد می‌شود که پیامد آن شوم و برای قدرت ضعیف‌تر آثار زیان‌بار اقتصادی و اجتماعی دارد. به نظر من جنگ به این معناست. در مقابل، دفاع از هویت ملی و دینی و آب‌و خاک و آباء و اجدادی است. این واژه برای ما ایرانیان در ادوار مختلف اتفاق افتاده است. از جمله جنگ تحمیلی و دفاع مقدس و جنگ ۱۲ روزه و اینک این جنگ سوم و دفاعی مقدس‌تر. برای من دفاع یک کلیدواژه نیست یک پیمان و میثاق دینی و ملی است که فقط رکن نظامی آن پررنگ نیست. ارکان اجتماعی و فرهنگی بسیاری در دفاع وجود دارد که برای آن می‌توان از خود گذشت. رکن میهن‌پرستی و حب وطن داشتن. رکن هویت ایرانی که در ادوار مختلف تهاجم و استعمار و استثمار ماندگار و پایدار مانده است. دفاع برای من به چه معناست؛ «ایران جان». ایرانی که با گوشت و پوست‌واستخوان همه ایرانی‌ها عجین و درهم‌تنیده است. ایرانی که در یک سیر تمدنی با میراثی کهن به ما رسیده است. تاریخی پرفرازونشیب با دشواری‌های بسیار و عرصه مقاومت‌های ملی و مذهبی. ایران من جنسی متفاوت از عرصه دین و ملیت. مقاوم در برابر همه تهدیدها. برای من دفاع به آن معناست.

### بیژن بابائی

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی

## یادداشت صد و هفتاد و دو

### «دشمن‌شناسی» ضرورت مغفول مانده در کلاس‌های درس

تقابل نور و ظلمت حقیقتی است که از ادوار کهن تا کنون حتی در اندیشه‌های عرفانی ما جان‌مایه ی حرکت انسان‌ها به‌سوی کمال بوده است. در این تقابل، جبهه‌ی ظلمت و باطل کوشیده تا با تمام توان، نور حق را خاموش کند و شعله‌ی هدایت جبهه‌ی حق را بی‌فروغ کند. این تقابل، در هر عصری به شکلی نمود یافته؛ از تقابل هابیل و قابیل گرفته تا رویارویی موسی و فرعون. در هر عصر این فرعون‌ها به شکلی ظهور و بروز کرده‌اند؛ صدر اسلام در نقاب نفاق اهل قریش و امروزه در چهره‌ی خون‌ریز استکبار. از این‌رو ستیز جبهه‌ی باطل با جبهه‌ی حق، ریشه در کینه‌توزی آنان با حقیقت ایمان دارد. در عصری که گاهی در نبرد میان جبهه‌ی حق و جبهه‌ی باطل، غبار فتنه‌ها مانع تشخیص نور از ظلمت می‌شود، «دشمن‌شناسی» از مفاهیم بنیادینی است که هم‌ریشه در قرآن و سنت دارد و هم بخشی از هویت دینی ما را شکل می‌دهد. این مفهوم در منظومه‌ی فکری امام شهیدمان و تبیین آن برای ما جایگاه برجسته‌ای داشت. ایشان همواره تأکید داشتند که در درجه‌ی اول، دشمن را بشناسیم، در مرحله‌ی بعد از نقشه‌ی او آگاه شویم و در گام نهایی شیوه ی مقابله با او را یاد بگیریم. آنچه امروز یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای ما معلمان و استادان دانشگاه فرهنگیان است، پرداختن به مقوله‌ی «دشمن‌شناسی» در کلاس‌های درس‌مان است چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم. مگر نه این‌که شاگردان ما معلمان آینده‌ی این مملکت‌اند و مگر نه این‌که غفلت معلمان از ایفای نقش خود در شناساندن دشمن حقیقی، بخشی از وقایع تلخ دی‌ماه را در به خیابان کشاندن نوجوانان خالی‌الذهن، رقم زد؟

#### فاطمه رضایی

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران.

## یادداشت صد و هفتاد و سه الگوی تربیتی رهبری در سیره نبوی

تحلیل جامعه‌شناختی و اخلاقی آیه لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ. ۱. اصالت همدلی و هم‌زبانی در رهبری (مِنْ أَنْفُسِكُمْ): این ویژگی تربیتی بر لزوم پیوند میان رهبر و ملت تأکید دارد. اینکه پیامبر از جنس خود مردم است، مانع ایجاد فاصله طبقاتی، استبداد رأی و ناپذیری فرمان‌ها می‌شود. این امر حس همبستگی، درک متقابل مشکلات و پذیرش رهبری را در جامعه تقویت می‌کند. ۲. کرامت و عزت‌نفس در منش رهبر (عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ): این بخش به تربیت عاطفی و اجتماعی می‌پردازد و بیانگر آن است که رهبر واقعی، رنج و سختی مردم را بر خود آسان نمی‌گیرد. به نشانه تعهد اجتماعی و کرامت ذاتی رهبر دلالت دارد. ۳. احساس مسئولیت و دلسوزی فعال (حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ): از منظر تربیتی، این ویژگی نشان‌دهنده «احساس مسئولیت فعال» است؛ بدین معنا که رهبر در رسیدن جامعه به کمال و سعادت، همواره دلسوز است. ۴. رفتار مهربانانه و کرامت اخلاقی (رَءُوفٌ رَّحِيمٌ): آیه با ذکر صفت «رئوف» (بسیار مهربان) و «رحیم» (دلسوز و بخشنده)، الگوی کامل رفتاری را ترسیم می‌کند. این ویژگی‌ها ضرورت تربیت نرم‌خویی، گذشت و محبت در تعاملات اجتماعی را مطرح می‌کند و نشان می‌دهد که قدرت و رهبری در قالب رأفت و مهربانی ظهور می‌یابد.

### امیر پورشاهرودی

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، استان گلستان



## یادداشت صد و هفتاد و چهار

### دشمن‌شناسی امام خامنهای شهید و نقش برنامه درسی دانشگاه

### فرهنگیان و ضرورت دشمن‌شناسی

در دنیای پیچیده مدرن امروز علیرغم وجود سازمان‌های بین‌المللی و قواعد حقوقی جهت تنظیم روابط کشورها و رعایت حقوق بشر، رفتار دولتمردان آمریکا به‌عنوان دشمن تراز یک ایران اسلامی و رژیم غاصب اسرائیل و سکوت مجامع بین‌المللی در قبال رفتار وحشیانه آن حاکی از وجود قانون جنگل بوده لذا «دشمن‌شناسی» به یک ضرورت آموزشی، به‌ویژه برای نسل آینده‌ساز کشور، یعنی دانشجو-معلمان دانشگاه فرهنگیان، تبدیل شده است. این مفهوم فراتر از شناسایی یک دشمن مشخص، به معنای توسعه تفکر انتقادی و بینش استراتژیک برای درک لایه‌های پنهان رفتارها و نیت دیگران است. پیچیدگی رفتار دشمن ایجاب می‌کند که روش‌های غیرمستقیم، جنگ روانی و ایجاد شکاف‌های اجتماعی شناسایی شوند تا بتوان از تأثیرات مخرب آن‌ها پیشگیری کرد. این آموزش با تحلیل گفتمان، روانشناسی اجتماعی، مطالعات رسانه‌ای و بررسی تاریخ معاصر، دانشجو-معلمان را برای مقابله با فریبکاری‌ها و توطئه‌های احتمالی مجهز می‌سازد. در این میان، مواضع امام شهیدمان حضرت آیت‌الله‌العظمی الامام خامنهای در طول ۳۷ سال رهبری مقتدرانه و شجاعانه در قبال ایالات‌متحده آمریکا، نمونه‌ای بارز از رویکرد «دشمن‌شناسی» است. ایشان همواره بر حفظ استقلال ایران و عدم اعتماد به آمریکا تأکید داشته‌اند. این دیدگاه ریشه در تاریخچه مداخلات آمریکا در امور ایران، از جمله کودتای ۲۸ مرداد و حمایت از رژیم سابق، دارد. علاوه بر این، تضاد ماهوی ایدئولوژیک و سیاسی بین نظام جمهوری اسلامی و آمریکا و همچنین تحلیل رفتار این کشور در عرصه بین‌الملل، به‌عنوان دلایلی برای لزوم هوشیاری دائمی در نظر گرفته می‌شوند. از این منظر، عدم اعتماد به آمریکا، نه یک موضع احساسی، بلکه برآمده از یک تحلیل راهبردی و تاریخی است که بر ضرورت شناخت دقیق «دشمن» و مقاومت در برابر آنچه «سلطه‌جویی» آمریکا خوانده می‌شود، تأکید دارد. این رویکرد، که در گفتمان سیاسی و فرهنگی ایران نیز بازتاب گسترده‌ای دارد، مفهوم «دشمن‌شناسی» را تقویت کرده و بر اهمیت بصیرت و آگاهی در مواجهه با چالش‌های بین‌المللی صحنه می‌گذارد. در نتیجه، گنجاندن این مفاهیم در برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان، به تربیت نسلی آگاه‌تر و مقاوم‌تر در برابر تأثیرات خارجی کمک شایانی خواهد کرد و لازم است تألیف کتابی با عنوان دشمن‌شناسی از دیدگاه رهبری شهیدمان در دستور کار قرار گیرد.

حسن مدرس زاده

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان گلستان

## یادداشت صد و هفتاد و پنج فرش ایرانی، معماری صبر و هوش در نبرد

در میانه آتش و آهن، آنچه ایران را در برابر شبکه عظیم و پیچیده نظامی آمریکا و اسرائیل سرفراز کرد، فقط قدرت موشک و فناوری نبود؛ بلکه الهامی ظریف از ذات هنر ایرانی بود — فرش‌بافی. هر گره در تاروپود فرش، زاییده‌ی صبر، دقت و شناخت ژرف از کل طرح است. همان‌گونه که بافنده با آرامش و نظم، نقشه‌ای بزرگ را از هزاران گره می‌سازد، طراحی حملات ایران نیز با همان منطق هنری شکل گرفت: گره‌به‌گره، بخش‌های حیاتی شبکه دشمن شکافته شد — از «چشم»‌های شناسایی گرفته تا «پوده‌های» فرماندهی و پشتیبانی. هر ضربه، با تأمل و اولویت چیده شد؛ همچون هنرمندی که می‌داند کدام رنگ را کنار دیگری بنشانند تا طرح نهایی معنا گیرد. این نبرد، جدال میان دو فلسفه بود: هنر زنده‌ی ایرانی با ریشه در فطرت و فرهنگ، در برابر معماری سرد ماشین‌های نظامی غرب. فرش ایرانی با نقش‌های بی‌پایانش، نمادی از فهم شبکه و ظرافت طراحی است؛ و امروز همان هنر، در قالب تفکر راهبردی، در میدان نبرد خود را نشان داده است. کاش پس از گذار از این روزهای تلخ و پرغبار — روزهایی که ایران در برابر ابرقدرت‌هایی که قرن‌ها جهان را با قدرت نظامی و فناوری‌شان تعریف می‌کردند، سربلند ایستاده و حرفی برای گفتن دارد — قدر این هنر را بیشتر بدانیم؛ و آنگاه که خاکستر جنگ فرو نشست، فرش ایرانی نه تنها زینت خانه‌ها، که سفیر صلح، اندیشه و زیبایی ملت ما در جهان باشد.

### مهدی یزدانی

استادیار، گروه تربیت بدنی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان، اصفهان، ایران

## یادداشت صد و هفتاد و شش : موشکی به اسم سلول‌های بنیادی

حوزه سلول‌های بنیادی مرز دانش کشورهاست. بررسی پیشرفت‌های ایران نشون میده که ایران عزیز چقدر از نظر علمی در این زمینه قدرتمند است. سلول‌های بنیادی نه تنها نماد پیشرفت علمی ایران، بلکه شواهدی قابل اندازه‌گیری از توانایی‌های نوآورانه و مستقل کشور در عرصه پزشکی و زیست‌فناوری هستند. ایران با وجود محدودیت‌های بین‌المللی، به یکی از پیشروترین کشورها در تولید و کاربرد سلول‌های بنیادی تبدیل شده است. این پیشرفت نتیجه سرمایه‌گذاری بلندمدت در آموزش عالی، تحقیق پایه، و توسعه زیرساخت‌های علمی است. ایران با تولید پنج محصول درمانی نوآورانه در بین ۱۰ کشور برتر دنیا در زمینه سلول‌های بنیادی قرار گرفت. دانشگاه‌های ایران با استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند iPSC و CRISPR، به رقابت جهانی پیوسته‌اند. بنابراین، سلول‌های بنیادی ارزش دفاع ایران را دارند، زیرا نشان‌دهنده استقلال علمی و توانایی خودکفایی در پژوهش‌های پیشرفته است. مدرکی بر کیفیت آموزش عالی و نوآوری داخلی در شرایط چالش‌برانگیز است. اثباتی است از اینکه فرهنگ علمی و پژوهشی در ایران، زنده و پویا است، و نه تنها به دنبال تقلید، بلکه به سمت خلق دانش جهانی حرکت می‌کند. پس دفاع از سلول‌های بنیادی، دفاع از هویت علمی، استقلال فکری و امید به آینده ایران است.

حامد نوروزی طاهری

عضو هیئت علمی گروه زیست‌شناسی دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی

## یادداشت صد و هفتاد و هفت مکتب تربیتی شهید امام خامنه‌ای

مکتب تربیتی شهید امام خامنه‌ای از چند منظر قابل تأمل است. -لطافت و جدیت هم‌زمان: با مشاهده تعاملات ایشان، نیک درمی‌یابیم که ایشان مصداق کامل آیه «اَشْداءُ عَلَی الْکُفَّارِ رَحِماءُ بَیْنَهُمْ» بودند. علی‌رغم کاستی‌هایی که در عملکرد مسئولین قوای سه‌گانه وجود داشت، همواره در راستای تحقق وحدت در جامعه، بردبارانه دست حمایت خود را بر سر مسئولین نگاه داشته و در عین کمک به رفع کاستی‌ها، همواره‌شان و منزلت مسئولین را محترم می‌شمردند. در عین حال در برابر زورگویی‌های بیگانه که تحقیر ایران و ایرانی را به دنبال داشت، ذره‌ای در لفظ و عمل کوتاه نیامده و همواره از موضع قدرت و صلابت صحبت می‌کردند. -علم و حکمت: ایشان برای امت، در نقش یک معلم دلسوز بودند. در علم و حکمت چند گام از همه جلوتر حرکت می‌کردند. در شعر و ادبیات، تاریخ و فلسفه صاحب‌نظر بوده و با مفاهیم مربوط به فضای مجازی و... علم روز آشنایی داشتند. دانشمند و اندیشمندی صاحب‌نظر و توانا بودند. همین امر، دیگران را خواسته و ناخواسته شیفته ایشان نموده و به اطاعت از ایشان وامی‌داشت. در مکتب ایشان آموختیم، مربی باید گام‌ها جلوتر از مربی حرکت کند تا مربی خود را تشنه مکتب تربیتی او بیابد. -بینش و بصیرت: ایشان معلمی بصیر و آگاه بودند. قدرت تحلیل مسائل، درک مسائل مربوط به سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از ویژگی‌های برجسته ایشان بود. گاهی برنامه‌ریزی‌های بلندمدت دشمن با یک سخنرانی یک‌ساعته ایشان خنثی و بی‌اثر می‌گشت و نقشه‌های شوم آنان که در پس ظاهر دوستانه‌شان مخفی شده بود، نقش بر آب می‌شد. هیچ‌گاه لبخندهای دشمن ایشان را نفریفت و غرش‌های توخالی دشمن ایشان را سست و بیمناک نکرد. باشد که در امر تعلیم و تربیت، الگویی شایسته و بی‌بدیل برای ما و دانش‌جو معلمانمان باشند و سلیمانی‌ها و سلامی‌ها را با استعانت از خداوند و پیروی از مؤلفه‌های مکتب تربیتی ایشان، بی‌روانیم.

### اعظم السادات میرزاصفی

عضو هیئت علمی گروه امور تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان ایلام.

## یادداشت صد و هفتاد و هشت جنگ رمضان و برنامه درسی پنهان

بسیاری از پدیده‌ها فراتر از محتوای رسمی آموزش، در قالب «برنامه درسی پنهان» به انتقال ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای فهم جهان می‌انجامند. از این منظر، تجربه جنگ و مقاومت ملی می‌تواند برای جامعه دانشگاهی به‌ویژه دانشجومعلمان به یک بستر یادگیری غیررسمی اما عمیق تبدیل شوند. شرایط و رویدادهای کنونی می‌تواند به‌مثابه «متن‌های تربیتی» عمل کنند که در آن‌ها مفاهیمی چون مسئولیت اجتماعی، همبستگی جمعی و نقش آگاهی تاریخی برجسته می‌شود. از این رو، داشتن بینش تاریخی و بصیرت برای دانشجویان اهمیت اساسی دارد؛ زیرا فهم رویدادهای جاری بدون قرار دادن آن‌ها در بستر تاریخی و تمدنی، ممکن است به برداشت‌های سطحی یا واکنش‌های احساسی محدود شود. از منظر تربیتی، مواجهه آگاهانه با چنین تجربه‌هایی می‌تواند به شکل‌گیری نوعی یادگیری تأملی منجر شود؛ یادگیری که در آن دانشجویان از طریق تحلیل رویدادهای واقعی، به درک عمیق‌تری از پیوند میان دانش، هویت و مسئولیت اجتماعی دست می‌یابند. در این میان، نقش استادان و دانشگاه در فراهم کردن فضای گفت‌وگوی عقلانی و تحلیل انتقادی بسیار مهم است. درنهایت، اگر این رویدادها در چارچوبی آموزشی و تحلیلی فهم شوند، می‌توانند به مجموعه‌ای از تجربیات زیسته ارزشمند تبدیل شوند که در قالب برنامه درسی پنهان، به پرورش بصیرت تاریخی، تقویت هویت جمعی و تعمیق آگاهی اجتماعی در میان دانشجویان کمک می‌کنند.

### فهمه گندمی حسنارودی

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان استان اصفهان

## یادداشت صد و هفتاد و نه

### دفاع مقدس جنگ رمضان: عمل متعهدانه در مسیر ارزش‌ها

جنگ رمضان نمود عینی رویکرد پذیرش و تعهد در روانشناسی است. در این رویکرد بر شناسایی ارزش‌ها و اقدام متعهدانه در مسیر ارزش‌ها تأکید می‌شود تا فرد معنا را تجربه نماید. در حالت فقدان ارزش‌ها فرد ارزش‌هایش را گم، فراموش یا مورد غفلت قرار داده است و با آن‌ها ارتباط روان‌شناختی ندارد و نمی‌تواند از ارزش‌هایش به‌عنوان یک هدایتگر مؤثر برای اعمالش استفاده کند. در چنین شرایطی رفتارهای فرد به‌جای ارزش‌ها با اجتناب تجربه‌ای و آمیختگی‌هایش هدایت می‌شود و اعمال غیرمتعهدانه و ناکارآمدی انجام می‌دهد که در جهت ارزش‌های او نیستند و موجب کشمکش او با اهداف و ارزش‌هایش می‌شوند؛ اما در جنگ رمضان ایرانیان با پذیرش و ایجاد فضا برای افکار، احساسات، هیجانات، امیال و دیگر تجربه‌های خصوصی ناخوشایند حاصل از جنگ، بدون تلاش برای تغییر آن‌ها و فرار از آن‌ها با توجه مجدد به آن‌ها در مسیر ارزش‌ها متعهدانه اقدام کرده‌اند. مردم با آوردن کامل آگاهی خود به تجربه اینجا و اکنون، با گشودگی علاقه، پذیرش، تمرکز بر روی آن و درگیری کامل با آنچه در حال انجام آن است، روزهای جنگ را پیش می‌برند. مردم ما امروز عمل مطابق با ارزش‌های فردی و اجتماعی خود را اکتشاف و شناسایی کرده‌اند. ایرانیان از هویت فردی و باورهایشان حمایت می‌کنند و برای اعمال آینده خود هدفمند در مسیر ارزش‌هایشان گام برمی‌دارند. البته که این ارزش‌ها، تمام‌شدنی نیستند و بازتاب آن چیزهایی هستند که ایرانیان در آن‌ها معنا یافته‌اند و یافتن معنا در دل رنج‌ها هم به رشد فردی افراد و هم تحول اجتماعی جامعه ایرانی منجر خواهد شد.

#### نرگس پورطالب

عضو هیئت علمی گروه راهنمایی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان شرقی

## بادداشت صد و هشتاد

### دانشگاه فرهنگیان: بستری برای تمدن سازی از طریق برنامه درسی انقلابی

دانشگاه فرهنگیان، به عنوان نهادی کلیدی در تربیت معلمان، نقشی فراتر از آموزش صرف دانش و مهارت ایفا می‌کند. در بستر تحولات معاصر و با توجه به ضرورت بازنگری در نظام‌های آموزشی، دانشگاه فرهنگیان می‌تواند به عنوان دانشگاه تمدن ساز، بستری برای پرورش نسلی آگاه، متعهد و توانمند در جهت تحقق اهداف تمدنی کشور باشد. این مهم، مستلزم بازنگری بنیادین در برنامه درسی و اتخاذ رویکردی «انقلابی» در این زمینه است. برنامه درسی انقلابی، به معنای رویکردی است که با تأسی از اندیشه‌های انقلاب اسلامی و با در نظر گرفتن نیازهای جامعه معاصر، محتوای آموزشی را بازسازی می‌کند. این برنامه درسی باید بر مبنای اصول علمی و با تکیه بر پژوهش‌های به‌روز، تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و معنوی و تقویت هویت ملی و اسلامی، طراحی شود. دانشگاه فرهنگیان، با اتخاذ این رویکرد انقلابی در برنامه درسی، می‌تواند به عنوان کانون اصلی تمدن سازی در کشور، نقش مؤثری در تربیت معلمان توانمند و آماده سازی دانش آموزان برای ورود به جامعه‌ای پویا و پیشرفته ایفا کند. این دانشگاه باید به یک دانشگاه تمدن ساز تبدیل شود؛ دانشگاهی که معلمان را برای ایفای نقش آفرینی در نظام آموزشی انقلابی تربیت می‌کند. دانشگاه فرهنگیان باید با بهره‌گیری از اساتید مجرب و روش‌های نوین آموزشی، معلمان را به دانش و مهارت‌های لازم برای تربیت نسل آینده مجهز سازد. تربیت معلمی که خود، حامل ارزش‌های انقلابی و دغدغه تربیت نسل آینده باشد، این امر مستلزم ایجاد بسترهای مناسب برای ارتقای علمی و معنوی معلمان است.

#### نرگس یحیائی

دکترای مدیریت آموزشی، مدرس دانشگاه فرهنگیان بوشهر.

## یادداشت صد و هشتاد و یک

### مکتب تربیتی قائد شهید سید علی خامنه‌ای: سبک تربیتی فطرت

بر فطرت تربیت در علوم تربیتی همان تغییر هدفمند پایدار است. قید «هدفمند» در تعریف تربیت، برای خارج کردن تغییرات پایداری است که هدفمند نیستند. در مکتب تربیتی رهبر عزیز ما هدف توحید و تسلیم محض در مقابل قدرت لایتناهی جهان هستی است و لا غیر. سبک تربیتی مترقی و سیر الی الله است و سبک تربیت ارتجاعی و بردگی انسان‌های دیگر منسوخ است. در زمان رهبری ایشان جز تربیت و پرورش شکوفایی و تکامل چیزی نمی‌توان یافت... با مرور سال‌های پر بار ایشان و تلاش در جهت تمدن سازی هرگز به امرونی‌ها یا حل مسئله به شیوهی شخصی بر نمی‌خوریم، زیرا ایشان قائل به حرکت از داخل به خارج بودن و اعتقاد قلبی داشتند که ملت باید خودش قدرت تعمیم و تطبیق پیدا کند. قائد شهید اصول اساسی تربیت از جمله محبت، احترام، اعتدال در عین حال قاطعیت را به‌طور کامل رعایت می‌کردند و در جلسات عمومی و خصوصی کاملاً مشهود بود، خصوصاً در اصل رعایت حدود و مرزها اجازه‌ی بی‌حرمتی به هیچ شخصیتی را نمی‌دادند و یکی از دلایل اتحاد احزاب و اقشار مختلف این شرایط همین موضوع است. حضرت آقا با تقوای پیشگی و پارسایی خود اعتماد را بین مربی و متربی برقرار ساخت، از زندگی ساده و بی‌آلایش تا نحوه‌ی شهادت عاشورا گونه‌ای نشان طبل رسوایی کذابان واژگون شد و همین موضوع تربیت حماسی و آرامش حماسی ملت را لا اکره جلوه داد یعنی حضور و اتحادی با احساس مسئولیت و خودجوش که جهانیان را متحیر ساخته و دشمن سفاک را در کما فرو برده... رهبر شجاع و غیور ما اصل عزت را در فرهنگ مردم نهادینه کرد و با این شاکله تربیتی، مردم بعد از شهادت ایشان مبعوث شدن تا قدرت فطرت الهی را جهانی به نظاره بنشینند و زمینه وحدت و خروج آزادگان جهان رقم بخورد و همگی خواهان حضور حضرت حجت عجل الله را از تنها قدرت هستی خداوند متعال تمنا کنند.

### فاطمه ساعتی معصومی

عضو هیئت علمی (گروه علوم تربیتی) دانشگاه فرهنگیان همدان



## یادداشت صد و هشتاد و دو جاودان نامه‌ای دیگر

یکی از ابر کلیدواژه‌ها و ابر بن‌مایه‌های ادبی و فرهنگی ما ایرانیان از دوره‌ی حماسه تا تاریخ و از تاریخ تا کنون «دفاع از مام وطن» بوده است. در گفتمان این بن‌مایه هیچ‌گاه و در هیچ برهه‌ای اثری از «جنگ‌طلبی و جنگ‌افروزی» ایران و ایرانیان به چشم نمی‌آید. ادبیات ایرانی همواره بر صلح و درنهایت بر دفاع استوار بوده و هست. گفتمانی که منهای جنگ است و منهای تجاوز. گفتمانی که در بزرگ‌ترین اثر فاخر ما (شاهنامه‌ی فردوسی) به روشنی منعکس شده و برای جهانیان به نمایش گذاشته شده است. پارادایمی که بارها و بارها به اشکالی هنرمندانه در حماسه‌ی عرفانی مولوی، کلان‌روایت‌های سعدی و جام جهان‌نمای غزلیات حافظ و ... به جهان نشان داده‌ایم. سبکی و عهدی که بر آن بودیم و هستیم. امروزه که خاک پاک «مام وطن» باز موردتهاجم همه‌جانبه‌ی بداندیشان و بدسیرتان قرار گرفته است، با گفتمان دیرینه‌مان تجدید میثاق می‌کنیم و مقتدرانه و با همدلی (نه صرفاً هم‌زبانی) در مقابل بدخواهان ایستاده و بر قداست ایران و ایرانی و آرمان‌های دینی و انقلابی‌مان سر می‌افشانیم. اینک بر ماست تا قلم برانیم و از این تقابل بنویسیم. تقابلی که نه‌تنها عادلانه و متوازن نیست. بلکه بر آغازگرانش شرمی ست جاودانه. چراکه در یک سوی این میدان، جهان تا بن دندان مسلح نشسته است و در سوی دیگر آن، ملت ایران تا جان جان معتقد. تقابلی که خود شاهنامه‌هایی دیگر است برای آیندگان. ژانری لبریز از ابر کلیدواژه‌ها برای فردوسی‌ها، سعدی‌ها و حافظ‌های آینده این مرزوبوم است. آری بر ماست از این رویارویی بنویسیم تا از تراژدی کودکان مدرسه‌ی میناب، فردوسی وار تصویری جاودانه و ابدی برای بشریت به یادگار بگذاریم. بر ماست تا سعدی وار از این روایت تلخ بشری، گلستان‌ها بنویسیم و یک‌بار دیگر گفتمان نیک‌خواهی‌مان را در گوش جهان بازخوانی کنیم. آری بر ماست که بنویسیم و بنویسیم. از رستم‌ها، آرش‌ها و سیاوش‌هایمان از باورهای ناب انسانی‌مان از ایران اسلامی‌مان. چراکه ادبیات، بی‌مرزترین، رساترین، مؤثرترین و دل‌نشین‌ترین رسانه‌ی جهان بشری ست.

«چو ایران نباشد، تن من مباد!»

مهدی احمدی خواه

استادیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان ایلام.

## یادداشت صد و هشتاد و سه

### تدریس اثربخش، تدریس مبتنی بر ایستادگی، استقامت و شهادت

تدریس دارای ابعاد مختلفی است که سه بعد مهم تدریس عبارت‌اند از بعد علمی تدریس که بر تسلط بر محتوای علمی اشاره دارد، بعد روان‌شناختی تدریس که شناخت ویژگی‌ها و استعدادها و ظرفیت‌های روحی و روانی مخاطبان اشاره دارد و بعد اخلاقی تدریس که بر اهمیت به فضیلت‌های اخلاقی از قبیل عدالت در رفتار، صداقت در رفتار و گفتار معلم و باورها، عقاید و ارزش‌های معلم که در رفتار و کردار وی تبلور پیدا می‌کنند اشاره دارد. اگر چه بعد علمی و روان‌شناختی تدریس در اثربخشی تدریس خیلی نقش دارند اما بر اساس پژوهش‌های مختلف بعد اخلاقی تدریس و اخلاق، رفتار و کردار معلم اثربخشی آن در رفتار و کردار مخاطبان خیلی بیشتر است؛ بنابراین در شرایط امروز جامعه ما رفتار من استاد و معلم در ترویج فرهنگ ایستادگی، مقاومت و تسلیم نشدن در برابر سختی‌ها، مشکلات و زورگویان بسیار مهم و حیاتی است که البته نبایستی فقط در گفتار من معلم نمایان باشد بلکه به‌صورت عملی هم مخاطب من باید ببیند و بیاموزد و بایستی به شکلی رفتار کنیم که ایستادگی و مقاومت در مقابل زورگویان و درنهایت شهادت افتخاری است برای تمام انسان‌های آزاده جهان که تحت هیچ شرایطی زیر بار ظلم و ستم نرویم؛ بنابراین ما به‌عنوان تربیت‌کنندگان معلمان آینده بایستی به بعد اخلاقی تدریس توجه ویژه داشته باشیم و اگر می‌خواهیم اثربخش باشیم بایستی در کنار تسلط علمی و روان‌شناختی مراقب رفتار، اعمال، باورها و گفتارمان باشیم و به دانشجویانمان هم گوشزد کنیم که تدریس اثربخش صرفاً تسلط علمی به مطالب علمی کتاب درسی و روش‌های تدریس نیست.

احمد رضا فاضلی

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی

## بادداشت صد و هشتاد و چهار

### استراتژی مقاومت اسلامی در برابر دشمن و نقش معنویت ملت در تقویت بنیه‌ی امنیتی ملی

در چارچوب تفکر سیاسی-اجتماعی مبتنی بر اصول اسلامی و انقلابی، مفهوم «دشمن‌شناسی» به‌عنوان یکی از ارکان اساسی استراتژی مقاومت ملی، مورد توجه ویژه‌ای قرار می‌گیرد. این مفهوم نه تنها به شناسایی عوامل خارجی و داخلی مخرب محدود می‌شود، بلکه به تحلیل عمیق ساختارهای قدرت، روان‌شناسی دشمن، و تأثیرات فرهنگی-معنوی بر پایداری نظام اشاره دارد. امام علی (ع) در این زمینه با بیان اصلی جامع و پایدار می‌فرماید: «هیچ دشمنی را دست کم نگیر، هر چند ناتوان باشد»، که این عبارت، نه تنها یک هشدار اخلاقی، بلکه یک اصل استراتژیک در مدیریت بحران‌های سیاسی و امنیتی است. قرآن کریم نیز در آیه‌ی ۱۳ سوره احزاب، به این موضوع تأکید می‌کند: «وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا» که حاوی پیامهایی است: تضعیف روحیه مؤمنان توسط گروهی از منافقان با شایعه پراکنی و گروهی با فرار از جبهه، غفلت نکردن از تبلیغ منافقان برای دلسرد کردن رزمندگان، فرماندهی جنگ، توسط شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نظم و سازمان‌دهی قوای مسلح، ضرورت آرامش فکری و خانوادگی برای رزمندگان به قدری ضروری است که منافقان، دغدغه آن را بهانه ترک جبهه خود قرار دادند. ترس و بهانه‌گیری منافق، به خاطر نداشتن شهامت، به جای موضع‌گیری صریح، استفاده دشمن از مذهب، علیه مذهب و آشکار شدن افکار پلید منافقان و رسوا شدن آنان از طریق وحی؛ که به وضوح نشان می‌دهد که تقلیل دشمن به دلیل ظهور ضعف ظاهری، از جمله بزرگ‌ترین خطاها در تحلیل امنیتی و سیاست خارجی است. این اصل، پایه‌ای برای تفکر تحلیلی-پیشگیرانه در علوم تربیتی، سیاست، و مدیریت بحران است، زیرا نشان می‌دهد که تحلیل دشمن نباید مانع از تقویت روحیه امنیتی ملی شود.

#### زهره حمزه لو

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت صد و هشتاد و پنج

### به پا خیزید

در میانه‌ی این جنگ نابرابر، که هر لحظه‌اش آمیخته با خشم دشمنان دیرینه و اندوه شهادت فرزندان این سرزمین است، تربیت و آموزش رسالتی خاموش‌ناپذیر دارد. امروز میدان جهاد، تنها خاک و خون نیست؛ کلاس، قلم و اندیشه نیز جبهه‌ای مقدس‌اند که در آن باید ایستاد. دشمن این عصر، چهره‌ای نرم‌تر و فریبنده‌تر دارد. استعمار نو با زبان رسانه، جذابیت مصرف‌زدگی و نظریه‌های تربیتی وارداتی، ذهن جوان ایرانی را هدف گرفته است. در چنین فضایی، برنامه درسی ما باید سنگر مقاومت باشد؛ جایی برای تربیت نسلی که دشمن را نه در ظاهر، بلکه در نقشه‌های پنهان فرهنگی و روانی‌اش بشناسد. تربیت مقاوم، ادامه خطبه جهاد مولای متقیان است؛ جامه‌ی تقوایی که انسان را از خواری در برابر زور و نیرنگ برهاند. بر این اساس، تربیت باید توان روان‌شناختی تاب‌آوری، بصیرت جامعه‌شناختی در فهم سلطه و ذوق ادبی درک زیبایی حقیقت را هم‌زمان در جان شاگردان بنشانند. اکنون زمان برخاستن است؛ زمان آن است که معلمان و استادان، رزمندگان قلم باشند. با نوشتن، با گفتن، و با تبیین درست، از حقیقت و هویت دفاع کنیم تا نسل آینده در برابر تحقیر فرهنگی و سلطه نرم، استوار بایستد. اگر ما در جهاد علمی و تربیتی سکوت کنیم، بی‌آنکه بدانیم، در صف خاموشان تاریخ خواهیم ماند.

### معصومه شصتی

عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه شهید مفتاح تهران

## یادداشت صد و هشتاد و شش

### بازخوانی روان شناختی پایداری در جنگ رمضان؛ از خود تا ما و تمدن سازی

در میانه میدان جنگ رمضان، آنچه فراتر از تجهیزات نظامی می‌درخشد و حیرت جهانیان را بر می‌انگیزد، مقوله انسان سازی و پایداری روانی رزمندگان است. دفاع مقدس نه تنها یک رویداد تاریخی است، بلکه یک آزمایشگاه زنده و الگویی بی‌بدیل برای تربیت و مقاومت است. در این نبرد سخت، رزمندگان غیور با گذار موفقیت‌آمیز از مرحله خود محوری به جامعه محوری و با درونی سازی مفاهیم عمیق میهن‌دوستی، اوج بلوغ هویتی را در دامن گرم ایرانیت و اسلامیت به نمایش گذاشتند. جنگ رمضان به ما می‌آموزد که مواجهه شجاعانه با تهدیدات دشمن، نیازمند درونی سازی ارزش‌ها و تربیت سیاسی واقعی است. مکتب تربیتی شهید امام خامنه‌ای و شهدای والامقام، با تکیه بر منظرهای قرآنی و اصول روان شناختی، توانستند ترس را به شجاعت مطلق و یأس را به امید بی پایان تبدیل کنند. این رویکرد دقیقاً همان برنامه درسی انقلابی و تربیت سیاسی در میدان جنگ است که دانشگاه فرهنگیان باید آن را به عنوان یک اصل بنیادین به نسل امروز منتقل کند. ما در دانشگاه فرهنگیان، به عنوان یک دانشگاه تمدن ساز، وظیفه‌ای خطیر داریم. باید با دشمن‌شناسی دقیق در برنامه درسی و شناخت عمیق ابعاد استعمار فرانو، دانش‌آموزان معلم آینده را برای دفاع علمی و تربیتی آماده سازیم. هدف نهایی، تربیت نسلی است که در برهه‌های حساس، با تکیه بر ایمان و بصیرت، پشتوانه‌ای محکم و استوار برای ایران اسلامی باشند.

محمد باردل

هیئت علمی گروه آموزش راهنمایی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت صد و هشتاد و هفت ضرورت ماندن در میدان

چرا نباید میدان را خالی کرد؟ ابتدا باید منظورمان از میدان را مشخص کنیم. مراد از میدان آن است که در صحنه زندگی باید زمام حرکت و فعالیت را به سمت هدف معینی در دست گرفت و با برنامه به سمت هدف حرکت کرد. این میدان داری وقتی دشمنی غدار در مقابل انسان وجود دارد، اهمیتش چند برابر می‌شود. در فرهنگ دینی، شیطان و نفس اماره به‌عنوان دشمن انسان معرفی شده‌اند. وقتی انسان در نماز در محراب قرار می‌گیرد، به جنگ شیطان و هوا و هوس‌ها قدم بر می‌دارد و میدان داری می‌کند. جهاد با دشمن در فرهنگ دینی به مصادیق شیطان یعنی مخالفان حاکمیت دینی نیز گسترش می‌یابد. این جاست که در میدان بودن اهمیت می‌یابد. میدان شامل همه میدان‌ها از میدان نظامی تا میدان شهرها برای فریاد زدن حق و حقیقت تا میدان اقتصادی تا میدان سیاسی می‌شود. همه میدان‌ها باید در مسیر و جهت اقامه عدالت و استحکام حاکمیت توحید قدم بردارند و لحظه‌ای در این زمینه کم کاری نکنند. این جاست که باید مراقب میدان سیاست و اقتصاد و عدم ورود نفوذی‌ها و غرب زده‌ها باشیم. یکی از میدان‌ها که ضرورت دارد همیشه فعال باشد، میدان حضور مردم در مراسمات و اجتماعات است. مردم به‌عنوان امت اسلامی و به دنبال احیای حاکمیت الله در سال ۵۷ انقلاب کردند و حکومت اسلامی تشکیل دادند و به جمهوری اسلامی رأی دادند علت مبقیه همان علت محدثه است. اگر بناست که این حکومت در مسیر درست خود حرکت کند، همیشه به میدان داری مردم نیاز دارد. باید خواند و گفت و نوشت. باید احساس مسوولیت نمود. باید در همه صحنه‌ها حاضر بود. وقت گلایه نیست. در صحنه رویارویی با قدرتهای ستمگر باید احساس مسوولیت کرد و با استفاده از همه ظرفیت‌ها به نابودی دشمنان کمر همت بست. این بار بر دوش آحاد امت است. امت باید بصیرت خود را بیفزاید و همدیگر را به صبر و مقاومت توصیه کند و صحنه را به بهترین شکل مدیریت نماید. حضور در میدان ضامن پیروزی و رسیدن به هدف است.

محمد اسماعیلی

هیئت علمی گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان استان بوشهر

## یادداشت صد و هشتاد و هشت

### فرهنگ دانشگاهی به مثابه زیرساخت توسعه علمی در منظومه فکری شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (رحمت‌الله علیه)

در منظومه فکری شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (رحمت‌الله علیه)، فرهنگ دانشگاهی بنیان اصلی پیشرفت علمی و زمینه‌ساز تعالی انسان و جامعه اسلامی است. ایشان دانشگاه را تنها محل آموزش تخصصی نمی‌دانند، بلکه آن را نهادی فرهنگی و تربیتی می‌شمارند که وظیفه دارد انسان‌هایی مؤمن، متعهد، خلاق و مسئولیت‌پذیر تربیت کند. از دیدگاه معظم‌له، علم در منطق اسلامی همواره با اخلاق، معنویت و هدف الهی همراه است و اگر از این مبانی جدا شود، ممکن است به ابزاری برای سلطه، خودخواهی و انحراف تبدیل گردد. از این رو، پیوند میان علم و ایمان، عقلانیت و معنویت، و دانش و مسئولیت اجتماعی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی مطلوب در نگاه ایشان به شمار می‌آید. رهبر شهید انقلاب (رحمت‌الله علیه) بر ضرورت استقلال علمی و فرهنگی دانشگاه‌ها تأکید کرده و وابستگی فکری به الگوهای غربی را مانعی در مسیر شکل‌گیری هویت علمی اصیل می‌دانند. ایشان معتقدند دانشگاه باید با تکیه بر ظرفیت‌های فکری و فرهنگی اسلام و ایران، به تولید علم بومی و پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی جامعه بپردازد. در چنین فضایی، استادان و دانشجویان نه تنها به دنبال پیشرفت علمی، بلکه در پی تحقق ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی نیز خواهند بود. به باور ایشان، دانشگاه مبدأ تحولات فرهنگی و اجتماعی کشور است و هرگونه تحول در مسیر پیشرفت ملی، از محیط‌های علمی و دانشگاهی آغاز می‌شود. بر این اساس، فرهنگ دانشگاهی سالم می‌تواند انگیزه جهاد علمی، روحیه مسئولیت‌پذیری، آزاداندیشی و تعهد اجتماعی را در میان نخبگان تقویت کند. در نتیجه، دانشگاه اسلامی در منظومه فکری ایشان نهادی است که علم را در خدمت پیشرفت، عدالت، معنویت و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی قرار می‌دهد؛ بنابراین فرهنگ دانشگاهی نه امری حاشیه‌ای، بلکه زیربنای توسعه علمی، فرهنگی و تمدنی جامعه اسلامی محسوب می‌شود.

محمد مجتبی‌زاده

استادیار گروه امور تربیتی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، استان زنجان.

## بادداشت صد و هشتاد و نه

### : مکتب تربیتی رهبر شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای: رویشی در بستر ایمان و عقل

تربیت، همواره در قلب انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌ای داشته است. از زمان امام خمینی (ره) تا دوران رهبری شهید آیت‌الله خامنه‌ای، پرورش نسلی آگاه، مؤمن و توانمند، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها مطرح بوده است. این رویکرد، در قالب مکتب تربیتی رهبر شهید شکل گرفت؛ بستری جامع و پویا که با الهام از اندیشه‌های شهید مطهری و آموزه‌های اسلام ناب، به دنبال تربیت انسان‌های کامل و مؤثر در جامعه است. این مکتب، دو رکن اساسی معنویت و عقلانیت را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد. معنویت در این نگاه، به معنای عمق بخشیدن به روح و اخلاق است؛ ارتباط با خداوند و پایبندی به ارزش‌های الهی، راهگشای مسیر زندگی و مانع انحرافات؛ اما این معنویت، به معنای دوری از علم و دانش نیست، بلکه برعکس، پیشرفت‌های علمی و ابتکارات نوآورانه را تقویت می‌کند. در مکتب رهبر شهید انقلاب اسلامی، تربیت صرفاً محدود به آموزش‌های کلاسی نیست، بلکه شامل پرورش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی نیز می‌شود. دشمن‌شناسی و استکبارستیزی، به‌عنوان دو مؤلفه کلیدی، به انسان‌ها کمک می‌کند تا در برابر توطئه‌های دشمنان آگاه باشند و با بصیرت، مسیر درست را تشخیص دهند. این آگاهی، همراه با پایبندی به آرمان‌های انقلاب و ارزش‌های اسلامی، انسان را در مسیر تحقق اهداف بلندمدت تمدنی قرار می‌دهد. در مجموع، مکتب تربیتی رهبر شهید، فراتر از یک روش آموزشی صرف، یک سبک زندگی است؛ سبکی که بر پایه‌های ایمان، عقل، اخلاق و خدمت به جامعه بنا شده است. این مکتب، با تربیت نسلی آگاه، مؤمن و توانمند، نقشی اساسی در تحقق تمدن نوین اسلامی ایفا خواهد کرد؛ تمدنی که بر پایه ارزش‌های الهی و دستاوردهای علمی و فناوری بنا شده و به‌سوی کمال و تعالی گام برمی‌دارد.

### یاسر عروجی

استادیار گروه آموزش الهیات پردیس شهیدباهر اصفهان



## یادداشت صد و نود ایران؛ مدرسه‌ای برای آموختن ایستادگی

۱. تاریخ زنده در رفتار یک ملت گاهی تاریخ نه در کتاب‌ها نوشته می‌شود، بلکه در رفتار ملت‌ها دیده می‌شود. مردم ایران در بزنگاه‌های دشوار نشان داده‌اند که ایستادگی تنها یک واکنش مقطعی نیست، بلکه فرهنگی ریشه‌دار است که نسل‌ها را به مقاومت در برابر تجاوزگران و زورگویان عالم و به ایستادن در مقابل سختی‌ها فرامی‌خواند. ۲. ملتی که در طوفان‌ها قد می‌کشد آنچه در روزهای پرتل‌تهاب این سرزمین دیده می‌شود، فراتر از یک واکنش اجتماعی است. روحی جمعی برآمده از ایمان، فرهنگ و احساس مسئولیت نسبت به آینده شکل گرفته که سبب می‌شود جامعه ایران حتی در فشارها نیز امید، همدلی، آرامش و کرامت انسانی را حفظ کنند. این روح جمعی است که سبب می‌شود ملت ایران در سخت‌ترین شرایط نیز قامت خود را خم نکند. ۳. درس‌های تربیتی برای نسل آینده برای جامعه تعلیم و تربیت، این تجربه‌ها یک متن زنده آموزشی است. دانش‌آموزان می‌آموزند که شجاعت تنها در میدان‌های بزرگ معنا نمی‌شود، بلکه در حفظ امید، اخلاق و همبستگی در روزهای دشوار جلوه پیدا می‌کند. ۴. سرمایه‌ای به نام همبستگی تاریخ ایران نشان داده است که صبر همراه با ایمان و وحدت در سختی‌ها می‌تواند جامعه را از بحران عبور دهد. از همین رو، ایران سرزمینی است که مردمش نه تنها زندگی می‌کنند، بلکه با رفتار خود شیوه زیستن را به دیگران می‌آموزند؛ و بزرگ‌ترین سرمایه آن، همبستگی ملتی است که در لحظات حساس به جای پراکندگی، به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شوند.

سید محمدحسینی نیک

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان کهگیلویه و بویراحمد

## بادداشت صد و نود و یک

### مبعوث شدن مردم؛ راز تداوم انقلاب اسلامی ایران و شکست دشمن صهیونیستی - آمریکایی

در روزگاری که طوفان‌های سهمگین دشمنی، آسمان میهن اسلامی ایران را تیره ساخته است، بار دیگر نشانه‌های مبعوث شدن مردم در این سرزمین آشکار شده است؛ همان روحی که در روزهای پرشور انقلاب اسلامی، ملت را از سکوت به خروش رساند، امروز نیز در برابر دشمنی‌های آشکار ایالات متحده آمریکا و رژیم منحوس صهیونیستی اسرائیل دوباره زنده شده است. این بیداری، تنها یک واکنش سیاسی نیست، بلکه جلوه‌ای از ایمان عمیق و احساس تکلیف الهی است که ملت ایران در لحظه‌های سرنوشت‌ساز آن را به نمایش می‌گذارد. رهبر و سید شهیدان، سید علی خامنه‌ای (رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ)، بارها تأکید کرده‌اند که وقتی ملت احساس تکلیف کند، مبعوث می‌شود؛ یعنی همان‌گونه که پیامبران برای هدایت بشر برانگیخته می‌شدند، ملت مؤمن نیز در هنگام خطر و در میدان امتحان الهی، به پا می‌خیزد و از حق دفاع می‌کند. امروز در شرایطی که دشمنان با جنگ ترکیبی، تحریم، تهدید نظامی و عملیات روانی می‌کوشند اراده ملت ایران را در هم بشکنند، این مبعوث شدن دوباره معنا یافته و نشان داده است که انقلاب اسلامی یک حادثه گذرا نبود، بلکه یک حقیقت زنده و جاری در دل تاریخ است. ملت ایران نشان داده است که انقلاب اسلامی تنها مربوط به سال ۱۳۵۷ نیست، بلکه هر روزی که مردم در برابر ظلم می‌ایستند، انقلاب ادامه دارد. هر روزی که جوانان این سرزمین برای عزت کشور تلاش می‌کنند، هر روزی که خانواده‌ها فرزندان خود را با ایمان، غیرت و روحیه مقاومت تربیت می‌کنند، همان روز، روز تداوم انقلاب است. دشمنان می‌خواستند با فشار و تهدید، ملت را از آرمان‌هایش جدا کنند، اما امروز بیش از هر زمان دیگری روشن شده است که این ملت، ملتی است که در لحظه خطر، دوباره مبعوث می‌شود. امروز در برابر جنگ همه‌جانبه دشمن صهیونیستی و آمریکایی، حضور آگاهانه مردم در صحنه، حمایت از آرمان‌های انقلاب، و ایستادگی در برابر فشارها، نشانه آن است که ملت ایران هنوز همان ملت روزهای نخست انقلاب و روزهای دفاع مقدس است. ملتی که تهدید را به فرصت تبدیل می‌کند و از دل سختی‌ها، قدرت می‌سازد و با ایمان به وعده الهی، راه خود را ادامه می‌دهد. بی‌تردید، رمز ماندگاری انقلاب اسلامی در همین مبعوث شدن‌های پی‌درپی مردم نهفته است. هر بار که دشمن گمان کرده است می‌تواند این ملت را متوقف کند، اراده‌ای تازه در دل مردم شکل گرفته و حرکتی نو آغاز شده است. این حرکت، تنها یک حرکت سیاسی نیست، بلکه بخشی از یک مسیر الهی و تاریخی است که به دست مردمی مؤمن و منتظر ادامه

پیدا می‌کند؛ و این ملت به خوبی می‌داند که تداوم این راه، مقدمه تحقق وعده بزرگ الهی است؛ وعده‌ای که در آن، پرچم عدالت به دست منجی عالم بشریت، امام مهدی (عج) برافراشته خواهد شد و جهان از ظلم و ستم پاک خواهد گشت. امروز در صحنه بودن و ایستادگی مردم ایران، ادامه همان راهی است که به ظهور ختم می‌شود؛ راهی که با انقلاب اسلامی آغاز شد، با مجاهدت مردم ادامه یافت، و با قیام جهانی حضرت ولی عصر (عج) به کمال خواهد رسید. پس این ملت ایستاده است، مبعوث می‌شود، مقاومت می‌کند و پیش می‌رود؛ چراکه باور دارد طلوع صبح ظهور نزدیک است و پیروزی نهایی از آن جبهه حق خواهد بود.

### کریم شاطری

عضو هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان ایلام

## یادداشت صد و نود و دو

### دور جامعه فرهنگیان فی تربیه الجيل الواعی بالهویه الإيرانية المقاومة

المجتمع الإيراني كان و لا يزال مولعا بالعلم والحكمة حيث قد تشكل اول الحضارات البشرية في حوض هذه المنطقة الجغرافية وقد اثبتت ذلك الدراسات التاريخية إن الإيرانيين كانوا يتعاملون مع جيرانهم والدويلات الأخريات تصرفات سلمية مبنية على الاحترام والصلح منه ما قام به الملك الإيراني كوروش مع الشعوب الآخرين في إمبراطوريته الكبيرة مع ذلك يشهد التاريخ أن إيران كانت مطمعا للإجانب الذين هاجموا عليها و قضا على حكامها و سيطروا عليها من الإسكندر المقدوني الى التتار و الروس... حيث قاوم الناس في غضون هذه الهجمات أمام العدو بأشكال شتى بما فيها العسكرية والثقافية والسياسية... لكن نجى من هذه الحروب شيء واحد ألا وهي الثقافة الإيرانية بتقاليدها المليئة بالمحاسن والمكارم و التكاتف اليوم مرة أخرى تعاني إيران من تخطيط الأعداء ضدها ليقضوا على ثرواتها وتقاليدها ومواردها البشرية. هنا يظهر دور جامعه فرهنگیان بصفة الأنظمة التي تربي المعلم للجيل القادم لكي تحافظ على الهوية العريقة التي تخيف العدو و تُلهم روحا جديداً في عروق الشعب كي يبقوا صامدين متكاتفين. انشالله بعون الله تعالى ستخرج بلدنا العزيز من هذا المأزق منتصرا و يجب علينا أساتذة و مسؤولي الجامعة بصفة المهندس الفكرى لمستقبل البلد أن نفتح صفحة جديدة في تقوية الهوية القومية والثقافة العريقة الحسنة ليصبح البلد يدا واحدا تحت راية إيران بمن فيهم المسلم والمسيحي والشيعة و السنة و الكل يمشي و...

### حسن نجفی

الأستاذ المساعد في قسم تعليم اللغة العربية و آدابها بجامعة فرهنگیان، مدينة قم المقدسة

## یادداشت صد و نود و سه

### Lost Humanity

All humans of the world... Please, look at the current attack of USA and Israel on Iran, which shows the reality of our world ... just look, and think twice about the real humanity of the world... Find the answers! Then, there will be nothing to fight about... Who is defending the essence of humanity... Those who defend their country, or those who attack other countries? Those who have never started aggression in any other countries during the past century, or those who attack other countries every year and kill many innocent people, cute babies, and primary school girls? Those who define the war as an entertainment of their leaders, or those who define the war as an aim to defend their country to control Satan's? Those who are the new Nazis and racists, or those who follow the real justice, equity, and fairness for all humans? Those who broke all human rules under the human right flag, or those who fight for about 50 years to have the minimums of human rights, which are free trade and talks with the international community? Just think twice and look at the history of the countries to find the answer... Who is your choice ... Iranians or Americans? You see, past history is the best judge... If you find the answer, dare to shout the truth! and fight to bring back humanity to the world...

**Mohammad Hossein Dehnavi**

Assistant Professor of Farhangian University(Neishabour)

## یادداشت صد و نود و چهار تأملی بر جنگ اخیر

از منظر تعلیم و تربیت در جریان تمدن سازی و رشد اجتماعی ملت ایران، به لطف خداوند، نظام تربیتی و فرهنگی کشور در آزمونی بزرگ توانسته است با تکیه بر مؤلفه‌های اصلی تعلیم و تربیت، انسجام خود را حفظ کند و از بحران‌ها فرصت رشد بسازد: ۱. هدف تربیت - ثبات و رشد ملی: جامعه ایرانی با وجود تهدیدهای بیرونی، توانسته اهداف تربیتی خود را حفظ کند؛ یعنی فروپاشی ارزش‌های جمعی رخ نداده، ساختار سیاسی و اخلاقی پایدار مانده و قدرت دفاعی ملی در کنار انسجام اجتماعی تقویت شده است. ۲. محیط تربیت - مقاومت در برابر آشوب: نظام تربیتی کشور با توان فرهنگی و اجتماعی خود توانسته محیط داخلی را ایمن سازد و مانع از شکل‌گیری آشوب‌های رفتاری و فرهنگی شود. مردم در محیطی نسبتاً باثبات، روحیه مشارکت و مسئولیت اجتماعی خود را تقویت کرده‌اند. ۳. مربیان و الگوهای تربیتی - خودباوری ملی: الگوهای ملی، نخبگان فکری و رهبران اجتماعی به‌عنوان مربیان فرهنگی توانسته‌اند روحیه خودباوری و عزت ملی را در نسل‌ها تثبیت کنند؛ حتی در شرایط فشار خارجی، جامعه مربی‌مدار باقی مانده است. ۴. روش‌های تربیت - دفاع هوشمند و یادگیری از تجربه: توان پدافندی کشور نمادی از تربیت علمی و روش‌مند است؛ یعنی جامعه از تجربه‌ها می‌آموزد و ضعف‌های خود را به قدرت تبدیل می‌کند. این فرایند، نوعی یادگیری سازمانی را در سطح ملی نشان می‌دهد. ۵. محتوای تربیت - ارزش مقاومت و عدالت: پیام تربیتی ایران در این مرحله، یادگیری ارزش‌هایی چون ایستادگی، عدالت‌خواهی و دفاع از کرامت انسانی است. مقاومت در برابر ظلم، به‌عنوان یک محتوای اخلاقی و آموزشی در رفتار جمعی نهادینه شده است. ۶. ارزشیابی تربیت - توان پاسخ مؤثر و فعال: توانایی جامعه در پاسخ‌دهی مؤثر به تهدیدها، معیار ارزشیابی کیفیت تربیت ملی است؛ ملت نشان داده‌اند که قادرند بر چالش‌ها غلبه کنند و خود را با شرایط جدید سازگار سازند. ۷. تداوم تربیت - گسترش منطقه‌ای تجربه‌ها: تأثیر فرهنگی فکری ایران در منطقه، بیانگر گسترش مؤلفه تربیت فرامرزی است؛ یعنی مدل تربیتی مقاومت و آگاهی‌گرایی به سطح منطقه‌ای و جهانی منتقل شده است. آگاهی جهانی به‌عنوان محتوای تربیت جهانی: بر اساس گزارش‌ها، بیش از ۹۰ درصد کاربران جهان رفتارهای خشونت‌آمیز علیه ملت‌ها را محکوم کرده‌اند. این نشان می‌دهد که وجدان جهانی و تربیت بین‌المللی به‌سوی احترام به قانون و امنیت پایدار در حرکت است — نتیجه‌ی رشد تربیتی انسان معاصر. جمع‌بندی تربیتی این رخدادها از منظر تعلیم و تربیت، نماد رشد نهادی، وفاق اجتماعی و یادگیری از بحران هستند. جامعه‌ای که بتواند در طوفان حوادث، ارزش‌های تربیتی خود را حفظ کند، در مسیر «تعلیم و تربیت مقاومتی و حکیمانه» گام برداشته است

### احمد بیات

عضو هیئت علمی گروه امور تربیتی و مشاوره، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان همدان

## یادداشت صد و نود و پنج

### از رستم تا امروز؛ تأملی تربیتی بر مفهوم نبرد در ادبیات ایرانی

در سنت ادبی ایران، نبرد تنها یک رویارویی جسمانی نیست؛ بلکه صحنه‌ای برای آشکار شدن فضیلت‌های انسانی و اخلاقی است. شاهنامه فردوسی، که یکی از مهم‌ترین متون هویت‌ساز فرهنگ ایرانی به شمار می‌رود، جنگ را صرفاً میدان قدرت نمی‌بیند، بلکه آن را عرصه آزمون خرد، وفاداری، میهن‌دوستی و مسوولیت می‌داند. در روایت‌های شاهنامه، قهرمانان پیش از آن که جنگاور باشند، حامل نوعی تربیت اخلاقی‌اند. رستم، گودرز و دیگر پهلوانان نه تنها به نیروی بازو، بلکه به خرد، پیمان‌داری و وفاداری به سرزمین شناخته می‌شوند. فردوسی بارها یادآور می‌شود که پیروزی حقیقی زمانی حاصل می‌شود که «خرد» بر «خشم» پیشی گیرد. از این منظر، نبرد در ادبیات ایرانی بیش از آن که نمایش خشونت باشد، تمرینی برای خودمهارگری، مسوولیت‌پذیری و پاسداری از جامعه است. این نگاه می‌تواند برای نظام تعلیم و تربیت الهام‌بخش باشد. هنگامی که دانش‌آموزان با روایت‌های ادبی از نبرد آشنا می‌شوند، درواقع با مجموعه‌ای از ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی مواجه می‌گردند که در طول تاریخ به شکل‌گیری هویت ایرانی کمک کرده‌اند. ادبیات در این جا پلی میان تاریخ، فرهنگ و تربیت می‌سازد. بازخوانی چنین متونی در محیط‌های آموزشی می‌تواند فرصتی برای گفت‌وگو درباره نسبت میان قدرت و اخلاق، شجاعت و خرد، و فرد و جامعه فراهم آورد. بدین ترتیب، ادبیات کلاسیک نه فقط میراثی فرهنگی، بلکه منبعی تربیتی برای فهم عمیق‌تر مفاهیم هویت، مسوولیت و تعلق اجتماعی در نسل‌های امروز خواهد بود.

### رسول بهنام

عضو هیئت علمی گروه ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان غربی

## یادداشت صد و شش

### چرا حضور مردم در خیابان، بزرگ‌ترین سپر دفاعی و کلید پیروزی در برابر تهدیدات است؟

۱. خیابان، فضایی تربیتی و اجتماعی برای تقویت هویت و امنیت در شرایط پیش آمده این بارخیابان تنها مسیر حرکت نیست؛ بلکه فضایی آموزشی برای شهروند فعال، مسئولیت‌پذیر و هوشمند است. در شرایط بحرانی نه سخن از آشوب و نه اغتشاش بلکه شروع جنگ شهری است، جنگی ترکیبی، هوشمند و هدفمند، که دشمن از راه دور آغازش کرده و حضور آگاهانه و مسئولانه مردم در فضای عمومی، اولین خط دفاع هویتی و امنیتی کشور محسوب می‌شود. این حضور به معنای: نگهداری از فضای مشترک، جلوگیری از ترور و تهدیدات امنیتی، تقویت هم‌افزایی بین نهادهای امنیتی و مردم، ایجاد فضایی که دشمن در آن نمی‌تواند از ترسیم «شکست روحیه» استفاده کند ۲. خلوت‌سازی خیابان: یک بحران تربیتی و اجتماعی اگر خیابان خلوت شود، هفت گزاره بحرانی به‌صورت هم‌زمان رخ می‌دهد: تبدیل شدن به شهروند مصرف‌کننده: وقتی مردم از فضای عمومی دوری می‌کنند، هویت شهروندی فعال را از دست می‌دهند و به جای دفاع، به دنبال حفظ امنیت شخصی می‌گردند. تمرکز حاکمیت از تقابل با دشمن خارجی (آمریکا و اسرائیل) به داخل کشور متوجه می‌شود یعنی منابع و تمرکز، به جای دفاع، به سمت کنترل داخلی می‌رود. بستر ترورهای هدفمند فراهم می‌شود: تروریست‌ها، ناتوان در دستیابی به اهداف با بمباران، «تک‌تک افراد» در خیابان را هدف می‌گیرند و ترور به راه می‌اندازند با کشته‌سازی بالا سازمان‌های حقوق‌بشری و بین‌المللی فعال می‌شوند، اجماع جهانی علیه ما شکل می‌گیرد، و تهاجم دشمن مشروعیت سیاسی و اخلاقی پیدا می‌کند. نیروهای خط مقدم (موشکی، پدافندی) مجبورند از موقعیت‌های دفاعی خود خارج شوند تا به خیابان‌ها رفته و با تروریست‌ها درگیر شوند — که این، ناهماهنگی دفاعی ایجاد می‌کند. هزینه‌های انسانی و اقتصادی به‌سرعت افزایش می‌یابد روحیه دشمن تقویت می‌شود وقتی خیابان پر است، دشمن می‌فهمد: «مقاومت واقعی شروع شده» اما اگر خیابان خلوت شود، به دشمن در حال شکست روحیه مضاعف می‌دهد و او احساس می‌کند «هیچ مقاومتی وجود ندارد» و اقدامات را برای رسیدن به اهداف ادامه می‌دهد.

حمید مریدیان

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان سمنان



## یادداشت صد و هفت

### ذکر «یا حی یا قیوم»

دعا سلاح مؤمن است. یکی از مصادیق دعا بیان صفات جمال و جلال الهی است وجودی که در پوشیده‌ترین ضمیر «هو» با اسامی «حی» و «قیوم» متجلی است «حی» اسم ذاتی است که از آن به «ام الاسماء والصفات» مادر و سرمنشاء همه اسماء و صفات باید یاد کرد. بدین جهت ذکر «یا حی یا قیوم» از ذکرهای حیات بخش و قوام آفرینی است که همواره در هر دم و بازدم مورد نیاز لحظه به اینک استکبار جهانی که با همه نفرات و تجهیزات به جنگ ترکیبی تمام عیار پرداخته، می‌طلبد تا بر مبنای «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ...» با استفاده از همه امکانات، همگان به سلاح دعا خود را مسلح کنیم تا از همه عوامل تأثیرگذار در نظام آفرینش را در نابودی دشمن بهره جوییم در میان مجموعه ادعیه و اذکار، ذکر «یا حی و یا قیوم» یکی از کاربردی‌ترین سلاح قدرتی و صلابتی در تقویت روح و جان آدمی بشمار می‌آید و مؤمن را در عداد (وَلَا تَهْوَوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) قرار می‌دهد کاربست ذکر «یا حی یا قیوم» هرچند برخی از سالکان و خواص نقطه زن، در کاربرد این سلاح مقید به آداب خاصی هستند اما مطابق فرمایش قرآن «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا...» همگان می‌توانند این ذکر را در هر زمان و احوال به هر میزان بکار گیرند یکی از کاربست‌های ذکر «یا حی یا قیوم» در نماز را هنگام سجده - به‌ویژه در سجده‌ی آخر رکعت نماز بر شمرده‌اند. همچنین این ذکر را می‌توان به جای ذکر «بحول الله و قوته اقوام و اقعد». بکار برد.

### اسداله اسدی گرمارودی

هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان تهران

## یادداشت صد و نود و هشت چه باید کرد؟

آن چه در دوران پسا بیست و سوم خرداد سال ۰۴ در ایران و نه اسفند ماه از جانب رژیم اسرائیل در تهاجم به سرزمین مقدس ایران را شاهد بودیم، آئینه وار تصویری از آتارشی ساختار نظام بین‌الملل را در انطباق نظریه واقع گرایی تهاجمی به ترسیم می‌گذارد. در تهاجم دوازده روزه که با تلاش دول همسایه و همراهی نسبی جامعه جهانی، آتش بس شکننده‌ای برقرار شد، لایه اول فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی شهید شدند. با فهم درست مسئله مبنی بر ضعف‌های مشهود در صنعت دفاعی، شورای دفاع تأسیس گردید و البته تلاش‌هایی برای جبران خلأهای موجود و ترمیم نقاط ضعف انجام یافت. درس دوم تهاجم دوازده روزه اشراف اسرائیل غاصب بر مباحث امنیتی و نفوذ در بخشی از بدنه‌ی نهادهای اطلاعاتی بود؛ اما نکته مهم تهاجم نهم اسفند دو نکته اساسی است: برنامه قصد شده اسرائیل حذف نظام و تجزیه ایران است و هدف غایی ایالات‌متحده، ایرانی ضعیف و همراه این کشور در سپهر جامعه جهانی است. به نظر نگارنده این سطور، راه مقابله با عدم تحقق این برنامه‌ها، در دو مسیر جلوه‌گری می‌کند: اگر ایران بتواند به جنگی تن دهد که تلفات انسانی بیشتری بر توان نظامی ایالات‌متحده وارد سازد، با توجه به قانون اختیارات جنگ دهه ۱۹۷۰، کنگره در مقابل دولت ترامپ تقابلی سخت خواهد داشت که ده ماه بعد هم انتخابات کنگره آمریکاست. دوم اقدامات رژیم صهیونی نشان داد که این رژیم به هیچ کنوانسیون حقوقی پای بند نیست؛ لاجرم درگیر کردن خاورمیانه به شکلی که باعث انزوای ایران نشود، فشارهای سیستماتیک را بر اسرائیل وارد خواهد کرد، در آن صورت می‌توان برگ برنده را در نبرد دوم به دست آورد. شما چگونه می‌اندیشید؟

### بهنام صحرانورد

عضو هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان استان اردبیل

## یادداشت صد و نود و نه اخلاق مقاومت در عصر شبکه‌های شناختی

امروز در عصری زندگی می‌کنیم که شبکه‌های شناختی در آن ظهور کرده‌اند؛ این فضاها، که هوش مصنوعی و الگوریتم‌ها در آنها نقش پر رنگی دارند، نحوه درک ما از معنا، چگونگی شکل‌گیری ادراکاتمان و ارزش‌های اخلاقی‌مان را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهند. این پدیده، ما را می‌دارد تا اخلاق را باز تعریف کنیم؛ نه فقط به عنوان مجموعه‌ای از قوانین و هنجارها، بلکه به عنوان مقاومت معرفتی در برابر دستکاری ذهن. مقاومت در این مفهوم، به معنای حفظ توانایی تفکر مستقل و اصیل در جهانی است که معانی از پیش ساخته و تحمیل شده‌اند. وظیفه آموزش در چنین دورانی، فراتر از یادگیری مهارت‌های فنی، پرورش توانایی تمایز حقیقت از شبیه‌سازی آن است. استعمار نوین اغلب با فریب و جذابیت عمل می‌کند؛ شبکه‌های ارتباطی، افکار و علایق ما را به شیوه‌ای پنهان هدایت می‌کنند. اخلاق مقاومت در این شرایط، بر حفظ عاملیت و اصالت انسانی تأکید دارد. این رویکرد، که ریشه در جهاد اکبر دارد، به معنای انکار فناوری نیست، بلکه به معنای رهایی از انقیاد ذهنی در برابر آن است. معلم، در خط مقدم این عرصه اخلاقی، فناوری را به ابزاری برای تفکر انتقادی تبدیل می‌کند و می‌آموزد چگونه در فضای دیجیتال حضور داشته باشیم، اما تسلیم آن نشویم. اخلاق مقاومت، دعوتی است به بازیابی کرامت انسانی در فرآیند ادراک. فرد مقاوم کسی است که توانایی تحلیل عمیق و اقدام آگاهانه را در مواجهه با حجم عظیم اطلاعات دارا است. این توانایی، خود پاسخی قدرتمند در برابر اشباع اطلاعاتی است. در امتداد جنگ رمضان، این مقاومت، جلوه‌ای از مفهوم رمضانی اخلاق است؛ همان‌گونه که روزه‌دار در برابر میل به مصرف مادی می‌ایستد؛ در برابر مصرف‌گرایی اطلاعاتی هم می‌ایستد. در این عرصه تفکر، تحلیل و اقدام مؤثر، یک تمرین معنوی در عصر دیجیتال است. آموزش در عصر شبکه‌ها باید اخلاق را به یک تجربه زیسته تبدیل کند و افرادی را پرورش دهد که اراده‌شان مبتنی بر تحلیل اندیشمندانه و اقدام آگاهانه باشد، نه صرفاً واکنش‌های آنی. تحلیل اندیشمندانه و اقدام آگاهانه در برابر جاذبه‌های کاذبی که تفکر را به داده و انسان را به الگوریتم تقلیل می‌دهند، نقطه آغاز تربیت اخلاقی و مقاومت در برابر جنگ نرم است.

حسین شمس

عضو هیئت علمی گروه آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان استان همدان

## یادداشت دویست

### اقوام ایرانی مؤلفه قدرت ملی و ضرورت آموزش چند فرهنگی دانشجو معلمان

کشور ایران رنگین کمانی از اقوام مختلف لر، کرد، بلوچ، بختیاری و ... در گستره جغرافیایی سراسر ایران هستند (بر خلاف قومیت‌های مهاجر ساکن کشورهای غربی با سابقه اندک سکونت). قومیت‌های ایران دارای اصالت تاریخی ایرانی بوده و از هویت مشترک، عمیق، پایدار و دیدگاه‌های بسیار نزدیک نسبت به سایر ایرانیان برخوردار هستند. به همین دلیل هر کدام از اقوام در بیان هویت خود، ابتدا خود را منتسب به ایران دانسته و سپس بر قومیت خود تأکید می‌کنند مانند ایرانی کرد، ایرانی بلوچ و ... با توجه به هجمه و تلاش دشمنان در رسانه‌های وابسته به نظام سلطه در القا وجود شکاف بین منافع و دیدگاه‌های اقوام نجیب، غیور و با اصالت با کلیت ایران لازم است در ابعاد مختلف آمایش سرزمین، عدالت اجتماعی و آموزشی و نظام تربیت معلم و آموزش عمومی بیش از پیش به فرهنگ و هویت اقوام توجه شود. در برنامه درسی آموزش ابتدایی دو واحد درسی آموزش تحت عنوان «مهارت‌های زندگی، چند فرهنگی و حقوق شهروندی» با هدف آشنایی بیشتر با ویژگی اقوام و آموزش چند فرهنگی گنجانده شده است ولی نباید صرفاً به این دو واحد درسی بسنده کرد و بایستی مفاهیم مربوط به آشنایی بیشتر با فرهنگ اقوام به دانشجو معلمان آموزش داده شود چراکه تدریس خطی و عدم حساس به فرهنگ جوابگوی کلاس درس با دانش‌آموزان دارای تنوع فرهنگی نیست. به علاوه، گنجاندن مفاهیم مرتبط با موضوع چند فرهنگی در کتاب‌های درسی در مقاطع مختلف، تنوع در کالبد مدرسه، تلاش در راستای تحقق کمی و کیفی عدالت آموزشی برای همه اقوام و گروه‌ها ضرورت‌هایی غیر قابل انکاری است.

#### اسماعیل نصرآبادی

دانشکده علوم تربیتی (مرکز سبزوار)، دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی

## یادداشت دویست و یک

### تربیت استعمارستیز؛ بنیان مقاومت در اندیشه امام خامنه‌ای

استعمار، که از سلطه کلاسیک بریتانیا با ابزارهایی چون نفوذ در دربار و قراردادهای استعماری آغاز شد، با ظهور آمریکا به اشکال نو و فرانو تکامل یافت. این تحول، تنها در عرصه سیاسی و اقتصادی نبود، بلکه ماهیتی عمیقاً تربیتی داشت؛ هدف، تسلط بر ذهن‌ها و ارزش‌ها بود. ایران اسلامی، با تکیه بر اندیشه‌های امام خامنه‌ای، در برابر این تهاجم فرهنگی و فکری ایستاده است. از دیدگاه ایشان، استعمارناپذیری ریشه در تعلیم و تربیت اسلامی دارد. شش محور بنیادین مقاومت، درواقع اصول تربیت انسان خودباور و مقاوم هستند:

۱. اسلام ناب محمدی: تربیت بر پایه توحید و کرامت، انسان را از سلطه قدرت‌های زمینی آزاد می‌کند.
  ۲. اعتقاد به مهدویت: این باور، روحیه امید، پایداری و مقاومت فعال را در برابر ظلم پرورش می‌دهد.
  ۳. رهبری شجاع/خردمند: هدایت الهی، جامعه را از انحراف فکری و نفوذ بیگانگان مصون می‌دارد.
  ۴. اتحاد امت بصیر زیر پرچم الله: همبستگی آگاهانه، سد محکمی در برابر نفوذ دشمنان است.
  ۵. مقاومت و ایستادگی: پرورش روحیه جهاد و پایداری، ضامن استقلال و شکوفایی تمدنی است.
  ۶. حمایت از مظلومان: تربیت انسان جهانی، تعهد به عدالت را فراتر از مرزها گسترش می‌دهد.
- در این منظومه، تعلیم و تربیت اسلامی، ابزار اصلی ساخت جامعه‌ای مقاوم، عدالت‌خواه و مستقل است. این رویکرد، مقاومت در برابر استعمار را نه یک واکنش سیاسی، بلکه راهبردی تمدنی و مهدوی می‌داند که در عمق هویت دینی ریشه دارد و هدفی جز زمینه‌سازی برای تحقق عدالت جهانی ندارد.

### آرزو دلفان بیرانوند

استادیار گروه آموزش امور تربیتی و مشاوره، دانشکده‌ی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، همدان،

## یادداشت دویست و دو

### دفاع از سرزمین: مسیری به‌سوی کرامت نفس در برابر تهدیدات خارجی در فلسفه و اخلاق — در چارچوب تعلیم و تربیت اسلامی

آیا دفاع از وطن، تنها یک مسئله سیاسی یا نظامی است؟

خیر. دفاع از وطن، در دیدگاه اسلامی و فلسفی، یک پدیده اخلاقی، روحی، و تربیتی است که در هستهٔ تربیت انسانی واقعی جایگاهی اساسی دارد. این مطلب نه‌تنها به سیاست بین‌المللی مربوط می‌شود، بلکه به ساختار اخلاقی، هویتی و روحی دانشجویان و نسل جوان می‌پردازد. در اینجا، دفاع از وطن را نه به‌عنوان یک فریضهٔ خشونت‌آمیز، بلکه به‌عنوان مسیری به‌سوی کرامت نفس، تکامل اخلاقی و نزدیکی به خدا تحلیل می‌کنیم. ۱. دفاع از وطن: نشانه‌ای از کرامت نفس و ایمان در فلسفهٔ اسلامی، کرامت نفس (کرامَةُ النفس) یکی از اساسی‌ترین اهداف تربیتی است. امام علی (ع) می‌فرماید: «عُمِّرَتِ الْبُلْدَانُ بِحُبِّ الْأَوْطَانِ» (سرزمین‌ها با عشق به وطن آباد می‌شوند). این حدیث نه‌تنها یک اصل سیاسی، بلکه یکی از اصول تربیتی و اخلاقی است. وقتی فرد به وطن خود عشق می‌ورزد، نه‌تنها به زمین و ساختمان‌ها، بلکه به تاریخ، فرهنگ، ارزش‌ها، و میراث معنوی آن عشق می‌ورزد. این عشق، نه از بیرون، بلکه از درون، از طریق تربیت و آموزش، شکل می‌گیرد؛ و این عشق، در برابر تهدیدات خارجی، به دفاع فی نفسِ الْعِزَّة (دفاع در برابر تحقیر) تبدیل می‌شود. ۲. دفاع از وطن: نه‌تنها وظیفه، بلکه نشانه‌ای از عقل و ایمان پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ رَجُلًا يَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ وَلَا يُقَاتِلُ» (خداوند دشمن می‌دارد مردی که به خانه‌اش حمله شود و نجنگد). این حدیث، چهارچوبی اخلاقی و عقلی برای دفاع از وطن ارائه می‌دهد. عقل می‌گوید: اگر کسی به خانه‌ام حمله کند، باید دفاع کنم. ایمان می‌گوید: این خانه، تنها یک ساختمان نیست، بلکه مکانی است که در آن نماز خوانده‌ام، رشد کرده‌ام، فرزندانم به دنیا آمده‌اند، بزرگ شده و رشد کرده‌اند. پس دفاع از آن حق مشروع من است. این‌ها نشان‌دهنده‌ی این است که دفاع از وطن، نشانی از ایمان و عقل است. وطن، امروزه با تهدیدات نظامی آمریکا و اسرائیل مواجه است. دفاع از آن، تنها دفاع از یک سرزمین نیست، بلکه دفاع از فرهنگ، ارزش‌های ملی و ایمانی است؛ بنابراین، دفاع از وطن خاکی در برابر تجاوزات خارجی، نه‌تنها وظیفه ملی، بلکه بخشی از ایمان و کرامت نفس است. تمام عقلای جهان، از جمله مومنان، در این مسیر همراهند.

## زهره حمزه لو

عضو هیئت علمی و استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت دویست و سه

### تأملی معرفت شناختی: بازاندیشی ادراک حقیقت در جنگ روایت‌ها

و ذکرهم بأیام الله إن فی ذلک لآیات لکل صبار شکور (۵: ۱۴)

در جنگ روایت‌ها ناگزیریم که از میان روایت «خون‌های پاک ریخته شده» از ایران و روایت «ترامپ با پرونده اپستین» از ایران انتخاب کنیم.

در سپهر فکری و اجتماعی معاصر، آنچه به عنوان «جنگ روایت‌ها» شناخته می‌شود، نه صرفاً تقابل سیاسی، بلکه نزاعی معرفت‌شناختی است. انسان در مواجهه با واقعیت‌های پیچیده اجتماعی و تاریخی، ناگزیر میان روایت‌های رقیب قرار می‌گیرد؛ روایت‌هایی که هریک مدعی تعریف حقیقت‌اند و بر ذهن و احساس جمعی سلطه می‌یابند. از منظر روان‌شناختی، غالب انسان‌ها در فرآیند داوری و تفسیر جهان، بیش از آنکه به عقلانیت انتقادی تکیه کنند، متأثر از هیجانات، عواطف و پیش‌داوری‌های شخصی‌اند. همان احساساتی که منازعات عمیق و گاه ویرانگر می‌آفرینند. پرسش بنیادین آن است که آیا انسان، با محدودیت‌های شناختی و عاطفی خود، قادر است به حقیقت دست یابد، یا هدایت الهی، امری خاص گروهی اندک از صاحبان خرد و تأمل است؟ اگر عقل و هدایت الهی تنها نصیب عده‌ای معدود باشد، آنگاه مفهوم خیر و شر، و حتی جدال فکری، و حقیقت جویی بی‌معنا خواهد شد. با این حال، آموزه‌ی الهی بر حضور «شاهدان حقیقت» تأکید دارد؛ نشانه‌ها و معیارهایی که بتوانند ورای محدودیت‌های ادراک انسانی، مسیر تشخیص را هموار کنند. بدین ترتیب، مسئولیت اخلاقی انتخاب میان روایت‌ها — خواه متجلی در قدرت سیاسی داخلی یا در صدای رسانه‌ای جهان بیرون — به خود انسان واگذار شده است؛ انتخابی که ماهیت اخلاق، آزادی و حقیقت را تعیین می‌کند. بدین سان، مسئله‌ی اصلی در جنگ روایت‌ها نه صرفاً انتخاب میان دو سوی سیاسی، بلکه انتخاب میان راستی و ناراستی است؛ میان پذیرش یا انکار گواهانی که به تعبیر دینی، «حجت» بر انسانند. زمین هیچ‌گاه از حجت خدا و زمان هیچ‌گاه از شاهدان خالی نشده و نمی‌شود. درنهایت، این ما هستیم که باید انتخاب کنیم که این خون‌های پاک راست می‌گوید یا بلندگوهای ترامپ؟!

### رحمت الله محمودی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی.

## یادداشت دویست و چهار

### آموزش فرا دانشگاهی مبتنی بر رویکرد سازنده‌گرایی: الگوبرداری از وحدت اجتماعی در تربیت دانشجو معلمان

از جمله وظایف اخلاقی اساتید دانشگاه فرهنگیان در ارتباط با دانشجو معلمان، آموزش فرا کلاسی و فرا دانشگاهی با رویکرد سازنده‌گرایی (Constructivism) است. در این رویکرد، یادگیری از طریق ساخت دانش بر پایه تجربیات واقعی و تعامل با محیط‌های واقعی مانند فضاها و اتفاقات زندگی و روز جامعه رخ می‌دهد؛ جایی که محیط اطراف ما بستری مناسب برای تعلیم و تربیت کاربردی فراتر از کلاس درس فراهم می‌کند. اساتید متخصص با بهره‌گیری از دانش و مهارت‌های بالای خود، دانشجو معلمان را به مشاهده و تحلیل پدیده‌هایی چون وحدت و همدلی جامعه – مانند تجمعات مردم علیه جنگ تحمیلی رمضان، هدایت می‌کنند تا معنا را فعالانه بسازند. ارزش‌ها را به نمایش بگذارند، مثلاً از طریق گفتگوی کلاسی درباره اینکه «چگونه اتحاد و همدلی جامعه در چنین تجمعاتی می‌تواند الگویی مناسب برای تربیت اخلاقی دانش‌آموزان باشد؟» این روش نه تنها یادگیری را عمیق‌تر می‌کند، بلکه دانشجو معلمان را به مربیانی در تراز تبدیل می‌نماید که می‌توانند از دنیای واقعی برای پرورش مهارت‌های تربیتی و تقویت ساحت دینی و اعتقادی دانش‌آموزان به خوبی بهره می‌برند.

#### معصومه محمدآبادی

استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان خراسان شمالی.



## یادداشت دویست و پنج

### خلیج فارس، خون شهدا و پرچم ایران: نمادهای هویت و رسالت

#### دانشجو-معلمان

در تاروپود تاریخ این سرزمین، رگ‌هایی جاری است که از هزاران سال پیش، نام «خلیج فارس» را با اقتدار فریاد کرده است. این نام، تنها یک نشان جغرافیایی نیست؛ بلکه نبض تپنده‌ی هویت ملی ما، آینه‌ی تمام‌نمای تاریخ پرشکوه و نماد استقلال و تمامیت ارضی این ملت آزاده است. امروز، در این برهه‌ی حساس تاریخی که دشمنان قسم‌خورده‌ی این آب و خاک، چشم طمع به مرزهایمان دوخته‌اند، «خلیج فارس» بیش از پیش، معنای خود را آشکار ساخته است. دفاع از این نام، دفاع از هویت، تاریخ و استقلال ماست؛ دفاعی که با خون پاک شهدای مدافع حریم این آب نیلگون، آبیاری شده است. در چنین شرایطی، نظام تعلیم و تربیت نقشی حیاتی ایفا می‌کند. دانشجو-معلمان، به‌عنوان نسل آینده‌سازان این مملکت، وظیفه‌ی سنگینی بر دوش دارند: پاسداری از این نمادهای هویتی «خلیج فارس»، «پرچم مقدس ایران» و «خون شهدای گرانقدر»، همگی ستون‌های استوار هویت ملی ما هستند که در این شرایط جنگ حق و باطل دانشجو معلمی که به درستی آگاه می‌شود می‌تواند با تمام وجود درک کند و از آن برای انتقال به نسل بعدی، پاسداری کند. ما وارثان رشادت‌ها و میراث‌دار خون پاک عزیزانی هستیم که جان خود را فدا کردند تا نام «خلیج فارس» همچنان با اقتدار بر بلندای جغرافیای سیاسی منطقه بدرخشد و پرچم سهرنگ ایران، نماد سربلندی و استقلال این ملت، بر فراز خاک پاکش برافراشته بماند. دانشجو-معلمان باید این مفهوم عمیق را درک کنند که هر وجب از خاک این سرزمین، با خون شهدا آبیاری شده و هر نماد هویتی، از «خلیج فارس» گرفته تا «پرچم ایران»، گواه این ایستادگی و مقاومت است. وظیفه‌ی ما در دانشگاه فرهنگیان این است که دانشجو-معلمان را به‌گونه‌ای تربیت کنیم که بتوانند این مفاهیم ارزشمند را با زبانی شیوا، در کلاس‌های درس خود به دانش‌آموزان منتقل کنند. آن‌ها باید بتوانند پیوند ناگسستنی میان «خلیج فارس»، «خون شهدا»، «پرچم ایران» و «هویت ملی» را به روشنی تبیین کنند و دانش‌آموزان را با مفهوم «غیرت ایرانی» و «مقاومت» عجین سازند. این دانشجو-معلمان هستند که باید با الگوبرداری از رشادت سرداران نامدار، شهامت دریانوردان و مقاومت پولادین سربازان وطن، نسلی مؤمن، انقلابی و پاسدار ارزش‌های انقلاب اسلامی را پرورش دهند. به دانشجویان بیاموزیم که «خلیج فارس» قابل معامله و تغییر نیست؛ همان‌طور که «پرچم ایران» و یاد و خاطره‌ی «شهدا»، مقدس و دست‌نیافتنی هستند. این نمادها، هویت ما را تعریف می‌کنند و دانشجو-معلمان، خط مقدم دفاع از این هویت در سنگر تعلیم و تربیت هستند. زنده باد ایران! زنده باد خلیج فارس! پاینده باد پرچم مقاومت! و گرامی باد یاد و نام شهدایی که با خون خود، پاسداران ابدی این خاک و بوم بودند.

#### زهراسادات هاشمی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان گروه آموزش ابتدایی استان تهران

## یادداشت دویست و شش

### ضرورت‌های بازخوانی ابعاد تربیتی و روان‌شناختی در جنگ رمضان

بازخوانی جنگ رمضان، فراتر از یک گزارش تاریخی، یک ضرورت تربیتی و روان‌شناختی برای نسل‌های امروز و آیندگان خواهد بود. این واقعه درس‌های بنیادینی را برای تقویت اراده و معنویت ارائه می‌دهد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود: ۱. تقویت اراده و توکل بر خدا: قرآن کریم در سوره مائده آیه ۲۳ می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ». در این برهه می‌توان با توکل بر خدا، موانع روانی «ناتوانی» را شکست داد و به پیروزی رسید. این الگو برای غلبه بر یأس در زندگی بسیار حیاتی است. ۲. ایستادگی و صبر (صبر جمیل): امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ». صبر رزمندگان و ملت مقاوم ایران عزیز در شرایط سخت جنگ، درسی ارزشمند در تربیت «شکیبایی» و مقاومت روانی در برابر سختی‌هاست. ۳. همدلی و همبستگی اجتماعی: روایات متعددی بر اهمیت «تألف» و یاری مؤمنین تأکید دارند. جنگ رمضان نمادی از وحدت و همدلی است که از نظر روان‌شناختی، حس تعلق و امنیت روانی را در جامعه ارتقا می‌دهد. نتیجه آنکه تأمل در این حماسه، راهکاری کارآمد برای تربیت نسل بالاراده، متعهد، پیشرو و آینده‌ساز است.

#### امیر پورشاهرودی

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، استان گلستان

## یادداشت دویست و هفت

### ایران عزیز: آئینه‌ی تربیت و هویت در مواجهه با دشمن

«وطن، تنها جغرافیایی نیست که در آن نفس می‌کشیم، بلکه گاهواری هویت و بستر تربیت نسلی است که در آن بالیده‌اند. «ایران عزیز»، همان گونه که در دل نوشته و اشعار میهن دوستانه شاعران و نویسندگان به زیبایی تصویر شده، فراتر از مرزهای سرزمینی، تبلور میراث غنی تاریخی، فرهنگی و حماسی است. از خاطرات آرش و رستم فرخزاد گرفته تا شکوه کوهستان‌ها و حاصلخیزی دشت‌ها، همگی تاروپود تربیت ما را شکل داده‌اند و به فرزندان ایران، «که هستند؟ و از کجا آمده‌اند؟» را یادآوری می‌کنند. این درک عمیق از وطن، پایه‌های «میهن‌دوستی» را مستحکم ساخته و به‌عنوان نیروی محرکه در دفاع از کیان آن عمل می‌کند. در شرایط حساس کنونی، که سایه‌ی شوم بیگانگان داخلی و خارجی بر سر ایران سنگینی می‌کند، «دشمن‌شناسی» بایست به یکی از اضلاع حیاتی «برنامه‌ی درسی» و نظام تربیتی تبدیل می‌شود. در شرایط کنونی بایست استادان و معلمان، دوگانگی «روبه‌صفتان داخلی» با ناپاکی طینت و وطن‌فروشی، و «گرگ‌صفتان خارجی» با آزمندی سیری‌ناپذیر را برای دانشجویان به درستی نمایان سازند. این درک که چگونه این دو رویکرد مخرب، برای استثمار گنجینه‌های ایران هم‌دست شده‌اند، نشان‌دهنده‌ی عمق تهدیدات چندوجهی است. از منظر جامعه‌شناختی، چنین هجمه‌هایی، انسجام اجتماعی و سرمایه‌های فرهنگی یک ملت را هدف قرار می‌دهند. مقابله با این تهدیدات، مستلزم تقویت حس همبستگی ملی و بازشناخت عناصر هویتی مشترک است که باز وظیفه ما استادان و معلمان هست که در اشعار و متون با اشاره به «نان داغ مادر بزرگ»، «لالایی‌های طفولیت» و «ترانه‌های عاشقانه» و ... که به زیبایی به تصویر کشیده شده است برای دانشجویانمان تبیین نماییم. از دیدگاه روان‌شناختی، این درک از وطن‌دوستی و دشمن، احساس تعلق و امنیت روانی را در دانشجویان تقویت کرده و مقاومت روانی فرد را در برابر فشارهای بیرونی افزایش می‌دهد. یادآوری «جانفشانی‌ها» و «حماسه‌ها» نه تنها روحیه «میهن‌دوستی» را زنده نگه می‌دارد، بلکه الگویی برای کنشگری سازنده و تربیت نسلی مقاوم ارائه می‌دهد. ادبیات به کار رفته در دل‌نوشته‌ها و اشعار میهن و وطن‌دوستی همواره، با توصیفاتی چون «چشم اشکبار»، «جراحات عمیق»، «خون گرمی»، «شکوه» و «هیبت» و ... توانسته است بار عاطفی و حماسی عمیقی را برای خوانندگان منتقل کند. این استفاده‌ی هنرمندانه از زبان، در کنار تحلیل ماهیت دشمنان، یادداشتی جامع و تأثیرگذار برای فراخوان «جنگ رمضان» فراهم می‌آورد که هم به لحاظ محتوایی و هم از منظر «تربیت پژوهشی» و «آموزش پژوهانه» ارزشمند است.

#### معصومه شصتی

عضو هیئت علمی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجه شهید مفتاح تهران

## یادداشت دویست و هشت

### تنگه هرمز؛ درس بزرگ شناخت فرصت‌ها برای تعلیم و تربیت ملی

۱. شناخت و بهره‌برداری از ظرفیت‌های ملی و خدادادی: تنگه هرمز تنها یک گذرگاه اقتصادی نیست؛ بلکه نمونه‌ای روشن از ظرفیت‌های راهبردی کشور است. آشنایی با چنین ظرفیت‌های خدادادی و بهره‌گیری از آنها به نسل جوان می‌آموزد که هر ملت با شناخت داشته‌های خود می‌تواند هم امنیت و اقتدار خود را تثبیت کند و هم معادلات جهانی را دگرگون سازد.

۲. پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری: نظام تعلیم و تربیت باید به دانش‌آموزان بیاموزد که منابع و موقعیت‌های ملی تنها یک امتیاز نیستند، بلکه مسئولیتی برای حفظ امنیت، ثبات و پیشرفت کشور به شمار می‌آیند.

۳. درس‌آموزی از تجربه‌های تاریخی و بدعهدی دشمنان: تاریخ، آینه‌ای روشن از واقعیت‌هاست؛ آینه‌ای که بارها نشان داده اعتماد به وعده‌های دشمنان راهی مطمئن برای حفظ منافع ملت‌ها نیست، بلکه در گرو تدبیر، اراده و عمل آنان است، پیش از آنکه دشمن ابتکار عمل را به دست گیرد. تاریخ نشان می‌دهد ملت‌هایی موفق‌ترند که با آگاهی، تدبیر و اقدام به‌موقع از منافع ملی خود دفاع می‌کنند. این تجربه‌ها می‌تواند به‌عنوان یک درس تربیتی برای نسل آینده موردتوجه قرار گیرد.

۴. تقویت خودباوری ملی: شناخت فرصت‌ها و سرمایه‌های ملی، زمینه‌ساز شکل‌گیری روحیه اعتمادبه‌نفس و خودباوری در جوانان است؛ روحیه‌ای که آنان را برای ساختن آینده‌ای بهتر برای کشور آماده می‌کند.

جمع‌بندی: تنگه هرمز می‌تواند برای نظام تعلیم و تربیت یک درس عملی باشد؛ درسی درباره شناخت فرصت‌ها، مسئولیت‌پذیری ملی و تقویت خودباوری در مسیر پیشرفت و آینده‌سازی کشور.

سید محمدحسینی نیک

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان کهگیلویه و بویراحمد

## یادداشت دویست و نه

### تربیت و میهن پرستی

تربیت و میهن‌دوستی مفاهیمی به هم پیوسته هستند که تربیت، سازوکار اصلی پرورش و شکل‌دهی احساسات میهن‌دوستانه در جامعه محسوب می‌شود. میهن‌دوستی، که به معنای عشق به وطن، تعلق خاطر، وفاداری و تمایل به مشارکت در رفاه و دفاع از آن تعریف می‌شود، شامل قدردانی از تاریخ، فرهنگ، ارزش‌ها و نهادهای ملی، همراه با تعهد به وظایف مدنی است. نظام‌های آموزشی از طریق رویکردهای آموزشی متنوع، نقشی اساسی در تقویت میهن‌دوستی ایفا می‌کنند. برنامه‌های درسی معمولاً شامل مطالعه تاریخ ملی، ادبیات و علوم مدنی هستند که با هدف القای حس میراث مشترک و هویت ملی طراحی شده‌اند. آموزش با برجسته کردن دستاوردهای ملی، سهم فرهنگی و فداکاری‌های نسل‌های گذشته، می‌تواند غرور ملی و پیوند عمیق با کشور را تقویت کند. علاوه بر این، مؤسسات آموزشی بستری را برای مشارکت مدنی فراهم می‌آورند و افراد را به شرکت در خدمات اجتماعی، فرآیندهای دموکراتیک و گفتمان ملی تشویق می‌کنند، که این امر نقش فرد را به عنوان یک شهروند مسئول تقویت می‌نماید. با این حال، پرورش میهن‌دوستی از طریق آموزش باید متوازن باشد. تأکید بیش از حد می‌تواند به ملی‌گرایی افراطی یا شوونیسم منجر شود که برای روابط بین‌الملل و درک متقابل مضر است؛ بنابراین، آموزش مؤثر، درک دقیقی از میهن‌دوستی را ترویج می‌دهد؛ درکی که وفاداری ملی را در بر می‌گیرد، اما هم‌زمان آگاهی جهانی، احترام به تنوع و قدردانی از ارزش‌های مشترک انسانی را نیز پرورش می‌دهد. درنهایت، تربیت، چارچوبی را فراهم می‌کند که از طریق آن، افراد هویت ملی، مسئولیت‌های خود را به عنوان شهروند و جایگاهشان را در جامعه جهانی درک می‌کنند و حس تعلق صرف را به میهن‌دوستی فعال، آگاهانه و مسئولانه تبدیل می‌نمایند.

### سینا اسمعیلی

دکترای تربیت‌بدنی و علوم ورزشی مأمور آموزشی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## بادداشت دویست و ده

### رهبری آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای امتداد ولایت معصومان

در حکومت اسلامی و جامعه‌ی صالح که خروجی فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی است، منفعت عمومی و مصلحت ملی در منظومه تفکر اسلامی، حاکمیت دینی و امت اسلامی تعریف می‌شود، از این رو طبیعی است که در بسیاری از موارد مصلحت سنجی‌ها و مصلحت ورزی‌های حکومت اسلامی با آنچه تحت عنوان مصلحت گرایی در حکومت‌های دیگر رخ می‌دهد، بسیار متفاوت باشد. از طرفی امام خمینی (ره) راه نجات امت اسلامی از گرفتاری‌های ساخته مستکبران و نیز راه درمان دردهای کهنه مسلمانان را اتحاد ملل اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی می‌داند. بی‌گمان این مهم با پیروی از ولایت مطلقه فقیه که همان ولایت تشریعی است که در درجه اول متعلق به باری تعالی به تبع آن پیامبر (ص) سپس امام معصوم و در مرحله بعد، متعلق به فقهای عادل است، رخ می‌نماید. برخی چنین می‌پندارند؛ ولایت فقیه، اندیشه‌ای نوظهور و در سال‌های اخیر پدید آمده است، در حالیکه اصل این مسئله از مسلمات فقه شیعه است و نه تنها در کتب متأخر یا معاصر، بلکه در منابع عصر حیات نبی و معصومین به عنوان هم طراز منصب حکومت برای پیامبر و امام معصوم و امتداد ولایت معصومان از آن سخن گفته شده است. لذا در این مقطع زمانی؛ ابتدا روی سخن این جانب با جامعه دانشگاهی و نخبگان است که با تقریر و تشریح جایگاه ولایت فقیه و خاصه با واکاوی و باریک اندیشی‌هایی دقیق، به جایگاه نظام فکری و رهبری، امام شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (ره) بپردازند؛ سپس عامه‌ی مردم را جهت زمینه‌سازی تشکیل حکومت جهانی حضرت ولی عصر (عج)، بر پایی عدالت، برابری و برادری، اعتلای سطح معنویات و فضایل اخلاقی و ارتقای سطح زندگی مادی، عمرانی و آبادانی جامعه اسلامی، دعوت می‌نمایم که با رهبری و ولایت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای اعلام بیعت و حمایت نمایند.

### داریوش بابائیان

مأمور آموزشی گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان ایلام

## یادداشت دویست و یازده

### بازخوانی تربیتی در افق تربیت سیاسی و برنامه درسی

بیت مشهور فردوسی «چو ایران نباشد تن من مباد» را می‌توان از منظر تعلیم و تربیت، بیان فشرده‌ای از پیوند میان هویت فردی و هویت جمعی دانست. در ادبیات کلاسیک ایران، میهن صرفاً یک قلمرو جغرافیایی نیست، بلکه مجموعه‌ای از فرهنگ، زبان، تاریخ و ارزش‌هایی است که در بستر آن شخصیت اجتماعی انسان شکل می‌گیرد. از این رو، توجه به چنین متونی می‌تواند در چارچوب «تربیت سیاسی» در نظام آموزشی معنا پیدا کند. تربیت سیاسی در معنای علمی خود، به معنای پرورش شهروندانی آگاه، مسوول و برخوردار از قدرت تحلیل نسبت به مسائل اجتماعی و ملی است. متون ادبی بزرگی چون شاهنامه می‌توانند در برنامه درسی به‌عنوان منابع فرهنگی برای تقویت حس تعلق اجتماعی، مسوولیت‌پذیری و فهم تاریخی جامعه مورد استفاده قرار گیرند. در این رویکرد، دانش‌آموزان می‌آموزند که هویت ملی حاصل یک تجربه تاریخی و فرهنگی مشترک است. رخدادهایی مانند جنگ رمضان نیز می‌توانند در همین چارچوب به‌عنوان موقعیت‌های یادگیری موردتوجه قرار گیرند. چنین رویدادهایی امکان گفت‌وگو درباره مفاهیمی چون مقاومت، مسوولیت اجتماعی و نسبت فرد با سرنوشت جمعی را فراهم می‌کنند. پیوند دادن این تجربه‌های معاصر با میراث ادبی و فرهنگی ایران، به تعمیق فهم دانش‌آموزان از مفهوم میهن‌دوستی و مشارکت اجتماعی کمک می‌کند. از این منظر، برنامه درسی تنها محل انتقال دانش نیست، بلکه عرصه‌ای برای شکل‌گیری آگاهی تاریخی، هویت فرهنگی و تربیت شهروندانی است که بتوانند با فهمی مسوولانه در سرنوشت جامعه خود نقش‌آفرینی کنند.

### رسول بهنام

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان غربی

## یادداشت دویست و دوازده

### **:The Role of Family and Education in Times of War and Crisis in English Poetry**

In literature, the family is more than a network of blood ties; it is a source of meaning and endurance. During war and crisis, when the world fractures, home becomes a sanctuary where conscience and hope survive. English poets of the early twentieth century reflected this truth: no battle is truly human without the moral foundation of family. Wilfred Owen, in "Dulce et Decorum Est," voices a generation deceived by false ideals of patriotism, transforming pain into a warning for the future. Siegfried Sassoon, in "Glory of Women," portrays mothers and wives who, through patience and sacrifice behind the lines, safeguard the moral identity of their nation. In such poems, youth education gains new meaning, heroism is no longer in killing, but in preserving humanity itself. For William Wordsworth, family and nature are twin sanctuaries that protect thought from the chaos of the age. In "Michael," the love between father and son endures loss, becoming a wellspring of spiritual strength. These works show that in English culture, family upbringing, though shadowed by grief, forms the moral conscience of society. Young people stand at the heart of this vision. They inherit not the desire for vengeance, but the call for reflection and peace. Thus, the English poetic tradition regards family as the cradle of morality and resilience, teaching each generation that war is not a test of weapons, but a test of upbringing – and every soldier's departure is history reborn from the heart of home.

**Mehran Memari**

English Department, Farhangian University, Khuzestan, Ahvaz



## یادداشت دویست و سیزده التَّربِیَةُ الْمِیدَانِیَّةُ: تَجَسُّدُ حَیْ لِدَوْرِ الْمُعَلِّمِ فِی أَیَّامِ حَرْبِ رَمَضَانَ

مِنْذُ اللَّیَالِیِ الْأَوَّلِ لِبَدَءِ الْعُدَوَانِ الْعَاشِمِ الَّذِی شَنَّهُ الْعَدُوُّ الْأَمْرِیكِی الصَّهْیُونِی عَلَی وَطَنِنَا الْعَزِیزِ، اِنْبَعَثَتْ بِسِرْکَةِ الدَّمِ الطَّاهِرِ لِقَائِدِ الثَّوْرَةِ الْمُعْظَمِ حَرَكَةُ شَعْبِیَّةٌ عَفْوِیَّةٌ، شَارَكَ فِیهَا أَبْنَاءُ الْوُطَنِ مِنْ مُخْتَلَفِ الْأَعْمَارِ وَالْفِئَاتِ، فَعَدَّتِ الشُّوَارِعُ وَالْمِیَادِینُ سَاحَاتٍ لَتَجَلَّى قِیَمِ الْإِیْمَانِ وَالْوَحْدَةِ وَالْعِطَاءِ وَالتَّضَحِیَّةِ. وَ قَدْ شَكَّلَتْ تِلْكَ الْمَشَارِکَةُ لَوْحَةً نَادِرَةً وَ مَشْرِقَةً لِأَشْكَالٍ جَدِیدَةٍ مِنْ الدَّفَاعِ عَنِ الْوُطَنِ، وَ عَبَّرَتْ عَنْ عُمُقِ الْإِیْمَانِ بِالشَّعَارِ الرَّبَّانِی الْخَالِدِ: «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِیبٌ»، مُحْبِطَةً بِذَلِكَ مَوْأَمَرَاتِ الْجَوَاسِیسِ وَ الْمُنْدَسِّسِیْنَ فِی الدَّخْلِ وَالْأَعْدَاءِ فِی الْخَارِجِ، کَمَا جَاءَ فِی قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَ مَكْرُوا وَ مَكْرَ اللَّهِ، وَ اللَّهُ خَیْرُ الْمَاکِرِینَ»؛ وَ فِی خُضْمِ هَذِهِ النِّهْضَةِ الشَّعْبِیَّةِ الْمُبَارِکَةِ، کَانَ لِطَلَبَةِ الْجَامِعَاتِ وَ أَسَاتِذَتِهِنَّ حُضُورٌ مُمِیزٌ، إِذْ حَوَّلُوا تِلْكَ السَّاحَاتِ إِلَى فِضَاءَاتٍ تَرْبِیُّةٍ لِتَعْلِیمِ نَابِضٍ بِالْحَیَاةِ، وَ غَرَسَ لِقِیَمِ الثَّقَّةِ بِالنَّفْسِ وَ الْإِنْتِمَاءِ الْوُطَنِی وَ تَجَلَّى الدَّورُ الرَّیَادِی لِطَلَبَةِ جَامِعَةِ فَرْهَنْغِیَانِ الَّذِینَ أَقَامُوا مَوَاقِبَ طَلَّابِیَّةٍ فِی قِسْمِی الْإِخْوَةِ وَالْأَخَوَاتِ، تَضُمُّ الْعَدِیدَ مِنَ الْأَجْنَحَةِ کَالرَّسْمِ وَ الْخَطِّ وَ التَّصْمِیمِ وَ الضَّیَافَةِ وَ الْحَوَارِ مَعَ النَّاشِئَةِ وَ غَیْرِهَا، تَحْتَ عَنَاوِینِ سَامِیَّةٍ أَبْرَزُهَا الْبِیْعَةُ لِلْقِیَادَةِ الْجَدِیدَةِ، مُؤَازَرَةُ الْقُوَّاتِ الْعَسْکَرِیَّةِ، وَ الثَّأْرُ لِذِمِّ الْقَائِدِ الشَّهِیدِ وَ سَائِرِ الشَّهَدَاءِ الْأَبْرَارِ. وَ قَدْ تَجَسَّدَ مِنْ خِلَالِ هَذِهِ الْمَبَادِرَاتِ وَجْهٌ جَدِیدٌ لِمِهْنَةِ التَّعْلِیمِ؛ فَهَؤُلَاءِ الطَّلَبَةُ الْمُعَلِّمُونَ مَارَسُوا رِسَالَتَهُمُ التَّربِیُّةَ فِی الْمِیدَانِ قَبْلَ أَنْ تَبْدَأَ الصُّفُوفُ الدِّرَاسِیَّةُ الرَّسْمِیَّةُ، وَ جَعَلُوا مِنَ الشُّوَارِعِ وَ السَّاحَاتِ مَنَابِرَ عِلْمٍ وَ إِیْمَانٍ، مُؤَكِّدِینَ عَمَلِیًّا صَدَقَ الْأَحَادِیثُ النَّبَوِیَّةُ الشَّرِیْفَةُ وَأَقْوَالُ الْأُئِمَّةِ الْمُعْصُومِیْنَ (ع) أَلَّتِی تَحْتَ عَلَى اقْتِرَانِ الْعِلْمِ بِالْعَمَلِ وَ تَعَلَّمَ الْإِنْسَانُ فِی کُلِّ زَمَانٍ وَ مَکَانٍ. تَحِیَّةٌ فَخْرٍ وَ اعْتِرَازٍ لِهَؤُلَاءِ الطَّلَبَةِ الْمُعَلِّمِیْنَ النُّبَلَاءِ، وَ شُکْرٌ مُوَصُولٌ لِلْأَسَاتِذَةِ الْکَرَامِ الَّذِینَ أَيْدَوْا هَذِهِ الْمَسِیرَةَ الْمُبَارِکَةَ.

محمد علی کاظمی

تبار عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان عربی دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی

## یادداشت دویست و چهارده مدرسه تمدن ساز

پس از دوران دفاع مقدس، کشور ما وارد مرحله‌ای شد که رهبر شهید انقلاب امام خامنه‌ای از آن با عنوان «جهاد بزرگ‌تر» در عرصه علم، فرهنگ و ساخت تمدن نوین اسلامی یاد کردند. در این دوران دفاع مقدس سوم، که با تجاوز دشمنان و شهادت رهبر معظم انقلاب و جمعی از نخبگان همراه بود، سنگر اصلی مدرسه است؛ جایی که باید انسان تراز تمدن نوین اسلامی پرورش یابد. مدرسه تمدن ساز تنها محل آموزش نیست، بلکه کانون پرورش انسان‌های مسئول، خلاق، مؤمن و آینده‌نگر است. تمدن نوین اسلامی بر دو پایه‌ی اساسی پیشرفت مادی و علمی و نیز تعالی معنوی و اخلاقی استوار است که هر دو از کلاس درس آغاز می‌شوند. در این میان، نقش معلم بی‌بدیل است. رهبر شهید انقلاب معلم را «مهندس روح انسان‌ها» می‌دانستند. همان‌گونه که رزمندگان در دفاع مقدس از مرزهای میهن پاسداری کردند، امروز معلمان از مرزهای فرهنگی و فکری انقلاب حفاظت می‌کنند. هر درس، آجری است در بنای تمدن آینده و هر دانش‌آموز سرمایه‌ای برای ساخت جامعه‌ای مؤمن و عدالت‌محور. تمدن اسلامی بدون نسلی آگاه، مؤمن و خودباور شکل نخواهد گرفت؛ نسلی که در مدرسه و در پرتو تربیت معلمان بصیر و مؤمن پرورش می‌یابد. از این‌رو، رهبر شهید انقلاب مدرسه را «کارخانه انسان‌سازی» و معلم را «پایه‌گذار تمدن اسلامی» نامیدند. امروز بیش از هر زمان، باید نقش مدرسه بازتعریف شود؛ جایی که علم و ایمان در کنار هم رشد کنند و معلم با گفتار، رفتار و تربیت صحیح، زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی گردد. دانشگاه فرهنگیان نیز رسالتی بزرگ در تربیت چنین معلمانی بر دوش دارد.

### محمود صباحی زاده

عضو هیئت علمی گروه آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان هرمزگان

## یادداشت دویست و پانزده

### از شوق تا وصال؛ بازتاب آرزوی شهادت در تربیت انسان مؤمن در اندیشه امام شهید انقلاب، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (رحمت‌الله علیه)

در منظومه فکری امام شهید انقلاب، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (رحمت‌الله علیه)، آرزوی شهادت تنها یک احساس عاطفی یا هیجانی تلقی نمی‌شود، بلکه پدیده‌ای ریشه‌دار در ایمان، معرفت و تربیت معنوی انسان مؤمن است. از این منظر، تربیت دینی می‌تواند در انسان نوعی بینش عمیق نسبت به حقیقت زندگی و مرگ در راه خدا ایجاد کند. هنگامی که ایمان در جان انسان شکل می‌گیرد، نوعی بصیرت معنوی در او پدید می‌آید که به واسطه آن ارزش‌هایی مانند ایثار، فداکاری و شهادت معنای والاتری پیدا می‌کنند. در چنین تربیتی، شهادت نه به‌عنوان پایان حیات، بلکه به‌منزله مرحله‌ای از تعالی روحی و نزدیکی بیشتر به خداوند فهمیده می‌شود. در این چارچوب، تعلیم و تربیت دینی نقش اساسی در پرورش چنین نگرشی دارد. اگر باورهای دینی به درستی در فرایند تربیت نهادینه شوند، شخصیت انسان در مسیر ارزش‌های الهی شکل می‌گیرد و رفتارها و انتخاب‌های او نیز متناسب با همان ارزش‌ها سامان می‌یابد. نتیجه چنین تربیتی، پرورش انسان‌هایی است که مسئولیت‌پذیر، ایثارگر و آماده دفاع از حقیقت و ارزش‌های الهی هستند. تجربه رزمندگان دوران دفاع مقدس نیز نشان می‌دهد که بسیاری از آنان در پرتو همین تربیت دینی و ایمان درونی، با انگیزه‌ای الهی و روحیه‌ای سرشار از فداکاری در میدان جهاد حضور یافتند. بر اساس این دیدگاه، شهادت حاصل ایمان راستین و مجاهدت عملی در مسیر خداوند است. تربیت دینی زمانی به ثمر می‌نشیند که باورهای ایمانی از سطح گفتار فراتر رود و در عمل و رفتار انسان تجلی پیدا کند. در چنین شرایطی، روحیه ایثار و آمادگی برای فداکاری در راه حق در شخصیت فرد شکل می‌گیرد و آرزوی شهادت به‌عنوان نشانه‌ای از اخلاص و تعهد دینی در وجود او نمایان می‌شود. نمونه‌های برجسته‌ای از این تربیت در زندگی مجاهدان بزرگ دیده می‌شود. شهید حاج قاسم سلیمانی از جمله شخصیت‌هایی بود که در پرتو تربیت ایمانی و معنوی، همواره آرزوی شهادت را در دل داشت و این آرزو بخش مهمی از انگیزه‌های معنوی او در مسیر خدمت و مجاهدت به شمار می‌آمد. چنین الگوهایی می‌توانند در نظام تعلیم و تربیت الهام‌بخش نسل‌های آینده در پرورش روحیه ایمان، مسئولیت‌پذیری و ایثار باشند.

محمد مجتبی‌زاده

استادیار گروه امور تربیتی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، استان زنجان.

## یادداشت دویست و شانزده

### واکاوی جنگ رمضان از منظر تربیتی: بازآفرینی امید، میهن‌پرستی و مقاومت

در جهانی پر از بحران‌های تمدنی، دانشگاه فرهنگیان با رویکردی تربیتی، به بازاندیشی مفاهیم کلیدی چون امید، میهن‌پرستی و مقاومت که در تار و پود هویت ملی تنیده شده می‌پردازد، فهم تربیتی از پدیده‌هایی چون «جنگ رمضان که در آن درگیر هستیم» ضرورتی مضاعف به نظر می‌رسد. این جنگ، صرفاً عرصه‌ای نظامی نیست، بلکه میدانی برای زمینه‌سازی تحقق اهداف کلان تربیتی کشور است جایی که امید، آگاهی، میهن‌پرستی و مقاومت به مثابه سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و فرصتی برای اثبات توانمندی‌هاست. از منظر تربیتی، «جنگ رمضان» را باید فرصتی برای بازسازی اراده‌ی ملی و بیدارسازی نسلی دانست که در متن بحران، توانایی معنا بخشیدن به رنج، و تبدیل تهدید به انگیزش را دارد. امید در این زمینه، نه احساس لحظه‌ای بلکه راهبردی پایدار برای حفظ پویایی ذهن و استمرار کنش آگاهانه در نظر گرفته شود دانشگاه فرهنگیان با بازنگری برنامه درسی و تربیت دانشجو معلمان باید معماران این امید باشند؛ آنان که می‌آموزند چگونه در دل واقعیت‌های سخت، راهی برای رشد، صبر، خلاقیت و توکل به ذات باریتعالی پیدا کنند. در کنار آن، میهن‌پرستی نیز نیازمند بازآفرینی است؛ از منظر احساسی و نمادین به تعهدی اخلاقی و تمدنی. میهن‌دوستی در آینده باید در قالب مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حفظ میراث فرهنگی و تلاش برای پیشرفت ملی جلوه یابد. راهبری نظام تربیت معلم آینده، زمانی موفق است که بتواند عشق به ایران را در کنار تفکر انتقادی، هم‌افزایی و ایمان به مسئولیت تاریخی، پرورش دهد. بدین‌سان، فهم تربیتی از جنگ رمضان، ما را به ضرورت تربیت نسلی رهنمون می‌سازد که با امیدی آگاهانه و میهن‌پرستی متفکرانه، پایه‌های حیات ملی و فرهنگی آینده را استوار می‌سازد

### شهرام نظری

گروه آموزش تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان استان تهران پردیس شهید چمران

## یادداشت دویست و هفده

### دانشگاه فرهنگیان، به‌عنوان دانشگاه تمدن ساز

دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان کانون تربیت نسل آینده و سنگر تمدن سازی نوین اسلامی، رسالت خطیر خود را در پرورش دانشجومعلمانی آگاه، بصیر و مجهز به دانش روز و بینش عمیق دنبال می‌کند. این دانشگاه نه‌تنها به انتقال مفاهیم علمی، بلکه به شکل دهی هویت اسلامی ایرانی مبتنی بر عدالت، معنویت، اقتدار و وطن‌دوستی می‌پردازد. بازنگری اساسی در بسته‌های یادگیری و سرفصل‌های آموزشی، امری ضروریست تا دانشجومعلمانی افزون بر تسلط بر مباحث تخصصی، درک جامعی از نظریه‌های تمدنی اسلام و الگوهای موفق در تاریخ تمدن بشری بیابند. این دانشگاه باید محیطی پویا برای تحلیل عمیق پدیده‌ها و روندهای نوظهور در جهان معاصر باشد. در این راستا، تبیین علمی و با استدلال مواضع، اهداف و شیوه‌های عملیاتی دشمنان در ابعاد مختلف به یک اولویت راهبردی تبدیل می‌شود. دانشجومعلمانی باید قادر باشند ضمن شناسایی دقیق نقشه‌ها و سناریوهای آینده دشمنان، بصیرت لازم را برای مواجهه هوشمندانه با آنها کسب کنند، این امر توانمندی آنها را در خنثی سازی تهاجمات فرهنگی و جنگ نرم ارتقا داده و آنان را به افسران خط مقدم جبهه تبیین و بصیرت افزایی بدل می‌سازد. دانشجومعلمانی دانشگاه فرهنگیان با توجه به رسالت خود، باید بیشتر از دانشجویان سایر دانشگاه‌ها خود را مسئول اتفاقاتی که در جامعه می‌افتد بدانند، همان‌طور که از رهبر شهیدمان آموختیم عدم اعتماد به نظام استکباری و تبیین نقشه‌های دشمنان (بخصوص الان که بر همگان عیان گردیده) یکی از مأموریت‌های اصلی اساتید و دانشجومعلمانی در تربیت نسل آینده خواهد بود. آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی، تحلیل اطلاعات و مقابله با شبهات از دیگر ارکان این رویکرد علمی است. دانشگاه فرهنگیان با تجهیز دانشجومعلمانی به این ابزارها آنان را قادر می‌سازد تا در مواجهه با هرگونه انحراف فکری و عقیدتی، موضعی مستحکم و مستدل اتخاذ کنند. درنهایت این رویکرد علمی تضمین کننده تربیت نسلی توانمند برای پیشبرد اهداف متعالی انقلاب اسلامی و بنای تمدن نوین اسلامی است که نیازمند رویکردی مسئولانه، همدلانه، و مشارکت جویانه از سوی تمامی دست اندرکاران نظام آموزشی و تربیتی است.

محمد راهسار

مأمور آموزشی دانشگاه فرهنگیان استان فارس (واحد زینب کبری س کازرون)

## یادداشت دویست و هجده

### نگاه بین‌المللی به برنامه درسی و آموزش: حوزه مغفول دانشگاه فرهنگیان

بین‌المللی شدن یکی از روش‌ها و سیاست‌هایی است که طی آن هر کشور، به فراخور اقتضائات خاص خود به تأثیرات جهانی شدن پاسخ می‌دهد. بین‌المللی شدن برنامه‌های درسی در فرهنگ بومی و شرایط هر موسسه‌ای باید با ساختار سازمانی و ماهیت نهادی مؤسسات تناسب داشته باشد (هوژیک و مک کارتی، ۲۰۱۲). هیچ دستورالعملی برای بین‌المللی شدن وجود ندارد که برای همه دانشگاه‌ها قابل اجرا باشد همان‌طور که شواب، نظریه پرداز حوزه برنامه درسی، (۱۹۸۳) اشاره می‌کند نباید اصالت موقعیت‌های ویژه تصمیم‌گیری را زیر سؤال برد و یک قاعده کلی برای همه موقعیت‌ها حاکم کرد. دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان کانون تربیت معلمان و آینده‌سازان کشور، نقشی محوری در انتقال هویت و اندیشه ایرانی-اسلامی به نسل‌های آینده دارد؛ اما این رسالت نباید به مرزهای جغرافیایی ایران محدود شود؛ بلکه باید با نگاهی جهانی و با بهره‌گیری از فرصت‌های دیپلماسی علمی، پیام انقلاب و تمدن اسلامی را به گوش جهانیان برساند. یکی از پایه‌ها و ارکان دیپلماسی علمی و فناوری، توسعه کرسی‌های زبان فارسی، ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی است. بین‌المللی سازی در این دانشگاه به معنای توانمندسازی دانشجو معلمان برای گفتگوی مؤثر با جهان است. در شرایطی که دشمنان با هجمه‌های فرهنگی همه‌جانبه، جنگ نرم و شبهه‌افکنی تلاش دارند چهره‌ای واقعی از ایران و اسلام ارائه ندهند، حضور فعال و علمی در عرصه بین‌الملل بهترین دفاع است. وقتی برنامه‌های درسی ما استانداردهای جهانی را در کنار اصالت‌های اسلامی و ایرانی داشته باشند، فارغ‌التحصیلان این دانشگاه می‌توانند به‌عنوان سفیر فرهنگی و علمی، در مجامع بین‌المللی حاضر شده و با ارائه الگوهای برتر در تربیت و تعلیم، افکار عمومی جهان را با واقعیت‌های درخشان تمدن و فرهنگ ایران آشنا کنند. این رویکرد نه تنها باعث اشاعه علم و دانش ایرانی در جهان می‌شود، بلکه موانع ذهنی ایجاد شده توسط رسانه‌های معاند را نیز از میان برمی‌دارد و جایگاه واقعی ایران را به‌عنوان یک قدرت علمی و فرهنگی تمدنی به نمایش می‌گذارد؛ بنابراین، حرکت به سمت بین‌المللی شدن در دانشگاه فرهنگیان، یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای حفظ هویت و تأثیرگذاری در صحنه جهانی است.

زهرا کرمی

گروه آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان استان تهران، پردیس عترت

## یادداشت دویست و نوزده

### شور حماسی و شعور حماسی: نقش استاد دانشگاه در تربیت نسلی مصمم، وطن‌دوست و بالیمان — در چارچوب تعلیم و تربیت اسلامی

شور حماسی، نه صرفاً حس، بلکه فضای تربیتی در دنیایی که تهدیدات خارجی، فریب‌های رسانه‌ای، و تحلیل‌های سطحی به جای ارزش‌های اصیل، جایگزین عشق به وطن و ایمان می‌شوند، شور حماسی و شعور حماسی دیگر تنها احساسات فردی نیستند. آن‌ها پدیده‌های تربیتی هستند که در سایهٔ آموزش، تربیت، و رهبری اخلاقی، شکل می‌گیرند. از منظر یک استاد متدین و آگاه، این دو مفهوم نه تنها نشانه‌ای از بیداری روحی، بلکه هدف اصلی تعلیم و تربیت در عصر حاضر هستند. شور حماسی، آوازی است که از دلِ زمینِ میهن می‌جوشد، نه از دهانِ سخنران، بلکه از رگهای عشق به خاکِ مادری که در دلِ هر فردِ وطن‌پرست، زنده است. شعور حماسی، نیز آن چیزی است که انسان را از خودش فراتر می‌برد، تا به این باور برسد: «من نمی‌ترسم، چون وطنم، جان من است». ۱. نقش استاد: سازندهٔ شور حماسی در دل دانشجویان استاد دانشگاه، در این مسیر، نه تنها معلم دانش، بلکه مربی روحی، رهبر اخلاقی، و نهاد تربیتی است. او نه از طریق تبلیغات، بلکه از طریق زندگی، نمونه، و تفکر اسلامی، شور حماسی را در دل دانشجویان بیدار می‌کند. استاد، نمونهٔ واقعی شور حماسی است: وقتی دانشجویان می‌بینند که استادشان، در برابر فشارهای سیاسی، تحریم‌ها، و تهدیدات، با ایمان و امید، به تدریس و تربیت ادامه می‌دهد، شور حماسی در دل آنها بیدار می‌شود. استاد، داستان‌های وطن را زنده می‌کند: از طریق تدریس تاریخ، ادبیات، فلسفه، و اخلاق اسلامی، استاد نه تنها دانش می‌دهد، بلکه خاطره‌های مادری، ایثار پدری، و عشقِ خاکِ میهن را در دل دانشجویان زنده می‌کند. استاد، فضای اخلاقی را می‌سازد: در کلاس، با سخنرانی‌هایی که از عشق به وطن، ایمان به حق، و کرامت نفس پر است، استاد فضایی ایجاد می‌کند که در آن، دانشجویان نه تنها دانش می‌آموزند، بلکه روح حماسی را در خود تقویت می‌نمایند. امید است استادان دانشگاه فرهنگیان به این نکات اساسی توجه ویژه داشته و بر آن استمرار ورزند.

## زهره حمزه لو

عضو هیئت علمی و استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت دویست و بیست

### رمضان مقاومت؛ تربیت انسان مسئول در مکتب وطن

جنگ‌ها تنها در میدان‌های نظامی شکل نمی‌گیرند؛ بخش مهمی از آن‌ها در ساحت اندیشه، هویت و تربیت رخ می‌دهد. آنچه در «جنگ رمضان» برجسته می‌شود، صرفاً تقابل قدرت‌ها نیست، بلکه میدان آزمون تربیتی برای شکل‌گیری انسان مسئول، مؤمن و وطن‌دوست است. در چنین بزنگاه‌هایی، مفهوم «وطن» از یک جغرافیا فراتر رفته و به یک هویت جمعی و اخلاقی تبدیل می‌شود. از منظر تربیتی، مواجهه با بحران‌ها می‌تواند به تقویت حس تعلق اجتماعی و مسئولیت‌پذیری سیاسی در نسل جوان منجر شود. هنگامی که جامعه‌ای در برابر تهدیدها ایستادگی می‌کند، ارزش‌هایی همچون ایثار، همبستگی، صبر و امید به صورت عینی در زندگی مردم تجلی می‌یابد. این تجربه‌های جمعی، بستری مهم برای تربیت سیاسی و اجتماعی فراهم می‌کنند؛ تربیتی که در آن فرد نه تنها ناظر، بلکه کنشگر آگاه در سرنوشت جامعه خود است. از منظر روان‌شناختی نیز مقاومت، به عنوان یک سازوکار هویتی عمل می‌کند. جامعه‌ای که روایت مشترکی از مقاومت و دفاع از ارزش‌ها دارد، در برابر فشارهای روانی و رسانه‌ای نیز تاب‌آوری بیشتری نشان می‌دهد. این تاب‌آوری اجتماعی، سرمایه‌ای تربیتی است که می‌تواند در شکل‌دهی به نسل‌هایی امیدوار، مسئول و متعهد به آینده کشور نقش‌آفرین باشد. از این رو، «جنگ رمضان» را می‌توان فرصتی برای بازخوانی مفهوم تربیت در بستر مقاومت دانست؛ تربیتی که در آن وطن‌دوستی، مسئولیت اجتماعی و آگاهی سیاسی به صورت درهم‌تنیده شکل می‌گیرند و به پرورش انسان‌هایی می‌انجامند که در سخت‌ترین شرایط نیز امید و هویت جمعی خود را حفظ می‌کنند.

### حجت مردانه طالشمکائیل

عضو هیئت علمی و استادیار گروه آموزش تربیت‌بدنی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه طباطبایی استان اردبیل



## یادداشت دویست و بیست و یک تربیت سیاسی در میدان جنگ

تربیت سیاسی به‌عنوان فرایندی که طی آن افراد با مفاهیم، ارزش‌ها، هنجارها و نهادهای سیاسی آشنا شده و قادر به ایفای نقش مؤثر در جامعه خود می‌شوند معمولاً در بستر آموزش رسمی و غیررسمی شکل می‌گیرد؛ اما زمانی که میدان، عرصه نبرد و درگیری نظامی باشد، تربیت سیاسی ماهیتی متفاوت و حیاتی‌تر به خود می‌گیرد. در چنین شرایطی، تربیت سیاسی صرفاً به معنای آشنایی با ساختارها نیست بلکه به مفهوم شکل دهی به آگاهی، تعهد، اراده و انسجام جمعی برای مواجهه با تهدیدات و حفظ موجودیت ملی تبدیل می‌شود. در شرایط جنگی اساتید به هدایتگران فکری، روانی و معنوی بدل می‌شوند و به‌عنوان کسانی که در خط مقدم شکل دهی به ذهنیت نسل جوان قرار دارند وظایف مهمی بر عهده دارند شامل: تبیین عقلانی و انتقادی: وظیفه اصلی استادان، ارائه تحلیل‌های عمیق و مبتنی بر واقعیت از چرایی وقوع جنگ، پیامدها و چشم‌اندازهای پیش رو است. این تبیین باید از رویکرد احساسی و هیجانی صرف پرهیز کرده و بر فهم استراتژیک و منطق تحولات تأکید کند. پرورش تفکر نقاد: اساتید باید دانشجویان را قادر سازند تا اطلاعات دریافتی از منابع مختلف را به‌صورت انتقادی ارزیابی کنند، از افتادن در دام اطلاعات نادرست یا جهت دار پرهیز نمایند. پل میان تجربه و تئوری: اساتید دانشگاهی با اتصال تجربیات عینی میدان جنگ به چارچوب‌های نظری، تاریخی و فلسفی به این تجربیات معنا می‌بخشند تا دانشجویان بتوانند با درک عمیق‌تر قادر به کنشگری مسئولانه در بزنگاه‌های مختلف باشند. ایجاد امید و پایداری: در شرایطی که جنگ می‌تواند منجر به اضطراب و ناامیدی شود اساتید با یادآوری تاریخ مقاومت‌های موفق، تبیین چشم‌اندازهای آینده و تقویت حس تعلق، روحیه و اراده جامعه را حفظ نمایند.

**سارا خداویسی**

عضو هیئت علمی گروه آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان استان همدان

## یادداشت دویست و بیست و دو

### تربیت معناگرا؛ رویکردی برای تقویت تاب‌آوری نسل آینده

زندگی انسان همواره سرشار از فراز و فرودهاست و تاریخ نیز نشان می‌دهد که جوامع و ملت‌ها اغلب در دل دشواری‌ها شکل می‌گیرند و بالنده می‌شوند. در چنین شرایطی آنچه انسان را از فروپاشی روحی حفظ می‌کند، صرفاً امکانات مادی یا قدرت بیرونی نیست، بلکه معنایی است که برای زندگی خود می‌یابد. از همین رو، یکی از رسالت‌های اساسی آموزش و پرورش، پرورش نسلی است که بتواند در سختی‌ها معنا بیابد و با امید و استقامت مسیر زندگی را ادامه دهد؛ رویکردی که از آن با عنوان «تربیت معناگرا» یاد می‌شود. قرآن کریم نیز با نگاهی امیدبخش به انسان می‌آموزد که رنج و دشواری پایان راه نیست. آیه «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» یادآور می‌شود که در دل هر سختی گشایشی نهفته است و وعده «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» صبر را به عنوان نیروی تربیتی برای پایداری انسان معرفی می‌کند. در این نگاه، صبر تنها تحمل درد نیست، بلکه حفظ امید و معنا در دل شرایط دشوار است. نمونه‌ای روشن از این حقیقت را می‌توان در زندگی ویکتور فرانکل، روان‌پزشک اتریشی و بنیان‌گذار نظریه «معنادرمانی»، مشاهده کرد. او در دوران جنگ جهانی دوم توسط نازی‌ها دستگیر و به اردوگاه‌های کار اجباری فرستاده شد. در آنجا پدر، مادر، همسر و بسیاری از نزدیکانش را از دست داد و سال‌ها با گرسنگی، تحقیر و مرگ هم‌بندانش روبه‌رو بود. حتی نسخه دست‌نوشته کتاب علمی‌اش که حاصل سال‌ها تلاش بود، هنگام ورود به اردوگاه از او گرفته شد. با این حال فرانکل در همان شرایط سخت به مشاهده رفتار انسان‌ها پرداخت. او دریافت که برخی زندانیان، با وجود همان شرایط دشوار، روحیه خود را حفظ می‌کنند؛ کسانی که امیدی در دل داشتند، به عزیزی می‌اندیشیدند، یا رسالتی برای آینده خود تصور می‌کردند. فرانکل بعدها نوشت: «از انسان می‌توان همه چیز را گرفت، جز یک چیز؛ آخرین آزادی انسان، یعنی انتخاب نگرش خود در برابر آنچه بر او می‌گذرد.» این تجربه‌ها پایه شکل‌گیری نظریه معنادرمانی شد؛ نظریه‌ای که بر این اصل استوار است که انسان بیش از هر چیز در جست‌وجوی معناست و یافتن معنا، توان تحمل سخت‌ترین رنج‌ها را در او پدید می‌آورد. بر این اساس، نظام آموزش و پرورش می‌تواند با الهام از آموزه‌های دینی و دستاوردهای علمی، زمینه تربیت معناگرا را در مدارس فراهم سازد. معلمانی که به دانش‌آموزان می‌آموزند چگونه در دشواری‌های زندگی معنا بیابند، در حقیقت بذر امید، مسئولیت‌پذیری و استقامت را در جان نسل آینده می‌کارند. چنین تربیتی نسلی پرورش می‌دهد که در برابر سختی‌ها تسلیم نمی‌شود، بلکه با ایمان، آگاهی و معنا مسیر آینده جامعه را می‌سازد.

محمد شفیعی

استادیار گروه آموزش راهنمایی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان لرستان

## یادداشت دویست و بیست و سه نقش دانشگاه فرهنگیان در تمدن سازی

دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای آموزش عالی کشور، نقش اساسی در فرآیند تمدن سازی دارد. این دانشگاه با تربیت نیروی انسانی توانمند، نقش کلیدی در شکل‌گیری و توسعه فرهنگ، ارزش‌ها و اخلاقیات جامعه ایفا می‌کند. معلمان تربیت یافته در این دانشگاه، نه تنها وظیفه انتقال دانش و مهارت‌های علمی را بر عهده دارند، بلکه نقش آن‌ها در شکل‌دهی به شخصیت و هویت فرهنگی نسل‌های آینده است. تمدن سازی فرآیندی است که نیازمند انسان‌هایی با روحیهٔ اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی است. دانشگاه فرهنگیان با تمرکز بر تربیت مربیان و معلمان در تراز انقلاب اسلامی و اخلاق‌مدار، بر توسعه هویت ملی و میراث فرهنگی تأثیرگذار است. آن‌ها با آموزش ارزش‌هایی مانند همبستگی، عدالت، احترام و تعهد، پایه‌های فرهنگی و اجتماعی مدرن را استوار می‌سازند. همچنین، این دانشگاه به‌عنوان یک مرکز پژوهشی و فرهنگی، نقش مهمی در ترویج علم و دانش بومی و ملی دارد. بر این اساس، دانشگاه فرهنگیان نقش مهمی در شکل‌دهی فرهنگی و اجتماعی کشور و در نتیجه در ساختن تمدنی پویا و پایدار ایفا می‌کند. در مجموع، تربیت معلمان متخصص و اخلاق‌مدار، اصلی‌ترین وظیفه و هدف این نهاد در مسیر تمدن سازی است.

حسن جوادی نیا

استادیار گروه معارف دانشگاه فرهنگیان بوشهر

## یادداشت دویست و بیست و چهار

### از پیوندهای شیمیایی تا پیوندهای اجتماعی؛ بازخوانی ظرفیت‌های تربیتی آموزش شیمی

در روزهایی که صدای اضطراب و خبرهای سنگین جنگ در فضای جامعه پیچیده است، بیش از هر زمان دیگری به یاد می‌آوریم که رسالت تعلیم و تربیت تنها انتقال دانش نیست؛ بلکه ساختن انسان‌هایی است که بتوانند در روزهای دشوار، امید، همبستگی و مسئولیت را زنده نگه دارند. مدرسه در چنین زمانه‌ای صرفاً محل آموزش نیست؛ سنگری آرام برای پرورش اندیشه، اخلاق و احساس تعلق به جامعه است. در دل کلاس شیمی، مفهومی بنیادین بارها تکرار می‌شود: «پیوند». دانش‌آموزان می‌آموزند که اتم‌ها برای رسیدن به پایداری، به یکدیگر نزدیک می‌شوند، الکترون‌ها را به اشتراک می‌گذارند یا مبادله می‌کنند و از دل این همکاری، مولکول‌ها و ساختارهای پایدار شکل می‌گیرد. هیچ ماده‌ای در انزوا به پایداری نمی‌رسد؛ استواری، حاصل پیوند است؛ اما این حقیقت علمی تنها به جهان ماده محدود نمی‌ماند. جامعه انسانی نیز در روزهای آزمون، بیش از هر زمان دیگری به پیوند نیاز دارد؛ پیوند دل‌ها، همدلی‌ها و مسئولیت‌های مشترک. همان‌گونه که پیوندهای قوی شیمیایی ساختار ماده را پایدار می‌کند، پیوندهای اجتماعی نیز می‌تواند جامعه را در برابر تلاطم‌ها و دشواری‌ها استوار نگه دارد. در چنین افقی، آموزش شیمی ظرفیتی فراتر از آموزش فرمول‌ها و واکنش‌ها می‌یابد. معلم شیمی می‌تواند از دل مفاهیم علمی، دریچه‌ای به فهمی عمیق‌تر از زندگی اجتماعی بگشاید. وقتی دانش‌آموز درباره همکاری اتم‌ها برای رسیدن به تعادل می‌آموزد، می‌تواند هم‌زمان به این بیندیشد که انسان‌ها نیز برای ساختن آینده‌ای پایدار به همکاری، همدلی و اعتماد نیاز دارند. روزهای دشوار، زمان آشکار شدن ارزش پیوندهاست. همان‌گونه که در جهان ماده، گسستن پیوندها به بی‌ثباتی می‌انجامد، در جامعه نیز فاصله گرفتن دل‌ها و گسست همبستگی، آسیب‌پذیری را افزایش می‌دهد. در مقابل، تقویت پیوندهای انسانی می‌تواند امید را زنده نگه دارد و مسیر عبور از بحران‌ها را هموارتر سازد. از این رو، کلاس شیمی می‌تواند فراتر از یک کلاس علمی باشد؛ می‌تواند مکانی برای اندیشیدن به معنای پیوند، همبستگی و مسئولیت اجتماعی باشد. در چنین نگاه، آموزش شیمی نه‌تنها به پرورش ذهن علمی دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه می‌تواند در شکل‌گیری نسلی آگاه، همدل و مسئول نیز نقش داشته باشد؛ نسلی که می‌داند همان‌گونه که جهان ماده با پیوندها استوار می‌شود، جامعه انسانی نیز با پیوند دل‌ها و همکاری انسان‌ها پایدار می‌ماند. شاید یکی از درس‌های عمیق علم همین باشد: اینکه پایداری، چه در طبیعت و چه در جامعه، بدون پیوند ممکن نیست؛ و امروز، بیش از هر زمان دیگر، جامعه ما به استحکام همین پیوندها نیاز دارد.

#### سمانه وحید

استادیار گروه آموزش شیمی دانشگاه فرهنگیان سیستان و بلوچستان

## یادداشت دویست و بیست و پنج سوگواری و پاسداری از حقیقت

سوگواری بر رهبر شهید تنها اندوه بر فقدان یک انسان نیست؛ شکرِ نعمتی بزرگ است که زمانی در میان ما زیست و با حضور خویش به زندگی ما معنا، به راه ما جهت و به اراده‌ی ما استواری بخشید. آنگاه که چنین نعمتی از میان می‌رود، شایسته‌ترین پاسخ یک ملت آن است که بر فقدانش به سوگ نشیند و خیمه‌ی عزّا برپا دارد؛ زیرا سوگواری در حقیقت اعتراف به بزرگی آن نعمت است. هرچه آنچه از دست رفته بزرگ‌تر باشد، یاد و سوگ آن نیز سزاوارتر است که پایدار بماند. گاه شایسته است نه تنها فردی، بلکه نسل‌ها بر فقدان نعمتی بزرگ سوگوار بمانند؛ زیرا در چنین سوگواری‌ای حقیقت آن نعمت زنده می‌ماند. در اینجا پیوند سوگواری با تعلیم و تربیت آشکار می‌شود. تربیت تنها انتقال دانش نیست؛ تربیت پاسداری از معنا و حافظه‌ی اخلاقی یک جامعه است. اگر نسل‌ها ندانند چه کسانی برای عزت و آزادی آنان ایستاده‌اند و اگر روایت فداکاری‌ها خاموش شود، روح یک ملت نیز آرام‌آرام در فراموشی فرو می‌رود و جامعه از درون تهی می‌شود. در چنین زمانه‌ای، معلم و استاد نقشی بنیادین دارند. آنان تنها آموزگاران مفاهیم علمی نیستند، بلکه نگهبانان حافظه‌ی جمعی و بیدارکنندگان وجدان نسل‌ها هستند. کلاس درس جایی است که در آن نه فقط دانش، بلکه مسئولیت نیز آموخته می‌شود؛ جایی که روایت ایثار و حقیقت به نسل تازه سپرده می‌شود. دانشجو نیز تنها شنونده نیست؛ او وارث این حقیقت است. سوگواری برای او صرفاً اشک نیست، بلکه یادآوری مسئولیتی است که بر دوش نسل او نهاده شده است: ادامه دادن راهی که با ایمان و فداکاری گشوده شده است....

### منا تکاورنژاد

هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی

## یادداشت دویست و بیست و شش

### از تربیت معلم تا ساخت آینده کشور؛ جایگاه دانشگاه فرهنگیان در بیانات امام شهید انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (رحمت‌الله علیه)

در هر نظام آموزشی، معلم مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری نسل آینده و پیشرفت علمی و فرهنگی جامعه است. کیفیت آموزش و پرورش تا حد زیادی به توانایی، دانش و تعهد معلمان بستگی دارد. از همین رو مسئله تربیت معلم از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های آموزشی به شمار می‌آید. در جمهوری اسلامی ایران نیز رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (رحمت‌الله علیه) بارها بر اهمیت جایگاه معلم و نقش اساسی دانشگاه فرهنگیان در تربیت معلمان آینده تأکید کرده‌اند. به باور ایشان، دانشگاه فرهنگیان مرکز ثقل نظام آموزش و پرورش است؛ زیرا این دانشگاه مسئولیت تربیت معلمان را بر عهده دارد که مستقیماً با نسل آینده کشور در ارتباط هستند. اگر معلمان شایسته، آگاه و متعهد تربیت شوند، زمینه رشد علمی، فرهنگی و اخلاقی جامعه فراهم خواهد شد. از این رو تقویت دانشگاه فرهنگیان به معنای تقویت پایه‌های آموزش و پرورش کشور است. رهبر شهید انقلاب (رحمت‌الله علیه) همچنین بر ضرورت توسعه کمی و کیفی این دانشگاه تأکید کرده‌اند. با توجه به نیاز روزافزون آموزش و پرورش به معلم، افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو در کنار ارتقای کیفیت آموزش، امری ضروری است. در عین حال، تربیت معلم باید به صورت تخصصی و حرفه‌ای انجام گیرد؛ زیرا معلمی تنها انتقال دانش نیست، بلکه هنر تربیت و هدایت نسل جوان است. از دیگر نکات مهم در این زمینه، توجه به کیفیت استادان و امکانات آموزشی دانشگاه فرهنگیان است. استادان این دانشگاه باید علاوه بر توان علمی، از تعهد اخلاقی و روحیه مسئولیت‌پذیری برخوردار باشند تا بتوانند الگوی مناسبی برای دانشجویان باشند. همچنین حمایت مسئولان و رفع کمبودهای موجود می‌تواند به ارتقای سطح این دانشگاه کمک کند. به طور کلی، در نگاه رهبر شهید انقلاب (رحمت‌الله علیه)، دانشگاه فرهنگیان نهادی راهبردی برای آینده کشور است؛ نهادی که با تربیت معلمان توانمند و متعهد، مسیر رشد و پیشرفت جامعه را هموار می‌سازد.

محمد مجتبی زاده

استادیار گروه امور تربیتی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، استان زنجان.

## یادداشت دویست و بیست و هفت اگر دین ندارید لاقلاً آزاده باشید

این روزها چقدر این جمله کوتاه اما جاودان در ذهن هر انسان آزاد اندیشی نقش می‌بندد... چراکه ایران دیگر ایران نیست، که کربلایی دیگر است که نمادی است از تقابل هر چه خیر با هر چه شر... اینک ایران سرزمین نجیب زادگانی است که در مقابل تمام دنیای خالقان تلخ‌ترین جنایات تاریخ بشری از قتل عام کودکان بی گناه گرفته تا پست‌ترین مسائل غیر اخلاقی ایستاده است... دنیا دیگر جایی برای انسان‌های بی طرف ندارد، که اگر بی طرفی هست گویی که وجدانی در او نیست، چراکه هیچ وجدان بیداری حمله به کودکان معصوم هیچ سرزمینی را بر نمی‌تابد و در مقابل کشتار بی گناهان خاموش نمی‌ماند... چقدر زیبا گفت زینب سلیم الله علیها که جز زیبایی نمی‌بینم ... که در تضاد با بسیاری از نظریه‌های جامعه‌شناسی که ریشه در بنیادهای مادی دنیای غرب دارند، شاهد جامعه‌ای بیدار هستیم که زیر بمباران‌های وحشیانه با موش‌های گره کرده آماده است تا آزاده زیستن را با قطره قطره‌های خون خویش به تصویر بکشد و به اعتراف سردمداران بی کفایتشان دشمنان را در درک چنین ملت با عظمتی به تحیر واداشته...

### اسداله عربخانی

هیئت علمی گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی. دانشور نیشابور.

## یادداشت دویست و بیست و هشت دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان دانشگاه تمدن ساز

جنگ رمضان به‌عنوان نمونه‌ای از تجاوز سیاسی و نظامی علیه ایران اسلامی، فراتر از یک رخداد نظامی، نمادی از تقابل دو منطق تمدنی است؛ منطق سلطه غربی و منطق مقاومت اسلامی. از منظر آموزش و پرورش و فلسفه تعلیم و تربیت، این واقعه را می‌توان صحنه‌ای از تربیت تاریخی ملت ایران دانست؛ تربیتی که در متن بحران، معنای ایمان، خودباوری و مسئولیت اجتماعی را درونی کرد. دانشگاه فرهنگیان، به‌عنوان دانشگاه تمدن ساز، در چنین چارچوبی نقشی بنیادین دارد. این دانشگاه مأموریت دارد معلمی را تربیت کند که نه تنها انتقال‌دهنده دانش باشد بلکه پاسدار هویت تمدنی و فرهنگی جامعه اسلامی نیز باشد. تحولات جنگ رمضان نشان داد که شکل‌گیری تمدن اسلامی نوین، بدون تربیت نسلی آگاه، مقاوم و عدالت‌خواه ممکن نیست. تربیت در دانشگاه فرهنگیان باید با تکیه بر سه محور کلیدی بازتعریف شود: تربیت بصیرتی برای درک ماهیت سلطه رسانه‌ای و فرهنگی دشمن، تربیت جهادی برای اقدام مؤثر در دفاع از ارزش‌ها و استقلال ملی، و تربیت تمدنی برای پیوند علم با ایمان و مسئولیت اجتماعی. بر همین اساس، تحلیل جنگ رمضان در برنامه‌های درسی دانشگاه فرهنگیان می‌تواند بستری مؤثر برای آموزش تاریخ تمدنی و پرورش تفکر راهبردی باشد. این دانشگاه باید از واقعه جنگ رمضان درس بگیرد تا در میدان تربیت، همان روح مقاومت و ابتکار را در نسل معلم و دانش‌آموز زنده نگه دارد. به تعبیر تربیتی، جنگ رمضان نه یک واقعه صرفاً نظامی، بلکه مدرسه‌ای است برای فهم نقش ایمان، علم و تربیت در عصر مقاومت تمدنی ایران.

### آرزو موسوی

مأمور آموزشی دانشگاه فرهنگیان استان ایلام



## بادداشت دویست و بیست و نه

### پژوهشگران و اساتید در پسا جنگ؛ ایده پردازی پژوهشی بازسازی ایران عزیز در جنگ و پسا جنگ

اکنون که این جنگ ظالمانه بر ما تحمیل شده است، زمان زانو زدن و به غم نشستن نداریم. هیچگاه جنگ موضوع مطلوبی به شمار نرفته است و هر جنگی با خود مسائلی به همراه دارد. اساتید و پژوهشگران در سراسر کشور باید این مسائل را شناسایی کرده و به‌عنوان ایده‌های پژوهشی آنها را مطالعه کنند و از نتایج آن برای بازسازی ایران بهره ببرند. این مسائل در تمام حوزه‌ها قابل بررسی است، از روانشناسی جنگ تا جامعه‌شناسی جنگ، از تدریس حین جنگ تا ورزش و بی تحرکی در حین جنگ، از تخریب زیرساخت‌ها حین جنگ تا بازسازی بهتر آنها در پسا جنگ. در طول تاریخ، جنگ‌ها به‌عنوان فرصتی برای پیشرفت علمی، فناوری و اقتصادی شناخته شده‌اند. جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) به‌عنوان یک دوره از تغییرات عمده در زمینه فناوری و پژوهش، شناخته می‌شود. در این دوره، تلاش‌های بسیاری برای ساخت ابزارهای مدرن، بهبود سیستم‌های ارتباطی، و توسعه فناوری‌های جدید به منظور تقویت قدرت نظامی و اقتصادی انجام شد. این ایده پردازی در زمان جنگ و پس از جنگ، به‌عنوان یک مفهوم مهم در ساخت ایران مدرن، قابل توجه است. در ایران، این نوع ایده پردازی در زمان جنگ می‌تواند به بهبود سیستم‌های دفاعی، ارتباطی و اقتصادی کمک کند. جنگ ایران-عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) نیز به‌عنوان یک دوره از تغییرات فناوری و علمی در ایران شناخته می‌شود. در این جنگ، ایران با محدودیت منابع، به اختراعاتی مانند سیستم‌های دفاعی، تولید مواد شیمیایی و بهبود تاسیسات صنعتی پیش‌روی گذاشت. پس از جنگ، ایران نیز به سرعت به توسعه فناوری‌های جدید پرداخت، از جمله ساخت ابزارهای دفاعی و بهبود سیستم‌های ارتباطی. در این دوره از تهاجم ائتلاف امریکایی-اسرائیلی به خاک کشورمان، ایران عزیز، نیز این ایده‌های پژوهشی در ایران نیز می‌تواند به ساخت سیستم‌های مدرن و بهبود ساخت و تولید کمک کند.

#### رامین نجفی

استادیار گروه آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان هرمزگان

## یادداشت دویست و سی

### عزت‌بخشی به تمدن نوین اسلامی؛ از شعار «شهادت آری، حقارت هرگز» تا عمل تربیتی

در ژرف‌اندیشی دینی و تربیتی، مرز باریک اما سرنوشت‌ساز میان «شهادت» به‌عنوان اوج کمال انسانی و «حقارت» به‌عنوان نتیجه شوم تسلیم در برابر ظلم و فراموشی خدا نهفته است. استادان دانشگاه تمدن ساز فرهنگیان، به‌عنوان مجریان رسالت تعلیم و تربیت، باید این حقیقت را برای نسل آینده روشن سازند که شهادت در مکتب عاشورا، یک پدیده‌ی احساسی نیست، بلکه «قله‌ی عزت» و نقطه‌ی اوج تعالی است که در آن انسان با رضایت حق متعال، از جان خویش می‌گذرد تا دین و ارزش‌های الهی را تضمین کند. خداوند متعال در قرآن کریم با صراحت اعلام می‌دارد: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»؛ این آیه خطاب به ما بیاموزد که عزت واقعی، در گرو پیوستن به خدا، پیامبر و مؤمنان واقعی است و این مقام والا، میراث پرفروغ معصومان علیهم‌السلام و شهادت است که با خون خود، ریشه‌های درخت آزادی و تمدن‌سازی را آبیاری کردند. در سوی دیگر، میدان حقارت ثمره‌ی تلخ تسلیم شدن در برابر ظلم و غفلت از یاد خداست. پیامبر اکرم (ص) در هشداری تربیتی می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّ بَقَاءَ الذَّلِّ أَبْعَدَهُ اللَّهُ»؛ این حدیث نورانی، خطاب به کسانی است که برای منافع زودگذر دنیوی، تن به ذلت و حقارت می‌دهند و در برابر استکبار سر خم می‌کنند. ملت شهیدپرور ایران با الهام از سیدالشهدا (ع) به جهانیان ثابت کرده است که منطق «ترجیح مرگ با عزت بر زندگی با ذلت»، تنها یک شعار نیست، بلکه شالوده‌ی هویت ملی و مذهبی ماست. اکنون در برابر توطئه‌های پیچیده‌ی دشمنان که به دنبال ایجاد یأس و حقارت در جوامع اسلامی هستند، راهی جز ایستادگی، مقاومت و تبیین صحیح فرهنگ شهادت وجود ندارد. استادان دانشگاه به‌عنوان فرهیختگان و مربیان، باید با تکیه بر این فرهنگ غنی، نه تنها از مرزهای جغرافیایی، بلکه از مرزهای ارزشی و هویتی میهن دفاع کنند. تاریخ گواهی می‌دهد که ملت‌هایی که از طناب حقارت گسسته و با تکیه بر ایمان به سمت عزت حرکت کرده‌اند، همیشه پیروز میدان‌اند؛ بنابراین، رسالت ما این است که در ذهن و جان دانشجومعلمان بنشانیم: تنها راه نجات، سعادت و رسیدن به تمدن نوین اسلامی، پذیرش و عملی‌سازی منطق ابدی «شهادت آری، حقارت هرگز» است.

امیر پورشاهرودی

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، استان گلستان

## یادداشت دویست و سی و یک

**: نقش اساتید دانشگاه فرهنگیان در تربیت سیاسی دانشجویان و**

**ایجاد حس تعلق خاطر نسبت به ارزش‌های انقلاب**

دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان نهاد اصلی تربیت معلم متعهد و آگاه، نقشی بنیادین در شکل‌دهی به نگرش‌های سیاسی، فرهنگی و هویتی دانشجویان دارد که در چند محور قابل بررسی است:

۱. نقش کلیدی اساتید در تربیت سیاسی دانشجویان: مبرهن و واضح است که اساتید در دانشگاه فرهنگیان نه فقط انتقال‌دهنده دانش آموزشی بلکه به‌عنوان الگوی عینی نقش‌آفرینی مؤثری دارند. منظور از تربیت سیاسی، پرورش تفکر انتقادی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و درک صحیح از نظام سیاسی کشور است. از جمله اساتید محترم باید بتوانند مفاهیم سیاسی از جمله عدالت، استقلال، آزادی و مشارکت را به شکلی علمی، بی‌تعصب و در چارچوب ارزش‌های ملی و دینی آموزش دهند؛ و دانشجویان را به‌گونه‌ای تربیت کنند که باور به وجود دشمن صرفاً جنبه احساسی ندارد بلکه بخشی از واقعیت تاریخی کشور ماست. استاد باید قدرت تحلیل دانشجویان را برای درک روش‌های نفوذ فرهنگی و شناخت جنگ نرم بالا ببرد. ۲. ایجاد حس تعلق خاطر به ارزش‌های انقلاب اساتید می‌توانند در کلاس و خارج از آن، زمینه درونی‌سازی ارزش‌های انقلاب مثل استقلال، عدالت، خدمت به مردم و استکبارستیزی را فراهم کنند. از جمله روش‌های مؤثر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: الف) الگو بودن در عمل: وقتی استاد خودش متعهد، اخلاق‌مدار و اهل جهاد علمی باشد، حس تعلق در دانشجویان به‌صورت درونی شکل می‌گیرد. ب) تبیین دستاوردهای انقلاب و آسیب‌شناسی منصفانه: باید فرصت تأمل و گفت‌وگوی صادقانه درباره پیشرفت‌ها و چالش‌ها فراهم شود تا حس افتخار همراه با واقع‌گرایی در دانشجویان ایجاد شود. ج) فعال‌سازی فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی: مشارکت در انجمن‌های علمی، برنامه‌های فرهنگی و یادواره‌ها می‌تواند دانشجویان را نسبت به ارزش‌ها پیوند دهد. ۳. پیوند باور به وجود دشمن با تربیت سیاسی و تعلق انقلابی: در فضای امروز که جنگ نرم و رسانه‌ای جایگزین جنگ نظامی شده، آگاهی از وجود دشمن به‌منزله هوشمندی سیاسی است نه دشمن‌تراشی. در این زمینه استاد باید حس هوشیاری و مقاومت آگاهانه را در دانشجویان تقویت کند و مراقبت نماید که این مفهوم منجر به بدبینی یا انزوا نشود، بلکه موجب اتحاد ملی، خودباوری و پیشرفت علمی گردد.

**حسن مدرس زاده**

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان گلستان

## یادداشت دویست و سی و دو دانشگاه فرهنگیان؛ قطب‌سازی تمدنی در آینه جنگ رمضان

جنگ رمضان نماد عینی تلاقی «ایمان» و «معرفت» در میدان دفاع از حریم ولایت است. در این نبرد نرم و سخت، دانشگاه فرهنگیان به عنوان «دانشگاه تمدن ساز» رسالت خطی تربیت نسلی برخاسته از مکتب شهیدان را بر عهده دارد. تمدن سازی در پارادایم اسلامی-ایرانی، صرفاً یک نظریه انتزاعی نیست، بلکه نیازمند بسترسازی علمی و عملی برای ظهور «انسان تمدن ساز» است. این دانشگاه با تکیه بر آموزه‌های «تربیت پژوهشی» و «آموزش پژوهانه»، باید الگوی بومی قدرت‌افزایی برای معلمان آینده‌ساز ترسیم کند. در جنگ رمضان، رزمندگان با توکل بر خدا و اتکا به دانش بومی، توطئه‌های دشمن را خنثی کردند. اکنون دانشگاه فرهنگیان باید این روحیه را در قالب «برنامه درسی انقلابی» و «دشمن‌شناسی دقیق» به دانشجومعلمان منتقل کند تا آنان نیز در جبهه‌های فرهنگی و تربیتی، قادر به مهندسی افکار عمومی و مقاومت در برابر استعمار فرانو باشند. تمدن سازی، محصول تعاملِ هوشمندانه «ایرانیت» و «اسلامیت» در کلاس‌های درس است؛ بنابراین، دانشگاه فرهنگیان باید کانونی برای تولید علم نافذ و تربیت مربیانی باشد که با عینک تعلیم و تربیت به تحولات نگاه می‌کنند و در مسیر پیشرفت و عدالت‌خواهی، افق‌های روشنی برای ایران اسلامی ترسیم می‌نمایند.

### طاهره نوروزی وند

مأمور آموزشی دانشگاه فرهنگیان ایلام

## یادداشت دویست و سی و سه منظرهای قرآنی، تاریخی، ادبی، فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی به مباحث تربیتی جنگ رمضان

بررسی "مباحث تربیتی جنگ رمضان" از منظرهای مختلف علمی و دینی، می‌تواند درکی عمیق و جامع از ابعاد این رویداد و درس‌های آن برای تربیت نسل‌های آینده فراهم آورد. منظر قرآنی و حدیثی: مطالعه آیات و روایات مرتبط با مفاهیمی چون جهاد، شهادت، صبر، استقامت، وحدت و توکل، می‌تواند بنیان‌های نظری و ارزشی تربیت در شرایط سخت را تبیین کند. منظر تاریخی: بررسی تجربیات تاریخی مسلمانان در مواجهه با جنگ‌ها و سختی‌ها، درس‌های عملی و عبرت‌های ارزشمندی را برای تربیت سیاسی و اجتماعی ارائه می‌دهد. منظر ادبی: آثار ادبی خلق شده پیرامون جنگ، مانند شعرها و داستان‌های حماسی، می‌توانند در برانگیختن احساسات، تقویت روحیه مقاومت و انتقال ارزش‌ها نقش مهمی ایفا کنند. منظر فلسفی: تحلیل مفاهیمی چون حقیقت، عدالت، آزادی، و شهادت از دیدگاه فلسفی، به درک عمیق‌تر چرایی مبارزات کمک کرده و مبنای استدلالی تربیت را تقویت می‌کند. منظر روان‌شناختی: بررسی ابعاد روان‌شناختی مقاومت، تاب‌آوری، مدیریت بحران، و سازگاری با شرایط دشوار، راهکارهای عملی برای تربیت افرادی با سلامت روان بالا در دوران بحران ارائه می‌دهد. منظر جامعه‌شناختی: تحلیل پدیده‌هایی مانند انسجام اجتماعی، همبستگی ملی، و نقش نهادها در دوران جنگ، به درک چگونگی شکل‌گیری و حفظ مقاومت در سطح جامعه کمک می‌کند؛ بنابراین این رویکرد چندبعدی، امکان طراحی برنامه‌های تربیتی جامع‌تر و مؤثرتر را فراهم می‌آورد.

مصطفی غفاری

استادیار دانشگاه فرهنگیان استان قزوین، گروه زبان انگلیسی

## یادداشت دویست و سی و چهار از فلسطین تا ایران؛ با امید به پیروزی

امید به موفقیت و پیروزی یکی از مضامین برجسته‌ای است که در زبان عربی مشهود است معین بسیسو شاعر برجسته فلسطینی همواره امید مردم سرزمینش را زنده نگه داشته و آنها را به پایداری دعوت می‌نماید: «لاتسمعی أسطوانة / لاتفتحی کتاب.. / لا تقرأی جریده ... / هذا زمانٌ فیه یا حبیبتی القصیده / کبر مکیه یتبعها بسیفه مسرور / رؤوسنا علی موائد الجریمة / کأنها الأقمار فی صحنهم تدور / کأنه یولد من رقابنا / فی کل عصر، یا حبیبی مرور» (بسیسو، ۱۹۸۱: ۳۳۷) ترجمه: (گرامافونی گوش مکن، کتابی مگشا روزنامه‌ای مخوان / چراکهای محبوب من این دوره، دوره‌ای است که در آن قصیده، مانند زنی برمکی است که مسرور با شمشیر خود در تعقیب آن است / سرهای ما بر سفره‌های مجازات است گویا آن سرها ماه‌هایی هستند که در مجمعه‌های آنها می‌گردد گویا اینکهای محبوب من از گردن‌های ما در هر دوره‌ای مروری متولد می‌شود). در حقیقت این سروده، به وجود دشمنی دیوانه و خونخوار اشاره می‌کند، یعنی دلیل اول و اصلی مقاومت دشمنی است که بویی از عشق و احساسات نبرده است؛ بنابراین زمانی که این دشمن دنبال ماست نه می‌توان گرامافونی گوش داد، نه کتابی باز کرد و نه روزنامه‌ای خواند. زمانی که دشمن دیوانه حاکم بر ماست همه‌چیز از ارزش تبدیل به ضد ارزش می‌گردد. در ادب معاصر فارسی نصرالله مردانی نیز بر مفهوم پیروزی تأکید دارد و این مفهوم در طول تاریخ با فرهنگ مردم ایران عجین گشته است؛ چنانکه در غزل «کاهشکان رشادت» پیروزی و ظفر را از آن افرادی می‌داند که بی مهابا در راه وطن پیکار می‌کنند: ز بانگ تندر تکبیر و جوش شهید / هزار نهر سحر در کویر شب جوشید ببوس گونه یاران که با پیام امام / زکاهشکان شهادت رسد سروش نوید شهید عرصه حق بر صحیفه تاریخ / ز خون خوش رقم زد حماسه جاوید سوار سنگر اسلام قلب اهریمن / به تیغ نصرالله فاتحانه درید شاعر بر این باور است که قدس تنها با جنگی مانند جنگ خیبر آزاد خواهد بود و این جنگ به دست همه مسلمانان در جهان اتفاق خواهد افتاد. وی در رباعی «خیبر خون» از مجموعه قیام نور در این باره می‌گوید: از گور شهید، دسته نیلوفر خون / بر قلب سیاه شب بزن خنجر خون در روز بزرگ قدس، شیطان بزرگ / تکرار شود به دست ما خیبر خون

علی خالقی

استادیار گروه آموزش زبان عربی دانشگاه فرهنگیان قم

## یادداشت دویست و سی و پنج

### ظرفیت تعالی و امکان سقوط انسان در منظومه تربیتی قرآن کریم

مقام خلیفه الهی انسان: در فرهنگ قرآن کریم، انسان موجودی برخوردار از ظرفیتی بی‌بدیل معرفی می‌شود؛ موجودی که خداوند متعال درباره او می‌فرماید: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» و بدین‌سان، استعداد «خَلِيفَةُ اللَّهِ» را در سرشت او به ودیعت نهاده است. این ظرفیت عظیم، زمانی به فعلیت می‌رسد که انسان با بهره‌گیری از سه سرمایه بنیادین عقل، اختیار و هدایت الهی، آگاهانه در مسیر حق، عدالت و بندگی گام بردارد. در چنین مسیری، انسان می‌تواند به مراتبی از قرب الهی دست یابد که حتی فرشتگان نیز بدان دسترسی ندارند؛ زیرا فرشتگان موجوداتی فاقد تعارض درونی‌اند و مسیر طاعت را به اقتضای خلقت خویش می‌پیمایند، اما انسان در میان کشاکش تمایلات و انتخاب‌های متضاد، آگاهانه راه نیک و فضیلت را برمی‌گزیند و از همین رو، شایستگی صعود به عالی‌ترین مراتب کمال را پیدا می‌کند. امکان سقوط انسان: قرآن کریم در کنار ترسیم این افق بلند، به امکان سقوط انسان نیز با صراحت هشدار می‌دهد. همان انسانی که توان رسیدن به مرتبه خلافت الهی را دارد، اگر از ندای فطرت و هدایت الهی روی برتابد و راه خودکامگی و طغیان را پیش گیرد، می‌تواند به ورطه‌ای از سقوط فروغلتد که از حیوان نیز فروتر گردد. از همین رو قرآن کریم می‌فرماید: «أَوَلَيْكَ كَالِ الْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»؛ آنان همچون چهارپایان‌اند، بلکه گمراه‌تر. راز این تعبیر در آن است که حیات حیوان بر مدار غریزه است و از نعمت عقل و مسئولیت اخلاقی برخوردار نیست، اما انسان با وجود بهره‌مندی از عقل و قدرت انتخاب، گاه آگاهانه، مسیر ظلم و تباهی را برمی‌گزیند. پندآموزی از تاریخ: نگاهی به تاریخ بشر نشان می‌دهد که این هشدار قرآنی یک واقعیتی عینی در تجربه تاریخی انسان‌هاست. تاریخ مملو از نمونه‌هایی است که در آن‌ها انسان‌هایی، در اثر غلبه شهوت قدرت، حرص سیری‌ناپذیر و قساوت قلب، به ابزار ظلم، خشونت و خون‌ریزی تبدیل شده‌اند. در چنین وضعیتی، کرامت انسانی جای خود را به درندگی می‌دهد و عقل که باید چراغ هدایت باشد، به ابزاری برای توجیه ظلم بدل می‌شود. اینان در حقیقت همان مصادیق عینی «بَلْ هُمْ أَضَلُّ»‌اند. نمونه‌های عینی سقوط آدمی: در روزگار ما نیز نشانه‌های این سقوط اخلاقی و انسانی را می‌توان در رفتار قدرت‌های مهاجمی چون آمریکا و اسرائیل مشاهده کرد که با نادیده گرفتن اصول بنیادین انسانیت، دست به تجاوز، خشونت و خون‌ریزی می‌زنند. آنان که در گرداب حرص قدرت، قساوت و سلطه‌طلبی فروغلتیده‌اند و از ریختن خون کودکان و بی‌گناهان ابایی ندارند، در حقیقت همان چهره‌های تکرارشونده فراعنه تاریخ‌اند. اینان راه فساد و باطل را برگزیده‌اند و در ظاهر ممکن است از قدرت برخوردار باشند، اما سنت تاریخ و منطق قرآن کریم نشان می‌دهد که چنین قدرت‌هایی پایدار نخواهند بود؛ چنان‌که می‌فرماید: «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا»؛ بی‌گمان باطل نابودشدنی است.

#### معصومه حافظی

عضو هیئت علمی گروه آموزش معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان کرمان

## یادداشت دویست و سی و شش منطق مقاومت

بنا برنگرش اسلام، تربیت صحیح به رشد انسان در مسیر عبودیت و عقلانیت منجر می‌شود و در این راه، دشمن مانع رشد و کمال انسان و جامعه می‌گردد؛ لذا تربیت و دشمن‌شناسی مکمل یکدیگرند. تربیت، انسان را آماده‌ی شناخت دشمن می‌کند و دشمن‌شناسی، تربیت را از انحراف حفظ می‌نماید. همچنین تربیت بدون شناخت دشمن به ساده باوری منجر می‌شود و دشمن‌شناسی بدون تربیت به بدبینی افراطی تبدیل می‌شود. اگر نیک بیاندیشیم: تربیت توأم با آگاهی، ایمان و بصیرت، همانند سلاح و ابزاری است که انسان را نه تنها به اخلاق نیک، بلکه به تشخیص درست در زمان فتنه‌ها رهنمون می‌سازد. بر این اساس، نظام‌های آموزشی و فرهنگی، باید علاوه بر تعلیم مفاهیم، تربیت مقاومتی که نتیجه آن رهایی بخشی انسان است را موردتوجه قرار دهند و بیش از پیش بر برنامه درسی پنهان تأکید ورزند. برنامه درسی پنهان در جبهه دشمن یک مجموعه منویات صاحبان قدرت است که می‌خواهد نسل جدید را در جهت منافع استعماری خود به خدمت بگیرد در حالی که رسالت اصلی برنامه درسی باید توانمند سازی فراگیران و مجهز شدن آنها به آگاهی انتقادی باشد. بنا بر اهمیت این مهم، رسالت اساتید نیز باید، نهادینه کردن منطق مقاومت یعنی شناخت و تحلیل ابعاد و لایه‌های پنهان سلطه دشمن و آگاهی بخشی فراگیران باشد. استاد با نگاه مقاومتی بر پارادایم چرایی‌ها تأکید می‌کند نه بر پادایم چگونگی‌ها؛ زیرا پارادایم چرایی، بر عاملیت انسان توجه دارد ولی پارادایم چگونگی بر منطق تکنیکی و چیره شدن بر تفکر انسانی مانور می‌دهد. تنها نگاه و منطق مقاومت است که قادر به تشخیص و بر ملا کردن ابعاد پنهان سلطه دشمن است؛ زیرا می‌داند اگر جهان بینی فناورانه دشمن حاکم شود به مرور شناخت و عمل فراگیران رنگ و بوی تکنیکی به خود می‌گیرد و انسان برده دشمن می‌گردد و منطق فناورانه دشمن، جایگزین مفاهیم والای اخلاقی و دیالکتیکی و درنهایت خردورزی می‌شود. لذا به جرأت می‌توان گفت: در تقابل جبهه حق و باطل، پیروزی از آن منطق مقاومت در برابر منطق فناورانه استعمارگر است و اساتید به‌عنوان روشنفکران تحول آفرین می‌توانند قدرت فرهنگی و تفکر انتقادی و درنهایت شناخت دشمن را به فراگیران هدیه دهند؛ چرا آزادی انسان، آزادی تفکر اوست و عاملیت انسان جز از مسیر آگاهی او محقق نمی‌گردد.

### نصبیه تاری

مأمور آموزشی، دانشگاه فرهنگیان استان تهران



## یادداشت دویست و سی و هفت مردم؛ دانشگاه؛ دانشجو: تداوم انقلاب اسلامی ایران

اگر مردم نیروی محرک انقلاب‌ها هستند، دانشجویان نیروی محرک انقلاب‌های فکری، علمی و فرهنگی‌اند. همان‌طور که اراده ملت‌ها می‌تواند یک نظام سیاسی را دگرگون کند، اراده دانشجویان آگاه و متعهد می‌تواند بنیادهای فکری و علمی جامعه را متحول سازد. "یکی" از اهداف غایی تعلیم و تربیت دانشگاهی آن است که روحیه مسئولیت‌پذیری را در دانشجویان تقویت نماید و دانشجویان می‌آموزند چگونه مطالبه‌گر، نقاد و "مقاوم" در برابر ناملازمات اجتماعی باشند. چنان‌که مردم با حضور فعال خود مسیر تحولات اجتماعی را هموار می‌کنند و این روزها و شبها \_ بخصوص شبی که در آیین باستانی ایرانیان به "چهارشنبه سوری" معروف است \_ حضور با شکوه مردم در خیابان نشان از تداوم بی‌چون و چرای انقلاب اسلامی ایران داشت و حماسه‌ها آفریده شد، دانشجویان نیز با حضور آگاهانه در عرصه علم، پژوهش و جامعه، موتور پیشرفت واقعی کشور را روشن می‌سازند. تربیت درست آنان همان استمرار "انقلاب آگاهی" است. مشروعیت هر تحول اجتماعی، فرهنگی و علمی نیز به مشارکت دانشجویان وابسته است. اگر جامعه دانشگاهی پویا، مسئول و مشارکت‌جو باقی بماند، نظام آموزش عالی می‌تواند دستاوردهای خود را حفظ و تقویت کند؛ اما اگر این روحیه کاهش یابد، علم و آگاهی همچون انقلاب‌های فراموش‌شده، به تدریج رنگ می‌بازد؛ بنابراین، همان‌گونه که مردم ضامن پیروزی و پایداری انقلاب اسلامی ایران هستند، دانشجویان آگاه و تربیت‌یافته ضامن پیشرفت و استمرار توسعه علمی و فرهنگی این ملت‌اند. هیچ نیرویی قدرتمندتر از اراده یک نسل اندیشمند و متحد در مسیر دانایی و سازندگی نیست. دانشجویان قدرت خود را دریابید و آن را چونان گنجینه‌ای حفظ کنید که آینده‌ی این انقلاب در دستان مقاوم شماست. به امید آینده‌ای روشن و پیروزی ملت قهرمان ایران.

### احسان طبری

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان خرم آباد؛ لرستان.

## یادداشت دویست و سی و هشت

### تربیت و میهن پرستی

جنگ تحمیلی امریکایی-صهیونیستی علیه ایران، فراتر از یک تقابل نظامی در عرصه ژئوپلیتیک، تجلی رویارویی دو نظام ارزشی - فرهنگی بود که در آن مفهوم تربیت و میهن پرستی به مثابه عناصر بنیادین مقاومت و پایداری ملی نمود یافتند. در این زمینه، تربیت ملی در ایران نه تنها به عنوان فرآیندی آموزشی، بلکه به صورت یک سازوکار فرهنگی - ارزشی درونی عمل کرد؛ سازوکاری که در پرتو هویت دینی و تاریخی، به بازتولید روحیه ایثار، خودباوری و مسئولیت پذیری اجتماعی انجامید. این تربیت مبتنی بر آگاهی تاریخی و ایمان فرهنگی، توانست مرزهای میان فرد و ملت را در قالب یک هویت جمعی فداکارانه درهم آمیزد و پشتیبان پایداری ملی در برابر هجمه های فکری و نظامی قدرت های فراملی گردد. میهن پرستی در این دوره، جلوه ای از تربیت اخلاقی و معنوی بود که در بستر گفتمان مقاومت و استقلال شکل گرفت. برخلاف میهن دوستی کلاسیک مبتنی بر سرزمین و زبان، میهن پرستی ایرانی در این برهه مفهومی الهی - انسانی یافت، به گونه ای که دفاع از وطن به دفاع از کرامت انسانی و ارزش های مقدس ملی پیوند خورد. همین پیوند تربیتی و ارزشی، سرمایه اجتماعی و عاطفی عظیمی ایجاد کرد که توان مقابله با فشارهای نظامی و روانی را در سطح ملی افزایش داد؛ بنابراین، جنگ رمضان را در این چارچوب می توان نه تنها عرصه تقابل نظامی، بلکه میدان بازآفرینی معنوی هویت ایرانی دانست؛ جایی که تربیت ملی در خدمت اعتلای میهن پرستی عقلانی قرار گرفت و با تبدیل انگیزش معنوی به رفتار جمعی، الگویی ماندگار از پایداری مبتنی بر فرهنگ و ایمان ملی را رقم زد. این تجربه، از منظر مطالعات تربیتی و جامعه شناسی مقاومت، نشان دهنده قدرت نرم هویت فرهنگی در حفظ یکپارچگی و روح ملی ملت ایران است.

### فروغ مرادیان

عضو هیئت علمی گروه آموزش الهیات دانشگاه فرهنگیان کردستان

## یادداشت دویست و سی و نه

### نقش تربیتی مدرسه و دانشگاه در عرصه جنگ نرم و جنگ موشکی: دو وجه یک تهدید استراتژیک در نظام امنیت معاصر

در دنیای پیچیده و چندوجهی امروز، جنگ‌های سنتی با جنگ‌های غیرمستقیم، نرم و روانی جایگزین شده‌اند. دو شکل اصلی این نوع جنگ، جنگ نرم و جنگ موشکی، به‌عنوان دو وجه یک تهدید استراتژیک، در تلاش برای تضعیف نظام سیاسی، امنیت داخلی و استمرار نظام حکومتی کشورها عمل می‌کنند. جنگ نرم، با تمرکز بر تخریب روحیه ملی، ایجاد شکاف در اعتماد به رهبری، و تضعیف هویت ملی و اجتماعی، از طریق رسانه‌های جهانی، شبکه‌های اجتماعی و فضای دیجیتال اجرا می‌شود. در این راستا، ترور روحیه — به شکل تهدیدات روانی-سیاسی علیه رهبران، فرماندهان و شخصیت‌های مذهبی — به‌عنوان ابزاری کلیدی برای ایجاد ترس، ناامیدی و تجزیه‌ی همبستگی اجتماعی مطرح می‌گردد، به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران که بر پایه هویت اسلامی-ملی و تاریخ مقاومت ساخته شده‌اند. در مقابل، جنگ موشکی به‌عنوان یک ابزار فیزیکی-استراتژیک، با هدف تخریب زیرساخت‌های نظامی، اقتصادی و امنیتی، به‌صورت مستقیم تهدیدی بر امنیت ملی خواهد بود؛ اما اگرچه این دو نوع جنگ به ظاهر متفاوت به نظر می‌رسند، درواقع در یک چارچوب تکاملی و هماهنگ از جنگ امروزی قرار دارند: جنگ موشکی می‌تواند به‌عنوان «ضربه فیزیکی»، جنگ نرم را به‌عنوان «ضربه روانی-سیاسی» تقویت کند، و برعکس، تضعیف روحیه می‌تواند عملیات نظامی را سخت‌تر و ناکارآمدتر کند. در این میان، تربیت مدنی و آموزش اخلاقی-سیاسی به‌عنوان پایه‌های مقاومت فرهنگی و سیاسی، نقش حیاتی ایفا می‌کنند. آموزش باید فراتر از آشنایی با قوانین باشد و به تقویت هویت ملی، آگاهی از تاریخ مقاومت، و توانمندسازی فرد برای مقابله با تحریف‌های رسانه‌ای و فضای دیجیتال بپردازد. مدارس و دانشگاه‌ها باید به‌عنوان خط مقدم مقاومت فرهنگی عمل کنند و شهروندانی آگاه، مسئول و مقاوم در برابر هر دو نوع جنگ — نرم و موشکی — تربیت کنند.

### زهره حمزه لو

عضو هیئت علمی و استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت دویست و چهل

### زیبایی‌شناسی مقاومت: جنگ رمضان و بیداری امروز ایران

جنگ تحمیلی امروز بر ایران، همچون نبردهای پیشین، فرصتی برای ظهور و بازتاب جنبه‌های زیبایی‌شناختی در دل سختی‌ها و مقاومت‌ها فراهم آورده است. اگر جنگ رمضان را نمادی از تقاطع امر قبیح ویرانی با امر متعالی ایمان و حضور جمعی بدانیم، مقاومت، نه تنها یک کنش سیاسی یا نظامی، بلکه جلوه‌ای هنری از روح جمعی ملت است. در بطن این تقابل‌ها، تصاویر رزمندگان و مدافعان، با صلابتی که بر چهره‌ها نقش بسته، بازنمایی بصری "هنر زیستن در بحران" را به نمایش می‌گذارند؛ زیبایی‌شناسی‌ای که از تقابل "رنج و معنا" زاده می‌شود و فراتر از زیبایی‌های صرفاً مادی، به دنبال عمق و جوهر انسانی است. در فضای جامعه امروز، حضور مردم در عرصه‌های گوناگون، از حمایت‌های معنوی گرفته تا کنش‌های مدنی و اجتماعی، جلوه‌ای از پرفورمنس جمعی است. این حضور، تجلی نوعی "بیداری" است که خود دارای ابعاد زیبایی‌شناختی منحصر به فردی است؛ زیبایی‌ای که در همدلی، همبستگی، و اراده برای حفظ ارزش‌ها نهفته است. همان گونه که در دوران دفاع مقدس، فرهنگ "کمک‌رسانی" و "همدلی" در جبهه و پشت جبهه، زیبایی‌شناسی خاصی به جامعه می‌بخشید، امروز نیز این روحیه در قالب‌های نوین ظهور یافته و به مثابه یک سرمایه معنوی، در مقابل نیروهای مخرب عمل می‌کند. در عصر حاضر، با وجود ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته، روایتگری همچنان نقشی کلیدی ایفا می‌کند. بازنمایی‌های رسانه‌ای، چه در قالب تصاویر، چه در متن‌ها و چه در فرم‌های هنری جدید، تلاش می‌کنند تا مفاهیم مقاومت، ایمان و ایثار را به شکلی تأثیرگذار منتقل کنند. این روایت‌ها از جمله شعارها، اشعار و نقاشی‌ها، تلاش دارند تا تجربه‌ی زیسته را به یک "زیبایی‌رهایی" تبدیل کنند؛ جایی که رنج، نه تنها اندوهی صرف، بلکه مسیری به سوی شکوفایی معنا و ارزش‌های عمیق‌تر تلقی می‌شود. از منظر تربیتی، این نوع ادراک زیبایی‌شناختی از مقاومت، نقشی حیاتی در شکل‌دهی به هویت و ارزش‌های نسل امروز دارد. مواجهه با مفاهیم "امر متعالی" (مانند فداکاری، ایثار، و وفاداری) در کنار "امر قبیح" (مانند تحریم، تهدید، و ناامنی)، ضرورت آموزش انتقادی و زیبایی‌شناختی را دوچندان می‌کند. این آموزش باید بتواند به مخاطب بیاموزد که چگونه زیبایی را نه تنها در پیروزی، بلکه در استقامت، در حفظ کرامت انسانی، و در اراده جمعی برای عبور از بحران بیابد. در نهایت، جنگ تحمیلی فعلی بر ایران، صحنه‌ای است که در آن، زیبایی‌شناسی مقاومت، ایمان و بیداری جمعی، خود به مثابه ابزار آموزشی و الهام‌بخش عمل می‌کند. این جنبه‌های زیبایی‌شناختی، نشان می‌دهند که چگونه ملت‌ها می‌توانند در دل دشوارترین شرایط، با تکیه بر سرمایه‌های معنوی و فرهنگی خود، نه تنها مقاومت کنند، بلکه معنایی نو برای "بودن" و "زیستن" بیافرینند؛ معنایی که در آن، زیبایی و تربیت در هم تنیده‌اند.

سید صاحب موسوی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان کهگیلویه و بویراحمد

## یادداشت دویست و چهل و یک یاد خدا؛ پناهگاه امن آرامش

آموزه‌های قرآنی همواره فراتر از توصیه‌های سطحی، راهکارهای معنوی و تربیتی را پیش رویمان قرار می‌دهند. یکی از این آموزه‌ها که کلید گنجینه‌ی آرامش در اوج بلایا و مصائب زندگی است، آیه شریفه «أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» است. از منظر تربیتی، این آیه به انسان می‌آموزد که برای حفظ تعادل در مصائب و بحران‌های زندگی، باید تکیه‌گاه خود را از جهان مادی و متغیر، به ابدیت و قدرت لایزال الهی تغییر دهد. «ذکر خدا»، تنها یک واکنش زبانی نیست، بلکه حالتی روحی است که انسان را به یاد منبع اصلی قدرت و رحمت می‌اندازد. تربیت مبتنی بر توکل، جامعه‌ای می‌سازد که در برابر طوفان‌های زندگی مقاوم است و هرگز از سختی‌ها نمی‌هراسد. این الگوی رفتاری، راهکاری متقن برای حفظ سلامت روان و تعالی اخلاق در تمامی عرصه‌های زندگی است. تا جایی که به انسان قدرت می‌دهد تا با شهامتی معجزه‌آسا در برابر مصائب و دشواری‌ها بایستد و نهراسد؛ بنابراین، «یاد خدا» درمان‌گر آلام و پناهگاه مطمئنی است که در سایه آن، انسان می‌تواند با صلابت و آرامش از تمامی سختی‌ها و بلایا عبور کند و به کمال و تعالی برسد. از منظر روان‌شناختی نیز، «یاد خدا» به‌عنوان قوی‌ترین داروی آرام بخش عمل می‌کند. بطوریکه ارتباط عمیق معنوی و ذکر ابدی، پناهگاه امنی است که در آن قلب‌ها به آرامش و طمأنینه می‌رسند. این آرامش، توهم نیست؛ بلکه حاصل ایمان راسخ و باور به اینکه «ما نصرنا عبدا» است.

### راحله محمدباقر

عضو هیئت علمی گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان استان البرز

## بادداشت دویست و چهل و دو

### درس مقاومت در سایه بصیرت: دانشگاه فرهنگیان؛ هدایتگر نسل آینده

در روزگاری که دشمنان، با تحریم و ترور، گلستان ایران را هدف گرفته‌اند، فقدان امام و رهبر، ملت ایران را در هم نشکست، بلکه قدرت جمعی و بصیرت را آشکار ساخت. هم‌زمان، حمله به مدرسه دخترانه میناب، نماد ستم به آینده و تمدن ایرانی بود. این وقایع تلخ، با وجود اندوه عمیق، درس بزرگی آموخت: دشمنان خارجی و برخی کشورهای عربی همراه با رسانه‌های معاند، در پی تفرقه و تزلزل اراده ملی هستند. منافقین داخلی نیز با نقاب دوستی، به این ضربات دامن می‌زنند. در این میان، دانشگاه فرهنگیان و معلمان، رسالتی خطیر بر دوش دارند. وظیفه آنان، فراتر از آموزش، بلکه پرورش نسلی آگاه به مبانی "جهاد تبیین" است. مفاهیمی چون "بصیرت انقلابی"، "عمق استراتژیک مقاومت" و "هویت ایرانی-اسلامی" باید با زبان گویا و تجربه‌های ملموس معلم، در جان دانشجو ریشه‌دار شود. معلم باید با روایت تاریخ و حماسه‌های دفاع مقدس، دانشجو را با نسل‌های پیشین پیوند دهد و او را برای دفاع از تمامیت ارضی، استقلال فکری و آرمان‌های انقلاب اسلامی آماده سازد. تربیت معلمانی بصیر، ضامن تداوم این مسیر نورانی و پاسداری از آینده ایران خواهد بود.

#### یاسر بخشیان

استادیار گروه آموزش الهیات، دانشگاه فرهنگیان، قم

## یادداشت دویست و چهل و سه جنگ روایت‌ها؛ ضرورت تربیت رسانه‌ای در عصر مقاومت

تحولات اخیر منطقه نشان می‌دهد که جنگ‌های معاصر تنها در میدان‌های نظامی رقم نمی‌خورند، بلکه بخش مهمی از آن‌ها در عرصه روایت‌ها و ادراک عمومی شکل می‌گیرد. در این میان، آنچه بیش از گذشته اهمیت می‌یابد، نقش «تربیت رسانه‌ای» در شکل‌دهی به فهم و تحلیل نسل جوان از رخداد‌های اجتماعی و سیاسی است. جنگ رمضان نمونه‌ای روشن از تقابل روایت‌ها در فضای رسانه‌ای است. در چنین شرایطی، کودکان و نوجوانان با حجم گسترده‌ای از اخبار، تصاویر و تحلیل‌های متعارض مواجه می‌شوند. اگر نظام تربیتی جامعه نتواند مهارت تحلیل، تفکیک خبر از شایعه و فهم زمینه‌های واقعی رخدادها را در نسل جدید تقویت کند، ذهن آنان به راحتی تحت تأثیر روایت‌های جهت‌دار و گاه تحریف‌شده قرار خواهد گرفت. از منظر تربیتی، سواد رسانه‌ای تنها یک مهارت فنی نیست، بلکه بخشی از تربیت هویتی و اجتماعی محسوب می‌شود. نسلی که بتواند اخبار و روایت‌ها را نقادانه بررسی کند، کمتر دچار اضطراب، هیجان‌زدگی یا قضاوت‌های سطحی خواهد شد و می‌تواند درک عمیق‌تری از مسائل جامعه و جهان پیرامون خود پیدا کند. در این میان، معلمان و نظام آموزشی نقش مهمی در شکل‌گیری این توانمندی دارند. آموزش مهارت پرسشگری، تحلیل منابع خبری و گفت‌وگوی انتقادی در کلاس درس می‌تواند زمینه‌ساز تربیت شهروندانی آگاه و مسئول باشد. چنین رویکردی نه تنها به آرامش روانی دانش‌آموزان در شرایط بحران کمک می‌کند، بلکه آنان را برای مواجهه مسئولانه با پیچیدگی‌های جهان امروز آماده می‌سازد. از این منظر، جنگ رمضان را می‌توان فرصتی برای بازاندیشی در جایگاه تربیت رسانه‌ای در نظام آموزشی دانست؛ تربیتی که هدف آن پرورش نسلی آگاه، تحلیل‌گر و برخوردار از قدرت تشخیص در میان انبوه روایت‌های جهانی است.

### حجت مردانه طالب‌شمکائیل

عضو هیئت علمی و استادیار گروه آموزش تربیت‌بدنی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه طباطبایی استان اردبیل

## یادداشت دویست و چهل و چهار جنگ رمضان؛ آینه توانمندی و تربیت انقلابی

در تاریخ ملت‌ها برخی رخدادها تنها یک واقعه سیاسی یا نظامی نیستند، بلکه به مدرسه‌ای برای آموختن و تربیت نسل‌ها تبدیل می‌شوند. این رخدادها روح یک جامعه را به سمت خودباوری، امید و معنویت هدایت می‌کنند. جنگ رمضان نیز از جمله همین رویدادهاست؛ رخدادی که امروز علاوه بر نمایش اقتدار ملی، در عرصه تعلیم و تربیت نیز به‌عنوان آینه‌ای از توانمندی و تربیت انقلابی ملت ایران جلوه می‌کند. جنگ رمضان پیام روشنی برای نوجوانان و جوانان دارد. این رخداد نشان می‌دهد که ایران چگونه از کشوری وابسته در حوزه تجهیزات نظامی به کشوری توانمند و مستقل تبدیل می‌شود؛ کشوری که نه تنها به فناوری‌های پیشرفته دست می‌یابد، بلکه آنها را بومی و داخلی می‌کند. درک چنین واقعیتی برای نسل جوان بسیار مهم است، زیرا گاه صدها کلاس آموزشی برگزار می‌شود تا مفهوم «ما می‌توانیم» به جوانان منتقل شود، اما مشاهده یک نمونه عینی و واقعی تأثیری عمیق‌تر از هر آموزش نظری دارد. امروز نوجوانان و جوانان کشور به‌خوبی درک می‌کنند که با اتکا به توان داخلی و اعتماد به نیروهای جوان می‌توان بدون وابستگی به قدرت‌های شرقی و غربی مسیر پیشرفت را پیمود. این همان اندیشه‌ای است که حضرت امام خمینی (ره) بر آن تأکید می‌کنند؛ اندیشه‌ای که استقلال و خودکفایی را در اتکال به خداوند، اعتماد به توان داخلی و تحمل سختی‌ها معنا می‌کند. در ادامه همین مسیر، رهبر شهیدمان نیز همواره بر اقتصاد مقاومتی و تقویت توانمندی‌های درونی کشور تأکید داشتند. جنگ رمضان امروز برای نسل جوان نمونه‌ای عینی از تحقق این اندیشه‌ها به شمار می‌آید. از سوی دیگر، این رخداد پیام‌های مهمی در حوزه اخلاق و معنویت نیز دارد. در این میدان بار دیگر روشن می‌شود که انسانی که با آموزه‌های قرآنی تربیت می‌شود، از هیچ قدرتی جز خداوند نمی‌ترسد. اراده انسان‌هایی که برای خدا حرکت می‌کنند، می‌تواند بسیاری از محاسبات مادی را تغییر دهد. در چنین شرایطی سخن شهید احمد کاظمی معنا پیدا می‌کند که تجهیزات پیشرفته نظامی تا زمانی کارساز است که در برابر اراده انسان‌های مؤمن قرار نگیرد. از منظر تعلیم و تربیت، این تجربه برای نسل نوجوان و جوان الهام‌بخش است. مشاهده چنین رخدادهایی روحیه خودباوری، امید و مسئولیت‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند و نشان می‌دهد که پیشرفت یک ملت تنها در سایه ابزار و تجهیزات شکل نمی‌گیرد، بلکه در ایمان، اراده و اعتماد به ظرفیت‌های درونی ریشه دارد. از این رو، جنگ رمضان را می‌توان آینه‌ای دانست که در آن توانمندی ملی، ایمان دینی و روحیه خودباوری یک ملت به نمایش درمی‌آید؛ آینه‌ای که برای نسل آینده این پیام روشن را دارد که با ایمان، تلاش و اعتماد به توان داخلی می‌توان بر دشوارترین چالش‌ها غلبه کرد.

### عین‌اله سکینه‌پور

استادیار گروه امور تربیتی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه



## بادداشت دویست و چهل و پنج

### از خون تا آگاهی: جاودانگی اندیشه‌ها در آینهٔ تعلیم و تربیت

تاریخ ملت‌ها بارها نشان داده است که دشمنان یک اندیشه، هنگامی که از مقابله با حقیقت آن درمانده می‌شوند، به حذف حاملان آن روی می‌آورند. گمان می‌کنند اگر چراغی را خاموش کنند، سپیده نیز از آمدن باز خواهد ایستاد؛ اما تجربه تاریخ خلاف این را روایت می‌کند؛ زیرا اندیشه‌های بزرگ با حذف صاحبانشان نمی‌میرند، بلکه در خون آنان ریشه می‌دوانند و در جان یک ملت تکثیر می‌شوند. در تاریخ معاصر ایران نیز این حقیقت بارها خود را نشان داده است. دشمنان این سرزمین در دهه‌های گذشته کوشیده‌اند با ترور اندیشمندان، دانشمندان، فرماندهان و دیگر چهره‌های اثرگذار، مسیر حرکت ملت ایران را متوقف کنند. تصور آنان این بوده است که با حذف افراد می‌توان اندیشه استقلال و مقاومت را خاموش کرد؛ اما نتیجه هر بار معکوس بوده است، زیرا خون شهیدان نه پایان یک راه، بلکه آغاز گسترش آن در میان مردم شده است. در حقیقت، اندیشه مقاومت یک شخص یا یک نام نیست؛ بلکه منظومه‌ای فکری و روحی تاریخی است که در بطن جامعه شکل می‌گیرد. هنگامی که چنین اندیشه‌ای در دل مردم ریشه بدواند، دیگر به یک فرد محدود نمی‌ماند؛ در ذهن‌ها جاری می‌شود و در نسل‌ها امتداد می‌یابد. در این میان، تعلیم و تربیت نقشی اساسی در تداوم و تعمیق چنین اندیشه‌هایی دارد. مدرسه و دانشگاه تنها محل انتقال دانش نیستند، بلکه بستر شکل‌گیری آگاهی تاریخی، هویت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری نسل‌های آینده‌اند. معلمان و استادان با پرورش تفکر و آگاهی، زمینه‌ای فراهم می‌کنند تا اندیشه‌هایی که بر عدالت، استقلال و عزت یک ملت استوارند، در ذهن و جان دانش‌آموزان و دانشجویان ماندگار شوند. از همین رو، در بزنگاه‌های تاریخی حقیقتی روشن می‌شود: اندیشه‌هایی که از دل ایمان و اراده یک ملت برمی‌خیزند، به یک فرد یا زمان محدود نمی‌شوند. چنین اندیشه‌هایی در حافظه جمعی جامعه ماندگار می‌شوند و در هر نسل با بیانی تازه ادامه می‌یابند. در این میان، تعلیم و تربیت مهم‌ترین بستر تداوم و تعمیق این میراث فکری است؛ جایی که آگاهی تاریخی، هویت فرهنگی و اجتماعی و روحیه مسئولیت‌پذیری به نسل‌های تازه منتقل می‌شود. بدین‌گونه، اندیشه‌های بزرگ نه‌تنها در گذر زمان فراموش نمی‌شوند، بلکه در آگاهی نسل‌های جدید پخته‌تر و رساتر در مسیر تاریخ طنین می‌اندازند. ترور شخصیت‌ها شاید بتواند جسم‌ها را از میان بردارد، اما اندیشه‌ها را جاودانه‌تر می‌کند؛ زیرا آنگاه که خون بر زمین می‌ریزد، پژواک یک اندیشه بلندتر از همیشه در تاریخ طنین می‌افکند.

### کریم شاطری

عضو هیئت علمی گروه آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان استان ایلام.

## یادداشت دویست و چهل و شش توانمندی ایران از منظر تعلیم و تربیت

رشادت حافظان امنیت در مقابله با تهدیدات آمریکا و اسرائیل در عرصه تعلیم و تربیت، ایران مقتدر به‌عنوان الگویی تمدنی، توانمندی خویش را بر پایه پرورش انسان‌های ارزشمند بنا نهاده است. حافظان امنیت، که محصول مکتب تربیتی انقلابی‌اند، در برابر تهدیدات مداوم آمریکا و اسرائیل - از تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی تا حملات سایبری پیچیده و تحرکات نظامی منطقه‌ای - چونان سدی نفوذناپذیر عمل می‌کنند. این رشادت، نه تصادفی، بلکه دستاورد نظام آموزشی است که ارزش‌های اسلامی-ایرانی را با مهارت‌های پیشرفته پیوند زده و نسلی آگاه، متخصص و بالاراده را تربیت کرده است. نظام تعلیم و تربیت ایران، از دبستان تا دانشگاه‌های نظامی، بر اصل "تربیت همه‌جانبه" تأکید دارد: تربیت فکری برای تبیین توطئه‌ها، تربیت جسمانی برای آمادگی عملیاتی، و تربیت معنوی برای استقامت در برابر فشارها. این نیروها، که روزانه با لایه‌های پنهان جنگ نامتقارن روبرو هستند، با بهره‌گیری از آموزش‌های پهبادی، اطلاعاتی و فرهنگی، نه تنها دفاع می‌کنند، بلکه ابتکار عمل را به دست می‌گیرند. آنان مرزهای جغرافیایی را فراتر برده و با تبیین رسانه‌ای و فرهنگی، افکار عمومی جهان را در برابر پروپاگاندای دشمن بسیج می‌سازند. این توانمندی، ریشه در الگوی تربیتی دفاع مقدس دارد که نسل امروز را به ارث برده: شجاعتی که از عمق ایمان سرچشمه می‌گیرد و قدرتی که از دانش روز تغذیه می‌شود. در حالی که آمریکا و اسرائیل با ابزارهای پیشرفته خویش توطئه می‌چینند، حافظان امنیت ایران با رشادت خویش، هر تهدید را به فرصتی برای پیشرفت مبدل می‌کنند - از خنثی‌سازی حملات سایبری تا پشتیبانی از محور مقاومت.

امیر صوفی نیا

مأمور آموزشی دانشگاه فرهنگیان ایلام، دکتری بیوشیمی

## یادداشت دویست و چهل و هفت همبستگی، نیروی پنهان عبور از بحران

در ادبیات علمی مرتبط با بحران‌ها و جنگ‌ها، همبستگی اجتماعی و مشارکت انسانی شهروندان از عوامل مهم در افزایش تاب‌آوری جامعه به شمار می‌آید. پژوهش‌های حوزه جامعه‌شناسی بحران و مطالعات تاب‌آوری نشان می‌دهد که وجود سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و شبکه‌های همکاری میان شهروندان می‌تواند ظرفیت جوامع را برای مواجهه با شرایط دشوار و کاهش پیامدهای انسانی بحران‌ها افزایش دهد. در چنین شرایطی، مشارکت مردم در فعالیت‌های داوطلبانه، ارائه کمک‌های بشردوستانه به آسیب‌دیدگان، همکاری با نهادهای امدادی و رعایت دستورالعمل‌های مدیریت بحران می‌تواند به تقویت انسجام اجتماعی و تسهیل فرایند عبور جامعه از بحران کمک کند. به همین دلیل، پژوهشگران تأکید می‌کنند جوامعی که از سطح بالاتری از سرمایه اجتماعی و اعتماد متقابل برخوردارند، در مواجهه با بحران‌ها و بلاایا از ظرفیت بیشتری برای حفظ ثبات اجتماعی و بازسازی پس از بحران برخوردار هستند (Putnam, 2000; Aldrich, 2012; Tierney, 2014). در مطالعات جنگ و راهبرد، روحیه نظامیان تنها محصول آموزش، سازمان‌دهی و توان رزمی نیست، بلکه تا حد زیادی از بستر اجتماعی و روانی جامعه‌ای که از آن برمی‌خیزند تأثیر می‌پذیرد. در چارچوب نظریه «سه‌گانه جنگ» کارل فون کلاوزویت، مردم یکی از اضلاع اساسی پدیده جنگ به شمار می‌آیند و سرچشمه شور، احساسات و اراده جمعی‌اند؛ عناصری که می‌توانند به‌طور غیرمستقیم بر پایداری و انگیزه نیروهای نظامی اثر بگذارند (Clausewitz, 1976). هنگامی که در جامعه نوعی همبستگی، اعتماد عمومی و احترام نسبت به نیروهای نظامی وجود داشته باشد، نظامیان احساس می‌کنند که تلاش و فداکاری آنان از سوی جامعه دیده و ارزش‌گذاری می‌شود. چنین احساسی می‌تواند به تقویت انگیزه، افزایش حس مسئولیت و کاهش فرسایش روانی ناشی از فشارهای جنگی کمک کند. پژوهش‌های حوزه روابط نظامی-مدنی نیز نشان می‌دهد که وجود پیوند میان جامعه و نیروهای مسلح، از طریق تقویت مشروعیت اجتماعی و اعتماد متقابل، بر انسجام درونی نیروهای نظامی و پایداری روحیه آنان اثر مثبت دارد (Huntington, 1957). از این رو، بسیاری از تحلیلگران راهبردی تأکید می‌کنند که روحیه نظامیان تنها در میدان نبرد شکل نمی‌گیرد، بلکه در پیوند میان جامعه، ارزش‌های مشترک و احساس حمایت اجتماعی نیز ریشه دارد؛ عاملی که می‌تواند در شرایط دشوار جنگی به حفظ انگیزه و تاب‌آوری نیروهای نظامی کمک کند.

حسین سلیمی

عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان ارومیه

## یادداشت دویست و چهل و هشت

### تلخی‌های امروز، خیرهای فردا؛ درسی برای تربیت

قرآن کریم در یکی از آموزه‌های امیدبخش خود درباره رخدادهای دشوار زندگی می‌فرماید: «عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» (بقره، ۲۱۶)؛ چه بسا چیزی را ناخوش دارید، در حالی که خیر شما در آن نهفته است. این آیه نگاهی عمیق و امیدآفرین به حوادث زندگی دارد و انسان را به صبر، اعتماد و نگاه فراتر از ظاهر رخدادهای فرا می‌خواند؛ زیرا بسیاری از دشواری‌ها در حقیقت زمینه‌ساز خیرهای بزرگ‌ترند. ادبیات فارسی نیز بارها این حقیقت را یادآور شده است. سعدی شیرازی می‌گوید: «گنج خواهی در طلب رنجی ببر خرمن گل بی‌خس و خاشاک نیست» مولانا نیز در نگاهی ژرف به رابطه رنج و نتیجه می‌گوید: «این جهان کوه است و فعل ما ندا سوی ما آید نداها را صدا» «حافظ در دل اندوه‌ها از امید سخن می‌گوید: «یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور» و فردوسی بزرگ در روایت فراز و فرودهای زندگی یادآور می‌شود: «چو شب تیره باشد امید سحر به دل زنده دارد چراغ ظفر» «این آموزه‌ها تنها سخنان اخلاقی نیستند، بلکه در عرصه تربیت نیز معنا و کارکردی عمیق دارند. تربیت انسان‌ها صرفاً در فضای آسایش و بی‌دغدگی شکل نمی‌گیرد؛ بلکه بسیاری از فضیلت‌های انسانی همچون صبر، استقامت، امید و مسئولیت‌پذیری در دل دشواری‌ها و آزمون‌ها پرورش می‌یابد. تجربه سختی‌ها می‌تواند به مدرسه‌ای برای رشد شخصیت و تقویت اراده تبدیل شود. در این میان، نظام تعلیم و تربیت و به‌ویژه دانشگاه فرهنگیان نقشی بنیادین دارد. معلمانی که در این دانشگاه تربیت می‌شوند، باید افزون بر آموزش دانش، روحیه امید، تاب‌آوری و نگاه حکیمانه به دشواری‌ها را نیز به نسل جوان منتقل کنند. دانش‌آموزانی که بیاموزند در دل مشکلات نیز فرصت رشد و خیر نهفته است، در آینده شهروندانی مقاوم، امیدوار و مسئول خواهند بود. آنچه در روزهای «جنگ رمضان» نیز آشکار شد، می‌تواند از همین منظر به‌عنوان یک تجربه تربیتی موردتوجه قرار گیرد. ایستادگی و همبستگی مردمی که در برابر دشواری‌ها امید خود را از دست نمی‌دهند، درسی زنده برای نسل جوان است؛ درسی که نشان می‌دهد جامعه‌ای که به صبر و امید تکیه دارد، می‌تواند از دل سخت‌ترین شرایط نیز توان و آمادگی بیشتری برای آینده به دست آورد. از این رو، اگر امروز با تلخی‌ها و دشواری‌هایی روبه‌رو هستیم، می‌توان با الهام از این آموزه قرآنی به آینده امیدوار بود؛ چه بسا در دل همین رخدادهای خیرهایی نهفته باشد که در فرایند تربیت نسل آینده آشکار شود و جامعه را به‌سوی افق‌هایی روشن‌تر هدایت کند.

### رسول بهنام

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، استان آذربایجان غربی

## یادداشت دویست و چهل و نه

### یادداشت تحلیلی از مصاحبه‌های ۲۴ و ۲۵ مارس ۲۰۲۶ ترامپ و متحدانش و دیدگاه سیاستمداران آمریکایی و بررسی وضعیت داخلی ایران

اظهارات اخیر دونالد ترامپ، واکنش متحدان آمریکا و دیدگاه برخی سیاستمداران و رسانه‌های غربی نشان می‌دهد که تقابل میان آمریکا و ایران صرفاً یک رویارویی نظامی نیست، بلکه به بحرانی چندلایه سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای تبدیل شده است. بررسی این مواضع چند روند مهم را نشان می‌دهد: افزایش تردید در داخل آمریکا، عدم همراهی کامل متحدان غربی، پیچیده‌تر شدن معادله انرژی در منطقه و در مقابل شکل‌گیری نوعی همبستگی اجتماعی در داخل ایران. در داخل آمریکا، انتقادات نسبت به هزینه‌های جنگ رو به افزایش است. برای نمونه جیم مک‌گاورن، نماینده کنگره، اعلام کرده که تنها در شانزده روز نخست جنگ حدود ۲۲ میلیارد دلار هزینه شده است؛ رقمی که به گفته او می‌توانست صرف ساخت ده‌ها هزار واحد مسکونی در آمریکا شود. چنین مواضعی نشان می‌دهد بخشی از نخبگان سیاسی آمریکا این تقابل را از نظر اقتصادی و اجتماعی پرهزینه می‌دانند و نسبت به دستیابی به یک پیروزی قاطع نیز تردید دارند. از سوی دیگر، همراهی محدود متحدان آمریکا نیز بر پیچیدگی وضعیت افزوده است. گزارش‌های رسانه‌ای نشان می‌دهد بسیاری از متحدان سنتی واشنگتن تمایل چندانی به مشارکت در یک ائتلاف نظامی گسترده ندارند و برخی کشورها بر راه‌حل‌های دیپلماتیک تأکید کرده‌اند. در چنین شرایطی، مسئله انرژی و جایگاه راهبردی تنگه هرمز نیز به عامل مهمی در معادلات این بحران تبدیل شده است؛ زیرا هرگونه اختلال در این مسیر می‌تواند پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای برای بازار جهانی انرژی داشته باشد. در مقابل این تحولات، در داخل ایران نشانه‌هایی از همبستگی اجتماعی در واکنش به تهدید خارجی مشاهده می‌شود. در ادبیات علوم سیاسی این وضعیت با عنوان «اثر همبستگی در برابر تهدید خارجی» شناخته می‌شود؛ پدیده‌ای که در آن جامعه در شرایط بحران تمایل بیشتری به همگرایی و حمایت از نیروهای نظامی نشان می‌دهد. این حمایت اجتماعی علاوه بر تقویت روحیه نیروهای درگیر، پیام انسجام داخلی را نیز در فضای رسانه‌ای و بین‌المللی منتقل می‌کند. در مجموع، تحولات اخیر نشان می‌دهد تقابل میان آمریکا و ایران به معادله‌ای پیچیده با ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده است؛ معادله‌ای که هم‌زمان با چالش‌های داخلی در آمریکا، با واکنش‌های اجتماعی و نمادین در داخل ایران نیز همراه شده است.

#### بهروز زینلی

استادیار، گروه آموزشی علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

## یادداشت دویست و پنجاه:

### بررسی کارکرد اجتماعی حضور اساتید و دانشجویان در فضای خیابان

تحولات اخیر در فضای اجتماعی ایران، بیانگر شکل‌گیری نوعی حساسیت جمعی نسبت به آینده کشور است. استمرار حضور مردم در عرصه‌های عمومی طی بیش از دو هفته گذشته، نشان‌دهنده نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی است که با مفاهیمی همچون هویت ملی، امنیت اجتماعی و حفظ انسجام فرهنگی پیوند خورده است. این وضعیت را می‌توان در چارچوب کنش‌های جمعی تحلیل کرد که در آن، گروه‌های مختلف اجتماعی در تلاش برای تأثیرگذاری بر روندهای جاری هستند. در این میان، اساتید و دانشجویان به‌عنوان گروه‌های مرجع، نقش برجسته‌ای در جهت‌دهی به افکار عمومی دارند. تجربه‌های تاریخی معاصر ایران نیز مؤید آن است که این قشر، در بزنگاه‌های حساس، توانسته است با حضور آگاهانه خود، به تقویت روحیه عمومی و افزایش سطح مطالبه‌گری کمک کند. از این منظر، مشارکت استادان و دانشجویان را می‌توان عاملی مهم در پویایی اجتماعی و شکل‌گیری گفتمان‌های اثرگذار دانست. حضور مستمر در چنین شرایطی، نیازمند برخورداری از مؤلفه‌هایی چون آگاهی، تحلیل‌گری و پایداری است. کنشگری بدون شناخت دقیق شرایط، ممکن است به کاهش اثربخشی منجر شود؛ بنابراین، تأکید بر هوشیاری و استمرار همراه با درک صحیح از موقعیت، از الزامات تداوم این نوع کنش‌ها محسوب می‌شود. درعین‌حال، بی‌تفاوتی نسبت به تحولات اجتماعی، می‌تواند پیامدهای قابل توجهی برای آینده جامعه به همراه داشته باشد. بررسی تجربه‌های تاریخی نشان می‌دهد که انفعال اجتماعی، زمینه‌ساز تضعیف سرمایه اجتماعی و بروز آسیب‌های گسترده خواهد بود. در مقابل، حضور مسئولانه و آگاهانه، می‌تواند به حفظ ثبات و تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند.

### مرضیه شم‌آبادی

هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان مازندران، گروه معارف

## یادداشت دویست و پنجاه و یک دانشگاه فرهنگیان به عنوان دانشگاه تمدن ساز

بی تردید نیل به قله‌های تعالی و توسعه برای هر ملتی در گروی برخورداری از تمدنی بزرگ و اصیل است. در ایران اسلامی نیز تنها با احیای تمدن کهن، باشکوه، خردمدار و دین محور ایرانی این امر محقق می‌شود. در این راستا یکی از بخشهای بسیار مهم و تأثیرگذار دانشگاه‌ها هستند؛ زیرا دانشگاه به عنوان کانون محوری علم و دانش درحالیکه خود یکی از ستونهای اصلی تشکیل دهنده تمدن است، بسترساز توسعه و ساخت سایر ابعاد مفهومی تمدن است، بنابراین نقش محوری و اساسی بر عهده اوست. تمدن سازی، نیروهای تربیت شده‌ای را می‌طلبد که به‌طور آگاهانه و با بصیرت تاریخی، پیام و رسالت تمدن سازی را در جامعه دمیده و اجزاء، زیرساخت‌ها و نیازهای تمدن جدید را برآورده سازند. این وظیفه مهم می‌تواند برعهده یک دانشگاه تمدن ساز همچون دانشگاه فرهنگیان باشد. دانشگاه فرهنگیان از این نظر شاخص است که در حال تربیت معلمان آینده این مرز و بوم است لذا در صورتی که دانشگاه فرهنگیان به رسالت خود آگاهی داشته و به وظایف و کارکردهای خویش به خوبی عمل کند، می‌تواند سازنده تمدنی پویا و مستحکم باشد. به علاوه نگاه و نظر رهبر شهید انقلاب به دانشگاه فرهنگیان بسیار خاص و راهبردی بود به همین جهت این دانشگاه از جایگاه بسیار مهمی در ایران اسلامی برخوردار است. در شرایط حساس امروز کشور و در رویارویی با جنگ رمضان و برای داشتن کشوری قدرتمند در برابر جنگ ترکیبی باید همه اساتید و دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان با اتکا به تمام داشته‌های تاریخی خود، دگرگونی خلاق را رقم بزنیم که محتوای فرهنگی تمدن ملی ما یعنی اسلامیت و ایرانیّت را در خود جمع کرده باشد.

### الناز شکری

مأمور آموزشی دانشگاه فرهنگیان استان همدان

## یادداشت دویست و پنجاه و دو تربیت و میهن‌دوستی به مثابه مقاومت

میهن فقط یک قرارداد سیاسی یا محدوده‌ای محصور در مرزهای خاکی نیست؛ بلکه افق معنایی و بستر در-جهان-بودن انسان است. انسان اصیل در یک خلأ انتزاعی زندگی نمی‌کند، بلکه در یک سنت، تاریخ و جغرافیای خاص اسکان می‌یابد. در عصر پست‌مدرن و استعمار فرانو که جهانی شدن به دنبال تحمیل هویتی جهان‌وطن، بی‌ریشه و مصرف‌زده است. میهن‌دوستی از یک احساس نوستالژیک، به یک سپر هستی‌شناختی برای صیانت از سوژه‌ی ایرانی-اسلامی می‌تواند تغییر یابد. جنگ رمضان و صف‌آرایی جبهه مقاومت، تجلی عینی همین دفاع هستی‌شناختی است. در این نبرد و دفاع از خاک، در امتداد دفاع از معنای توحیدی حیات قرار می‌گیرد و حدیث شریف حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ معنایی پدیدارشناسانه می‌یابد؛ چراکه ایمان بدون داشتن قرارگاهی عینی برای شکوفایی در حد یک ایده ذهنی باقی می‌ماند. میهن، درواقع همان بدن منبسط‌شده‌ی یک ملت است که اراده‌ی معطوف به حقانیت خود را در برابر سلطه‌گری باطل زمانه به رخ می‌کشد. با این خوانش، رسالت تربیت در نظام آموزشی، عبور از ملی‌گرایی تنگ‌نظرانه به‌سوی پرورش میهن‌دوستی انتقادی و توحیدی است. در این چشم‌انداز تربیت اصیل باید بتواند پیوندی میان دانش‌آموز و زیست‌جهان ایرانی-اسلامی‌اش احیا کند. معلم راهبری وجودی است که شاگردان را از ورطه از خودبیگانگی برآمده از فضای مجازی، به‌سوی ریشه‌دار شدن عمیق در خاک فرهنگ و تاریخ خویش هدایت می‌کند. دانشگاه فرهنگیان وظیفه دارد معلمانی تربیت کند که معماران این سکنی‌گزیدن اصیل باشند. برنامه درسی ما باید روایتی حماسی، حکیمانه و زیبایی‌شناسانه از ایران ارائه دهد تا نسل آینده، میهن را نه صرفاً یک زیست‌گاه تصادفی، بلکه امانتی الهی و سنگر مقاومت در برابر یکسان‌سازی فرهنگی نظام سلطه بداند. تنها با چنین تربیتی است که عشق به میهن می‌تواند به موتور محرک پیشرفت، ایستادگی و تمدن‌سازی بدل شود.

حمید احمدی هدایت

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان البرز



## یادداشت دویست و پنجاه و سه نقش امید اجتماعی در تربیت نسل مقاوم

در تحلیل پایداری جوامع در شرایط بحران، یکی از مفاهیم کلیدی که کمتر به آن توجه می‌شود «امید اجتماعی» است. امید اجتماعی صرفاً یک احساس فردی نیست، بلکه سرمایه‌ای روان‌شناختی و فرهنگی است که می‌تواند توان یک جامعه را برای عبور از تهدیدها و فشارها افزایش دهد. در بستر رخدادهایی مانند جنگ رمضان، این مفهوم اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند؛ زیرا استمرار مقاومت بدون وجود افق امید در ذهن جامعه ممکن نیست. از منظر تربیتی، امید اجتماعی نقشی بنیادین در شکل‌گیری شخصیت نسل آینده دارد. کودک و نوجوان زمانی می‌تواند در برابر دشواری‌ها ایستادگی کند که احساس کند آینده‌ای معنادار پیش روی او قرار دارد و تلاش‌ها و فداکاری‌های جامعه بی‌ثمر نخواهد بود. در چنین شرایطی، امید به آینده به نیرویی تبدیل می‌شود که ترس و ناامیدی را مهار کرده و روحیه مشارکت و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تقویت می‌کند. در این میان، نظام آموزشی و کنشگران تربیتی وظیفه مهمی در تقویت امید اجتماعی بر عهده دارند. معلمان، مربیان و خانواده‌ها می‌توانند با ارائه روایت‌های واقع‌بینانه اما امیدبخش از تاریخ و تحولات جامعه، به دانش‌آموزان بیاموزند که بسیاری از پیشرفت‌ها و پیروزی‌های ملت‌ها در دل سخت‌ترین شرایط شکل گرفته است. چنین روایتی، ذهن نسل جوان را از احساس بن‌بست و درماندگی دور می‌کند و به آنان اعتماد به توان جمعی می‌بخشد. تربیت نسل مقاوم تنها با آموزش مفاهیم ایثار و پایداری تحقق نمی‌یابد؛ بلکه نیازمند پرورش روحیه امید، اعتماد به آینده و باور به امکان تغییر است. جامعه‌ای که بتواند این سرمایه روانی را در میان نسل جوان تقویت کند، نه تنها در برابر بحران‌ها پایدارتر خواهد بود، بلکه توانایی بیشتری برای ساختن آینده‌ای بهتر خواهد داشت. از این منظر، امید اجتماعی یکی از پایه‌های اساسی تربیت نسل مقاوم در جهان امروز به شمار می‌آید.

### حجت مردانه طالش‌مکائیل

عضو هیئت علمی و استادیار گروه آموزش تربیت‌بدنی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه طباطبایی استان اردبیل

## یادداشت دویست و پنجاه و چهار

### سواد رسانه‌ای و پدافند شناختی: سپری در برابر استعمار فرانو

در عصر حاضر، پدیده استعمار فرانو ابعاد فرهنگی پیچیده‌ای یافته است که از طریق سلطه نرم و نامرئی، الگوها و ارزش‌های غالب جهانی را ترویج می‌دهد. ترویج عناصر فرهنگ بیگانه از طریق جاذبه‌های تولید رسانه‌ای (فضای مجازی، ماهواره، اینترنت، سینما و مانند آن) و از بین بردن نظم داخلی کشورها از طریق ایجاد شورش‌های جمعی برخی از ویژگیهای استعمار فرانو است. استعمار فرانو بر خلاف استعمار کهن (اشغال نظامی) و استعمار نو (سلطه اقتصادی و سیاسی)، بر «تسخیر ذهن‌ها و مدیریت ادراک» تمرکز دارد. در این لایه، ابزار دشمن نه اسلحه است و نه وام‌های بانکی، بلکه فرهنگ، سبک زندگی، زبان و فناوری‌های نوین است تا هویت بومی را با هویت مطلوب استعمارگر جایگزین کند. در مقابله با استعمار فرانو که هدف آن تسخیر ذهن‌ها و تغییر هویت بومی از طریق مدیریت ادراک است، تقویت خودباوری فرهنگی و بومی‌سازی دانش در محیط‌های آموزشی ضرورت دارد. با ارتقای سواد رسانه‌ای، تحلیل انتقادی سبک زندگی تحمیلی از غرب، صیانت از مرزهای فکری و زبانی و بازیابی نقش مرجعیت اساتید و معلمان، نسل جوان و نوجوان را می‌توان در برابر نفوذ نرم واکسینه کرد تا به‌جای هضم شدن در فرهنگ استعماری، به تولیدکنندگان اندیشه و تمدن‌سازانی مستقل در عصر انفجار اطلاعات تبدیل شوند. سواد رسانه‌ای برای دانش‌آموزان و دانشجویان ابزاری حیاتی جهت تشخیص اخبار جعلی و خنثی‌سازی عملیات روانی دشمن است. این مهارت با آموزش تفکر انتقادی، تکنیک‌های راستی‌آزمایی مانند «خوانش عرضی» و مدیریت هیجانات در مواجهه با پیام‌های تحریک‌آمیز محقق می‌شود تا مخاطب از یک مصرف‌کننده منفعل به تحلیل‌گری هوشمند تبدیل شده و بتواند سوگیری‌ها، مغالطات و اهداف پنهان پشت محتوای رسانه‌ای را به‌درستی شناسایی کند.

#### رابعه هراتی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان مشهد

## یادداشت دویست و پنجاه و پنج رابطه دیالکتیکی بعثت و تربیت

در جامعه‌شناسی نوین باید به چیستی بعثت مردم به‌طور جدی پرداخت؛ همان که رهبر شهید انقلاب اسلامی ایران، قبل از شهادتشان آن (مبعوث شدن مردم در امور مهم اجتماعی) را عامل به سرانجام رساندن امور دانستند. در الهیات اسلامی، مفهوم «بعثت» به‌عنوان یک کلیدواژه محوری، فراتر از اخصّ معنای نبوت، گستره وسیعی از فراخوانی‌های الهی را دربرمی‌گیرد. برخلاف تصور رایج که بعثت را منحصر در فرستادن انبیا و رسولان می‌داند، داده‌های قرآنی نشان می‌دهد «بعثت» به‌عنوان یک صفت فعلی الهی (با استناد به دعای جوشن کبیر: «یا باعث»)، دارای مصادیق متنوعی است که همگی در ذیل اراده تربیتی خداوند قرار می‌گیرند. این مصادیق عبارت‌اند از:

- بعثت انبیا و رسولان به‌عنوان هدایتگران عمومی بشر (بقره: ۲۱۳)
  - بعثت پیامبران خاص برای مأموریت‌های مشخص، مانند بعثت موسی (ع) به‌سوی فرعون (اعراف: ۱۰۳)
  - بعثت رهبران و امرای نظامی برای جهاد در راه خدا (بقره: ۲۴۶) و بعثت طلوت به‌عنوان فرمانده (بقره: ۲۴۷)
  - بعثت نقیبان و سرگروه‌های اجتماعی مانند دوازده نقیب در بنی‌اسرائیل (مائده: ۱۲)
  - بعثت میانجی‌گران برای حل اختلافات درون‌خانوادگی (نساء: ۳۵)
  - بعثت در سطح کلان هستی‌شناختی، مانند بعثت مردگان (بقره: ۲۵۹؛ مطففین: ۴-۷) و حتی برانگیختن حیوانات برای مقاصد خاص (مائده: ۳۱)
- با تحلیل کارکردهای ذکر شده برای مصادیق مختلف بعثت، می‌توان به وضوح دریافت که محور مشترک و غایت نهایی همه آنها، «تربیت انسان» است: تزکیه (تربیت و پالایش درونی)، تربیت افراد در حفظ کیان خانواده، تربیت نظامی، انضباطی و ایمانی یک جامعه برای دفاع از ارزش‌ها؛ تربیت اجتماعی و ایجاد مسئولیت‌پذیری گروهی. در این چارچوب، بعثت مردمی که مقام معظم رهبری از آن سخن گفته‌اند (خداوند مردم را مبعوث خواهد کرد)، به‌عنوان یک مصداق متأخر و عینی از همان سنت الهی تحلیل می‌شود. این حرکت، فراتر از یک کنش سیاسی صرف، یک «پدیده تربیتی جمعی» است که در آن، جامعه با پذیرش مسئولیت‌های خطیر تاریخی، در معرض آزمون‌های عملی ایمان، ایثار، و انضباط جمعی قرار می‌گیرد. نتایج تربیتی این بعثت در نسل آینده، در «شکل‌گیری هویتی مقاوم، مسئولیت‌پذیر و آگاه به مکانیسم‌های تحول اجتماعی»

متجلی خواهد شد. نسلی که خود را نه منفعل، بلکه به‌عنوان «عامل فعال» در مشیت الهی برای احقاق حق و ابطال باطل می‌بیند، وارث تجربه‌ای می‌شود که درس‌های «جاهد بودن در راه خدا» و «شاهد بودن بر تاریخ» را نه در متون که در عینیت زندگی نسل پیشین خود ملاحظه کرده است. این انتقال تجربه، سرمایه‌ای تربیتی بی‌بدیل برای تداوم مسیر تعالی و آمادگی برای پذیرش مسئولیت‌های آینده در چارچوب تمدن اسلامی فراهم می‌آورد. بنابراین بعثت و تربیت در یک رابطه دیالکتیکی و چرخه‌ای تقویت‌کننده قرار دارند؛ بعثت، شرط لازم و بستر ساز تربیت هدفمند الهی است و تربیت، غایت و ثمره بعثت است. در هر حرکت بعثتی برای تحقق یک هدف تربیتی خاص طراحی شده است.

### نرگس موحدی

عضو هیئت‌علمی گروه معارف و تربیت اسلامی دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی

## یادداشت دویست و پنجاه و شش برنامه درسی فراتر از کلاس درس

آموزش رسمی غالباً بر مکانیزم‌های انتقال اطلاعات در محیط‌های بسته و کنترل‌شده همچون «کلاس درس» متمرکز است، اما زمانی که «برنامه درسی فراتر از کلاس درس» اهداف یادگیری را دنبال می‌کند مرزهای سنتی آموزش شکسته و «یادگیری در بستر جامعه» به‌عنوان یک بستر تعاملی و پویا استوار می‌گردد. در این موقعیت، جامعه نه‌تنها به‌عنوان یک زمینه، بلکه به‌عنوان یک عامل فعال در فرآیند شناختی، نگرشی و مهارتی دانش‌آموز عمل می‌کند. اهداف در برنامه درسی به قوت خود باقی است اما محتوا، معلم، ابزارها و روش تدریس، زمان و مکان یادگیری، وسعت یافته و جامعه را به کلاس درس مبدل کرده است. مفاهیمی که در متون رسمی با تحلیل و اتکا به تاریخ ارائه می‌شد در این بستر با اتکا به شواهد ارائه می‌شود و این پیوند نظریه و عمل، منجر به «لمس واقعی یادگیری» می‌شود. در این فرآیند، یادگیرندگان با مواجهه مستقیم با مسائل پیچیده و چندوجهی، مهارت‌های تفکر انتقادی و حل مسئله را در بسترهای طبیعی و اجتماعی توسعه می‌دهند. پژوهش‌های آموزشی نشان می‌دهند که یادگیری معنادار زمانی رخ می‌دهد که دانش اکتسابی با تجربیات حسی و واقعی فرد پیوند خورده و در ذهن او تثبیت گردد. برای سنجش عمق این مفاهیم، می‌توان به رویدادی همچون «جنگ رمضان» پرداخت. تحلیل نظام‌مند و علمی چنین واقع‌ای، الگوهایی از مدیریت بحران، روانشناسی جمعی و استراتژی‌های مقاومت را آشکار می‌سازد. دانش‌آموزان مفاهیم وطن‌دوستی، ایثار، مقاومت، دفاع مشروع، عزت و آزادگی، تحمل مصائب در سایه ایمان به وعده خداوند و تلاش برای استقلال را می‌آموزند. بنابراین، وقفه عدم حضور در مدارس نه‌تنها تهدید نیست بلکه فرصتی است که گذار از آموزش صرفاً محفوظات‌محور را به سمت رویکردی که تعامل با جامعه را محور قرار می‌دهد، پیش می‌برد. این مهم، به‌عنوان ضرورتی انکارناپذیر برای تربیت نسل تحلیل‌گر، کارآمد است. این همگرایی میان آموزش رسمی و تجربیات میدانی، تضمین‌کننده کارایی و اثربخشی نظام آموزشی در آینده خواهد بود.

### زهرا کرمی

گروه آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان استان تهران، پردیس عترت

## یادداشت دویست و پنجاه و هفت اسلام؛ آیین آزادی، تربیت و مقاومت اخلاقی

در هنگامه‌ای که آتش تجاوز، خاک و جان انسان را تهدید می‌کند، مسلمان آگاه باید از ژرف‌ترین آموزه‌های اسلام مدد بگیرد؛ آموزه‌هایی که اساس آن را بر عقل، تربیت و کرامت انسانی بنا کرده‌اند. اسلام نه دین جنگ‌طلبی است، نه تسلیم در برابر ستم؛ بلکه مدرسه‌ای برای رشد انسان و دفاع آگاهانه از حق است. قرآن کریم با تأکید بر اصل عدم اجبار در ایمان - «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» - نشان می‌دهد که پیام الهی برای آزادسازی انسان از بند جهل و سلطه است، نه برای تحمیل عقیده. اما آزادی واقعی زمانی معنا دارد که انسان بتواند در برابر ظلم، پایدار بماند. از همین جا فرهنگ مقاومت زاده می‌شود؛ مقاومتی که در برابر دشمنی و تجاوز، نه از خشم کور، بلکه از آگاهی، ایمان و تربیت درونی سرچشمه می‌گیرد. قرآن با صراحت می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ یعنی نیروی مؤمن، از شکست نمی‌هراسد، زیرا ریشه استقامت او در ایمان و خرد نهفته است. این مقاومت، چهره‌ای تربیتی دارد: تربیت بر صبر، امید، و یقین به عدالت. جامعه‌ای که بر پایه چنین تربیتی بنا شود، نه تنها از ویرانی جنگ نمی‌هراسد، بلکه در میان شعله‌ها نیز ارزش‌های انسانی را زنده نگه می‌دارد. پیامبر رحمت (ص)، خود الگویی کامل از مقاومت هوشمندانه بود. در مکه، سال‌ها رنج و آزار را با منطق و حلم پاسخ داد؛ در مدینه، هنگامی که دشمن به سرزمین و عزت مسلمانان حمله کرد، با ایمان، نظم و اخلاق مقاومت کرد. این دوگانه مقدس - حلم در صلح و استقامت در دفاع - جوهره رفتار اسلامی است. اسلام به ما می‌آموزد که در برابر ظلم، به‌پا خیزیم، اما در همان حال، از عدالت، گفت‌وگو و کرامت انسان جدا نشویم. در شرایط جنگ و بحران، پیام تربیتی اسلام این است که مقاومت، تنها مبارزه‌ی نظامی نیست؛ بلکه پاسداری از عقلانیت و اخلاق در میانه طوفان‌هاست. دفاع از خاک و ایمان باید با شکوه امید، صداقت، و اندیشه روشن همراه باشد. هر سرباز، هر معلم، هر مادر و هر جوان، چراغی از این فرهنگ جاودانه‌اند؛ فرهنگی که دشمن را در میدان نبرد شکست می‌دهد، و جهل و نفرت را در میدان روح و اندیشه. آنگاه که ایمان با اندیشه و تربیت همراه شود، مقاومت نه خشونت، بلکه تمدن زاینده‌ای می‌شود که از دل رنج، نور حقیقت را پراکنده می‌سازد. این است معنای واقعی «فرهنگ مقاومت» در اندیشه اسلامی: ایستادن بر حقیقت، دفاع از کرامت، و ساختن فردا با امید و ایمان.

### راضیه سیروسی القار

استادیار آموزشی گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی

## یادداشت دویست و پنجاه و هشت

### مقاومت ستیزی در تربیت سیاسی مدرن

۱. آیا تعلیم و تربیت (پداگوژی مدرن) وجه تمدنی دارد؟ نکته اول اینکه درباره وجوه تمدنی تربیت مدرن مباحث فراوانی قابل طرح است؛ اما کمتر به این موضوع توجه شده است. به نظر می‌رسد درباره ابعاد و اضلاع تمدنی نظام تربیت رسمی باید تأملات دقیق‌تری صورت گیرد. نظام تربیت مدرسه‌ای به تربیت شهروندی و آنهم تربیت شغلی تقلیل داده شده است؛ در صورتی که ماهیتاً اینگونه نیست و نهاد تربیت رسمی دارای وجوه تمدنی است و صعود و افول تمدنی را بر اساس وضعیت آموزش و پرورش رسمی می‌توان رصد کرد. بر همین اساس، مطالعات سیاست گذاری آموزشی و نیز تقویت مباحث حکمرانی تربیتی و اساساً «تربیت پژوهی تمدنی» ضرورتی آتی برای ما و بخصوص برای دانشگاه فرهنگیان و اعضای هیئت علمی آن تلقی می‌شود.

۲. عبور از تربیت مدرن با عصای شکسته تربیت پست مدرن: نکته دیگر آنکه اگر قرار است شما دانشجویان که در این دوره‌های معرفتی شرکت می‌کنید و قرار است افق ذهنی خود را در سطحی تمدنی و نگاهی ستادی و سیاست گذارانه به آموزش و پرورش نظر بیافکنید، چگونه می‌توان از پارادایم موجود تربیت مدرن و وجوه تمدنی آن عبور نمود؟ به نظر می‌رسد برای عبور از پارادایم تربیت مدرن نمی‌توان به عصای شکسته پارادایم تربیت پست مدرن و یا رویکردهای انتقادی و یا نئومارکسیستی نمی‌توان تکیه کرد. به نظر می‌رسد توان و ظرفیت گفتمان انقلاب اسلامی و دیدگاه‌های تربیتی امام خمینی ره را می‌توان مورد بازنگری قرار داد و ظرفیت سازی کرد. به صورت مبنایی می‌توان ادعا کرد که وجوه تمدنی تربیت مدرسه‌ای و نظام آموزشی را مبتنی بر فلسفه تربیتی امام ره جبران نمود. تلاش نظری و عملی امام خمینی ره می‌تواند مبنایی برای بازنگری و بازسازی وجوه تمدنی تربیت رسمی قلمداد گردد و باید ایده‌های تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی – که در این دوره آموزشی با بخشی از آن آشنا می‌شوید- در نظام تربیت مدرسه‌ای و حتی تربیت غیررسمی دلالت سنجی شود.

۳. «مقاومت ستیزی» در تربیت سیاسی مدرن: نکته دیگر که جهتداری علوم تربیتی مدرن و نیز تربیت مدرن را آشکارتر می‌کند، این نکته است که علوم انسانی مدرن و نیز علوم تربیتی مبتنی بر آن تمایل به «مقاومت ستیزی» دارد و براین اساس، «تربیت سیاسی مدرن» در تلاش است «مقاومت گشی» را نهادینه کند و با درونی سازی پذیرش تسلیم راه را برای هژمونی مدرن هموار نماید و هر نوع مقاومت علیه ایدئولوژی مدرن را حذف یا تحریف نماید. در این باره سهم رسانه مدرن بسیار زیاد است. این مدعا در قضیه نسل کشی غزه به صورت کاملاً عریان نمایان شده است.

نگاه مقاومت محور نظریه تربیت انقلابی امام خمینی ره مبدای برای طرح فکری نو در این باره است. دیدگاه‌ها در تربیت سیاسی باید «مقاومت محوری» را مبنای تحلیل و استنتاج و تجویزات تربیتی قرار دهند و جمهوری اسلامی ایران در عصر حاضر نمایندگی این گفتمان را برعهده دارد.

پ.ن. برداشت از سخنرانی ۲۱ آبان ۱۴۰۲

سید نقی موسوی

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان استان قم

## یادداشت دویست و پنجاه و نه جنگ رمضان در نبرد تمدنی با سه جبهه‌ی سلطه

انقلاب اسلامی ایران از آغاز نه صرفاً یک دگرگونی سیاسی، بلکه یک قیام معرفتی و تمدنی بود که هدفش رهایی انسان از سلطه‌ی مادی و فکری نظام‌های استکباری بود. امروز، این انقلاب در چارچوب یک نبرد بزرگ‌تر که می‌توان آن را جنگ رمضان نامید، در برابر سه جبهه‌ی سلطه مقاومت می‌کند: اسلام آمریکایی، کفار، و صهیونیسم جهانی. این سه جبهه، هرچند چهره‌های متفاوت دارند، اما در حقیقت حلقه‌های یک زنجیرند: زنجیر تحریف حقیقت، وابستگی و تسلیم در برابر قدرت‌های شیطانی جهان.

اسلام آمریکایی، همان جریان دین‌نمایی است که از روح عدالت‌خواهی و مقاومت تهی شده و به ابزاری برای توجیه ظلم و اشرافیت تبدیل گشته است. امام خمینی (ره) آن را خطرناک‌تر از کفر دانست، زیرا در لباس دین عمل می‌کند. انقلاب اسلامی در برابر این جبهه، برای اصالت ایمان و بازگشت دین به صحنه عدالت اجتماعی و مقاومت ایستاده است. این نبرد در سطح منطقه، در رفتار ملت‌هایی که با رژیم صهیونیستی سازش می‌کنند و بر سر آرمان فلسطین معامله، کاملاً آشکار است.

اما جبهه‌ی کفار و یهود صهیونیست با ابزارهای رسانه، اقتصاد، و جنگ ترکیبی، به دنبال خاموش کردن نور انقلاب‌اند. تحریم‌های گسترده، عملیات روانی و تهاجم فرهنگی، همه برای تضعیف الگوی ایرانی مردم‌سالاری دینی طراحی شده است؛ الگویی که موفق شده ملت‌ها را از شرق تا غرب به بیداری و مقاومت فراخواند.

امروز «جنگ رمضان» نماد این نبرد تمدنی است؛ نبردی که از سنگر ایمان تا میدان سیاست امتداد یافته و هدفش تحقق وعده الهی است:

«نَیِّرِدُونَ أَنْ یُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ وَاللَّهُ مِتِّمٌ نُّورِهِ»

در این مسیر، انقلاب اسلامی ایران نه تنها در برابر سه جبهه‌ی سلطه ایستاده، بلکه پرچم بیداری جهانی را برافراشته است تا نشان دهد که صدای حق، همواره ریشه در اراده‌ی الهی دارد و هرگز خاموش نمی‌شود.

حیدر همتی

گروه الهیات و معارف اسلامی. دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه



## یادداشت دویست و شصت

### شهرالرمضان وحرب الرمضان کمدرسه تربویه

یعد الرمضان المبارک مدرسه لتکافل الاجتماعی لمن یتعمن ذلک ویسعی لذلك لیحقق هذا المقصد. وجدیر بالذكر أن نقول إن هو مدرسه تربویه یترعزع فیها الإنسان بل هو مدرسه تتجلی فیها مضمون الرحمة والتعاون والتکافل الإجماعی.

إن رمضان یعلمنا أن المجتمع جسد واحد إذا إشتکی منه عضو تداعی له سائر الأعضاء بالسهر والحمی وفيه تتجسد قیم الإنسانية والأخلاقیه. فی مجتمعنا الیوم أيضاً نری برکات شهر الرمضان بین الناس فی هذه الأيام آلتی نواجه الحرب إزاء خبیث الناس وشریرهم وهو یعنی الکیان الصهیونی الملعون والمغتصب وإمریکا المجرمه والمزوره آلتی دائماً تقوم بفتنه فی العالم ولكن شهر الرمضان علمنا کیف نقوم بمکافحه ضدهم بحرب الرمضان وحرب الرمضان علمتنا کیف نقوم بالتعاون والرحمة بین أبناء شعبنا المسلمین وهذا ینعکس لنا "أشداء علی الکفار رحماء بینهم". إن شهر الرمضان وحرب الرمضان کمدرسه تربویه للجیل القادم أيضاً وهذا الجیل یصبحون طازجین فیها؛ یصبحون طازجین کی یطیروا إلى الأعلى ویكونوا کصخرة لخنسائهم فی طریق المقاومة والمکافحه ضد شریر الناس وخبیثهم.

أعزائی الجیل القادم، علینا أن نكون فی طریق الرمضان دائماً. الطریق آلتی تعلمنا کیف لا نصبح کالمعتل أو المجزوم کی یحذف منا حرف بل نكون کالسالم والصحیح ومرفوع الرأس. فی آیامنا حاضر یوجد کثیر من الأدوات الجازمه آلتی من الممكن نواجهها وهذه الأدوات ترید أن تفقد منا شیئاً ثمیناً کالأمل والرجاء والنشاط ونهايتاً الفوز الموعود. فکلنا معاً جنباً علی جنب صامد فی طریق الرمضان ونتلمذ من مدرسه الرمضان کی نكون محفوظین فی درعه الحصینه ووعده الصادق بعون الله تعالی.

"لا تهنوا ولا تحزنوا وأنتم الأعلون ان کنتم مؤمنین"

مهران غلامعلی زاده

استاذ مساعد فی قسم تعلیم اللغة العربیة وأدابها بجامعة فرهنگیان، کرمان.

## یادداشت دویست و شصت و یک

### نقش دانشگاه فرهنگیان در تحقق اندیشه متعالی امام خامنه‌ای پر خصوص آینده نظام اسلامی

نقش امام خامنه‌ای در چشم‌انداز و افق آینده جمهوری اسلامی به صورت قابل توجهی نشان‌دهنده تبلور نگاه تمدنی و بلندمدت ایشان است که به عنوان رکن اصلی شکل‌گیری آینده نظام، نقش‌آفرینی می‌کند. بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب و رویکردهای راهبردی ایشان، رهبر معظم انقلاب بر اهمیت تدوین و عملیاتی‌سازی سندهای توسعه، فناوری‌های نوین و تکیه بر توانمندی‌های داخلی تأکید دارند که آینده‌ای مبتنی بر استقلال و خودتکایی رقم می‌زند.

ایشان با نگاه راهبردی، فناوری‌هایی مانند نانو، هوش مصنوعی و فضای سایبر را به عنوان ابزارهای مهم در رقابت‌های جهانی مطرح می‌کند و بر ضرورت بومی‌سازی و توسعه علم و فناوری تأکید دارد. این رویکرد، نقش ایران را در عرصه بین‌الملل به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در فناوری‌های نوین تثبیت می‌کند و راهگشای ساخت آینده‌ای مقاوم و مستقل است.

در بیانیه گام دوم انقلاب، تأکید بر تربیت نسل جوان و نخبگان هوشمند، عدالت‌محور و مبتنی بر ایمان و اخلاق، نشان می‌دهد که آینده نظام بر پایه فرهنگ، علم و اخلاق استوار است.

رهبر انقلاب، از طریق تشکیل هیأت‌های اندیشه‌ورز، سیاست‌گذاری بلندمدت و حمایت از استعدادهای داخلی، مسیر توسعه پایدار و تمدنی کشور را ترسیم می‌کند که برپایه اصول اسلام و استقلال ملی استوار است.

در نتیجه می‌توان گفت نقش ایشان در شکل‌گیری آینده جمهوری اسلامی، تمرکز بر انسجام داخلی، توسعه فناوری‌های نوین و حفظ هویت فرهنگی و اسلامی است که نه تنها نظام را در برابر چالش‌های داخلی و خارجی مقاوم می‌سازد، بلکه بستر را برای ظهور یک تمدن اسلامی نوین فراهم می‌آورد. بی تردید دانشگاه فرهنگیان با تربیت دانشجومعلمانی که برخوردار از چنین مبانی و دارای شناخت و نگرش عمیق نسبت به این رسالت بزرگ باشند نقش مهمی در تأمین نیروی انسانی جهت بر دوش گرفتن این مأموریت بزرگ دارد.

**حسن مدرس زاده**

عضو هیئت علمی گروه تربیتی دانشگاه فرهنگیان گلستان

## یادداشت دویست و شصت و دو نظام تعلیم و تربیت وام دار خون شهداست

در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، حفظ و پاسداشت خون شهدا یکی از محورهای مهم تربیت فرهنگی و هویتی به شمار می‌آید که در اسناد بالادستی ازجمله سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و بیانیه گام دوم انقلاب مورد تأکید قرار گرفته است. این اسناد بر پرورش نسلی مؤمن، مسئولیت‌پذیر، آگاه و پایبند به ارزش‌های انقلاب اسلامی تأکید دارند و فرهنگ ایثار و شهادت را یکی از پایه‌های هویت‌بخش جامعه معرفی می‌کنند. در این چارچوب، دانش‌آموزان به‌عنوان نسل آینده‌ساز جامعه با شناخت زندگی، اهداف و آرمان‌های شهدا و الگوگیری از ویژگی‌هایی همچون فداکاری، شجاعت، تعهد و مسئولیت‌پذیری می‌توانند نقش مهمی در تداوم این فرهنگ ایفا کنند. مشارکت در برنامه‌های فرهنگی مدارس، مطالعه زندگی‌نامه شهدا و تلاش برای پیشرفت علمی و اخلاقی ازجمله جلوه‌های عملی این پاسداشت است. در این میان، دانش‌جو معلم و معلمان به‌عنوان مهم‌ترین الگوهای تربیتی در دانشگاه‌ها و مدارس نقش اساسی در انتقال و تبیین فرهنگ ایثار و شهادت دارند. آنان با پیوند دادن مفاهیم درسی با ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی برگرفته از سیره شهدا، ایجاد فضای تربیتی الهام‌بخش و رفتار حرفه‌ای مبتنی بر تعهد و صداقت، می‌توانند روحیه مسئولیت‌پذیری و هویت دینی و ملی را در دانش‌آموزان تقویت کنند؛ اما به‌طور ویژه استادان دانشگاه، به‌ویژه در دانشگاه فرهنگیان نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت دانش‌جو معلمان دارند و با تبیین علمی و تربیتی فرهنگ ایثار و مقاومت و همچنین توجه دادن نسل جوان به چالش‌ها و فشارهای خارجی که در طول سال‌های مختلف متوجه کشور بوده است، زمینه شکل‌گیری معلمان آگاه، متعهد و دارای هویت حرفه‌ای را فراهم می‌کنند. بدین ترتیب تعامل میان دانش‌آموزان، معلمان و استادان دانشگاه می‌تواند به تداوم ارزش‌های ایثار و شهادت و تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و پیشرفت در جامعه کمک کند.

امید است با همدلی و ایمان و با حفظ ارزش‌های دینی و ملی در آبادانی کشور عزیزمان ایرانی خدمات ارزنده‌ای ایفا نماییم.

محمدرضا پاشایی

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان فارسی، دانشگاه فرهنگیان فارسی

## یادداشت دویست و شصت و سه

### Patriotism in the Mirror of Teacher Education

Education, in its true sense of, is not limited to the transmission of knowledge or skills. It also shapes people's attitudes, values, and inner connection with the world around them. From this perspective, patriotism is not a mere slogan. Rather, it can be understood as part of learners' moral and identity formation, a feeling that grows out of responsibility, respect for cultural diversity, and care for the human and natural sources of this land.

The people of this country have faced repeated hardships throughout history, and each time they have overcome adversity through patience, wisdom, and solidarity. Our civilizational experience, from the glorious centuries of IRAN to the recent difficult days, even during the holy month of Ramadan, has always been a source for cultivating hope and resilience.

Education, grounded in an understanding of history, culture, and today's lived realities, can help young people grow into citizens who are emotionally connected to their homeland and who are able to contribute constructively to its improvement.

Just as Allah has protected this country and its people until now, and as the people themselves have shown perseverance, it is hoped that this time as well, with trust in Allah, empathy, and hope, they will overcome this challenge and that beautiful IRAN will emerge from these threats proud and steadfast.

**Mojtaba Maghsoudi**

Faculty member, Farhangian University, Arak

## یادداشت دویست و شصت و چهار

### آینده‌سازی جوانان: از تحمل به تربیت، از مقاومت به برنامه‌ریزی درسی هوشمند

در سایه تنش‌های منطقه‌ای و فشارهای بی‌پایان آمریکا و اسرائیل بر ایران، دانشجویان ما نه تنها شاهد چالش‌های سیاسی و امنیتی هستند، بلکه مسئولیت بزرگی برعهده دارند: تبدیل تحمل به تربیت، و از مقاومت به برنامه‌ریزی هوشمند درسی.

این چالش، نه یک مانع، بلکه فرصتی است برای بازتعریف نظام آموزشی با رویکردی علمی، خلاقانه و مبتنی بر ارزش‌های دفاعی-آموزشی.

آموزش باید از «محتوای تاریخی-ملی» به سمت «طراحی ذهنی-استراتژیک» حرکت کند. دانشجویان باید نه فقط بدانند که چرا مقاومت لازم است، بلکه باید ابزارها و نحوه استفاده با ابزارهای علمی، فناوری و تفکر نوین، آینده را طراحی کنند.

برنامه درسی باید با مفاهیمی مانند «مقاومت سیستمی»، «تفکر استراتژیک» و «خلاقیت دفاعی» آمیخته شود. دروسی مانند علوم اجتماعی، ریاضیات کاربردی و فناوری باید با مثال‌های واقعی از تحولات منطقه‌ای و تهدیدات امنیتی هم‌پوشانی کنند.

آموزش باید از «پاسخ به تهدید» به «پیش‌بینی و پیشگیری» تغییر کند. جوانان ما، با تربیتی مبتنی بر عقل، ایمان و نوآوری، نه تنها مقاوم‌تر خواهند بود، بلکه می‌توانند به‌عنوان نیروی محرکه‌ای در ساخت جامعه‌ای پایدار و مستقل، نقش بی‌بدیل ایفا کنند همانگونه که در تمامی میادین شهرهای کوچک و بزرگ شاهد حضور و مشارکت فعال آنان هستیم. اینک زمان دفاع است و آینده، نه صرفاً در دفاع، بلکه در برنامه‌ریزی هوشمند آموزشی، ساخته می‌شود.

### زهره حمزه لو

عضو هیئت علمی و استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت دویست و شصت و پنج

### تغییر از درون؛ الهامی تربیتی برای معلم فردا در پرتو جنگ رمضان

آیهی شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» حقیقتی را باز می‌گشاید که هم در تربیت فردی معنا دارد و هم در سرنوشت ملت‌ها. تغییر از جایی آغاز می‌شود که انسان در سکوت درونی خویش تصمیم می‌گیرد متفاوت بیندیشد، متفاوت ببیند و متفاوت عمل کند. هیچ پیروزی پایدار و هیچ تحول ماندگاری، پیش از آنکه در جان‌ها شکل بگیرد، در میدان‌های بزرگ تاریخ رخ نمی‌دهد.

جنگ رمضان را می‌توان صحنه‌ی روشن همین معنا دانست: جایی که مردان میدان، پیش از هر آرایش نظامی، دل‌های خود را آرایش کردند. آنان ترس را با ایمان، تردید را با یقین و ازهم‌گسیختگی را با مسئولیت جمعی جایگزین نمودند. همین دگرگونی درونی بود که توانست شرایط سخت بیرونی را دگرگون کند و ورق تاریخ را برگرداند.

برای دانشگاه فرهنگیان، این آیه نه یک پیام اخلاقی، بلکه یک اصل تربیتی بنیادین است. معلمی که می‌خواهد در کلاس درس آینده‌ای را بسازد، باید نخست در دل خویش آینده را روشن کند؛ باید ایمان به تغییر، خودباوری، امید و مسئولیت‌پذیری را در جان خود پرورش دهد. آنگاه این تغییر، ناگزیر در نگاهش، در سخنش و در تربیت شاگردانش جاری می‌شود. بدین‌سان، آموزه‌ی «تغییر از درون» پلی می‌شود میان تجربه‌ی جنگ رمضان و رسالت معلم تمدن‌ساز؛ رسالتی که از درون انسان آغاز می‌شود و تا ساختن فردا امتداد می‌یابد.

### رسول بهنام

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## بادداشت دویست و شصت و شش نقش دانشگاه فرهنگیان در جهاد تبیین در جنگ رمضان

جنگ امروز ملت‌ها، تنها بر سر مرزهای جغرافیایی نیست؛ بلکه نبردی عمیق و پیچیده در عرصه ادراک، باور و هویت است؛ نبردی که از آن با عنوان «جنگ رمضان» یا همان جنگ شناختی و روایت‌ها یاد می‌شود. در این وضعیت، دشمن با ابزار رسانه، شبکه‌های اجتماعی، تحریف تاریخی و عملیات روانی می‌کوشد ذهن جامعه را از حقیقت دور کند. در چنین شرایطی، «جهاد تبیین» ضرورتی حیاتی و وظیفه‌ای همگانی است. دانشگاه فرهنگیان، به عنوان مهم‌ترین پایگاه تربیت معلم در کشور، در خط مقدم این جهاد قرار دارد. معلمان آینده، که در دانشگاه فرهنگیان تربیت می‌شوند، نقش راهبردی در شکل‌دهی ذهن، شخصیت و هویت نسل‌های آینده دارند. مهم‌ترین نقش این دانشگاه در جهاد تبیین را می‌توان در چند محور اساسی خلاصه کرد. نخست، دانشگاه فرهنگیان با تربیت معلمان بصیر، آگاه و تحلیل‌گر، زیرساخت انسانی جهاد تبیین را فراهم می‌کند. در این مراکز، دانشجومعلم با دانش‌های پایه‌ای همچون سواد رسانه‌ای، تاریخ معاصر، مبانی انقلاب و مهارت تحلیل وقایع آشنا می‌شوند. دوم، این دانشگاه با تولید محتوای علمی و پژوهشی، بخش مهمی از نیاز معرفتی جامعه را تأمین می‌کند. سوم، خروجی دانشگاه فرهنگیان یعنی معلمان، خود پیام‌آوران جهاد تبیین در مدارس هستند. چهارم، دانشگاه فرهنگیان با ترویج اخلاق مداری و رفتار معلمی در بین دانشجویمان، جهاد تبیین را از عرصه گفتار فراتر می‌برد و به عرصه عمل می‌کشد. معلمانی که خود الگوی صداقت، تلاش، ایمان و مسئولیت‌پذیری باشند، قدرتمندترین ابزار تبیین در جامعه هستند؛ زیرا عمل صالح، مؤثرتر از هر سخنرانی و توضیحی، حقیقت را روشن می‌سازد. درنهایت، نقش ارتباطی دانشگاه فرهنگیان با جامعه نیز قابل توجه است. برگزاری همایش‌ها، نشست‌های تبیینی، فعالیت‌های فرهنگی، تولید محتوای رسانه‌ای، این دانشگاه رابه یکی از کانون‌های اصلی روشنگری تبدیل کرده است. در مجموع، دانشگاه فرهنگیان در شرایط جنگ ادراکی و رسانه‌ای امروز، نهادی اثرگذار و خط مقدم جهاد تبیین است. این دانشگاه با تربیت معلمان بصیر، پژوهش‌های علمی، فعالیت‌های فرهنگی و نقش تربیتی در مدارس، سهم بزرگی در مقابله با جنگ روایت‌ها و حفظ هویت فرهنگی و انقلابی جامعه برعهده دارد.

### فروزان یوسف جمال

دکتری مدیریت ورزشی، مأمور آموزشی دانشگاه فرهنگیان پردیس امام جعفر صادق ع ایلام

## یادداشت دویست و شصت و هفت

### فلسفه مقاومت در تعلیم و تربیت: تقویت هویت و آگاهی

فلسفه مقاومت در حوزه تعلیم و تربیت به معنای تجهیز دانش‌آموزان و دانشجویان به ابزارهای شناختی، ارزشی و روحی برای حفظ هویت فرهنگی، ایمانی و ملی در مواجهه با جریانات فکری و فرهنگی غیرمطابق با سیاق اسلامی و ایرانی است. این رویکرد، تعلیم و تربیت را نه تنها به عنوان انتقال دانش، بلکه به عنوان فرآیندی فعال و انتخاب‌گرانه در جهت ساخت هویت مقاوم تغییر می‌دهد.

در این چارچوب، تربیت اخلاقی، آگاهی تاریخی، شناخت هویت ملی و اسلامی و تقویت تفکر انتقادی، از ارکان اصلی فلسفه مقاومت محسوب می‌شوند.

معلم نه صرفاً معلم دانش، بلکه راهنمای هویتی و مرجع ارزشی است که با ایجاد محیطی تعلیمی مبتنی بر احترام به هویت، ایمان و عزت ملی، دانش‌آموز را برای مقاومت در برابر نفوذ فرهنگی و پدیده جنگ و دفاع آماده می‌سازد.

فلسفه مقاومت، تعلیم و تربیت را به ابزاری برای تقویت تفکر و پاسخ‌دهی هوشمندانه به چالش‌های معاصر تبدیل می‌کند. در این رویکرد، تعلیم از تکرار سطحی و حفظ کردن خارج شده و به فعالیتی پویا و تولیدکننده تبدیل می‌گردد که در آن دانش‌آموز به عنوان فردی مسئولیت‌پذیر و هوشمند، به جای پذیرش ساده‌انگارانه افکار و بازگو کردن شنیده‌ها، با دیدی انتقادی و آگاهانه به جهان می‌نگرد.

جنگ رمضان تأکیدی بر این واقعیت است که تهدیدات، تغییر نمی‌کنند؛ بلکه تنها تغییر، روش‌های مقاومت است. در این راستا، تربیت اخلاقی، آگاهی تاریخی، شناخت اهداف دشمن و تقویت تفکر انتقادی، از ارکان اصلی فلسفه مقاومت محسوب می‌شوند.

فلسفه مقاومت همچنین بر ضرورت تقویت توانمندی‌های روحی، معنوی و اخلاقی دانش‌آموزان تأکید دارد، زیرا مقاومت واقعی، تنها در سطح فکری یا فرهنگی کافی نیست، بلکه نیازمند استواری درونی، شجاعت اخلاقی و پابندی به ارزش‌های عالی است.

**سارا عابدی کوشکی**

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان گلستان



## یادداشت دویست و شصت و هشت

### جنگ ترکیبی امروز؛ ضرورت دشمن‌شناسی و بصیرت اجتماعی پیشران رسالت تربیتی دانشگاه تمدن ساز

در عرصه پیچیده منازعات قرن اخیر، مفهوم جنگ ترکیبی به‌عنوان استراتژی اصلی سلطه‌گران برای تضعیف ملت‌ها ظهور یافته است. این پدیده که مجموعه‌ای از اقدامات همه‌جانبه نظیر جنگ روانی، اقتصادی، رسانه‌ای و تهدیدات سایبری را در بر می‌گیرد، با هدف شکستن اراده ملی و تضعیف بنیان‌های هویتی ملت بزرگ ایران طراحی شده است. در چنین شرایطی، دانشگاه تمدن ساز به‌عنوان کانون اصلی تربیت نسل آینده، رسالت خطیری در مقابله با این تهدیدات بر عهده دارد. دشمن‌شناسی و بصیرت اجتماعی؛ ستون‌های اصلی تعلیم و تربیت: در میان مؤلفه‌های دفاعی، شناخت دشمن نخستین گام ضروری و درسی بنیادین در نظام تعلیم و تربیت است. درک عمیق ابعاد توطئه‌ها و شناخت ماهیت شناختی دشمن که به دنبال نفوذ در لایه‌های نرم جامعه است، باید به‌عنوان بخشی از «دانش مورد نیاز» در دانشگاه‌های تمدن ساز تدریس و نهادینه شود. این شناخت، نقشه راهی برای خنثی‌سازی طراحی‌های دشمن و حفظ استقلال فرهنگی است. چنانکه رهبر شهید انقلاب رضوان‌الله‌علیه در تبیین بصیرت فرموده‌اند: «بصیرت یعنی اینکه انسان بداند دشمن چه نقشه‌ای دارد؛ اگر نقشه دشمن را شناخت، می‌تواند در مقابل آن بایستد». این فرموده نورانی، دقیقاً بیانگر هدف تعلیم و تربیت در دانشگاه تمدن ساز است؛ تربیت انسان‌هایی بصیر و آگاه. بصیرت اجتماعی به‌مثابه سپر دفاعی و ضامن تمدن سازی: بصیرت اجتماعی، به‌مثابه سپر دفاعی ملت و ابزاری برای حفظ دستاوردهای تمدنی عمل می‌کند. بصیرت، توانایی تشخیص حق از باطل در شرایط ابهام و جنگ روانی است. رسالت دانشگاه تمدن ساز آن است که این مؤلفه را در بدنه جامعه، به‌ویژه در میان نسل جوان و معلمان آینده تقویت کند تا طراحی‌های دشمن برای ایجاد یأس، بی‌تفاوتی و تفرقه بی‌اثر مانده و به جای آن، امید، وحدت و اقتدار ملی نهادینه گردد. بنابراین، تلفیق «دشمن‌شناسی» و «بصیرت اجتماعی» در سرفصل‌های درسی و تربیتی، ضامن اقتدار ملی و پیشران حرکت به‌سوی تمدن سازی نوین اسلامی خواهد بود.

امیر پورشاهرودی

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، استان گلستان

## بادداشت دویست و شصت و نه

### دگردیسی «تاب‌آوری» در تعلیم و تربیت؛ از «تحمل منفعلانه» به «طراحی هوشمندانه آینده»

در مواجهه با تلاطم‌های مستمر و بحران‌های پیچیده دنیای امروز، مفهوم «تاب‌آوری» نیازمند یک دگردیسی و بازتعریف بنیادین است. در نگاه سنتی و تقلیل‌یافته، تاب‌آوری غالباً به معنای «تحمل منفعلانه»، دندان روی جگر گذاشتن و صرفاً بقا در شرایط سخت تفسیر می‌شد؛ اما در پارادایم نوین تربیتی و تمدنی، این مفهوم باید به یک کنشگری فعال و «طراحی هوشمندانه آینده» ارتقا یابد. این تبدیل معنایی، مستلزم عبور نظام آموزشی از رویکردهای واکنشی و صرفاً محفوظات‌محور، به سمت «طراحی ذهنی-استراتژیک» است. بحران‌ها و فشارهای محیطی نباید تنها به‌عنوان یک تهدید فلج‌کننده نگریسته شوند، بلکه باید همچون یک «برنامه درسی زنده در بستر جامعه»، فرصتی برای توسعه مهارت‌های حل مسئله تلقی گردند. نسل جوان ما نه‌تنها باید منطق ایستادگی را درک کند، بلکه باید به ابزارهای علمی، تفکر سیستمی و فناوری‌های نوین مجهز شود تا بتواند از مرحله واکنش احساسی و «پاسخ به تهدید»، به مرحله عقلانی «پیش‌بینی و پیشگیری» گذر کند. در این گذار، مفهوم مقاومت از یک حالت تدافعی صرف خارج شده و با خلاقیت و برنامه‌ریزی آمیخته می‌شود. جوان تاب‌آور در این نگاه، قربانی منفعل شرایط، اخبار منفی یا استعمار ادراکی نیست؛ بلکه معماری است که با تکیه بر قانون «تغییر از درون» و خودباوری، نقشه راه فردا را پیش‌دستانه ترسیم می‌کند. رسالت خطیر نظام تعلیم و تربیت، به‌ویژه دانشگاه‌های مرجع، تربیت چنین انسانی است؛ انسانی که تاب‌آوری او نه در پذیرش تسلیم‌گونه‌ی رنج‌ها، بلکه در ترکیب دیالکتیکی «ایمان و امید» با «عقلانیت و برنامه‌ریزی» تجلی می‌یابد تا بتواند در دل سخت‌ترین طوفان‌ها، پیشران توسعه و استقلال جامعه خویش باشد.

احمد امدادی

عضو هیئت علمی گروه معارف، دانشگاه فرهنگیان قم

## یادداشت دویست و هفتاد

### مسئولیت اجتماعی نظام دانشگاهی در جنگ تحمیلی رمضان

از آن جا که دانشگاهها عضوی از نظام اجتماعی هستند، مسئولیت‌های خطیری در حوزه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر عهده دارند. آن‌ها اهداف و خط‌مشی‌های حیاتی و حساسی هم چون آموزش، تولید علم، نواندیشی، برنامه‌ریزی جهت توسعه علمی جامعه، ترویج فرهنگ علم‌آموزی، تربیت سیاسی-اجتماعی، عدالت خواهی و طرح و توسعه گفتمان انقلاب و ... را در دستور کار خود دارند و می‌توانند راهکارهای مناسبی را برای بسیاری از مشکلات جامعه فراهم آورده و یاری رسان جامعه در دستیابی به اهداف عظیم باشند؛ بنابراین رسالت دانشگاهها به دیوارهای کلاس درس و مرزهای معمول آموزش و پژوهش محدود نمی‌شود و عرصه مسئولیت اجتماعی آنها به حوزه‌های متنوعی از فضای اجتماعات ملی و بین‌المللی گسترش می‌یابد. در وضعیت کنونی که میهن عزیزمان مورد حمله متجاوزان قرار گرفته است، مسئولیت اجتماعی ایجاب می‌کند که نظام دانشگاهی در برابر مسائل پیرامون خود منفعل نماند. به‌ویژه اقدام دشمن به ترور شخصیت‌های سیاسی و نظامی، تخریب زیرساخت‌ها و تجاوز آن به مدارس کشور و ستاندن جان فرشته‌های معصوم و بی‌گناه، این مسئولیت را دو چندان می‌نماید. امروزه دشمن در جبهه‌های متعدد بدنبال آسیب‌رسانی به میهن عزیز است و یکی از امیدهای آن پیروزی در همه عرصه‌ها به‌ویژه جنگ شناختی است تا از این مسیر عزم و اراده ملی مردم را خدشه‌دار نماید. لذا در این راستا مشارکت نظام دانشگاهی به‌ویژه اعضای هیئت علمی، نقش مؤثری در رشد بصیرت و آگاهی‌بخشی فراگیران، اعضای جامعه، ترویج فضیلت‌های شهروندی، میهن‌دوستی و دفاع از مرزهای وطن دارد؛ به‌طور قطع این ارزش‌ها در پرتو احساس مسئولیت اجتماعی رشد می‌یابد. دانشگاه فرهنگیان نیز به‌عنوان یکی از مراکز مهم نظام آموزش عالی، با استعانت از خداوند متعال تاکنون در همه عرصه‌های اجتماعی با آرمان‌های انقلاب همگام بوده و این مسیر را مستمر خواهد پیمود.

### محبوبه شکرالهی

استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان زنجان

## یادداشت دویست و هفتاد و یک

### تعلیم و تربیت، گهواره غیرت ملی و سنگر سازندگی در برابر تجاوز

اگر خاک وطن، هویت یک ملت است، مدرسه و خانه، کارگاه اصلی شکل‌دهی به هویت‌سازان فردای آن ملت محسوب می‌شوند. کودک در دامن خانواده و نوجوان در مدرسه، باید وطن را نه فقط به‌عنوان یک سرزمین، که به‌مثابه یک «امانت» بیاموزد. امانتی که باید از آن پاسداری کند و در برابر متجاوز از آن دفاع نماید. اینجاست که پیوند عمیق میان تعلیم و تربیت و روحیه مقابله با تجاوز خارجی شکل می‌گیرد.

محور اساسی نقش تعلیم و تربیت:

۱. هویت‌بخشی و خودآگاهی تاریخی: نظام تعلیم و تربیت موظف است هویت ملی و تاریخی را به نسل جدید بشناساند. دانش‌آموزی که بداند این خاک چه قهرمانانی را در خود پرورده و چه تمدنی را بنیان نهاده، به‌طور طبیعی در برابر هرگونه تعرضی به این میراث، احساس مسئولیت می‌کند. درس تاریخ، ادبیات و جغرافیا، زمانی به سنگر تبدیل می‌شوند که روایتگر عظمت این مرز و بوم و حماسه‌های ایستادگی پیشینیان باشند.

۲. تقویت روحیه «ما می‌توانیم»: دشمن متجاوز، همیشه با ابزار نظامی وارد نمی‌شود گاهی با تزریق ناامیدی و القای عقب‌ماندگی، روحیه یک ملت را هدف می‌گیرد. رسالت تعلیم و تربیت، پرورش نسلی خلاق، مبتکر و باورمند به توانایی‌های داخلی است. دانش‌آموزی که می‌آموزد که می‌تواند وسیله‌ای را بسازد فردا در برابر دشمن، سر تعظیم فرود نخواهد آورد.

۳. تربیت نسلی ایثارگر و جمع‌گرا: شاخصه اصلی وطن‌دوستی در برابر دشمن، «ایثار» است. نظام تربیتی باید با ترویج فرهنگ نوع‌دوستی و فداکاری، روحیه جمع‌گرایی را جایگزین فردگرایی کند. نسلی که در مدرسه بیاموزد که «خوشبختی جمعی» بر «منفعت شخصی» مقدم است، در روز مبدا نیز از مال و جان خود برای حفظ وطن خواهدگذشت.

### علی بازوند

گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان لرستان

## یادداشت دویست و هفتاد و دو

### جامعه فرهنگیان کأرضیه حضاریه للنهضة الإسلامية وبناء الإنسان المقاوم

ينبغي أن نشير إلى الدور الحيوي لجامعتنا فرهنگیان بصفتها «جامعه حضاریه» استناداً إلى رؤية مكتب الشهيد خامنئي (رحمه الله وأسكنه في الجنة). إن هذا المكتب يؤكد بشدة على أن «التعليم بداية كل شيء» وأن المعلم هو العمود الفقري للتحويلات المجتمعية الكبرى. فجامعه فرهنگیان ليست مجرد معهد أكاديمي، بل هي منصة لبناء «الإنسان الإسلامي-الإيراني» المتكامل الذي يحمل رسالة التمدن.

في هذا السياق، تتضح أهمية الجامعة كقلب نابض للمقاومة العلمية والثقافية، وخصوصاً خلال «حرب رمضان» آلتی شهدھا شهر اسفند ۱۴۰۴. ففي خضم الممارك آلتی تستهدف هوية الأمة، يصبح إعداد جيل من المرين الواعين والمسلحين بالمعرفة والقيم الإسلامية خط الدفاع الأول عن استقلالنا وسيادتنا. إن هذه الجامعة تعمل على غرس روح الجهاد والصمود في نفوس طلابها، ليكونوا قادة فكر في ميادين الحرب والسلم، مجسدين بذلك نظرية «المقاومة والاقتدار».

ومن المنظور الاجتماعي والنفسي، تتحمل جامعتنا مسؤولية تربية «الطالب-المعلم» على أساس «معرفة العدو» بعمق، مما يمنحه مناعة فكرية ضد الحرب الناعمة. ففهم سيكولوجية العدو وأساليبه يرسخ لدى الطالب حب الوطن والانتماء الحقيقي، ويحول الهوية الوطنية إلى قوة داخلية دافعة. إن بناء شخصية متوازنة نفسياً وتمسكة بالقيم، هو جوهر التمدن المنشود الذي يصمد في وجه الأزمات.

ختاماً، إن الاستثمار في التعليم وفق هذه الرؤية هو الضمان الأكيد لتحقيق النصر وبناء حضارة باقية. وفقنا الله لخدمة العلم والوطن.

### فائزه پسندی

استادیار رشته زبان و ادبیات عربی- دانشگاه فرهنگیان- دانشکده علوم انسانی اصفهان

## بادداشت دویست و هفتاد و سه برنامه درسی و هویت ملی در دانشگاه فرهنگیان

برنامه‌های درسی در نظام تعلیم و تربیت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند بطوریکه ارکان اصلی آن را تشکیل می‌دهد با توجه به اینکه دانشگاه باعث تغییرات جدی در جامعه می‌شود و باید خود را برای دنیای مدرن امروز آماده کند و سازگار با تحولات پرشتاب جهان باشد لذا برای همگام شدن با این تغییرات، برنامه‌های درسی می‌توانند تحولات خاص را در دانشگاه ایجاد نمایند.

دانشگاه فرهنگیان با توجه به رسالت عظیمی که دارد از یک سو باید خود را با جهان مدرن و تحولات آن هماهنگ کرده و از سوی دیگر هویت ملی و دینی دانشجویان را تقویت نماید لذا در برنامه‌های درسی خود باید این سیر جدید جهانی شدن و استفاده از فناوریهای جدید و نوظهور را گنجانده و اما در بحث هویت ملی و دینی باید روحیه ایثار، ظلم ستیزی، شهادت‌طلبی، کمک به هم نوع و رشد همه‌جانبه شخصیت افراد، گنجانده شود.

زیرا انتخاب محتوای مطلوب، متناسب با ماهیت فراگیران می‌تواند این رشد را شامل شود و افرادی را تحویل جامعه دهد که برای آن جان بدهند در این جنگ رمضان که بر کشور عزیزمان تحمیل شد رشد و تقویت هویت ملی و ایستادگی در برابر ظلم و ستم استکبار جهانی بیشتر از همه خود را نشان داد اگر برنامه درسی در تقویت رشد همه‌جانبه بوده باشند یعنی توانسته است افراد را برای این نقش مهیا و آماده کنند.

در برنامه‌های آشکار آنچه در سرفصل دروس آمده است بدون کم و کاست تدریس می‌شوند در برنامه درسی پنهان با توجه به ماهیت کلاس می‌تواند اتفاق بیفتد و در برنامه درسی پوچ و عقیم وظیفه استاد درس مربوطه است که آن را با توجه به وضعیت کشور، آموزش دهد یعنی همانا آموزش مردانگی، استقامت، الگوپذیری، ظلم ستیزی، استکبار ستیزی و...

### حسین عباسی

عضو هیئت علمی گروه آموزش ابتدایی، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان همدان

## یادداشت دویست و هفتاد و چهار جنگ رمضان و مکتب تربیتی رهبر شهید انقلاب از منظر نظریه یادگیری شناختی-اجتماعی

پس از آغاز جنگ، بی تردید دو موضوع سبب تعجب و تحسین جامعه بین الملل و برهم خوردن تمام محاسبات و آشفته‌گی و سردرگمی دشمنان شده است:

۱- شجاعت، ایستادگی و مقاومت مردم و فرزندان این ملت با تسلیحات و تجهیزات بومی در مقابل دشمن تا دندان مسلح.

۲- استوار ماندن دژ مستحکم انقلاب و ملت پس از شهادت قائد امت اسلامی و سایر مقامات نظامی و سیاسی

شاید بتوان این دو موضوع را از ابعاد گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی مورد بررسی قرار داد؛ اما در این گفتار کوتاه از دید روانشناسی یادگیری و از دریچه‌ی دیدگاه نظریه یادگیری شناختی-اجتماعی (social-cognitive) به آن‌ها پرداخته می‌شود.

در این دیدگاه یادگیری اینگونه تعریف می‌شود:

«ایجاد تغییرات شناختی، عاطفی و رفتاری بر اثر مشاهده رفتارها (الگو)»

بر این اساس مشاهده رفتارهای فرد الگو؛ سبب یادگیری (تغییرات) در زمینه دانسته‌ها، خواسته‌ها و عواطف، و رفتار افراد می‌گردد. الگوی رفتاری ملت ایران رهبری بود که زندگی‌اش سراسر درس بود رهبری که هیچگاه قامتش نه در مقابل مصائب کشور و نه حتی برای رفتن به پناهگاه هرگز خم نشد. رهبری که پس از یک عمر مبارزه و مجاهدت، حتی شهادتش الگوی شجاعت، ایستادگی و مقاومت و خدمت به ملتش بود و در آخرین درس، شهادتش انگیزش لازم برای بالفعل کردن یادگیری‌های بالقوه را فراهم کرد. پس انتظار از شاگردان و یادگیرندگان از این الگو و مکتب چیزی جز مقاومت و ایستادگی نیست و درک و تبیین شجاعت و ایستادگی فرزندان این ملت در جبهه جنگ و استواری این نظام در بحران‌ها برای ما سهل، اما برای دشمنان دشوار است، چون با این الگوها و این مکتب ناآشنا و نامانوس بوده و خواهند بود.

سعید محمدی مولود

مأمور آموزشی دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان همدان

## یادداشت دویست و هفتاد و پنج

### روان‌شناسی مقاومت: تحلیل علمی تقابل با استکبار و پدیده قلدری

تبیین روان‌شناختی مقاومت در برابر استکبار، تلاقی‌گاه جذاب روان‌شناسی تکاملی و اجتماعی است. در مقیاس علمی، استکبار بین‌المللی با پدیده «قلدری (Bullying)» در مقیاس فردی شباهت ساختاری دارد؛ هر دو بر پایه «عدم توازن قدرت» و «تکرار آزار با هدف سلطه» بنا شده‌اند. مستکبران از استراتژی «درماندگی آموخته‌شده» (مارتین سلیگمن) استفاده می‌کنند تا قربانی را به بی‌اثری تلاش‌هایش باورمند کنند. مقاومت، شکستن این چرخه و بازیابی «عاملیت» (Agency) است. وقتی ملتی ایستادگی می‌کند، از وضعیت «شی‌وارگی» خارج شده و دوباره به کنشگر تبدیل می‌شود؛ فرآیندی که سیستم پاداش مغز را فعال و تاب‌آوری ملی را به‌صورت تصاعدی بالا می‌برد. طبق پروتکل‌های علمی برخورد با قلدری (سازش)، «تطمیع» یا «سکوت» هرگز قلدر را متوقف نمی‌کند، بلکه به‌عنوان «تقویت مثبت» برای تشدید حملات عمل می‌کند. مقاومت تنها راه تغییر محاسبات هزینه-فایده در ذهن مستکبر است. تاریخ نشان داده عقب‌نشینی در برابر زورگویی (مانند تجربه قرارداد مونیخ در جنگ جهانی دوم)، صرفاً آشتهای قلدر را بازتر می‌کند. در ادبیات حماسی ما نیز تقابل با ضحاک (نماد استکبار اسطوره‌ای)، ضرورتی برای بقای «خرد» است. از منظر روان‌شناسی تحلیلی یونگ، «قهرمان» کسی است که با سایه‌های قدرت روبرو می‌شود تا نظم را به جهان بازگرداند. درنهایت، برخلاف تصور سطحی، هزینه‌های روانی و اجتماعی «سلطه‌پذیری» (مانند افسردگی جمعی و فروپاشی اعتمادبه‌نفس ملی) به مراتب مخرب‌تر از هزینه‌های مادی مقاومت است. مقاومت یک «مداخله روان‌شناختی استراتژیک» برای جلوگیری از تثبیت الگوی رفتاری «ظالم-مظلوم» است. همان‌طور که در روان‌شناسی، اصل بر «قاطعیت (Assertiveness)» در برابر ساختارهای ناعادلانه است، مقاومت نیز ضرورتی بیولوژیک و عقلانی برای حفظ بقا و کرامت انسانی در برابر اراده‌های سلطه‌گر محسوب می‌شود.

مریم شمسی فر

استادیار گروه آموزش راهنمایی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان خرم آباد، استان لرستان.



## یادداشت دویست و هفتاد و شش

### دور جامعه اعداد المعلمین (فرهنگیان) فی تعزيز ثقافته المقاومة: «معركة رمضان ۱۴۰۴» أنموذجا

إن معركة رمضان ۱۴۰۴ ليست مجرد صراع عسكري مع أميركا والكيان الصهيوني، بل هي معركة شاملة على «الإرادات» و «الهويات». وفي خضم هذه الأحداث، يضطلع طلاب المعلمين، بوصفهم المنفذين الرئيسيين لوثيقة التحول الجوهري، بدور يتجاوز دور المواطن العادي. فاستناداً إلى هذه الوثيقة، تتمثل رسالة نظام التعليم والتوجيه في قيادة المتربين نحو «الحياة الطيبة»، وهو الهدف الذي يكتسي في خضم عواصف القصف والهجمات الصاروخية معنى أكثر عمقاً.

في الأيام التي يسعى فيها العدو، من خلال مهاجمة البنى التحتية الحيوية، إلى إرغام الأمة الإيرانية على الركوع، أثبت القائمون على شؤون التعليم والتربية، من خلال استمرار دورة التعليم حتى في الظروف الافتراضية والحربية، أن العدو الحقيقي للأمة الإيرانية هو «الجهل والخوف». لقد حصنوا، بتدريسهم وتعليمهم، معقل الصمود في وجه الحرب المعرفية للعدو.

فإن دور القائمين على التعليم والتربية في هذه المرحلة ليس مجرد نقل المعرفة، بل هو «جهاد التبیین» وتحييد و تفنيد الشبهات إلى جانب التعليم. وإذا استطاعت الدفاعات الجوية الإيرانية استهداف المقاتلات الأميركية المتطورة من طراز F-35، فإن الأساتذة والمعلمين، على الجبهة الناعمة، يطلقون صواريخهم الدفاعية المتمثلة في تعزيز البصيرة وتربية جيل صامد. وهم، وفقاً لوثيقة التحول، مكلفون بتربية تلاميذ يتحلون بروح التكليف والثورية في الميادين الصعبة، مثل شهداء التلاميذ في زمن الدفاع المقدس.

في الختام، إن استمرار عزة وأمن إيران الإسلامية مرهون بتربية معلمين ملتزمين ومتخصصين يكونون، في قاعات الدرس، المفسرين الحقيقيين للصمود والشباب في وجه الظلم العالمي.

### هدایت‌الله تقی‌زاده

عضو هیئت التدریس فی قسم تعلیم اللغة الفارسیة وآدابها بجامعة فرهنگیان، طهران، ایران.

## یادداشت دویست و هفتاد و هفت «نَحْنُ مُنْتَقِمُونَ»؛ تأملی تربیتی در پرتو جنگ رمضان

عبارت قرآنی «نَحْنُ مُنْتَقِمُونَ» در نگاه نخست یادآور انتقام است، اما در ژرفای معنا، بیانگر حقیقتی عمیق از سنت الهی است؛ سنتی که بر عدالت استوار است و به انسان هشدار می‌دهد که ظلم، هرگز بی‌پاسخ نمی‌ماند. در این افق، «انتقام الهی» نه جلوه‌ای از خشم، بلکه نمود برقراری عدالت و بازگشت پیامد اعمال انسان است؛ قانونی تربیتی که تاریخ و سرنوشت ملت‌ها را شکل می‌دهد.

اگر به تجربه‌های بزرگ انسانی بنگریم، درمی‌یابیم که تحقق عدالت، پیش از هر چیز از تحول درونی انسان‌ها آغاز می‌شود. جنگ رمضان نیز در چنین افقی قابل فهم است. در آن میدان، آنچه سرنوشت‌ساز بود، تنها تجهیزات یا آرایش‌های نظامی نبود؛ بلکه ایمان، استقامت و خودسازی انسان‌هایی بود که پیش از هر رویارویی بیرونی، در درون خویش با ترس و تردید مبارزه کرده بودند. آنان آموخته بودند که عدالت خواهی، بدون تربیت نفس و استواری اخلاقی، به نتیجه‌ای پایدار نمی‌رسد.

برای دانشگاه فرهنگیان، این حقیقت پیامی تربیتی دارد. رسالت معلم تنها انتقال دانش نیست؛ بلکه پرورش نسلی است که معنای عدالت، مسئولیت و کرامت انسانی را درک کند. معلم آینده باید بداند که آموزه‌هایی چون «نَحْنُ مُنْتَقِمُونَ» بیش از آنکه پیام خشونت باشد، دعوتی است به هشیاری اخلاقی و مسئولیت‌پذیری؛ یادآوری اینکه جهان انسانی، بازتاب رفتار و انتخاب‌های ماست.

از این رو، معلمی که در دانشگاه فرهنگیان پرورش می‌یابد، باید پیش از ساختن جامعه، به ساختن خویش بپردازد؛ زیرا عدالت اجتماعی از کلاس درس آغاز می‌شود؛ از جایی که معلم، با تربیت انسان‌های آگاه و مسئول، آینده‌ای عادلانه‌تر را رقم می‌زند.

محمد مجید پورخوئی

عضو هیئت علمی گروه آموزش الهیات، معارف و تربیت اسلامی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت دویست و هفتاد و هشت درباره تربیت سیاسی در میدان جنگ

تربیت سیاسی در میدان جنگ به معنای آموزش و تربیت افرادی است که در شرایط بحرانی و جنگی قرار دارند تا بتوانند تصمیمات سیاسی و استراتژیک مناسبی اتخاذ کنند. این نوع تربیت شامل موارد زیر است:

آگاهی از تاریخ و سیاست: فهم تاریخ جنگ‌ها و سیاست‌های گذشته می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های بهتر کمک کند.

تحلیل شرایط: توانایی تحلیل وضعیت‌های پیچیده و درک عواقب تصمیمات در میدان جنگ. رهبری و مدیریت: آموزش مهارت‌های رهبری برای هدایت نیروها و مدیریت منابع در شرایط بحرانی.

اخلاق و ارزش‌ها: تأکید بر اصول اخلاقی و انسانی در تصمیم‌گیری‌ها، حتی در شرایط جنگ. همکاری و ارتباطات: تقویت مهارت‌های ارتباطی و همکاری با دیگران برای ایجاد اتحاد و هماهنگی.

تربیت سیاسی در میدان جنگ می‌تواند به ایجاد فرصت‌هایی برای تربیت و پرورش افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیران آگاه کمک نماید که قادر به مدیریت چالش‌های پیچیده جنگ و تأثیرات آن بر جامعه باشند.

محسن امیری

مأمور آموزشی گروه ریاضی دانشگاه فرهنگیان کرمان

## یادداشت دویست و هفتاد و نه

### تربیت در عصر سلطه و تجاوز: آموزه‌هایی از کتاب «دریغ است ایران که ویران شود»

حتماً این روزها شبکه یک، بعد از اذان مغرب، برنامه «قرآن و جامعه» با روایت چهره‌ای نجیب، علمی و البته ناآشنا را دیده و شنیده‌اید، او کسی نیست جز پرفسور فرامرز رفیع‌پور نویسنده کتاب «دریغ است ایران که ویران شود». این کتاب اثری برجسته در تحلیل جامعه‌شناختی است که با رویکردی میان‌رشته‌ای و تاریخی، پیوندی عمیق میان تربیت فردی، استحکام هویت ملی و ایمانی، و مقاومت در برابر سلطه و تجاوز خارجی ترسیم می‌کند. از جهت فلسفهٔ علم نیز، اثر را می‌توان تلاشی برای «تبیین جامع» دانست؛ یعنی مدلی که می‌کوشد عوامل متعددی را در کنار هم بنشانند و از تقلیل‌گرایی دوری کند. این تلفیق‌گرایی، هم نقطه قوت اثر است- زیرا تصویری چندبعدی و منسجم ارائه می‌دهد. نویسنده با استناد به روندهای دویست تا سیصد سال اخیر، نشان می‌دهد که فهم جامع و علمی رویدادهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کلان، بدون درک تاریخ استعمار امری محال و ناپذیرفتنی است؛ و تلاش برای چنین فهم ناقصی، اگر نگوئیم تلاشی نابخردانه، قطعاً غیر علمی است. این کتاب بیانگر آن است که ضعف در پایه‌های آموزشی و تربیتی، از جمله مسئولیت‌ناپذیری جمعی و تربیت مصرف‌گرا، مستقیماً به تضعیف هویت ملی و ایمانی منجر می‌شود و جامعه را در برابر سلطه و تجاوز خارجی آسیب‌پذیر می‌سازد. زمانی که نسل‌ها درک درستی از ریشه‌های فرهنگی، تاریخی و تمدنی خود نداشته باشند، بنیان‌های هویتی متزلزل گشته و استقلال فکری و فرهنگی به مخاطره می‌افتد. نکات تربیتی ارائه شده در کتاب، به ابزارهایی بنیادین برای تقویت هویت ملی و ایمانی و مقابله با سلطه فرهنگی و فکری خارجی بدل می‌شوند. تربیت صحیح بدین‌سان، نه صرفاً فرآیندی فردی، بلکه سنگ بنای مقاومت جمعی و حفظ استقلال ملی در برابر چالش‌های پیچیدهٔ عصر حاضر، به‌ویژه در مواقع سلطه و تجاوز خارجی است.

رحمت الله محمودی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی.

## یادداشت دویست و هشتاد

### ایرانِ حسین (ع) باتریتِ حسینی تا ابد پاینده و پیروز است

فلق نزدیک است

در پهنه بیکران تاریخ و در قلب تپنده جغرافیای بصیرت، نام مقدس «ایران اسلامی» همچون نگینی درخشان بر تارک جهان می‌درخشد؛ سرزمینی که به برکت ولایت، مهد تمدنی نوین و خاستگاه حماسه‌هایی بی‌بدیل گشته است. این مرز پرگهر، با تکیه بر هویت «شیعه» و تمسک به ریسمان الهی، مسیری را برگزیده که سرانجام آن شکوهی ابدی است. ایران، امروز نه تنها یک جغرافیا، بلکه یک آرمان است؛ آرمانی که در پرتو مجاهدت‌های نستوه، «پایدار و متحد» در برابر تندبادهای فتنه‌گران ایستاده و هیبت پوشالی مستکبران را به زانو درآورده است. استمرار این شکوه و رسیدن به قله‌های فتوحات نهایی، در گرو کیمیای «تربیت تمدن ساز» است. این نظام تربیتی، که ممزوجی از عرقِ ملی، حکمتِ اسلامی و بصیرتِ شیعی است، شاکله اصلی اقتدار ما را می‌سازد. جایگاه تربیت در این مسیر، جایگاه بذری است که در خاکِ غیرتِ ایرانی و با بارانِ معرفتِ وحیانی رشد کرده و ثمره‌اش «رویش‌های دهه‌های هفتاد، هشتاد و نود» است؛ نسلی که علیرغم تفاوت بانسلهای قبلیش وریش‌ها. پرورش یافته در تراز انقلاب اسلامی و میراث‌دار راستینِ شجاعت و آگاهی‌اند. این نسل نوحاسته، در سایه تربیتی که ریشه در توحید و ولایت دارد، چنان با «اعتقادِ راسخ به وعده الهی» پیوند خورده است که هیچ قدرتی را بالاتر از قدرت لایزال حق نمی‌بیند. اینجاست که اثر شگرف تربیتِ عاشورایی رخ می‌نماید؛ آنجا که برای نوجوانان و جوانانِ تربیت‌یافته در مکتب سلیمانی‌ها، «هراس از مرگ» رخت برمی‌بندد. در نگاه این نسل، شهادت نه یک پایان، بلکه والاترین درجه از هویت ملی و دینی و آغازی سرخ برای رسیدن به حیات طیبیه است. رمز ماندگاری این امت، حرکت «با دو بال» پولادین است که محصول مستقیم همین نظام تربیتی است. بال نخست، «اعتقاد به عاشورا» است؛ همان شور حماسی که درس حریت را در رگ‌های فرزندان این مرز و بوم جاری ساخته است. بال دوم، «ایمان به منجی عالم (عج)» است؛ شعور مهدوی که انتظار سازنده را به راهبرد حرکت نسل آینده تبدیل می‌کند. بی‌تردید در این کارزار نهایی، ملتی که جانِ فرزندانش با مؤلفه‌های ملی، اسلامی و آزادی‌عجین شده و مجهز به سلاح اخلاص باشد، به اذن پروردگار «قطعاً پیروز است». آری، فلق نزدیک است و این پرچم فتح، به زودی به دست خورشید عدالت، حضرت بقیةالله الاعظم (ارواحنا فداه) سپرده خواهد شد تا جهان را از عدل و داد آکنده سازد.

زهرا سعیدی تبار

مأمور آموزشی گروه معارف دانشگاه فرهنگیان تهران

## یادداشت دویست و هشتاد و یک

### Post Invasion Mission

The events unfolding during this Ramadan demand a profound reflection on the role of education in shaping our nation's future. As a member of the faculty at Farhangian University, I believe that the resilience of the believing Iranian people in the face of adversity is a testament to the enduring strength of our national and Islamic character. It is our responsibility, as educators, to cultivate this resilience within the next generation, fostering a deep sense of patriotism and unwavering commitment to our national and religious values. This requires a curriculum that not only imparts knowledge but also instills a critical understanding of the forces shaping our worldview.

We must equip our students with the ability to discern truth from falsehood, to analyze complex situations with clarity, and to defend our nation's sovereignty with intellectual rigor. This is not merely about imparting specific ideologies, but about nurturing a spirit of inquiry, critical thinking, and unwavering dedication to the principles of justice and freedom.

The current challenges underscore the vital importance of the University of Farhangian University as a center for intellectual leadership and a beacon of hope for the future. Let us redouble our efforts to cultivate a generation of educators and citizens who are prepared to navigate the complexities of our time and contribute to a brighter future for Iran.

**Mohammad Reza Khodadust**

Department of English Language Teaching, Farhangian University, East Azerbaijan

## بادداشت دویست و هشتاد و دو از اسطوره‌های شمشیر تا اوج تکنولوژی\_ درس‌هایی در سایه ایمان و تربیت

در تاریخ پرفراز و نشیب بشری، نام «عمرو بن عبدود» به‌عنوان اسطوره شجاعت و قدرت فردی در دوران جاهلیت می‌درخشید. سی سال فرمانروایی بی‌رقیب در میدان نبرد، القابی چون «اشجع العرب» و «فارس لیل»، و هیبتی که دل‌ها را به تسخیر درمی‌آورد، او را به اسطوره‌ای شکست‌ناپذیر بدل ساخته بود؛ اما این اسطوره، درنهایت در برابر شجاعت، اقتدار و ایمان راسخ امام علی علیه‌السلام که از تربیت الهی سرچشمه می‌گرفت، فرو ریخت. غلبه بر او، نه صرفاً نتیجه‌ی مهارت فردی، بلکه تجلی قدرت ایمان و اتکال به خداوند بود؛ توکل بر او که فرمود: «حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ» (توبه: ۱۲۹) این خود درسی بنیادینی است که چگونه تربیت صحیح و باور قلبی می‌تواند بر هر نیروی ظاهری غلبه کند. امروزه، در عصر تسلط تکنولوژی، جنگنده F-35 به‌عنوان تجسمی از برتری نظامی و شکست‌ناپذیری معرفی می‌شود. این «شبح پرنده»، با ادعای پنهان ماندن از دید حتی خالق و جایگاه «اشبح الاشباح»، نماد صلابت و پیشرفت فناوری نظامی غرب گردید؛ اما تاریخ، گویی در تکراری شگرف، بار دیگر نشان داد که هیچ اسطوره‌ای، هرچند مجهز به پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها، از گزند اراده‌ی قوی، ایمان راسخ و تدبیری دور از انتظار دشمن در امان نیست. فرود آوردن این جنگنده، نه‌تنها حاصل تکنولوژی برتر، بلکه تجلی قدرت رزم، دور از انتظار دشمن و در سایه تکیه بر الطاف الهی بود. این واقعه، پرسش‌های بنیادینی را در میان محافل نظامی جهان برانگیخت و این حقیقت را آشکار ساخت که پیروزی‌های تعیین‌کننده، ریشه در عواملی عمیق‌تر از تجهیزات صرف دارند؛ عواملی که در بستر تربیت صحیح و پرورش روحیه استکبارستیزانه شکل می‌گیرند و درنهایت، قدرت‌های مدعی را به چالش می‌کشند، که فرمود دوری جستن از ظالمان را سرلوحه قرار دهید. (هود: ۱۳) این عبرتی است برای همگان که در سایه ایمان و تربیت، می‌توان بر بلندای تکنولوژی نیز ایستاد و اسطوره‌های پوشالی را در هم شکست.

### یزدان جعفری

عضو هیئت علمی گروه معارف و الهیات دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

## یادداشت دویست و هشتاد و سه بیداری خودی؛ درسی از اقبال برای تربیت معلم

اقبال لاهوری در یکی از مشهورترین سروده‌های خود می‌گوید:

خودی را بیغذا ای جوان پاک‌نهاد  
که با خودی، جهان دیگری توان نهاد

در اندیشه اقبال، «خودی» همان جوهر بیداری و کرامت انسان است؛ نیرویی درونی که اگر پرورش یابد، انسان را از انفعال و بی‌هویتی رها می‌کند و او را به سازنده سرنوشت خویش بدل می‌سازد. از نگاه او، ملت‌ها نیز زمانی به بالندگی می‌رسند که این روح بیداری و مسئولیت در جان افرادشان زنده شود.

تجربه‌های بزرگ تاریخی نیز نشان داده‌اند که هر تحول ماندگاری، نخست در درون انسان‌ها شکل می‌گیرد. در میدان‌هایی مانند جنگ رمضان، آنچه بیش از هر چیز جلوه دارد، روح استقامت، ایمان و خودباوری انسان‌هایی است که پیش از هر اقدام بیرونی، در درون خویش به بیداری رسیده‌اند. این بیداری همان چیزی است که اقبال از آن به «تقویت خودی» یاد می‌کند.

برای دانشگاه فرهنگیان، این اندیشه پیام روشنی دارد. معلمی که قرار است نسل آینده را تربیت کند، پیش از هر چیز باید خودآگاهی، مسئولیت‌پذیری و اعتماد به توانایی انسان را در وجود خویش پرورش دهد. کلاس درس تنها محل انتقال معلومات نیست؛ بلکه جایی است که روح امید، اراده و خودباوری در دل شاگردان شکل می‌گیرد.

از این رو، پیام اقبال را می‌توان چنین فهمید:

تربیت حقیقی از بیداری درون انسان آغاز می‌شود؛ و معلم، در این مسیر، کسی است که با پرورش «خودی» در خویش و شاگردانش، راه ساختن آینده‌ای روشن‌تر را هموار می‌کند.

### رسول بهنام

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی



## بادداشت دویست و هشتاد و چهار گفت‌وگو با کودکان درباره مرگ

در شرایط کنونی که ایران عزیز ما آماج هجوم دشمنان قرار گرفته و بسیاری از خانواده‌ها با فقدان عزیزان شهیدشان مواجه‌اند، گفتگو با کودکان درباره «مرگ» ضرورتی دوچندان دارد. کودکان نیازمند پاسخ‌های صادقانه و بستری امن برای بیان احساساتشان هستند. برای یاری به آن‌ها در این مسیر دشوار، چهار اصل بنیادین در فهم مرگ وجود دارد که باید با ظرافت و صداقت به آن‌ها منتقل شود:

۱. برگشت‌ناپذیری مرگ: باید از استعاره‌هایی که مرگ را به سفری کوتاه تشبیه می‌کنند (مثل رفتن به جای دور) پرهیز کرد، زیرا امید واهی به بازگشت، سوگواری را دشوار می‌کند. در فرهنگ ما، باور به حیات جاودانی شهیدان که نزد خداوند جایگاه رفیع دارند، می‌تواند تسکینی عمیق برای قلب‌های کوچک کودکان باشد.

۲. پایان کارکردهای جسمانی: کودک باید بداند فرد فوت شده یا شهید دیگر درد، گرسنگی یا رنجی ندارد. این آگاهی مانع از بروز نگرانی‌های بیهوده در ذهن کودک درباره وضعیت جسمانی فرد از دست‌رفته می‌شود.

۳. حتمی بودن مرگ: مرگ بخشی از چرخه حیات است و گریزناپذیر. وعده‌هایی مانند «من یا دیگر عزیزان هیچ‌وقت نمی‌میریم» تنها کودک را گیج می‌کند و ممکن است باعث شود او مرگ دیگران را نوعی تنبیه یا انتخاب بداند. باید توضیح داد که مرگ در راه دفاع از میهن، والاترین سرنوشت و انتخابی آگاهانه برای حفاظت از فضایل انسانی است.

۴. توضیح علت مرگ: پنهان‌کاری، ترس و احساس گناه در کودک ایجاد می‌کند. باید علت فیزیکی مرگ را با زبانی ساده توضیح داد تا کودک تصور نکند رفتار یا افکار او نقشی در این اتفاق داشته است.

با درک این مفاهیم، می‌توانیم فرزندانمان را در عبور از این روزهای سخت یاری دهیم تا با روحیه‌ای مقاوم و قلبی مطمئن، به‌سوی آینده روشن ایران گام بردارند.

### مرتضی براتی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان خوزستان

## یادداشت دویست و هشتاد و پنج

### پژواک خون، رویش بصیرت، پیمان دوباره با آرمان‌ها: پاسداشت شهدا و تجدید بیعت با رهبری

۲۰ روز از شهادت مظلومانه قائد عظیم الشان حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای (قدس الله نفسه الزکیه) و همچنین شهادت سرداران، تعدادی از مسئولین، لاله‌های پر پر شده میناب و دیگر عزیزان در راه دفاع از آرمان‌های اسلامی می‌گذرد. این شهادت‌ها برای ما سنگین بود، اما درعین حال، فرصتی برای تجدید پیمان با آرمان‌های شهدا و تقویت ایمان و بصیرت در جامعه فراهم آورده است. جنگ رمضان، فراتر از یک نبرد نظامی، یک پدیده تربیتی محور بود که بذره‌های امید و بصیرت را در دل نسل جوان کاشت. این شهادت‌ها، پژواکی از آن خون‌هاست که فریاد بصیرت و مقاومت را در گوش جامعه طنین‌انداز می‌کند. جنگ رمضان، کلاس درسی بی‌نظیر برای تربیت سیاسی نیروهای انقلابی است. این تربیت، فراتر از تلقین ایدئولوژی صرف، به درک عمیق از ماهیت دشمن، تحلیل شرایط پیچیده جنگ و اتخاذ تصمیمات استراتژیک در لحظات حساس منجر شد. از منظر نظریه پردازان روابط بین‌الملل، جنگ رمضان نمونه‌ای از «جنگ‌های هویت» بود که در آن، ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و سیاسی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتار بازیگران دارد. تحلیل روان‌شناختی نیز نشان می‌دهد که مواجهه مستقیم با خشونت و مرگ، می‌تواند منجر به تغییرات عمیق در نگرش‌ها و ارزش‌های فردی شود. در این راستا، برنامه‌های آموزشی باید بر تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی، تحلیل اطلاعات و درک عمیق از مسائل سیاسی و اجتماعی تمرکز کنند. امام خامنه‌ای شهید، با تفکرات عمیق و دیدگاه‌های بلند خود، میراثی ماندگار برای نسل‌های آینده به جا گذاشتند. ایشان با تأکید بر ارزش‌های اسلامی، عدالت‌خواهی، استقلال و آزادی، مسیر روشنی را برای ملت ایران ترسیم کردند و با ایمان به وعده الهی، همواره به پیروزی نهایی ایمان داشتند. امام خامنه‌ای، با رهبری خردمندانه و بصیرت‌افزای خود، مکتبی تربیتی را بنا نهادند که بر اساس ایمان، استقامت، بصیرت و اعتماد به نفس استوار بود. این مکتب، نه تنها در دوران جنگ، بلکه در تمام طول حیات ایشان، راهنمای اصلی سیاست‌های انقلاب بود. از منظر روان‌شناسی رهبری، امام خامنه‌ای، نمونه‌ای از رهبر «تبدیل‌کننده» بودند که توانستند با الهام‌بخشی و ایجاد انگیزه، نیروهای انسانی را به سمت اهداف والای انقلاب هدایت کنند. برنامه‌های آموزشی باید با تبیین ویژگی‌های شخصیتی و رهبری امام خامنه‌ای، الگوهای رفتاری مناسب را برای نسل جوان تبیین کنند.

در چنین شرایطی، حضور و نقش‌آفرینی مردم، دانشجویان و اساتید بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. بر سربلندی و پایداری خود بر راه روشن استقامت، استقلال و آزادی و مبارزه با قدرت‌های استکباری تأکید می‌کنیم. این همان راهی است که امام خمینی ترسیم و امام خامنه‌ای شهید آن را پاس داشت و فرماندهان مقاومت بر آن گام نهادند. همچنین بر وفای خود به عهدی که با مقام ولایت داریم و تمسک و پایبندی استوارمان بر آن تأکید می‌نماییم.

- مردم با حفظ وحدت و انسجام، ایستادگی در برابر توطئه‌های دشمن و تقویت بنیان‌های اقتصادی و معنوی کشور، می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در مقابله با چالش‌ها ایفا کنند.
- دانشجویان به‌عنوان آینده‌سازان کشور، باید با بصیرت و آگاهی، در عرصه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی حضور فعال داشته باشند و با ترویج اندیشه‌های انقلاب اسلامی، در جهت تحقق اهداف آن گام بردارند.
- اساتید با بهره‌گیری از دانش و تخصص خود، باید به تبیین و تفسیر مسائل روز بپردازند و با تربیت نیروی متخصص و متعهد، در راستای پیشرفت کشور و مقابله با تهدیدات دشمن گام بردارند.

بر تجدید بیعت خود با رهبر معظم انقلاب اسلامی و التزام کامل به رهنمودها و فرامین ایشان تأکید کرده و آنها را در مسیر جهادی خود برنامه‌ای عملی می‌دانیم.

### حمید مرتضوی

استادیار گروه آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان یزد

## یادداشت دویست و هشتاد و شش

### ارزیابی مؤلفه‌های ایرانیّت و اسلامیّت در دامن تربیت رسمی با رویکرد مدیریتی

هدف این نوشتار ارزیابی مؤلفه‌های ایرانیّت و اسلامیّت در دامن تربیت رسمی با رویکرد مدیریتی است. مؤلفه‌های مذکور در بستر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در ۶ ساحت تربیتی در سال ۱۳۹۲ تدوین گشته است. جنگ تحمیلی رمضان بستری واقعی برای ارزیابی ساختار چندوجهی نظام تعلیم و تربیت رسمی جمهوری اسلامی ایران از جمله مؤلفه‌های مذکور شده است. دانش‌آموزان تربیت یافته در بطن نظام نوین تحولی وزارت آپ، امروز در عرصه‌های مختلف فضای فرهنگی و اجتماعی کشور مؤلفه‌های مذکور را چه در فضای حقیقی و چه مجازی تبدیل به محور گفتمان خود کرده‌اند. امروز دانش‌آموزان جامعه‌ی ایران تحت مدل مدیریتی هدفمند وزارت آپ توانسته‌اند در یک شبکه هویتی یکپارچه‌ی مستقل از اینترنت، با محوریت شبکه‌ی تلویزیونی پویا و نهال و معاونت پرورشی وزارت آپ مؤلفه‌های ایرانیّت و اسلامیّت را با در نظر گرفتن شاخص‌هایی همچون (حضور در خیابان، شرکت در پویش‌های شبکه شاد، تشکیل هیئت‌های مذهبی، انعکاس احساسات در شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی و مجامع ورزشی محلی) در خود نهادینه نمایند؛ اما نقطه‌ی ضعف مدل مدیریتی هدفمند، ناتوانی آن در جلب مشارکت و همنوایی دانش‌آموزان سایر کشورها با مؤلفه‌های مذکور جهت حمایت از دانش‌آموزان ایرانی در جنگ رمضان در عرصه‌ی جهانی است. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده ضمن ارائه‌ی مدل مدیریتی هدفمند وزارت آپ به سایر کشورها، پژوهش‌هایی با هدف جلب همنوایی دانش‌آموزان سایر کشورها با دانش‌آموزان ایرانی و شبکه‌سازی مستقل از اینترنت انجام پذیرد.

### امید ربانی

مأمور آموزشی، گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان همدان

## یادداشت دویست و هشتاد و هفت

### «آموزه‌ها و عبرت‌های تاریخی؛ جاهلیت مدرن، فراتر از جاهلیت باستان»

در مقطعی از تاریخ بشر، چهل و بی خردی بر جوامع حاکم بوده است. ازجمله این مقاطع، عصر جاهلیت در شبه جزیره عربستان قبل از اسلام و دوره قرون وسطی در اروپاست. دوران جاهلیت شبه جزیره ویزگی‌هایی داشته، ازجمله استقرار نیافتن حاکمیت قانون و نظم سیاسی فراگیر، روح جنگجویی و تجاوز و قتل و غارت، دشمنی‌های توجیه‌نشده، سقوط ارتباطات عاطفی و انسانی، عشق حیوانی، انواع قمار و فحشا و میگساری، نگاه شئی‌انگارانه به زن و... بود. عصر جاهلیت شبه جزیره عربستان با ظهور دین مبین اسلام و شکل‌گیری تمدن اسلامی به پایان رسید؛ اما قرون وسطای اروپا به مدت ۱۰۰۰ سال نیز مظهری از جاهلیت است. ازجمله ویزگی‌های این دوره حاکمیت کلیسا و فئودالیسم که همراه با تسلط کلیسا و تحمیل چهل و افکار جاهلانه بر مردم، به بردگی کشاندن مردم در محدوده ملک فئودالی و کار در مزارع و زندگی ذلیلانه، جنگ‌های بین فئودالها، به راه انداختن جنگ‌های صلیبی علیه مسلمانان با شعار ریاکارانه مذهبی و آزاد کردن بیت المقدس از دست مسلمانان، اما درواقع با هدف دست یافتن به سرزمین‌های جدید و ثروت و رهایی از تنگناهای معیشتی اروپا بود و... سرانجام دوره هزار ساله قرون وسطی در نتیجه جنگ‌های صلیبی و ارتباطاتی که با تمدن اسلامی و شرقی برقرار شد، مواد و مصالح علم و فرهنگ را از مسلمانان و تمدن‌های هزاران ساله شرقی اخذ کردند و عصر رنسانس و قرون جدید در اروپا به وجود آمد و حاکمیت ظالمانه و جاهلانه فئودالیسم و کلیسا در اروپا به پایان رسید؛ اما متأسفانه حاصل دستاوردهای اندیشمندان و دانشمندان قرون جدید که به مدد علم و تمدن اسلامی و شرقی، به دست آمده بود، در خدمت حاکمان فاسد و جاهل قرار گرفت و عصر استعمار شکل گرفت. اکنون به دنبال همان تفکر استعماری، ملت متمدن و مسلمان ایران مورد هجوم سردمداران جنایتکار آمریکا و رژیم جعلی و سفاک صهیونی قرار گرفته است. این جنایتکاران متجاوز که همان باند اپستین هستند، به مراتب بسیار فاسدتر و ستمکارتر از حاکمان دوران جاهلیت باستان هستند؛ عصر جاهلیت باستان در کنار آن همه ویزگی منفی، برخی ویزگی‌های مثبت مانند وفای به عهد را نیز دارا بودند یا دامنه قتل و غارت آنها محدود بود؛ اما سردمداران جنایتکار فعلی با قتل عام حدود ۷۰ هزار کودک و انسان بی گناه طی حدود دو سال و داشتن بمب اتم و سابقه جنایت با بمب اتم، مدعی حقوق بشر و وانمود کردن ردیلانه نگرانی استفاده ایران از علم هسته‌ای و بمب اتم، با عهد شکنی (دو بار وسط مذاکره) وطن ما را مورد حمله و تجاوز ناجوانمردانه قرار دادند و رهبر عزیز و آزاده‌مان و جمعی از فرماندهان ارزشمند و تعداد زیادی از شهروندان عزیزمان، ازجمله ۱۶۸ کودک دبستان میناب را جلوی چشم سازمان‌ها و نهادهای مدعی دفاع از حقوق بشر به شهادت رساندند و به زعم خود دنبال تجزیه و غارت وطنمان هستند. اکنون وظیفه ما که وارث تمدن هزاران ساله ایران سر بلند هستیم، این است که شرافتمندانه و عزتمندانه پای کار وطن و با الهام از آموزه‌های مکتبمان و امام حسین (ع) در مقابل ذلت بایستیم. جاهلیت مدرن به مراتب و بسیار از جاهلیت باستان فراتر است. نکته تعلیمی: ایران عزیز می‌بایست همه‌جانبه پیشرفته و قوی باشد تا در دوران جاهلیت مدرن مانند قانون جنگل به تعبیر رهبر شهید و مقتدرمان، بلعیده نشود.

### مهدی نظری

عضو هیئت علمی، گروه آموزش تاریخ دانشگاه فرهنگیان لرستان.

## یادداشت دویست و هشتاد و هشت

### تقارن دو عید؛ درسی به زبان طبیعت

۱. سخن گفتن تقویم با زبان معنا: گاه در تاریخ، لحظه‌هایی شکل می‌گیرد که فراتر از یک اتفاق تقویمی است و شاید معنایی عمیق‌تر در خود دارد. تقارن عید باستانی نوروز با عید سعید فطر در آغاز سال ۱۴۰۵ از همین لحظه‌هاست؛ گویی زمان نیز زبان به سخن گشوده تا پیوند دیرینه «ایرانیت و اسلامیت» را یادآوری کند.

۲. پیام مشترک هم‌نشینی دو بهار؛ بهار طبیعت و بهار جان: عید نوروز نماد نوزایی طبیعت، امید و آغاز دوباره است؛ و عید فطر، جشن رهایی روح از خودخواهی‌ها و ثمره یک ماه بندگی است. هنگامی که این دو عید در یک نقطه از زمان به هم می‌رسند، پیام روشنی برای جامعه ما دارند: شکوفایی بیرونی طبیعت و شکوفایی درونی انسان باید در کنار هم قرار گیرد.

۳. پیام مشترک دو عید برای زندگی: اگر این دو عید مثل دو بال یک پرنده در کنار هم قرار گیرد، جامعه‌ای شکل می‌گیرد که هم از ریشه‌های فرهنگی خود پاسداری می‌کند و هم از ارزش‌های معنوی الهام می‌گیرد.

شاید پیام پنهان این تقارن همین باشد: ملتی که «ایمان» و «هویت» را در کنار هم نگه دارد، همچون بهاری است که هم زمین را زنده می‌کند و هم دل‌ها را.

۴. نشانه‌های امید در دل روزگار سخت: گاه خداوند متعال در دل سختی‌هایی مثل جنگ و وحشی‌گری دشمنان، نمادهای شادی را در کنار هم قرار می‌دهد تا امید و قوت قلب مؤمنان افزون شود.

تقارن این دو عید نیز می‌تواند یادآور همین سنت الهی باشد؛ نشانه‌ای از اینکه امید همواره در دل زمان جاری است.

۵. فرصت تربیتی برای جامعه تعلیم و تربیت: برای جامعه تعلیم و تربیت، این تقارن یک فرصت تربیتی است. دانش‌آموزان می‌توانند بیاموزند که هویت ایرانی و هویت اسلامی نه در تقابل، بلکه در تکمیل یکدیگر معنا می‌یابند؛ همان‌گونه که بهار طبیعت با بهار دل‌ها همراه می‌شود و زندگی را در دو بُعد مادی و معنوی تازه می‌کند.

سید محمدحسینی نیک

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان کهگیلویه و بویراحمد

## یادداشت دویست و هشتاد و نه

### واکاوای پدیدارشناختی نوروز ۱۴۰۵؛ تلاقی «تعلیم و تربیت حماسی» با پایداری ملی در نظام دانایی ایران

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد

چو ایران نباشد تن من مباد

نوروز ۱۴۰۵ در حالی از راه می‌رسد که سرخی لاله‌هایش از لونی دیگر است؛ سرخی خون پاک شهیدان وطن، خون دانش‌آموزان مینابی و ... صدای آسمان وطن را نه آواز پرستوهای بهاری، بلکه غرش گاه و بی‌گاه جنگنده‌های تبهکاران عالم گرفته است. دل‌هایمان نه پر شور و شوق و ذوق عید، بلکه سوگوار و داغدارِ هموطنانمان است. می‌دانیم چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند... به فرموده‌ی حکیم توس:

گهی شاد دارد، گهی در گدازی

زمانه سراسر فسوس است و بازی

در این لحظاتِ غریب که تنها چند ساعت تا تحویل سال باقی مانده، دعا و آرزو می‌کنم تلاقی عید نوروز باستانی و عید فطر آیینی با عید پیروزی بر جانیان و سیه‌نامه‌گان عالم همراه شود و آرامش به این مرز و بوم اهورایی برگردد. باشد که به فرّ ایزدی و همتِ فرزندانِ ایران، «دیو بدخواه» از این خاک رانده شود و دوباره

پرستندگان را به خستش بود

همه جای، جای پرستش بود

نوروزتان با طعمِ پایداری و سربلندی خجسته باد. به امید روزی که در بهارانِ پیش رو، تنها سرودِ پیروزی و صلح در کوچه‌های ایران طنین‌انداز شود. ایرانمان جاوید و برقرار بماند.

## زینب دهقان

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان تهران، دانشکده علوم پایه شهید بهشتی، گروه آموزش علوم تجربی

## یادداشت دویست و نود مسئولیت معطوف به دیگری و تقویت میهن‌دوستی

مسئولیت معطوف به دیگری، مفهومی است که بر اساس آن، هر فرد در قبال دیگری، وظایفی دارد که فراتر از روابط مستقیم اوست. این مفهوم، سنگ بنای یک جامعه‌ی سالم و پویاست و نقش مهمی در تقویت میهن‌دوستی ایفا می‌کند. وقتی هر شهروند احساس کند که در قبال هم‌وطنانش مسئولیت دارد، به‌طور طبیعی به فکر منافع جمعی و کشور خواهد بود. این احساس مسئولیت، می‌تواند در قالب‌های مختلفی بروز کند؛ از کمک به نیازمندان گرفته تا احترام به قوانین و حفظ محیط زیست. میهن‌دوستی، تعهد به آبادانی و پیشرفت کشور و رفاه مردم آن، عشق به خاک و نام است. وقتی شهروندان در کنار هم، با احساس مسئولیت، برای حل مشکلات تلاش کنند، نه تنها به کشور خدمت می‌کنند، بلکه پیوند اجتماعی خود را نیز محکم‌تر می‌سازند. تقویت این حس مسئولیت، نیازمند آموزش و فرهنگ‌سازی است. باید از کودکی به کودکان آموخت که در قبال یکدیگر و کشورشان وظایفی دارند. همچنین، رسانه‌ها و نهادهای آموزشی می‌توانند با ترویج الگوهای رفتاری مسئولانه، در این زمینه نقش مؤثری ایفا کنند. در نهایت، مسئولیت معطوف به دیگری، کلید ساختن یک جامعه‌ی میهن‌دوست و پیشرفته در هر زمان و مکان و شرایط می‌شود.

### مجید اعتمادی مهر

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی



## یادداشت دویست و یک بهار ایستادگی و تربیت میهن‌دوستی

بهار همیشه با عطر شکوفه‌ها می‌آمد؛ با لبخند زمین و آواز باد در شاخه‌های جوان؛ اما گاهی تاریخ رنگ دیگری بر دامان بهار می‌پاشد. امسال بهار ما آرام و سبکبار از راه نرسیده است؛ گویی از میان دود و آتش عبور کرده و بر شانه‌هایش بوی خون نشسته است. بهار امسال تنها فصل گل‌ها نیست؛ بهار زخم‌ها، بهار یادها و بهار ایستادگی است.

این روزها وطن شبیه درختی کهن‌سال است که در دل توفان ایستاده؛ شاخه‌هایش زخمی‌اند اما ریشه‌هایش در اعماق تاریخ فرو رفته است. در میدان نبرد، در روزهای سخت جنگ رمضان، سرداران و جوانان این سرزمین چون سروهای استوار در برابر تندباد ایستادند تا سقف این خانه فرو نریزد. هر قطره خونی که بر خاک افتاد، دانه‌ای شد در دل زمین؛ دانه‌ای که روزی به درختی از عزت و استقلال بدل خواهد شد.

اما دفاع از وطن تنها در میدان‌های آتش شکل نگرفت. در دل شهرها نیز مردمی ایستادند که قلب‌هایشان سنگر بود. مادری که شب را با دعا به صبح رساند، پدری که با امید به فردا نگاه کرد و مردمی که دست در دست هم گذاشتند تا چراغ این خانه خاموش نشود. همین همبستگی، تصویری از تربیتی است که در آن عشق به میهن در جان انسان‌ها ریشه می‌گیرد.

تربیت میهن‌دوستی تنها در کتاب‌ها و کلاس‌های درس شکل نمی‌گیرد؛ بلکه در تجربه‌های تاریخی یک ملت معنا پیدا می‌کند. هنگامی که نسل‌ها روایت ایستادگی و فداکاری را می‌شنوند، مفهوم وطن از یک واژه به احساسی عمیق و مسئولیتی مشترک تبدیل می‌شود. چنین تربیتی می‌آموزد که میهن فقط جایی برای زیستن نیست، بلکه خانه‌ای است که حفظ آن وظیفه‌ای اخلاقی و تاریخی است.

از همین رو، بهار امسال تنها پیام‌آور نو شدن طبیعت نیست؛ یادآور درسی بزرگ در تربیت میهن‌دوستی است؛ درسی که از دل روزهای پرآتش جنگ رمضان برخاسته و به ما می‌آموزد ملتی که دل‌هایش در عشق به وطن می‌تپد، حتی در میان توفان نیز ایستاده می‌ماند.

### فتح اله کوشکی

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان لرستان

## یادداشت دویست و نود و دو

### تحلیل و نقد سیاسی

گام اول روش تحلیل سیاسی: اهمیت و اعتبار خبر هر تحلیل سیاسی یا هر گزارش تحلیلی سه رکن اساسی دارد: ۱- خبر ۲- اطلاعات درباره آن خبر ۳- ارتباط بین خبر و اطلاعات آن از دیدگاه تحلیل‌گر سیاسی. گام اول تحلیل سیاسی آن است که ابتدا به اهمیت و اعتبار خبر بپردازیم. اهمیت خبر پاسخ به این سؤال که این پدیده یا خبر اساساً برای تحلیل کردن مناسب است یا خیر، بسیار اهمیت دارد؛ زیرا اگر پاسخ منفی بود، بدون شک باید از خبر تحلیل آن خبر گذشت. اگر مثبت بود بقیه مراحل را دنبال خواهیم کرد. اهمیت یک خبر برحسب ارزش‌های خبری مشخص می‌شود که بدین شرح‌اند. برخوردها، اختلاف‌ها و تضادها درگیری می‌تواند بین مردم، دولت‌ها و انسان‌ها با نیروهای اجتماعی یا طبیعی رخ دهد. مثل درگیری فیزیکی دو مهمان در یک برنامه گفتگوی تلویزیونی، اطلاعیه وزارت خارجه یک کشور علیه کشور دیگر یا سونامی. تازگی هر چه زمان ارسال خبر به زمان واقعه نزدیک‌تر باشد، ارزش خبری نیز بیشتر است. خبر دادن از کشف علمی‌ای در ۷ سال پیش، یا خبر دادن از انتخاباتی در ۳ سال بعد؛ چنان ارزش خبری‌ای را ندارد که خبر دادن از کشف علمی‌ای که دیروز اعلان شده، یا انتخاباتی که ماه آینده برگزار خواهد شد. دربرگیری اثر رخداد بر زندگی مخاطب به آن رخداد ارزش خبری می‌دهد. برای مردم استان‌های گیلان و مازندران ابداع سم جدیدی برای مبارزه با آفات برنج ارزش خبری بیشتری دارد تا برای مردم استان کردستان. مجاورت نزدیکی جغرافیایی به رخداد موردنظر، یا نزدیکی جمعیت‌نگارانه، ازجمله شکل‌های مختلف مجاورت هستند. فرض کنید، یک کارخانه‌دار اصفهانی گروگان گرفته شده است. خبر این واقعه برای مردم اصفهان به دلیل مجاورت جغرافیایی دارای ارزش خبری است. همچنین برای اصفهانی‌های تهران به دلیل مجاورت جمعیت‌نگارانه و برای کارخانه‌دارها به دلیل مجاورت در شبکه اجتماعی ارزش خبری دارد. شهرت شناخته‌شده بودن موضوع خبر در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی به خبر ارزش خبری در همان سطح می‌دهد. خبر ابتلای یک سلبریتی به سرطان خون می‌تواند در سطح جهانی دارای ارزش خبری باشد. استثنا و شگفتی منحصر به فرد بودن یا شگفت‌انگیز بودن رخداد یا فرد خود ارزش خبری می‌آفریند. اعتبار خبر تلاش برای شناخت اعتبار خبر یا پدیده موردنظر، منشأ تولید خبر، منبع انتشار آن و میزان اعتبار آن منبع در گذشته باید بررسی شود. همچنین یک خبر باید به لحاظ شکلی و محتوایی سالم باشد. به لحاظ شکلی ارکان خبر باید مشخص باشد؛ یعنی باید به سؤالات چه؟ کی؟ کجا؟ چرا؟ چگونه؟ پاسخ داده باشد.

احمد رضا بسیج

هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان شهرکرد

## یادداشت دویست و نود و سه

### ۲۹ اسفند؛ درس‌های ماندگار از نعمت نفت تا اقتدار انرژی ایران

۱. روزی که اراده ملت تاریخ ساخت  
۲۹ اسفند یادآور حماسه‌ای بزرگ در تاریخ ایران است؛ روزی که ملت ایران با اراده‌ای استوار صنعت نفت را ملی کرد و نشان داد که عزت و استقلال، با همت و همبستگی ملی دست‌یافتنی است. این روز نماد شجاعت، خودباوری و ایستادگی ملتی است که تصمیم گرفت بر سرنوشت خویش حاکم باشد.

۲. از حماسه دیروز تا اقتدار امروز  
امروز در حالی این روز را گرامی می‌داریم که ایران به واسطه جایگاه راهبردی خود در تنگه هرمز، در یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های انرژی جهان و در برابر هجوم دشمنان نقش‌آفرین است. پیوند میان آن حماسه تاریخی و این جایگاه راهبردی یادآور این حقیقت است که ملتی که به توان خدادادی و توان اکتسابی خود ایمان داشته باشد، می‌تواند در معادلات بزرگ جهانی نیز اثرگذار باشد.

۳. درس‌های تربیتی برای نسل امروز  
۲۹ اسفند تنها یادآور یک پیروزی تاریخی نیست، بلکه مدرسه‌ای برای تعلیم نسل‌هاست؛ درسی از خودباوری، مقاومت، مسئولیت‌پذیری و اهمیت دانش و آگاهی در پاسداری از سرمایه‌های ملی. نسل امروز باید بداند که اقتدار ملی تنها با منابع طبیعی شکل نمی‌گیرد، بلکه با علم، اخلاق، همبستگی، تعهد به میهن و مقاومت در برابر اشغالگران پایدار می‌ماند.

۴. عهدی برای آینده‌ای روشن  
پس ۲۹ اسفند را باید هم یاد حماسه دیروز دانست و هم الهام‌بخش فردا؛ روزی که به ما می‌آموزد ایران سربلند با اراده ملت، دانش فرزندان، مقاومت در برابر متجاوزان و پاسداری از منافع ملی ساخته می‌شود.

سید محمد حسینی نیک

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان کهگیلویه و بویراحمد

## یادداشت دویست و نود و چهار از نو شدن دل‌ها تا تربیت فردا

به نام خالق هستی و مقلب القلوب

آستانه سال نو، همواره فرصتی برای تأمل و بازاندیشی است؛ لحظه‌ای که دل‌های انسان میان اندوه و امید در نوسان است. اندوه روزهای دشوار و فقدان‌های بزرگ، و درعین حال امیدی زنده به فردایی روشن که با صبر، ایمان و همدلی ساخته می‌شود. این پیوند میان رنج و امید، بخشی از حقیقت زندگی انسان و تاریخ ملت‌هاست.

تاریخ گواهی می‌دهد که جوامع انسانی اغلب در دل سختی‌ها به بلوغ و استواری می‌رسند. دشواری‌ها اگر با آگاهی و صبوری همراه شوند، می‌توانند به مدرسه‌ای برای رشد اخلاقی و اجتماعی بدل گردند؛ مدرسه‌ای که در آن انسان‌ها معنای مسئولیت، همدلی و استقامت را عمیق‌تر می‌آموزند.

در چنین لحظه‌هایی، نقش نهادهای تربیتی بیش از همیشه اهمیت می‌یابد. دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان کانون پرورش معلمان آینده، رسالتی فراتر از آموزش دانش دارد. این دانشگاه محل شکل‌گیری نسلی از معلمان است که باید بتوانند در کنار انتقال علم، روح امید، اخلاق و مسئولیت اجتماعی را در دل دانش‌آموزان زنده نگه دارند. معلمی که خود با ایمان، آرامش و نگاه امیدوارانه به آینده می‌نگرد، می‌تواند همین نگاه را به شاگردان خویش نیز منتقل کند.

سال نو و عید سعید فطر، یادآور همین حقیقت‌اند: امکان نو شدن دل‌ها و آغاز دوباره. اگر این نو شدن در جان معلمان و مربیان ریشه بدواند، کلاس‌های درس به کانون‌های امید و رشد تبدیل خواهد شد؛ جایی که آینده یک جامعه آرام‌آرام در ذهن و دل نسل تازه شکل می‌گیرد. امید که در پرتو این ایام مبارک، طاعات و عبادات همگان مقبول درگاه الهی قرار گیرد و سال پیش رو سرشار از سلامت، آرامش و برکت برای همه باشد.

### رسول بهنام

عضو علمی گروه آموزش زبان و ادبیات دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت دویست و نود و پنج

### تربیت حماسی بر مبنای (من موهوم) یا (من واقعی) مسئله این است.

«چو ایران نباشد تن من مباد» «در روح و جان من \* می‌مانی ای وطن» سرودها و اشعاری در مضمون وطن‌دوستی و وطن پرستی هستند که امروزه زیاد تکرار می‌شوند. روایت مشهور «حب الوطن من الایمان» نیز، با اینکه سند صحیحی ندارد، در تأیید آن مضامین شعری استفاده می‌شود. اگر چه این روایت، حتی اگر معتبر نیز باشد بدان معنا نیست که عموم گویندگان در نظر دارند، بلکه به قول مولوی در مثنوی معنوی:

این وطن مصر و عراق و شام نیست  
این وطن جایی است کان را نام نیست

تربیت حماسی بر مبنای «ملیت گرایی» تربیت در مسیر رشد «من موهوم» است. نگارنده با سابقه چندین ساله در مطالعه خاطرات شهدا و ترویج فرهنگ جبهه، حتی یک مورد از وصیت نامه شهدا را پیدا نکردم که به (فدا شدن برای ایران) به عنوان هدف مستقل جهاد و شهادت اشاره شده باشد. در مقابل تعبیری که مانند ترجیع بند تمام وصیت نامه‌های شهدا از اول جنگ تا شهادی مدافع حرم به چشم می‌آید (فدا شدن در راه اسلام عزیز) است. شیطان، تمام تلاش خود را در راه گمراه نمودن (اغواء) بشریت بکار بسته است؛ یعنی قرار دادن اهداف موهوم و انحرافی در مسیر حرکت کمالی انسان به جای «هدف واقعی». ملاک شناخت «من موهوم» از «من واقعی» چیست؟ در یک کلمه «فانی بودن». من موهوم با از بین رفتن دنیا و یا مرگ انسان از بین می‌رود. جسم، خانواده، وطن و ملیت، در عالم دنیا ارزش دارند اما مستقلاً و بدون ارتباط پیدا کردن با «من واقعی» یعنی فطرت و روح الهی انسان، ارزش‌هایی فانی هستند که به خاک سپرده می‌شوند. شعار (نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران) محصول تربیت حماسی بر مبنای «من موهوم» است. راه حل مناسبی که در تعبیر رهبر شهید انقلاب امام خامنه‌ای عزیز برای حل این مسئله بیان شده است، می‌تواند مبنای تربیت حماسی صحیح باشد. ایشان در جمع رزمندگان اسلام فرمودند: امروز اگر می‌گوییم دفاع از ایران مقدس است بخاطر این است که پرچم اسلام واقعی در این کشور بر افراشته شده و مرزهای ملی و عقیدتی بر هم منطبق شده است. اگر امام شهید امت، به مداح اهل بیت فرمودند: (ای ایران) بخوان. مقصود (ای میهن خدایی) بود. چنین تعبیری در وصیت نامه شهید سلیمانی، این سرباز وطن نیز به چشم می‌خورد (امروز جمهوری اسلامی ایران حرم است)

آموزش و پرورش مبتنی بر هدایت دانش‌آموزان به سمت حیات طیبه، باید بتواند تربیت حماسی بر مبنای «من واقعی» را جایگزین تربیت‌های موهوم دیگر نماید. امری که یقیناً با مخالفت‌های نظری و عمل، از سوی معتقدین به تربیت سکولار روبرو خواهد شد.

### حسین مولودی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان قم

## بادداشت دویست و نود و شش

### تحلیل روان‌شناختی-اجتماعی استمرار نظام در ایران: رهبری، هویت و انسجام جمعی

۱. نقش رهبری و مفهوم شهادت در تقویت هویت جمعی: در شرایط فقدان رهبران کاریزماتیک، مفهوم «شهادت» در فرهنگ ایران نقشی کلیدی ایفا می‌کند. شهادت نه تنها فقدان را جبران می‌کند، بلکه با تبدیل شدن به نمادی از ایثار و آرمان، عاملی برای تقویت هویت جمعی و انسجام اجتماعی در نسل‌های مختلف می‌شود.

۲. سازوکارهای نهادی و روان‌شناختی استمرار نظام: فرآیند انتخاب رهبر جدید، از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، نشان‌دهنده سازوکارهای نهادی برای تضمین استمرار نظام است. از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، این فرآیند به تقویت حس امید، اطمینان و ثبات در جامعه یاری می‌رساند و از ایجاد خلاء قدرت و اضطراب جلوگیری می‌کند.

۳. حضور حماسی مردم: تجلی انسجام و اراده جمعی: «حضور حماسی» مردم، جلوه‌ای از انسجام، هویت مشترک و اراده جمعی برای دفاع از آرمان‌ها است. در مواجهه با چالش‌های نوین مانند «جنگ ترکیبی»، این حضور نیازمند تاب‌آوری روانی، اتحاد کلمه و اتکا به توانمندی‌های داخلی است که نشان‌دهنده صلابت جامعه در برابر تهدیدات است.

۴. نقش دانشگاه و «ولایت‌مداری» در تربیت نسل آینده: دانشگاه‌ها، به‌ویژه دانشگاه فرهنگیان، نقشی حیاتی در پرورش سرمایه انسانی و اجتماعی آینده دارند. وظیفه این مراکز، تبیین واقعیت‌ها، تقویت هویت ملی و آماده‌سازی نسل جوان برای رویارویی با عرصه‌های مختلف است. در این بستر، تقویت «ولایت‌مداری» به‌عنوان سازه‌ای روان‌شناختی-اجتماعی که بر پایه اعتماد بنا شده، اهمیتی انکارناپذیر دارد، چراکه با نظریه‌های رهبری کاریزماتیک و هویت جمعی پیوند عمیقی دارد.

۵. نتیجه‌گیری: وحدت، توانمندی داخلی و رهبری مدبرانه. موفقیت در مواجهه با چالش‌های پیچیده امروز، مستلزم وحدت کلمه، تکیه بر توانمندی‌های داخلی و پیروی از رهبری مدبرانه است. این مفاهیم، ریشه در باورها و ارزش‌های عمیق جامعه دارند و به‌عنوان عوامل تقویت‌کننده انسجام و اراده ملی عمل می‌کنند.

صمد رحمتی

استادیار گروه آموزش روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان لریستان

## یادداشت دویست و نود و هفت

«باد بی نیازی خداوند»

### (درسی که از تاریخ می‌توان گرفت)

تاریخ سترگ ایران زمین، پراز وقایع تلخ و شیرینی است که هرکدام به تنهایی دفتری است برای معرفت سیر و سیرت بشر. یکی از وقایع تلخی که چون مصیبتی عظیم بر سر ملت ایران فرو ریخت؛ تهاجم وحشیانهٔ مغول بود. در تاریخ علت اصلی پیروزی‌های مغول را در دو چیز خلاصه کرده‌اند: یکی بی تدبیری‌های سلطان محمد خوارزمشاه و دیگری پراکندگی و تفرقه و پریشانی سپاه او. علاوه بر این دو علت، یک علت عمدهٔ دیگر هم وجود داشت که شاید کمتر به آن پرداخته شده است در حالیکه تأثیر بسیاری در رفتار اجتماعی مردم به‌ویژه اهالی علم و معرفت داشته است. این علت را می‌توان درد یالوگی که میان امیر امام جلال الدین علی بن الحسن الرندی که به روایت جوینی در تاریخ جهانگشا، مقدم و مقتدای سادات ماورالنهر بود با امام عالم رکن الدین امام زاده که او نیز بنا به شهادت جوینی از افاضل علمای عالم بود؛ جستجو کرد. داستان از این قرار است که وقتی چنگیز وارد بخارا می‌شود یک راست به مسجد جامع می‌رود و دستور می‌دهد شکم اسبان را بپزند. پس انبارهای شهر را گشودند. صندوق‌های مصاحف (قرآن‌ها) را وسط صحن مسجد، آخر اسبان ساختند و مصاحف را در دست و پای انداختند. مغولان شراب می‌خوردند می‌رقصیدند و به رسم خود آواز می‌خواندند. بادیدن این صحنه‌ها جلال الدین از امام رکن الدین می‌پرسد: «مولانا چه حالت است، این که می‌بینم، بیداری است یارب یا بخواب؟» امام رکن الدین در پاسخ می‌گوید: «خاموش باش، باد بی نیازی خداوند است که می‌وزد، سامان سخن گفتن نیست». همین باد بی نیازی بود که باعث شد مغولان آتش در محلات بخارا افکندند و تمام شهر را که از چوب ساخته شده بود جز مسجد جامع و بعضی عمارتها که از خشت پخته بودند، در آتش قهر خود سوزاندند. تسلیم تقدیر و سرنوشت شدن، آنگونه که مقتدایان بخارا بودند، نتیجه‌ای جز آن نداشت که هم بخارا از میان رفت و هم اهالی و عمارت‌های آن. آن عده از مردان پیر و جوان هم که زنده گذاشتند؛ به‌عنوان جلوداران و پیشقراولان سپاه مغول در حمله به سایر شهرها و درواقع به‌عنوان سپراسانی، استفاده شدند. اندیشه و باور به اینکه آنچه دشمن می‌کند، مشیت و سرنوشت است و باید تسلیم آن بود؛ پیش از آنکه سپاه مغول به شهرهای ایران برسند، ذهن ایرانیان را مانند موریانه از درون، خورده بود.

همین مسئله باعث شد مقاومت آنچنانی در مقابل سپاهیان مغول صورت نگیرد و بشود آنچه آن بخت یاری که از بخارا گریخته بود و در خراسان از احوال بخارا از او پرسیدند و جواب داد: «آمدند و کردند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند».

این تاریخ است که چون آینه‌ای پیش روی ماست. نظام آموزش و پرورش ما باید به گونه‌ای باشد که ضمن آشنا کردن دانش‌آموزان با تاریخ، زمینه را برای بیداری و آگاهی آنان فراهم آورد و آنان را برای رویارویی در روزگاران حمله دشمنان به ایران بزرگ، آماده سازد.

طبیعتاً از چنین دیدگاهی پذیرش سرنوشت و تقدیر آنگونه که امامان و پیشوایان بخارا اعتقاد داشتند؛ نه تنها موجب ذلت و خواری است بلکه کشور را آماده سلطه بیگانگان می‌کند. تسلیم برابر دشمن چیزی جز آنچه بر اهالی بخارا و سمرقند و نیشابور و... رفت؛ نصیب ما نمی‌کند. این روزها و شب‌ها که در کوچه و خیابان می‌گذرد، ایرانیان را بیش از پیش انگیزه می‌دهد تا نگذارند دشمنان ایران، دوباره بیایند و بکنند و بسوزانند و بکشند و ببرند و بروند.

### سعید باجووند

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان خوزستان



## یادداشت دویست و نود و هشت

### امید، همدلی و وحدت: پایه‌های آموزشی آینده سازی جوانان ایران

در سایه تنش‌های منطقه‌ای و فشارهای بی‌پایان امریکا و اسرائیل، جوانان ایران نه تنها شاهد چالش‌های سیاسی و امنیتی هستند، بلکه می‌توانند به عنوان نیروی محرکه‌ی امید، همدلی، وحدت و ایمان، آینده‌ی مملکت را با دست‌های خود بسازند. آموزش باید از «انتقال صرف دانش» به سمت «تربیت وجودی» تغییر کند — جایی که هر درس، هر محتوا، و هر فعالیت آموزشی، بذری از امید، همدلی، وحدت ملی و ایمان به آینده را در جان جوانان بکارد. برنامه‌ریزی درسی باید با مفاهیمی همچون «همدلی ملی»، «هم‌پیمانی در برابر تهدید» و «ایمان به قدرت تفکر و عمل» پر شود. برنامه‌های درسی بایستی چه به صورت رسمی و چه به صورت پنهانی با مثال‌هایی از همبستگی‌های ملی در بحران‌ها، مانند مقاومت‌های تاریخی و نوین، هم پوشانی کنند. جوانان باید بدانند که امید نه از بیگانه، بلکه از ایمان به قدرت هم‌پیمانی و همدلی نشأت می‌گیرد. در این مسیر، وحدت نه تنها یک ارزش سیاسی، بلکه یک اصل آموزشی است. آموزش باید از تفکیک به تلاقی، از تقابل به هم افزایی، و از ترس به ایمان تغییر کند. جوانان باید با تکیه بر باور قلبی نسبت به سرزمین مادری خویش، با ابزارهای علمی آشنا و در کاربرد آنها سر رشته داشته باشند، و با قلبی پر از امید، به آینده‌ای روشن نیست به ساخت جامعه‌ای پایدار، عادلانه و مستقل همت گمارند. با عزم و اراده‌ای آهنین، نه به معنای تسلیم در برابر بیگانگان، بلکه به معنای «تسلیم در برابر ارزش‌های انسانی و ملی» به سمت آینده حرکت کنند. جوانان ایرانی، با تربیتی مبتنی بر ایمان، همدلی و وحدت، نه تنها مقاوم خواهند بود، بلکه به عنوان سازندگان آینده و صاحبان آینده، همچون نوری از امید در تاریکی‌های منطقه‌ای خواهند درخشید. آموزش باید الهام بخش باشد، امید بکارد و موجب همدلی و وحدت باشد. ایمان بایستی همراه با اراده باشد؛ و جوانان باید ساخت آینده را وظیفه خود بدانند.

### زهره حمزه لو

عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت دویست و نود و نه

### **The power of Epic songs in Strengthening patriotism**

Epic songs has long played a significant role in strengthening patriotism and influencing public morale during the war. These powerful and emotionally charged songs are designed to evoke feelings of pride, unity and determination among people. By combining inspiring lyrics with strong rhythms and melodies, epic songs can deeply affect how people perceive their country and their role in defending it.

Dring war, fear and uncertainty may spread among population. Epic songs help counter these negative emotions by promoting courage and hope and resistance. They remind people of their shared history, religion, cultural identity and collective strength. As a result, individuals feel more connected to one another and more committed to supporting their country, whether on the battlefield or at home.

Moreover, such songs can serve as a tool for motivation. People find increased energy and confidence when listening to epic songs that glorify bravery and martyrdom. These songs can reinforce the idea that their efforts are meaningful and honorable, which can improve performance and endurance in difficult situations.

In conclusion, epic anthem has a powerful psychological impact during war. By strengthening patriotism and boosting moral, it plays an important role in shaping public attitudes, intensifying nationalistic feelings and sustaining national unity in challenging times.

**Fatemeh Fazlali**

Department of English Language Teaching, Farhangian University, Tehran

## یادداشت سیصد

### بذرهای آگاهی، طوفان‌های اقتدار؛ از تعلیم و تربیت تا تحمیل اراده یک ملت بر قدرت‌های جهان

سرنوشت ملت‌ها تنها در میدان‌های نبرد رقم نمی‌خورد؛ پیش از آن در کلاس‌های درس، در بطن فرهنگ عمومی و در فرآیند عمیق تعلیم و تربیت شکل می‌گیرد. آنچه در لحظه‌های سرنوشت‌ساز به صورت اراده‌ای استوار در برابر فشار قدرت‌های بزرگ ظاهر می‌شود، حاصل نسلی است که هویت، مسئولیت و سرنوشت خود را آگاهانه به هم پیوند زده است. از همین رو، بنیان اقتدار هر ملت پیش از هر جا در مدرسه و دانشگاه گذاشته می‌شود. نظام بین‌الملل معمولاً بر پایه توازن‌های سخت — قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی — تعریف می‌شود و بسیاری گمان می‌کنند ملت‌های مستقل ناگزیر از تمکین در برابر این ساختارها هستند؛ اما واقعیت آن است که هرگاه آگاهی عمومی و اعتماد به توان ملی در جامعه‌ای ریشه بدواند، معادلات قدرت دیگر تنها با معیارهای مادی سنجیده نمی‌شود. ملتی که آگاه است، می‌تواند قواعد بازی را تغییر دهد. از همین منظر، «جنگ تحمیلی رمضان» تنها یک رویارویی نیست؛ صحنه آزمون اراده ملتی است که در برابر فشارها و تهدیدهای بیرونی ایستاده است. در چنین بزنگاه‌هایی، سرمایه اصلی کشور نه صرفاً ابزارهای قدرت، بلکه مردمی هستند که تاریخ و هویت خود را می‌شناسند و سرنوشت وطن را مسئولیت خویش می‌دانند؛ مردمی که حضورشان در صحنه و راهپیمایی‌های شبانه در روزهای جنگ، تجلی همین آگاهی و همبستگی است. این روحیه یک‌شبه پدید نمی‌آید؛ ریشه در سال‌ها تعلیم و تربیتی دارد که آگاهی، همبستگی و آمادگی پاسداری از عزت و استقلال را در جان نسل‌ها می‌نشاند. پرسش اساسی اما به آینده بازمی‌گردد: چگونه می‌توان این آگاهی را ژرف‌تر و پایدارتر ساخت؟ پاسخ در تقویت تعلیم و تربیت نهفته است. مدرسه و دانشگاه بستر شکل‌گیری فهم تاریخی، پرورش قدرت تحلیل، تقویت هویت فرهنگی و تربیت شهروندانی مسئول‌اند؛ شهروندانی که هم نسبت به جامعه خود احساس مسئولیت اجتماعی دارند و هم به نقش سیاسی خویش در قبال سرنوشت کشور واقف‌اند. در این میان، معلمان و استادان نقشی سرنوشت‌ساز دارند. آنان تنها انتقال‌دهنده دانش نیستند؛ بلکه معماران ذهن و افق فکری نسل‌های آینده‌اند. هر پرسشی که در کلاس زنده می‌شود و هر فهم عمیقی که در ذهن دانشجو شکل می‌گیرد، بذری است که در خاک آینده کاشته می‌شود؛ بذرهایی که در لحظه‌های بزرگ تاریخ به نیرویی از آگاهی و اراده بدل می‌شوند. اقتدار ملی از همین مسیر می‌گذرد: از تعلیم و تربیتی که اندیشیدن می‌آموزد، مسئولیت می‌پرورد و جامعه‌ای آگاه می‌سازد. بذرهای آگاهی اگر درست کاشته شوند، در بزنگاه‌های تاریخ به طوفان‌هایی از اراده و اقتدار تبدیل خواهند شد؛ طوفان‌هایی که می‌توانند اراده یک ملت را بر معادلات قدرت در جهان تحمیل کنند.

کریم شاطری

عضو هیئت علمی گروه آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان استان ایلام.

## بادداشت سیصد و یک

### وقتی ملت ایران معلم می‌شود؛ بازخوانی تربیتی همبستگی ملی در پرتو نظریه کارل یونگ در روزهای جنگ

جنگ تنها یک رویداد نظامی یا سیاسی نیست؛ بلکه تجربه‌ای عمیق در روان جمعی جامعه است. در چنین شرایطی، زندگی روزمره دگرگون می‌شود و احساساتی چون ترس، امید و همدلی در کنار هم قرار می‌گیرند. در این فضا، جامعه به گونه‌ای طبیعی به مدرسه‌ای بزرگ تبدیل می‌شود؛ جایی که مردم با رفتارهای خود درس‌هایی زنده از همدلی، مسئولیت‌پذیری و تاب‌آوری به یکدیگر می‌آموزند. به این معنا، ملت به نوعی معلم جمعی بدل می‌شود. از منظر تربیتی، بسیاری از کنش‌های اجتماعی در این دوران نوعی آموزش غیررسمی محسوب می‌شوند؛ رفتارهایی مانند توجه به همسایگان، حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده، همکاری‌های داوطلبانه و تلاش برای حفظ آرامش کودکان. این تجربه‌های زیسته، به دلیل پیوند با واقعیت زندگی، تأثیری عمیق‌تر از آموزش‌های صرفاً نظری دارند. نظریه «ناخودآگاه جمعی» کارل گوستاو یونگ می‌تواند چارچوبی برای فهم این پدیده فراهم کند. به باور یونگ، در لایه‌های عمیق روان انسان‌ها الگوهای مشترکی به نام کهن‌الگوها وجود دارد که در شرایط بحرانی فعال می‌شوند. در روزهای جنگ، کهن‌الگوهایی مانند «حامی»، «مراقب» و «فداکار» در رفتارهای جمعی مردم آشکار می‌شود و گرایش به همیاری و حمایت از یکدیگر را تقویت می‌کند. در چنین وضعیتی، یادگیری تنها به مدرسه محدود نمی‌ماند؛ خانواده، محله و تعاملات اجتماعی نیز به فضاهای تربیتی تبدیل می‌شوند. کودکان از رفتار بزرگسالان آرامش و امید را می‌آموزند و نوجوانان معنای مسئولیت اجتماعی را در همکاری‌های جمعی تجربه می‌کنند. از این رو، آموزش و پرورش می‌تواند با بازخوانی این تجربه‌های اجتماعی در کلاس درس از طریق گفت‌وگو، روایت تجربه‌ها و فعالیت‌های مشارکتی مفاهیمی چون همدلی، تاب‌آوری و مسئولیت اجتماعی را تقویت کند. در این صورت، تجربه‌های همبستگی اجتماعی تنها یک خاطره تاریخی نخواهند بود، بلکه به سرمایه‌ای تربیتی برای پرورش نسلی آگاه، همدل و مسئول تبدیل می‌شوند.

محمد شفیعی

گروه راهنمایی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان لرستان

## یادداشت سیصد و دو

### مؤلفه‌های راهبردی در پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی

بیانات نوروزی حضرت آیت‌الله‌العظمی سید مجتبی حسینی خامنه‌ای در آغازین لحظات سال ۱۴۰۵، دربردارنده نگاهی همه‌جانبه به مسائل کشور و ترسیم‌گر مسیری روشن در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی است. ایشان با رویکردی واقع‌بینانه، محور اصلی تقابل با دشمن را در حوزه اقتصادی ارزیابی کرده و بر این باورند که دشمن برای اعمال فشار، بر نقاط ضعف مدیریتی و معیشتی تمرکز دارد. در مقابل، تقویت بنیان‌های اقتصادی و تأمین رفاه عمومی نهاد صرفاً یک اقدام تدافعی، بلکه حرکتی تهاجمی و پیش‌برنده در برابر جنگ مشترک آمریکایی صهیونی به‌ویژه جنگ اقتصادی خواندند. در این راستا، شعار راهبردی سال با عنوان «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» تعیین کردند که نشان‌دهنده پیوند امنیت و انسجام داخلی با تاب‌آوری اقتصادی است. تأکید بر مقاومت‌سازی، فراتر از مرزها را شامل می‌شود و بر لزوم همگرایی منطقه‌ای، به‌ویژه با همسایگان، برای شکل‌دهی به یک همگرایی مشترک مبتنی بر ظرفیت‌های بومی تأکید دارند. در این میان، بسیاری از کشورهای همسایه نیز رویکردی مشابه در قبال مقاومت‌سازی اقتصادی در پیش گرفته و مدیریت بهینه انرژی، بهره‌گیری از کریدورهای ترانزیتی و گسترش مبادلات تجاری را در دستور کار خود قرار داده‌اند. جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از جایگاه ممتاز ژئوپلیتیک، منابع عظیم انرژی و قابلیت تولید و صادرات کالا، می‌تواند به یکی از قطب‌های اصلی این همگرایی در حوزه‌های انرژی، ترانزیت و تجارت تبدیل شود. تحقق این مهم نیازمند هم‌افزایی میان دولت و بخش خصوصی است. کارآمدی این الگو در گرو آن است که دولت، منافع بخش خصوصی را عین منافع ملی بداند و فعالان اقتصادی نیز تأمین منافع کشور را جزئی از منافع خود تلقی کنند؛ این رویکرد به پایان‌دهنده رقابت‌های ناسالم و آغازگر همکاری مشترک در بهره‌گیری از فرصت‌های داخلی و خارجی خواهد بود. درنهایت، تجارب جنگ تحمیلی جاری، جایگاه حساس ایران در خلیج فارس و تسلط کامل بر تنگه هرمز را به‌عنوان یک برگ برنده ژئوپلیتیک برجسته ساخت که بهره‌برداری هوشمندانه از آن می‌تواند نقشی کلیدی در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی ایفا کند.

### عبدالرسول الهائی

عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات دانشگاه فرهنگیان تهران

## یادداشت سیصد و سه

### دکترین مقاومت در ساحت تعلیم و تربیت؛ خوانشی حماسی از جهاد رمضان در تراز تمدن نوین اسلامی

در ساحت اندیشه و در تلاقی مبارک بهار قرآن و بهار طبیعت، «جنگ رمضان» صرفاً یک رویارویی نظامی در جغرافیای سیاسی نیست، بلکه یک «مدرسه بزرگ حماسه» و کلاسی از سنخ «تربیت استعلایی» است. ما به‌عنوان خادمان عرصه تعلیم و تربیت در دانشگاه فرهنگیان، بر این باوریم که هر سنگِ رزمندگان اسلام در برابر استکبار، یک واحد درسی از سرفصل «عزت و پایداری» برای نسل‌های آینده ایران‌زمین است. امروز، خون پاک مجاهدان و شهادت رهبر عالی‌قدرمان، نظریه «تعلیم و تربیت مقاومت» را از متن کتاب‌ها به پهنه واقعیت کشانده است. ایران مقتدر، که ریشه در تمدنی کهن و شاخه در آسمان معنویت علوی دارد، امروز در «جنگ رمضان» نشان داد که هویت ملی ما با غیرت دینی چنان در هم تنیده شده که ثمره‌ی آن، تربیت انسان‌هایی تراز انقلاب و آماده‌ی ظهور است. ما اساتید گروه علوم تربیتی، رسالت خود را فراتر از انتقال مفاهیم انتزاعی می‌دانیم؛ وظیفه ما تبیین الگوی تربیتی شهیدانی است که در ضیافت‌الله، مشق خون کردند تا امنیت و استقلال این مرز و بوم جاوید بماند. دفاع مقدس امروز در تقارن با رمضان، تجلی بارز «ساحت تربیت سیاسی و اجتماعی» سند تحول بنیادین است که در آن، دانش‌جو معلم باید بیاموزد که معلمی، ادامه دهندگی راه انبیا در پیکار با بیدادگری است. در این «سلسله یادداشت‌های جنگ رمضان»، برآنیم تا پیوند ناگسستنی میان «میهن‌دوستی مؤمنانه» و «ایثار آگاهانه» را واکاوی کنیم. نصرت قریب‌الوقوع لشکریان اسلام و پیروزی قاطع رزمندگان بر جبهه کفر، نویدبخش شکوفایی تمدنی است که در آن تعلیم و تربیت، رکن رکن قدرت ملی محسوب می‌شود. در آستانه این سال نو، ضمن استغاثه به درگاه الهی برای نصرت نهایی رزمندگان، عهد می‌بندیم که در مسیر تربیت «نسل ظهور»، از هیچ کوششی دریغ نورزیم. باشد که پرچم اقتدار ایران اسلامی تحت عنایات حضرت ولی‌عصر (عج)، بر بلندای جهان برافراشته گردد.

پیروز باد جبهه حق  
سربلند باد ایران مقتدر

#### شرعیات

استادیار گروه تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان قم

## یادداشت سیصد و چهار

### بررسی تطبیقی کارکردهای آیینی تکبیرهای جمعی در جوامع مسلمان: از فرمان پیامبر (ص) برای تکبیرهای شبانه در جنگ احزاب تا جلوه‌های معاصر همبستگی اجتماعی در جنگ رمضان

در گزارش‌های تاریخی جنگ احزاب، یکی از اقدامات مهم پیامبر (ص) برای مدیریت جامعه، فرمان ایشان به تکبیرهای شبانه در مدینه بود. ابن هشام در السیره النبویه نقل می‌کند که در شب‌های محاصره، پیامبر به مردم توصیه کرد در کوچه‌ها و خانه‌ها با گفتن تکبیر فضای شهر را زنده نگه دارند تا روحیه عمومی حفظ شود و دشمنان تصور ضعف و اضطراب نکنند (سیره ابن هشام، ج ۲، يوم الخندق). این رفتار را می‌توان یکی از نمونه‌های روشن تربیت اجتماعی در متن بحران دانست؛ تربیتی که نه فقط در کلاس و آموزش رسمی، بلکه در سامان دهی رفتار جمعی جامعه شکل می‌گیرد. تکبیرهای شبانه در مدینه نوعی تمرین عملی شجاعت، مشارکت و مسئولیت‌پذیری بود. هر خانه بخشی از پیکره مشترک شهر می‌شد و هر فرد یاد می‌گرفت که حتی یک کنش کوچک، در زمان فشار، می‌تواند سهمی در حفظ ثبات و امید عمومی داشته باشد. در تجربه‌های معاصر نیز تکبیرهای جمعی در موقعیت‌های بحرانی، به رغم تفاوت زمینه‌ها، همین کارکرد تربیتی را دارند: تبدیل ترس فردی به قدرت جمعی، آموزش ناخودآگاه همبستگی، و ایجاد فضای روانی امن که افراد را از فرو رفتن در انفعال باز می‌دارد. این‌ها مؤلفه‌هایی‌اند که در تربیت شهروندی امروز نیز اهمیت اساسی دارند. مقایسه این دو دوره می‌تواند برای معلمان و دانشجو معلمان الهام‌بخش باشد؛ زیرا نشان می‌دهد که تربیت، حتی در شرایط سخت، محصول کنش‌های کوچک اما پیوسته است. آیین‌های جمعی از جنس تکبیر، در تاریخ اسلام نمونه‌هایی روشن از تربیت اجتماعی‌اند که در لحظه‌های فشار، روحیه، انسجام و مسئولیت‌پذیری را زنده نگه می‌دارند.

حسین شمس

هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان همدان

## یادداشت سیصد و پنج اصل عدم قطعیت؛ از کوانتوم تا تربیت انسان

اصل عدم قطعیت هایزنبرگ در فیزیک کوانتومی می‌گوید هر مشاهده‌ای، خود در رفتار ذره تأثیر می‌گذارد. هیچ مشاهده‌گری «بی‌طرف کامل» نیست؛ حضور او بخشی از ماجراست. این اصل شگفت‌آور، تنها یک قانون فیزیکی نیست؛ می‌تواند تفسیر زیبایی از حیات اخلاقی و تربیتی انسان باشد. در میدان جنگ رمضان نیز حقیقتی از همین جنس دیده می‌شود. آنجا انسان‌هایی پیروز شدند که دریافتند مشاهده‌گر بودن کافی نیست؛ باید با ایمان، اراده و ترکیه درونی بر میدان اثر گذاشت. آنان فهمیدند که نتیجه‌ها صرفاً محصول شرایط بیرونی نیست؛ بلکه کیفیت حضور انسان است که سرنوشت رویدادها را تغییر می‌دهد. برای دانشگاه فرهنگیان، این اصل یک درس تربیتی مهم دارد. معلم نه یک مشاهده‌گر خاموش، بلکه عامل شکل‌دهنده به واقعیت تربیتی کلاس است. نگاه او، باور او، امید او و حتی سکوت او، در رفتار شاگرد اثر می‌گذارد. هیچ کنش تربیتی «خنثی» نیست؛ همان‌گونه که هیچ مشاهده‌ای در جهان کوانتوم خنثی نیست. پس معلمی که خود را می‌سازد، در حقیقت جهان شاگردانش را می‌سازد؛ و این همان پلی است که میان فیزیک کوانتومی، تجربه‌هایی چون جنگ رمضان و رسالت تربیتی دانشگاه فرهنگیان برقرار می‌شود: این که حضور انسان، واقعیت را تغییر می‌دهد؛ اگر حضوری آگاه، مسئول و پر از نور باشد.

علی محمودلو

عضو هیئت علمی گروه آموزش فیزیک دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی



## یادداشت سیصد و شش

### پیوند مردم و سیاست؛ نظام تربیتی سومین رهبر انقلاب اسلامی

بعد از شهادت رهبر معظم انقلاب در جنگ رمضان و پیش از اعلام نظر نهایی مجلس خبرگان در خصوص انتخاب رهبر جدید، حضور مردم در خیابان‌ها در حمایت از نظام، ایستادگی در برابر دشمن و پشتیبانی از پاسخ سخت به تجاوز آمریکا و اسرائیل، بار دیگر جایگاه مردم در نظام اسلامی و نقش آن در مشروعیت‌بخشی به جمهوری اسلامی را بیش از پیش برجسته ساخت. حضور حماسی شبانه مردم در میدان‌ها و خیابان‌های مختلف شهر، در حالی که تهدیدات نظامی دشمن و بمباران مراکز مختلف همچنان ادامه دارد، جلوه‌ای از مردمی بودن و نقش کنشگری جمعی در حفظ انسجام اجتماعی در مواقع بحران است. انتخاب آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای و انتشار اولین پیام ایشان را می‌توان نقطه عطفی در این میانه دانست. تحلیل محتوای بیانیه مذکور و تکرار آماری برخی مفاهیم و کلمات در این پیام نشان می‌دهد، پرتکرارترین مفهوم در پیام ایشان با نزدیک به ۲۳ درصد و ۱۵ بار تکرار، «مردم و ملت» بوده است. در ساختار کلی این بیانیه «تأکید بر نقش مردم در حفظ انقلاب»، «تقدیر از مدافعان کشور»، «همدردی با آسیب‌دیدگان» و «تشکر از مردم» نشانگر مردم‌محوری در پیام ایشان است. این موضوع نشان می‌دهد در نظام تربیتی ایشان، مردم نقش محوری دارند. به‌طوری که یکی از محورهای اصلی پیام ایشان تأکید بر جمهوریت و نقش مردم بوده است. ایشان با اشاره به آیه «مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا» (بقره: ۱۰۶)، حضور مردم را جایگزین نعمت رهبر شهید دانسته است. این جمله کلیدی در پیام ایشان که «اگر قدرت شما {مردم} در صحنه ظاهر نشود، نه رهبری و نه هیچ‌یک از دستگاه‌های مختلف که شأن واقعی آن‌ها خدمت به مردم است، کارآیی لازم را نخواهند داشت» نشانگر جایگاه ویژه مردم به‌عنوان یک اصل تربیتی و عنصر مشروعیت‌بخش نظام سیاسی است. بنابراین ترور سران نظام و حذف اشخاص، خلل جدی در ساختار نظام ایجاد نمی‌کند. در این چارچوب انتخاب رهبر جدید نه صرفاً یک تغییر در سطح رهبری، بلکه نمادی از پایداری ساختار سیاسی و توانایی آن در عبور از مقاطع حساس تاریخی به کمک اراده مردمی و حمایت آحاد جامعه تلقی می‌شود. از این رو حفظ اعتماد و اتحاد مردم و جلوگیری از ایجاد دودستگی و انشقاق فکری، در این برهه حساس امری ضروری برای مدیریت بحران و افزایش تاب‌آوری اجتماعی تلقی می‌شود.

### به‌نام لطفی

استادیار گروه آموزش جامعه‌شناسی، دانشگاه فرهنگیان استان البرز

## یادداشت سیصد و هفت

### نقش تربیت در مواجهه با بحران‌های جهانی – با تأکید بر شعر سعدی در موقعیت جنگ تحمیلی علیه ایران

شعر سعدی در باب

بنی آدم اعضای یک پیکرند      که در آفرینش ز یک گوهرند  
چو عضوی به درد آورد روزگار      دگر عضوها را نماند قرار

نه تنها پیامی اخلاقی، بلکه چارچوبی فلسفی برای همبستگی انسانی است. در شرایط جنگ تحمیلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران، این شعر به عنوان یک نماد تاریخی و اخلاقی، به ویژه در مواجهه با تهدیدات نظامی، سیاسی و فرهنگی، اهمیت بی نظیری پیدا می کند. این جنگ، نه تنها یک درگیری نظامی، بلکه یک جنگ فرهنگی و روانی است که هدف آن تضعیف هویت، تجزیه اجتماعی و نفی همبستگی ملی است. در این میان، نقش تربیت به عنوان ابزاری اساسی برای تقویت هویت، اعتماد به نفس ملی و آگاهی اجتماعی، غیرقابل انکار است. در برنامه ریزی درسی، تربیت باید به عنوان یک فرآیند سیستماتیک و مبتنی بر ارزش‌های انسانی و ملی طراحی شود. برنامه‌های درسی باید از متن‌های ادبی و فرهنگی مانند این شعر سعدی استفاده کنند تا دانش‌آموزان به مفهوم «همنوعی»، «هم‌دلی» و «مسئولیت اجتماعی» پی ببرند.

این مفاهیم، در شرایط تهدیدات خارجی، به عنوان سدی مقاوم در برابر فرهنگ تفرقه‌انگیزی و تبعیض آمیزی عمل می کند. طراحان برنامه‌های درسی در تربیت، در سطح برنامه ریزی باید از مطالعه متن‌های ادبی، تاریخی و فلسفی استفاده کنند تا دانش‌آموزان را درک کنند و اینگونه محتواها را به طور آشکار و پنهان در موضوعات درسی بگنجانند که به مصداق این شعر سعدی هر عضو جامعه، چه در شرایط سلامت و چه در بحران، بخشی از یک پیکر واحد است. این آگاهی، پایه‌ای برای مقاومت فرهنگی و اجتماعی در برابر جنگ تحمیلی است؛ بنابراین، برنامه ریزی درسی نباید فقط محتوای علمی را هدف داشته باشد، بلکه باید به عنوان یک ابزار تربیتی برای شکل دهی به هویت ملی، اخلاق ملی و احساس مسئولیت اجتماعی عمل کند.

## زهره حمزه لو

عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت سیصد و هشت

### خودباوری و خودتحقیری؛ تحلیلی تربیتی بر پایه هویت، عاملیت و بازخوانی تجربه جنگ رمضان

در ادبیات علوم تربیتی، «خودباوری» هم‌سنگ مفهوم "agency" یا عاملیت فردی و جمعی تلقی می‌شود؛ یعنی توانایی انسان برای فهم موقعیت، انتخاب مسیر و کنش مؤثر در جهان اجتماعی.

در مقابل، «خودتحقیری» حالتی است که در آن فرد یا جامعه، تصویر ناپسندیده‌ای از توانمندی‌های خویش می‌سازد و به تبع آن، مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری کاهش می‌یابد. تربیت رسمی، یکی از مهم‌ترین میدان‌هایی است که این دو رویکرد ذهنی در آن ساخته یا اصلاح می‌شوند. بازخوانی روایتهایی مانند جنگ رمضان می‌تواند در چارچوب تربیت تاریخی و تربیت سیاسی، ابزاری برای فهم نسبت میان هویت فرهنگی و عاملیت اجتماعی باشد. چنین تجربه‌هایی به جای آنکه صرفاً روایت‌های حماسی باشند، زمانی در تربیت مؤثرند که در قالب «مطالعات موردی» به دانشجو و دانش‌آموز امکان تحلیل دهند که چگونه یک جامعه در شرایط عدم قطعیت، با اتکا به دانش، سازمان اجتماعی و انسجام فرهنگی، ظرفیت‌های خود را بالفعل می‌کند؟ این نوع تحلیل، بستر شکل‌گیری خودباوری واقع‌گرایانه را فراهم می‌سازد و هم‌زمان از افتادن در دام خودتحقیری یا هیجان‌زدگی جلوگیری می‌کند.

دانشگاه فرهنگیان در این فرآیند نقشی کلیدی دارد. این دانشگاه می‌تواند با تقویت سواد تربیتی، تفکر انتقادی، شناخت هویت ملی و مهارت تحلیل تاریخی در دانشجومعلم، زمینه‌ای فراهم کند تا آنان در آینده بتوانند روایت‌های تاریخی و فرهنگی را به صورت «تجربه یادگیری» به دانش‌آموزان منتقل کنند.

در چنین رویکردی، تربیت نه انتقال احساسات، بلکه ساختن ذهنی توانمند، معناجو و مسئول است؛ ذهنی که خودباوری را نه توهم توانایی، بلکه محصول شناخت، اخلاق و تحلیل می‌داند.

### رسول بهنام

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت سیصد و نه

### جرایمی تأثیر بی نظیر تربیتی و اجتماعی شهادت رهبر عزیز حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

درباره قاب شهادت رهبر و تأثیرات اجتماعی آن، باید ساعت‌ها سخن گفت صفحه‌ها مطلب نوشت. اینک از منظر صادق بودن آن رهبر شهید به آن می‌پردازیم. این آیه شریفه را همه بارها و بارها خوانده‌ایم و شنیده‌ایم:

«مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالَ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» (احزاب: ۲۳)

مفهوم کانونی این آیه شریفه، «صداقت» است: یعنی سخن درباره «مردان الهی بزرگی» است که تا آخرین لحظه زندگی «صادقانه»، پای عهدی که با خدا بسته بودند، ایستادند و مقاومت کردند و در برابر دشمنان خدا ذره‌ای کوتاه نیامدند. و کسی که در برابر عهدی که با خداوند بسته است در عمل «صادق» باشد، خداوند «محبت» او را به دل مردم می‌افکند.

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: ۹۶)

مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ؛ (نهج‌البلاغه؛ حکمت ۸۹)

«مقاومت» رهبر شهید تا آخرین لحظه در برابر دشمنان خدا و «بیعت نکردن با یزید زمانه»، یعنی اوج «صداقت در وفای به عهد الهی» و این خود منشأ و مجرای اصلی محبتی است که خداوند در دل مردم نسبت به ایشان ایجاد کرده است. اما محبت مردم نسبت به ایشان، تنها از این مسیر، یعنی «صداقت در عمل به عهد الهی» ایجاد نشده است، بلکه این «صداقت» علاوه بر «عهدی» که با «خداوند» بسته بود، در مواجهه با «مردم ایران» و «عهدی» که با آنها بسته بود نیز محقق شد و این خود منشأ ایجاد «محبت» دیگری در دل مردم است. شهادت رهبر ددرفتار و به همراه خانواده، (و نه در پناهگاه‌های زیرزمینی و تونل‌های تو در تو) این نوع از «صداقت» و «وفای به عهد» با «مردم» را نیز آشکار کرد. او درواقع با نوع شهادتش، با مردم سخن گفت. بخشی از مردم که درباره «صداقت» ایشان تردید داشتند و بخشی دیگر که آن را انکار می‌کردند و معتقد بودند زندگی مردم برای ایشان اهمیتی ندارد و در زمانه جنگ و سختی، خودش و خانواده‌اش متفاوت از مردم زندگی می‌کنند و...، فهمیدند که سال‌ها درباره مردمی‌ترین رهبر دنیا اشتباه می‌کردند؛ او از جنس مردم بود (رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ) و دغدغه مندترین انسان‌ها نسبت به مردم (عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ) و مهربان‌ترین نسبت به مردم بود (بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ) و سرانجام جان‌ش را برای خدا و مردم فدا کرد.

### علیرضا حیدری سه ده

عضو هیات علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی.

## یادداشت سیصد و ده از خانه و خانواده شروع کنیم

این روزها صحبت از میدان و خیابان و محافظت و مراقبت از آن است که البته ضرورت و اولویت دارد. اما این دو اولویت پیش زمینه‌ای به نام خانه و خانواده دارند. امروزه انواع وسایل ارتباط جمعی از درون خانه، اعضای خانواده را به خود مشغول و از یکدیگر دور یا بیگانه و در نهایت دچار اختلافات سطحی و عمیق می‌کنند. موضوع جنگ و صلح و اتحاد ملی بحث داغ این روزهاست که هر نسلی روایت خود را از آن دارد. در اوقات حضور در خانه فرصت مناسبی برای گفت و گوی صبورانه، منطقی، مستدل و نقادانه نسبت به آن‌ها وجود دارد که بی نهایت ارزشمند است و نباید آن را دست کم گرفت.

پیشنهاد:

- معرفی و مطالعه کتاب‌های مختصر و مهم الکترونیک برای همه اعضا و برگزاری مسابقه درون خانوادگی می‌تواند شروع خوبی برای نزدیکی افکار و دل‌ها و زبان‌ها باشد.
- از ابزارهای تشویقی و زمان بندی و تفکیک وظایف می‌توان برای بهبود مطالعه استفاده کرد.

نتایج:

- افزایش آگاهی نسل‌های جوان و به‌ویژه نوجوان نسبت به کمبود دانش و بینش نسبت به میهن خود، مقایسه اطلاعات کتاب‌های خوب با داده‌های رسانه‌ها، کاهش هیجانات و احساسات ناخواسته، فاصله گرفتن از رسانه‌ها و نزدیکی با خانواده ...؛ و
  - مهم‌تر از همه افزایش وحدت ملی و محافظت از میدان و خیابان و ناکامی دشمن از تسخیر افکار نسل آینده کشور...
- معرفی کتاب: مبانی غرب مدرن، شهریار زرشناس

### معصومه سمائی دستجردی

عضو هیئت علمی گروه آموزش معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، دانشکده علوم انسانی استان اصفهان.

## یادداشت سیصد و یازده

### درس‌های اثباتی و سلبی از تقارن دو عید ملی و اسلامی

تقارن این دو عید؛ یعنی عید نوروز که عید باستانی و ملی ماست و عید سعید فطر که عید بزرگ معنوی و اسلامی است، زبان زمان باشد برای نزدیکی دل‌ها و اندیشه‌ها؛

برای تقریب فرهنگ و هویت،

برای پیوند ایرانیت و اسلامیت،

برای هم‌نشینی وطن‌دوستی و معنویت،

برای شکستن تقابل‌های دروغین،

برای نفی تقابل دین و تمدن،

برای نفی دوگانه‌سازی میان سلمان و کوروش،

برای آنکه بدانیم تاریخ ما یک رودخانه است، نه چند جریان جدا از هم؛

برای آنکه بفهمیم می‌توان هم به حافظ و فردوسی بالید و هم به پیامبر رحمت و اهل بیت علیهم‌السلام عشق ورزید؛

برای آنکه در کنار سفره هفت‌سین، دل را نیز با سفره بندگی صفا دهیم؛

برای آنکه بدانیم نوروز پیام نوزایی طبیعت است و فطر پیام نوزایی روح.

این تقارن می‌تواند یادآور این حقیقت باشد که:

ایران بدون معنویت ناقص است و معنویت در این سرزمین بدون فرهنگ و تاریخ آن ریشه نمی‌گیرد.

باشد که این روزهای مبارک فرصتی باشد برای آشتی دل‌ها،

برای تقویت امید،

برای مهربانی بیشتر با یکدیگر،

و برای ساختن ایرانی آبادتر، اخلاقی‌تر و همدل‌تر.

برای شکست دشمنانی که همیشه دنبال ایجاد تقابل و نفاق در میان مسلمانان و به‌طور خاص ایجاد تقابل در میان ایرانیان بودند.

سید محمدحسینی نیک

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان کهگیلویه و بویراحمد

## یادداشت سیصد و دوازده

### نقش تربیت‌بدنی در پرورش نسل مقاوم و توانمند

تربیت‌بدنی تنها مجموعه‌ای از فعالیت‌های ورزشی نیست؛ بلکه بستری علمی، تربیتی و انسان‌ساز برای رشد شخصیت، تقویت اراده و پرورش روحیه پایداری است. در شرایط امروز جامعه، که نیاز به انسجام، امید، همبستگی و تاب‌آوری بیش از هر زمان حس می‌شود، این رشته می‌تواند نقشی کلیدی در ساختن نسل فردا ایفا کند. دانشجو معلم، وارثان مسیر معلمان ایثارگر و شهیدان فرهنگی‌اند؛ کسانی که با جان و عمل خود نشان دادند آموزش و پرورش تنها انتقال دانش نیست، بلکه ساختن انسان‌هایی باوجدان، مقاوم و مسئول است. امروز نیز رسالت شما ادامه همان راه روشن است: پرورش دانش‌آموزانی که جسمی سالم، ذهنی فعال و روحی سرشار از امید و استقامت داشته باشند. ورزش، بر پایه یافته‌های علمی، نه تنها نیروی جسمانی فرد را تقویت می‌کند، بلکه بر افزایش خودباوری، مدیریت استرس، توان مقابله با دشواری‌ها و ارتقای تعاملات اجتماعی تأثیر مستقیم دارد. این ویژگی‌ها همان مولفه‌هایی هستند که یک جامعه مقاوم به آن نیاز دارد. تمرین منظم، رعایت قواعد بازی، احترام به رقبا، تحمل شکست، تلاش برای پیروزی و پایبندی به اخلاق ورزشی، به‌طور غیرمستقیم فرد را برای مواجهه با چالش‌های زندگی تربیت می‌کند. دانشگاه فرهنگیان، به‌عنوان نهادی مأمور در تربیت معلمان آینده، از شما می‌خواهد که نگاه علمی و تربیتی را در فعالیت‌های ورزشی تلفیق کنید. تربیت‌بدنی در مدرسه باید فراتر از چند ساعت نشاط باشد؛ باید به کلاس درس مقاومت، همدلی، انضباط و مسئولیت‌پذیری تبدیل شود. شما می‌توانید با برنامه‌ریزی درست، فعالیت‌های حرکتی هدفمند، بازی‌های گروهی و ترویج اخلاق ورزشی، زمینه‌ساز شکل‌گیری نسلی باشید که در برابر فشارها و دشواری‌ها ایستادگی می‌کند و با امید و تلاش مسیر پیشرفت را می‌پیماید زیرا خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» (آل عمران: ۱۳۹). درنهایت، پیام مشترک شهیدان فرهنگی و رسالت دانشگاه فرهنگیان یک جمله روشن است: معلم باید امید بسازد. شما به‌عنوان دانشجومعلمان مخصوصاً دانشجومعلمان رشته‌ی تربیت‌بدنی، با پرورش جسم و جان دانش‌آموزان، به ساختن ایرانی بالنده‌تر، مهربان‌تر و مقاوم‌تر کمک می‌کنید.

### اعظم طلبابی مزرعه نو

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان یزد، دانشکده علوم انسانی، گروه آموزش تربیت‌بدنی

## یادداشت سیصد و سیزده

### ضرورت بهره‌گیری از ابزار رسانه برای پیشگیری از نسل‌کشی فرهنگی توسط دشمن

جنگ شناختی وجوه متعددی دارد. یکی از وجوه بارز این جنگ، حمله هوشمندانه به مقر اصلی ملت ایران یعنی میراث کانونی فرهنگ و تمدن کشور است. به فرض اجرای صحیح این نوع از حملات، بسیاری از نقاط فرهنگی و تمدنی ملت مورد اصابت قرار می‌گیرد.

در این راستا و در کنار حملات مستمر به مبانی اعتقادی و جهان‌بینی مردم عزیز، در هجوم اخیر دشمن به نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی، بناهای شخصی و واحدهای مسکونی مردم، تهاجم بی‌رحمانه و دیوانه‌وار او به سرمایه‌های فرهنگی، تمدنی و اجتماعی با ادعای وجود «انبار مهمات نیروهای نظامی در زیر آثار تمدنی و بناهای تاریخی و بازارهای سنتی»، به‌عنوان عملیاتی هدفمند در چارچوب «جنگ شناختی» علیه کشورمان است که پیش از هر حمله فیزیکی، می‌تواند زمینه را با نشانه‌گیری دقیق میراث فرهنگی اذهان و افکار عمومی را برای پذیرش «این خطای فاجعه‌آمیز» به‌عنوان هدفی مشروع عادی‌سازی نماید.

جامعه‌شناسان و فرهنگ‌پژوهان از این پدیده خطرناک به‌عنوان ابزاری برای «نسل‌کشی فرهنگی (cultural genocide)» یاد می‌کنند که می‌تواند حافظه تاریخی یک ملت را پیش از تخریب آجرها، به آتش بکشد.

زخم‌های نشست بر پیکر آثار ماندگار فرهنگی در جنگ اخیر نمونه بارزی از این آثار تمدنی است که مستقیم یا غیرمستقیم مورد آسیب واقع شده است که آشکارسازی راهبرد نامیمون دشمن در پس این حملات برای پیشگیری از تخریب‌های آتی ضروری می‌نماید.

**علی عباسپور**

عضو هیئت علمی گروه آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان تهران



## یادداشت سیصد و چهارده

### تربیت در دل بحران: روش انسان‌ساز انبیاء و راه ادامه‌دهندگان ایشان

هدف اصلی انبیاء الهی، نه تدریس و انتقال معلومات در کلاس و نه تقدیم محتوا در کتاب بلکه تربیت انسان و ارتقاء جامعه انسانی بوده است. چیزی فراتر از «آموزش»؛ سازندگی انسان و ساختن کارخانه‌ی انسان‌سازی. کارخانه‌ای که خود به خود، انسان‌های بلوغ‌یافته را تولید می‌کند. انبیا الهی مردم را در دل حوادث اجتماعی، در میانه جنگ و جهاد، هجرت و مسئولیت، و در بحبوحه سختی‌ها و بحران‌ها تربیت می‌کردند نه در پای کلاس درس آموزشی. در این شرایط سخت است که ایمان تقویت، بلوغ معنوی حاصل و انسان به سمت اوج انسانیت راه می‌یابد. تبیین این معارف الهی هم یکجا نبود، بلکه تدریجی—از اجمال به تفصیل—به دیگران منتقل می‌شد. روشی که پیامبر اکرم (ص) در طول ۱۳ سال تبلیغ در مکه انجام دادند و در آن شرایط با تمرکز بر توحید و معاد، با هجرت به مدینه، به بیان معارف به‌صورت تفصیلی پرداختند. امروز، ادامه‌دهندگان راه انبیا باید همین مسیر را دنبال کنند:

تربیت در دل حوادث و پیشامدهای پیشرو—نه فرار از بحران، بلکه استفاده از بحران به‌عنوان کلاس زنده‌ی تربیت و تبدیل آن به فرصت. مردم در این شرایط است که به سرعت‌ترین و عمیق‌ترین شکل، معارف الهی را درک و اجرا می‌کنند فقط باید بدانیم چگونه این فرصت را مدیریت کنیم.

فرمانده‌ای از لشکر امام علی (ع)، به حضرت اینگونه نوشت:

«اکثر یارانم به شهادت رسیدند.»

حضرت در مرقومه ای فرمودند:

«بَقِيَّةُ السَّيْفِ أَبْقَى عَدَدًا وَ أَكْثَرُ وَلَدًا»

(آنان که از یاران شهیدشان باقی می‌مانند، پرتعدادتر و روینده‌تر هستند.)

خلاصه آن‌که تربیت انبیاء الهی پیامش این است:

شکست ظاهری، پیروزی معنوی به ارمغان می‌آورد؛

شهادت، زندگی ساز است؛

بحران‌های اجتماعی، زمینه‌ساز بلوغ جمعی و فردی است.

حمید مریدیان

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان سمنان

## یادداشت سیصد و پانزده

### آموزش اخلاقی و فضیلت‌های انسانی در جنگ رمضان

یکی از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، امیل دورکیم است. از وجوه جنگ تحمیلی آمریکا و صیهونیسم علیه ایران فهم وجه اخلاقی و تربیتی کنش‌های جمعی بر اساس اندیشه این جامعه‌شناس است. در اندیشه وی یکی از مفاهیم بنیادی «آموزش اخلاقی» است. هدف اصلی آموزش اخلاقی، پرورش احترام به حقوق انسان‌ها، درک ارزش فضیلت‌ها و تعهد به اهداف انسانی است. آموزش اخلاقی مبتنی بر سه موالفه روح انضباط، وابستگی به اجتماع و خودمختاری اراده است. «روح انضباط» کمک می‌کند که انسان امروز از آرزوهای نامحدود و سیری‌ناپذیر و تجاوز به حقوق سایر هم‌نوعان خودداری کند و توانایی خودکنترلی داشته باشد و شخصیتش پرورش یابد. تجربه کودک‌کشی و نسل‌کشی در غزه و نابودی اماکن غیرنظامی و کشتار دانش‌آموزان بی‌گناه مدرسه شجره طیبه در میناب نشان داد که سخن از فضیلت‌های اخلاقی، انسانی، رعایت حقوق بشر و دموکراسی (همچون حمله نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۱) در ادبیات سیاسی این کشورها شعاری بیش نیست؛ این شعارها برای تهاجم به کشورهایی با منابع غنی استفاده می‌شود و زمانی که این کشورها از حقوق و تمامیت ارضی‌شان دفاع می‌کنند؛ آن‌ها را «تروریسم» می‌نامند. دومین موالفه، «وابستگی به اجتماع» است. آموزش اخلاقی فرد را ابتدا به خانواده و سپس جامعه (وطن) پیوند می‌دهد. وابستگی به وطن، عشق و دفاع از وطن یک «فضیلت اخلاقی» است؛ فضیلتی که فرد را از غرقاب خودشیفتگی، خودبرتربینی و خودخواهی می‌رهاند؛ به گونه‌ای که شهروند ایرانی با وجود بمباران هوایی در دفاع از وطن، عزیزترین و بهترین سرمایه وجودی‌اش را کف خیابان می‌آورد. سومین موالفه، «خودمختاری اراده» (استقلال داشتن) است. کنشی را می‌توان اخلاقی دانست که عاقلانه و همراه با چرایی و فهم آن باشد؛ جامعه ایران با وجود تنوع و تکثر قومیتی، مذهبی، حزبی، سیاسی، زبانی در این شرایط احساس کرده، اندیشیده و به این معنا رسیده که دفاع از وطن با وجود چالش‌ها و مسائل مختلف بر هر اندیشه، نگاه و رخدادی اولویت دارد. این واقعیت در سايه هویت تمدنی، تاریخی، فرهنگی و دینی که مبتنی بر آزادی، استقلال، ظلم ستیزی شکل گرفته، قابل مطالعه و تأمل است؛ لذا کشف الگوواره‌های فرهنگی- اجتماعی این پدیده برای نظام‌های آکادمیک و علمی می‌تواند به خلق نظریه‌های مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی در جهان امروزی کمک کند.

#### ولی بهرامی

آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، ایران، لرستان

## یادداشت سیصد و شانزده نیروگاه‌های برق و تهدیدات ترامپ

آیا ترامپ باز هم دچار خطای محاسباتی خواهد شد و به نیروگاه‌های برق حمله خواهد کرد؟ کشور عزیزمان ایران حدود ۹۲ هزار مگاوات برق تولید می‌کند. نیروگاه دماوند با ۳ هزار مگاوات، نکا با ۲۵۰۰ مگاوات و ... از این ۹۲ هزار مگاوات، تقریباً ۶۲ هزار مگاوات توسط نیروگاه‌های گازی و سیکل ترکیبی تولید می‌شود، حدود ۲۵ هزار مگاوات به‌وسیله نیروگاه برق آبی از سدها، بقیه هم خورشیدی و بادی و کمی زمین گرمایی...

از طرفی کل تولید برق اسرائیل حدود ۸ یا ۹ هزار مگاوات است، که تولید برق فقط در نیروگاه اوروت رابین حدود ۲۵۰۰ مگاوات است. درواقع تولید برق در اسرائیل به نسبت کل تولید بسیار متمرکز و شکننده است. ولی توزیع نیروگاه‌ها در ایران بسیار نامتمرکز و تقریباً در همه اقصی نقاط کشور از شرق به غرب، از شمال تا جنوب نیروگاه قرار دارد.

هم‌چنین شبکه برق کشور اصطلاحاً رینگ توزیع است و به‌عبارت دیگر نیروگاه مستقر در یک منطقه فقط برق آن منطقه را تولید نمی‌کند. مثلاً نیروگاه شهریار صرفاً همان شهر رو تغذیه نمی‌کند؛ یعنی اگر یک نیروگاه دچار آسیب شود و از مدار خارج شود، تولید آن در کل کشور سرشکن خواهد شد و مشکلات خیلی جدی پیش نخواهد آمد، در صورتی اگر یک نیروگاه در اسرائیل از مدار خارج شود، یک چهارم اسرائیل در خاموشی خواهد رفت.

پس اگر این حماقت توسط دشمن متجاوز انجام شود، آنوقت مقاله به مثل خواهد شد و آسیب پذیری اسرائیل به مراتب بیشتر خواهد بود. در ضمن آسیب پذیری متحدان منطقه‌ای دشمن را هم اگر به این مقوله اضافه کنیم، از نگاه آسیب پذیری می‌توان نتیجه گرفت که دشمن به چنین کاری دست نخواهد زد.

### ایمان بلواسی

گروه آموزشی جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان لرستان.

## یادداشت سیصد و هفده شهادت و تربیت اجتماعی

از نگاه جامعه‌شناسی جنگ و روان‌شناسی جمعی، گاهی کشته شدن افراد محبوب یا نمادین می‌تواند نتیجه‌ای برخلاف هدف مهاجم ایجاد کند؛ به گونه‌ای که به جای تضعیف جامعه، موجب افزایش همبستگی اجتماعی و انگیزه مقاومت شود. در چنین شرایطی، جامعه ممکن است فرد از دست‌رفته را به نمادی از ارزش‌ها و هویت جمعی تبدیل کند و این فرایند به بسیج اجتماعی و تقویت حمایت عمومی منجر شود (آلدریچ، ۲۰۱۲). در همین چارچوب، در ادبیات پژوهشی ایران درباره جنگ و دفاع نیز شهادت صرفاً یک رخداد فردی تلقی نمی‌شود، بلکه دارای کارکردهای فرهنگی و تربیتی مهمی در جامعه است. شهیدان در این چارچوب به عنوان الگوهای هنجاری و اخلاقی در حافظه جمعی بازنمایی می‌شوند و می‌توانند ارزش‌هایی مانند فداکاری، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، همبستگی و تعهد به منافع عمومی را در میان نسل‌های بعدی تقویت کنند. بازنمایی اجتماعی شهادت از طریق روایت‌ها، آیین‌های یادبود و نمادهای فرهنگی نوعی فرایند تعلیم و تربیت اجتماعی غیررسمی را شکل می‌دهد که به انتقال ارزش‌های جمعی و تقویت سرمایه فرهنگی جامعه کمک می‌کند. از این منظر، فرهنگ ایثار و شهادت در شرایط بحرانی می‌تواند به انسجام اجتماعی و افزایش انگیزه مشارکت در دفاع و خدمت به جامعه یاری رساند (کاشفی، ۱۳۸۶؛ عباسی، ۱۳۹۰).

### حسی سلیمی

عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان آذربایجان غربی

## یادداشت سیصد و هجده

### اکو سیستم پیروز و ورشکسته‌های روانی-اجتماعی

تصور کنید دو راه کاملاً متفاوت برای فکر کردن درباره خود و رابطه‌تان با دنیا وجود دارد. حالت اول مانند این است که مدام روی یک سکو ایستاده‌اید و نگرانید دیگران در مورد شما چه فکری می‌کنند. هدف اصلی این است که باهوش، موفق یا محبوب به نظر برسید. در این حالت، همکاری سخت است چون دیگران رقیبند، انتقاد ویرانگر است و استرس زیادی دارید. حالت دوم مانند این است که بخشی از یک باغ بزرگ هستید. به جای نگرانی درباره خودتان، به این فکر می‌کنید که چگونه می‌توانید به رشد کل باغ کمک کنید. هدف اصلی یادگیری، مشارکت و کمک به رشد جمعی است. در این حالت، روابط عمیق‌تر می‌شوند، اشتباهات فرصتی برای یادگیری هستند و حس رضایت بیشتری دارید. این دو حالت بیانگر دو نوع سیستم انگیزشی در انسان است. در حالت اول (ایگو سیستم یا خودمحور) سؤال اصلی این است که «من از این موقعیت یا رابطه چه چیزی به دست می‌آورم؟». در حالت دوم (اکو سیستم یا جمع محور) سؤال اصلی این است که «من چگونه می‌توانم در این موقعیت یا رابطه مشارکت کنم و ارزش بیافزینم؟» در حالت جمع محوری تمرکز بر همدلی و مشارکت است و فرد خودش را بخشی از یک کل بزرگ‌تر می‌بیند (کروکر، ۲۰۰۴-۲۰۱۱).

افراد در موقعیتهای مختلف به نسبت سیستمهای انگیزشی خود محور و جمع محور دارند. البته مشخصاً جمعی که افراد به آن احساس تعلق دارند متفاوت است. البته اینگونه نیست که افراد همیشه در یک حالت انگیزشی خود محور یا جمع محور باشند و یا حتی همیشه به یک جمع احساس تعلق کنند. برخی شرایط و موقعیتها موجب تغییر در اولویت انگیزشی افراد و حتی تغییر در جمعی که فرد بدان احساس تعلق می‌کند می‌شود. یکی از این موارد شکست یا تحقیر است. رد شدن آشکار ایده‌ای که فرد سرمایه گذاری روانی روی آن کرده و یا احساس خیانت از طرف کسانی که فرد به آنها اعتماد داشته تجربه دردناکی است که می‌تواند سیستم خودمحور را به‌طور موقت فعال کرده و حتی پس از آن فرد در یک گذار سالم به یک اکو سیستم جدید بپیوندد. در مشاهدات میدانی این روزها در کف خیابان‌ها می‌بینیم که چگونه پس از آشکارتر شدن فریبهای رسانه‌ای دشمنان بر علیه جمهوری اسلامی و روشن‌تر شدن ذات جنایتکار امریکا و اسرائیل، بسیاری از افراد در اکو سیستم جدیدی ادغام شده و به حمایت از ایران و نظام اسلامی می‌پردازند. این اکوسیستم جدید، افرادی گوناگون با علایق و سلايق سیاسی اجتماعی مختلف را گرد هم آورده است. این یک اکو سیستم پیروز است. اکوسیستمی که در جدال توانسته پیروز

باشد و روز به روز به پیروانش افزوده می‌شود. در مقابل این اکو سیستم پیروز، جمعی از ورشکسته‌های روانی-اجتماعی وجود دارد. افرادی که پس از مشاهده حقایق، گذار سالمی را تجربه نکرده و همچنان به دفاع از خود و حفظ مواضع و منافع شخصی خودشان می‌پردازند. این افراد ظرفیت همدلی را از دست داده و واکنشهایشان به موقعیتهای ناسازگار و آسیب‌زا است و چه بسا مجدداً و افراطی‌تر به اکوسیستمی که از آن آسیب خورده‌اند بپیوندند (کروکر، ۲۰۱۱)؛ که در این صورت در چرخه‌ای مخرب از تأیید طلبی گرفتار شده و روز به روز منزوی‌تر، مضطرب‌تر و غیر معقول‌تر خواهند شد. نمونه این افراد کسانی‌اند که در این مدت آگاهانه و عامدانه و علیرغم مسئولیت‌شغلی، اجتماعی، اخلاقی و دینی که دارند، هیچ واکنشی نسبت به وقایع اخیر و جنایاتی که رخ داده نداشته‌اند و یا حتی با واکنشهای سوگیرانه نمک بر زخم‌های این ملت پاشیده‌اند. اگرچه خوب میدانیم حجمه‌های بی‌پروا به همدیگر می‌تواند اتحاد پیش آمده در جامعه را خدشه دار کند، اما از خاطرم‌ان هم نخواهد رفت که در سختی‌ها چه کسانی در کنارمان بودند و چه کسانی با بی تفاوتی سکوت کردند.

### سعید فرمانی

عضو هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه

## یادداشت سیصد و نوزده

### تربیت ملی و هویت اجتماعی در شرایط بحران - با تأکید بر نقش رهبری و حضور شهدا در فضای فرهنگی-اجتماعی ایران (بر اساس ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش)

در شرایط بحرانی جنگ تحمیلی و تهدیدات امنیتی، نیاز به تربیت ملی جامع و مبتنی بر هویت ملی، اخلاق اسلامی و حضور پویای رهبری و شهدا، بیش از پیش احساس می‌شود. این شرایط، چالش‌های روانی، فرهنگی و تربیتی عمیقی را به همراه دارد که نیازمند تغییر در چارچوب آموزشی است. در این مسیر، ساحت اجتماعی-سیاسی از شش ساحت تربیتی سند تحول بنیادین، به‌عنوان محور کلیدی، باید در برنامه‌ریزی آموزشی جدی گنجانده شود. این ساحت، به تربیت فردی مسئول، آگاه سیاسی و متحد ملی، با تاب‌آوری فرهنگی و اخلاقی، تأکید دارد. حضور شهدا و رهبری شهید نباید نمادین یا سطحی باشد، بلکه باید به‌عنوان مدل‌های عملی، اخلاقی و سیاسی در محتوای درسی، پروژه‌های یادگیری مشارکتی و فعالیت‌های کلاسی مورد بررسی قرار گیرد. این امر، یادگیری عمیق از تجربیات تاریخی، تحلیل سیاسی اقدامات رهبری و نقش شهدا در شکل‌دهی به نظام اجتماعی-سیاسی ایران را می‌طلبد. معلمان به‌عنوان میانجی‌گران فرهنگی-سیاسی، باید از طریق گفت‌وگوهای اخلاقی، بازی‌های نقش‌آفرینی و پروژه‌های مدنی، دانش‌آموزان را به تفکر سیاسی، تفکر انتقادی و مشارکت مسئولانه تشویق کنند. ارزشیابی نیز باید از دانش خالص فراتر رود و نگرش، مسئولیت‌پذیری و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را نیز مورد سنجش قرار دهد. درنهایت، تربیت ملی در شرایط بحران، با تکیه بر ساحت اجتماعی-سیاسی، به فرآیند تولید هویت، شکل‌دهی به مشارکت و تقویت تاب‌آوری سیاسی-اجتماعی تبدیل می‌شود.

## زهره حمزه لو

عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت سیصد و بیست

### هوش هیجانی در شرایط جنگ و بحران؛ بنیانی برای تربیت نسل پایدار

بحران‌هایی مانند جنگ، علاوه بر پیامدهای عینی، پیامدهای عمیق روان‌شناختی نیز به همراه دارند. در چنین شرایطی، یکی از مؤلفه‌های بنیادین که به حفظ سلامت روانی و پایداری اجتماعی کمک می‌کند «هوش هیجانی» است. هوش هیجانی به معنای توانایی فرد در شناخت، تنظیم و مدیریت احساسات خود و دیگران است؛ مهارتی که در شرایط بحران، کارکردی حیاتی پیدا می‌کند. کودکان و نوجوانان در زمان جنگ با طیفی از هیجانات نظیر ترس، نگرانی، خشم یا سردرگمی مواجه می‌شوند. اگر این هیجانات مدیریت نشوند، می‌توانند به اضطراب مزمن، کاهش احساس امنیت و اختلال در عملکرد یادگیری منجر شوند. در مقابل، تقویت هوش هیجانی به آنان کمک می‌کند هیجانات خود را تشخیص دهند، نام‌گذاری کنند و از راهبردهای سازگارانه برای آرام‌سازی ذهن استفاده کنند. از منظر تربیتی، پرورش هوش هیجانی تنها یک مهارت فردی نیست، بلکه یک ضرورت اجتماعی است. دانش‌آموزانی که بتوانند هیجانات خود را در شرایط فشار کنترل کنند، بهتر قادرند تصمیم بگیرند، همدلی نشان دهند و در تعاملات گروهی رفتارهای سالم‌تری بروز دهند. این ویژگی‌ها، در مجموع به شکل‌گیری «نسل پایدار» کمک می‌کند؛ نسلی که در مواجهه با بحران، انعطاف‌پذیرتر و مسئولانه‌تر عمل می‌کند. نقش معلمان و خانواده‌ها در این روند بسیار مهم است. آن‌ها می‌توانند از طریق گفت‌وگوی فعال، بازی‌های نقش‌آفرینی، آموزش مهارت‌های حل مسئله، و ایجاد محیط‌های امن عاطفی، زمینه رشد هوش هیجانی را تقویت کنند. ارائه فرصت برای بیان احساسات و شنیده شدن، یکی از مؤثرترین راه‌ها برای کاهش فشار روانی در شرایط بحرانی است. درنهایت، هوش هیجانی نه تنها به حفظ آرامش ذهنی کودکان و نوجوانان در زمان بحران کمک می‌کند، بلکه آنان را برای مواجهه سنجیده با واقعیت‌های پیچیده جهان امروز آماده می‌سازد. چنین ظرفیتی، پایه‌ای مهم برای تربیت نسلی resilient و آگاه در شرایط دشوار است.

### حجت مردانه طالش‌مکائیل

عضو هیئت علمی و استادیار گروه آموزش تربیت بدنی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه طباطبایی استان اردبیل



## یادداشت سیصد و بیست و یک

### «چشم در برابر چشم»؛ درسی تربیتی درباره عدالت و بازدارندگی

در قرآن کریم اصل «العینُ بالعین» بیانگر قاعده‌ای بنیادین در عدالت است؛ قاعده‌ای که هدف آن نه گسترش خشونت، بلکه ایجاد توازن و جلوگیری از تعدی است. این اصل در حقیقت به جامعه می‌آموزد که واکنش به تجاوز باید در چارچوب عدالت و متناسب با عمل صورت گیرد؛ نه فراتر از آن و نه از سر انفعال. به همین دلیل، بسیاری از مفسران این قاعده را سازوکاری برای بازدارندگی و حفظ نظم اجتماعی دانسته‌اند. در عرصه روابط جمعی و حتی در شرایط جنگ، همین منطق می‌تواند به عنوان نوعی «مقابله به مثل محدود و عادلانه» فهم شود؛ واکنشی که هدف آن دفاع از حق و جلوگیری از تداوم تجاوز است. تجربه‌هایی مانند جنگ رمضان را می‌توان از این منظر نیز مورد تأمل قرار داد؛ موقعیتی که در آن جامعه در برابر تهدید، تلاش می‌کند پاسخی متناسب و بازدارنده ارائه دهد. چنین تجربه‌هایی اگر در چارچوب تحلیلی و تربیتی بازخوانی شوند، می‌توانند به دانش‌آموزان و دانشجویان نشان دهند که دفاع از حق، زمانی معنا پیدا می‌کند که با عدالت، عقلانیت و مسئولیت همراه باشد. در این میان، دانشگاه فرهنگیان نقش مهمی در تبدیل این مفاهیم به سرمایه تربیتی دارد. معلمان آینده باید بیاموزند که چگونه مفاهیم دینی مانند «العین بالعین» را از سطح یک عبارت حقوقی فراتر برده و آن را به درسی درباره عدالت، مسئولیت اجتماعی و بازدارندگی اخلاقی تبدیل کنند. هنگامی که این مفاهیم در قالب تحلیل تاریخی و اخلاقی آموزش داده شوند، نسل جدید درمی‌یابد که مقابله با ظلم نیز باید در چارچوب عدالت و قانون صورت گیرد. از این منظر، «چشم در برابر چشم» تنها یک حکم حقوقی نیست؛ بلکه درسی تربیتی درباره حفظ عدالت، دفاع مسئولانه و جلوگیری از گسترش بی‌عدالتی در جامعه است.

### رسول بهنام

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت سیصد و بیست و دو

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين، سيدنا محمد وعلى آله الطاهرين وصحبه المنتجبين.

أصدرت جامعة الأزهر -هداها الله سواء السبيل- بياناً استنكرت فيه بشدة العمليات العسكرية الإيرانية ضد الكيان الصهيوني، ووصفتها بأنها «اعتداءات غير مبررة على الجيران». وقد جاء هذا البيان متجاهلاً -عمداً أو عن غير قصد- سياق العدوان ومقدماته، ومتغافلاً عن مئات الخروقات والاعتداءات الصهيونية الأميركية المتكررة على الأراضي والسيادة الإيرانية، والتي بلغت ذروتها باستهداف مباشر للأراضي الإيرانية في هذا الشهر الكريم.

فمن المؤسف أن جامعة عريقة بهذا القدر تنحاز في خطابها إلى رواية المحتل، فتسمى الدفاع المشروع عن النفس «اعتداء»، وتتناسى أن ما قامت به إيران كان ردّاً حازماً على عدوان سافر استهدف المنشآت الحيوية الإيرانية ومنازل الأبرياء والشعب الأعزل، في تحدٍ سافر لكل القوانين الدولية والأعراف الإنسانية.

لقد اعتادت الأقاليم التي لا تبحث عن الحقيقة أن تستقي معلوماتها من روايات الفاسقين من الأمريكيين والصهاينة وأدواتهم الإعلامية، ثم تطلق الأحاديث باسم الدين والعلم. وقد فعلها بيان الأزهر حين استشهد بآيات قرآنية وأحاديث نبوية في غير موضعها، ليعطي شرعية زائفة لموقف سياسي لا يمت للإنصاف بصله، متناسياً قوله تعالى: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَيْهِ ۚ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ} (الحجرات: ٦).

فهل تبين علماء الأزهر صحة ما نُقل لهم من أنباء قبل إصدار البيان؟ أم أنهم اعتمدوا على ما بثته أبواق العدوان من تضليل وتزييف؟ إن الدفاع عن المقدسات والدماء لا يكون بالانتصار للمعتدى، ولا بإصدار بيانات تخلط بين المقاومة المشروعة والإرهاب المدان. كما أن الإسلام الذي يدعو إلى السلم لا يأمر بالخنوع أو ترك جريمة العدوان بلا ردع، فلذا من الضروري إيلاء اهتمام خاص للنقاط التالية:

١. التذكير بحق الدفاع الشرعي في شهر الصيام.  
لقد قال الله تعالى في كتابه العزيز: {فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ} (البقرة: ١٩٤). والشعب الإيراني الذي اختار له العدوان الصهيوني الأميركي شهر رمضان المبارك ليكون موعداً لعدوانه الغاشم، قد طالته يد الغدر في هذا الشهر الذي أنزل فيه القرآن، باستهداف مباشر للمدارس والمستشفيات والمنازل السكنية، بل ولجوء العدو إلى قصف المدن الإيرانية العزلاء. فأين السكوت عن هذا العدوان السافر في شهر الصيام والقيام؟ وأين الإدانة لمن انتهك حرمة الشهر الكريم بدماء الأبرياء؟

٢. في الوقت الذي كان المسلمون في إيران وغيرها يصومون نهار رمضان ويطعمون ليلاليه، كانت طائرات العدوان الصهيوني الأميركي تمطر المدن الإيرانية بالقنابل، مستهدفة الأطفال والنساء

والشیوخ. یا له من تناقض عجیب! فبأی منطق إسلامی یُعتدّی علی شعب فی شهر القرآن، ثم یدان هذا الشعب حين یرد الصاع صاعین دفاعاً عن حرّماته وأرضه؟!

۳. ذکر جرائم الکیان فی فلسطین و غزّه بالتزامن مع حرب رمضان  
کیف یمرّ مرور الکرام علی بیان الأزهر ما یحدث فی غزّه وفلسطین من قتل وتدمير وتشرید، تحت سمع العالم وبصره، فی نفس الأيام الّتی تشهد فیها جبهات القتال مواجهه إیرانیة غیر مسبوقه للکیان، دون أن یجد هذا البیان کلمه واحده تدين هذا الإجرام الصهيونی المتواصل منذ عشرات السنین؟ أليست هذه الدماء الّتی تسال فی فلسطین هی دماء مسلمین؟ أليست القدس أولى القبلتين وثالث الحرمين الشريفین؟ بل أليس ما یحدث فی غزّه الیوم هو امتداد لذات العدوان الذی تتعرض له ایران فی رمضان؟

۴. أيها الأزهریون: بأی ذنب قتلتم مئة وثمانیة وستون تلميذه فی مدرسه «میناب» فی الأيام الأولى من رمضان؟ بأی ذنب استشهد الأبرياء فی المستشفيات والمنازل والطرق فی مدن «أصفهان» و «تبریز» و «شیراز» و «طهران» جراء العدوان الصهيونی الأمیرکی المتكرر فی هذا الشهر الفضیل؟ کیف تغیضون عن دماء السنه والشیعة فی الیمن أو العراق أو سوريا إذا سالت، وها أنتم الیوم تصدرون بیانات الإدانة بحق من یدافع عن أرضه وعرضه فی شهر العبادة والغفران؟

۵. إن الجمهوریة الإسلامیة الإیرانیة، وعلی مدى أكثر من أربعة عقود، كانت فی طبیعة الداعمین للقضية الفلسطینیة والمقاومة الإسلامیة، ولم تتوان لحظة عن دعم المظلومین فی أی بقعة من العالم. وهی الیوم، وإذ ترد علی العدوان فی هذا الشهر الکریم، لا تفعل ذلك إلا فی إطار القانون الدولی وحق الدفاع الشرعی عن النفس، لا طمعاً فی أرض أو اعتداءً علی جار. إنها تدافع عن وجودها وکیانها بعد أن تعدی الغاصب علی حمی المسلمین فی أرض الطهر والعزّه.

۶. دعوة للمراجعة فی ضوء أحداث رمضان  
نأمل من علماء الأزهر الشریف أن یعيدوا النظر فی مصادر معلوماتهم، وألا ینحازوا إلى رواية المحتل علی حساب دماء المسلمین، وألا یجعلوا من منبرهم العریق مطیة لتبریر العدوان الصهيونی الأمیرکی علی الأمة فی هذا الشهر الذی أنزل فیهِ القرآن هدی للناس.

إن الأمة الإسلامیة بأسرها تترقب منکم کلمه حق تقال فی شهر الحق، لا کلمه مجاملة تباع وتشتری علی حساب دماء الصائمین القانتین.

۷. أيها الأزهریون:  
فی خضم هذا العدوان الغاشم علی ایران فی شهر رمضان المبارک، تعرض القائد الأعلى للثورة الإسلامیة، سماحه آية الله العظمی الإمام الخامنئی -رضوان الله علیه- للاستهداف المباشر من قبل قوى العدوان الصهيونی الأمیرکی. وأی متتبع موضوعی یدرك أن استهداف مرجع دینی بهذه المكانة، وهو الذی تجمع الأمة علی حرمة دمه وعرضه، یمثل انتهاكاً صارخاً لكل الأعراف الدینیة والدولیة. ففی جمیع الشرائع السماویة والقوانين الوضعیة، تتمتع الشخصیات الدینیة الکری بحصانة خاصة، فلا یجوز التعرض لهم وهم منارات هدی للأمة. فکیف إذا کان هذا الاستهداف فی

شهر رمضان، شهر الرحمة والمغفرة؟! إن استهداف القائد الروحي لأمة إسلامية كبرى هو استهداف للأمة كلها، وتعد على الرموز التي تشكل هويتها الإسلامية. لقد نسي هؤلاء المعتدون أن المرجعيات الدينية الكبرى في العالم، كالبابا في الفاتيكان أو كبار رجال الدين في مختلف الأديان، تحظى باحترام وقداسة تجعل حمايتها واجباً أخلاقياً وإنسانياً قبل أن يكون قانونياً.

٨. لم يقتصر العدوان على استهداف القائد الأعلى فقط، بل تعداه إلى استهداف عدد من الشخصيات السياسية والعلمية البارزة في إيران، ومنهم علماء دين وأساتذة جامعات وشخصيات وطنية. وهذا الاستهداف يتنافى مع كل المواثيق الدولية التي تحظر اغتيال القادة الدينيين والسياسيين، وتجرم استهداف المدنيين والعلماء. إن هذا العدوان السافر يتجاهل حتى الحصانة التي يتمتع بها رؤساء الدول والملوك والزعماء الدينيون في العالم أجمع. فإذا كانت قوى العدوان تجرؤ على استهداف مرجع ديني وقائد سياسي بهذه المكانة في الشهر الحرام، فأى حرمة ستبقى لآدمي بعد ذلك؟! إن صمت المؤسسات الدينية الكبرى كالأزهر عن هذه الجريمة النكراء، وعدم إدانتها لاستهداف رمز ديني إسلامي كبير، يجعلها شريكاً في هذا الصمت المريع.

٩. كيف تغض الأزهر الطرف عن استهداف مرجعية دينية شيعية كبرى؟ وكيف تصدر بياناتها المتسرعة ضد من يدافع عن حرمة وأرضه؟! أليست المرجعيات الدينية في المذاهب الإسلامية جميعها مصنوعة يجب حمايتها؟ ألم يقر علماء الأزهر عبر تاريخهم بحرمة دماء العلماء وأعراضهم؟ فكيف يستكون اليوم عن استهداف من تمثل المرجعية الدينية العليا لملايين المسلمين في العالم، وهو كان القائد الذي أفنى عمره في خدمة الإسلام والمسلمين؟! خلاصة القول:

إن موقف الجمهورية الإسلامية الإيرانية كان ولا يزال قائماً على أساس العزة والحكمة والمصلحة، وهي تمد يدها بالخير والسلم لجميع جيرانها، ولن تدخر جهداً في الدفاع عن مبادئها وحقوقها، حتى في أقدم شهور السنة. والمطلوب من المؤسسات الدينية العريقة أن تكون صوتاً للحق، لا صدى لأبواق الباطل.

وفي النهاية اعلّموا بأن هذه الحرب التي اشتعلت في شهر رمضان المبارك، ستنتهي -بإذن الله- بانتصار المقاومة الإسلامية الإيرانية، وسيبقى العار والندم على الذين لا يرون الحقيقة الواضحة أمام أعينهم التي غطاها الجهل والتعصب.

فكما أن نصر بدر كان في رمضان، وكما أن فتح مكة كان في رمضان، فإن نصر إيران المقاومة في هذا الشهر الكريم سيكون آية من آيات الله تتلى على مر العصور.

وَقُلْ اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ (التوبة: ١٠٥)

محمودرضا توکلی محمدی، مهران غلامعلی زاده و عاطی عبیات

## یادداشت سیصد و بیست و سه جنگ رمضان: آیین‌های برای تربیت و میهن‌دوستی

جنگ رمضان، فراتر از یک رویداد تاریخی، بستری غنی برای تأمل در مفاهیم بنیادین تربیت و میهن‌دوستی فراهم می‌آورد. از منظر علوم تربیتی، این دوران شاهد شکل‌گیری نسلی بود که ارزش‌هایی چون استقامت، ایثار و همبستگی را نه در قالب شعار، بلکه در متن واقعیت تجربه کرد. این تجربیات زیسته، پایه‌های تربیت شهروندی را بر شالوده‌ای مستحکم بنا نهاد؛ نسلی که آموخت چگونه برای حفظ ارزش‌ها و آرمان‌ها، از خودگذشتگی کند.

میهن‌دوستی در این بستر، معنایی عمیق‌تر می‌یابد. روانشناسی اجتماعی تبیین می‌کند که چگونه تجربیات مشترک و مواجهه با تهدیدات خارجی، حس تعلق و هویت جمعی را تقویت می‌کند. «جنگ رمضان» مصداق بارزی از این پدیده است؛ جایی که افراد، با وجود تفاوت‌های فردی، در دفاع از وطن و آرمان‌های مشترک، وحدتی مثال‌زدنی از خود نشان دادند. این همدلی و همبستگی، زیربنای یک میهن‌دوستی سالم و پویاست که در آن، منافع جمعی بر منافع فردی اولویت یافته و تلاش برای سربلندی وطن، به یک مسئولیت اجتماعی بدل می‌شود.

آموزه‌های این دوران، از مقاومت گرفته تا فداکاری، درس‌هایی حیاتی برای تربیت نسل امروز هستند. انتقال این تجربیات به شیوه‌ای علمی و تبیین‌گرانه، نه تنها به تقویت روحیه میهن‌دوستی کمک می‌کند، بلکه چارچوبی برای شکل‌دهی شخصیت‌هایی مسئولیت‌پذیر، با درک عمیق از حقوق و تکالیف شهروندی، ارائه می‌دهد. درک این پیوند ناگسستنی میان تربیت صحیح و عشق به وطن، گامی اساسی در ساختن جامعه‌ای بالنده و استوار است.

### سجاد خلفی

گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فرهنگیان تهران

## یادداشت سیصد و بیست و چهار تقویت هویت ایرانی و اسلامی مبتنی بر آگاهی تاریخی

زندگی اجتماعی انسان با رشد و پویایی معرفت تاریخی در ارتباط است و هیچ عنصری به اندازه تاریخ در هویت بخشی و وطن‌دوستی مؤثر نیست؛ در این راستا، هویت ملی (ایرانیت و اسلامیت) از اهمیت والایی برخوردار است که دارای نمادهایی چون؛ زبان فارسی، دین اسلام و سرزمین ایران است که افراد نسبت به آن تعلق دارند و سبب همبستگی ملی می‌گردد و از این نظر بر تمایز و تشابه هم‌زمان دلالت دارد؛ که از یک سو فرد را با تأکید بر مشترکات به‌عنوان ما متحد می‌کند و از سوی دیگر ما را در مقابل دیگری یا غیر قرار می‌دهد و از این طریق در وجود تشابهات و تمایزاتش با دیگری ما را شناسایی می‌کند.

ضرورت شناخت هویت ملی از این مسئله مشخص می‌شود که هویت فرایند پاسخ‌گویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی درباره گذشته، حال و آینده است و نقشی تعیین‌کننده در حوزه‌های مختلف زندگی چون سیاست، اجتماع، فرهنگ، اقتصاد و ارزش‌های برگرفته از آن دارد. تقویت هویت ملی از ارکان استقلال و اقتدار کشور محسوب می‌شود؛ به‌ویژه در مورد کشوری چون ایران که موقعیت جغرافیایی آن مانند پلی میان شرق و غرب، این سرزمین را به گذرگاه تلاقی تمدن‌ها و درعین حال به مرکز نبردها بدل کرده است؛ همسایگی با تمدن‌های کهن جهان (هند، چین، مصر و بین‌النهرین) و همچنین احاطه شدن از طرف سه قاره و ارتباط دریایی از طریق خلیج فارس با سراسر جهان، باعث شده دیگران چشم طمع به این سرزمین داشته باشند. علاوه بر این، ایران در دوره انقلاب اسلامی به‌عنوان مرکز مقاومت و بیداری جهان اسلام، قدرت‌های منفعت طلب جهانی را نگران ساخته است و همواره درصدد توطئه‌هایی برآمدند. همچنین با توجه به اینکه هویت با مقوله‌های تاریخ، فرهنگ، ملیت، جامعه و نهاد خانواده مرتبط است؛ با داشتن هویت استوار؛ ملیت متحد، جامعه‌ای پیشرفته، خانواده‌های مستحکم و آینده‌ای روشن، ایجاد می‌شود؛ در غیر این‌صورت بی‌هویتی، منشأ یأس و بی‌تابی در برابر مشکلات و تقابل دولت و ملت و فرصت طلبی بیگانگان می‌گردد.

اعظم رحیمی جابری

استادیار گروه آموزش تاریخ، دانشگاه فرهنگیان استان فارس.

## یادداشت سیصد و بیست و پنج

### از رنگ تا بهینه‌پیرنگ

زبانی شیرین فارسی به‌عنوان زبان میانگان و هویت‌آفرین و نیز فرهنگی چندوجهی و رنگین، در درازنای تاریخ اقوام ایرانی، فارس، کرد، ترک، لر، لک، بلوچ، عرب، مازنی، گیلک، آذری، ترکمن، قشقایی و... را هم‌ساز و هم‌نوا کرده و رنگین‌کمانی درخور به نام ایران پدید آورده است. بر ماست که در کنار هم بمانیم تا این جورچین شگفت و شگرف هم‌بسته و کامل بماند.

در قاب و قالب خاطر جمعی‌مان این گونه نقش بسته است که از دیرباز همواره سلم‌ها و تورها چشم آزمندی‌شان را به سرزمین آزادگان و ردان و رادان، ایران دوخته‌اند.

در گذرگاه تاریخ و پیشاتاریخ دیرپای دیارمان، خودکامگان فراوانی این سرزمین بخردان را بهشت کامجویی‌های خویش دانسته‌اند؛ اما سرو سترگ و بلندبالای فرهنگ ایرانیان در خشم و خروش و پرخاش‌ها همواره استوار مانده است.

در امتداد گره‌گاه‌ها و تپش‌ها و تکانه‌های تاریخی، در زمانه‌ی پرهنگامه و پرهیاهوی کنونی هم دیگر بار، تاریخ در جغرافیای آزادگی در حال تکرار است.

در فرایند تعلیم و تربیت، شناختن و شناساندن خویشتن خویش و عناصر هویت‌بخش و انسجام‌آفرین، سبب خوباوری فرهنگی و دوری از واگری و وادادگی خواهد شد. در این میان نقش دانشگاه فرهنگیان و نیز معلمان به‌عنوان طلایه‌داران فرهنگ و فرهیختگی، نقشی ارزنده و کارآمد است.

باشندگان سرزمین سیم‌رغ و حماسه، این بار نیز با کنشگری و مشارکت ارادی، خودانگیخته، برانگیخته و... نیز با هم‌رایی و هم‌نوایی، رنگ‌ها و نیرنگ‌ها را پس خواهند زد و در ستیز و آویز روایت‌ها، پیرنگی درخور و ارزنده ترسیم خواهند کرد؛ به‌گونه‌ای که داستان تلخ جنگ، پایانی شاد و شیرین خواهد داشت.

احمد کنجوری

گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان لرستان

## یادداشت سیصد و بیست و شش

**هنر نه تنها پژواک درد و رنج است، بلکه صدای امید و مقاومت نیز است.**

پرورش «حس زیبایی‌شناسی متعهد» و «آشنایی با فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی» به‌عنوان دو هدف اساسی در تربیت هنری نسل‌های آینده، نیازمند حمایت محتوایی منسجم‌تر و سازمان‌دهی مؤثرتری در برنامه درسی است. تلفیق این دو مفهوم در برنامه درسی با موضوع «هنر متعهد به فرهنگ و ارزش‌های بومی» می‌تواند دوگانگی ظاهری را کاهش دهد. شاخص‌های محتوایی این موضوع را می‌توان در آثار هنری و موسیقایی الهام‌گرفته از مکتب تربیتی ایرانی-اسلامی مشاهده کرد. خیزش مردم ایران در جنگ تحمیلی رمضان، پدیده‌ای است که هنر متعهد و فرهنگ اصیل را به شکلی معجزه‌آسا با یکدیگر تلفیق کرده است. اشعار، پوسترها، تصویرسازی‌ها و نقاشی‌های با پیام‌های انقلابی و امیدبخش، و نوای موسیقی‌های حماسی که روحیه مقاومت را زنده کرده‌اند، همگی نشان‌دهنده این تلفیق زیبا و قدرتمند هستند.

به جای ارائه هنرهای تجسمی و موسیقی به‌صورت مجزا و بدون ارتباط با ارزش‌های بومی و معتقدات مذهبی، باید به دنبال ایجاد یکپارچگی و تلفیق درونی در برنامه درسی باشیم. دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که چگونه هنر را به‌عنوان ابزاری برای بیان هویت ملی، ترویج ارزش‌های اخلاقی و انتقال پیام‌های الهام‌بخش به کار ببرند.

در این راستا، می‌توان از رویکردهای تربیتی حکمت ایرانی اسلامی الهام گرفت و بر پرورش خلاقیت هنری در چارچوب ارزش‌های بومی و معتقدات مذهبی تأکید کرد. دانش‌آموزان باید تشویق شوند تا با استفاده از عناصر و نمادهای فرهنگ ایرانی-اسلامی، آثار هنری و موسیقایی خلق کنند که هم زیبا و دلنشین باشند و هم حامل پیام‌های ارزشمند.

با این رویکرد، می‌توان برنامه درسی هنر را به ابزاری قدرتمند برای تربیت نسل‌های آینده تبدیل کرد که هم به زیبایی‌شناسی مسلط باشند و هم به فرهنگ و ارزش‌های بومی خود پایبند باشند.

### فاطمه وحدتی آراسته

مدرس دانشگاه فرهنگیان استان همدان



## یادداشت سیصد و بیست و هفت

### درس‌های تربیتی از احد تا هرمز

در جنگ احد (سال سوم هجری)، پیامبر اکرم (ص) سپاه اسلام را با کوه احد در پشت سر و تپه‌ای راهبردی در جناح راست مستقر کرد (ابن‌قیم، زاد المعاد، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۸). بر این تپه که بعداً تپه تیراندازان نام گرفت، پنجاه تیرانداز ماهر به فرماندهی عبدالله بن جبیر گمارده شدند و فرمان پیامبر قاطع بود: این گذرگاه را حتی اگر پیروز شدید، خالی نکنید تا من اجازه دهم (بخاری، کتاب المغازی، حدیث ۴۰۴۳).

امروز تنگه هرمز مهم‌ترین شریان انرژی جهان و نقطه ثقل نبرد میان جبهه مقاومت و استکبار است؛ همچون تپه تیراندازان در احد که حفظ آن نیازمند اطاعت از فرماندهی و پایبندی به راهبرد کلان است. رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای، در نخستین بیانیه خود پس از مسئولیت رهبری تأکید کردند: اهرم بستن تنگه هرمز حتماً باید ادامه یابد (بیانیه رسمی، ۲۱ اسفند ۱۴۰۴).

نبرد با برتری مسلمانان آغاز شد. با شکست صفوف دشمن و انبوه غنائم، تیراندازان در تپه جای خود را رها کردند. فرماندهشان عبدالله بن جبیر بارها هشدار داد: آیا فرمان رسول خدا را فراموش کرده‌اید؟ جز شش یا هفت نفر، بقیه از تپه پایین آمدند (بخاری، حدیث ۳۰۳۹). قرآن می‌فرماید: تا هنگامی که سستی کردید و در فرمان به نزاع پرداختید و پس از آنکه آنچه را دوست می‌داشتید به شما نشان داد، نافرمانی نمودید (آل عمران: ۱۵۲).

خالد بن ولید که هنوز مسلمان نشده بود، تپه را بی مدافع دید و از همان گذرگاه ضربه زد. این غافلگیری به شهادت هفتاد تن از صحابه از جمله حمزه سیدالشهدا و جراحت پیامبر (ص) انجامید (ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۶۸-۸۲).

از این رخداد تاریخی برای نبرد امروز در تنگه هرمز درس‌هایی می‌توان گرفت:

۱. اطاعت مطلق از فرمان رهبری، شرط پیروزی  
ابن‌قیم می‌گوید: شکست در احد نتیجه رها کردن موضعی بود که مأمور به حفظ آن بودند (زاد المعاد، ج ۲، ص ۱۰۵). امروز خروج از موقعیت به بهانه منافع زودگذر، بزرگ‌ترین تهدید است.
۲. دنیاطلبی، آفت هوشیاری  
تیراندازان با دیدن غنائم، فرمان پیامبر را فراموش کردند. امروز دشمن از طریق تحریم‌ها و وعده منافع مادی به دنبال همین غفلت است.
۳. آزمایش الهی در نقاط استراتژیک

خداوند می‌فرماید: «تا خداوند کسانی را که ایمان آوردند پاک گرداند» (آل‌عمران: ۱۴۱). تنگه هرگز نیز عرصه تمییز مجاهدان واقعی از سست‌ایمانان است.

۴. ضرورت بازسازی قدرت پس از شکست‌های تاکتیکی  
پس از احد، پیامبر با سازمان‌دهی مجدد نشان داد هزیمت پایان راه نیست (الرحیق المختوم). سنت الهی بر جا به جایی روزهای پیروزی و شکست است تا مؤمنان حقیقی شناسایی شوند (آل‌عمران: ۱۴۰).

۵. هوشیاری در برابر نفوذ دشمن  
دشمن در احد از همان نقطه غفلت ضربه زد (بخاری، حدیث ۴۰۴۳). امروز نیز استکبار به دنبال نفوذ از نقاط ضعف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در درون جامعه است.  
نتیجه آنکه: تنگه احد آموخت که ترک موقعیت به خاطر دنیا، گران تمام می‌شود. امروز تنگه هرگز می‌آموزد که قدرت در ثبات بر عهد، اطاعت از فرمان رهبری معظم و بصیرت در برابر فتنه‌ها معنا می‌یابد. سخن رهبری معظم بر تداوم حفظ این سنگر راهبردی تأکید دارد؛ چراکه اگر لحظه‌ای رها شود، دشمن از همان روزنه ضربه می‌زند. عبرت احد، چراغ راه هرگز است.

### حسین شمس

هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان همدان

## یادداشت سیصد و بیست و هشت تربیت و استعمار فرانو: مقابله با نفوذ فرهنگی

«استعمار فرانو» پدیده‌ای است که در آن، سلطه بر ملت‌ها نه از طریق اشغال نظامی، بلکه از طریق نفوذ فرهنگی، ایدئولوژیک و نرم صورت می‌گیرد. در این رویکرد، دشمن تلاش می‌کند تا با تغییر نگرش‌ها، ارزش‌ها و سبک زندگی جامعه هدف، وابستگی فکری و فرهنگی ایجاد کرده و اراده مقاومت را در آن تضعیف کند. تربیت در این بستر، نقشی حیاتی در خنثی‌سازی این تهاجم ایفا می‌کند.

از منظر علمی، مقابله با استعمار فرانو نیازمند تقویت هویت ملی و دینی است. برنامه‌های تربیتی باید با برجسته‌سازی تاریخ، فرهنگ، زبان و ارزش‌های بومی، حس تعلق و افتخار به هویت اصیل را در افراد تقویت کنند. همچنین، آموزش سواد رسانه‌ای و تحلیل فرهنگی، به افراد کمک می‌کند تا بتوانند پیام‌های پنهان در رسانه‌ها و محصولات فرهنگی بیگانه را تشخیص داده و از تأثیرات مخرب آن‌ها در امان بمانند. ترویج تفکر انتقادی و عقلانیت، مانع از پذیرش ناآگاهانه ایده‌ها و ارزش‌های بیگانه می‌شود. علاوه بر این، تقویت روحیه خودباوری و استقلال فکری، که از طریق تشویق به تولید علم بومی و خلاقیت در عرصه‌های مختلف حاصل می‌شود، می‌تواند سدی محکم در برابر نفوذ فرهنگی ایجاد کند.

مصطفی غفاری

استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان استان قزوین

## یادداشت سیصد و بیست و نه

### خودپیشواپنداری سلبریتی‌ها، سندرم ترس و الزامات بازسازی مرجعیت افکار عمومی با محوریت نقش دانشگاهیان

گسترش شبکه‌های اجتماعی سبب شده افکار عمومی از منطق تحلیل‌محور به ساختاری توجه‌محور تغییر یابد. در این فضای جدید، سلبریتی‌ها به دلیل برخورداری از شهرت، در جایگاهی فراتر از توان معرفتی و حوزه تخصصی خود قرار می‌گیرند و دو پدیده مهم را بازتولید می‌کنند: «خودپیشواپنداری» و «سندرم ترس». خودپیشواپنداری زمانی رخ می‌دهد که فرد مشهور، صرفاً به دلیل میزان دیده‌شدن، خود را مرجع فکری تصور کند، در حالی که مشروعیت او نه از تخصص، بلکه ناشی از واکنش‌های هیجانی مخاطبان و فالوورهای آن‌ها است. هم‌زمان، سندرم ترس — وابستگی به تأیید جمعی و نگرانی دائمی از ریزش محبوبیت — باعث می‌شود کنش ارتباطی این افراد بیشتر تابع هزینه‌گریزی باشد تا مسئولیت اجتماعی و پابندی به واقعیت و مشاهده می‌شود که ریسک‌پذیری بسیار پایینی دارند. برای تغییر مرجعیت افکار عمومی و کاهش اتکای جامعه به روایت‌های سلبریتی‌محور، مجموعه‌ای از اصلاحات ساختاری ضروری است از جمله آنکه باید تولید دانش عمومی تقویت شود؛ یعنی تحلیل‌های قابل‌فهم، جذاب و مبتنی بر شواهد از سوی متخصصان، پژوهشگران و نهادهای علمی در دسترس عموم قرار گیرد. دوم، ارتقای سواد رسانه‌ای در سطح جامعه، توان تفکیک شهرت از تخصص را افزایش می‌دهد و شهروندان را از مصرف‌کنندگان منفعل محتوا به مخاطبانی مسئول تبدیل می‌کند. سوم، لازم است زیست‌بومی برای گفت‌وگو و تبیین علمی شکل گیرد تا متخصصان بتوانند نقش رهبری گفتمانی را به‌صورت نهادمند بر عهده بگیرند. در این میان، نقش استادان و جامعه دانشگاهی کلیدی است. اگر دانشگاه نتواند مرجعیت دانشی را در عرصه عمومی بازتولید کند، میدان خالی آن به‌راحتی توسط روایت‌های هیجانی و ساده‌شده پر می‌شود. استادان باید از چارچوب کلاس فراتر روند، زبان علمی را قابل‌فهم کنند، در فضای رسانه‌ای حضور مسئولانه داشته باشند و مهارت تبیین واقعیت را به معلمان آینده منتقل کنند. در چنین الگویی، دانشگاه نه تنها تولیدکننده دانش، بلکه سازنده توان تحلیل در جامعه خواهد بود؛ عاملی که بیش از هر چیز، افکار عمومی را از وابستگی به سلبریتی‌ها رها می‌سازد.

حسن مدرس زاده

عضو هیئت علمی گروه تربیتی دانشگاه فرهنگیان گلستان



## یادداشت سیصد و سی

### تاب‌آوری اجتماعی: سپر روانی جامعه در مقابل تهدیدهای خارجی

تاب‌آوری اجتماعی به توانایی یک جامعه برای مقاومت، سازگاری و بازیابی خود در برابر شوک‌ها و استرس‌های ناشی از بحرانهایی مثل بلایای طبیعی، جنگ و... اشاره دارد. تاب‌آوری نه تنها به افراد کمک می‌کند تا این استرس‌ها و فشارها را بهتر مدیریت کنند، بلکه استحکام جامعه را در برابر بحرانها افزایش می‌دهد. در شرایط فعلی که کشور مورد تهاجم دشمن امریکایی-صهیونی قرار گرفته، تاب‌آوری با کارکردهایی مثل مدیریت استرس و اضطراب، حفظ انسجام اجتماعی، مقابله با تبلیغات و جنگ روانی، افزایش انگیزه و امید و... می‌تواند به عنوان سپر روانی جامعه مورد توجه قرار گیرد. برای تقویت تاب‌آوری اجتماعی تمرکز بر راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. تقویت انسجام اجتماعی و همبستگی:

- ایجاد شبکه‌های اجتماعی قوی و ترویج فرهنگ ایثار و همدلی: این شبکه‌ها می‌توانند در تأمین نیازهای اولیه، حمایت روانی و اطلاع‌رسانی نقش مهمی ایفا کنند.
- احساس هویت مشترک: درک قوی از هویت ملی، فرهنگی و مذهبی مشترک و مرور مقاومت‌های تاریخی در برابر تهدیدهای خارجی باعث می‌شود افراد احساس کنند که در یک قایق هستند و هدف مشترکی برای دفاع دارند. این همبستگی، مقاومت جمعی را تقویت می‌کند.
- تقویت نهادهای مدنی و اجتماعی مثل مساجد، پایگاه‌های بسیج و سایر کانونهای مردم نهاد

#### ۲. افزایش سواد رسانه و مقابله با جنگ نرم

- ارتباطات شفاف و صادقانه منجر به افزایش اعتماد عمومی و کاهش شایعات می‌شود.
- تولید محتوای رسانه‌ای قوی که روایت گر مقاومت، همدلی و پیروزیهای کشور باشد
- آموزش عمومی برای تشخیص اخبار جعلی، سوگیری‌های رسانه‌ای و روشهای مقابله با تبلیغات دشمن

#### ۳. توانمندسازی روانی فردی

- آموزش مهارت‌های مقابله‌ای مثل مدیریت استرس، تاب‌آوری، آرام سازی، حل مسئله و...
- تقویت حس خود کارآمدی، تشویق افراد به باور به تواناییهای خود در مواجهه با چالش‌ها و بویژه در حفظ امنیت و پیشرفت کشور

- فراهم آوردن حمایت روانی و دسترسی به خدمات مشاوران و روانشناسان به‌ویژه در مناطق آسیب پذیر
  - ۴. مدیریت منابع و زیرساخت‌ها:
  - تأمین امنیت غذایی و انرژی، اطمینان از کافی بودن ذخایر و برنامه‌ریزی برای حفظ عملکرد زیرساخت‌ها در شرایط اضطراری و توانایی بازسازی سریع یا یافتن راه‌حل‌های جایگزین
  - آمادگی سیستم بهداشت و درمان، تقویت مراکز امداد رسانی، بیمارستان‌ها و پرسنل درمانی برای کمک به مصدومان احتمالی.
- تاب‌آوری اجتماعی با تاب‌آوری روان‌شناختی افراد ارتباط تنگاتنگی دارد و دانشگاه فرهنگیان با تربیت نسلی از معلمان آگاه، مهارت‌مند و تاب‌آور، که از مهمترین کنشگران اجتماعی هستند، می‌تواند یکی از مهم‌ترین ستون‌های تقویت تاب‌آوری اجتماعی باشد. وقتی معلم تاب‌آوری روان‌شناختی بالایی داشته باشد، در کلاس درس فرهنگ سازی می‌کند و رفتارهای همدلانه و همکاری محور را به دانش‌آموزان منتقل می‌سازد و این انتقال نسلی به جامعه کمک می‌کند تا با اتکاء به نسل آینده، آمادگی بیشتری برای مواجهه با چالش‌ها و بحران‌ها داشته باشد.

### مهتاب چنگایی

عضو هیئت علمی گروه روانشناسی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان استان لرستان

## یادداشت سیصد و سی و یک

### مروری گذرا و مختصر از اوضاع سرزمینی، تاریخی، جغرافیایی و سیاسی در ایران گذشته و ایران کنونی «ایران جان»

در ابتدا مواردی مهم و ضروری، یادآوری می‌نماییم، تا موردتوجه و مطالعه بیش از پیش برای مردم فهیم و جوانان و دانشجویان گرامی واکاوی شود که چگونه مناطقی از ایران بزرگ که به راحتی از نقشه ایران بزرگ جدا شدند!!!...

۱- حدود ۲۱۱ سال پیش در زمان فتح‌علی‌شاه قاجار به‌موجب قرارداد ننگین گلستان در سال ۱۱۹۲ شمسی (۱۸۱۳ میلادی) کشورهای فعلی: «قفقاز، ارمنستان، گرجستان، داغستان، چچن و اینگوش و سواحل ارزشمند دریای کاسپین» به مساحت حدود ۲۳۰ هزار کیلومترمربع از ایران جدا شده و به روسیه تزاری تقدیم گردید!!!...

۲- حدود ۱۹۶ سال پیش و باز هم در زمان فتح‌علی‌شاه قاجار به‌موجب قرارداد ننگین ترکمنچای در سال ۱۲۰۷ شمسی (۱۸۲۸ میلادی)، منطقه «ایروان، نخجوان و بخش‌هایی از تالش و آذربایجان» و در مجموع حدود ۳۰ هزار کیلومترمربع دیگر از ایران جدا شد و باز هم به امپراتوری روسیه تقدیم شد!!!...

۳- حدود ۱۶۸ سال پیش در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار به‌موجب معاهده ننگین پاریس در سال ۱۲۳۵ شمسی (۱۸۵۶ میلادی) مناطق: «هرات و افغانستان و بلوچستان و مکران» به مساحت ۲۲۵/۹۷۵ کیلومترمربع با فشار و توطئه انگلیس از ایران جدا شد!!!...

۴- حدود ۱۵۳ سال پیش و باز هم در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار به‌موجب قرارداد ننگین حکمیت «گلد اسمیت» در سال ۱۲۵۰ شمسی (۱۸۷۱ میلادی)، و باز هم تحت فشار انگلیس مناطقی از: «پاکستان و سیستان» به مساحت ۰۰۰/۳۵۰ کیلومترمربع از ایران جدا شدند!!!...

۵- حدود ۱۴۳ سال پیش باز هم در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار به‌موجب «پیمان آخال» در سال ۱۲۶۰ شمسی (۱۸۸۱ میلادی) کشورهای فعلی: «ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان» به مساحت ۵۰۰/۲۲۶/۱ کیلومترمربع از ایران جدا شده و باز هم به امپراتوری روسیه تقدیم شد!!!...

۶- حدود ۱۰۵ سال پیش در سال ۱۲۹۸ شمسی (۱۹۱۹ میلادی) در زمان احمدشاه قاجار و دولت وثوق‌الدوله بر اساس پیمان منطقه‌ای مستشاران انگلیس، جزایر نفت‌خیز خلیج فارس از جمله کشورهای فعلی: «امارات، قطر، عمان و چند جزیره بسیار ارزشمند دیگر» به مساحت ۲۸۷/۴۰۵ کیلومترمربع رسماً از ایران جدا شدند!!!...

۷- حدود ۸۷ سال پیش در سال ۱۳۱۶ شمسی (۱۹۳۷ میلادی) در زمان رضاشاه پهلوی با امضای پیمان ننگین سعدآباد با کشورهای همسایه (عراق، ترکیه و افغانستان) بخش‌های عظیمی از ایران با دسیسه انگلیس جدا شدند از جمله: «ارتفاعات سوق الجیشی آرات» به ترکیه؛ بخش عظیمی از «اروند رود» و اداره کامل آن را به عراق و «دشت وسیع نأمید» به مساحت ۳ هزار کیلومتر به افغانستان بخشیده شد!...

۸- حدود ۷۰ سال پیش در سال ۱۳۳۳ شمسی (۱۹۵۴ میلادی) در زمان محمدرضاشاه پهلوی، بندر راهبردی «فیروزه» در شرق دریای خزر از ایران جدا و به شوروی واگذار گردید!...

۹- و باز هم در زمان محمدرضا شاه در سال ۱۳۵۰ شمسی (۱۹۷۱ میلادی) با فشار انگلیس، مجمع‌الجزایر بحرین به مساحت بیش از ۷۰۰ کیلومترمربع با انبوهی از مخازن نفت و گاز از ایران جدا شدند!... با کمال تأسف باید این حقیقت تلخ را بدانیم که این مقدار تجزیه و جدایی بیش از ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار کیلومترمربع از خاک ایران به واسطه سستی و ضعف حاکمان و پادشاهان در کل تاریخ جهان بی‌سابقه است و ایران امروز با مساحت ۱۹۵/۶۴۸/۱ کیلومترمربع کمتر از یک‌سوم مساحت ایران بزرگ دویست سال قبل را دارد!...

در دوران اخیر، ایران، پس از هشت سال دفاع مقدس جانانه، حتی یک سانتیمتر از خاک کشور عزیزمان را هم از دست ندادیم!...

این راه، باید همواره برای مردم و دانشجویان و وطن‌دوستان و اطرافیان‌مان بازگو کنیم. بنابر این، سرداران و دلاوران و مردمان نجیب و وفادار و میهن‌دوست، این سرزمین پس از ظهور اسلام؛ همچنان سربلند و با اقتدار در برابر ظلم و ظالم ایستادند. ان‌شاءالله، آمریکا و رژیم جعلی اسرائیل موفق به شکست نظام جمهوری اسلامی ایران نمی‌شوند و نخواهند شد؛ چراکه همیشه در محاسبات خود شکست می‌خورند. دلیل این شکست‌های پیاپی دشمنان، درک نکردن مفهوم واژه‌های عزت و ذلت در منظومه ایران اسلامی است، امروز که پیشینه ملی و دینی مردم ایران به بالاترین سطح هم‌پوشانی رسیده است، اسلامیت و ایرانیّت نهایت همراهی و هماهنگی را دارد و دشمن نمی‌تواند درک کند که قدرت واقعی مردم کجا قرار دارد. خداوند، حامی و پشتیبان این مردم فهیم و رشید و این سرزمین نجیب زادگان است و خواهد بود.

محال است، ایران که ویران شود      کُنامِ خفاشان خون آشام شو /

غلامرضا محمدی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان ایلام



## یادداشت سیصد و سی و دو

### حَبّ الوطن من الإيمان؛ تأملی تربیتی در پیوند هویت ملی و تربیت معلم

در سنت فرهنگی و دینی مسلمانان، عبارت «حَبّ الوطن من الإيمان» همواره یادآور پیوند عمیق میان ایمان، هویت و مسئولیت اجتماعی بوده است. در نگاه تربیتی، این مفهوم صرفاً بیان یک احساس عاطفی نسبت به سرزمین نیست؛ بلکه نوعی آگاهی و تعهد نسبت به سرنوشت جامعه‌ای است که انسان در آن زندگی می‌کند. از همین رو، حَبّ الوطن را می‌توان یکی از مؤلفه‌های مهم در شکل‌گیری هویت اجتماعی و تربیت شهروند مسئول دانست. رخدادهایی مانند جنگ رمضان، در حافظه تاریخی جامعه می‌توانند به‌عنوان تجربه‌هایی برای فهم همین پیوند میان هویت و مسئولیت جمعی مورد توجه قرار گیرند. در چنین موقعیت‌هایی، تعلق به وطن تنها یک احساس فردی نیست، بلکه به‌صورت کنش اجتماعی و تلاش برای حفظ امنیت، انسجام و آینده جامعه جلوه می‌یابد. بازخوانی این تجربه‌ها در نظام تعلیم و تربیت می‌تواند به نسل جوان کمک کند تا مفهوم وطن‌دوستی را نه در قالب شعار، بلکه در چارچوب فهم تاریخی، اخلاقی و اجتماعی درک کند. در این میان، دانشگاه فرهنگیان جایگاهی راهبردی دارد. این دانشگاه که مسئولیت تربیت معلمان آینده کشور را بر عهده دارد، می‌تواند مفهوم حَبّ الوطن را در قالب تربیت هویتی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و شناخت تاریخ معاصر به دانشجومعلمان منتقل کند. معلمانی که با چنین رویکردی تربیت شوند، قادر خواهند بود در کلاس درس، پیوند میان هویت ملی، مسئولیت اجتماعی و تجربه‌های تاریخی جامعه را برای دانش‌آموزان تبیین کنند. درنهایت، حَبّ الوطن زمانی به یک ارزش تربیتی پایدار تبدیل می‌شود که از سطح احساسات گذر کند و در قالب آگاهی، مسئولیت و مشارکت اجتماعی در زندگی نسل‌های آینده تجلی یابد.

### رسول بهنام عضوی

هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت سیصد و سی و سه

### اثر تربیتی اجتماعات شبانه در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

یکی از مؤلفه‌های اصلی تمدن غرب، اصالت فرد و محوریت انسان است. فردگرایی به معنی تأکید بر استقلال فردی و حق انتخاب شخصی است. بر این اساس فرد حق دارد در جامعه بر اساس ارزش‌ها و باورهای خود زندگی کند و فقط زمانی این حق او محدود می‌شود که به نقض حقوق دیگران منجر شود. آنچه از دوره رنسانس تاکنون به‌عنوان فردگرایی در غرب توسعه یافته، امروزه همچون پاشنه آشیل تمدن غرب عمل کرده و آنرا به سمت انحطاط و فروپاشی کشانده است. در مقابل این فردگرایی، اهمیت اجتماع و توجه به جمع و جماعت در جامعه اسلامی یکی از ویژگیهای بارز تمدن اسلامی است. برای شناخت تمدن اسلامی لازم است و گستره آنرا در تمامی حوزه‌های تمدنی از جمله سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی و واکاوی قرارداد. به‌عنوان نمونه به برخی از نمونه‌های توجه به جماعت در برخی حوزه‌ها اشاره می‌نمایم:

اهمیت تعاون در اقتصاد اسلامی: تعاون به معنی همکاری افراد با یکدیگر برای دست یافتن به منفعت اقتصادی جمعی است که در جریان آن افراد با همکاری هم یک فعالیت اقتصادی را توسعه می‌دهند و هرکس با توجه به میزان همکاری از سود تعاونی بهره می‌برد. اهمیت مشارکت سیاسی برای حمایت از نظام اسلامی: از آنجا که در نظام اسلامی حکومت بر مبنای اعتقادات و باورهای افراد بنا می‌شود و جلوه‌های متعددی دارد. آنچه در این روزها با توجه به موقعیت حساس کنونی شبها در خیابان‌ها می‌بینیم بیانگر اهمیت مشارکت سیاسی افراد با حضور در اجتماعات است. پیاده‌روی اربعین به‌عنوان بزرگ‌ترین اجتماع فرهنگی جهان: در حوزه مسائل فرهنگی نیز، شکل‌گیری بزرگ‌ترین اجتماع فرهنگی جهان با حضور میلیون‌ها نفر در ایام اربعین یکی دیگر از مظاهر اصالت جماعت در نظام اسلامیست. نتیجه: تجربه قرن‌ها فردگرایی در غرب و نزدیک شدن زمان افول آن و همزمانی آن با به رخ کشیده شدن هویت جمعی نظام اسلامی، نویدبخش فرارسیدن دوره‌ای جدید در تمدن بشری است که در آن دیگر فرد به خودی خود ارزش ذاتی ندارد و آنچه جوامع بشری را می‌سازد پرداختن به هویت جمعی و اصالت دادن به اجتماع است چراکه یدالله مع الجماعة.

#### زهره اسمعیلی

عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان قزوین

## یادداشت سیصد و سی و چهار

### از برآیند بردارها تا انسجام ملی؛ بازخوانی ظرفیت‌های تربیتی آموزش ریاضی

در روزهایی که اخبار «جنگ رمضان» و تلاطم‌های پیرامونی، ذهن جامعه را به خود معطوف کرده است، رسالت دانشگاه فرهنگیان فراتر از آموزش صرفِ فرمول‌ها، «تربیت عقلانی» برای مواجهه با بحران‌هاست. ریاضیات درس «منطق، جهت‌مندی و پایداری» است. در هندسه بردارها، مفهومی بنیادین به نام «برآیند» وجود دارد. دانش‌آموزان می‌آموزند که بزرگی یک مجموعه، تنها به اندازه تک‌تک اعضا بستگی ندارد، بلکه به «جهت» آن‌ها وابسته است. اگر بردارها (اراده‌های فردی) هم‌جهت باشند، برآیند آن‌ها به حداکثر می‌رسد و کوهی را جابه‌جا می‌کند، اما اگر جهت‌ها متفرق باشند، نیروها یکدیگر را خنثی کرده و ثباتی حاصل نمی‌شود. این دقیقاً همان منطق «میهن‌دوستی» و «مقاومت» است؛ جایی که هم‌سویی اراده‌های ملت در یک جهت واحد، برآیندی شکست‌ناپذیر در برابر تهاجم می‌سازد.

از سوی دیگر، ریاضیات به ما می‌آموزد که هر مسئله دشواری، با شکستن به زیرمسئله‌های کوچک‌تر و تکیه بر «اصول موضوعه» قابل حل است. در تربیت سیاسی و اجتماعی، اصول موضوعه ما همان هویت ایرانی-اسلامی و عشق به خاک است. معلم ریاضی با تقویت تفکر نقاد و استدلال منطقی، به دانش‌آموز می‌آموزد که در آشوب اطلاعاتی جنگ، فریب متغیرهای مزاحم را نخورد و با تکیه بر ثوابت اخلاقی و ملی، مجهولات آینده را کشف کند.

«جنگ رمضان» به ما یادآوری می‌کند که پایداری یک سازه (جامعه)، تابع هندسه دقیقِ وحدت است. کلاس ریاضی می‌تواند سنگر پرورش ذهن‌هایی باشد که تفاوت‌ها را نه عامل تفرقه، بلکه به مثابه مؤلفه‌هایی می‌بینند که در صورت هم‌گرایی، بردارِ قدرت ملی را به اوج می‌رسانند. آری، ریاضیات درسِ نظم بخشیدن به آشوب‌ها و ساختن تمدنی است که مختصات آن بر پایه ایمان و عقلانیت بنا شده است.

## زکيه خلیلی

استادیار گروه آموزش ریاضی، دانشگاه فرهنگیان، استان سیستان و بلوچستان

## یادداشت سیصد و سی و پنج

### تربیت بدنی، تمرین مقاومت و تاب‌آوری

در میانه جنگ رمضان و در شرایطی که کلاس‌های حضوری مدارس و دانشگاه‌ها، به‌ویژه در حوزه تربیت بدنی، تعطیل شده است، پرسش اساسی این است که نقش تربیتی این درس چگونه می‌تواند تداوم یابد؟ اگر تربیت بدنی را صرفاً به فعالیت‌های عملی و حضوری تقلیل دهیم، در چنین موقعیتی عملاً کارکرد خود را از دست خواهد داد؛ اما واقعیت آن است که این حوزه، واجد ظرفیت‌های عمیق تربیتی فراتر از تحرک بدنی است. تربیت بدنی در ذات خود، حامل مفاهیمی همچون تاب‌آوری، خودنظم‌دهی، مسئولیت‌پذیری و مقاومت است. مفاهیمی که در شرایط بحران و مواجهه ملی، بیش از هر زمان دیگری اهمیت می‌یابند. همان‌طور نظریه تاب‌آوری به‌عنوان ظرفیت حفظ عملکرد در شرایط بحران موردتوجه قرار گرفته است؛ فلچر و سرکار (Fletcher & Sarkar) آن را توانایی سازگاری و حفظ کارکرد مؤثر در محیط‌های چالش‌زا می‌دانند. در فضای غیرحضوری، می‌توان این مفاهیم را از طریق طراحی تکالیف هدفمند، آموزش‌های مجازی و هدایت فعالیت‌های خودراهبر در خانه دنبال کرد. برای نمونه، برنامه‌های ساده آمادگی جسمانی، چالش‌های حرکتی فردی، و ثبت و بازتاب تجربه‌های حرکتی دانشجومعلم و دانش‌آموزان، می‌تواند به استمرار یادگیری و تقویت حس مسئولیت فردی کمک کند. از سوی دیگر، این وضعیت فرصتی برای بازاندیشی در برنامه درسی تربیت بدنی نیز فراهم می‌آورد. اکنون می‌توان بیش از گذشته به ابعاد شناختی و نگرشی این درس توجه کرد؛ ازجمله آگاهی‌بخشی درباره سبک زندگی فعال، مدیریت استرس، حفظ سلامت در شرایط بحرانی و نقش فعالیت بدنی در تقویت روحیه فردی و جمعی. چنین رویکردی، تربیت بدنی را از یک درس صرفاً مهارتی، به یک بستر تربیت تمام‌ساحتی ارتقا می‌دهد. جایگاه احساس مفید بودن برای خود، اطرافیان و احاد جامعه تبدیل به وظیفه‌ی عمومی می‌گردد و از این طریق می‌توان حس اعتمادبه‌نفس عمومی را تقویت کرد. در چارچوب تربیت و مقاومت، می‌توان گفت که حتی در غیاب میدان‌های ورزشی، روح تربیت بدنی همچنان زنده است. چراکه مقاومت، پیش از آن که در میدان عمل شکل گیرد، در الگوهای ذهنی، سبک زندگی و عادات‌های روزمره افراد شکل می‌گیرد. دانشجو معلم و دانش‌آموزی که می‌آموزد در شرایط محدودیت، برنامه‌مند بماند، بدن خود را فعال نگه دارد و بر دشواری‌ها غلبه کند در حقیقت در حال تمرین نوعی از مقاومت هوشمندانه است. بر این اساس، تربیت بدنی در شرایط جنگ رمضان، نه متوقف می‌شود و نه به حاشیه می‌رود؛ بلکه با تغییر شکل و ابزار، به رسالت اصلی خود نزدیک‌تر می‌شود: پرورش انسان‌هایی مقاوم، آگاه و آماده برای نقش‌آفرینی در شرایط پیچیده و پیش‌بینی‌ناپذیر.

### مرتضی همایون نیا و فرحناز قاسمیان

گروه آموزش تربیت بدنی، دانشگاه فرهنگیان استان مازندران.

## یادداشت سیصد و شش

دانشگاه فرهنگیان هم‌زمان با تحولات و چالش‌های منطقه در بستر جنگ رمضان، نقشی فعال و پیشرو در تمدن سازی ایفا می‌کند. این دانشگاه با تمرکز بر تربیت معلمانی که درک عمیقی از مسائل روز، اندیشه‌های بنیادین انقلاب اسلامی و الزامات تمدن نوین اسلامی-ایرانی دارند، دانش‌آموختگانی را به جامعه معرفی می‌کند که قادر به هدایت نسل آینده در مسیر تعالی هستند. رویکرد تمدن سازی در دانشگاه فرهنگیان با تأکید بر حضور فعال در عرصه‌های فرهنگی، برگزاری کارگاه‌های تخصصی با موضوعاتی چون «جهاد تبیین»، «سبک زندگی اسلامی-ایرانی» و «مقابله با جنگ نرم فرهنگی» و همچنین تشویق به فعالیت‌های پژوهشی در این حوزه‌ها، تجلی یافته است. فعالیت‌های دانشگاه فرهنگیان در دوره جنگ رمضان فراتر از محیط آکادمیک است. حضور فعال دانشجویان و اساتید در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی و با تأکید بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و انقلابی تلاش می‌کند تا رویکرد تمدن سازی خود را به صورت عملیاتی تحقق بخشد. برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی با محوریت مسائل روز جهان اسلام، حمایت از طرح‌های ابتکاری دانشجویان در حوزه بصیرت‌افزایی و ترویج گفتمان مقاومت، و همچنین آموزش مهارت‌های لازم به معلمان برای مقابله با شبهات و اطلاعات نادرست منتشر شده در فضای مجازی، از جمله اقدامات عملی این دانشگاه در راستای تقویت پایه‌های تمدن نوین است. درواقع، دانشگاه فرهنگیان با تربیت معلمانی بصیر و کنشگر، به دنبال آن است که هر کلاس درس را به سنگری برای دفاع از ارزش‌ها و تمدن اسلامی-ایرانی تبدیل کند.

### صدیقه حسینی

عضو هیئت علمی و استادیار گروه آموزش زبان‌های خارجی (زبان عربی)، پردیس آذربایجان غربی

## یادداشت سیصد و سی و هفت ایران به مثابه برنامه درسی تمدنی

ایران زمین از کهن‌ترین حوزه‌های تمدنی جهان است؛ سرزمینی که بیش از شش هزار سال تجربه تاریخی، فرهنگی و اجتماعی را در حافظه خود ذخیره کرده و به نسل‌های پی‌درپی انتقال داده است. در چنین بستری، می‌توان تمدن ایرانی را نه صرفاً یک واقعیت تاریخی، بلکه نوعی برنامه درسی تمدنی دانست؛ برنامه‌ای زنده و پویا که در آن ارزش‌ها، الگوهای زیست جمعی و شیوه‌های مواجهه با بحران‌ها طی قرن‌ها در بطن جامعه شکل گرفته و بازتولید شده‌اند. در مطالعات برنامه درسی، یادگیری محدود به مدرسه و متن رسمی نیست؛ بخش گسترده‌ای از آن در قالب برنامه درسی پنهان و در متن تجربه‌های زیسته اجتماعی رخ می‌دهد. تاریخ ایران از این منظر همچون کلاسی پیوسته و فراگیر عمل کرده است که در آن نسل‌های ایرانی، درس‌هایی بنیادین در زمینه همبستگی اجتماعی، مسئولیت جمعی و پاسداری از سرزمین آموخته‌اند. این یادگیری تاریخی در لایه‌های فرهنگ، ادبیات، آیین‌ها و حافظه جمعی جامعه نهادینه شده و به شکل نوعی تربیت تمدنی تداوم یافته است. در شرایط کنونی و در متن بحران منطقه‌ای جنگ تحمیلی رمضان، نمود عینی این برنامه درسی تمدنی در رفتار اجتماعی جامعه ایرانی دیده می‌شود. حضور آگاهانه و آرام اما استوار مردم در میدان‌ها و خیابان‌ها را می‌توان یادگیری اجتماعی در عمل دانست؛ بازخوانی زنده درس‌هایی که در حافظه تاریخی این سرزمین انباشته شده است. در چنین لحظاتی، فضای عمومی شهر به استعاره‌ای از کلاس بزرگ جامعه تبدیل می‌شود؛ جایی که مفاهیمی چون پیوستگی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و پاسداری از وطن به صورت زیسته و عینی تجربه و تثبیت می‌شوند. در این میان، میراث شهیدان این سرزمین همچون متونی الهام‌بخش در این برنامه درسی تمدنی عمل می‌کنند. آنان ارزش‌هایی چون ایثار، تعهد و وفاداری به وطن را از سطح مفهوم به سطح تجربه اخلاقی ارتقا می‌دهند و آن را به نسل‌های جدید منتقل می‌کنند. بدین سان، ایران را می‌توان به مثابه دانشگاهی گسترده در پهنه تاریخ دید؛ دانشگاهی که در آن درس پایداری و همبستگی طی هزاران سال آموخته شده و امروز نیز جامعه ایرانی با تکیه بر همین سرمایه تمدنی، در برابر بحران‌ها استوار می‌ایستد و آینده را با آگاهی و امید طراحی می‌کند.

### فتح اله کوشکی

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان لرستان

## یادداشت سیصد و سی و هشت وحدت و یکپارچگی

در شرایط فعلی که میهن عزیزمان مورد تهاجم دشمن آمریکایی صهیونی قرار گرفته است، حفظ وحدت و یکپارچگی ملت در برابر دشمنان لازم و ضروری است. همان گونه که می‌بینیم این مهم در شعار سال ۱۴۰۵ به عنوان «اقتصاد مقاومتی در سایه وحدت ملی و امنیت ملی» نیز مشهود است. در قرآن کریم خداوند متعال می‌فرماید «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران ۱۰۳). در تاریخ اسلام می‌بینیم که زندگی حضرت علی علیه السلام سراسر وحدت است و ایشان برای تحکیم و برقراری وحدت از بسیاری حقوق شخصی‌اش گذشته تا مشکلات جامعه اسلامی حل شود. درواقع این وحدت و انسجام که در جنگ رمضان به خوبی شکل گرفته است، لازم است که در زمان بعد از جنگ نیز حفظ شود. این وحدت نشان دهنده فرهنگ غنی اسلامی- ایرانی ملت شریف ایران است که در کمتر جایی از دنیا یافت می‌شود. امید است که در برنامه‌های فرهنگی اجتماعی در دانشگاه فرهنگیان این وحدت و همدلی موردتوجه ویژه‌ای قرار بگیرد ان شاءالله.

### فرانک فرشادی‌فر

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان لرستان

## یادداشت سیصد و سی و نه

### اثرات تربیتی «کمیت و کیفیت» حضور مردم در خیابان‌ها و میدان‌های سطح شهر در جنگ تحمیلی حاضر

بعد از حمله تجاوزکارانه دولت استکباری آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی به کشور ایران اسلامی، حضور مردم در راهپیمایی‌ها و خیابان‌های سطح شهر بسیار خیره کننده برای همه جهانیان است؛ اما بیش از آنکه «کمیت» این حضور مهم باشد، «کیفیت» آن هم دارای اهمیت فوق العاده ای است. واکنش «شجاعانه» مردم به بمباران محیط اطراف خود که آن‌ها حضور دارند و یا حتی هموطنانی مثل روز قدس به درجه رفیع شهادت می‌رسند، به اندازه حمله‌های کوبنده موشک‌های نیروهای مسلح به دشمن، در محاسبات دشمن تأثیرگذار است؛ و به عبارتی می‌توان گفت تأثیر حضور مردم در خیابان‌ها و پشت خط مقدم جبهه جنگ و حمایت از حاکمیت از موشک‌ها اگر بیشتر نباشد کمتر نخواهد بود. لذا مردم شریف کشور ایران اسلامی هم در کمیت و هم در کیفیت حضور، «قدرت» و «قوتی» از خود نشان می‌دهند که دشمن خبیثی که قصد بلعیدن سرمایه‌های کشور ایران اسلامی را دارد، را از هر جهت «پشیمان» می‌کنند؛ و به دشمنان خود اعلام می‌کنند که اینجا کشوری با فرهنگ و باتمدن ۶ هزار ساله است. این که حضور مردم چرا اینقدر در میدان عالی و خوب شکل می‌گیرد که باتمام وجود حتی بافرزندان کوچک خود شرکت می‌کنند ناشی از اعتقاد راسخ آنها به آیه شریفه ذیل است:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید!» (انفال: ۶۰)

مردم شریف ایران اسلامی باور دارند که هر شرکت کننده در راهپیمایی‌ها و میدان‌های سطح شهرهای کشور، به مثابه خرمشهر و فتاح و خیبر و ... است که بر سر دشمن فرود می‌آیند؛ و حاکمیتی که مردم پشت سر آنها باشد خون و جان می‌دهند ولی یک وجب از خاک کشور خود را به هیچ دشمن متجاوز می‌دهند. لذا مردم به ندای رهبرشان امام سید مجتبی حسینی خامنه‌ای که فرمودند: «فَأَعِزُّونِي بِقُوَّةٍ؛ مرا با نیروی خود کمک دهید.» (نساء: ۹۵) لبیک می‌گویند و ان شاءالله به زودی زود نتیجه این لبیک به ندای ولیّ را در «میدان» خواهند دید.

علیرضا حیدری سه ده

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی



## یادداشت سیصد و چهل

### ورزش و مقاومت؛ هم‌نوازی جسم و اراده در میدان دفاع از میهن

در فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی، ورزش همواره جایگاهی فراتر از حرکت فیزیکی داشته است. از دوران باستان تا امروز، بدن توانمند، پیوندی با روحیه‌ای استوار داشته است. امروز که آسمان کشورمان تحت تهدید است، نقش این پیوند دوجندان می‌شود.

#### بدن؛ ابزار اول جهاد

قرآن کریم، به جسم و روح انسان، به مثابه دو پیکر مستقل و درعین حال مکمل اشاره می‌کند؛ اما در عمل، وقتی جسم ضعیف باشد، روح نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. دانشجویان عزیز،

ورزش کردن در روزهایی که دیگران در حال ترس و اضطراب هستند، خود یک پیام مقاومت است. وقتی شما ساعتی را به تمرین اختصاص می‌دهید، نه تنها در حال ساختن بدنی هستید برای سلامتی، قوی و نیرومند شدن، با آمادگی جسمانی و روانی بالا و چه بسا پیروزی در مسابقات، بلکه این بدن برای ایستادگی در برابر هر تهدیدی آماده است.

#### صبر؛ هنر دیرپا در ورزش و زندگی

در هیچ مسابقه‌ای، پیروزی یک شبه حاصل نمی‌شود. هیچ بدنی یک شبه ساخته نمی‌شود. هر قهرمانی، هزاران روز تمرین، شکست و بازگشت را پشت سر گذاشته است.

#### درس صبر در ورزش:

- در دو استقامت، بدن شما به شدت درد می‌کند اما ادامه می‌دهید.  
- در تمرینات قدرتی، عضلات شما می‌سوزد اما مقاومت می‌کنید.  
- در روزهایی که نتیجه فوری نیست، به مسیر ایمان دارید.  
این همان روحیه‌ای است که امروز نیاز داریم. صبر در برابر تهدیدها، صبر در برابر فشارها، و صبر در برابر ناامیدی‌ها.

#### پایداری و استقامت؛ هنر ادامه دادن

در زندگی، در ورزش، در میدان دفاع از میهن، مهم نیست چند بار زمین می‌خورید. مهم این است که چند بار برمی‌خیزید. استقامت، یکی از مهم‌ترین درس‌هایی است که ورزش به ما می‌آموزد. در ورزش، یاد می‌گیریم که حتی وقتی بدن خسته است، وقتی ذهن می‌خواهد تسلیم شود، باید به حرکت ادامه داد. این همان درس زندگی در دوران دفاع و روزهای سخت کنونی است. وقتی در یک مسابقه، در دقایق پایانی و با وجود خستگی، به تلاش ادامه می‌دهید، در حال

تمرین برای روزی هستید که در شرایط جنگ یا بحران‌های ملی، باید بتوانید با وجود خستگی، فشار و تهدید، به دفاع از کشور ادامه دهید.

#### پایداری یعنی:

- وقتی حمله دشمن، زندگی را سخت می‌کند، کار و تلاش را متوقف نمی‌کنید.
- وقتی شرایط اقتصادی دشوار است، به دنبال راه‌های نو می‌گردید.
- وقتی ترس، سایه‌ای بر روح شما می‌کشد، با ایمان به آینده، قدم‌های بعدی را برمی‌دارید.

#### وحدت؛ قدرت در کنار هم

در ورزش‌های تیمی، هر بازیکنی به خودی خود نمی‌تواند بازی را ببرد. پیروزی، حاصل هماهنگی و اتحاد است.

#### در زندگی ملی:

- ورزش‌های تیمی، درس وحدت را به ما می‌آموزند.
- در روزهای سخت، وقتی همه با هم هستند، هیچ تهدیدی نمی‌تواند ما را شکست دهد.
- ورزش، فضایی است که در آن، تفاوت‌ها کنار می‌روند و همه با یک هدف، یک پرچم و یک نام متحد می‌شوند.

نسل آینده؛ از زمین تمرین تا میدان خدمت

به‌عنوان اساتید تربیت‌بدنی، وظیفه ما تربیت نسل جوانی است که:

۱. بدنی سالم داشته باشند - برای خدمت بهتر و ادامه مسیر
۲. اراده‌ای استوار داشته باشند - برای مقابله با فشارها
۳. روحیه‌ای جهادی داشته باشند - برای دفاع از ارزش‌ها و میهن

#### سخن پایانی

ما در دورانی زندگی می‌کنیم که هر روز، درس‌های جدیدی از مقاومت به ما می‌آموزد. ورزش، یکی از این کلاس‌های درس است. در زمین ورزش، ما می‌آموزیم که چگونه خسته شویم و ادامه دهیم، چگونه شکست بخوریم و دوباره شروع کنیم، چگونه ترس را در آغوش بگیریم و با ایمان، جلو برویم.

ورزش، تنها دویدن و پریدن نیست؛ ورزش، زندگی کردن با ایمان و اراده است.

#### خلیل اله منیخ

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان زنجان

## بادداشت سیصد و چهل و یک شهید امام خامنه‌ای، احیاگر هویت ایرانی-اسلامی

در احوالات شهید علامه سید محمدباقر صدر آمده است که در شب پیروزی انقلاب اسلامی ایران فرموده‌اند که «لقد حققة الاسلامیه حلول الانبیاء؛ انقلاب اسلامی رویای انبیاء را محقق کرد.» اصولاً انبیاء برای تعلیم و تربیت آمده‌اند تا مقدمات قیام به قسط و عدالت محوری را فراهم نمایند. برای اینکه مردم اقامه‌ی قیام به قسط و عدل کنند که لیقوم الناس بالقسط، تا جامعه را به سمت هدف آفرینش که توحید در همه مراتب آن و عبودیت تام است، نزدیک سازند. بر همین اساس است که به فرموده رهبر شهید عظیم الشان، مسئله تعلیم و تربیت، مسئله اول نظام اسلامی است و هیچ چیز به اندازه‌ی تعلیم و تربیت اهمیت ندارد. اگر طرح الهی برای تحقق کلمه لا اله الا الله در همه کلیات و جزئیات عالم، در نفی همه‌ی سلطه‌ها و الهه‌ها و اثبات الوهیت الله است، سنگر مبارزه با کفر و ظلم و استکبار جهانی و قلدری شیاطین سیاسی عالم، همین سنگر تعلیم و تربیت است. تربیت انسان کارآمد و فرزانه و آگاه برای تولید قدرت، عزت مادی، آبادانی کشور، رساندن ایران به قله‌های علمی، فرهنگی، صنعتی، اقتصادی و سیاسی، تحقق تمدن نوین اسلامی و اعتلای کلمه الله نیز بر عهده همین نظام تعلیم و تربیت است. از سوی دیگر تعلیم و تربیت حول مسئله هویت صورت‌بندی می‌شود و هویت‌سازی فرهنگی و ایجاد و تکوین یک هویت مستقل دینی و ملی بر عهده‌ی این نظام است چراکه قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ هر انسانی بر اساس هویت و شاکله وجودی خویش عمل می‌کند؛ بنابراین برای به عمل در آمدن آن ابعاد سلبی و ایجابی کلمه لا اله الا الله، شاکله و هویت نقش اساسی دارد. مردم باید به ایرانی و مسلمان بودنشان افتخار کنند. مسئله پرورش هویت ایرانی-اسلامی که پرچم جمهوری اسلامی ایران نماد مناسبی برای آن است یکی از اهداف نظام تعلیم و تربیت است. نقاط شروع تاریخی هویت‌ساز و برانگیزاننده هستند، نقاط عطف نیز چنین‌اند. امام شهید خامنه‌ای فرمودند: «اگر چنانچه حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد». شهادت امام خامنه‌ای یک نقطه شروع مجدد بود؛ یک نقطه عطف تاریخی، یک لحظه‌ی برانگیزاننده‌ی هویت ایرانی-اسلامی و یک بعثت در هویت ما. مبعوث شدن مردم است که این صحنه‌های پرشکوه را در خیابان‌ها ایجاد کرده است. او یک احیاگر بود. او حتی با شهادتش نقش امامتش را برای امت انجام داد تا نشان دهد که نظریه‌ی سیاسی امت و امامت در مکتب اسلام، که در عصر ما با ولایت فقیه اقامه شده است، کارگشا است. او این هویت ایرانی-اسلامی را که کمرنگ شده بود برجسته کرد. او نه‌تنها در دوران زعامت شیعه که حتی با شهادتش نیز مفهوم وطن و حب‌الوطن را در اعماق جان‌ها پروراند. پرچم‌های به اهتزاز در آمده‌ی این روزهای خیابان‌های ایران، اتحاد ملت، فوران حس میهن‌دوستی و نهادینه شدن مفهوم وطن از ثمرات خون امام شهیدمان در تربیت و سازندگی ملت ایران است. برآستی که شهید امام خامنه‌ای ما را زنده کرد.

تقی میرزائی شیخ‌آبادی

هیئت علمی گروه آموزش فیزیک، دانشکده علوم پایه، دانشگاه فرهنگیان خراسان رضوی

## یادداشت سیصد و چهل و دو قدرت رسانه و فضای مجازی

همه ما می دانیم که قدرت رسانه بخصوص فضای مجازی از قدرت گلوله بیشتر و موثرتر است. وقتی دشمن از طریق رسانه دنبال سیاه نمایی و تخریب چهره انقلاب است وظیفه ما در این خصوص چیست؟

۱. افرادی که در جبهه دشمن و رسانه‌های اجاره‌ای آنان هستند انسان‌های خبره‌ای هستند لذا باید زبده‌ترین افسران جنگ‌نرم ما باید در میدان فضای سایبری حضور داشته باشند و بی درنگ پاسخ متناسب آنها بدهند.

۲. الزماً اتاق فکر واحد نیاز داریم تا فکر واحد و نهایتاً در روایت یک جریان مسولان ما نظر مشترک و یک صدایی داشته باشند.

۳. الزاماً ظرفیت و پتانسیل مردم استفاده شود یعنی حتماً از پادکست و موشن گرافی و دیگر جلوه‌های هنری خدمات نظام امتیازاتی که نظام بدست آورده در جامعه جهانی مدام مطرح شود و تبیین گردد.

۴. حتماً تاریخ شفاهی کشور ما باید گردآوری گردد و برای نسل جوان روایت شود.

۵. همه ما در برابر قانون مطیع باشیم و تلاش کنیم قانون پذیر باشیم حتی اگر اون قانون به نظر ما قانون درستی نباشد.

۶. همه ما وامدار جمهوری اسلامی ایران هستیم و انقلاب اسلامی بدهکار کسی نیست.

۷. دشمن دنبال گرفتن دین مبین اسلام از این جمهوری است یعنی جمهوری اسلامی را تبدیل کند به جمهوری دموکراتیک و دشمنان قسم خورده ما بارها اعلام کردند در مصاحبه هاشون لذا باید بگوییم ملت ما ملت امام حسین هست و ملت شهادت چنین اجازه‌ای نخواهند داد و محکم ایستاده‌اند و طرفدار نظام و انقلاب هستند.

۸. از مردم عزیز هم می‌خواهیم بسیار مراقب باشند چون دشمن دنبال از بین بردن عفت و اقتدار و غیرت ماست کاری کنیم مایوس و پشیمان گردد.

۹. هرکسی توانمندی دارد جهاد تبیین کند و دست و دسپسه دشمن را برای همه رو کند.

۱۰. شرایطی فراهم نماید تا اقتصاد مردم هم به نحو مطلوب ترمیم یابد و حتی الامکان افراد متخصص و دلسوز را در این زمینه بکار گیرد و از همه کسانی که کاربلد هستند خاصه جوانان انقلابی استفاده نماید.

۱۱. انتظار داریم با لیدرها و پیاده نظام دشمن در داخل برخورد گردد.

حرف آخر هم این است که در صحنه حضور پیدا کنیم. این روزها فقط و فقط حضور، حضور، حضور ...

کریم دهقانی

مدرس دانشگاه فرهنگیان استان فارس

## یادداشت سیصد و چهل و سه نقش امید در افزایش میهن‌دوستی

میهن‌دوستی، احساس عمیق تعلق و دل‌بستگی به سرزمین مادری است. این احساس، ریشه در تاریخ، فرهنگ و هویت یک ملت دارد و نقشی اساسی در پایداری و پیشرفت آن ایفا می‌کند؛ اما چگونه می‌توان این احساس را در نسل‌های جوان تقویت کرد؟ در این میان، نقش امید به‌عنوان یک محرک قوی، انکارناپذیر است. وقتی فردی نسبت به آینده کشورش امیدوار است، با انگیزه بیشتری برای آبادانی و سربلندی آن تلاش می‌کند. امید، باعث می‌شود فرد باور داشته باشد که با تلاش و کوشش می‌توان مشکلات را حل کرد و به اهداف والای ملی دست یافت. این باور، فرد را به مشارکت فعال در جامعه ترغیب می‌کند و حس مسئولیت‌پذیری او را نسبت به کشور افزایش می‌دهد. تربیت امید در کودکان و نوجوانان، نیازمند ایجاد فضایی مثبت و سازنده است. باید به آن‌ها نشان داد که کشورشان دارای ظرفیت‌ها و توانمندی‌های فراوانی است و آینده روشنی در انتظار آن‌هاست. آموزش تاریخ و فرهنگ غنی ایران، معرفی الگوهای موفق و قهرمانان ملی، و ترویج ارزش‌های اخلاقی و انسانی، ازجمله راهکارهای مهم در این زمینه هستند. همچنین، توجه به مسائل روز و تلاش برای حل آن‌ها، می‌تواند به تقویت امید در جامعه کمک کند. وقتی مردم ببینند که دولت و مسئولان در جهت رفع مشکلات و بهبود شرایط زندگی تلاش می‌کنند، اعتمادشان به آینده کشور افزایش می‌یابد و احساس میهن‌دوستی‌شان عمیق‌تر می‌شود. درنهایت، امید به آینده، بستری مناسب برای شکوفایی میهن‌دوستی و تحقق آرمان‌های ملی فراهم می‌کند.

### مجید اعتمادی مهر

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی

## یادداشت سیصد و چهل و چهار

### نقش فعالیت بدنی در تقویت تاب‌آوری دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در شرایط بحران

شرایط بحران و نااطمینانی‌های اجتماعی می‌تواند فشارهای روانی و هیجانی قابل توجهی بر جوانان وارد کند. در این میان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان معلمان آینده جامعه، علاوه بر مدیریت هیجانات فردی خود، نیازمند تقویت ظرفیت‌های روانی و اجتماعی برای ایفای نقش تربیتی در آینده هستند. یکی از ظرفیت‌های مهم برای تقویت این توانمندی‌ها، توجه به فعالیت‌های بدنی و برنامه‌های تربیت‌بدنی در محیط دانشگاهی است. فعالیت بدنی منظم از دیدگاه علوم ورزشی و روان‌شناسی، نقش مؤثری در کاهش اضطراب، افزایش نشاط و بهبود سلامت روان دارد. انجام تمرین‌های ورزشی موجب ترشح هورمون‌های شادی‌آور مانند اندورفین شده و به تنظیم هیجانات و کاهش تنش‌های ذهنی کمک می‌کند. در شرایطی که اخبار و تحولات بحران‌آمیز می‌تواند نگرانی و فشار روانی ایجاد کند، ورزش می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد مؤثر برای حفظ تعادل روانی عمل کند. برای دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، فعالیت‌های ورزشی علاوه بر آثار جسمانی، کارکردهای تربیتی مهمی نیز دارد. مشارکت در ورزش‌های گروهی، رقابت‌های سالم و برنامه‌های تحرک‌محور می‌تواند روحیه همکاری، مسئولیت‌پذیری، خودکنترلی و پشتکار را تقویت کند؛ ویژگی‌هایی که برای معلمان آینده در مدیریت کلاس و تربیت نسل جدید ضروری است. از سوی دیگر، تجربه زیسته دانشجویان از نقش ورزش در مدیریت هیجانات و فشارهای روانی، می‌تواند در آینده به الگویی تربیتی در مدارس تبدیل شود. معلمانی که خود ارزش و کارکرد فعالیت بدنی را در حفظ سلامت روان تجربه کرده‌اند، بهتر می‌توانند این فرهنگ را در میان دانش‌آموزان گسترش دهند. بنابراین، توجه به فعالیت‌های بدنی در محیط دانشگاه فرهنگیان نه‌تنها به ارتقای سلامت جسمی و روانی دانشجویان کمک می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز تربیت معلمانی توانمند، متعادل و تاب‌آور برای جامعه آینده باشد.

### حجت‌مردانه طالش‌مکائیل

هیئت علمی گروه آموزش تربیت‌بدنی، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان اردبیل

## یادداشت سیصد و چهل و پنج

### «ما ملت امام حسینیم»

گاه تاریخ در کلامی خلاصه می‌شود که از جان برخاسته باشد؛ و چنین بود آن روز که سردار دل‌ها، شهید حاج قاسم سلیمانی، فرمود:

«ما ملت امام حسینیم!»

این جمله شعاری ساده نیست؛ سوگندنامه ملتی است که در طوفان ظلم و تحریم و جنگ، قامت خم نکرد. ملتی که هویت او ریشه در کربلای حسینی دارد و شاگرد مکتب عاشورا است. ما نسلی هستیم که معنای «هیّهات منّا الذّله» را نه در کتاب، بلکه در زندگی آموختیم. آموختیم که آزادی، با خون جوانان سرفراز می‌روید و عزت، با ایستادگی زنده می‌ماند. هر زمان دشمن، آسمانمان را با آتش جنگ شکافت، از دل همین خاک، صدایی برخاست: صدای ایمان، صدای مقاومت، صدای ملت امام حسین (ع)؛ و چه زیبا رهبر شهیدمان در آخرین پیام خود به مولایش اقتدا نمود و فرمود: «مثلی لا یبایع مثل یزید». آری!

«ما ملت امام حسینیم!»

انتظار ما، سکوت نیست؛ جهادی است بی‌وقفه برای عدالت، پاکی و نور؛ و تا آن روز که عدالت موعود بر زمین حاکم شود، هرگز از شعار جاودانه «هیّهات منّا الذّله» که با تاروپود هویتمان در آمیخته است، دست نخواهیم کشید.

### علیه رضاداد

عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید هاشمی‌نژاد، خراسان رضوی

## یادداشت سیصد و چهل و شش

### The Immortality of Ideas in Light of Education

History makes it evident that when opponents fail to confront or challenge a true idea, they often resort to silencing its bearers. Yet, great ideas do not perish with individuals; they often grow stronger, take root in the collective spirit of a society, and continue across generations. Throughout the contemporary history of our beloved homeland, efforts to halt intellectual, spiritual, and social movements by targeting and assassinating influential figures have repeatedly failed. Removing individuals has not extinguished ideas; instead, it has accelerated their spread. This is because enduring ideas, especially those tied to independence, resistance, dignity, identity, authority and justice, are never owned by one person. Once they settle in the public mind, they become part of a shared cultural memory. The failure of silencing or assassination tactics against proponents of such transformative ideas highlights that these concepts embed themselves deeply within society and become part of a shared national heritage. Education plays a fundamental role in this continuity. To enable valuable thoughts and meaningful ideas to evolve, spread and persist, education (from policymakers to practitioners, from central administration to schools and universities) must embrace the responsibility of cultivating them. This includes strengthening independence, resistance or standing up against adversaries and invaders, deepening national and cultural identity, nurturing insight, encouraging shared responsibility, and elevating empathy, among many others. Education must, therefore, serve as a strong leading guide to help transform abstract values or ideas into living understanding. In this regard, narratives and stories made in light of educational mission of shaping character and identity hold a profound influence. Such narratives preserve values alive not through instruction, but through real examples, showing how ideals can be lived, not simply spoken. Ultimately, ideas rooted in the will of a nation endure far beyond any single lifetime. They are renewed through education, strengthened by collective memory, and kept alive through narratives and epic stories that bridge past and future. While individuals may fall, the ideas they carried often echo more powerfully afterward, with greater influence. May Allah protect our beloved Iran now, as always.

**Parvaneh ShayesteFar**

Department of English Language Teaching, Farhangian University, Tehran (& Esfahan)



## یادداشت سیصد و چهل و هفت

### رسالت مدرّس در جهت تقویت روحیه دانشجو در آموزش مجازی

مقارن با جنگ تحمیلی:

قال رسول الله صلّ الله علیه وآله:

«مَنْ عَلَّمَنِي حَرْفًا فَقَدْ صَيَّرَنِي عَبْدًا»

در شرایط کنونی؛ محور تدریس؛ تقویت روحیه پرسشگری و توانایی پاسخگویی برای توجیه دانشجو در راستای آموزش در فضای مبهوت و مشوّش، حائز اهمیت است. برای نیل به اهداف؛ توجه به موارد ذیل زمینه‌ساز آرامش است:

- تبیین مباحث علمی مرتبط، در چارچوب تقویت افکار و پیشبرد فرایند آموزش خلاق و کارآمد، روشی است برای تقویت روحیه دانشجویان در امر تعلیم و دریافت مبانی نظری و علمی؛
- همچنین فراهم کردن بستری مناسب در حین آموزش نظیر درک متقابل با داشتن حس مسئولیت استادی و دلسوزی جهت واکاوی ریشه افکار دانشجو بر گرفته از جنگ یا آموزش در فضای مجازی یا توأم با یکدیگر و تلاش برای مرتفع ساختن آن با تفهیم و بیان اینکه آموزش در هر شرایطی برای آینده سازان مملکت؛ نه تنها تعطیل نیست بلکه بالفعل مستمر است.
- نیز خاطر نشان کردن اساتید و پیشکسوتان موفق در حین تدریس با اشاره به آثار و کتب ارزشمند در دوران جنگ تحمیلی هشت ساله دفاع مقدّس و بحران‌های داخلی ناشی از جنگ، نظیر معلّم شهید؛ آیت‌الله مطهری و دیگر علمای علوم حوزه و دانشگاه زمینه‌ساز امید و دلگرمی شاگردان در فضای کنونی جنگ است.
- در نهایت با حفظ اقتدار، همدلی در فضای آموزش مجازی با درک متقابل استاد و دانشجو، حس امنیت در جهت تعلیم برتر فراهم‌تر می‌شود.

بنابراین، اصل مهم و پایدار تجدید روحیه دانشجویان، پایبندی به عقائد و تقویت روحیه ایمان و معنویت همچنین اشاره به آیات کلام ا... مجید و احادیث نبوی و کلام ائمه اطهار علیهم السلام و نهج البلاغه نظیر اشاره به جنگها و غزوات آنان و آزاد کردن اسیران درازای آموزش قرآن و تعالیم اسلامی به مردم آن دوران زمینه‌ساز تحوّل و آرامش در حفظ سنگر علم و آموزش خواهد شد. نمونه‌ای از مصادیق قرآنی و احادیث نبوی:

«اطلبوا العلم من المهد الى اللحد»

اشاره بر لزوم فراگیری علم بالفطره از ازل تا به ابد

«اطلبوا العلم ولو بالصّین»

کلام الهی در تبیین و تبلیغ رسالت معلّم تحت هر شرایطی در هر نقطه از عالم.

### رؤیا ایزد دوست

مأمور آموزشی و مدرّس دانشگاه فرهنگیان استان گلستان

## یادداشت سیصد و چهل و هشت ملت در حال واکنش: روایت صبر و پایداری ملت ایران

این روزها سرزمین ما روزهای جنگ را تجربه می‌کند؛ روزهایی که صدای نگرانی در دل بسیاری از خانه‌ها شنیده می‌شود و اضطراب همچون فشاری سنگین بر زندگی مردم سایه می‌اندازد. در چنین زمان‌هایی، جامعه بیش از هر زمان دیگر شبیه یک آزمایشگاه بزرگ است؛ جایی که انسان‌ها همچون عناصر یک واکنش شیمیایی در کنار هم قرار می‌گیرند تا در میان فشار و حرارت، به پایداری برسند. در شیمی می‌آموزیم که وقتی دما و فشار یک واکنش بالا می‌رود، سرنوشت ماده‌ها به استحکام پیوندهایشان بستگی دارد. اگر پیوندها قوی باشند، ماده فرو نمی‌پاشد؛ بلکه به شکلی تازه و پایدارتر تبدیل می‌شود. جامعه نیز در روزهای جنگ چنین است. آنچه مردم را پابرجا نگه می‌دارد، پیوندهای انسانی است؛ پیوند خانواده‌ها، همدلی همسایه‌ها، و امیدی که میان دل‌ها جریان دارد. در کلاس‌های شیمی، دانش‌آموزان با مفهومی به نام «انرژی فعال‌سازی» آشنا می‌شوند؛ انرژی لازم برای آغاز یک تغییر. در زندگی نیز عبور از روزهای جنگ به چنین نیرویی نیاز دارد: نیرویی از جنس آگاهی، صبر، ایمان به آینده و تلاش برای حفظ آرامش در دل طوفان. گاهی در یک واکنش شیمیایی، ماده‌ای کوچک به نام «کاتالیزور» می‌تواند مسیر واکنش را آسان‌تر کند. در جامعه امروز ما نیز انسان‌هایی هستند که نقش کاتالیزور دارند؛ معلمانی که با دانایی و مهربانی، شعله امید را در دل دانش‌آموزان زنده نگه می‌دارند؛ والدینی که با وجود نگرانی‌ها، آرامش را به خانه می‌آورند؛ و مردمی که با همدلی، سرعت بازگشت جامعه به تعادل را بیشتر می‌کنند. جنگ، همچون شرایط سخت یک واکنش، می‌تواند فشارها را افزایش دهد؛ اما همان‌گونه که بسیاری از مواد پس از عبور از شرایط سخت به ترکیبی پایدارتر تبدیل می‌شوند، ملت‌ها نیز می‌توانند در دل دشواری‌ها استوارتر شوند. تاب‌آوری یعنی همین توانایی ماندن، آموختن و حفظ پیوندها در میان سخت‌ترین شرایط. شیمی به ما یاد می‌دهد که هیچ سامانه‌ای برای همیشه در آشوب باقی نمی‌ماند؛ سرانجام واکنش‌ها به‌سوی تعادل حرکت می‌کنند. امید ما نیز چنین است: با دانایی، همبستگی و صبر، جامعه می‌تواند از دل این روزهای سخت عبور کند و به تعادلی آرام‌تر برسد. ملت در حال واکنش یعنی مردمی که در میان آتش جنگ نیز پیوندهایشان را نمی‌شکنند؛ بلکه آن‌ها را محکم‌تر می‌کنند، تا آینده‌ای پایدارتر برای نسل‌های بعد بسازند.

### سمانه وحید

استادیار گروه آموزش شیمی دانشگاه فرهنگیان، استان سیستان و بلوچستان

## یادداشت سیصد و چهل و نه

### تاب‌آوری و قدرت ایرانی: نبض و الگوی ثبات در خاورمیانه

ما مردمان ایران‌زمین در طول تاریخ و سالیان دراز، سختی‌های زیادی را از سر گذرانده‌ایم؛ از جنگ و تحریم گرفته تا مشکلات اقتصادی؛ اما نکته شگفت‌انگیز در پهنه تاریخ این دیار این است که ما نه تنها تسلیم نشده‌ایم، بلکه روحیه همدلی و سازگاری خود را هم حفظ کرده‌ایم. این موازنه قدرت، یک واکنش لحظه‌ای نیست، بلکه بخشی عمیق از فرهنگ و تاریخ ماست. در فرهنگ ما، «گذر از مشکلات» یک مهارت زندگی است، نه فقط یک اتفاق گذرا از تاریخ و رویدادها.

این روحیه اجتماعی قوی، باعث شده تا ایستادگی مردم، به یک سرمایه کلیدی برای کشور تبدیل شود. همبستگی ملی، مستقیماً بر انسجام کشور و جایگاه ایران در جهان اثر می‌گذارد. وقتی یک جامعه به ارزش‌های خود پایبند است و از تهدیدات نمی‌ترسد، قدرتی نرم و پایدار پیدا می‌کند که وزن سیاسی آن را در عرصه‌های بین‌المللی افزایش می‌دهد.

در زمینه اقتصاد هم، ایران تا حدی مستقل از بازارهای جهانی عمل می‌کند. این استقلال، اگرچه گاهی چالش‌برانگیز است، اما به ما این امکان را می‌دهد که در شرایط سخت، نیازهای خودمان را بدون اتکال زیاد به دیگران برطرف کنیم. به این توانایی «مقاومت ساختاری» می‌گویند، چیزی که بسیاری از کشورها از آن بی‌بهره‌اند.

تنگه هرمز، که شریان حیاتی انرژی جهان است، یک مزیت ژئوپلیتیک برای ما به شمار می‌رود که همیشه مورد طمع قدرت‌های بزرگ بوده است.

بنابراین، وقتی قدرت مردم، توان دفاعی کشور و موقعیت استراتژیک ایران را کنار هم می‌گذاریم، می‌بینیم که ایران به یک بازیگر کلیدی و ژئوپلیتیک تبدیل شده است؛ بازیگری که نه تنها می‌تواند ثبات خودش را حفظ کند، بلکه می‌تواند در تعیین سرنوشت منطقه نیز نقش داشته باشد.

مصطفی غفاری

استادیار گروه زبان انگلیسی دانشگاه فرهنگیان استان قزوین

## یادداشت سیصد و پنجاه

### جنگ رمضان؛ چرایی تقابل ایالات متحده آمریکا با ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و در پیش گرفتن سیاست «نه شرقی نه غربی»، همواره ایران به بهانه هراس افکنی (تروریسم)، حقوق بشر، برنامه هسته‌ای، نفوذ منطقه‌ای و... مورد اتهام، تحریم و فشارهای ایالات متحده آمریکا بوده است به گونه‌ای که گفتگوها، مذاکرات و حتی توافق نامه موسوم به برجام میان ایران و گروه ۵+۱ نیز نتوانست منجر به تغییر رویکرد ایالات متحده و کاهش فشارها بر ایران و بازنگری ایالات متحده در سیاست منزوی سازی ایران شود. با این حال با تحلیل و ژرف نگری در گزاره‌های یادشده، پی به این نکته می‌بریم که درواقع چرایی تنش اصلی میان دو کشور را می‌توان در سه گزاره زیر دسته بندی نمود:

۱. روند صلح خاورمیانه و به نوعی تلاش آمریکا برای تأمین امنیت رژیم اسرائیل در جایگاه شریک راهبردی واشنگتن در غرب آسیا.

۲. تسلط بر منابع نفت و گاز منطقه در راستای کنترل بازار انرژی و مهار رقیبان ازجمله چین.

۳. واهمه ایالات متحده و غرب از اسلام سیاسی به واسطه ظرفیت تمدن سازی آن.

درواقع ایالات متحده با دستمایه قرار دادن بهانه‌های یادشده و دیگر مسائل فرعی سال‌هاست که سیاست تحریم و انزوای ایران را در راستای دستیابی به سه هدف\_تأمین امنیت رژیم اسرائیل، تسلط بر منابع نفت منطقه و مقابله با اسلام سیاسی\_ دنبال کرده که این فشارها در سال‌های اخیر تحت عنوان فشارهای بیشینه (حداکثری) به اوج خود رسیده است.

به دنبال دیپلماسی فرسایشی میان دو طرف و طرح خواسته‌های نابخردانه از سوی ایالات متحده، تنش‌ها با بالاترین سطح خود و جنگ تحمیلی ۱۲ روزه میان دو طرف شد. پس از جنگ، دو طرف با میانجیگری طرف سوم دوباره به میز مذاکره بازگشته که در میانه مذاکرات شاهد یورش دوباره ایالات متحده و رژیم اسرائیل به ایران و مقاومت ملی ملت ایران بوده‌ایم.

### فریدون سلیمانی

دانش آموخته جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، مدرس دانشگاه فرهنگیان استان قزوین

## یادداشت سیصد و پنجاه و یک

### نقش بی‌بدیل دانشگاه فرهنگیان در تضمین آینده کشور، به‌ویژه در شرایط جنگی

دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان قلب تپنده نظام آموزش و پرورش ایران، نقش بی‌بدیلی در تضمین آینده کشور ایفا می‌کند. این دانشگاه با تربیت معلمان شایسته، متخصص و متعهد، بنیان‌گذار نسلی آگاه، مقاوم و کارآمد است که در هر شرایطی، به‌ویژه دوران جنگ و بحران، ستون فقرات جامعه را تشکیل می‌دهد. معلمان فارغ‌التحصیل از این دانشگاه، نه تنها دانش‌آموزان را با علوم روز مجهز می‌کنند، بلکه ارزش‌های انقلابی، ایثار و خودباوری را در وجود آن‌ها نهادینه می‌سازند. در شرایط جنگی، جایی که دشمن با جنگ نرم و تهاجم فرهنگی به دنبال تضعیف روحیه ملت است، معلمان دانشگاه فرهنگیان به‌مثابه سنگربانان فرهنگی عمل می‌کنند و دانش‌آموزان را به شهروندانی مسئول، کارآمد و تأثیرگذار تبدیل می‌نمایند.

برخی تصور می‌کنند که سلامت جسمی و روانی تضمین‌کننده آینده هر ملتی است، و این دیدگاه تا حدی درست است؛ اما بدون آموزش و پرورش قوی، حتی فرد سالم نمی‌تواند به حداکثر تأثیرگذاری برسد. شهروند کارآمد، کسی است که علاوه بر سلامت، دارای هویت ملی، مهارت‌های فکری و روحیه جهادی باشد. دانشگاه فرهنگیان با برنامه‌های آموزشی هدفمند، دانشجویان را برای تربیت چنین شهروندانی آماده می‌سازد. در دوران دفاع مقدس، معلمان نقش کلیدی در حفظ وحدت و انگیزه‌بخشی به نسل جوان داشتند؛ امروز نیز در برابر تهدیدات نوین، این دانشگاه با تولید معلمان متعهد، آینده‌ای مستحکم می‌سازد.

درنهایت، تضمین آینده کشور در گرو تربیت انسانی است که هم سالم باشد و هم مسئول. دانشگاه فرهنگیان با تأکید بر سلامت روان و جسم دانشجویان معلمی، نسلی می‌آفریند که در شرایط جنگی، نه تنها مقاومت می‌کند، بلکه پیش‌تاز پیروزی است. این نقش بی‌بدیل، فراتر از آموزش، به معنای پاسداشت هویت و اقتدار ملی است.

### حسن طرلانی علی‌آبادی

استاد یار گروه زبان و ادبیات دانشگاه فرهنگیان استان اردبیل.

## یادداشت سیصد و پنجاه و دو

### تربیت و مقاومت در مطالعهٔ آموزش پژوهانهٔ تجربهٔ جنگ رمضان

بررسی مفهوم «مقاومت» در ادبیات تربیت پژوهشی، افق تازه‌ای برای فهم ظرفیت‌های انسانی، هویتی و اخلاقی در موقعیت‌های سخت می‌گشاید. هنگامی که تجربه‌ای چون جنگ رمضان با عینک آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت تحلیل می‌شود، مقاومت صرفاً کنشی دفاعی یا نظامی تلقی نمی‌گردد؛ بلکه به‌عنوان فرآیندی تربیتی دیده می‌شود که فرد را در مسیر خودآگاهی، مسئولیت‌پذیری، معناسازی و رشد شخصیت قرار می‌دهد. این موضوع با رویکرد آموزش پژوهانه، مقاومت را در مقام یک «فرآیند یادگیری» بررسی می‌کند؛ فرآیندی که در آن انسان در مواجهه با تهدید، اضطراب، نابرابری منابع یا فشار موقعیت، به بازتعریف خود و ارزش‌ها می‌پردازد.

تحلیل نشان می‌دهد که مقاومت در چنین بسترهایی سه مؤلفهٔ تربیتی مهم را فعال می‌کند: نخست، شکل‌گیری «توان تاب‌آوری شناختی» که به فرد امکان می‌دهد در شرایط مبهم، تصمیمی سنجیده بگیرد و پیامدهای آن را بپذیرد. دوم، تقویت «هویت معنابخش جمعی» که بر پایهٔ همکاری، همیاری و تجربهٔ زیستهٔ همراهی با دیگران شکل می‌گیرد و نقش بنیادینی در ساخت انسجام روانی دارد. سوم، تبدیل تجربهٔ خطر و عدم قطعیت به «سرمایهٔ رشدی» که در ادامهٔ زندگی فرد، او را در مدیریت موقعیت‌های دشوار، قضاوت اخلاقی و اقدام متعهدانه توانمند می‌سازد.

بر این اساس، مقاومت نه رفتار واکنشی، بلکه میدان تربیتی پیچیده‌ای است که به‌واسطهٔ آن، نوجوانان و جوانان به فهم عمیق‌تری از توان خویش، رابطه با جمع، و معناهای بزرگ‌تر زیست انسانی دست می‌یابند. تفسیر آموزش پژوهانهٔ این تجربه‌ها می‌تواند الهام‌بخش طراحی برنامه‌های تربیتی‌ای باشد که بدون بازنمایی خشونت، بر پرورش تاب‌آوری، مسئولیت‌پذیری، همبستگی و توان تحلیل موقعیت متمرکز است.

زهره‌ا علیلو

دکترای ریاضی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، استان آذربایجان غربی، شهرستان خوی

## یادداشت سیصد و پنجاه و سه

### کلاس درس؛ سرزمین ساخت هویت فردی و اجتماعی در چرخه‌ی تربیتی دانش

در سرزمینی که دانش به‌عنوان نوری ماندگار در تاریکی جهل می‌درخشد، کلاس درس به میدانی بدل می‌شود که هویت فردی و هویت اجتماعی در آن به چالش کشیده می‌شوند. دانشجو، نه تنها گیرنده‌ی دانش، بلکه شریک فعال در ساختارهای معنایی است که در فضای آموزشی اتفاق می‌افتد. استاد، در این مسیر، نقشی فراتر از انتقال محتوا دارد: او مربی، معرف و مهندس هویت است. در هر جلسه، گفت‌وگویی بین دانش، تجربه و ارزش‌ها برقرار می‌شود که در آن هویت فردی دانشجو با ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مواجه می‌شود. سرزمین آموزش، فضایی است که در آن دانشجو نه تنها مهارت‌ها را کسب می‌کند، بلکه خود را می‌سازد. این فرآیند، از طریق تعامل با استاد، هم‌کلاسی‌ها و محتوای درسی، به یک تجربه تربیتی عمیق تبدیل می‌شود. هویت اجتماعی، نه چیزی ثابت، بلکه نتیجه‌ای از گفت‌وگوهای مداوم در کلاس درس است. این گفت‌وگوها، از طریق بحث، تحلیل و انتقاد، دانشجو را به تفکر مستقل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی دعوت می‌کنند. در این مسیر، برنامه‌ریزی درسی نباید صرفاً فهرستی از مطالب و متکی بر سرفصل‌های درسی باشد، بلکه باید یک نقشه‌ی تربیتی باشد که هویت فردی و اجتماعی را در تعامل با سرزمین فرهنگی و اجتماعی موردنظر، می‌سازد. استاد، با طراحی فعالیت‌های آموزشی مبتنی بر تفکر انتقادی و همکاری، می‌تواند فضایی خلق کند که در آن دانشجو نه تنها میراث دار دانش، بلکه تولیدکننده و نشردهنده دانشی می‌شود که با خلاقیتها و توانمندیهای خویش عجین می‌سازد. این تربیت، نه تنها به فرد، بلکه به جامعه می‌رسد؛ زیرا دانشجویانی که هویتی متمایز و مسئولیت‌پذیر دارند، نهادهای آینده را به شکلی نوین و اخلاقی شکل می‌دهند. درنهایت، کلاس درس، فضایی است که در آن سرزمین دانش، هویت فردی و اجتماعی، و تربیت انسانی، در یک چرخه‌ی پویا به هم پیوند می‌خورند.

### زهره حمزه لو

عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت سیصد و پنجاه و چهار آرامش در طوفان: توکل به خدا در شرایط حساس

در شرایط حساس و موقعیت‌هایی که انسان با پیچیدگی‌ها، تهدیدها و اضطراب‌های گوناگون روبه‌رو می‌شود، پرسش از نقش ایمان و توکل به خدا بیش از پیش اهمیت می‌یابد. درواقع، یکی از بنیان‌های معرفت دینی آن است که انسان بداند «قدرت حقیقی» در جهان از آن خداوند است؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

وَ الَّذِینَا بَیْنَهُمُ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ إِلَى یَوْمِ الْقِیَامَةِ کُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ یَسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُفْسِدِینَ:

یهودیان (به‌طعنه) گفتند: «دست خدا بسته است» دست‌های خودشان بسته باد، و نفرین بر آنان برای گفتارشان؛ بلکه دو دست او باز است (و) هر طور که بخواهد، (از خزانه‌ی غیبش) هزینه می‌کند. بی‌گمان آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آنان خواهد افزود. ما تا روز قیامت (نیز) میانشان دشمنی و کینه انداختیم. هرگاه آتشی (برای نابودی دین خدا) برافروزند، خدا خاموشش می‌کند. چراکه آنان برای (ایجاد) فساد در زمین می‌کوشند، و خدا فسادگران را دوست ندارد (و تلاششان را بی‌اثر می‌کند).

در آیات قرآن کریم وعده‌هایی روشن و امیدبخش بیان شده که نوع نگاه مؤمن را از اضطراب به اطمینان سوق می‌دهد. از جمله در آیه‌ای که گروهی از یهود به‌طعنه گفتند: «یُدَاللهُ مَغْلُولَةٌ»؛ گویا قدرت الهی را محدود می‌انگاشتند. قرآن در پاسخی قاطع می‌فرماید:

«عَلَّتْ أَیْدِیْهِمْ بِمَا قَالُوا وَ لَعَنُوا بِمَا قَالُوا»؛

یعنی دست خود آنان بسته باد و به‌سبب این سخن ناروا، از رحمت الهی دور می‌شوند. سپس حقیقت را آشکار می‌سازد:

«بل یداه مبسوطتان»؛

قدرت خداوند گسترده و نامحدود است و هر گونه که بخواهد از خزانه غیب خویش می‌بخشد.

در ادامه همین آیه، به یکی از زیباترین وعده‌های الهی اشاره می‌شود:

«کَلِمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ»؛

هر زمان که آتشی برای جنگ و فساد می‌افروزند، خداوند آن را خاموش می‌کند. این فراز بیانگر آن است که هر برنامه‌ریزی خصمانه و هر تلاشی برای نابودی حقیقت، اگرچه در ظاهر پرهیاهو باشد، درنهایت زیر سایه اراده الهی بی‌اثر می‌گردد. این وعده، نوعی آرامش درونی و نگاه توحیدی فعال به مؤمن می‌بخشد.



درعین حال، آموزه‌های دینی هرگز انسان را از به‌کارگیری عقل، احتیاط و تدبیر باز نمی‌دارند. همان قاعده معروف «احتیاط شرط عقل است» در امور مخاطره‌آمیز قابل انکار نیست. ایمان اصیل به معنای ترک تدبیر نیست؛ بلکه آنجاست که پس از انجام وظیفه و بهره‌گیری از عقل و امکانات، نتیجه را به خداوند تفویض کنیم و به حکمت او آرام بگیریم. نکته مهم‌تر آن است که از قاعده لطف الهی نباید ناامید شد. گواه این مدعا قرآن کریم است که به‌صراحت می‌فرماید:

«قُلْ لَنْ يَصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا، هُوَ مَوْلَانَا»؛

به ما هیچ آسیبی نمی‌رسد مگر آنچه خدا برای ما مقرر کرده است؛ زیرا او مولای ما و سرپرست ماست. این آیه، مؤمن را به نقطه‌ای از آرامش می‌رساند که درک کند همه آنچه رخ می‌دهد، نهایتاً برای او خیر و به‌نفع اوست.

با این‌همه، انسان موجودی ضعیف است و در معرض ترس، اضطراب و لغزش قرار می‌گیرد؛ و همین نیاز دائمی به لطف و عنایت الهی است که بندگی را معنا می‌بخشد. مؤمن در سایه توکل، میان تدبیر عقلانی و آرامش قلبی جمع می‌کند و اطمینان دارد که «مولای او» هرگز او را رها نخواهد کرد.

### محمدحسین صادقی

آموزش الهیات و معارف دانشگاه فرهنگیان، ایران، لرستان

## یادداشت سیصد و پنجاه و پنج

### از تیر آرش تا گام‌های امروز؛ تربیت پایداری در حافظه یک ملت

ملت‌ها تنها با جغرافیا شناخته نمی‌شوند؛ آنچه به سرزمین معنا می‌دهد، حافظه فرهنگی و روایت‌هایی است که نسل‌ها را به یکدیگر پیوند می‌زند. در فرهنگ ایرانی، آرش و رستم دو نماد برجسته از این حافظه‌اند. آرش، تیر خود را بر کمان می‌گذارد و مرزهای وطن را با جان خویش معنا می‌کند؛ رستم، پهلوانی است که قدرت را با خرد و مسئولیت درهم می‌آمیزد. این دو روایت، بیش از آنکه داستان‌های حماسی باشند، درس‌هایی تربیتی درباره تعهد، پایداری و مسئولیت اجتماعی‌اند. در روزگار معاصر نیز تجربه‌هایی مانند جنگ رمضان را می‌توان در امتداد همین سنت فرهنگی فهم کرد؛ لحظه‌هایی که جامعه در برابر دشواری‌های تحمیلی، معنای همبستگی و مقاومت را بازتعریف می‌کند. برای نظام تعلیم و تربیت، اهمیت چنین رخدادهایی نه در بازگویی صرف آن‌ها، بلکه در تبدیلشان به فرصتی برای اندیشیدن درباره هویت، مسئولیت و نقش فرد در سرنوشت جمعی است. در این میان، دانشگاه فرهنگیان جایگاهی کلیدی دارد. این دانشگاه می‌تواند با تربیت معلمان آگاه به میراث فرهنگی و تجربه‌های تاریخی جامعه، پلی میان گذشته و آینده بسازد. معلمی که آرش را تنها یک افسانه نمی‌بیند و رستم را صرفاً یک قهرمان نمی‌داند، بلکه آن‌ها را روایت‌هایی تربیتی از مسئولیت و پایداری می‌فهمد، می‌تواند همین معنا را به نسل جدید منتقل کند. شاید راز ماندگاری یک جامعه در همین پیوند نهفته باشد: از تیر آرش تا تجربه‌های امروز، آنچه سرزمین را پایدار می‌کند، تربیت نسلی است که بداند مسئولیت حفظ آینده، از کلاس درس آغاز می‌شود.

### رسول بهنام

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت سیصد و پنجاه و شش

### مسئولیت اخلاقی نهاد علم و بیداری وجدان در برابر رنج انسان جنگ زده

در بزنگاه‌های تاریخ، گاه رنج انسان چنان آشکار و تکان‌دهنده می‌شود که هیچ نهاد فکری، فرهنگی یا علمی نمی‌تواند در برابر آن خاموش بماند. وقتی کودکان بی‌دفاع قربانی جنگی ناعادلانه و خشونت می‌شوند و انسان‌هایی که تنها رؤیای زیستن داشتند، ناگهان از جهان محو می‌گردند، پرسشی بنیادین پیش روی ما قرار می‌گیرد:

آیا نهاد علم، وجدان آگاه جامعه، مجاز است تماشاگر بماند؟

بی‌تفاوتی پدیده‌ای ناگهانی نیست؛ سقوطی تدریجی است. از بی‌حسی لحظه‌ای آغاز می‌شود، به عادت کردن نسبت به اخبار دردناک می‌رسد، و درنهایت به نوعی قساوت پنهان منتهی می‌شود که انسان را از مسئولیت اخلاقی تهی می‌کند. سکوت در برابر رنج، هرچند توجیه‌پذیر به نظر برسد، روح را فرسوده می‌کند و شرمی پدید می‌آورد که دیر یا زود گریبان‌گیر وجدان فردی و جمعی می‌شود.

در برابر این جنگ ناعادلانه و خشونت، نمونه‌هایی از انسان‌هایی وجود دارند که در سخت‌ترین شرایط، از دارایی اندک خود می‌گذرند، خود را سپر دیگری می‌کنند، یا درد دیگری را درد خویش می‌شمارند. این صحنه‌ها نه روایت‌های احساسی، بلکه داده‌هایی اخلاقی‌اند که بر ضرورت بیداری تأکید می‌کنند.

انسانیت در دیدن و شنیدن آغاز می‌شود؛ در توانایی توقف، اندیشیدن، و نپذیرفتن عادی‌سازی رنج، جنگ و خشونت. جهان همواره آکنده از شر بوده است، اما امکان روشن کردن چراغ‌های کوچک هنوز باقی است. هر کنش اخلاقی، هر حساسیت انسانی و هر مقاومت در برابر بی‌تفاوتی، گامی است برای حفظ بنیان‌های انسانیت.

بیداری وجدان، نه شعار است و نه موضع سیاسی؛ ضرورتی است برای زنده ماندن وجدان بشر. مسئولیت ما در بیداری و حساسیت اخلاقی مان معنا پیدا می‌کند. اگر چشم بگشاییم و بیاموزیم بی‌تفاوت نباشیم، انسانیت هنوز زنده خواهد ماند.

### رحمت الله محمودی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی.

## یادداشت سیصد و پنجاه و هفت

### مفهوم شهادت اجزای فرهنگی برنامه درسی

مهم‌ترین تأثیری که مقوله ایثار و شهادت برای یک کشور دارد، تأثیر فرهنگی و نرم آن است. این مهم در صورتی که بتواند به زیبایی به نسل جوان منتقل شود، می‌تواند نسلی مؤمن تربیت نماید که در هنگامه خطر مانند پیشینیان خود به میدان جهاد و ایثار و شهادت بشتابند. ایثار و شهادت هم به جهت بازدارندگی، امنیت ملی کشور را از تهاجم نظامی تأمین می‌کند و هم برای مقابله با تهدیدات نرم دشمن، باعث تربیت نسلی مؤمن و شهادت‌طلبی می‌گردد که در هنگامه خطر به دفاع از وطن می‌پردازد. از این رو، دستگاه‌های فرهنگی کشور و در رأس آن‌ها دانشگاه‌ها باید کوشش کنند با بررسی زوایای بیشتر زندگی شهدا از جمله دانش‌آموزان، دانشجویان، رهبران و سیاستمداران شهید و شناساندن آنان به نسل جوان، آنان را با فداکاریهای این شهدا آشکار نمایند و این کار را مقدمه تربیت جوانان مؤمن، کارآمد، باوجدان جهت سازندگی و پیشرفت کشور قرار دهند. از سویی از نظام آموزشی کشور از جمله آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها، به‌عنوان بزرگ‌ترین نهادهایی که وظیفه انتقال ارزش‌ها و فرهنگ را بر عهده دارند، انتظار می‌رود ضمن پیروی از سیاستهای فرهنگی از جمله مفهوم شهادت و از خودگذشتگی در کشور، پیشرو در این حرکت فرهنگی باشند تا بتوانند بدون سوگیری حزبی و جناحی افرادی کارآمد و اثرگذار در تمام عرصه‌های مورد نیاز جامعه پرورش دهند.

سعید رومانی

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان لرستان

## یادداشت سیصد و پنجاه و هشت

### عوامل حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران و راه برون رفت از این پیچ تاریخی

اشتباهاتی که منجر به فروپاشی لایه‌های حفاظتی ایران و آغاز جنگ شد عبارت‌اند از: عامل اول، شفافیت برجام به‌عنوان یک تله بود که مختصات حملات را لو داد. عامل دوم، که بزرگ‌ترین خطای راهبردی بود، توقف در وضعیت کشور در آستانه بود. ایران به جای سیاست ابهام (مانند اسرائیل) یا سرعت مخفیانه (مانند کره شمالی)، پیشرفت‌های خود را جار زد. به دنبال آن این دیپلماسی جارزنی باعث شد دشمن با اطمینان از اینکه هنوز سلاحی در کار نیست، با خیال راحت به ایران حمله کند. عامل سوم، نمایش زودهنگام قدرت موشکی؛ قبل از پختگی کامل بود. تجربه رویدادهای گذشته نشان داد؛ ارائه اطلاعات به دشمن در میز مذاکره، به مختصات موشک در میدان نبرد تبدیل می‌شود. شهادت مقامات عالی‌رتبه و شهادت رهبر عزیزمان، نتیجه مستقیم مسیری است که در آن شفافیت برای دشمن جایگزین اقتدار درونی شد. جنگ هم‌اکنون برای رژیم صهیونیستی موجودیتی موجودیتی شده و آمریکا هم به‌عنوان ابرقدرت، هیمه‌اش شکسته شده است به همین دلیل جنگ را به سمت از بین بردن زیرساخت‌ها برده است تا ما را زمین‌گیر کند. ما هم اکنون دو راه پیش رو داریم یا مذاکره و آتش بس یا ادامه جنگ تا رسیدن به پیروزی؛ راه اول قطعاً به جنگ بعدی و زودتر و البته مخرب‌تر منجر خواهد شد. چراکه دشمن عیوب خودش را برطرف می‌کند و مجدداً حمله می‌کند. راه دوم درواقع استقامت و قطعاً سخت است چراکه دشمن به این نتیجه رسیده که عامل تقویت نظامی و از طرفی جلوگیری از هرگونه صلح تحمیلی، همین تجمع‌های شبانه مردمی و مطالبه آن‌ها است؛ بنابراین تلاش می‌کند که آن‌را با حربه‌های متفاوت منتفی کند به همین دلیل می‌خواست و می‌خواهد با حمله به زیرساخت‌های انرژی، برق کشور را دچار اختلال کند تا ارتباطات در کوتاه‌مدت قطع شود که به خاطر عدم ارتباطات، به زعم خودشان خیابان‌ها خلوت‌تر شود و فضا برای اغتشاشگران مهیا شود که نتیجه‌اش هم اینست که افرادی که علاقه وافری به مذاکره و آتش‌بس دارند با شرایط ایجاد شده در جامعه؛ به هدف خود خواهند رسید. موقعیت ما به گونه ایست که گزینه‌های متعدد و حتی میانه‌ای نداریم. در ضمن تبعات انتخاب‌های ما فقط آسیب‌های محدود نیست، بلکه برای ما نبردی سرنوشت ساز و موجودیتی است و برای جبهه غربی جایگاه منطقه‌ای و جهانی است. پهپادهای ارزان‌قیمت پاشنه آشیل قدرت‌های بزرگ شده است. تاریخ ثابت کرده که در گلوگاه‌های راهبردی مثل سوئز و هرمز، برتری نظامی لزوماً پیروزی نمی‌آورد. بریتانیا در سال ۱۹۵۶ با وجود نابودی ارتش مصر، بازی را به چند کشتی غرق‌شده در کانال باخت، پوند سقوط کرد و امپراتوری آن فروپاشید. امروز نیز در تنگه هرمز، پهپادهای ارزان‌قیمت و انسداد مسیرهای تجاری، پاشنه آشیل قدرت‌های بزرگ و اقتصاد جهانی شده است. ایران باید یک اهرم فشار مانند تنگه هرمز را در دست داشته باشد تا آمریکا و شرکای غربی‌اش جرأت نداشته باشند گاه و بیگاه به انحاء مختلف ایران را تحریم کنند؛ بنابراین راهی به جز استقامت و تاب‌آوری و تحمیل خواسته‌های خود و درنهایت پیروزی نداریم.

احمد یوسف‌وند

آموزش فیزیک دانشگاه فرهنگیان استان لرستان

## یادداشت سیصد و پنجاه و نه

### دانشگاه فرهنگیان؛ هسته مرکزی بازتولید تمدن در پرتو جنگ رمضان

در تحلیل ژئوپلیتیک تربیتی «جنگ رمضان»، دانشگاه فرهنگیان فراتر از یک نهاد آموزشی، به‌مثابه «موتور محرکه تمدن سازی» عمل می‌کند. این دانشگاه با مأموریت ذاتی خود در پرورش معلمانی که «معماران آینده» هستند، نقش حیاتی در بازتولید سرمایه اجتماعی و هویت ملی-دینی ایفا می‌نماید. در بستر جنگ روانی و فرهنگی دشمن، آموزش رسمی تنها انتقال دانش نیست، بلکه فرآیندی برای تثبیت گفتمان ایرانی-اسلامی و تقویت بنیان‌های معرفتی جامعه است. از منظر جامعه‌شناسی آموزش، دانشگاه فرهنگیان با پیاده‌سازی الگوی «تربیت پژوهشی»، معلمان را به کنشگران سیاسی-فرهنگی تبدیل می‌کند تا در میدان نبرد، خط مقدم دفاع از ارزش‌های اسلامی-ایرانی باشند. این دانشگاه با تلفیق مبانی قرآنی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و نیازهای روز، برنامه‌درسی‌هایی را طراحی می‌کند که مستقیماً به مقابله با «استعمار فرانو» و نفوذ فرهنگی می‌پردازد. در دوران جنگ رمضان، همسویی دانشگاه فرهنگیان با رزمندگان، نه در قالب حضور فیزیکی، بلکه در قالب تولید محتوای آموزشی مبتنی بر «میهن‌دوستی آگاهانه» و «دشمن‌شناسی عمیق» تجلی می‌یابد. خروجی این دانشگاه، معلمی است که کلاس درس را به سنگری برای بصیرت‌افزایی تبدیل کرده و نسل آینده را برای حفظ و بسط تمدن نوین ایرانی-اسلامی آماده می‌سازد؛ بنابراین، دانشگاه فرهنگیان با تأکید بر «آموزش پژوهانه»، تضمین‌کننده تداوم حیات تمدنی ایران اسلامی در برابر تهاجم‌های نرم دشمن است.

### مجید داداش زاده

عضو هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان\_ استان آذربایجان شرقی

## یادداشت سیصد و شصت

### امید به آینده، سازنده تمدن نوین اسلامی

در منظومه فکری انقلاب اسلامی، «امید» جایگاهی فراتر از یک حس عاطفی صرف دارد؛ بلکه به مثابه یک «عامل راهبردی» در فرآیندهای تربیت و تمدن سازی مورد توجه است. این مفهوم، در تعامل با آموزه‌های اصیل مهدوی و چشم‌انداز ترسیم شده در بیانیه گام دوم انقلاب، به یکی از ارکان کلیدی در ترسیم آینده‌ای روشن و تحقق آرمان‌های متعالی بدل شده است. از منظر روانشناسی، امید (Hope) به عنوان یک سازه شناختی-عاطفی، باوری نسبت به توانایی دستیابی به اهداف و گشودن مسیرهای پیش رو، حتی در مواجهه با موانع است. این باور، محرک اصلی تاب‌آوری (Resilience)، انگیزه (Motivation) و خودکارآمدی (Self-efficacy) در افراد محسوب می‌شود.

در فرهنگ اسلامی، مفهوم «انتظار فرج» تجلی عمیق‌تر و جامع‌تری از امید است. این انتظار که «افضل اعمال» توصیف شده، نه انفعال محض، بلکه فرآیندی پویا و سازنده است که فرد را در زمینه‌های تزکیه نفس، علم‌آموزی، عدالت‌خواهی و مبارزه با مظاهر باطل آماده می‌سازد. باید توجه داشت رویدادهایی چون «جنگ رمضان»، اگرچه با تلخی‌ها و سختی‌های فراوان همراه بوده‌اند، اما نمادهایی از مقاومت، پایداری و ایستادگی در برابر ظلم و استکبار به شمار می‌روند. در چنین بسترهایی، مفهوم امید به پیروزی نهایی حق بر باطل همچون چراغی در تاریکی، انگیزه استقامت و پایداری را در دل مبارزان و مقاومت‌گران روشن نگه می‌دارد. از این رو، تربیت نسلی امیدوار، مجهز به بصیرت عمیق دینی و سیاسی، و آماده برای کنشگری فعال، پاسخی قاطع به چالش‌های پیش رو، از جمله تهدیدات امنیتی، جنگ‌های ترکیبی و سختی‌های دوران گذار به تمدن نوین است. چنین نسلی، نه تنها در برابر ناملایمات تاب می‌آورد، بلکه به صورت فعالانه در جهت تحقق آرمان‌های عدالت‌گستر جهانی، زمینه‌ساز ظهور حضرت ولیعصر (عج) خواهد بود.

### علیه رضاداد

عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان  
پردیس شهید هاشمی نژاد، خراسان رضوی

## یادداشت سیصد و شصت و یک

**مرور سه جنگ تحمیلی (نظامی و امنیتی) سال ۱۴۰۴ و تحلیل از مقاومت ملی مردم با تأکید بر هوشیاری مردم، رشادت‌ها و ایجاد «خط دفاعی گسترده» که موجب شکست محاسبات دشمن شد.**

جنگ ۱۲ روزه تجربه‌ای مهم برای همه ایرانیان داشت و آن اینکه مردم متوجه شدند اگر مقاومت کنند، نتیجه مناسبی دریافت خواهد کرد. ضمن اینکه در جنگ ۱۲ روزه هم این ترامپ ملعون بود که درخواست آتش‌بس داد و دولت مردان هم به آن پاسخ مثبت دادند. جنگ تحمیلی سوم، اما تفاوت‌هایی با نمونه‌های قبلی دارد.

#این جنگ با حمله به شخص مقام معظم رهبری و به شهادت رساندن امام قائد (رحمه الله) آغاز شد و از سوی دیگر حمله به برخی مناطق غیرنظامی مثل مدرسه میناب، همچنین حملات مستمر به بیمارستان‌ها و بخشی زیادی از منازل مسکونی مردم البته در جنگ ۱۲ روزه هم حمله به منازل مسکونی صورت گرفت، اما در جنگ رمضان این حملات حجم بسیار بالایی دارند، حمله به غیرنظامیان و به شهادت رساندن کودکان و... ابعاد متفاوتی پیدا کرده است. از این منظر جنگ رمضان با جنگ ۱۲ روزه تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. در این برهه مردم مقاومت قابل توجهی از خود نشان دادند. در جنگ ۱۲ روزه تهران به سرعت خالی شد و مردم از شهر خارج شدند، اما در جنگ رمضان به برکت ماه مبارک رمضان و آگاهی بیشتر، اکثریت میلیونی مردم سلحشور کشورمان بخصوص مردم عزیز تهران جهت مبارزه با خائن‌ان و خائنین وطن فروش و بایعت خودبا سومین رهبر انقلاب امام سیدمجتبی حسینی خاмене‌ای حفظه الله شبانه در خیابانها و میادین شهرها حضور چشمگیرتری دارند. این روزها هر ایرانی نسبت به حضور و مشارکت فوق‌العاده مردم در خیابان‌ها احساس غرور و شادی دارد. اینکه گفته شود همه این جمعیت حاضر در خیابان‌ها، طرفداران یک جناح سیاسی، نظام و حاکمیت هستند، اشتباه است. حجم جنایت‌هایی که توسط اسراییلی‌ها و امریکایی‌ها صورت می‌گیرد، همه ایرانیان را به این نتیجه رسانده که این جنگ و این جنایت‌ها علیه مردم، قرآن و کلیت سرزمین نظام جمهوری اسلامی ایران است.

مردم متحد و عزیز ایران اسلامی، زن و مرد، پیر و جوان، کودک و خردسال همه در برابر این تهاجم و جنایت از خاک ایران و وطن خود دفاع می‌کنند و با حضور پرشور و منسجم و متحد شبانه خود در خیابانها پشتیبان نیروهای مسلح و رزمندگان کشور اسلامی خود هستند.



#تفاوت دیگر این نبرد با دوره‌های قبلی در حجم پهبادها و موشک‌هایی که ایران شلیک می‌کند هم نمود داشته است. این بار ایران توانسته به صورت مستقیم به اسرائیل و منافع آمریکا در منطقه حمله مستقیم کند. این روند به یک چالش جدی برای اعراب منطقه و آمریکا و اسرائیل بدل شده است. اعراب منطقه متوجه شدند آمریکا نمی‌تواند از آنها محافظت کند. آن‌ها که همواره در شورای همکاری‌های خلیج فارس، علیه ایران قطعنامه صادر می‌کردند، امروز می‌بینند که قدرت مسلط در منطقه ایران است نه آمریکا و نه عربستان و نه اسرائیل.

فلذا هم اعراب و هم غیرعرب‌ها در منطقه متوجه شده‌اند که قدرت جمهوری اسلامی بسیار بیشتر از تصورات آنهاست. آمریکا به عنوان برترین قدرت نظامی جهانی خود را با کشوری به نام ایران درگیر کرده که هر چند به لحاظ توانمندی‌های نظامی در حد آمریکا نیستند، اما اراده‌ای بسیار محکم‌تر دارند.

کشورهای متخاصم باید متوجه شوند مقاومت مردم ایران قوی در شرایط فعلی حتی از مقاومتی که آنها در جنگ ۸ ساله با رژیم بعث عراق و دوران دفاع مقدس داشتند، افزون‌تر است... ایران اسلامی کشوری بسیار کهن است. وحدت\_ملّی در ایران بسیار بسیار قوی و استقلال برای آنها بسیار مهم است.

### اسفندیار باقری

آموزش تاریخ دانشگاه فرهنگیان استان لرستان

## یادداشت سیصد و شصت و دو تربیت سیاسی دختران

به نام خدا

در تربیت اسلامی، دختر نه محصور و محبوس در آشپزخانه است و نه اتاق خواب! لیبرالیزم و سکولاریزم و به تبع تربیت لیبرال و تربیت سکولار می‌گوید شما زنان و دختران را در آشپزخانه محدود می‌کنید و با سواستفاده از موج‌های فیمینیستی، دسترس پذیری و ارزان بودگی زن را طلب کرده و می‌کنند؛ اما آنها هم کلاه گشادی بر سر زن مدرن گذاشته‌اند و زن را به «اتاق خواب» محدود می‌کنند و کارکرد اجتماعی زن را به مثابه کالایی جنسی و در ارضای نگاه و خواسته‌های شهوانی مردان می‌دانند.

در هفته چهارم جنگ صهیونی آمریکایی با ایران هستیم و تظاهرات مردم ایران در حمایت از نظام و خونخواهی رهبر شهید و دفاع از نیروهای مسلح برای «یکسره کردن جنگ» و «پایان دادن دائمی به سایه حمله دوباره» هر شب ادامه دارد و مشاهدات و گزارشات نشان می‌دهد که دستکم نیم یا دو سوم این جمعیت، زنان و دختران هستند.

در این شب‌ها «زن مسلمان ایرانی» درباره بسته بودن تنگه هرمز و تمامیت ارضی و انواع سیاست‌های ملی و منطقه‌ای و جهانی در حال اظهارنظر کردن و ورود است؛ بدون آنکه زنانگی او مدنظر باشد و جذابیت‌های جنسی وی ملاک حضور وی باشد.

در کودتای نافرجام ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ گزارشاتی از دختران اغتشاشگر، مبنی بر سواستفاده جنسی و دستمالی حین مبارزه توسط هم سلکان خود وجود دارد. پورنوکراسی، هم حضور سیاسی زن و دختر را در سایه جنسیت و جذابیت‌های جنسی تجویز می‌کند؛ اما حضور این شب‌های «زنان ایرانی مسلمان»، قرائتی جدید از کنشگری زن در سیاست است که محصول «اسلام خمینی» و «اسلام خامنه‌ای شهید» است و تفاوت‌های بسیار ماهوی با پورنوکراسی و جریان‌های فیمینیستی دارد.

بر مبنای «موقعیت محوری تربیت»، موقعیت جنگ خود فرصتی برای یادگیری و تحول درونی مربی است و در نظریه تربیت اسلامی، امید و آگاهی و توکل، محور این فرصت آفرینی است. این شب‌ها، تربیت سیاسی دختران در سایه عقلانیت و معنویت اسلامی در حال رقم خوردن است. حضوری سبز و مؤثر و تاریخ ساز.

سید نقی موسوی

عضو هیئت علمی گروه تربیتی دانشگاه فرهنگیان قم

## یادداشت سیصد و شصت و سه از جنگ شناختی تا خطاهای شناختی

یکی از مهمترین و پرکاربردترین رویکرد درمانی در روانشناسی درمان‌های شناختی است که تأکید اصلی این رویکرد درمانی بر تغییر شناخت‌ها و باورهای افراد است که علت اصلی مشکلات روان‌شناختی در نظر گرفته شده است؛ و همچنین طبق این رویکرد برداشت‌ها و تعبیرهایی که فرد از رویدادها می‌کند از خود آن اتفاقات مهم‌تر هستند. این در حالی است که باورها و اعتقادات و فرآیند تفکر در همه‌ی افراد ممکن است دچار خطا و اشتباهاتی شود که موجب کاهش سطح عملکرد مناسب مغز شده و در تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها اثرات سو و منفی خواهد داشت. در این رویکرد به این خطاها، خطای شناختی گفته می‌شود. این خطاهای شناختی و آثار منفی‌شان در افراد وقتی در شرایط پراسترس قرار می‌گیرند، هم از نظر تعدادشان و هم از نظر آثار منفی آنها زیاد شده و زمینه را برای جنگ شناختی دشمن فراهم می‌سازد. دشمنان سعی دارند در این حوزه با ایجاد زمینه برای خطاهای شناختی در بین مردم، صفوف محکم اتحاد و همدلی‌شان با نیروهای نظامی و امنیتی و حضور در صحنه را گسسته و با ایجاد ترس و ناامیدی و بی‌ارزشی زمینه را برای اهداف شومشان مهیا سازند. لذا ضرورت دارد ضمن شناخت و درک این خطاهای شناختی در میدان نبرد جنگ رمضان که یکی از مهمترین جنبه‌های آن جنگ شناختی دشمن علیه مردم است آنها را مدیریت کنیم چراکه در غیر این صورت علاوه بر افزایش سطح اضطراب در افراد و افتادن در چرخه معیوب این خطاهای شناختی موجب ناامیدی و یاس و اضطراب و بی‌ارزشی و خصومت بین مردم و حتی عزت‌نفس پایین ملت بزرگ ایران اسلامی خواهد شد.

### حسن مخلص

مأمور آموزشی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی واحد امام خمینی ره سلماس

## یادداشت سیصد و شصت و چهار

### دل نوشته

شهید مطهری درس‌فرو به شیراز در ضمن یک سخنرانی فرموده بود از این که در شهری نفس می کشم که صدرالمتهلین تنفس کرده است برخوردی بالم، در این دورانی که فی الحال برما می گذرد دو موضوع خیلی خودنمایی می کند اول: اندوه از دست دادن بزرگ مردی فقیه و مرجع تقلیدی که در جای جای جهان مورد تقلید و ستایش است ملت‌ها در هر سطح و پایه ای دیوانه وار به حضرت ایشان عشق می ورزند و او را رهبری بی بدیل و الگوی دست نیافتنی می شناسند و شهادت را حق او و سزای یک عمر شاهدانه زیستنش می دانند و از سویی غم از دست دادنش را از سوی پلیدترین موجودات صهیونیسم و امریکای جنایتکار غیر قابل پذیرش می دانند و از لحظه شنیدن عروج سعادت‌مندانه آن دردانه شرف و عزت یک ملت تا لحظه نوشتن این دل نوشته در خانه که نه بلکه به یاد آن حضرت روزان و شبان انتقام از جنایتکاران را در خیابان‌ها سرمی دهند. او که از سال ۱۳۸۹ وقتی موقعیت ایران را نه شعب ابی طالب بلکه خیبر و بدر می دانست و از آن زمان چفیه، نماد و افتخار رزمندگی رزمندگان اسلام را به لباس‌هایش افزود خدایا چقدر شاکرم که در زمانی زندگی می کنم که امامین انقلاب امام خمینی و امام شهید آیت‌الله العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای را درک کرده و با افتخار در زعامت ایشان زیسته‌ام کسانی که قدرت را از مردم گرفته‌اند و با مردم و برای مردم بوده‌اند.

### یوسف مقدسی

هیئت علمی و معاونت دانشجویی دانشگاه فرهنگیان آذربایجان غربی

## یادداشت سیصد و شصت و پنج شناخت امام شهید از ترامپ و نظام آمریکا

در سال ۲۰۱۷، هم‌زمان با انتخاب دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات‌متحده، شماری از پژوهشگران و اندیشمندان آمریکایی درباره پیامدهای این انتخاب هشدارهایی مطرح کردند. در میان آنها نام جورج لیکاف، زبان‌شناس سرشناس و چهره برجسته زبان‌شناسی شناختی، نیز به چشم می‌خورد. او بر اساس تحلیل داده‌های زبانی سخنرانی‌های ترامپ، ساختار گفتمان و الگوهای زبانی او را بررسی و ویژگی‌های رفتاری‌اش همچون غرور، دروغ و خودشیفتگی را در قالب چارچوب‌های علمی تبیین کرده بود.

۲- زیگموند فروید روانکاو شهیر یهودی در نخستین دیدارش از آمریکا، آنجا را کشوری «اشتباه» خوانده بود.

۳- رفتار سیاسی امام شهید با ترامپ در سالهای ۲۰۱۷ و ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که ایشان به درستی ترامپ را و ساختار سیاسی کشور آمریکا را شناخته و ارزیابی کرده است.

از سخنان امام شهید در دو دوره ریاست جمهوری آقای ترامپ چند نکاتی برجسته است:

الف: اختلاف آقا و امام شهید با رئیس‌جمهور آمریکا از نوع نزاع شخصی نبود. رئیس‌جمهور آمریکا، برآماده از نظامی استعمار است که در کشور آمریکا پایه ریزی شده است.

ب: ایشان در مورد انتقال پیام که توسط نخست‌وزیر ژاپن صورت گرفت فرمود: من شخص ترامپ را شایسته مبادله هیچ پیامی نمی‌دانم و هیچ پاسخی هم به او ندارم و نخواهم داد. آقای شهید هیچگاه به ترامپ پیام نداد. رفتار ایشان این پرسش را پدید می‌آورد که چرا ایشان این سخن را فرمود؟ مهم‌ترین پاسخ، فهم عمیق ایشان از شخص آقای ترامپ و ساختار آمریکا است.

۳- در آخرین سخنرانی امام شهید تأکید شد همانگونه امام حسین علیه‌السلام تسلیم یزید زمانش نشد من نیز تسلیم یزید زمانم نمی‌شوم. این سخن نشان می‌دهد امام شهید توانست در مقام عمل و نه در میان نوشته‌ها پیام امام حسین (ع) را به ۱۴ قرن پس از واقعه عاشورا به مردم زمان خود و آیندگان برساند.

به داشتن چنین رهبری افتخار و از دست دادن او غمگین و امیدوار به ادامه دهنده این فکر در آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای هستیم.

مرتضی یعقوبخانی

استادیار گروه امور تربیتی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان زنجان

## یادداشت سیصد و شصت و شش

### شاخص‌های تربیتی در جهت معرفی دشمن با نگاهی به آیات و روایات عبرت آموز از قرآن و نهج‌البلاغه

قرآن کریم و روایات وارده معصومین شاخص‌های تربیتی دقیقی را برای همه نسل‌ها و زمان‌ها مشخص کرده است. کافی است همگان این توصیه‌ها و دستورات قرآن و نهج‌البلاغه نه برای ۱۴۰۰ سال قبل بلکه راهبردهایی برای مسائل امروزمان بدانیم.

۱. عدم خوش‌بینی به اظهار دوستی و لبخند دشمن:

امام علی (ع):

«فَإِنَّ الْعَدُوَّ رَيْمًا قَارِبَ لِيَتَغَفَّلَ فَخُذْ بِالْحَزْمِ وَ أَتَهُمْ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)  
گاه دشمن نزدیک می‌شود تا غافلگیر کند؛ پس دوراندیش باش و خوشبینی خود را مَّتَّهَم کن.  
«وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ» (بقره: ۱۲۰) هرگز (دشمنان) یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، تا به‌طور کامل، تسلیم خواسته‌های آنها شوی، و از آیین آنان پیروی کنی.»

۲. چه کسانی به به دوستی بادشمن اشتیاق دارند؟

مریض دلان:

«فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ» (مائده: ۵۲) پس مریض دلان را می‌بینی که در (دوستی با آنان)، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند.

ترس، اصلی‌ترین عامل برای اظهار دوستی با دشمن توسط مریض دلان:

(ادامه آیه قبل)

«يَقُولُونَ نَحْنُ أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ» (مائده: ۵۲) (مریض دلان) می‌گویند: می‌ترسیم حادثه‌ای برای ما اتفاق بیفتد (و نیاز به کمک آنها داشته باشیم!)

۳. بدعهدی همیشگی دشمن و راهبردهای ترسیم شده:

«كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأُفْوَاهِهِمْ وَ تَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَ أَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ» (توبه: ۸) چگونه (پیمان‌شکنان ارزش دارد)، در حالی که اگر بر شما غالب شوند، نه ملاحظه خویشاوندی با شما را می‌کنند، و نه پیمان را؟! شما را با زبان خود خشنود می‌کنند، ولی دلهایشان ابا دارد؛ و بیشتر آنها فرمانبردار نیستند!»

با بدعهدی دشمن چه باید کرد؟

«وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَلِئِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (توبه: ۱۲) و اگر پیمانهای خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ که آنها پای بند هیچ پیمانی نیستند؛ شاید (با شدت عمل) دست بردارند»

«فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (توبه: ۷) تا زمانی که در برابر شما (به پیمانشان) وفادار باشند، شما نیز وفاداری کنید، که خداوند پرهیزگاران را دوست دارد»  
«وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (انفال: ۵۸) و هرگاه (با ظهور نشانه‌هایی)، از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند)، بطور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است؛ زیرا خداوند، خائنان را دوست نمی‌دارد»

### علیرضا حیدری

عضو هیئت‌علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی

## یادداشت سیصد و شصت و هفت

### از اضطراب جمعی تا امید اجتماعی؛ کارکرد خودکارآمدی جمعی در روزهای دشوار

گاهی تاریخ لحظه‌هایی می‌آفریند که در آن‌ها نبض یک جامعه تندتر از همیشه می‌تپد؛ روزهایی که خبرها سنگین‌تر شنیده می‌شوند و نگاه‌ها بیش از همیشه به آینده دوخته می‌شود. در چنین زمان‌هایی، نگرانی‌ها دیگر فقط تجربه‌ای فردی نیستند؛ آن‌ها در میان مردم پخش می‌شوند و به احساسی مشترک بدل می‌گردند. جامعه در این وضعیت بیش از هر چیز به آرامش، همدلی و امید نیاز دارد؛ عناصری که می‌توانند در دل نااطمینانی‌ها چراغی برای ادامه مسیر باشند.

این روزها بسیاری از مردم ایران با نوعی نگرانی مشترک زندگی می‌کنند. سایه تهدید و خبرهای نگران‌کننده، ذهن‌ها را درگیر کرده و گفت‌وگوهای روزمره را تحت تأثیر قرار داده است. روان‌شناسان این وضعیت را «اضطراب جمعی» می‌نامند؛ حالتی که در آن نگرانی‌های فردی در فضای عمومی گسترش می‌یابد و احساس ناامنی روانی را تقویت می‌کند. با این حال تجربه جوامع مختلف نشان می‌دهد که در دل همین شرایط نیز ظرفیتی مهم برای حفظ تعادل روانی جامعه وجود دارد؛ ظرفیتی که از دل اعتماد و همکاری میان مردم شکل می‌گیرد و در روان‌شناسی اجتماعی با عنوان «خودکارآمدی جمعی» شناخته می‌شود. خودکارآمدی جمعی زمانی شکل می‌گیرد که افراد یک جامعه، حتی در شرایط دشوار، احساس کنند کنار یکدیگر ایستاده‌اند و می‌توانند با هم از بحران عبور کنند. این احساس لزوماً در شعارها یا سخنان بزرگ ظاهر نمی‌شود؛ بلکه اغلب در رفتارهای ساده و روزمره خود را نشان می‌دهد. در روزهایی که اضطراب در جامعه بالا می‌رود، گاهی یک گفت‌وگوی آرام، یک پیام اطمینان‌بخش برای دوستان و نزدیکان یا حتی تصمیم آگاهانه برای بازنشر نکردن خبرهای تأیید نشده می‌تواند فضای روانی اطراف را آرام‌تر کند. همین رفتارهای کوچک، وقتی در میان افراد زیادی تکرار می‌شوند، به تدریج حال و هوای عمومی جامعه را تغییر می‌دهند. در چنین شرایطی، بسیاری از نشانه‌های امید دقیقاً در دل همین رفتارهای روزمره دیده می‌شود؛ در صف نانواپی که مردم سعی می‌کنند با صبوری نوبت یکدیگر را رعایت کنند، در همسایه‌ای که احوال سالمند ساختمان را می‌پرسد، یا در دوستی که تلاش می‌کند در میان موج خبرها، روایت‌های آرام‌تر و سنجیده‌تری را با اطرافیانش در میان بگذارد. این کنش‌های ساده شاید در نگاه اول کوچک به نظر برسند، اما در کنار هم شبکه‌ای از اعتماد و آرامش می‌سازند که می‌تواند فشار روانی جامعه را کاهش دهد. خانواده‌ها نیز در این میان نقش مهمی دارند. کودکان و نوجوانان جهان بیرون را تا حد زیادی از خلال واکنش‌های بزرگسالان



می‌بینند. وقتی در خانه‌ها تلاش می‌شود گفت‌وگوها با آرامش بیشتری پیش برود، برنامه‌های معمول زندگی تا حد ممکن حفظ شود و نگرانی‌ها با صداقت اما بدون هراس افراطی بیان شوند، احساس امنیت در نسل‌های جوان‌تر نیز بیشتر حفظ می‌شود. گاهی همین تصمیم‌های کوچک در فضای خانه‌ها می‌تواند از گسترش اضطراب در جامعه جلوگیری کند. در روزهایی که اخبار و شایعات به سرعت در فضای مجازی گردش می‌کنند، مسئولیت‌پذیری در انتقال اطلاعات نیز به بخشی از سلامت روان جمعی تبدیل می‌شود. بسیاری از مردم شاید ندانند که با یک انتخاب ساده مانند مکث کردن پیش از بازنشر یک خبر یا تلاش برای انتشار اطلاعات دقیق‌تر، درواقع به آرام‌تر شدن فضای اجتماعی کمک می‌کنند. چنین رفتارهایی نشانه‌هایی از همان توان جمعی جامعه برای مراقبت از خود در شرایط بحران است. واقعیت این است که در روزهای دشوار، قدرت یک جامعه تنها در تصمیم‌های بزرگ یا رویدادهای رسمی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در هزاران رفتار کوچک و انسانی شکل می‌گیرد که مردم در زندگی روزمره خود انجام می‌دهند. وقتی صبوری در روابط اجتماعی بیشتر می‌شود، وقتی مردم بیش از گذشته مراقب یکدیگرند و وقتی تلاش می‌کنند در میان موج نگرانی‌ها، شعله‌های کوچک امید را زنده نگه دارند، در حقیقت نوعی سرمایه روانی مشترک در جامعه شکل می‌گیرد. شاید خودکارآمدی جمعی دقیقاً در همین لحظه‌های ساده معنا پیدا کند؛ در زمانی که افراد یک جامعه، حتی در دل اضطراب و نااطمینانی، تصمیم می‌گیرند برای آرام‌تر شدن فضای اطراف خود سهمی هرچند کوچک داشته باشند. همین سهم‌های کوچک، وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، می‌توانند جامعه را از اضطراب جمعی به‌سوی امید اجتماعی هدایت کنند.

**محمد شفیعی**

استادیار گروه راهنمایی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان استان لرستان

## یادداشت سیصد و نود و هفت از توهّم تا واقعیت

ترامپ با تحریک نتانیاهو هم‌زمان با جشن پوریم یهودیان آمده بود تا فتح الفتوحی رقم بزند و علاوه بر ترور رهبر عظیمشان ایران و فرماندهان رشید، دختران بی گناه مینابی را برای جشن مذکور قربانی کند و با این فتح آشکار و ایجاد آشوب‌های خیابانی و تجزیه ایران در عرض ۴ روز به کشورش برگردد و این توهّمی بیش نبود؛ از همان ساعات اولیه ترور، مطابق وعده رهبر شهیدمان، حملات گسترده ایران به مواضع آمریکایی - صهیونیستی در منطقه آغاز شد و مردم ایران مبعوث شدند برای رسالتی عظیم!

جبهه‌های بی سابقه‌ای رقم خورد: خیابان و میدان! رزمندگان خیابان یعنی آحاد مردم از همان لحظات اولیه تجاوز در سنگرهایشان حاضر شدند و بسیار پر قدرت از وطنشان و آرمان‌هایشان دفاع کردند. نیروهای با اقتدار مسلح در میدان ضربات محکم و جبران ناپذیری بر دشمن وارد کردند طوری که دشمن سراسیمه و سرگردان با خودش مذاکره می‌کند، پیروزی اعلام می‌کند! مهلت تعیین می‌کند! کمک می‌خواهد! اعلام بی طرفی در حمله به نطنز می‌کند! خلاصه، به برکت خون شهیدان، کاملاً دیوانه شده و مورد تمسخر جهانیان قرار می‌گیرد!

به هیچ کدام از اهدافش نرسیده و علاوه بر آن تنگه هرمز هم برای دشمنان بسته شده است، حالا آرزو دارد تنگه هرمز باز شود. در عرصه هوایی که خود را برتر از همه جهان می‌داند شکست خورده حالا می‌خواهد در عرصه‌ای که هیچ برگ برنده‌ای ندارد یعنی عملیات زمینی وارد عمل شود که برایش تلفات فراوانی را در پی خواهد داشت حالا با هشدارهای اطرافیانش باز سردرگم شده است و به خودش اولتیماتوم می‌دهد و آن را تمدید می‌کند!

انتظار می‌رود اگر جراتش را داشته باشد به سرنوشت هیتلر دچار شود؛ چون این بی آبرویی و از بین بردن تمام تلاش‌های دولت‌های پیشین آمریکا در خاورمیانه زیان بزرگی برای آن‌هاست و غرور کاذبش و خوی قماربازی‌اش اجازه اعلام شکست نمی‌دهد فقط یک راه می‌ماند: نابودی خویش! هر چند ما با توجه به تعالیم اسلامی موافق خودکشی نیستیم ولی هرکسی اختیار اعمال خود را دارد! ما توصیه می‌کنیم اعلام شکست کند نه خودکشی!

و اما درباره کشورهای اسلامی منطقه: توصیه اکید به مراجعه به آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) و فهم تفسیر آن داریم.  
«فان حزب الله هم الغالبون»

### علی بیگدلی

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان زنجان

## یادداشت سیصد و نود و هشت

### قصاص مرحب و کلاه گشاد «ایدئولوژی زدایی از تربیت»

- اخیراً کاربر یهودی در تویت خود «ترور شهید خامنه‌ای را «قصاص مرحب» دانست» همان‌طور که پت هگزت وزیر جنگ آمریکا (که در آتش افروزی جنگ رمضان علیه ایران نقش محوری داشته) چند سال پیش کتابی بنام «جنگ صلیبی آمریکا» تألیف کرده و یا بوش پسر در حمله به عراق با عبارت مشابه «جنگ صلیبی» سربازان آمریکایی را تحریض می‌کرد. رژیم جعلی اسرائیل اساساً بر ایدئولوژی صهیونیستی بنا شده و ایدئولوژیک‌ترین کشور است. همانگونه که لیبرالیزم و لیبرال دموکراسی به‌عنوان ایدئولوژی پایانی و پایان ایدئولوژی‌ها، اندیشه سیاسی حاکم بر آمریکا را به یکی از ایدئولوژیک‌ترین‌ها تبدیل کرده است. در این میان، دُم خروس جریان «ایدئولوژی ستیز» در علوم اجتماعی و علوم انسانی صادراتی به جهان سوم جالب توجه است. براین اساس، باید از اندیشه و عمل سیاسی و اجتماعی کشورهای درحال توسعه و نیز از فرهنگ و تربیت و «تربیت رسمی» آنان، «ایدئولوژی زدایی» شود. به یاد بیاوریم که چه گفتارهایی درباب «ایدئولوژیک بودن آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» سخن گفته می‌شد و توصیه می‌شد که فرهنگ مقاومت و جهاد و شهادت از برنامه درسی ملی و کتاب درسی باید حذف گردد.

- «تربیت لیبرال» و «تربیت سکولار» که خود، «تربیتی ایدئولوژیک» است؛ اما نسخه‌ای که برای نظام آموزشی و تربیت رسمی جمهوری اسلامی ایران تجویز می‌کند، عبارت است از نسخه ایدئولوژی زدا و مقاومت کُش!

- بانگاهی تاریخی و جریان‌شناسانه باید گفت که این اندیشه خود، بخشی از جریان ایدئولوژی-زدا در گفتمان لیبرالیستی است که با سیاست مقاومت‌ستیزی با هر ایدئولوژی رقیب خود با خشونت برخورد می‌کند و با شعار آموزش صلح و رواداری، پایان ایدئولوژی‌ها، حاکمیت-زدایی و انحصارزدایی از تربیت رسمی و مانند آن، فرهنگ مقاومت توحیدی (متجلی در گفتمان انقلاب اسلامی) را به محاق می‌برد و به نحوی کاملاً توتالیر و ایدئولوژیک، از فرهنگ و سیاست و تربیت ایدئولوژی‌زدایی می‌کند. جریان نئولیبرالیستی ایرانی بر همان مسیر طی طریق می‌کند.

- جنگ رمضان نشان داد که قوت نظامی و انسجام اجتماعی ایران، محصول «اندیشه مقاومت محور» و «اسلام انقلابی» امامین است و نظام تربیت رسمی بر همین اساس، باید آینده‌های دور را آینده نگری و آینده نگاری نماید.

سید نقی موسوی

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان قم

## یادداشت سیصد و نود و نه

### «جنگ رمضان» تجلی عقلانیت دینی و تربیت نسلی مقاوم در برابر استکبار

جنگ رمضان در حافظه تاریخی ایران تنها یک نبرد نظامی نیست، بلکه نمادی از پیوند عقلانیت دینی با اراده جمعی مردم است. در تحلیل جامعه‌شناسی این رویداد، می‌توان دید که چگونه ارزش‌های دینی و فرهنگی در کنار عقلانیت ابزاری به سازمان‌دهی نیروها و مقاومت در برابر دشمن کمک کردند. نقش تعلیم و تربیت در پرورش نسل آگاه و مسئول در این میان بسیار مهم است.

بسیاری از رزمندگان که بعدها در شمار شهدا قرار گرفتند، جوانانی بودند که از دل دانشگاه‌ها و نظام تعلیم و تربیت برخاسته بودند. امروز نیز دانشگاه و نظام تربیت معلم حرفه‌ای وظیفه دارند این تجربه تاریخی را برای دانش‌آموزان تبیین کنند تا آنان با روحیه ایثار، مسئولیت‌پذیری و دفاع از ارزش‌ها آشنا شوند. در این مسیر، یاد شهدای میناب و دیگر شهدا چراغ راهی برای نسل‌های آینده است. از منظر عقلانیت دینی، مقاومت مردم ایران در برابر ظلم تنها یک واکنش احساسی نبود، بلکه انتخابی آگاهانه برای حفظ استقلال و کرامت انسانی به شمار می‌رفت. در این مسیر، رهبری امام خامنه‌ای بر حفظ وحدت، آگاهی و ایستادگی در برابر سلطه‌طلبی تأکید دارد. امروز نیز در جهانی که با جنایات آمریکا و اسرائیل کودک کش روبه‌رو هستیم، بازخوانی ارزش‌های جنگ رمضان می‌تواند الهام‌بخش جامعه برای حفظ عدالت، مقاومت و آگاهی باشد.

### فربا پروانه

استادیار دانشگاه فرهنگیان ایلام

## یادداشت چهارصد

### تحلیلی بر رویکردهای تربیت: مقایسه تطبیقی تربیت سعودی و تربیت اسلامی - قرآنی

در سپهر اندیشه و عمل تربیتی معاصر، مواجهه با الگوهای گوناگون، پژوهشگران و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت را به تأمل و واکاوی عمیق‌تر وامی‌دارد. در این میان، تمایز میان دو رویکرد تربیتی که یکی ریشه در ساختارهای فرهنگی-سیاسی خاص (که از آن به تربیت سعودی تعبیر می‌شود) و دیگری مبتنی بر مبانی وحیانی و اصیل اسلام (که آن را تربیت اسلامی - قرآنی می‌نامیم) دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این نوشتار، در پی آن است تا با رویکردی تحلیلی و تطبیقی، به بسط و تبیین ابعاد این دوگانه تربیتی پرداخته و وجوه افتراق و تشابه احتمالی آن‌ها را با تأکید بر مبانی نظری و پیامدهای عملی، مورد بررسی قرار دهد.

نخستین وجه تمایز در رویکرد تربیت سعودی به متون دینی، خصوصاً قرآن کریم، نمود می‌یابد. در این الگو، غالباً قرائت از قرآن، قرائتی سطحی و ظاهرینانه است که از درک عمیق و لایه‌های معنایی ژرف آن غفلت می‌ورزد. این شیوه، بیش از آنکه در پی استخراج مبانی فکری و هنجارهای بنیادین برای تعالی فرد و جامعه باشد، به خوانشی ابزاری و گاه تقلیل‌گرایانه بسنده می‌کند. نکته قابل‌تأمل دیگر، ارتباطی است که میان هزینه‌های گزاف نظامی و ستمگرانه در برخی کشورهای منطقه، از جمله عربستان سعودی، با درآمدهای حاصل از شرکت‌های نفتی بزرگ مانند آرامکو برقرار می‌شود. این وضعیت، زمانی که با ادعای ام‌القراای اسلام بودن این سرزمین‌ها همراه می‌شود، پرسش‌های جدی را در خصوص اولویت‌ها و جهت‌گیری‌های واقعی این جوامع مطرح می‌سازد. آیا سرمایه‌گذاری‌های کلان در حوزه نظامی، با آرمان‌های بلندمدت و بنیادین اسلام که بر صلح، عدالت و هدایت تأکید دارد، هم‌خوانی دارد؟

در پرتو این نگاه، مشاهده می‌شود که در نظام تربیتی مبتنی بر تربیت سعودی، اولویت غالباً بر جلب رضایت حاکمان مستکبر و شیوخ استوار است؛ امری که یادآور تاریخ بلند حاکمان ستمگر در طول اعصار است. تفاوت چندانی میان حاکمان مستبد تاریخی و معاصر، از منظر ملاک‌های اساسی تصمیم‌گیری، دیده نمی‌شود؛ چراکه ملاک اصلی، نه هدایت جامعه بر اساس موازین الهی، بلکه حفظ و ارتقاء جایگاه و منافع گروه حاکم است. این رویکرد، به‌طور طبیعی، منجر به نسلی می‌شود که از قدرت تحلیل انتقادی و تشخیص حق از باطل محروم مانده و صرفاً مجری دستورات و مطابق با منافع ساختار قدرت عمل می‌کند.

در نقطه مقابل، تربیت اسلامی - قرآنی، تصویری بس متفاوت و متعالی از انسان و جامعه ارائه می‌دهد. این تربیت، فرد را موجودی آگاه، بصیر، دارای قدرت تشخیص و استقلال فکری معرفی می‌کند. تأکید قرآن بر عدم تسلط کفار بر مؤمنان و این آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» صرفاً یک گزاره سیاسی یا اجتماعی نیست، بلکه ریشه در باور به توانایی و استقلال فکری و عملی مؤمن دارد که از هدایت الهی بهره‌مند است. اصول بنیادین این تربیت، شامل تبیین (روشن‌سازی حقایق)، ملاک و معیار (داشتن معیارهای سنجش صحیح)، تحرک درونی (پویایی و رشد مستمر) و نقادی (توانایی ارزیابی و نقد سازنده) است. در این چارچوب، فرد پیام‌های ژرف و کاربردی قرآن را نه به صورت سطحی، بلکه با عمق جان درک کرده و آن‌ها را در تمامی شئون زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی خویش به کار می‌گیرد. این خود، به معنای تحقق واقعی بنده‌سازی خداوند و استقلال فکری و عملی انسان در پرتو هدایت الهی است. این مقایسه نشان می‌دهد که تربیت قرآنی، در پی پرورش انسان‌هایی خودساخته و مسئولیت‌پذیر است که با تکیه بر عقلانیت، وحی و بصیرت، قادر به ایفای نقش مؤثر در جامعه و نیل به سعادت حقیقی باشند، در حالی که رویکردهای تربیتی سکولار یا ایزاری، بیش از آنکه به رشد همه‌جانبه انسان بیندیشند، در پی حفظ ساختارها و منافع قدرت هستند.

لازم است به یکی از ابعاد کلیدی این موضوع، یعنی همسویی و وابستگی تربیت سعودی به منافع قدرت‌های جهانی، پرداخته شود. این همسویی، نه تنها در اولویت‌بخشی به رضایت حاکمان داخلی، بلکه در سطح فراملی نیز قابل رصد است. برخی تحلیلگران اقتصادی و سیاسی، نقش عربستان سعودی را در تأمین مالی و پشتیبانی از سیاست‌ها و قدرت‌طلبی‌های قدرت‌های جهانی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، تشبیه به گاو شیرده کرده‌اند، وابستگی نابرابر که در آن، منابع عظیم اقتصادی یک کشور، صرف پشتیبانی از هژمونی و منافع قدرت‌های دیگر می‌شود آن هم برای ستم به مردم مظلوم و بی گناه غزه، یمن، لبنان و...

### علی بیگدلی

عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان زنجان

## یادداشت چهارصد و یک

### نقش دانشگاه فرهنگیان در پرورش بلوغ سیاسی و تقویت مصونیت اجتماعی

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (سوره مبارکه رعد: آیه ۱۱)

بلوغ سیاسی به عنوان نوعی رادار اجتماعی، به معنای توانایی شهروندان در شناخت، تحلیل و فهم مسائل اجتماعی و سیاسی است؛ سطحی از آگاهی که موجب می‌شود افراد نسبت به سرنوشت جامعه خود هوشمندانه و مسئولانه رفتار کنند. جامعه‌ای که از بلوغ سیاسی برخوردار باشد، کمتر در معرض هیجانات زودگذر، شایعات و تصمیم‌های عجولانه قرار می‌گیرد و زمینه برای مشارکت مسئولانه، گفت‌وگوی عقلانی و تصمیم‌گیری آگاهانه در آن تقویت می‌شود. از دید جامعه‌شناختی، بلوغ سیاسی یکی از پایه‌های افزایش تاب‌آوری و مصونیت اجتماعی است؛ زیرا شهروندان دارای قدرت تحلیل، کمتر تحت تأثیر اطلاعات نادرست یا جریان‌های افراطی قرار گرفته و در مواجهه با چالش‌ها، رفتاری منطقی و متعادل نشان می‌دهند. از این منظر، بلوغ سیاسی در دنیای امروز نوعی پدافند نرم به شمار می‌آید که توان تشخیص جامعه را در برابر جنگ‌های شناختی و عملیات روانی افزایش می‌دهد. در این میان، معلمان نقشی بی‌بدیل در شکل‌دهی به این ظرفیت دارند. آنان به دلیل ارتباط مستقیم با دانش‌آموزان، از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در انتقال ارزش‌های اجتماعی و پرورش نگرش نسل آینده هستند؛ بنابراین، ارتقای توانمندی‌های تحلیلی، سواد اجتماعی و مهارت تفکر انتقادی معلمان از ضرورت‌های اساسی نظام تعلیم و تربیت است. گنجاندن مؤلفه‌های فوق در برنامه‌های آموزشی دانشگاه فرهنگیان صرفاً یک ضرورت آموزشی به شمار نمی‌آید، بلکه اقدامی راهبردی در جهت تقویت سرمایه اجتماعی و افزایش تاب‌آوری جامعه محسوب می‌شود. تربیت معلمانی که قادر باشند روحیه مسئولیت‌پذیری و قدرت تحلیل را در میان دانش‌آموزان نهادینه کنند، در نهایت به شکل‌گیری جامعه‌ای منجر خواهد شد که در برابر تندبادهای سیاسی و رسانه‌ای، هوشمندانه و با صلابت عمل می‌کند.

### زهره سرچهرانی

مأمور آموزشی دانشگاه فرهنگیان فارس

## یادداشت چهارصد و دو خیانت از حافظه ایرانی‌ها پاک نمی‌شود

وطن فروشی و خیانت به کشور، خباثتی نابخشودنی است که ایرانیان همواره انزجار خود را از آن نشان داده‌اند و در جریان جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان باترامپ ملعون و رژیم صهیونیستی نیز مردم باز هم خواستار مقابله با این پلیدی شدند.

صدای مردم علیه خیانت: نقش سایت «حافظه ما» در حفاظت از وطن در روزهایی که کشور با تهدیدهای خارجی و خیانت‌های داخلی روبه‌روست، سایت «حافظه ما» به‌عنوان یک جنبش مردمی پیشتاز، با ارائه مدارک مستند، کسانی را که به وطن پشت کرده و امنیت ملی را تهدید می‌کنند، معرفی می‌کند. سایت «حافظه ما» برخلاف شایعات و اطلاعات نادرست، تمامی داده‌ها و اطلاعات خود را با سند و مدرک معتبر منتشر می‌کند. هیچ اتهامی بدون پشتوانه در آن ثبت نمی‌شود و این امر، اعتبار فعالیت‌های این سایت را به‌عنوان یک مرجع قابل اعتماد در جامعه افزایش می‌دهد. «حافظه ما» نمونه‌ای روشن از مسئولیت‌پذیری جمعی است. اعضای این جنبش با بررسی دقیق مدارک و ارائه اطلاعات مستند، تلاش می‌کنند تا امنیت ملی و انسجام اجتماعی را حفظ کنند و مانع از نفوذ و سوءاستفاده دشمنان خارجی شوند.

تلاش‌های «حافظه ما» همچنین پیام روشنی به کسانی دارد که ممکن است به فکر خیانت یا همکاری با دشمنان کشور باشند: جامعه هوشیار و بیدار است و اقداماتی که تهدیدی برای امنیت ملی ایجاد می‌کنند، شناسایی و افشا خواهند شد. در خباثت آمریکایی‌ها شکی نیست، جنایت آن‌ها برهمگان مشخص است، اما خیانت عده‌ای انگشت شمار از ایرانیان خائن و خنث برای ضربه زدن و تحریم‌های بیشتر کشور قابل تأمل است، کسانی که از ایرانی بودن تنها تولد در جغرافیای آن را دارند و امروزه مزدور و وطن فروش لقب گرفته‌اند.

در تهاجم رژیم صهیونیستی و آمریکایی به ایران، کشور تنها با عوامل خارجی به نبرد نپرداخت بلکه عوامل داخلی و وطن فروشان نیز خیانتی آشکار از خود نشان دادند و در شماری از وقایع، خیانت خود را اثبات کردند. پس هم وطن‌های عزیز شما هم باشناسایی و معرفی در تکمیل اطلاعات وطن‌فروشان برای عبور از این جنگ سهیم باشید.

### اسفندیار باقری

استادیار گروه آموزش تاریخ دانشگاه فرهنگیان استان لرستان



## یادداشت چهارصد و سه

### پرهیز از شایعات؛ درس بزرگ قرآن درباره جنگ شناختی

قرآن کریم در ماجرای افک (سوره نور)، مجموعه‌ای از قواعد طلایی را برای مواجهه با شایعه، عملیات روانی و جنگ شناختی بیان می‌کند؛ قواعدی که امروز نیز همچنان کارآمد و حیاتی‌اند.

۱. پذیرفتن و بازگو کردن شایعه بدون سنجش:

«إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ»

یعنی شایعه را فقط از زبان دیگران می‌شنیدید و همان را بازگو می‌کردید؛ بدون اینکه عقل و دل شما درگیر حقیقت‌یابی شود. این همان الگوی کلاسیک انتشار بی‌وقفه اطلاعات بدون تأیید در محیط‌های پرتنش رسانه‌ای است.

۲. گفتن سخنی بدون علم:

«وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ»

اطلاعات ناقص، تحلیل‌های هیجانی، و برداشت‌های عجولانه دقیقاً همان چیزی است که در جنگ‌های شناختی روی آن حساب می‌شود.

۳. سبک شمردن اثر شایعه

«وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا»

شایعه ممکن است در نگاه ما ساده باشد، اما اثرات اجتماعی، روانی و امنیتی آن بسیار سنگین است.

۴. هشدار درباره پیامد بزرگ این رفتار

«وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ»

قرآن تأکید می‌کند که بی‌اعتنایی به صحت اطلاعات، رفتاری کوچک نیست؛ خطری بزرگ است. «شما سخنی را که هیچ دانشی درباره آن نداشتید زبان‌به‌زبان می‌گفتید و آن را ناچیز می‌پنداشتید، در حالی که نزد خدا بسیار بزرگ بود.»

راهکار قرآنی برای مواجهه با اخبار مشکوک و جنگ روایت‌ها:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ»

اصل بنیادین این آیه تثبیت و تأمل است؛ یعنی قبل از باور کردن، بازنشر کردن، یا حتی تحلیل کردن، باید حقیقت را بررسی کرد.

در فضای آشفته‌ی جنگ شناختی، همین یک اصل می‌تواند جلوی بسیاری از خطاها و خسارت‌ها را بگیرد.

رفتار صحیح در برابر شایعه:

«وَلَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهِ ۚذَا سُبْحَانَكَ ۚذَا بُهْتَانَ عَظِيمٌ»

قرآن می‌گوید:

نه تنها شایعه را بازگو نکنید،

بلکه باید در همان لحظه به آورنده‌ی شایعه بگویید:

«این موضوع واقعاً شایسته‌ی گفت‌وگو نیست.»

البته به نحوی که طرف مخاطبمون از ما رنجور نشود. یادمان باشد هدف ما حفظ وحدت هست. هشدار و پیام امروز:

در روزگار ما، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دیجیتال می‌توانند سریعاً میدان عملیات شناختی شوند؛ جایی که شایعه، تحریف، القای ترس و تردید ابزارهای اصلی هستند. در چنین شرایطی همه مامکن است ناخواسته در چرخه‌ی انتشار اطلاعات غلط قرار بگیریم.

شایعه همان قدر که برای فرد خطرناک است، برای جامعه نیز پیامدهای سنگینی مانند تشویش، کاهش اعتماد، دو قطبی‌سازی جامع و تفرقه و تصمیم‌های غلط دارد؛ همه این‌ها خروجی‌های شناخته‌شده‌ی جنگ شناختی‌اند. مراقبت از زبان و گوش‌ی که شایعه را می‌شنود همان قدر مهم است که مراقبت از انگشتی که آن را فوروارده می‌کند. هر بازنشر عجولانه می‌تواند ما را به بخشی از رسانه‌ی رایگان جریان‌های مخرب تبدیل کند، بی‌آنکه خود متوجه باشیم.

**محمدحسین صادقی**

آموزش الهیات و معارف دانشگاه فرهنگیان، ایران، لرستان

## یادداشت چهارصد و چهار

### از طوفان شن تا موج‌های هرمز؛ روایت پیوستگی ایمان، دانش و هویت ملی

در هنگامه‌ای که زمستان در آستانه بهار به تپش درآمد، کویر طبس سکوت هزارساله خود را شکست و طوفان شن‌هایش به‌مثابه پیکربندی زبانی از مقاومت در تاریخ نقش بست. آن رخداد تنها شکست یا پیروزی نبود؛ متنی زنده بود که در آن خاک و آسمان با ایمان مردم درآمیختند و واژگان تازه‌ای از اعتماد، تفکر و بیداری را پدید آوردند. نوفهم‌گرایی در تعلیم و تربیت این رخداد را نه گذشته‌ای بسته، بلکه متنی گشوده می‌بیند که هر نسل می‌تواند آن را بازخوانی کند و از دل آن معنا و مسئولیت بیاموزد.

از همان طوفان، نسیمی برخاست که تا پهنه‌های جنوبی کشور امتداد یافت و در موج‌های خلیج فارس و تنگه هرمز تداوم یافت. در این افق، هرمز صرفاً گذرگاه آب نیست، بلکه صفحه آبی هویت ملی است؛ جایی که در تلاطم موج‌ها، شجاعت انسان ایرانی با تفکر و آرامش دریا می‌آمیزد. موج‌ها در نگاه نوفهم‌گرا، سطرهایی‌اند از کتابی زنده که جامعه باید خواندنش را بیاموزد؛ کتابی که صلح، آگاهی و خودباوری در آن میان سطور جاری است و حضور هوشیار ملت، پاسدار توازن آن است.

دلیران تنگستانی در این متن، نشانه‌های پایایی‌اند؛ مردانی که در هنگامه طوفان، چراغ فهم و اراده را روشن نگاه داشتند. همان‌گونه که موشک‌ها در آسمان ایران نماد تلاقی دانش و ایمان‌اند، آنان نیز در افق تاریخ، نقطه پیوند انسان و آرمان شدند.

در این حماسه چندبُعدی، آب، خاک و هوا سه فصل از یک متن تمدنی‌اند: دریادلان، مرزبانان و دانشمندان هر یک نویسندگان صبور آن. شهیدان روشن‌ترین واژه‌هایند و مردم در میدان‌های شهر، خوانندگان زنده این حماسه که آن را با دعا و آگاهی تداوم می‌بخشند.

و در پایان، همان خدای طبس که طوفان را برانگیخت، خدای خلیج فارس نیز هست؛ خدای حضور، ایمان و پیوند که تاریخ ایران را از دل طوفان تا عمق دریا هدایت می‌کند.

## فتح اله کوشکی

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان لرستان

## یادداشت چهارصد و پنج

### جمهوری اسلامی دوم و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی

#### سیاست احیا شده در خیابان چگونه می‌تواند در پسا جنگ ادامه یابد

چرا جمهوری اسلامی دوم؟

جمهوری‌ها را با رفت‌وآمد افراد متحول نمی‌شوند از اساس اگر جمهوری وابسته به فرد باشد دیگر جمهوری نیست؛ زیرا جمهوری به معنای سیاسی بودن به وسعت یک جامعه و اراده‌ورزی عمومی است و اگر انحصار در فرد و یا گروه خاصی شود دیگر قلب معنایی پیدا کرده است.

احیای سیاست و اراده‌ورزی در خیابان

در زمانه‌ای، چنین انقلابی رقم خورد که دیر صباحی است، خیابان‌های ایران عرصه کنشگری فعال عمومی نبوده است. از پسا انقلاب به خصوص پسا جنگ به دلایل مختلفی پروژه حذف مردم از خیابان شروع شده بود. خیابان یا عرصه اعتراض‌های دفعی مردم بود که پس از آن در اختیار اغشاشگران قرار می‌گرفت، یا منفعلانه در خیابان برای آیین‌های مذهبی شرکت می‌کردند.

ضرورت بازسازی سیاست خیابان از مسیر نهادی

برای تحقق جمهوری دوم مهم این است که اولاً مسیر جمهوری اسلامی اول در نهادسازی برای تحقق جمهوری را دنبال کنیم و دوم آسب‌ها و مسیرهایی که سبب جمهوری‌زدایی از جمهوری اسلامی شد را شناسایی و برای آن دنبال چاره باشیم.

بازسازی نهادی برای جمهوری اسلامی دوم

تشکل‌های صنفی، اجتماعی، دینی و امثال آن مهم‌ترین امکان برای امتداد سیاست و جمهوری در زندگی روزمره است.

#### سعیده زاهدی

عضو هیئت علمی گروه شیمی دانشکده علوم پایه دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید باهنر شیراز

## یادداشت چهارصد و شش

### واکاوی ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی در آینه «نبرد رمضان»

نبرد رمضان (تقابل مستقیم ایران با تهاجم آمریکا و رژیم صهیونیستی) صرفاً یک واقعه نظامی نیست، بلکه بستری عینی برای تحقق مفاهیم پیچیده‌ی ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی است. در ادامه، کلیدی‌ترین نکات این مقطع تاریخی برای تبیین در این ساحت:

۱. تجلی «عزت ملی» و نفی سلطه‌پذیری (استکبارستیزی عملی): در ساحت تربیت سیاسی، هدف اصلی پرورش انسانی است که زیر بار ذلت نرود. شهادت عالی‌ترین مقام کشور امام شهیدمان، در جریان این تجاوز، عالی‌ترین سطح «آموزش غیرمستقیم» ایثار برای وطن بود. معلمان باید تبیین کنند که وقتی رهبری یک جامعه در خط مقدم فداکاری قرار می‌گیرد، مفهوم «عزت» از یک واژه کتابی به یک «هویت تپنده» در جامعه تبدیل می‌شود.

۲. بازتولید «ثبات سیاسی» و تداوم ساختار قانونی. عملکرد شورای رهبری در اداره کشور و عملکرد خبرنگاران رهبری در انتخاب سریع و هوشمندانه رهبری جدید درس بزرگی در ساحت تربیت سیاسی است. این رویداد نشان داد که «نظام سیاسی» بر پایه قانون و نهادهای قانونی استوار است، نه صرفاً بر اشخاص. معلمان آینده باید به دانش‌آموزان بیاموزند که ثبات یک کشور در گرو «نظم‌پذیری جمعی» و «تبعیت از میثاق‌های ملی» در اوج بحران است.

۳. تقویت «همبستگی و انسجام اجتماعی» در زمانه تهدید: یکی از اهداف ساحت تربیت اجتماعی، ایجاد روحیه «تعاون و ایثار» است. نبرد رمضان نشان داد که چگونه یک تهدید خارجی می‌تواند گسست‌های اجتماعی را ترمیم و «وحدت کلمه» ایجاد کند. معلمان باید روایتگر همدلی مردمی باشند که در میانه‌ی جنگ، منافع جمعی را بر راحتی فردی مقدم شمردند. این یعنی تربیت نسلی که «ما» را بر «من» ترجیح می‌دهد.

۴. ارتقای «بصیرت سیاسی» و سواد رسانه‌ای: این جنگ، نقاب از چهره مدعیان جهانی حقوق بشر برداشت و ماهیت واقعی قدرت‌های مستکبر را عیان کرد. در تربیت سیاسی، معلم وظیفه دارد «تفکر نقادانه» را در دانش‌آموز بارور کند تا او بتواند میان «واقعیت تجاوزگری» و «تبلیغات رسانه‌ای دشمن» تمایز قائل شود. شناخت دقیق دشمن، رکن اصلی تربیت سیاسی در تراز انقلاب اسلامی است.

۵. پیوند «معنویت و مسئولیت اجتماعی» وقوع این نبرد در ماه مبارک رمضان، پیوندی ناگسستنی میان ساحت «تربیت عبادی» و «تربیت سیاسی» ایجاد کرد. شهادت این نبرد (به‌ویژه رهبر شهید) الگوهای عینی انسانی هستند که عبادت را در خدمت مسئولیت اجتماعی و دفاع از مظلوم دیدند. این نکته به دانش‌آموز می‌آموزد که دین‌داری واقعی از سیاست و سرنوشت جامعه جدا نیست.

محمد ابراهیم قادری مقدم

استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان یزد

## یادداشت چهارصد و هفت

### زیست‌شناختِ پایداری؛ از واکنش‌های مقاومت تا اکوسیستمِ اقتدار در بهاران ۱۴۰۵

«درختی که ریشه در اعماق خاک دارد، از تندبادِ خزان نمی‌هراسد؛ که حیات، نه در ساقه، بلکه در اراده‌ی ریشه‌ها نهفته است.»

نوروز ۱۴۰۵، فراتر از یک تغییر فصل، برای ما حکم یک «سازگاری تکاملی» (Evolutionary Adaptation) در برابر هجمه‌ی ناپایداری‌ها را دارد. اگر در پهنه‌ی زیست‌شناسی، بقای یک گونه در گروی مقاومت سلولی و بازسازی بافت‌های آسیب‌دیده است، امروز پیکره‌ی ایران عزیز، همان ارگانسیم زنده‌ای است که در پاسخ به تنش‌های محیطی و یورش بیگانگان، مکانیسم‌های دفاعی خود را به اوج رسانده است.

خونِ پاکِ شهیدانِ این مرز و بوم، همانند «هموگلوبین» غیرت در رگ‌های خاک، اکسیژنِ آزادگی را به دورترین سلول‌های این اجتماع می‌رساند. اگرچه امروز آسمان وطن با غرش جنگنده‌ها غبارآلود گشته، اما می‌دانیم که در نظام خلقت، پس از هر «آپوکتوز» (مرگ برنامه‌ریزی شده) و فداکاری، رویشی نوین و بافتاری مستحکم‌تر شکل می‌گیرد. ما به‌مثابه یک «بیوم» (Biome) بزرگ و یکپارچه، در برابر سموم جانیانِ عالم، پادتنی از جنس ایمان و پایداری ساخته‌ایم.

اکنون که هشت روز از زایش دوباره‌ی زمین گذشته و نبض طبیعت در کالبدِ سال جدید جاری گشته است، این «متابولیسم مقاومت» وارد فصلی تازه از بلوغ شده است. در این نخستین روزهای فروردین، آرزو می‌کنیم که فرایندِ «ترمیم بافتی» این سرزمین به دست فرزندان غیورش، به پیروزی قطعی منجر شود. باشد که به فضل الهی، سلول‌های سرطانی ظلم و تجاوز از این پیکره‌ی اهورایی زدوده شوند و هم‌مؤسزازی (تعادل پایدار) و آرامش زیستی به قلب تپنده‌ی ایران بازگردد. نوروزتان با طعم بقاء، شکوفایی و سربلندی خجسته باد. به امید روزی که در آزمایشگاه تاریخ، نام ایران همواره با صفت «فن‌ناپذیر» ثبت شود. ایرانمان جاوید، سبز و برقرار بماند.

زینب دهقان

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان تهران، دانشکده علوم پایه شهید بهشتی

## بادداشت چهارصد و هشت

### امکان بازاندیشی در مبانی فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاهی با تکیه بر تجربه جنگ رمضان

نظریه پردازی در تعلیم و تربیت همواره با این پرسش روبه‌رو بوده که مبانی فلسفی نظام‌های آموزشی دانشگاهی تا چه میزان از واقعیت‌های زیسته و تجارب جمعی تأثیر می‌پذیرند. آنچه امروزه در بسیاری از کشورهای اسلامی تدریس می‌شود، غالباً برگرفته از الگوهای غربی با حذف مؤلفه‌های هویتی است. جنگ رمضان به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ معاصر جهان اسلام، فرصتی برای بازخوانی نسبت میان نظر و عمل در فلسفه تعلیم و تربیت فراهم می‌آورد.

نخستین مسئله‌ای که این جنگ آشکار ساخت، این است که: پیش از جنگ رمضان، نظام‌های آموزشی تعلیم و تربیت در منطقه در پی تربیت نسلی منضبط با الگوهای سکولار بودند، اما در میدان نبرد، انسان تربیت یافته غالباً نه محصول برنامه‌های درسی رسمی، بلکه برآمده از معارف غیر رسمی، مساجد و میراث معنوی مقاومت بود.

دومین محور، نسبت تربیت با هویت و تمدن است. جنگ رمضان نشان داد تربیت اصیل نمی‌تواند از آرمان‌های تمدنی گسسته شود، درحالی‌که در کرسی‌های رسمی، بحث از تمدن اسلامی و آرمان قدس در حاشیه است.

سوم، پیوند نظر و عمل است. فلسفه تعلیم و تربیت در سنت دانشگاهی به گزاره‌های انتزاعی تقلیل یافته، اما جنگ رمضان آزمونی برای کارآمدی گزاره‌های تربیتی بود و پرسش از گذار به فلسفه‌ای مولد و راهبردی را پیش کشید.

چهارم، نقد گفتمان مسلط غربی و ضرورت بازگشت به منابع اصیل اسلامی چون توحید، نبوت، معاد و عدالت در پرتو خوانشی انقلابی و تجارب زیسته است.

بازاندیشی در مبانی فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاهی با تکیه بر جنگ رمضان، ضرورتی راهبردی برای تحول در نظام آموزش و پرورش و به‌ویژه دانشگاه فرهنگیان است تا بتواند نسلی بصیر، نقاد و مقاوم تربیت کند.

#### معصومه افشار

عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان همدان

## یادداشت چهارصد و نه من صف اللغة العربية الى مدرسة التربية

التربية فن الشأن وهو تربية النفس على الحق والعلوم، ومعلم اللغة العربية هو نجيب هذه المهنة الأتبركية فإنه يمد الأرواح بالكتاب المبين، ويعرض المعاني السميّة على القلوب المفتحة. إن المعلم لا يعلم القرآن فقط، بل يعلم القلوب التفكر، وينمي في النفس حب المعرفة والمحبة للخير. فهو يعلم اللسان ويصرف القلب، ويعرض الأعمال على الأعمال الصالحة. إن التحريك في التعليم هو أن تجعل الطالب يفكر، ويعمل، ويحب العلم. والمعلم العربي يدرك أن هذا التأثير يكون بالسؤال والتنبيه، لا بالضغط والإجبار. فالتعليم هو أنتجاع القلوب المتطوعة، والتحويل إلى أفضل مكان. والمعلم المحب يتحول إلى قدوة، ويصبح النجاة والخير في قلب الطالب. إن التاريخ يدل على أن المعلمين هم الذين شيدوا الحضارة الإسلامية، وأنشأوا المعارف العالية. فالمعلم العربي هو المحب الحقيقي، الذي يحب تربية النفس، ويُرشد الطالب إلى الطريق المستقيم. إن التربية هي المدرسة الأبدية، والمعلم هو الباب المفتوح إلى الخير.

پوران رضائی

أستاذة مساعدة في قسم تعليم اللغة العربية بجامعة فرهنگیان، مدينة قم المقدسة



## یادداشت چهارصد و ده

### نقش محتوای کتاب‌های درسی و معلم در ترویج میهن‌پرستی در نظام آموزشی: یک رویکرد تربیتی در برنامه‌ریزی درسی

در چارچوب برنامه‌ریزی درسی، محتوای کتاب‌های درسی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر ساختاری، نقش محوری در شکل‌دهی به هویت ملی، ارزش‌های فرهنگی و میهن‌پرستی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. این محتواها نه تنها منبع آموزشی بلکه ابزاری تربیتی-سیاسی هستند که از طریق انتخاب، سازمان‌دهی و تفسیر محتوای تاریخی، جغرافیایی، ادبی و اجتماعی، هویت ملی را به‌صورت مکانیکی و نهادینه‌شده در ذهن دانش‌آموزان تثبیت می‌کنند. از این منظر، کتاب‌های درسی به‌عنوان «متن‌های تربیتی»، از طریق تأکید بر ارزش‌های ملی، تاریخ ملی، شهدا، فرهنگ و هنر ملی، می‌توانند به تقویت احساس تعلق به میهن و مسئولیت‌پذیری نسبت به آن کمک کنند. با این حال، نقش معلم به‌عنوان عامل انتقال‌دهنده و تفسیرکننده این محتوا، از اهمیت بی‌نظیری برخوردار است. معلم نه تنها محتوای کتاب را ارائه می‌دهد، بلکه از طریق روش‌های تدریس، نگرش، مثال‌های بومی و مرتبط با زندگی دانش‌آموزان، و تعاملات کلاسی، این مفاهیم را به شکلی زنده، معنادار و احساسی به دانش‌آموزان منتقل می‌کند. در حقیقت، معلم به‌عنوان «مترجم فرهنگی»، محتوای کتاب را با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و روانی دانش‌آموزان تفسیر و تقویت می‌کند. این تفسیر، از طریق تدریس مبتنی بر داستان‌سرایی، فعالیت‌های گروهی، پروژه‌های میهن‌محور و مشارکت در مراسم ملی، می‌تواند میهن‌پرستی را به یک ارزش زندگی، نه فقط یک مفهوم آموزشی، تبدیل کند. بنابراین، برنامه‌های درسی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که هم محتوای کتاب‌های درسی به‌صورت مبتنی بر هویت ملی و میهن‌پرستی باشد، و هم معلمان با آموزش‌های تخصصی در زمینه تدریس ارزش‌های ملی، توانایی تفسیر و ترویج این ارزش‌ها را کسب کنند. این رویکرد، نه تنها به تقویت هویت ملی کمک می‌کند، بلکه از طریق تربیت فردی مسئول و وفادار به میهن، به اهداف کلان نظام آموزشی نیز می‌پردازد.

## زهره حمزه لو

عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت چهارصد و یازده نه به فریبکار

در طول تاریخ یورش‌های فراوانی بر سر منابع وموقعیت استراتژیک کشور ما صورت گرفته است. ایرانیان اثبات نموده‌اند که ملت حماسه ومهرند، مردمانی که حاضرند خاک بخورند ولی خاک به اجنبی ندهند. خاکی که هر وجبش تداعی کننده غیرت غیورمردانی است جان بر کف که در مقابل سلطه گران همواره سپردفاعی مردمان سرزمین خود بوده‌اند. جنگ رمضان نزاعی از جنس منازعات معاصر است یعنی جنگی است همه‌جانبه. دشمن کهن ایران با تمام توان نظامی و رسانه‌ای خود به میدان آمد تا علاوه بر تهدیدات نظامی با به کارگیری جنگ روانی بتواند توهّمات خود را به ظهور رساند! بی خبر از آن که ملت بیدار و با بصیرت و همیشه در صحنه، می‌تواند آن را به تهدیدی علیه خود دشمن تبدیل کند، تا جایی که حضور پر مهابت این مردمان سلحشور چنان لرزه برتنش افکند که آن را هوش مصنوعی خواند. حال با دشمنی مستأصل ودرمانده مواجهیم که حاضر به اقرار شکست نیست و می‌خواهد باردیگر توطئه قدیمی خویش را با طراحی جدیدی جلوه گر سازد. پس مجدداً واژه مذاکره را مطرح می‌کند. واژه‌ای که پوشالی بودنش را بارها در عمل اثبات نموده است. اکنون بر ما جامعه فرهنگیان فرض است که باردیگر این طراحی را خنثی نماییم و یادآور شویم که ملت حماسه ومهریم ما مثال زنده اشداء علی الکفار ورحماء بینهم هستیم. ما از رهبر شهید انقلاب رضوان الله تعالی علیه آموخته‌ایم که بایزید نباید بیعت کرد. نباید میدان را خالی کرد وباید تاپای جان میهن عزیزمان، آرمانهایمان وبیعت با امامان را حفظ کنیم تا پرچم این انقلاب به دست مولایمان حضرت ولی عصر ارواحنا فداه برسد.

### فاطمه مرادی

هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان تهران پردیس شهدای مکه

## یادداشت چهارصد و دوازده

### رابطه تربیتی «نماز» با «جهاد» و «مقاومت» در مقابل ظلم و استکبار

نماز یک فرایض دینی مامسلمان است و برطبق روایت وارده معصومین شرط پذیرش اعمال دیگر ما، مدیون این فریضه است. ولیکن امروز در این یادداشت برآنم که بانگاهی جدید به این فریضه نگاه داشته باشیم و آن این که اگر بخواهیم بفهمیم نمازمان در چه رتبه‌ای است، باید آن را در ترازوی دیگری هم ببینیم و آن پیرامون نسبت «نماز» با «تبری از دشمن» است؛ و اینکه چگونه «نماز» می‌تواند «اراده» ما را در مبارزه و جهاد با دشمن قوی‌تر نماید. بسیاری از عبارات و آیات و رفتارهای ما در نماز، نسبت مستقیم یا غیرمستقیم با مبارزه و جهاد با دشمن دارند.

زمانی که حضرت موسی (ع) مُشتی به آن فرد طرفدار فرعون زد و او کشته شد، به خداوند عرض کرد: «قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِّلْمُجْرِمِينَ»؛ گفت: پروردگارا! به خاطر نعمتی که به

من عطا کردی، هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم شد. (قصص: ۱۷)

استاد جوادی آملی در درس تفسیرشان با الهام از بیان علامه طباطبایی (رحمة الله علیه) در تفسیر المیزان، نقل می‌کنند: تعبیر «بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ» در این آیه شریفه نشان می‌دهد که حضرت موسی (ع) جزء همان «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» است که ما در نمازهایمان از خداوند می‌خواهیم ما را در مسیر آنان قرار دهد:

«أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ (حمد: ۶-۷)

یعنی راه «الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»، همان راه موسی (ع) که فرمود: «فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِّلْمُجْرِمِينَ» درواقع ما روزی ۱۰ بار در نمازهایمان از خداوند می‌خواهیم که ما را در مسیری قرار دهد که هیچگاه باور ظالمان و مجرمان و زورگویان عالم نباشیم.

بنابراین، هرچه نمازمان در ما تبری بیشتری نسبت به دشمن ایجاد نماید و ما را به جهاد و مبارزه با دشمن ترغیب نماید، نماز واقعی‌تری است. نمازی که من به ظاهر مسلمان بخوانم و بویی از مقابله با ظلم و استکبار و دفاع از مظلوم نداشته باشد و با چشم خود صرفاً نظارگر اوضاع باشم که افراد مسلمانی اعم از کودکانی که در مدرسه‌ای مورد حمله قرار می‌گیرند و یادِ خواب خانواده‌ای مورد تجاوز و حمله دشمن قرار گرفته و به خاک و خون کشیده می‌شوند ولی من (خواه فرد مشهور در این کشور یا کشورهای اطراف) خم به ابرو نیاورده و حتی بابتی شرمی خود همکار ظالم باشم، نماز نیست. چراکه امام علی (ع) درخصوص خلخال پای زن میسحی می‌فرماید که اگر شما صدای کمک آن زن را بشنوید و به داد او نرسید در مسلمانی شما باید شک کرد.

علیرضا حیدری سه ده

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی

## یادداشت چهارصد و سیزده

«امر جامع، و شرط مؤمنیت»

وقتی ایمان، عمل جمعی می‌شود

در سوره نور، معیار ایمان عملی اینگونه بیان می‌شود:  
«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ» (نور: ۶۲)

مؤمنان واقعی کسانی هستند که ایمان به خدا و رسولش آورده‌اند و هنگامی که در کار مهمی که حضور جمعیت را ایجاب می‌کند، با او باشند، بدون اذن و اجازه او به جایی نمی‌روند.

این آیه، معیار مؤمنان واقعی را مشخص می‌کند: نه تنها کسانی که با زبان و ادعای ظاهری ایمان آورده‌اند، بلکه کسانی که ایمانشان در عمل جمعی حساس و استراتژیک، به‌ویژه در مواردی که «اجتماع مردم» در آن ضرورت دارد، تجلی می‌یابد. بر این اساس امر جامع، هر کار مهمی است که اجتماع مردم در آن لازم است و تعاون و همکاری‌شان ضرورت دارد، یعنی هر کاری که:

- اهمیت عمومی داشته باشد
  - نیازمند همکاری و هم‌سویی جمعی باشد
  - فرصتی برای ایجاد تأثیر تاریخی یا اجتماعی باشد.
  - در آن، حضور هر فرد، نقشی در انتظام کل دارد.
- این دقیقاً همان شرایطی است که در خیابان‌ها، میدان‌ها و تجمعات عمومی این روزها پدید آمده. وقتی مردم نه به‌خاطر هیجان لحظه‌ای، بلکه برای دفاع از حق و حقیقت در خیابان جمع می‌شوند، آن‌جا «امر جمعی» زنده شده است.

حمید مریدیان

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان سمنان

## یادداشت چهارصد و چهارده

### لزوم نقش‌آفرینی اساتید دانشگاه مأموریت‌گرای فرهنگیان به‌عنوان زیرساخت اساسی تربیت تمام‌ساحتی نظام آموزشی در بزنگاه‌های موجودیتی

دانشگاه فرهنگیان مرکز ثقل اصلی نظام آموزش و پرورش کشور است. رهبر شهید امام خامنه‌ای تربیت معلم «تمام‌ساحتی» و به تبع آن دانش‌آموز «تمام‌ساحتی» که مورد تأکید نظام آموزش و پرورش کشور است، وجود اساتیدی را می‌طلبد که در شرایط موجود و جنگی کشور، در کنار توجه به دیگر ساحت‌ها، در جایگاه فرهنگی خود تمام‌قد تبیین و روشنگری کنند. کنشگری فعالانه سیاسی و جهاد تبیین، موضوعی است که از تمامی اساتید دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان رهبران این نهضت مورد انتظار است و در ساحت چهارم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یعنی «تربیت اجتماعی و سیاسی» مورد توجه است. در زمانه‌ای که نخست‌وزیر اسپانیا و شیوخ الازهر و ... در محکومیت جنگ تحمیلی علیه کشورمان بیانیه می‌دهند و قلم می‌زنند، سکوت و گوشه‌نشینی اساتید این دانشگاه حاکمیتی شایسته نیست. آن هم در شرایطی که طی ۲۸ روز اول جنگ رمضان ۲۵۲ دانش‌آموز و معلم پر پر و شهید شدند و ۱۸۴ نفر از جامعه فرهنگیان زخمی شدند. اگر در این شرایط، قلم تخصص ما کمکی نکند، برآستی در آزمون خودارزیابی سربلند خواهیم بود؟ و در پیشگاه وجدانمان آسوده خواهیم بود؟

امام صادق (ع) می‌فرماید: هنگامی که روز قیامت شود، خداوند تمام انسان‌ها را جمع می‌کند و چون ترازوی اعمال نهاده شد و خون شهیدان را با مرکب قلم عالمان و معلمان بسنجند، ارزش مرکب آنان بر خون شهیدان فزونی خواهد داشت. این ارزش بدان جهت است که شهیدان در سایه علم و تربیت معلمان و تعلیم شایسته آنان به خدا راه یافته و لیاقت شهادت نصیبشان شده است. چه خوش‌گفت ویلیام گلاس: هنگامی که تحت تعلیم یک معلم خوب هستید، بیشتر از آنکه از او درس‌تئوری بیاموزید، راه و رسم و سبک زندگی را فرا می‌گیرید. و شاید لازم باشد که مسئولین وزارت علوم نیز در ملزومات ترفیع و ارتقای اساتید حداقل دانشگاه فرهنگیان بازنگری داشته و به امتیازات فرهنگی و اجرایی نگاه متفاوتی داشته باشند؟

### عباس عرب

استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان مشهد

## یادداشت چهارصد و پانزده:

### معلم فکور در لبه مرز اندیشه: رسالتی در پرتو دفاع مقدس

امروز که فرزندان این مرز و بوم در خط مقدمی قرار دارند که با شجاعت و ایستادگی از آن دفاع می‌کنند، معلم و به‌ویژه «معلم فکور» نقشی فراتر از آموزش کلاسیک دارد. ما در دانشگاه فرهنگیان، خانه تربیت معلمانی هستیم که باید در این روزگار سخت، چراغ‌های راه باشند.

جنگ نابرابر، جنگ تفکر

تاریخ ایران‌زمین نشان داده است که یکی از سلاح شکست‌ناپذیر در برابر دشمنان، «اندیشه عمیق» است. معلم فکور کسی است که:

۱. دشمن را از درون ذهنش بشناسد

در این جنگ، دشمن از ابزارهای روانی برای تخریب روحیه، ایجاد ناامیدی و کشتن امید در دل‌های مردم استفاده می‌کند. معلم باید بتواند این ابزارها را در کلاس درس و در بین دانش‌آموزان شناسایی کند و در برابر آن‌ها بیاندیشد.

۲. امید را با تفکر بیاموزد

ناامیدی آگاهانه، سلاحی استراتژیک برای دشمن است. معلم فکور به دانش‌آموز می‌آموزد که امید، یک احساس نیست؛ یک «تفکر» است. امید یعنی توانایی تحلیل شرایط، دیدن حقایق و ساختن آینده حتی در سخت‌ترین روزها.

۳. مسئولیت ملی را در کلاس درس جاری کند

هر کلاس درس، امروز می‌تواند سنگری برای دفاع از کشور باشد. معلمی که در کلاسش درباره تاریخ مقاومت، درباره اندیشه‌های بزرگان این مرز و بوم، درباره ارزش‌های انسانی و اسلامی سخن می‌گوید، در واقع در خط مقدم دفاع از آرمان‌های این نظام مشارکت می‌کند.

۴. تاب‌آوری را با اندیشه بسازد

در جنگ، دشمن می‌خواهد روحیه ملت را بشکند؛ اما معلم فکور به دانش‌آموزانش می‌آموزد که چگونه در برابر این طوفان‌ها، سرافرازی خود را حفظ کنند. تاب‌آوری، محصول تفکر عمیق و باورهای راسخ است.

۵. نسل آینده را برای آینده‌ای روشن تربیت کند

امروز ما فرزندان خود را به جنگی نابرابر می‌فرستیم که در آن، ایستادگی، شجاعت و فداکاری ارزش‌های اصلی است. معلم فکور باید به نسل بعد بیاموزد که چگونه با تفکر، چگونه با ایمان و چگونه با امید، آینده‌ای روشن‌تر بسازند.

بنابراین در این روزگار سخت، دانشگاه فرهنگیان تنها یک دانشگاه نیست؛ خانه‌ای است برای تربیت معلمانی که نه فقط در کلاس درس، بلکه در میدان فکر و اندیشه، پیشتاز خواهند بود. ما معلمانی می‌پروانیم که بدانند هر قلمی که بر صفحه تخته سیاه می‌رود، گلوله‌ای است به‌سوی دشمنان اندیشه و ارزش.

## محسن کردلو

عضو هیئت‌علمی گروه تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان گیلان

## یادداشت چهارصد و شانزده گسترش روشنایی

در فیزیک نور، پدیده‌ای ظریف و الهام‌بخش وجود دارد به نام پراش. هنگامی که نور از یک شکاف بسیار باریک عبور می‌کند، به جای آنکه محدود و محبوس بماند، گسترش می‌یابد و دامنه روشنایی‌اش وسیع‌تر می‌شود گویی نور در تنگنا نه تضعیف می‌شود و نه خاموش، بلکه توان و گستره تازه‌ای پیدا می‌کند. این حقیقت علمی، یادآور رفتار جوامع در لحظه‌های دشوار است. آنچه در «جنگ رمضان» دیده شد، نشان می‌دهد که گاه جامعه در تنگناترین شرایط، نیروی همبستگی، آگاهی و توان فرهنگی خود را آشکار می‌سازد؛ همان‌گونه که نور از دل شکاف باریک، گستره‌ای تازه می‌سازد. سختی‌ها اگر با خرد، امید و اخلاق همراه شوند، می‌توانند به سرچشمه‌ای برای بروز ظرفیت‌های پنهان بدل شوند. در عرصه تربیت نیز چنین است. بسیاری از فضیلت‌ها از صبر و مسئولیت‌پذیری گرفته تا تفکر نقاد و اخلاق در شرایط آسان پدید نمی‌آیند، بلکه در دل دشواری‌ها بالنده می‌شوند. تربیت اصیل آن است که به انسان بیاموزد چگونه در برابر تنگناها، مانند نور، گسترش یابد نه گسسته شود. اینجاست که نقش دانشگاه فرهنگیان برجسته می‌شود. این دانشگاه تنها محل تربیت معلم نیست، بلکه محلی برای ساختن منش‌های پایدار و روشن‌کننده است؛ منش‌هایی که بعدها در کلاس درس تکثیر می‌شوند و نسل آینده را به انسان‌هایی امیدوار، اخلاقی و دوراندیش تبدیل می‌کنند. معلمی که تنگنا را فرصت می‌بیند، می‌تواند همان نوری باشد که از دل شکاف‌های سختی، راه را برای دیگران روشن‌تر می‌کند. پراش نور به ما می‌آموزد: گاهی از دل محدودیت، گسترش زاده می‌شود؛ و از دل دشواری، روشنایی

علی محمودلو

عضو هیئت علمی گروه آموزش فیزیک دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی



## یادداشت چهارصد و هفده: به ایرانی بودن خود افتخار کنید

در سالیان گذشته در مدرسه و خانواده از رشادت، گذشت و میهن پرستی ایرانیان شنیده‌ایم و خوانده‌ایم. در کتاب تاریخ سلسله‌های مختلف حکمرانی و در کتب ادبیات از پهلوانان نامی ایران شنیده‌ایم، در تاریخ انقلاب اسلامی ایران از سال ۵۷ و شهدای جنگ تحمیلی نسل من و همکلاسی‌هایم (دهه شصت) شنیده‌ایم و بعضاً در رسانه‌ها تصاویری دیده‌ایم. در گذشته جریان رسانه استعماری سعی در بزرگنمایی قدرت خودشان و کوچک نشان دادن قدرت داخلی ایران داشته‌اند، اما امروز می‌بینیم فرزندان ایران آرش وار، حججی و قاسم وار در نبرد مقابل بیگانگان قد برافراشته‌اند. امروز دیگر معادلات و سناریوهای آنان آنگونه که دوست دارند پیش نمی‌رود. امروز زمان قدرت نمایی ایرانیان است، قدرت نمایی که ۴۰ سال برایش هزینه کرده‌ایم و روز برداشت محصول تحریم است، روز تسلط بر تنگه هرمز و اقتصاد جهان، روز قدرت نمایی نظامی و قدرت نمایش محصولات مرتبط نظامی است، مگر ما چه از آنان کمتر داریم. کافی است خودمان را باور کنیم، تحقیر نکنیم، «نترسیم و نترسانیم» امروز جنگ روایت‌هاست، جنگ اراده‌هاست. امروز روز قدرت نمایی ماست، همانگونه که در ورزش می‌توانیم جلوی کشورهای مدعی نقش‌آفرینی کنیم و بر سکو بایستیم در جنگ نیز می‌توانیم با سیاست، تلاش، تجربه، تفکر و توکل پیروز باشیم. جبهه فرهنگی نقش مهمی در اعتلای هویت ایرانی ایفا می‌نماید، جامعه فرهیختگان و اهل قلم باید تلاش نمایند در این روزگار حساس در کنار رزمندگان نقش‌آفرینی نمایند.

امروز روز دفاع از حرم است، امروز روز ایران است.

### محسن منوچهری نژاد

استادیار گروه آموزش تربیت‌بدنی دانشگاه فرهنگیان کرمان

## یادداشت چهارصد و هجده

### تربیت و میهن‌دوستی «جنگ رمضان و پی بردن به داشته‌هایمان (شناخت هویت ایرانی اسلامی و پاسداری از آن)»

جنگ رمضان به ما آموخت که چقدر داشته‌های عظیمی داریم و قدر آنها را نمی‌دانیم؛ هنگامی که دشمن آنها را به نشانه می‌گیرد آن وقت متوجه می‌شویم که چه ذخایر عظیم فرهنگی تمدنی و چقدر سرمایه‌های ملی و معنوی بی‌شماری داریم؛ اینکه کتاب آسمانی ما چه معجزه‌ای است اینکه حافظ و سعدی و مولانا چرا ماندگار شده‌اند؛ اینکه آثار تاریخی فرهنگی ما از کجا به دست آمده‌اند؛ اینکه چگونه باید از همه اینها پاسداری و دفاع کنیم و حتی برای بقای آنها بجنگیم. حقیقت امر این است که ایران ما سراسر نعمت است؛ از کوه و کمر و دشت و دریا گرفته تا فرهنگ و تمدن و دین و آیین؛ از دستاوردهای علمی، هنری، فرهنگی گرفته تا صنعت و تکنولوژی‌ها و مهارت‌های گوناگون و همه اینها شاید کمتر موردتوجه قرار می‌گیرد و زمانی که اقوامی مهاجم آنها را به نشانه می‌گیرند تمامی این سرمایه‌ها ارزشمند می‌گردد اگرچه خیلی‌ها باز دیر می‌فهمند چراکه تحت سیطره فرهنگی دشمنان این آب و خاک هستند ... و ما باید برای حفظ و حراست از همه آنها به پا خیزیم با هر توانی که در اختیار داریم از فکر و عمل و اندیشه و قلم و ...

محمد پاک‌نهاد

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان همدان.

## یادداشت چهارصد و نوزده

ترکیب «ایرانیت و اسلامیت» در دستگاه تربیت رسمی، زمانی معنا می‌یابد که از سطح شعار فراتر رفته و در تجربه‌های یادگیری زیسته‌ی دانشجویان قابل لمس شود. ادبیات «تربیت پژوهشی» می‌توانند این پیوند را به جای بازتولید کلیشه‌ها، به عرصه فهم، تحلیل و انتخاب آگاهانه بکشانند. نگاه تعلیم و تربیتی به «جنگ رمضان» نمونه‌ای روشن از این امکان است؛ رخدادی تاریخی که می‌تواند میدان گفتگو درباره هویت، اخلاق، مسئولیت و عقلانیت باشد. در سطح ایرانیت، مطالعه رویدادهای معاصر منطقه‌ای، فرصتی است برای پرورش سواد تاریخی و ژئوپولیتیک، فهم منافع ملی، و تقویت قدرت تحلیل در برابر روایت‌های متکثر رسانه‌ای. روایت جنگ رمضان هنگامی تربیتی می‌شود که دانشجویان جای مصرف منفعل اطلاعات، به پرسشگری درباره چرایی‌ها، پیامدها و نسبت آن با تحولات امروز منطقه دعوت شود. در سطح اسلامیت، این موضوع می‌تواند بستر فهم ارزش‌هایی چون عدالت‌خواهی، مقاومت، صلح‌جویی، و مسئولیت‌پذیری جمعی باشد؛ ارزش‌هایی که اگر در فضای گفت‌وگو و استدلال بررسی شوند، به شکل‌گیری قضاوت اخلاقی و هویت دینی سنجیده کمک می‌کنند. تربیت پژوهشی با روش‌هایی مانند تحلیل اسناد، مقایسه روایت‌ها، و تولید یادداشت‌های کوتاه تحلیلی، دانش‌آموز را از سطح حفظ‌کردن اطلاعات تاریخی به سطح «فهم» و «تأمل» می‌برد. آموزش پژوهی نیز با طراحی موقعیت‌های یادگیری مسئله‌محور، فرصت تجربه زیسته‌ای را فراهم می‌کند که در آن ایرانیت و اسلامیت نه در قالب درس‌های جداگانه، بلکه در متن پژوهش و گفت‌وگو به صورت یک کلّ پویا و معنادار شکل بگیرند. حاصل این رویکرد، نسلی است که هویت خود را نه در تقابل دوگانه‌ها، بلکه در پیوند هوشمندانه و انتقادی میان ریشه‌های فرهنگی، دینی و اجتماعی خویش بازتولید می‌کند.

زهره اعلیو

دکترای ریاضی مدرس دانشگاه فرهنگیان، استان آذربایجان غربی شهرستان خوی

## یادداشت چهارصد و بیست

### جهاد در راه حق و پاسداشت میهن در برابر متجاوزان

به نام خداوند بخشنده مهربان

«ای اهل ایمان! یهود و نصاری را سرپرستان و سرپرستان خود بگیرید، آنان سرپرستان و دوستان یکدیگرند [و تنها به روابط میان خود وفا دارند]. و هر کس از شما، یهود و نصاری را سرپرست و دوست خود گیرد از زمره آنان است؛ بی‌تردید خدا گروه ستمکار را هدایت نمی‌کند.» (مائده/۵۱)

یهود و نصاری، از دیرباز، دشمنان حقیقی مسلمانان بوده و زیان و ضرر مومنان، آنان را خوشحال کرده و برای گمراه کردنشان از هیچ کوششی فرو گذار نکرده‌اند. پس جز کسانی که مانند آن‌ها هستند با آنان دوستی نمی‌کنند. در کلام نبی مکرم اسلام (ص) میهن‌دوستی از ایمان است و این امر در سروده‌های ادبای پارسی گو نیز انعکاس فراوان داشته است:

|                             |                                  |
|-----------------------------|----------------------------------|
| دریغ است ایران که ویران شود | کُنام پلنگان و شیران شود         |
| چو ایران نباشد تن من مباد   | مظهر عشق و آزادی در جهان         |
| ای وطن ای مهر تو آیین من    | در این بوم و بر، زنده یک تن مباد |

(فردوسی)

|                            |                               |
|----------------------------|-------------------------------|
| دفاع از وطن کیش فرزانی است | گذشتن ز جان، رسم مردانگی است  |
| کسی کز بدی دشمن میهن است   | به یزدان که بدتر ز اهریمن است |

(نظام وفا)

همه عالم تن است و ایران دل ...

(نظامی)

پس در برابر متجاوزان تا پای جان باید ایستادگی کرد و به ریسمان الهی چنگ زد و نباید پراکنده شد آن هم در برابر پلیدترین و شرورترین دشمنان اسلام: «یقیناً سرسخت‌ترین مردم را در کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت ...» (مائده/بخشی از آیه ۸۲) و نباید ترس به دل راه داد: «ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز که اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر چیره می‌شوند، و اگر از شما صد نفر [صابر] باشند بر هزار نفر از کافران چیره می‌شوند؛ زیرا آنان گروهی هستند [که حقایق توحید و قدرت خدا را] نمی‌فهمند.» (الانفال/۶۵) و به یقین، پیروزی و برتری از آن مومنان است: «و [در انجام فرمان‌های حق و در جهاد با دشمن] سستی نکنید و [از پیش آمدها و حوادث و سختی‌هایی که به شما می‌رسد] اندوهگین مشوید که شما اگر مؤمن باشید، برترید.» (آل عمران/۱۳۹)

### طواق گلدی گلشاهی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان استان گلستان

## یادداشت چهارصد و بیست و یک حق بر هدایت یا حق بر ضلالت؟

«حق بر آموزش» یکی از مهمترین مبادی حقوقی تعلیم و تربیت به شمار می‌رود؛ اما به نظر می‌رسد به رغم سادگی و شفافیت اولیه این مفهوم در مکاتب مختلف فلسفه تربیت دو نگاه قابل برداشت است. برخی «حق بر آموزش» (و یا حق بر تربیت) را به معنای «حق بر هدایت» تفسیر می‌کنند و دیدگاهی دیگر با مجامله در مورد هدایت و ضلالت، آنرا به صورت خنثی و یا حتی به نفع «حق بر ضلالت» معنا می‌نمایند. دسته دوم را می‌توان به «سکولاریسم تربیتی» منسوب کرد و جهت‌گیری فلسفی آنرا «تربیت سکولار» دانست و رویکرد اول به «فلسفه تربیت دینی» منسوب است. «سکولاریزم تربیتی» به تبع «لیبرالیزم تربیتی» بدلیل مجامله، مساهله و یا مغالطه در مبانی خود، بخصوص مبانی معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی ممکن است بنای «حق بر آموزش» (تعلیم) را بر ستون «حق بر هدایت» استوار نکند. براین اساس تربیت سکولار، برخلاف تربیت دینی، دغدغه پرورش انسان مؤمن و دیندار را ندارد و قرائت «تربیت سکولار» از «حق بر آموزش» و «حق بر تربیت» از قرائت تربیت اسلامی از ایندو بلحاظ پارادایمیک متفاوت است. لیبرالیزم و سکولاریزم در سطح دانش و ارزش، بعد از فرورفتن در پاتلاق نسبیت و نسبیتی معرفتی و ارزشی، در مقابل «حق بر هدایت»، از «حق بر ضلالت» سخن گفت و تحیر و رودربایستی خود با حقیقت و واقعیت را به نظام آموزشی هم کشاند. در چند صباحی پیشتر، طرفداران این اندیشه چنین می‌نگاشتند: «آزادی یعنی «حق نخواستن حق»؛ بدون اینکه شخص مورد تعقیب قرار گیرد؛ یعنی بشر حق دارد از اطاعت خدا سرباز زند و معاقب نشود»<sup>۱</sup> و از نسبیت معرفتی به پلورالیزم دینی (و یا برعکس) پل می‌زدند و چنین می‌نگاشتند: «ارتداد حق طبیعی هر انسان است و ادیان همگی برحق‌اند»<sup>۲</sup> آتش لیبرالیزم ایرانی و شبه مدرن در خرمن اندیشه تربیتی ایرانی-اسلامی ره آوردی جز این نداشت که «حق انتخاب حق» را در فهرست «حقوق تربیتی» به «حق انتخاب باطل» فروبکاهد. لازمه منطقی این اندیشه نسبیت‌انگار، این است که دیگر ارزش‌های ملی و دینی در تعلیم و تربیت قابل اتکا نیستند. در دامن همین اندیشه است که دیگر میهن پرستی، احترام پرچم، استقلال کشور، ملیت، ایرانیت، تمامیت ارضی، دفاع، مقاومت، ناموس، شهادت و مانند آن هیچ ارزشی ندارد و دانش‌آموز ایرانی تحت جنگ ترکیبی شناختی، از آمریکا (تنها استفاده‌کننده

۱ حمد نراقی، روزنامه صبح امروز، ۲۲-۱-۱۳۷۷، ص ۶.

۲ عبدالکریم سروش، ماهنامه کیان، فروردین ۱۳۷۸، شماره ۴۶، ص ۱۵.

از کلاهک هسته‌ای)، حمله به میهن خود و تجزیه آن را می‌خواهد. در این شبهای انقلابی که همه ایران به دفاع از نظام و ایران و نیروهای مسلح در پاسخ جانانه به متجاوزان صهیونی-آمریکایی به خیابان‌ها می‌آیند، حقوق تربیتی کودکان و نوجوانان مانند «حق بر میهن پرستی»، «حق بر مقاومت و دفاع»، «حق بر ناموس پرستی» و «حق بر ایثار و شهادت» تجلی دوباره پیدا کرده است و موقعیتی تربیتی برای «تربیت سیاسی» و «تربیت ایرانی» فراهم ساخته است که باید قدر دانسته شود.

### سید نقی موسوی

عضو هیئت‌علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان قم

## یادداشت چهارصد و بیست و دو

### رژیم اسرائیل؛ یاغی‌ترین یکان (واحد) سیاسی نظام بین الملل

رژیم اسرائیل محصول صهیونیسم سیاسی است که با تئودور هرتزل و کتاب دولت یهود در سال‌های پایانی سده ۱۹ م زاده شد؛ تا پیش از آن فلسطین اشغالی برای یهودیان، سرزمینی مقدس و محلی برای زیارت و گردهمایی مذهبی بوده است و نه جغرافیایی ملی برای برپایی کشوری به نام اسرائیل. تحولات بین‌المللی نیمه نخست سده بیستم، جنگ جهانی یکم و در پی آن توافق نامه سایکس-پیکو، اعلامیه بالفور و ... نقش مؤثری در دستیابی صهیونیسم سیاسی به هدف خود در ایجاد دولت یهود داشته است. ارجاع موضوع فلسطین از سوی دولت انگلیس به سازمان ملل (۱۹۴۷ م) منجر به صدور قطعنامه غیرالزام آور شماره ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل در تقسیم سرزمین فلسطین به سه بخش فلسطینی، یهودی و منطقه بین‌المللی گردید. هر چند این طرح از همان آغاز با مخالفت فلسطینی‌ها و جهان عرب روبرو شد، با این همه تصویب تقسیم فلسطین و به دنبال آن ایجاد رژیم اسرائیل سرآغاز پاکسازی و رانده شدن فلسطینی‌ها، ویرانی صدها شهر و روستا و مقاومت فلسطینی‌ها و شکل‌گیری چندین جنگ میان دو طرف گردیده است؛ جنگ‌هایی که به دنبال آن بخش‌هایی از فلسطین و کشورهای همسایه به اشغال رژیم اسرائیل درآمده و با بی‌اعتنایی این رژیم نسبت به قطعنامه‌های سازمان ملل از جمله قطعنامه ۱۹۴، ۲۴۲، ۳۳۸ و حتی قطعنامه ۱۸۱ همراه بوده که نقش سنگ بنای شکل‌گیری این یکان سیاسی در نظام بین الملل را داشته است. طرح سازش و به رسمیت شناخته شدن این رژیم از سوی سازمان آزادی بخش فلسطین، مصر، اردن و برخی دیگر از دولت‌های عربی و اسلامی نیز نتوانسته است به سیاست توسعه طلبی و نسل کشی فلسطینی‌ها پایان دهد که نمونه آخر آن فاجعه نسل کشی در غزه و محکومیت این رژیم در دادگاه بین‌المللی است که البته با بی‌اعتنایی این رژیم همراه بوده است. به این ترتیب رژیم اسرائیل با وجود عمر سیاسی ۷۸ ساله خود، به‌عنوان یاغی‌ترین یکان سیاسی در نظام بین الملل شناخته می‌شود و از زمان تشکیل تا کنون از یک سو نسبت به قطعنامه‌های سازمان ملل و حقوق بین الملل بی‌اعتنا بوده و از سویی دیگر پیوسته به دنبال ماجراجویی و توسعه طلبی سرزمینی با شعار پوچ و موهوم از «نیل تا فرات» بوده است.

### فریدون سلیمانی

دانش آموخته جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، مدرس دانشگاه فرهنگیان استان قزوین

## یادداشت چهارصد و بیست و سه سرچشمه حقیقی نصرت

قرآن کریم در آیه‌ای کوتاه اما عمیق می‌فرماید:

«وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» (آل عمران، ۱۲۶)؛

نصرت و پیروزی، جز از سوی خداوند شکست‌ناپذیر و حکیم نیست.

این آیه یادآور حقیقتی مهم و اساسی است یعنی پیروزی‌های بزرگ، تنها حاصل توان مادی و محاسبات ظاهری نیست، بلکه هنگامی پایدار می‌شود که با ایمان، حکمت و اتکال به خداوند همراه باشد. در رخدادهایی مانند «جنگ رمضان» نیز این معنا روشن‌تر دیده می‌شود. در چنین لحظه‌هایی، آنچه روح جامعه را استوار نگه می‌دارد، تنها ابزار و امکانات نیست؛ بلکه امید، ایمان و باور به پشتیبانی الهی است. همین باور است که ترس را به آرامش، تردید را به اراده و پراکندگی را به همبستگی تبدیل می‌کند. اما این روحیه یک‌شبه پدید نمی‌آید؛ ریشه آن در تربیت است. جامعه‌ای که در نظام آموزشی خود ایمان، اخلاق، مسوولیت‌پذیری و اعتماد به وعده‌های الهی را پرورش دهد، در لحظه‌های دشوار نیز استوارتر خواهد ایستاد. در این میان، دانشگاه فرهنگیان جایگاهی تعیین‌کننده دارد. معلمانی که در این دانشگاه تربیت می‌شوند، در حقیقت پرورش‌دهندگان روح و اندیشه نسل آینده‌اند. آنان می‌توانند در کلاس‌های درس، علاوه بر دانش، این باور عمیق را نیز منتقل کنند که تلاش انسانی هنگامی به ثمر می‌رسد که با صداقت، عدالت و توکل همراه باشد. پیام این آیه روشن است: جامعه‌ای که تربیت خود را بر ایمان و حکمت بنا کند، در سخت‌ترین میدان‌ها نیز امید خود را از دست نمی‌دهد؛ زیرا می‌داند سرچشمه حقیقی نصرت، قدرتی فراتر از همه محاسبات ظاهری است.

### رسول بهنام

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی



## بادداشت چهارصد و بیست و چهار

### ارتباط میزان مواضع و عملکرد افراد در این روزها به وزن ایمان آن‌ها،

هر فرد به چه میزانی در مقابله با جبهه کفر و نفاق، روشنگری و محتوا تولید می‌کند. به چه میزانی با کلامش وحدت می‌آفریند؛ و به چه میزانی با اعمالش جهاد را در میدان نبرد محقق می‌سازد. در این میدان برخی خاموش و سکوت اختیار کرده‌اند. برخی گاهی از آنها پرتویی دیده می‌شود و برخی روشنا بخش هستند. برخی با عمل خود در می‌دانند و برخی با کلام خود به به سایرین دلگرمی می‌دهند. گاهی دلگرمی ما به پشتوانه موشک‌هاست! هر چقدر که موشک‌های قوی‌تر رونمایی می‌شوند ما بیشتر احساس آرامش و قدرت می‌کنیم. هرگاه با اتکای بر موشک‌هایمان ضربات سختی بر دشمن وارد می‌کنیم و از آنها انتقام سخت می‌گیریم، بیشتر دلمان گرم و آرام می‌شود. چنین می‌شود که روان و ذهن ما متأثر از نیروی ضربه زننده دنیایی می‌شود. هرگاه ضربه می‌خوریم، یا افسرده می‌شویم یا حس انتقام در ما شکل می‌گیرد و هرگاه موشک‌هایمان بر دشمن فرود می‌آید دلمان از عقده‌ها خالی می‌شود و احساس راحتی و آرامش می‌کنیم. اما حواسمان باشد که آرامش و اتکای واقعی با توکل بر خداوند و قدرت لایزال اوست. مبدا با آسیب‌هایی که دشمن وارد می‌کند، محزون شویم و آرامشمان فقط متکی بر قدرت موشک‌هایمان باشد. اگر اینچنین متأثر از آثار دنیایی زدو خورد شویم از ایمان حقیقی دور می‌شویم. متکی بر آموزه‌های قرآنی صحنه نبرد صحنه نبرد حق علیه باطل و عرصه تعالی و عروج است. در این عرصه است که می‌توان درجات عرفانی را طی کرد. محل و معراج مجاهدان فقط در مسجد و خانقاه نیست بلکه تمام عرصه‌های زندگی محل تقرب به خداوند و کسب تجارب عرفانی است. اوایل جنگ در دفاع مقدس با تجهیزات اندک، عملیات فتح المبین و بیت المقدس را رقم زدیم اما در سال‌های بعد که توانستیم تجهیزات جدیدی را با واسطه وارد کنیم و در طی عملیات‌های پیشین هم تجهیزات بسیاری را از دشمن به غنیمت گرفته بودیم، اما توفیقات ما در حد آن عملیات‌های پیشین نبود. پس اتکا فقط بر خداوند است و چنین اتکایی است که موجب نزول امدادهای الهی می‌شود.

احمد یوسف‌وند

آموزش فیزیک دانشگاه فرهنگیان استان لرستان

## یادداشت چهارصد و بیست و پنج

### مسئولیتِ «بودن» در دانشگاه؛ درسی از جان برای استاد و دانشجو

با الهام گرفتن از کلام زیر:

مجید

یادت باشه این دفعه مسئله مسئله تمامیت اسلامه، آگه دفعه قبل خیلی‌ها گند نزده بودند الان سایه سید بالای سرمون بود -- من که وصیت نامه‌ام را به روز کرده‌ام.

میراحمد

همکاران ارجمندم در ستاد دانشگاه، و دانشجویان عزیز جویای حقیقت؛

گاه، در کورانِ روزمرگی‌ها و هیاهویِ «علم‌اندوزی»، غافل می‌شویم که رسالتِ حقیقی ما در این «آکادمی»، فراتر از انباشتِ دانش است. کلامی از برادرِ دیرین، «مجید»، چونان زنگِ هشدار، ذهن را به تأمل وامی‌دارد: «یادت باشه این دفعه مسئله، مسئله‌ی تمامیتِ اسلامه...». این جمله، تلنگری است عمیق به ما استادان و شما دانشجویان. آیا در مسیرِ «دانستن» و «دانش‌افزایی»، به «بودن»ِ خویش، به «تمامیت» آنچه بدان معتقدیم، اندیشیده‌ایم؟ آیا «اسلام»، که در تاروپودِ هویتِ ما تنیده، تنها یک «درسِ واحد» در میانِ صدها واحدِ دیگر است، یا «تمامیت» نگاهِ ما به هستی، به جامعه، و به رسالتِ انسانی‌مان را شکل می‌دهد؟ اگر دیروز، شاید «خیلی‌ها گند نزده بودند»، اما امروز، سایه‌ی سنگینِ غفلت، می‌تواند «تمامیت» آنچه را که برایش تلاش کرده‌ایم، در معرضِ خطر قرار دهد. این «خطر»، نه یک تهدیدِ بیرونی، که نشأت گرفته از سستیِ درونیِ ماست؛ از آن «گند زدن» هایی که شاید در نگاهِ اول ناچیز به نظر آیند، اما در گذرِ زمان، «تمامیت» بنا را سست می‌کنند. استادِ گرامی، آیا در کلاسِ درس، تنها به انتقالِ مفاهیمِ علمی بسنده می‌کنی، یا روحِ «تمامیتِ اسلام» را که تجلی‌اش در اخلاقِ حرفه‌ای، صداقتِ علمی، و دغدغه‌مندی نسبت به سرنوشتِ «دانشجو» و جامعه است، در وجودِ خود و شاگردانت بیدار می‌سازی؟ آیا وصیت‌نامه‌ی «علمی» و «اخلاقی» خود را به روز کرده‌ای؛ یعنی، آیا بر اساسِ همین دغدغه‌ی «تمامیت»، در رسالتِ خود تجدیدِ نظر کرده‌ای؟ دانشجویِ عزیز، آیا «اسلام» را تنها در چارچوبِ «واحدِ درسی» خلاصه می‌کنی، یا آن را در تمامِ ابعادِ زندگیِ «دانشجویی» و «انسانی» خود جاری می‌سازی؟ آیا در بحث‌هایِ «علمی»، در تعامل با «استاد» و همکلاسی، در انتخابِ مسیرِ آینده، «تمامیت» آنچه بدان باور داری، معیارِ عملت هست؟ آیا «وصیت‌نامه‌ی» تصمیماتِ راه، یعنی عهدِ خود را با حقیقت و جامعه، به روز کرده‌ای؟ این، «مسئله‌ی تمامیتِ اسلام» است؛ مسئله‌ی «بودن» ما در این دانشگاه، و تأثیری که بر «تمامیت» آینده می‌گذاریم. بیایید در این

«مدرسه‌ی شهادت»، درس «تمامیت» را بیاموزیم و از جان، برای ساختن فردایی که در آن «گند زدن» جایی ندارد، بکوشیم.

هدف: برانگیختن حس مسئولیت‌پذیری نسبت به هویت دینی و علمی در محیط دانشگاه.

استعاره: عبارت «وصیت‌نامه را به روز کرده‌ام» به‌صورت استعاری به معنای بازنگری در تعهدات و رسالت شخصی تفسیر شده است.

### معصومه شصتی

عضو هیئت‌علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی شهید مفتاح دانشگاه فرهنگیان  
تهران

## یادداشت چهارصد و بیست و شش

### نقش جامعه دانشگاهی در حفظ امید، آموزش و بازسازی اجتماعی در دوران بحران جنگی

دانشگاه، حتی در سخت‌ترین شرایط، نهادی است که می‌تواند تداوم دانش، عقلانیت و همبستگی را تضمین کند. در شرایطی که جنگ ساختارهای اجتماعی را دچار اختلال می‌کند و احساس ناامنی روانی را در سطح جامعه گسترش می‌دهد، دانشگاهیان با ایفای نقش‌های چندبعدی می‌توانند مانع فروپاشی سرمایه اجتماعی و فروپاشی امید جمعی شوند. در سطح نخست، استمرار آموزش یکی از مهم‌ترین وظایف دانشگاه‌ها در دوران جنگ است. تداوم فعالیت‌های علمی حتی به‌صورت محدود یا در قالب‌های جایگزین مانند آموزش مجازی، پیامی روشن برای جامعه دارد: مسیر رشد نسل جوان متوقف نشده است. استمرار آموزش، علاوه بر ایجاد حس ثبات، امکان برنامه‌ریزی برای دوره پساجنگ را فراهم می‌کند؛ زیرا توسعه انسانی در بحران متوقف نمی‌شود بلکه اهمیت آن افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، دانشگاه‌ها می‌توانند با ارائه تحلیل‌های علمی و آموزش سواد رسانه‌ای، نقش مؤثری در کاهش اضطراب جمعی و مدیریت اطلاعات ایفا کنند. در شرایطی که شایعات و اخبار غیرموثق به سرعت گسترش می‌یابد، حضور استادان و پژوهشگران به‌عنوان مرجع تخصصی، به جامعه کمک می‌کند تا با واقع‌بینی بیشتری شرایط را درک و ارزیابی کند. این امر نه تنها از تضعیف عقلانیت عمومی جلوگیری می‌کند، بلکه ضمن ایجاد اعتماد اجتماعی، امکان تصمیم‌گیری‌های مناسب‌تر را نیز فراهم می‌سازد. نقش دیگر دانشگاه‌ها، مشارکت در ارائه خدمات اجتماعی و کمک‌رسانی است. بسیاری از حوزه‌های علمی از روان‌شناسی و مددکاری اجتماعی تا بهداشت و مدیریت بحران، می‌توانند به‌طور مستقیم در حمایت از خانواده‌ها، کودکان، سالمندان و گروه‌های آسیب‌پذیر نقش‌آفرینی کنند. تشکیل گروه‌های داوطلبانه دانشگاهی، ارائه خدمات مشاوره‌ای و روانی، تحلیل وضعیت‌های بحرانی و کمک به سامان‌دهی فعالیت‌های امدادی، از جمله ظرفیت‌هایی است که دانشگاه را به یک نهاد فعال در مدیریت بحران تبدیل می‌کند. علاوه بر این، پژوهش دانشگاهی در دوران جنگ می‌تواند زمینه‌ساز بازسازی علمی و ساختاری جامعه در دوره پس از بحران باشد. دانشگاهیان با مطالعه پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و انسانی جنگ، الگوهای بازسازی و مداخلات کارآمد را تدوین می‌کنند. این مطالعات، نه تنها راهنمای سیاست‌گذاری‌های کلان است، بلکه برای جوامع، امید به امکان بازگشت به مسیر توسعه را تقویت می‌کند. همچنین دانشگاه‌ها با مستندسازی علمی وقایع، ارائه درس‌آموخته‌ها و ترویج نگاه تحلیلی به جای رویکرد احساسی، جامعه را برای مواجهه آگاهانه‌تر با بحران‌های آینده آماده می‌کند.

#جان فدای رهبر عزیز و کشور مقتدرم

#### نوید دهنوی

عضو هیئت علمی گروه زیست‌شناسی دانشکده علوم پایه، دانشگاه فرهنگیان تهران.

## بادداشت چهارصد و بیست و هفت

### فیزیولوژی پایداری؛ از بازپذیری عصبی تا همودینامیکِ اقتدار

در بهاران ۱۴۰۵ «قلبی که در محفظه‌ی سینه‌اش استواری دارد، از تپش‌های آشفته‌ی تندباد نمی‌هراسد؛ که حیات، نه در لرزش لحظه‌ای، بلکه در ریتمِ منظمِ سیستمِ هدایتی نهفته است.» نوروز ۱۴۰۵، فراتر از یک تغییر فصل، برای ما حکم یک «پلاستیسیته‌ی عصبی» (Neuroplasticity) در برابر هجمه‌ی ناپایداری‌ها را دارد. اگر در پهنه‌ی فیزیولوژی پزشکی، بقای یک موجود در گروی تنظیم فشار خون و بازتاب‌های حیاتی است، امروز پیکره‌ی ایران عزیز، همان ارگانیسم زنده‌ای است که در پاسخ به تنش‌های محیطی و یورش بیگانگان، مکانیسم‌های همودینامیک خود را به اوج رسانده است. خونِ پاکِ شهیدانِ این مرز و بوم، همانند «گلبول‌های قرمز» غیرت در شریان‌های خاک، اکسیژنِ آزادی را به دورترین بافت‌های این اجتماع می‌رساند. اگرچه امروز آسمان وطن با غرش جنگنده‌ها غبارآلود گشته، اما می‌دانیم که در نظمِ آفرینش، پس از هر «آسیب‌شناسی» و فداکاری، فرآیند «ترمیم بافتی» و بافتی مستحکم‌تر شکل می‌گیرد. ما به مثابه یک «ارگان» بزرگ و یکپارچه، در برابر سموم عوامل بیماری‌زا، پادتن‌هایی از جنس ایمان و پایداری ساخته‌ایم. اکنون که هشت روز از زایش دوباره‌ی زمین گذشته و نبضِ حیات در رگ‌های سال جدید جاری گشته است، این «متابولیسمِ مقاومت» وارد فصلی تازه از بلوغ شده است. در این نخستین روزهای فروردین، آرزو می‌کنیم که فرایند «بازسازی» این سرزمین به دست فرزندان غیورش، به تعادلِ دینامیک و پیروزیِ قطعی منجر شود. باشد که به فضل الهی، عوامل بیماری‌زای ظلم و تجاوز از این پیکره‌ی زنده زدوده شوند و هموستازی (تعادل داخلی) و آرامشِ فیزیولوژیک به قلب تپنده‌ی ایران بازگردد. نوروزتان با طعمِ تندرستی، پویایی و سربلندی خجسته باد. به امید روزی که در پرونده‌ی بالینی تاریخ، نام ایران همواره با تشخیص «فن‌ناپذیر» ثبت شود. ایرانمان جاوید، بانشاط و برقرار بماند.

شیرین لطفی پناه

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان تهران،

## یادداشت چهارصد و بیست و هشت تبیین مؤلفه‌های تربیت سیاسی در میدان نبرد

تربیت سیاسی یکی از ارکان حیاتی نظام تعلیم و تربیت در جوامع انقلابی است و میدان جنگ به‌مثابه یک آزمایشگاه عینی، تجلی‌گاه برآیند این تربیت محسوب می‌شود. جنگ رمضان به‌عنوان یکی از مقاطع سرنوشت‌ساز دفاع مقدس، نمونه‌ای بارز از ظهور تربیت سیاسی ناب اسلامی-ایرانی است. این میدان نشان می‌دهد که تربیت سیاسی صرفاً انتقال مفاهیم انتزاعی نیست، بلکه فرآیندی برای شکل‌دهی به هویتی است که در آن «دفاع از کیان اسلام» به یک وظیفه دینی و ملی بدل می‌شود. در این میدان، رزمندگان با درکی عمیق از مفهوم «ولایت‌مداری» و «دشمن‌شناسی»، پیچیدگی‌های صحنه نبرد را تحلیل کرده و بر اساس بصیرتی که ریشه در تربیت دینی دارد، اقدام می‌کنند. از منظر جامعه‌شناختی، جنگ به تمرینی برای مشارکت سیاسی همگانی و تقویت انسجام ملی بدل شده که نتیجه آن، پرورش نسلی است که قدرت و مشروعیت نظام سیاسی خود را در پیوندی ناگسستنی با آرمان‌های انقلاب می‌بینند؛ بنابراین، بازخوانی مؤلفه‌های تربیت سیاسی در میدان جنگ، برای طراحی یک الگوی کارآمد از «تربیت تراز انقلاب اسلامی» در شرایط کنونی که با استعمار فرانو و جنگ نرم هم مواجهیم، ضرورتی انکارناپذیر است.

### مصطفی غفاری

عضو هیئت‌علمی گروه زبان انگلیسی دانشگاه فرهنگیان استان قزوین

## یادداشت چهارصد و بیست و نه

### باز نگاه سیاسی به مفهومی فلسفی، تربیتی در منازعه تمدنی غرب با ایران

این روزها که به هر کوی و برزنی می‌رسم، و به‌ویژه در لبالب نوروز باستانی و آئین دید و بازدیدها، هر انسان وارسته و هر شهروند ایرانی پرسشی بنیادین مطرح می‌کند که استاد آخرش چی میشه؟؟! اساساً فلسفه رشته علوم سیاسی هم همین هست؟ به تعبیر شیرازی‌ها چه طو شد، این طو شد؟ بنیادی‌ترین سؤال این رشته است و با علم آینده پژوهی مدرن، آخرش چی میشه هم به آن افزوده شده است. اولاً تقابل ایالات‌متحده و اسرائیل با ایران، در کلان‌ترین شکل مسئله، مواجهه تمدنی غرب با شرق است. ایضاً مطالبات ایالات‌متحده از ایران، بسیار فراتر از عقلانیت تحصیل منافع ملی است. لاجرم باید گفت در جهان آنارشی شده غیر ساختارمند، عبارت قدرت، کلیدی‌ترین واژه دنیای سیاست است. در این وانفسای آشوب و تلاطم زندگی، هیچ انسان منصفی منکر برخی ناکامی‌های جمهوری اسلامی ایران در برخی عرصه‌ها نیست و تبعیض‌ها و نابرابری‌ها و ازدهای هفت سر فساد، داد همه را درآورده است. اما در تقابل تنازعی امروز، مسئله موجودیت جمهوری اسلامی ایران است؛ به‌ویژه در حوزه تربیتی تقابل دو سمت راست و ناراستی را همه راستی آزمایی می‌کنند و دل‌های بیدار، صاف و معتدل، در طرف راست تاریخ قرار می‌گیرند. به هر حال عقلانیت ابزاری غرب در تحقق اهداف اعلامی خود با چالش‌های متعددی روبروست و عقلانیت ارزشی جمهوری اسلامی ایران، سدی بزرگ در ناکامی تمدنی غرب است. ایالات‌متحده ناخواسته در مسیری قرار گرفته که باید برای پایان جنگ، برگ برنده بزرگی داشته باشد. توثیت ترامپ در جنگ دوازده روزه مبنی بر ازبین بردن توان هسته‌ای ایران در فوردو، امروز با کدامین توثیت به فرجام برسد؟ کوتاه سخن این که تداوم طولانی نبرد، به تزییداختلافات سیاسی در ایالات‌متحده منجر شده و ترامپ را وارد بحرانی داخلی خواهد نمود. ناگفته پیداست این تداوم نبرد اگر با تاب‌آوری ملی همراه باشد و ابزارهای برندگی چون هرمز و باب‌المندب، با ما باشد، آخرش اگر چه با عواقب خسارات جنگی همراه خواهد بود، انتفاعی بیشتر را نصیب ایران خواهد نمود. برای پیروزی در این نبرد تمدنی باید خون‌ها داد و تدبیرگری‌ها نمود. حقانیت فلسفه حقیقت با جذابیت فلسفه حقیقت وارونه، فرسنگ‌ها فاصله دارد. در مواجهه تمدنی ما را با اسرائیل در یک سنگر نمی‌توان دید و هم پیالگی ما حرامی مطلق است. منازعه امروز صف بندی اکبر تربیت دین و حیانی در مقابل قدرت نمایی ابزاری است.

#### بهنام صحرانورد

گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان اردبیل

## یادداشت چهارصد و سی

### شهرت بدون مسئولیت: پیامدهای رفتار سلبریتی‌ها

در بسیاری از جوامع، شهرت اجتماعی اغلب در نتیجه برجستگی و موفقیت افراد در حوزه‌های خاصی مانند ورزش، هنر، سینما یا موسیقی شکل می‌گیرد؛ به گونه‌ای که عملکرد حرفه‌ای و دیده شدن رسانه‌ای آنان، زمینه شناخته شدن گسترده در میان افکار عمومی را فراهم می‌کند؛ اما شهرت لزوماً نشان‌دهنده شایستگی، بلوغ فکری یا مسئولیت‌پذیری اخلاقی نیست. این تفاوت در سطح اثرگذاری، به‌ویژه در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی، اهمیت می‌یابد، جایی که سلبریتی‌ها با برخورداری از سرمایه نمادین، قدرت تأثیرگذاری قابل توجهی بر نگرش‌ها و رفتارهای گروه‌های مختلف جامعه دارند. این اثرگذاری به‌ویژه در میان نوجوانان و جوانان که در مرحله شکل‌گیری هویت قرار دارند، ممکن است منجر به همانندسازی بدون ارزیابی انتقادی شده، و پیامدهای منفی در قالب پذیرش رفتارهای ضدامنیتی و غیراخلاقی را در پی داشته باشد؛ بنابراین، وظیفه اساسی جامعه در این زمینه، ارتقاء سطح سواد رسانه‌ای، آموزش تفکر انتقادی و توسعه فرهنگ نقد محتواهای رسانه‌ای است تا مخاطبان بتوانند تمایز میان شهرت و شایستگی واقعی را درک کنند. همچنین، رسانه‌ها، خانواده‌ها و نظام‌های آموزشی باید با معرفی الگوهای اخلاقی، علمی و فرهنگی و ترویج اصول مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نقش فعال‌تری در هدایت صحیح الگوپذیری و کاهش تأثیرات منفی ناشی از شهرت‌های سطحی ایفا کنند.

حسین سلیمی

عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی و مشاوره دانشگاه فرهنگیان آذربایجان غربی



## بادداشت چهارصد و سی و یک زبان عربی به مثابه ابزار تربیتی

آموزش زبان عربی در بافت فرهنگی ایران، فراتر از یک مهارت زبانی، مأموریتی تمدنی و تربیتی به همراه دارد. دبیر عربی در نظام آموزشی ایران، تنها ارائه دهنده دستور زبان نیست؛ بلکه معمار هویت فرهنگی و پرورش دهنده نسلی پایدار است که ریشه‌های اصیل دارد و توانایی مواجهه هوشمندانه با چالش‌های عصر را داراست. از منظر آموزش و پرورش اسلامی-ایرانی، زبان عربی به عنوان زبان قرآن و منابع بنیادین فکری، نقش دوگانه‌ای ایفا می‌کند: (۱) دسترسی مستقیم به متون اصیل و (۲) تقویت هویت فرهنگی مستقل. دبیر عربی با درک عمیق از این دو بعد، دانش آموز را به جای انفعال، به کنشگری فکری دعوت می‌نماید. رویکرد تربیتی موردنظر، مبتنی بر تلفیق دانش زبانی با بینش فرهنگی است که در آن حفظ استقلال فکری و تعامل سازنده با سایر تمدن‌ها به صورت هم‌زمان دنبال می‌شود. شایسته است دبیر عربی برای تحقق تربیت پایدار، از راهبردهای زیر بهره برد:

- تدریس تطبیقی: تقویت تفکر انتقادی و مقایسه‌ای
  - مطالعه متون اصیل: رشد عمق نگری و ارتباط معنوی
  - پروژه‌های پژوهشی: تقویت خلاقیت و نوآوری
  - گفت‌وگوی بین فرهنگی: پرورش تعامل سازنده
- زیرا تربیت نسلی با این ویژگی‌ها، اثرات چندلایه‌ای دارد:
- حفظ استقلال فکری: دسترسی مستقیم به منابع اولیه بدون واسطه
  - تقویت پویایی فرهنگی: توانایی تعامل با جهان مدرن با حفظ ریشه‌ها
  - پرورش نسل آینده: تربیت نسل متعهد، آگاه و توانمند
  - تضمین پایداری آموزشی: ایجاد انگیزه درونی و یادگیری مادام‌العمر
- در عصر تحولات شتابان جهانی، نقش دبیر عربی به عنوان نگهبان هویت فرهنگی و پرورش دهنده نسلی آگاه و مسئول پذیر، حائز اهمیت راهبردی است. سرمایه‌گذاری بر توانمندسازی حرفه‌ای معلمان عربی، تنها یک ضرورت آموزشی نیست؛ بلکه سرمایه‌گذاری بر امنیت فرهنگی و آینده‌ی پایدار کشور اسلامی ایران است.

### پوران رضائی

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات عربی دانشگاه فرهنگیان قم

## یادداشت چهارصد و سی و دو رهبری آموزشی و حکمرانی ادراک: بازاندیشی نقش نهادهای آموزشی در مواجهه با جنگ شناختی

تحول میدان‌های نبرد از «جغرافیا» به «قلمرو ادراک»، جنگ شناختی را به یکی از تهدیدات اصلی عصر حاضر تبدیل کرده است؛ جایی که هدف، نه تخریب فیزیکی، بلکه تغییر در معماری ذهن، دستکاری ادراک و جهت‌دهی به تصمیم‌گیری است. در این فضا، عملیات اطلاعاتی و عملیات روانی، با بهره‌گیری از تکنیک‌هایی مانند بمباران اطلاعاتی، به صورت هم‌افزا عمل می‌کنند و نهادهای آموزشی، از مدرسه تا دانشگاه، در خط مقدم این مواجهه قرار دارند. از همین‌رو، رهبری آموزشی به عنوان نقطه اتکای مدیریت این میدان پیچیده، اهمیت می‌یابد. جنگ شناختی با برجسته‌سازی گزینشی اطلاعات و هدایت روایت‌ها، برداشت افراد از واقعیت را شکل می‌دهد و می‌تواند به سوگیری‌های شناختی، کاهش اعتماد و اختلال در قضاوت منجر شود. دانش‌آموزان و دانشجویان، به دلیل شکل‌گیری تدریجی چارچوب‌های فکری، نسبت به این فشارهای هدفمند آسیب‌پذیرترند؛ از این‌رو، نقش نهادهای آموزشی از انتقال صرف دانش به توانمندسازی شناختی و پرورش قدرت تحلیل تغییر یافته است. در چنین بستری، رهبری آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها باید به عنوان «رهبر شناختی» عمل کند و هم‌زمان چند محور راهبردی را پیش ببرد. نخست، ایمن‌سازی ادراکی از طریق توسعه سواد رسانه‌ای است. در این مسیر، دانش‌آموزان و دانشجویان باید توانایی تشخیص اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده، ارزیابی منابع و تحلیل نحوه تولید و انتشار محتوا را کسب کنند تا در برابر دستکاری روایت‌ها و جریان‌های هدفمند اطلاعاتی، واکنشی آگاهانه داشته باشند. دوم، تقویت تفکر انتقادی و مهارت‌های فراشناختی است. کلاس درس و فضای دانشگاه باید به محیطی برای پرسشگری، استدلال و ارزیابی شواهد تبدیل شود تا یادگیرندگان بتوانند بر شیوه اندیشیدن خود نظارت کرده و در برابر سوگیری‌هایی مانند تأییدگرایی و اثر تکرار مقاومت کنند. سوم، مدیریت فضای روانی-عاطفی در محیط‌های آموزشی است. جنگ شناختی اغلب با ایجاد اضطراب، بی‌اعتمادی و دوگانگی‌های ذهنی همراه است و رهبران آموزشی باید با ایجاد فضای امن، هدایت گفت‌وگوها و تنظیم هیجانات جمعی، از تبدیل مدرسه و دانشگاه به بستر تشدید تنش جلوگیری کنند. چهارم، مهندسی برنامه درسی، به‌ویژه برنامه درسی پنهان است. بسیاری از نگرش‌ها و شیوه‌های فکر کردن در لایه‌های غیررسمی و در جریان تعاملات روزمره شکل می‌گیرند و هدایت آگاهانه این فضا می‌تواند به تقویت استقلال فکری و مسئولیت‌پذیری شناختی منجر شود. در این میان، معلمان و اساتید به عنوان رهبران

فکری، نقش کلیدی در فعال نگه داشتن ذهن‌ها، هدایت گفت‌وگوها و پاسخ به چالش‌های شناختی دارند. با این حال، تحقق این نقش با چالش‌هایی مانند مقاومت ساختاری نظام‌های آموزشی در برابر تغییر، فاصله میان آموزش رسمی و تحولات شناختی و ضعف مهارت‌های تحلیلی در برخی سطوح مواجه است. غلبه بر این موانع مستلزم بازنگری در سیاست‌های آموزشی و سرمایه‌گذاری هدفمند در توسعه حرفه‌ای معلمان، اساتید و مدیران آموزشی است. آنچه سرنوشت فردی و جمعی را رقم می‌زند، نه میزان دانسته‌ها، بلکه شیوه اندیشیدن و توان تمییز است. در این چارچوب، مدرسه و دانشگاه به کانون‌های شکل‌دهی امنیت ادراکی جامعه بدل شده‌اند و رهبری آموزشی نقشی تعیین‌کننده در هدایت ذهن‌ها، تقویت قدرت تشخیص و پرورش عاملیت شناختی نسل آینده دارد. آینده از آن نظام‌های آموزشی‌ای است که بتوانند انسان‌هایی تحلیل‌گر، مقاوم و آگاه تربیت کنند؛ انسان‌هایی که در مواجهه با جریان‌های پیچیده اطلاعاتی، نه منفعل، بلکه سنجشگر و انتخاب‌گر عمل می‌کنند.

### کریم شاطری

عضو هیئت‌علمی گروه آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان استان ایلام

## یادداشت چهارصد و سی و سه تحقیر بن سلمان توسط ترامپ

دونالد ترامپ در حضور یک مجمع سرمایه‌گذاری سعودی در میامی با لحنی تحقیرآمیز خطاب به ولیعهد عربستان سعودی بن سلمان گفت: «او فکر نمی‌کرد که بیاید با من بیوسد، واقعاً این را باور نداشت... و حالا باید با من خوش‌برخورد باشد... بهتر است با من خوب باشد، باید این کار را بکند...»

درس‌هایی از «تحقیر بن سلمان»؛ نگاهی تحلیلی برای جامعه دانشگاهی  
همکاران گرامی و دانشجویان عزیز،

اظهارات اخیر ترامپ خطاب به بن سلمان، صرفاً یک خبر سیاسی نیست، بلکه فرصتی است برای تأمل در چند مفهوم کلیدی که ارتباط مستقیمی با دغدغه‌های آموزشی و تربیتی ما در دانشگاه دارد:

۱. «تحقیر» به‌عنوان ابزار قدرت: ترامپ با استفاده از لحنی تند و «تحقیرآمیز»، به جای دیپلماسی متعارف، سعی در تحمیل اراده و نشان دادن برتری خود داشت. این روش، نمایانگر «دیپلماسی ارباب» و اهمیت «قدرت روانی» در روابط بین‌الملل است.

درس برای ما: باید بتوانیم «زبان قدرت» را بشناسیم و تحلیل کنیم. همچنین، این رویداد بر اهمیت «استقلال فکری» و «کرامت ملی» تأکید می‌کند؛ همان‌طور که دغدغه‌ی «تمامیت اسلام» مطرح شد، حفظ «تمامیت» هویت و غرور ملی نیز حیاتی است.

۲. ارتباط «تمامیت هویت» و «کرامت»: «تحقیر» یک فرد یا ملت، به معنای حمله به «تمامیت» هویت و ارزش‌های اوست. این با دغدغه‌ی «تمامیت اسلام» که پیشتر مطرح شد، هم‌راستا است؛ هر دو به لزوم حفظ یکپارچگی و اصالت هویت اشاره دارند.

درس برای ما: در هر سطحی از تعامل، باید برای حفظ «کرامت انسانی» و «تمامیت» هویت خود و دیگران تلاش کنیم و بر «اتکا به توان درونی» تمرکز نماییم.

۳. اهمیت «منبع خبر» و «تحلیل روایی»: بخش پایانی خبر که بر دنبال کردن اخبار دقیق از منابع مشخص تأکید دارد، اهمیت «دقت» و «راستی‌آزمایی» در عصر اطلاعات را برجسته می‌کند. هر خبر، روایتی است با منافع خاص خود.

درس برای ما: باید مهارت «تحلیل انتقادی منابع خبری» را در خود و دانشجویان تقویت کنیم و از پذیرش بی‌چون و چرای اطلاعات پرهیز نماییم. امیدوارم این نگاه تحلیلی، دریچه‌ای نو به‌سوی درک عمیق‌تر مسائل روز و تقویت نگاه استراتژیک در محیط دانشگاه بگشاید.

### معصومه شصتی

عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی شهید مفتاح دانشگاه فرهنگیان تهران

## یادداشت چهارصد و سی و چهار

### وطن‌فرشی در نظام آموزشی: چالش و راهکارهای برنامه‌ریزی درسی

وطن‌فرشی، پدیده‌ای تربیتی-اجتماعی جدی، نه تنها تهدیدی به هویت ملی است، بلکه شکستی بنیادین در تربیت مدنی و ملی دانش‌آموزان محسوب می‌شود. این پدیده در سطح فردی با تردید در قدرت ملی، تحقیر از تاریخ و فرهنگ ملی و ترجیح ارزش‌های خارجی ظهور می‌یابد، و در سطح ساختاری از طریق کتاب‌های درسی نامناسب، تدریس بی‌روح و فقدان نگرش تربیتی به میهن، تقویت می‌شود. کتاب‌های درسی که به جای ترویج هویت ملی، فرهنگ‌های خارجی را مدل می‌کنند یا میراث فرهنگی ایرانی را نادیده می‌گیرند، فضایی ایجاد می‌کنند که وطن‌فرشی را طبیعی و جذاب می‌نمایند. این مسئله با تأثیر رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی در مدارس متوسطه، گسترش یافته و پایدار می‌شود. معلم به عنوان عامل اصلی انتقال محتوا، نقش حیاتی دارد. معلمانی که با نگرش بی‌طرف یا بی‌اعتمادی به میهن، محتوای درسی را بی‌معنا ارائه می‌دهند، به طور غیرمستقیم وطن‌فرشی را تقویت می‌کنند. این وضعیت منجر به تضعیف هویت ملی، تخریب اعتماد به نظام آموزشی و تولید نسلی بی‌پیوند با میهن می‌شود.

#### راهکارهای برنامه‌ریزی درسی:

۱. بازسازی محتوای کتاب‌های درسی بر اساس هویت ملی، تاریخ ایران و فرهنگ اصیل، با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی، ملی و مذهبی.
۲. طراحی برنامه‌های آموزشی تخصصی برای معلمان در زمان دانشجویی و در طول خدمت در زمینه آسیب‌شناسی و مقابله با نشانه‌های وطن‌فرشی و تدریس ارزش‌های ملی با رویکرد جذاب و معنادار.
۳. استناد به منابع تربیتی ملی مانند شاهنامه فردوسی به عنوان متن اصلی تربیتی، که با داستان‌های شهادت، عشق به وطن و مقاومت در برابر ظلم، اساس میهن‌پرستی را بنا نهاده است. نتیجه: با بازگشت به شاهنامه به عنوان منبع تربیتی-برنامه‌ریزی درسی، نه تنها وطن‌فرشی مهار می‌شود، بلکه هویت ملی با پایه‌ای تاریخی، فرهنگی و آموزشی تقویت می‌گردد. برنامه درسی باید به عنوان ابزاری فعال در بازسازی میهن‌پرستی و مقابله با تکذیب هویت ملی عمل کند.

#### زهره حمزه لو

عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت چهارصد و سی و پنج ایران در آینه تاریخ؛ روایتی زنده در حافظه یک ملت

برای یک مورخ، ایران تنها یک سرزمین بر نقشه نیست؛ ایران روایتی بلند در دل زمان است. سرزمینی که قرن‌ها در متن حوادث زیسته و در حافظه تاریخی مردمانش تداوم یافته است. تاریخ ایران پر از لحظه‌هایی است که این سرزمین در معرض تهدید و آشوب قرار گرفته، اما هر بار با اراده و همبستگی مردمانش دوباره ایستاده است. سال‌هاست که در کلاس‌های تاریخ، از فراز و فرودهای این سرزمین سخن می‌گوییم؛ از روزگار هجوم‌ها، از دوران ویرانی‌ها و از زمان‌هایی که گمان می‌رفت ایران دیگر نتواند قامت راست کند؛ اما هر بار که صفحات تاریخ را ورق می‌زنیم، می‌بینیم که این سرزمین دوباره از دل همان دشواری‌ها برخاسته و ادامه یافته است. این روزها که نام ایران بیش از همیشه در ذهن و زبان ما جاری است، بیش از گذشته می‌فهمم که تاریخ تنها روایت گذشته نیست؛ تاریخ نوعی پیوند عاطفی میان ما و سرزمینی است که در آن زندگی می‌کنیم. پیوندی که نسل‌های پیش از ما آن را ساخته‌اند و اکنون در حافظه ما ادامه دارد. برای یک مورخ، ایران مجموعه‌ای از تاریخ‌ها، خاطره‌ها و تجربه‌های مشترک یک ملت است. پاسداشت این حافظه تاریخی یعنی فهم این حقیقت ساده اما عمیق: ایران تنها متعلق به گذشته نیست، بلکه امانتی برای آینده است. پاس داشت این روایت یعنی زنده نگه داشتن آگاهی، هویت و مسئولیت در برابر آینده و پاسداری از نفس ماندگاری ایران در حافظه زمان.

### اکرم ناصری

استادیار گروه آموزش تاریخ، عضو هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان استان خراسان جنوبی

## یادداشت چهارصد و سی و شش جنگ رمضان: صحنه‌ای برای آزمون ایمان و عمل

جنگ رمضان عرصه ایمان و عمل است، عرصه‌ای که در روزهای سپری شده از جنگ به خوبی توسط دلاورمردان در خط مقدم جنگ و مردم عزیز کشورمان در میدان نمایان شده است. این جنگ یکی از مهم‌ترین وقایع سرنوشت ساز در تاریخ معاصر ایران است و جایگاه ویژه‌ای در هویت ملی خواهد داشت. ایمان و عمل ارتباط مستقیم با نظام تعلیم و تربیت ما داشته و یکی از اهداف آن است. جنگ رمضان اهمیت و جایگاه ویژه نظام تعلیم و تربیت را در پرورش نیروهای متخصص و متعهد برای مقابله با انواع تهدیدات دشمن آشکار ساخت. در این نبرد، ایمان راسخ و عمل انقلابی، یکی از خروجی‌های نظام تعلیم و تربیت ما را در قالب صنعت دفاعی موشکی متبلور کرد. صنعتی که دشمنان ما سال‌ها با تکیه بر مذاکرات و تحریم‌ها، سعی در محدود کردن و ناتوان کردن آن داشته‌اند اما به دلیل بومی سازی آن توسط نخبگان کشور عزیزمان ایران، شاهد رشد و به‌روز ماندن آن بوده‌ایم و در حال حاضر یکی از افتخارات ملی ما در دفاع از میهن به حساب می‌آید. نظام تعلیم و تربیت می‌تواند به‌عنوان بستری برای پرورش متخصصان و فناوران آینده، همواره در جهت پشتیبانی از صنایع دانش‌بنیان و به‌ویژه صنایع دفاعی گام بردارد. برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند، به‌ویژه در حوزه علوم پایه و علوم مهندسی به تقویت بنیان‌های علمی و فناوری کشور و به تضمین برتری ما در تمامی ابعاد دفاعی در آینده نیز کمک خواهد کرد. همچنین، تربیت نسلی آگاه، متخصص و متعهد سرمایه‌ای ارزشمند برای دفاع از انقلاب و تحقق اهداف ملی است.

**مصطفی ایمان فر**

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان قم

## یادداشت چهارصد و سی و هفت وظایف یک معلم در جنگ رمضان

آموزش فرهنگی: وظیفه آموزش و پرورش، تنها انتقال دانش، تربیت و انتقال معلومات نیست، بلکه پرورش خلاقیت، همراه با استقلال است. یکی از مهم‌ترین آرمان‌های جامعه، تربیت فرهنگی و اجتماعی و پرورش اخلاقی دانش‌آموزان است. هر معلمی، برای آشنایی با وظایف خود کافی است به بیانات رهبر شهید رضوان الله تعالی علیه مراجعه نماید. «احساس هویت ایرانی و اسلامی و شخصیت ملی را در کودکان این کشور باید زنده کنید. مسئله‌ی زبان مهم است، مسئله‌ی ملیت مهم است، مسئله‌ی پرچم مهم است؛ دلبسته باید باشد؛ این‌ها چیزهای لازمی است، این‌ها اساسی است. بایستی این شناخت را، این هویت‌شناسی ملی و شخصی را در دانش‌آموز زنده کنید. مفاخر ملی، سابقه‌ی فرهنگی، عزت تاریخی، وقتی که به نوجوان و جوان نشان داده بشود، در او احساس عزت به وجود می‌آید.» ما معلمان باید همواره به خاطر داشته باشیم که اصولاً ترقی هر جامعه در گرو فعالیت‌هایی است که در آموزش و پرورش انجام می‌گیرد و امری است تعطیلی ناپذیر و همه‌جانبه و فراگیر. پس باید آشنایی فرزندان این مرز و بوم با هویت ایرانی اسلامی را سرلوحه کارهای خویش قرار دهیم.

### فاطمه مرادی

هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان تهران پردیس شهدای مکه



## یادداشت چهارصد و سی و هشت بیانات تربیتی امام علی (ع) با مجاهدان میدان جنگ نظامی

ماه‌ها قبل از شروع جنگ تحمیلی، دشمنان متجاوز آمریکایی صهیونی تبلیغات روانی بسیار وسیعی در سطح رسانه‌ها مطرح کردند که ما فلان ناو جنگی و... را وارد صحنه کرده‌ایم و در عرض چند روز عملیات می‌توانیم نظام ایران را تغییردهیم. ولی باتمام این اوصاف بامجاهدت رزمندگان غیور و حمایت مردم عزیز ایران اسلامی واز همه مهم‌تر دست خدا بالای دست‌هاست را به وضوح می‌بینیم والان دراکثر کشورهای دنیا وحتی خود مردم آمریکا علیه رأس کشورشان تظاهرات گسترده‌ای درخصوص نه به جنگ و تجاوز به پا کرده‌اند. لذا تمرکز براین سخنان امام علی (ع) راهگشای بسیاری ازمسایل امروز ماست.

۱. سر و صدای زیاد دشمن، دلیل بر پیروزی او نیست. «وَقَدْ أَرَعَدُوا وَابْرَقُوا وَمَعَ هَذَيْنِ الْأُمَرَاءِ الْفَشْلُ وَ لَسْنَا نَزْعِدُ حَتَّى نُوْقِعَ وَلَا نُسِيلُ حَتَّى نُمْطِرَ؛ دشمنان رعد و برق‌ها به راه انداختند، اما کارشان به «سستی» و «شکست» گرایید؛ ولی ما تا بر دشمن نتازیم هیاهو به راه نمی‌اندازیم و تا باران نباریم سیل جاری نمی‌کنیم.» (نهج‌البلاغه؛ خطبه ۹)

۲. در نبرد با باطل هرگز «سستی» و «سازش» نکنید. «وَلَعَمْرِي مَا عَلَيَّ مِنْ قِتَالٍ مَنْ خَالَفَ الْحَقَّ وَ خَابَطَ الْغَيَّ مِنْ إِدْهَانٍ وَلَا إِيْهَانٍ؛ به جان خودم سوگند در پیکار با کسی که با حق به مخالفت برخاسته و در گمراهی گام برداشته هرگز سازش و سستی نمی‌کنم.» (نهج‌البلاغه؛ خطبه ۲۴)

۳. «صبر» و «مقاومت»، بهترین راه نزدیک کردن پیروزی. «فَخَذُوا لِلْحَرْبِ أَهْبَتَهَا وَ أَعَدُّوا لَهَا عُدَّتَهَا فَقَدْ شَبَّ لَظَاهَا وَ عَلَا سَنَاهَا وَ اسْتَشْعَرُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ أَدْعَى إِلَى النَّصْرِ؛ اکنون برای جنگ آماده شوید و ساز و برگ آن را فراهم آورید که آتش جنگ زبانه کشیده و روشنایی آن سر برآورده؛ شکیبایی و صبر را لباس زیرین (و ملازم همیشگی) خود سازید که بهترین چیزی است که پیروزی را به سمت شما فرامی‌خواند.» (نهج‌البلاغه؛ خطبه ۲۶)

### علیرضا حیدری سه ده

عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی

## یادداشت چهارصد و سی و نه

### امنیت روانی کودکان در سایه توجه تربیتی در روزهای بحران

در شرایط بحران و جنگ، یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌های جامعه کودکان و نوجوانان هستند. آنان هنوز در مرحله شکل‌گیری هویت روانی و اجتماعی قرار دارند و درک کامل و دقیقی از پیچیدگی‌های رخداد‌های پیرامون خود ندارند. از این رو، اخبار نگران‌کننده، فضای اضطراب‌آلود و نگرانی بزرگسالان می‌تواند احساس ناامنی و ترس را در ذهن آنان تشدید کند. در چنین شرایطی، توجه آگاهانه خانواده‌ها و نظام آموزشی به سلامت روانی کودکان و نوجوانان اهمیت دوچندان می‌یابد. نخستین گام در این مسیر، ایجاد احساس امنیت است. کودکان بیش از هر چیز به حضور آرام و اطمینان‌بخش بزرگسالان نیاز دارند. زمانی که والدین و معلمان با آرامش با آنان گفت‌وگو می‌کنند و به پرسش‌هایشان پاسخ‌هایی ساده و متناسب با سنشان می‌دهند، از شکل‌گیری تخیلات نگران‌کننده در ذهن آنان جلوگیری می‌شود. سکوت یا ارائه اطلاعات نادرست ممکن است اضطراب آنان را افزایش دهد. از سوی دیگر، حفظ برنامه‌های روزمره مانند درس، بازی، ورزش و تعامل با همسالان می‌تواند به ثبات روانی کودکان کمک کند. فعالیت‌های بدنی، بازی‌های گروهی و برنامه‌های آموزشی خلاقانه فرصتی فراهم می‌آورد تا انرژی هیجانی آنان به شکلی سالم تخلیه شود و احساس عادی بودن زندگی تا حدی حفظ گردد. در این میان، معلمان و به‌ویژه معلمان آینده که در دانشگاه فرهنگیان تربیت می‌شوند، نقشی اساسی دارند. آنان می‌توانند با ایجاد فضای گفت‌وگو، تقویت امید، آموزش مهارت‌های مقابله با اضطراب و توجه به نیازهای عاطفی دانش‌آموزان، به حفظ تعادل روانی آنان کمک کنند. توجه به کودکان و نوجوانان در روزهای بحران تنها یک اقدام حمایتی نیست، بلکه سرمایه‌گذاری برای آینده جامعه است؛ زیرا نسل‌هایی که در فضای توجه، امنیت و امید رشد کنند، توانایی بیشتری برای ساختن فردایی آرام‌تر و پایدارتر خواهد داشت.

### حجت مردانه طالش‌مکائیل

هیئت علمی گروه آموزش تربیت‌بدنی، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان استان اردبیل

## یادداشت چهارصد و چهل استقامت مردم ایران در طول جنگ رمضان و درسی که به جهانیان آموخت:

استقامت ملت ایران، همیشه نمادی از ایمان عمیق به خدا و ارزش‌های اسلامی بوده است. این مبارزه با ظلم و ستم، نه تنها یک مسیر سیاسی، بلکه یک سفر معنوی است که در آن مردم با ایمان قلبی به ائمه معصومین (صلی‌الله‌علیه‌م‌وآله‌وسلم)، گام به گام به سوی عدالت حرکت می‌کنند. این استقامت، نه تنها قلب‌ها را تقویت می‌کند، بلکه این مقاومت و امید را به جهانیان ارزانی می‌دارد. اعتقاد قلبی به ائمه معصومین، یک نور است که در تاریکی‌ها می‌درخشد و به مردم قدرت می‌دهد تا با امید و اتحاد، روزهای سخت را پشت سر بگذارند. این اعتقاد، نه تنها یک باور، بلکه منبعی از انگیزه و شجاعت است. ملت ایران می‌داند که میراثی اسلامی و معصومی دارد که همیشه با او همراه است و هرگز از بین نخواهد رفت در این مسیر، مبارزه با ظلم و ستم وظیفه تک تک آحاد ملت است. مردم با همکاری، یکپارچگی و اتحاد، می‌توانند نشان دهند که اسلام یک دین عدالت محور، امید بخش و مقاومت ساز است. این مبارزه، نه فقط با زبان، بلکه با اقدامات و عملکرد روزمره نیز باید ادامه پیدا کند. چراکه هر گام در جهت عدالت، یک نشانه از ایمان و استقامت است. در پایان یاد آور می‌شوم، استقامت و ایمان ملت ایران، یک پیام ماندگار برای جهانیان است. این پیام می‌گوید که هرگز نمی‌توان با فشار و ستم، انسان‌هایی مؤمنی را که به خدا و ائمه معصومین (صلی‌الله‌علیه‌م‌وآله‌وسلم) ایمان راسخ دارند، شکست داد. این استقامت و مبارزه، ادامه دارد و هرگز از بین نخواهد رفت؛ چون قلب مردم همیشه با حق است و با اسلام و بیاری خدا اسلام پیروز است.

محسن امیری بیدشکی

مدرس گروه ریاضی دانشگاه فرهنگیان استان کرمان

## یادداشت چهارصد و چهل و یک

### حریت؛ «مسئولیت خطیر نخبگان در بزنگاه مقام حریت عزیز است».

از استاد ابوعلی شنیدم رحمه الله که ابوالعباس سیّاری گفت: اگر نماز روا بودی بی قرآن، بدین بیت روا بودی:

أَتَمَّتْنِي عَلَى الزَّمانِ مُحالاً أَنْ يَرَى مُقْتَلَايَ طَلَعَهُ حَرْ

(از روزگار محالی آرزو دارم و آن اینکه چشمانم به رخسار آزاده‌ای بیفتد)

(رسالهٔ قشیریه، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، ص ۳۴۳)

آزادی و آزادی از برترین فضایل انسانی است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: اللهم اجعل نفسي اول كريمه تنزعها عن كرائمي ... خداوندا اولین فضیلتی که اگر قرار باشد از من بگیری جانم باشد! یعنی پیش از آنکه آزادی‌ام، عدالت، انصاف و دیگر فضایلم را از من بگیری جانم را بستان! ژان پل سارتر، فیلسوف فرانسوی، می‌گوید آدمی محکوم به مسئول بودن است. یا به گفته شاملو آدمی دشواری وظیفه است. بزرگ‌ترین مسئولیت و وظیفه آدمی حفظ کرامت و فضایل انسانی است. در منازعات دوسویه آدمی دست به داوری می‌زند و مسئول است جانب یک طرف را بگیرد. کفه‌ای که فضایل انسانی در آن سنگ‌تر باشد همان سمتی است که وظیفه آدمی او را ملزم می‌کند همان سمت بایستد. در جانب فضایل اخلاقی را گرفتن، مسئولیت و وظیفه نخبگان، استادان و روشنفکران خطیرتر است. اینکه آن‌ها مصداق ایدئالی در جامعه هستند که عموم مردم سمت و سوی آن‌ها را معتبر می‌دانند. اگر این افراد جانب حریت و دیگر فضایل را بگیرند، جامعه هم جامعه‌ای پویا و اخلاقی خواهد بود. در بزنگاه‌ها هم اما عده‌ای دچار تردید، ترس و ملاحظه‌کاری می‌شوند. بعضی منتظر می‌مانند تا دیگران آن وظیفه را انجام دهند یا دست‌کم اولین قدم را دیگری بردارد. ویلیام جیمز در رساله «اراده معطوف به باور» در تبیین یک مفهوم فلسفی، مثالی می‌زند؛ می‌گوید چند دزد مسلح، یک قطار با بیش از پانصد مسافر را گروگان می‌گیرند ولی کسی جرئت نمی‌کند با آنها مقابله کند، چون همه این پانصد نفر منتظرند اولین گام را \*دیگری\* بردارد. در باب مسائل اجتماعی نیز همین روند صادق است؛ افراد مؤثر اجتماعی به‌عنوان پیشران‌های اجتماعی وظیفه دارند مارپیچ سکوت را بشکنند و نیروهای اجتماعی را آزاد کنند. بزنگاه‌هایی مثل جنگ، آزمون بزرگی برای افراد شناخته‌شده و طبقه دانشگاهی و روشنفکری است تا این بندها را بگسلند و آزادی خود را نشان دهند. به قول مولانا:

بند بگشا باش آزاد ای پسر...

وظیفه این افراد صرفاً نقد وضعیت داخلی کشور نیست و سوای این، وظایف خطیر دیگری هم دارند. اگر این طبقات ملاحظه‌کاری یا تردید در پیش بگیرند و به وظیفه‌شان عمل نکنند در چشم عامه مردم بی‌تأثیر و ... تلقی می‌شوند. در بزنگاه دشوار کنونی یعنی جنگ تحمیلی عموم مردم ما گویا خودشان پیش‌قراول شکستن سکوت شده‌اند و با تمام قوا به میدان آمده‌اند. با این‌وجود، این امر از طبقه دانشگاهی، نخبگان و روشنفکران سلب مسئولیت و وظیفه نمی‌کند بلکه وظیفه‌شان را مضاعف و سنگین‌تر کرده است. بر این طبقه است بکوشند و جانب فضایل انسانی، آیینی و ملی را بی‌لکنت بگیرند. فضایی چون حریت، وطن‌پرستی و ... ایران عزیز ما هزاران سال است مهد افراد فضیلت‌مند بزرگی و بستر فضایل بوده است. بر ماست که دوستش بداریم به بانگ بلند و در حفاظت از آن بکوشیم:

آشکارا نهان کنم تا چند؟ دوست می‌دارمت به بانگ بلند

### مرتضی براتی

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان خوزستان

## یادداشت چهارصد و چهل و دو تربیت پاسداری از میهن

فردوسی در شاهنامه با بیانی استوار می‌گوید:

اگر سر به سر تن به کشتن دهیم محال است کشور به دشمن دهیم

این بیت تنها سخنی حماسی نیست، بلکه بیانگر روحیه‌ای عمیق در فرهنگ ایرانی است؛ روحیه‌ای که بر مسئولیت‌پذیری، همبستگی و پاسداری از سرزمین استوار است. در این نگاه، حفظ میهن صرفاً وظیفه گروهی خاص نیست، بلکه تعهدی جمعی است که از دل آگاهی و تربیت برمی‌خیزد. در رخدادهایی چون «جنگ رمضان»، جلوه‌هایی از همین روحیه تاریخی دیده می‌شود؛ هنگامی که جامعه در برابر تهدیدها با همدلی و استواری می‌ایستد و نشان می‌دهد که پیوند مردم با هویت و سرزمینشان پیوندی عمیق و ریشه‌دار است. چنین ایستادگی‌ای پیش از آنکه در میدان‌های رویارویی شکل بگیرد، در میدان تربیت و فرهنگ ساخته می‌شود. از این منظر، تربیت نقشی اساسی در شکل‌گیری این روحیه دارد. نسلی که با ارزش‌هایی چون مسئولیت اجتماعی، عشق به میهن، اخلاق و آگاهی تاریخی پرورش یابد، در لحظه‌های حساس نیز از سرزمین و فرهنگ خود پاسداری خواهد کرد. در این میان، دانشگاه فرهنگیان جایگاه مهمی دارد. این دانشگاه با تربیت معلمان آگاه و مسوول، در حقیقت معماران فرهنگی آینده جامعه را پرورش می‌دهد. معلمانی که در کلاس‌های درس، علاوه بر انتقال دانش، روحیه مسئولیت‌پذیری، هویت ملی و اخلاق اجتماعی را نیز به نسل‌های جوان منتقل می‌کنند.

پیام بیت فردوسی همچنان زنده است:

پاسداری از کشور تنها در میدان نبرد شکل نمی‌گیرد، بلکه از کلاس‌های درس و فرایند تربیت آغاز می‌شود؛ جایی که انسان‌هایی آگاه، مسئول و وفادار به ارزش‌های انسانی و ملی پرورش می‌یابند.

### رسول بهنام

عضو هیئت علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان استان آذربایجان غربی

## یادداشت چهارصد و چهل و سه

### برنامه چهار ماده آیی (ایمان، عمل صالح، توأسی به حق و صبر) با توجه به آیات سوره مبارکه عصر

#### برنامه چهار ماده‌ای خوشبختی

قابل توجه این که: قرآن برای نجات از آن خسران عظیم، برنامه جامعی تنظیم کرده، که در آن بر چهار اصل تکیه شده است:

**اصل اول**، در این برنامه، ایمان است، که زیربنای همه فعالیت‌های انسان را تشکیل می‌دهد؛ چراکه تلاش‌های عملی انسان از مبانی فکری و اعتقادی او سرچشمه می‌گیرد، نه همچون حیوانات که حرکتشان به خاطر انگیزه‌های غریزی است. و به تعبیر دیگر: اعمال انسان تبلوری است از عقائد و افکار او، و به همین دلیل، تمام انبیا، و اولیای الهی قبل از هر چیز، به اصلاح مبانی عقیدتی امت‌ها می‌پرداختند، مخصوصاً با شرک (شرکت جاهلیت مدرن) که سرچشمه انواع رذائل، بدبختی‌ها و پراکندگی‌ها است، به مبارزه می‌پرداختند. جالب این که: ایمان در اینجا به‌طور مطلق ذکر شده است، تا شامل ایمان به همه مقدسات گردد، یعنی: از ایمان به خدا و صفات او گرفته، تا ایمان به قیامت، حساب، جزاء، کتب آسمانی، انبیای الهی و اوصیای آنها.

در **اصل دوم**، به میوه درخت بارور و پر ثمره ایمان پرداخته، از اعمال صالح سخن می‌گوید. چه تعبیر وسیع و پر محتوایی، آری صالحات همان اعمال شایسته، نه فقط عبادات، نه تنها انفاق فی سبیل الله، نه فقط جهاد در راه خدا، نه تنها کسب علم و دانش، بلکه هر کار شایسته‌ای که وسیله تکامل نفوس، پرورش اخلاق، قرب الی الله و پیشرفت جامعه انسانی در تمام زمینه‌ها شود. ممکن است نمونه بارز عمل صالح الان حضور در خیابان‌ها در شب، اگر ایمان عمیقاً در جان انسان جای گیرد، چنین آثاری را از خود ظاهر می‌سازد. ایمان، تنها یک اندیشه و اعتقاد در زوایای روح و فاقد هر گونه تأثیر نیست، ایمان تمام وجود انسان را به رنگ خود درمی‌آورد. ایمان، همانند چراغ پر نوری است که درون اطّاقی روشن شود، نه تنها فضای اطّاق را نورانی می‌کند، بلکه شعاع آن از تمام دریچه‌های اطّاق به بیرون می‌افتد، و هر کس از خارج بگذرد، به‌خوبی می‌فهمد آنجا چراغ پر نوری روشن است. همین گونه، وقتی چراغ ایمان در سرای قلب انسان روشن شود، نور آن از زبان، چشم، گوش و دست و پای انسان منعکس می‌شود، حرکات هر کدام از آنها نشان می‌دهد، نوری در قلب است که اشعه‌اش بیرون تافته. به همین دلیل، در آیات قرآن، غالباً عمل صالح همراه ایمان به‌عنوان لازم و ملزوم یکدیگر آمده است، در آیه ۹۷ سوره نحل حیات پاکیزه‌ای زنده

می‌کنیم. و در آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمنون، و از آنجا که ایمان و اعمال صالح، هرگز تداوم نمی‌یابد، مگر این که: حرکتی در اجتماع برای دعوت به سوی حق و شناخت و معرفت آن از یکسو، و دعوت به استقامت و صبر در طریق انجام این دعوت از سوی دیگر، صورت پذیرد، به دنبال این دو اصل، به دو اصل دیگر اشاره می‌فرماید که در حقیقت ضامن اجرای دو اصل اساسی ایمان و عمل صالح است.

در **اصل سوم**، به مسئله تواصی به حق یعنی دعوت همگانی و عمومی به سوی حق اشاره می‌کند، تا همگان حق را از باطل به‌خوبی بشناسند و هرگز آن را فراموش نکنند، و در مسیر زندگی از آن منحرف نگردند. تَوَاصُوا از ماده تَوَاصَى همان گونه که راغب در مفردات آورده، به معنی آن است که بعضی، بعض دیگر را سفارش کنند. و حق به معنی واقعیت یا مطابقت با واقعیت است، (حق جبهه مقاومت در مقابل جبهه باطل).

در **اصل چهارم**، مسئله شکیبائی و صبر و استقامت و سفارش کردن یکدیگر به آن مطرح است؛ چراکه بعد از مسئله شناخت و آگاهی، هر کس در مسیر عمل در هر گام با موانعی روبرو است، اگر استقامت و صبر نداشته باشد، هرگز نمی‌تواند احقاق حق کند، و عمل صالحی انجام دهد و یا ایمان خود را حفظ کند. آری، احقاق حق، و اجرای حق، و ادای حق در جامعه، جز با یک حرکت و تصمیم‌گیری عمومی و استقامت و ایستادگی در برابر موانع ممکن نیست.

با توجه به این اصول چهارگانه به راستی، اگر مسلمانان امروز، همین اصول چهارگانه را در زندگی فردی و اجتماعی خود اجرا کنند، مشکلات و نابسامانی‌های آنها حل می‌شود، عقب ماندگی‌ها جبران می‌گردد، و ضعف‌ها و شکست‌ها به پیروزی مبدل می‌شود، و شرّ اشرار جهان از آنها قطع می‌گردد.

### ابراهیم صفی خانی

استادیار گروه الهیات و معارف، دانشگاه فرهنگیان قزوین، ایران



## یادداشت چهارصد و چهل و چهار اختلال شخصیت خودشیفتگی ترامپ

به قانون گذاران آمریکایی پیشنهاد می‌شود در دوره‌های بعدی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، از کاندیداها، تست روانشناسی اختلالات شخصیتی گرفته شود؛ چراکه رییس جمهور فعلی آمریکا (ترامپ)، دارای اختلال شخصیت خودشیفتگی (Narcissism) است و از این باب، لطمات جبران ناپذیری به منافع ملی آمریکا وارد شده است. آقای ریاست کنگره آمریکا، پرسشنامه شخصیت خودشیفتگی (NPI) که توسط Calvin S. Hall و Robert Raskin در سال ۱۹۷۹ تهیه شده، متداول‌ترین روش اندازه‌گیری این صفت است. افراد خود شیفته همان گونه که از نامش پیداست، شیفته خود هستند و فقط خود را قبول دارند؛ بنابراین این افراد از دید دیگران در بیرون، آدم‌هایی هستند که خیلی خودخواه هستند و باید حرف، فقط حرف خودشان باشد. اختلال شخصیت خودشیفته، یک اختلال شخصیتی است که با تکیه زیاد بر خود و خودمحوری شدید مشخص می‌شود. افراد مبتلا به این اختلال، خود را بیش از حد مهم و ارزشمند می‌دانند و به تحقیر و کم‌ارزشی دیگران روی می‌آورند. این اختلال بر حس عزت‌نفس، هویت و نحوه رفتار آن‌ها با خود و دیگران تأثیر می‌گذارد. این اختلال چیزی بیش از تکبر یا خودخواهی است و می‌تواند منجر به رفتارهای مضر شود که بر فرد و اطرافیانش تأثیر منفی می‌گذارد. افراد خود شیفته به دیگران توجه نمی‌کنند و بازی درون روانی آن‌ها اینگونه است که من آدم خوبی هستم و تو آدم بدی هستی! بنابراین وقتی وارد ارتباط می‌شوند یک ارتباط بالا به پایین دارند، دستوری یا تحکمی! مانند یک رابطه ارباب با رعیتش. اگر هم مشکلی هم پیش بیاید و حتی صد در صد هم مقصر باشند باز هم نمی‌پذیرند و دوست دارند همیشه حق با آن‌ها باشد. قدرت‌طلبی در افراد خود شیفته افراطی است و این قدرت‌طلبی در حیطه‌های مختلف و به فرم‌های مختلف خود را نشان می‌دهد. به‌طور مثال در رابطه با ترامپ، می‌خواهد همه کاره جهان باشد. خودشیفتگان تمایل زیادی به قدرت، توجه و تأیید شدن دارند. با این حال، هر وقت مسئولیتی را به عهده داشته باشند، ممکن است بیشتر از پیشبرد اهداف یک سازمان، بر ارتقاء خود و سرکوب مخالفان متمرکز شوند. علت اصلی اختلال شخصیت خودشیفته دقیقاً مشخص نیست؛ اما تصور می‌شود که ژنتیک حداقل تا حدی مسئول بسیاری از این موارد است. عوامل محیطی مؤثر عبارت‌اند: از سوءاستفاده یا بی‌توجهی در دوران کودکی، تحسین افراطی کودک و انتظارات غیرواقعی والدین از فرزندان.

در این برهه تاریخی نیز، اختلال شخصیت خودشیفتگی برای ترامپ بسیار واضح و مبرهن است. چراکه جنون قدرت، نادیده گرفتن دیگران، توهین به شخصیت‌ها با انواع و اقسام الفاظ و عبارات، نامیدن تنگه هرمز به نام تنگه ترامپ، روحیه دیکتاتوری و استکباری، داعیه تصاحب گرینلند، مکزیک، کانادا، کوبا و ...، جنگ تعرفه‌ها، ستیزه جویی با مخالفان داخلی و خارجی آمریکا و بسیاری از کارهای اینچنینی، فقط از افراد خودشیفته‌ای مانند ترامپ و هیتلرها، صدام‌ها و قزافی‌ها برمی‌آید.

**حامد عبدی**

عضو هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان استان مرکزی.

## یادداشت چهارصد و چهل و پنج نگاهی متفاوت به نقش مردم ایران در جنگ رمضان

جنگ تروریستی آمریکا و صهیونیسم با جمهوری اسلامی ایران در حالی سپری می‌شود که یکی از مهمترین پیش فرضهای راهبردی طراحان این حمله \_ قیام مردم ایران علیه نظام \_ نه‌تنها محقق نشده، بلکه به بزرگ‌ترین نقطه ضعف استراتژیک مهاجمان تبدیل شده است. تاب‌آوری و همبستگی ملی در ایران، معادلات جنگ را به نفع کشور عزیزمان تغییر داده و استکبار جهانی، آمریکا و صهیونیسم را در تله تشدیدگرفتار کرده است. حملات ارتش تروریستی آمریکا و صهیونیسم در ۹ اسفند که با هدف براندازی و ترکیدن آتش قیام مردمی طراحی شده بود، با واکنشی کاملاً معکوس روبه‌رو شد. واشنگتن و تل آویو تصور می‌کردند حذف رهبر عزیز انقلاب شهیدقائد، فروپاشی حکومت انقلاب اسلامی ایران را به دنبال خواهد داشت، اما یک هفته پس از آغاز جنگ، واقعیتی کاملاً متفاوت در حال ظهور است. این وضعیت پیچیده‌تر از آن چیزی است که ترامپ ملعون امیدوار بود. در حالی که انتظار می‌رفت ترور رهبری عظیم انقلاب اسلامی، شکاف در میان نخبگان و خیزش مردم سرکوب شده را رقم بزند، آنچه رخ داد، همبستگی اجتماعی و انسجام نهادی در ایران اسلامی بود. یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات محاسباتی آمریکا اسرائیل، تحلیل نادرست از روانشناسی اجتماعی ایران بود. تغییر نظام انقلاب اسلامی که آمریکا بابه شهادت رساندن امام خامنه‌ای عزیز رهبرعظیم انقلاب اسلامی ایران تصور می‌کرد، در ایران همبستگی ملی و در سطح بین‌المللی همبستگی میان شیعیان و اهل سنت را ایجاد کرد. و برخلاف انتظار، عزم و تاب‌آوری کشورایران عزیزمان دست نخورده باقی مانده است و آنچه امروز شکل گرفته، جنگی چندجبهه‌ای، با فناوری بالا و راهبردی است که خروج سریع از آن به آرزوی آمریکا و اسرائیل تبدیل شده، نه اجبار ایران قوی و سربلند. جنگ ۱۲ روزه را باید عرصه تجلی مهر و عاطفه و همدلی میان مردم دانست. اساساً ملت ایران در تنگناها و مشکلات بیشترین حد بصیرت و هوشمندی خود را به نمایش گذاشته است و درس‌اسر شهرها و حتی روستاهای کشور عزیزمان، هرشب تجمعات میلیونی در کف خیابان‌ها در حمایت از حاکمیت انقلاب اسلامی برگزار می‌شود. سه عامل بقای نظام ایران اشاره می‌کند که اولین آن انسجام ائتلاف حاکم و رهبری است. در مواجهه با تهدید خارجی، ائتلاف حاکم ورهبی نه‌تنها از هم نمی‌پاشد، بلکه مستحکم‌تر می‌شود. این یک غریزه بقا است که در جنگ هشت ساله بارژیم بعث عراق و متحدینش شکل گرفته.

### روایت شهادت و تاب‌آوری جمعی

یکی از مؤلفه‌های کلیدی تاب‌آوری جمهوری اسلامی ایران، تبدیل تهدید به فرصت از طریق روایت شهادت است. شهادت بالاترین افتخار برای یک فرد مذهبی است. زمانی که مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای به همراه خانواده بزرگوارش به شهادت رسید، به یک قهرمان ملی وجهانی تبدیل شد؛ که شرایط، اتحاد و همبستگی ملی را در کوتاه‌ترین مدت تقویت کرد. اگرچه ایران از نظر تسلیحات هوایی و پدافندی ظاهراً در موقعیت ضعیف‌تری قرار دارد، اما تاب‌آوری مردم غیرتمند و همبستگی ملی به عنوان دو مؤلفه قدرت نرم، معادلات را به نفع نظام جمهوری اسلامی تغییر داده است. حال پایان سریع جنگ به آرزوی آمریکا و اسرائیل تبدیل شده، نه اجبار ایران. این جنگ نشان داد که نمی‌توان از طریق بمباران، تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران و اراده آهنین مردم ولایت‌مدار و شهیدپرور را تسهیل کرد. در شرایط کنونی، آنچه طراحان جنگ علیه انقلاب اسلامی ایران را غافلگیر کرده، نه توان موشکی ایران که «اراده جمعی» جامعه‌ای است که ثابت کرده بمباران نمی‌تواند آن را به زانو درآورد. ایرانیان مردمی هستند که در برابر زور و ظلم ستم و تهاجم به خاک و وطن و ناموس خود سرخم نمی‌کنند. این چنین شرایطی، در برابر آمریکا و اسرائیلی صورت گرفته است که به همین مردم وعده آزادی داده بودند، اما افزایش کشتار غیرنظامیان و ضربه دیدن زیر ساخت‌های ایران، مردم را به آغوش نظام برگرداند!

### اسفندیار باقری

استادیار گروه آموزش تاریخ دانشگاه فرهنگیان استان لرستان

## یادداشت چهارصد و چهل و شش

### دیپلماسی مقاومت: استراتژی پایداری ایران در برابر چالش‌های جهانی

«دیپلماسی مقاومت»، مفهومی است که در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان راهبردی متمایز در برابر فشارهای بین‌المللی، جایگاهی ویژه یافته است. این رویکرد، بر پایبندی به استقلال ملی، پاسداری از کرامت انسانی، و پیشبرد منافع کشور با اتکا به توانمندی‌های داخلی، به جای تسلیم در برابر اراده قدرت‌های خارجی، تأکید می‌کند. ریشه‌های این استراتژی را می‌توان در تاریخ پر فراز و نشیب مبارزات ملت ایران و تجارب آن در مواجهه با قدرت‌های استعماری و نظام سلطه جهانی جستجو کرد. در دوران معاصر، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، «دیپلماسی مقاومت» به‌عنوان یکی از ارکان اصلی سیاست خارجی ایران، مد نظر قرار گرفته است. هدف غایی این دیپلماسی، نه انزوا، بلکه حفظ حداکثر اقتدار ملی در مواجهه با تحریم‌های اقتصادی، تهدیدهای سیاسی و فشارهای بین‌المللی است. این راهبرد، ضمن بهره‌گیری هوشمندانه از ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی، و حتی دفاعی در جهت خنثی‌سازی تهدیدها، برای حفظ روابط سازنده و مبتنی بر احترام متقابل با دیگر بازیگران منطقه‌ای و جهانی نیز تلاش می‌کند؛ به عبارت دیگر، دیپلماسی مقاومت در پی آن است که از طریق نمایش اراده ملی و توانایی‌های بومی، «قدرت چانه‌زنی» خود در برابر قدرت‌های برتر را افزایش دهد.

مصطفی غفاری

استادیار گروه زبان انگلیسی دانشگاه فرهنگیان استان قزوین

## یادداشت چهارصد و چهل و هفت

### آموزه‌های قرآنی، چراغ راه ایران اسلامی در برابر زور مداران جنگ رمضان

از نظر ادیان به‌ویژه دین اسلام، اختلاف و درگیری بین انسانها امری اجتناب‌ناپذیر از طبیعت و ماهیت بشر است. قرآن کریم جهل و سرکشی، ستم پیشگی و ناسپاسی انسان، زیاده طلبی، حرص و ولع، آزمندی و خوی شیطانی را از عوامل نزاعها برشمرده است. از نظر انسان عاقلی که فطرت سالمی داشته باشد، جنگ و ویرانگری بسیار نکوهیده است؛ اما بر اساس آموزه‌های قرآنی و فطرت سالم انسان، ناچار باید در مقابل کسانی که مقاصد خود را در ناامنی، هرج و مرج، تصاحب خانه و کاشانه و غارت افراد و جوامع دیگر جستجو می‌کنند و درواقع همان متجاوزان و ستمکاران هستند، ایستاد. بنا بر این از دیدگاه قرآن کریم باید در مقابل تعدی و تجاوزگری، ستمگری، استثمار اقتصادی، برتری طلبی سیاسی و قتل و غارتگری ایستادگی کرد. اساساً فلسفه جهاد، دفاع مشروع در مقابل متجاوز، برقراری عدالت، تأمین مصالح واقعی و آزادیهای مردم بر اساس ارزش‌های انسانی و الهی است؛ و فلسفه بعثت پیامبران نیز هدایت انسان به مسیر رستگاری، عدالت و آزادی و مقابله با طغیان، استثمار طلبی، ستمگری و عصیانگری بشر است. خداوند در آیات متعدد در قرآن کریم امر به جهاد در مقابل تجاوزگران فرموده است:

۱- در سوره حج آیه ۳۹ به جواز دفاع مشروع مسلمانانی که مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند، پرداخته شده و بر یاری مدافعان مظلوم تأکید فرموده است: اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير؛ به کسانی که به آنها ظلم شده، اجازه جنگیدن داده شده است و خداوند قادر به یاری آنهاست.

۲- بر اساس دستور قرآن کریم، مسلمانان در مقابل متجاوزان موظف به جنگ و ایستادگی هستند و درواقع دستور صریح قرآنی برای مسلمانان در برابر متجاوز جنگیدن است: و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم؛ با کسانی که با شما می‌جنگند، در راه خدا بجنگید. (بقره-۱۹۰)

۳- همچنین خداوند صحنه جنگ و جهاد را میدان آزمایش مسلمانان می‌داند و می‌فرماید: ولنبلونکم حتی نعلم المجاهدین منکم و الصابرين...؛ و شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و صابران را بشناسیم... (محمد-۳۱)

۴- در مرحله بعد با لحن شدیدتر می‌فرماید: فاذا لقیتم الذین کفروا فضرِب الرقاب حتی اذا اثنتموهم فشدوا الوثاق...؛ چون با کافران روبه‌رو شدید، گردنشان را بزنید و چون آنها را سخت فرو گرفتید، اسیرشان کنید و سخت ببندید... (محمد-۴) مردم مسلمان و غیرتمند ایران اسلامی درعین سرسختی در مقابل دشمنان سفاک، که مستند به تاریخ و گذشته‌شان عامل به فرامین و

تعالیم قرآن کریم در مقابل گردنکشان جنایتکار و متجاوز، بوده و هستند، اما واقعاً در این دفاع مقدس به معنای واقعی کلمه در کنار یکدیگر با مهربانی مضاعف و عشق وافر به میهن شبانه روز ایستاده‌اند. (البته با استثنای تعداد اندکی خائن به وطن) مردم ما مصداق آیه ۲۹ سوره فتح هستند که می‌فرماید: محمد رسول الله و الذین معه اشدائ علی الکفار رحمائ بینهم...؛ محمد پیامبر خدا و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و میان خودشان با یکدیگر مهربانند...؛ و از جهاتی مشاهده جمعیت متراکم حماسه‌های شبانه مردم در خیابان‌ها و میداین شهرها به معنای واقعی حضور زن و مرد و پیر و جوان و کودک و ...؛ که از نظر مسئولان ذیربط برابر با جنگ رزمندگان در میدان دانسته شده، انسان به یاد آیه ۴ سوره صف می‌افتد: ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیلہ صفا کانهم بنیان مرصوص...؛ خداوند کسانی را دوست دارد که صف زده در راه او جهاد می‌کنند، (و از ثابت قدمی) گویی بنایی پولادین و استوارند. (صف-۴).

### مهدی نظری

عضو هیئت علمی، گروه آموزش تاریخ، دانشگاه فرهنگیان لرستان

## یادداشت چهارصد و چهل و هشت

### ایران مقتدر پساجنگ با مردمانی عزتمند و دلاور در موقعیت سرزمینی تا ابد آزاد و آباد

با سلام و صلوات به روح پرفتوح و نورانی قائد امت اسلام حضرت امام خامنه‌ای (ره) و شهدای والامقام و عزیز ایران و نصرت رزمندگان رشید اسلام در جنگ تحمیلی رژیم فاسد و زبون آمریکا و اسرائیل غاصب به سرزمین عاشورایی ایران اسلامی به اطلاع همه اساتید، نخبگان و خیرخواه ایران اسلامی مقتدر، باشکوه و آباد می‌رسانم: امروزه از رژیم مستکبر و امپریالیسم و کودک کش آمریکا و به اصطلاح باور آنها (نیرومندترین قدرت نظامی جهان) چیزی جز رژیم تجاوز شکست خورده دروغگو برجای نمانده است. ابهت و هیمنه این رژیم که پس از حادثه فجیع بمباران هیروشیما و ناکازاکی ژاپن، جنگ ویتنام و جنگ عراق و دخالت‌های متعدد در کشورهای جهان و لابی‌های ناجوانمردانه در سازمان‌های به اصطلاح عمومی جهانی چون سازمان ملل، و سایر نهاد های بین‌المللی به همراه سیطره رسانه‌های اخباری، تصویری و سینمایی صهیونیستی و آمریکایی در ۶۰ سال گذشته بوجود آمده بود، دیگر نیست و شکسته شده است و امروزه تمامی کشورهای آزاد، خیرخواه، بشر دوست و خداشناس سمت درست تاریخ و نظام‌های فکری انسانی و جهانی را شناختند. امروزه از هر انسانی در سرتاسر جهان سؤال شود، ایران و ایرانی را تحصیل می‌کند. اینک به خواست خداوند و اراده ملت بزرگ ایران و رشادت سربازان جان برکف میدان عملیات رزمی و رسانه‌ای، ایران عزیز طبق گواه تاریخ پیروز می‌شود؛ و ایران پیش رو در مسیرهای پیشرفت و تعالی گام برمی دارد و الگوی ایرانی اسلامی در تمامی جهان به‌عنوان یک برنامه و کاتالوگ جهانشمول برای هر انسان آزاد در جهان به‌عنوان الگو معرفی و جهانی خواهد شد. نکته دیگر موقعیت ژئوپلیتیکی ایران بر اساس نظریات علمی متفکران و دانشمندان جغرافیای سیاسی به‌عنوان هارتلند و قلب سیاسی کره زمین در اختیار ایران و ایرانی بوده و خواهد بود و دشمنان و بدخواهان ایران و ایرانی آرزوی تسلط بر این مرز و بوم را به گور خواهند برد. (تاریخ گواه ماست) انشالله ...

#### ابراهیم تقوی

مقدم عضو هیئت علمی گروه آموزش جغرافیا دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی



## بادداشت چهارصد و چهل و نه

|                            |                            |
|----------------------------|----------------------------|
| کشور ما کشور ایران بُود    | مسکن شیران و دلیران بُود   |
| رستم دستان جهان پهلوان     | مظهر عشق و آزادی در جهان   |
| ای وطن ای مهر تو آیین من   | دوستی‌ات کیش من و دین من   |
| دولت و اقبال تو پاینده باد | نام بلندت به جهان زنده باد |
| بی تو وجود من یک دم مباد   | سایه‌ی تو از سر من کم مباد |

(علینقی وزیری)

ایران سرزمین شگفت آوری است و شاید هیچ سرزمینی به این اندازه در جهان شگفت آور نبوده و نیست. سرزمین ایران از نظر رنگارنگی و گوناگونی بی مانند است. حوادثی که در طول تاریخ بر سر او آمده بدان گونه است که در خور کشوری برگزیده و بزرگ است زیرا که ایران از دوران اساطیری تا به امروز به عنوان «دل زمین» و «قلب زمین» نامیده شده است. اگر قلب از کار افتد دیگر زمینی نیست. پس به همین خاطر باید این قلب سالم بماند. ایران در طول تاریخ هم پیروزی‌های درخشان داشته و هم شکست‌های شرم آور، هم مصیبت‌ها و هم کامروایی‌های بسیار از سر گذرانده است. گویی روزگار همه بلاها و بازی‌های خود را بر ایران و ایرانیان آزموده است ولی ایرانیان با نیروی ایمان، خرد و اندیشه و به واسطه شخصیت‌های ادبی، دینی، علمی و سیاسی خود همه این تندبادهای سهمگین ویرانگر را تبدیل به نسیم آزادی و شکوفایی کرده است. ایران در طول تاریخ خود با وجود تهاجمات ویرانگر شاید سخت جان‌ترین کشور دنیا باشد. دوره‌هایی که با نیمه جانی زندگی کرده اما از نفس نیفتاده و چون بیماری که می‌خواهد نزدیکان خود را بيازمايد، درست در همان لحظه که همه از او امید برگرفته‌اند، چشم می‌گشاید و ققنوس وار از زیر خاکستر بال می‌گشاید و زندگی را از سر گرفته است. پس باید در مقابل این همه شکوه و بزرگی ایران شکرگزار بوده و از آن نگهبانی و حراست کنیم.

### حیدر امیری

مدرس و معاون دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان استان بوشهر

## یادداشت چهارصد و پنجاه ژئوپلیتیکی و اقتصادی تنگه هرمز

تنگه هرمز، به‌عنوان یک آبراه حیاتی، نقش محوری در تجارت جهانی و امنیت انرژی ایفا می‌کند. این تنگه باریک که خلیج فارس را به دریای عمان متصل می‌سازد، مسیری استراتژیک برای انتقال نفت و گاز از کشورهای حاشیه خلیج فارس به بازارهای جهانی به شمار می‌رود. حدود یک‌سوم از کل نفت مصرفی جهان و بخش قابل توجهی از گاز طبیعی مایع (LNG) از این مسیر عبور می‌کنند. اهمیت اقتصادی تنگه هرمز برای ایران و سایر کشورها حاشیه خلیج فارس، فراتر از نقش آن در تجارت جهانی است. این تنگه به‌عنوان دروازه خروجی نفت خام به بازارهای بین‌المللی، منبع اصلی درآمد ارزی برای همه کشورها محسوب می‌شود. کنترل و امنیت تنگه هرمز، برای حفظ منافع اقتصادی ایران و تضمین دسترسی به بازارهای جهانی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اکنون که در جنگ تحمیلی کنونی، ایران مدیریت این تنگه را در دست گرفته است، قابلیت اقتصادی دوچندانی برای آینده خود فراهم ساخته است. از منظر ژئوپلیتیکی، تنگه هرمز به دلیل موقعیت استراتژیک خود، همواره کانون توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بوده است. این آبراه، به‌عنوان یک گلوگاه حیاتی، در جنگ تحمیلی حاضر، تأثیرات قابل توجهی بر ثبات و امنیت منطقه و جهان داشته است. به همین دلیل، حفظ امنیت و مدیریت تنگه هرمز و تضمین عبور کشتیرانی در آن، از اولویت‌های سیاست خارجی ایران است. ایران در جنگ تحمیلی کنونی به درستی این اهمیت را درک کرده و از جغرافیای این تنگه به درستی بهره می‌برد. جنگ پیش آمده اهمیت بسیار بالای این تنگه و فواید امنیتی و اقتصادی آنرا از بالقوه به بالفعل تبدیل نموده است.

حمید عمونیا

عضو هیئت علمی گروه آموزش جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان خراسان جنوبی

